



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

دانشنامه امام محمدی

بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ

تألیف: محمد علی

مجله علمی

جلد ششم

تیم  
عبدالهادی مسعودی

پنجاهی  
موسسه علمی و فرهنگی  
پیشاپیش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشنامه امام مهدی عجل الله فرجه بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۳	دانشنامه امام مهدی عجل الله فرجه بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ جلد ۶
۱۳	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۹	الفصل الرابع: الدُّعَاءُ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ
۲۰	فصل چهارم: دعا برای تعجیل در فَرَج
۲۴	فصل پنجم: زمینه سازی برای حکومت امام مهدی علیه السلام
۲۴	۱/۵: احادیثی که به انقلاب زمینه ساز اشاره دارند
۲۸	۲/۵: نقش قمیان در دفاع از حق و نصرت امام مهدی علیه السلام
۲۸	اشاره
۳۲	پژوهشی در باره مهم ترین وظیفه پیروان اهل بیت در عصر غیبت
۳۲	اشاره
۳۲	دو دیدگاه در باره تأسیس حکومت در عصر غیبت
۳۲	اشاره
۳۲	۱- تأسیس حکومت، مهم ترین وظیفه عصر غیبت
۳۳	یک- ضرورت زمینه سازی برای ظهور امام غایب
۳۴	دو- ضرورت تشکیل حکومت برای زمینه سازی ظهور
۳۵	۲- اختصاص تشکیل حکومت به عصر حضور
۳۶	شواهد دیدگاه دوم
۳۷	یک- احادیث فراگیر شدن ظلم، قبل از ظهور امام مهدی علیه السلام
۳۸	دو- احادیث نهی از قیام، قبل از قیام قائم علیه السلام
۴۳	نقد و بررسی احادیث نهی از قیام
۴۳	الف - ارزیابی سند احادیث نهی از قیام
۴۴	ب - ارزیابی مضمون احادیث نهی از قیام

۴۶	ج - سنجش احادیث نهی از قیام با موازین حدیث شناسی
۴۶	یک- تعارض با قرآن
۴۸	دو- تعارض با سنت
۵۲	سه- تعارض با سیره اهل بیت علیهم السلام
۵۳	چهار- تعارض با احادیث قیام
۵۹	چکیده مطالب
۶۲	۳/۵: قیام گروهی از شرق با پرچم های سیاه رنگ
۶۸	۴/۵: پرچم های سیاه رنگ از خراسان
۶۸	اشاره
۷۳	پژوهشی در باره روایات «رایات سود»
۷۳	اشاره
۷۳	بیان گزارش ها
۷۳	اشاره
۷۳	۱- مصادر
۷۳	الف - مصادر شیعی
۷۵	ب - مصادر اهل سنت
۷۸	۲- احادیث
۷۸	الف - احادیث خالص شیعی
۷۹	نکته
۷۹	ب - احادیث اهل سنت
۷۹	ب/ ۱- احادیث نبوی
۸۰	ب/ ۲- احادیث اهل بیت علیهم السلام
۸۱	ج - آثار
۸۲	جمع بندی
۸۴	بخش هشتم: دعا
۸۴	اشاره

۸۶	فصل یکم: دعاهای اهل بیت علیهم السلام برای امام مهدی علیه السلام
۸۶	۱/۱: دعای امام علی بن ابی طالب علیه السلام
۹۰	۲/۱: دعای امام زین العابدین علیه السلام
۹۲	۳/۱: دعای امام صادق علیه السلام و اندوه او بر طول کشیدن غیبت امام مهدی علیه السلام
۹۸	۴/۱: دعای امام کاظم علیه السلام
۱۰۰	۵/۱: دعای امام رضا علیه السلام
۱۰۸	۶/۱: دعای امام جواد علیه السلام
۱۱۰	۷/۱: دعای امام عسکری علیه السلام
۱۲۲	فصل دوم: دعای امام مهدی برای فرجش
۱۲۲	۱/۲: دعایش هنگام تولد
۱۲۴	۲/۲: دعایش در قنوت
۱۳۰	۳/۲: دعایش نزد کعبه
۱۳۰	۴/۲: دعایش هنگام عبور از وادی السلام
۱۳۲	۵/۲: دعا برای محفوظ ماندن
۱۳۴	۶/۲: دعایش برای آسان شدن کارهای سخت او
۱۳۸	فصل سوم: دعا برای امام مهدی در عیدها
۱۳۸	۱/۳: دعا برای امام در عیدهای چهارگانه «دعای ندبه»
۱۳۸	اشاره
۱۵۸	تحلیلی در باره متن و سند دعای ندبه
۱۵۸	اشاره
۱۵۹	نگاهی به سند دعای ندبه
۱۵۹	۱- دعای ندبه در مصادر کهن
۱۵۹	الف - المزار الكبير، نگاشته محمد بن جعفر، معروف به ابن مشهدی (ق ۶ ق)
۱۶۱	ب - مصباح الزائر، نگاشته سید ابن طاووس (۵۸۹-۶۶۴)
۱۶۲	ج - اقبال الأعمال، نگاشته سید ابن طاووس
۱۶۲	د - زوائد الفوائد، نگاشته جمال الدین علی بن علی بن طاووس

- ه - مزار قدیم، نویسنده نامعلوم (ق ۶ ق) ..... ۱۶۲
- ۲- بررسی سند: ابن مشهدی و سید ابن طاووس ..... ۱۶۲
- ۳- انتساب دعای ندبه به اهل بیت علیهم السلام ..... ۱۶۴
- ۱/۳- قرینه های اجمالی انتساب ..... ۱۶۴
- ۲/۳- انتساب تفصیلی دعا به اهل بیت علیهم السلام ..... ۱۶۶
- پاسخ به یک شبهه ..... ۱۶۹
- ۲/۳: دعا برای امام علیه السلام در روز عید فطر ..... ۱۷۲
- ۳/۳: دعا برای امام علیه السلام در روز جمعه و دو عید ..... ۱۷۶
- ۴/۳: دعا برای امام علیه السلام در عید غدیر ..... ۱۷۸
- فصل چهارم: دعا برای امام مهدی در ماه رمضان ..... ۱۸۴
- ۱/۴: دعا برای امام علیه السلام در هر شب ماه ..... ۱۸۴
- دعای افتتاح ..... ۱۸۴
- ۲/۴: دعای هر روز ماه رمضان برای امام علیه السلام ..... ۱۸۸
- ۳/۴: دعا برای امام علیه السلام در روز سیزدهم رمضان ..... ۱۹۴
- ۴/۴: دعا برای امام علیه السلام در روز بیست و یکم رمضان ..... ۲۰۰
- ۵/۴: دعا برای امام علیه السلام در شب بیست و سوم ..... ۲۰۶
- فصل پنجم: دعا برای امام مهدی در روز جمعه ..... ۲۱۰
- ۱/۵: دعا برای او پس از نماز جعفر طیار در روز جمعه ..... ۲۱۰
- ۲/۵: دعا برای او پس از ظهر جمعه ..... ۲۱۲
- ۳/۵: دعا برای او در خطبه نماز جمعه ..... ۲۱۴
- ۴/۵: دعا برای او در قنوت نماز جمعه ..... ۲۱۶
- ۵/۵: دعا برای او پس از عصر روز جمعه ..... ۲۱۸
- فصل ششم: دعا برای امام مهدی در وقت های دیگر ..... ۲۲۲
- ۱/۶: دعا برای او در شب نیمه شعبان ..... ۲۲۲
- ۲/۶: دعا برای او در روز عرفه ..... ۲۲۴
- ۳/۶: دعا برای او در روز دحو الارض (گسترده شدن زمین) ..... ۲۳۰



- ۴/۶: دعا برای او در روز عاشورا ..... ۲۳۲
- ۵/۶: دعا برای او پس از نمازهای واجب ..... ۲۳۸
- ۶/۶: دعا برای او پس از نماز صبح ..... ۲۴۰
- ۷/۶: دعای پگاه «دعای عهد» ..... ۲۴۲
- ۸/۶: دعا برای او پس از نماز ظهر ..... ۲۵۰
- ۹/۶: دعا برای او بعد از نماز عصر ..... ۲۵۲
- ۱۰/۶: در نماز شب، پس از رکعت چهارم ..... ۲۵۶
- ۱۱/۶: دعا برای او در قنوت نماز وتر ..... ۲۵۶
- ۱۲/۶: دعا برای او در زیارت امام جواد علیه السلام ..... ۲۶۰
- ۱۳/۶: دعا برای او پس از نماز امام زمان ..... ۲۶۴
- فصل هفتم: دعا برای امام مهدی در هر حال ..... ۲۶۸
- ۱/۷: دعای فرج (اللهم کن لولیک القائم) ..... ۲۶۸
- ۲/۷: دعای «خدایا، از ولایت (بلاها را) دفع کن» ..... ۲۷۰
- ۳/۷: دعای معرفت ..... ۲۷۶
- ۴/۷: دعای صلوات ..... ۲۸۶
- اشاره ..... ۲۸۶
- پژوهشی در باره حکمت دعا برای امام زمان ..... ۲۹۷
- اشاره ..... ۲۹۷
- موضوعات ادعیه ..... ۲۹۷
- سؤال ها ..... ۳۰۰
- مقدمات بحث ..... ۳۰۱
- پاسخ سؤال یک تا سه ..... ۳۰۳
- پاسخ سؤال چهار ..... ۳۰۴
- پاسخ سؤال پنج ..... ۳۰۵
- پاسخ سؤال شش ..... ۳۰۶
- پاسخ سؤال هفت ..... ۳۰۸

۳۱۰	فصل هشتم: دعاهای رسیده از امام مهدی
۳۱۰	۱/۸: دعای «خدایا! بلا فزونی گرفت»
۳۱۲	۲/۸: دعای «ای که زیبا را آشکار می کنی»
۳۱۴	۳/۸: دعای فرج (اللَّهُمَّ رَبِّ التَّوْرِ الْعَظِيمِ)
۳۱۶	۴/۸: دعا برای حاجت خواهی
۳۲۰	۵/۸: دعای او برای خواسته های دنیایی و آخرتی
۳۲۲	۶/۸: دعای بهره شب
۳۲۴	۷/۸: دعا برای مردان و زنان با ایمان
۳۲۶	۸/۸: دعای هر روز از ماه رجب
۳۲۸	۹/۸: دعای توسل به دو مولود رجب
۳۳۰	۱۰/۸: دعایی دیگر برای هر روز از ماه رجب
۳۳۴	۱۱/۸: دعای مشاهد مشرفه در ماه رجب
۳۳۶	۱۲/۸: دعای روز بیست و هفتم رجب
۳۴۲	فصل نهم: استخاره های منسوب به امام مهدی
۳۴۲	۱/۹: استخاره به دعا
۳۴۴	۲/۹: استخاره با تسبیح
۳۴۶	۳/۹: استخاره مصری
۳۴۶	اشاره
۳۴۹	پژوهشی در باره استخاره های منسوب به امام زمان
۳۴۹	اشاره
۳۵۲	۱- حدیث اول
۳۵۲	سند گزارش ابن طاووس
۳۵۲	۲- استخاره مصری
۳۵۶	۳- استخاره با تسبیح و عدد
۳۵۸	۴- استخاره با تسبیح
۳۵۸	نتیجه گیری

۳۶۰	فصل دهم: توسل به امام مهدی - - - - -
۳۶۰	۱/۱۰: دعای «خدایا! بلا فزونی گرفت» - - - - -
۳۶۲	۲/۱۰: دعای «ای که زیبا را آشکار می کنی» - - - - -
۳۶۴	۳/۱۰: دعای ابو الوفا - - - - -
۳۷۰	سخنی در باره توسل به امام زمان به وسیله عریضه - - - - -
۳۷۰	اشاره - - - - -
۳۷۱	جواز شرعی - - - - -
۳۸۳	بخش نهم: زیارت ها - - - - -
۳۸۳	اشاره - - - - -
۳۸۵	فصل اول: زیارت های امام مهدی علیه السلام - - - - -
۳۸۵	۱/۱: زیارت نخست: زیارت آل یس - - - - -
۳۸۵	الف - زیارت آل یس به روایت الاحتجاج - - - - -
۳۸۵	اشاره - - - - -
۳۸۹	دعای پس از این زیارت - - - - -
۳۹۳	ب - زیارت آل یس به روایت المزار الكبير - - - - -
۳۹۳	اشاره - - - - -
۳۹۵	توجه - - - - -
۴۰۱	دعای پس از این زیارت - - - - -
۴۰۴	پژوهشی در باره سند و متن زیارت آل یس - - - - -
۴۰۴	اشاره - - - - -
۴۰۶	دو گزارش متفاوت - - - - -
۴۰۷	اسناد زیارت آل یس - - - - -
۴۱۰	جمع بندی مباحث سندی - - - - -
۴۱۱	در باره متن زیارت آل یس - - - - -
۴۱۹	۲/۱: زیارت دوم - - - - -
۴۲۱	۳/۱: زیارت سوم - - - - -

۴۲۱ ..... اشاره

۴۲۷ ..... زیارت هنگام وارد شدن به سرداب

۴۲۹ ..... زیارت چهارم: ۴/۱

۴۳۳ ..... زیارت پنجم: ۵/۱

۴۳۷ ..... زیارت ششم: ۶/۱

۴۶۲ ..... درباره مرکز

## دانشنامه امام مهدی عجل الله فرجه بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ جلد ۶

### مشخصات کتاب

سرشناسه: محمدی ری شهری ، محمد، ۱۳۲۵ -

عنوان و نام پدیدآور: دانشنامه امام مهدی عجل الله فرجه بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ (فارسی - عربی) / محمدی ری شهری ، با همکاری سیدمحمد کاظم طباطبایی و جمعی از پژوهشگران ؛ ترجمه عبدالهادی مسعودی ؛ [به سفارش] پژوهشگاه قرآن و حدیث.

مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۳ -

مشخصات ظاهری: ۱۰ ج.

شابک: ۱۶۰۰۰۰۰ ریال: دوره : ؛ ۱۹۰۰۰۰۰ ریال (دوره، چاپ دوم)؛ ج. : -۴۹۳-۷۵۴-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸-۵۱۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۷۵۴-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸-۲-۷۵۵؛ ج. : ۹-۷۵۶-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ج. : ؛ ج. : ؛ ج. : ۵. ج. : ۳-۹۷۸-۷۵۸-۴۹۳-۹۶۴-۶۴۹۷۸-۷۵۷-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸-۲۳۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸-۷۵۹-۴۹۳-۹۶۴-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ج. : ۰-۷۶۲-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ج. : ۳-۷۶۱-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ج. : ۷. ج. : ۶-۷۶۰-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ج. : ۶. ج. : ۰-۷۵۹-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ج. : ۹. ج. : ۷-۷۶۳-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸ ؛ ج. : ۱۰. ج. : ۴-۷۶۴-۴۹۳-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: ج. ۱ تا ۱۰ (چاپ دوم: ۱۳۹۳).

یادداشت: جلد اول تا دهم این کتاب در سال ۱۳۹۵ تجدید چاپ شده است.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم ، ۲۵۵ق -

موضوع: محمد بن حسن (عج) ، امام دوازدهم ، ۲۵۵ق. - - غیبت

شناسه افزوده: طباطبائی ، سیدمحمد کاظم ، ۱۳۴۴ -

شناسه افزوده: مسعودی ، عبدالهادی ، ۱۳۴۳ - ، مترجم

شناسه افزوده: پژوهشگاه قرآن و حدیث

شناسه افزوده: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث . سازمان چاپ و نشر

رده بندی کنگره: BP51 / م ۲۳۳۲ د ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۴۳۷۷۱

ص: ۱

**اشاره**

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢





دانشنامه امام مهدی عجل الله فرجه بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ (فارسی - عربی)

محمدی ری شهری

با همکاری سیدمحمد کاظم طباطبایی و جمعی از پژوهشگران؛ ترجمه عبدالهادی مسعودی

[به سفارش] پژوهشگاه قرآن و حدیث.

ص: ۴



## الفصل الرابع: الدعاء بتعجيل الفرج

### الفصل الرابع: الدعاء بتعجيل الفرج

١٠١٠. كمال الدين: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدِ الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ، فَقَالَ لِي مُبْتَدئًا:

... وَاللَّهِ لَيَغَيِّنَنَّ غَيِّبَهُ لَا يَنْجُو فِيهَا مِنَ الْهَلَكَةِ إِلَّا مَنْ تَبَتَّهُ اللَّهُ عِزُّهُ وَجَلَّ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ، وَوَفَّقَهُ فِيهَا لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ.

١٠١١. الغيبة للطوسي: أَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ قَوْلَوَيْهِ وَأَبِي غَالِبِ الزُّرَّارِيِّ (وغيرهما)، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيِّ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ، قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعَمَرِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنْ يُوَصِّلَ لِي كِتَابًا قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشَكَلْتُ عَلَى، فَوَرَدَ التَّوْقِيعُ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الدَّارِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:...

وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ فِي غَيْبَتِي فَكَالْإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ، وَإِنِّي لِأَمَانُ أَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ، فَأَغْلِقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْينُكُمْ، وَلَا تَتَكَلَّفُوا عَلَيَّ مَا قَدْ كُفَيْتُمْ، وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِسْحَاقَ بْنَ يَعْقُوبَ وَعَلَى

## فصل چهارم: دعا برای تعجیل در فرَج

۱۰۱۰. کمال الدین - با سندش به نقل از احمد بن اسحاق بن سعد اشعری - : بر ابو محمّد حسن بن علی (امام عسکری علیه السلام) وارد شدم و می خواستم از جانشین پس از ایشان بپرسم که قبل از پرسش من فرمود: «به خدا سوگند، او چنان غایب می شود که تنها، کسی از هلاک شدن نجات می یابد که خدای عز و جل، او را بر اعتقاد به امامتش استوار و در آن روزگار، به دعا برای تعجیل در فرَجش، موفق بدارد».<sup>(۱)</sup>

۱۰۱۱. الغیبه، طوسی - با سندش به نقل از اسحاق بن یعقوب - : از محمّد بن عثمان عمری - که خدا رحمتش کند - خواستم نامه ای را برایم [به امام زمان علیه السلام] برساند که در آن از مسائلی که برایم مشکل شده بود، پرسیده بودم. تویع به خطّ مولایمان، صاحب الدار علیه السلام آمد: «... و اما چگونگی سود بردن از من در غیبتم، مانند سود بردن از خورشید است، هنگامی که ابر، آن را از دیده ها پنهان می دارد، و من، مایه ایمنی اهل زمین هستم، همان گونه که ستارگان، مایه ایمنی اهل آسمان اند. پس درهای سؤال را از آنچه به کارتان نمی آید، ببندید و [بیش از] آنچه را کفایت شده اید، بر دوش خود منهد، و برای تعجیل در فرج، فراوان دعا کنید که این،

ص: ۷

---

۱- (۱) کمال الدین: ص ۳۸۴ ح ۱ (با سند معتبر)، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۴۸، الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۳۱، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۳ ح ۱۶. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر. ک: همین دانش نامه: ج ۳ ص ۱۴۸ ح ۵۳۵.

١٠١٢. تفسير العياشى: عَنْ فَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

أَوْحَى اللَّهُ إِلَى إِبْرَاهِيمَ أَنَّهُ سَيُولَدُ لَكَ، فَقَالَ لِسَارَةَ، فَقَالَتْ: «أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ» ١ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: أَنَّهَا سَيَتَلَدُ وَيُعِدُّبُ أَوْلَادَهَا أَرْبَعِمِئَةٍ سَنَةٍ بِرَدِّهَا الْكَلَامَ عَلَيَّ.

قَالَ: فَلَمَّا طَالَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ الْعَذَابُ، ضَجَّجُوا وَبَكَوا إِلَى اللَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى وَهَارُونَ أَنْ يُخَلِّصَهُمْ مِنْ فِرْعَوْنَ، فَحَطَّ عَنْهُمْ سَبْعِينَ وَمِئَةَ سَنَةٍ.

قَالَ: وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَكَذَا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا، فَأَمَّا إِذَا لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الْأَمْرَ يَنْتَهَى إِلَى مُنْتَهَاهُ.

١٠١٣. الكافي: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَادٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ، قَالَ: أَمَلَى عَلَيَّ هَذَا الدُّعَاءَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ جَامِعٌ لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، تَقُولُ بَعْدَ حَمْدِ اللَّهِ وَالشَّانِ عَلَيْهِ:

اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَرَوْحَهُمْ، وَرَاحَتَهُمْ، وَسُرُورَهُمْ.

فرج شماس. و سلام بر تو - ای اسحاق بن یعقوب - و سلام بر کسی که راه هدایت بیوید! (۱).

۱۰۱۲. تفسیر العیاشی - به نقل از فضل بن ابو قرة -: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«خداوند به ابراهیم وحی کرد که به زودی، فرزندی برایت به دنیا می آید. آن را به ساره گفت. وی گفت: «من با این پیری و کهن سالی، بیچه می زایم؟!». خداوند به ابراهیم وحی کرد: او به زودی بیچه دار می شود؛ اما چون سخن مرا رد کرد، فرزندان او چهارصد سال به سختی می افتند.

هنگامی که سختی بنی اسرائیل به درازا کشید و چهل روز به گریه و ناله پرداختند، خداوند به موسی وحی کرد که آنان را از دست فرعون آزاد کند و از این رو، صد و هفتاد سال عذاب از آنها برداشته شد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «شما نیز این گونه هستید. اگر شما نیز چنین کنید، خداوند از کارتان گره می گشاید؛ اما اگر این گونه نکنید، امر تا نهایتش می رود». (۲).

۱۰۱۳. الکافی - با سندش به نقل از عمرو بن ابو مقدم -: امام صادق علیه السلام این دعا را - که جامع دنیا و آخرت است - بر من املا فرمود: «پس از حمد و ثنای الهی می گویی: "خدایا! تو خداوندی هستی که معبودی جز تو خدای بردبار بخشنده نیست و تو خدایی هستی که معبودی جز تو خدای عزیز حکیم نیست و تو خدایی هستی که معبودی جز تو خدای یگانه چیره نیست.... خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و فرجشان، آسودگی، راحتی و شادی شان را نزدیک گردان".» (۳).

ص: ۹

۱- (۱) الغیبه، طوسی: ص ۲۹۰-۲۹۲ ح ۲۴۷ (با سند معتبر)، کمال الدین: ص ۴۸۳ ح ۴، الاحتجاج: ج ۲ ص ۵۴۲-۵۴۵، الخرائج و الجرائح: ج ۳ ص ۱۱۳-۱۱۵ ح ۳۰، إعلام الوری: ج ۲ ص ۲۷۰-۲۷۲، کشف الغمّه: ج ۳ ص ۳۲۱، بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۸۰ ح ۱۰. نیز ر. ک: همین دانش نامه: ج ۴ ص ۴۲۷ (پاسخ پرسش های اسحاق بن یعقوب).

۲- (۲) تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۱۵۴ ح ۴۹، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۳۱ ح ۳۴.

۳- (۳) الکافی: ج ۲ ص ۵۸۳ ح ۱۸ (با سند معتبر).

١٠١٤. سنن ابن ماجه: حَدَّثَنَا حَرَمَلَهُ بْنُ يَحْيَى الْمِصْرِيُّ وَإِبْرَاهِيمُ بْنُ سَعِيدِ الْجَوْهَرِيُّ، قَالَا:

ثَنَا أَبُو صَالِحٍ عَبْدُ الْغَفَّارِ بْنُ دَاوُدَ الْحَرَّانِيُّ، ثَنَا ابْنُ لَهَيْعَةَ، عَنْ أَبِي زُرْعَةَ عَمْرٍو بْنِ جَابِرِ الْحَضْرَمِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ جَزَاءِ الزَّيْدِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيُؤْتُونَ لِلْمَهْدِيِّ، يَعْنِي (١) سُلْطَانَهُ. (٢)

١٠١٥. الغيبة للنعماني: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ، عَنْ أَخِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلْبِيِّ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى، عَنْ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَى بْنِ سَامٍ، عَنْ أَبِي خَالِدِ الْكَايَلِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

كَأَنِّي بَقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا

١- (١) ليس في المعجم الأوسط «يعني» وفي شرح الأخبار «فيعطون المهدي سلطانه يدعونه».

٢- (٢) في الزوائد: في إسناده عمرو بن جابر الحضرمي وعبد الله بن لهيعة وهما ضعيفان.

۱/۵: احادیثی که به انقلاب زمینه ساز اشاره دارند

۱۰۱۴. سنن ابن ماجه - با سندش به نقل از عبد الله بن حارث بن جزء زبیدی - پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مردمی از شرق، قیام می کنند و برای حکومت مهدی، زمینه را آماده می کنند».(۱)

۱۰۱۵. الغیبه، نعمانی - با سندش به نقل از ابو خالد کابلی - امام باقر علیه السلام فرمود: «گویی می بینم گروهی را که در شرق در پی گرفتن حق، قیام می کنند؛ اما آن را به ایشان نمی دهند. دوباره آن را می طلبند؛ ولی به آنها داده نمی شود. پس چون این وضعیت را می بینند، شمشیرهایشان را بر گردن خود می نهند. آنچه را خواسته بودند، به ایشان می دهند، اما دیگر آن را نمی پذیرند تا این که قیام می کنند و آن را جز به صاحبان نمی سپرند. کشتگان آنها شهیدند. هان! من اگر آن زمان را درک می کردم، خود را

ص: ۱۱

---

۱- (۱) سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۸ ح ۴۰۸۸، المعجم الأوسط: ج ۱ ص ۹۴ ح ۲۸۵ (در این منبع، «حکومت» نیامده است)، کتر العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۳ ح ۳۸۶۵۷؛ کشف الغمه: ج ۳ ص ۲۶۷، شرح الأخبار: ج ۳ ص ۳۶۵ ح ۱۲۳۶، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۷.



يُعْطُونَهُ، فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سِيوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ، فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا، وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ، قَتَلَهُمْ شُهَدَاءٌ، أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.

١٠١٦. الإقبال: هذا ما رَوَيْنَاهُ وَرَأَيْنَاهُ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

اللَّهُ أَجَلٌ وَأَكْرَمٌ وَأَعْظَمٌ مِنْ أَنْ يَنْزُكَ الْأَرْضَ بِإِمامٍ عَادِلٍ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، فَأَخْبَرَنِي بِمَا أَسْتَرِيحُ إِلَيْهِ.

قَالَ: يَا أبا مُحَمَّدٍ، لَيْسَ يَرَى أُمَّهُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَزَجًّا أَبَدًا مَا دَامَ لَوْلِدِ بَنِي فُلَايِنٍ مُلْكٌ حَتَّى يَنْقَرِضَ مُلْكُهُمْ، فَإِذَا انْقَرَضَ مُلْكُهُمْ أَتَاكَ اللَّهُ لِأَمِّهِ مُحَمَّدٍ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، يُشِيرُ بِالتَّقَى وَيَعْمَلُ بِالْهُدَى وَلَا يَأْخُذُ فِي حُكْمِهِ الرُّشَا (١)، وَاللَّهُ، إِنِّي لَأَعْرِفُهُ بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ، ثُمَّ يَأْتِينَا الْغَلِيظُ الْقَصِيرُ ذُو الْخَالِ وَالشَّامَتَيْنِ، الْقَائِمُ الْعَادِلُ الْحَافِظُ لِمَا اسْتَوْدِعَ، يَمَلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَهَا الْفُجَارُ جَوْرًا وَظُلْمًا.

١٠١٧. الكافي: عَدَّهُ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَطَلِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» (٢) قَالَ:

قَتَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَطَعَنَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، «وَلَتُغْلَنَ عَلْوًا كَبِيرًا» قَالَ: قَتَلَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فَإِذَا جَاءَ وَعَدُّ أَوْلَاهُمَا»، فَإِذَا جَاءَ نَصْرُ دَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ

ص: ١٢

١- (١) الرِّشْوَةُ وَالرُّشْوَةُ: الْوَصْلَةُ إِلَى الْحَاجَةِ بِالْمَصْنَعَةِ، فَالرَّاشِي: مَنْ يُعْطَى الَّذِي يَعِينُهُ عَلَى الْبَاطِلِ، وَالْمُرْتَشِي: الْآخِذُ (النِّهَايَةُ: ج ٢ ص ٢٢٦ «رِشَا»).

٢- (٢) الْإِسْرَاءُ: ٤.

برای صاحب این امر، خود را نگاه می‌داشتم» (۱).

۱۰۱۶. الإقبال - به نقل از ابو بصیر - : امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند، باشکوه تر و کریم تر و بزرگ تر از آن است که زمین را بدون امام رها کند».

گفتم: فدایت شوم! به من چیزی بگو که آسوده خاطر شوم.

فرمود: «ای ابو محمد! امت محمد صلی الله علیه و آله تا آن گاه که فرزندان بنی فلان حکومت دارند، هیچ گاه فرجی نخواهند دید تا آن که حکومت اینان منقرض شود و چون حکومتشان منقرض شود، خداوند، مردی از ما اهل بیت را مقدر کرده که به پرهیزگاری، راه نمایی و به هدایت، رفتار می‌کند و در حکمش رشوه نمی‌گیرد و به خدا سوگند، او را با نام خودش و نام پدرش می‌شناسم. سپس آن مرد سبیر نیرومند خالدار نشاندار، قائم به عدالت و حافظ امانت های به او سپرده شده، می‌آید و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان گونه که بدکاران، آن را از ظلم و ستم پر کرده اند» (۲).

۱۰۱۷. الکافی - با سندش به نقل از عبد الله بن قاسم بطل - : امام صادق علیه السلام فرمود: «سخن خداوند متعال: «و در کتاب [تورات] به بنی اسرائیل اعلام کردیم که شما دو بار در زمین تباهی می‌کنید»، [دو بار تباه کردن] یعنی کشتن علی بن ابی طالب علیه السلام و نیزه زدن به حسن علیه السلام».

«و گردنکشی بزرگی می‌کنید»، یعنی کشتن حسین علیه السلام. «و چون هنگام [کیفر] نخستین تباهکاری فرا رسید»، یعنی هنگام یاری برای انتقام خون حسین علیه السلام. «بندگانی سخت جنگاور را از خودمان بر شما می‌گماریم که تا درون خانه هایتان را بکاوند»، یعنی گروهی که خداوند، ایشان را پیش از قیام قائم بر می‌انگیزد و هیچ خون ریخته شده ای از

ص: ۱۳

۱- (۱) الغیبه، نعمانی: ص ۲۷۳ ح ۵۰ (با سند معتبر)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۴۳ ح ۱۱۶.

۲- (۲) الإقبال: ج ۳ ص ۱۱۶، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۶۹ ح ۱۵۸.

عباداً لنا أولى بآسٍ شديدٍ فجاسوا خلالَ الدِّيارِ؛ قومٌ يبعثُهُمُ اللهُ قبلَ خُروجِ القائمِ عليه السلام، فلا يدعونَ وترًا لآلِ مُحَمَّدٍ إلَّا قتلوه، «وَ كَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا» ١ خُروجِ القائمِ عليه السلام.

١٠١٨. تفسير العياشي: عن صالح بن سهل، عن أبي عبد الله عليه السلام في قوله: «وَ قَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» قَتَلَ عَلِيٌّ وَطَعَنَ الْحَسَنَ، «وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا» قَتَلَ الْحُسَيْنَ «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا» إِذَا جَاءَ نَصْرُ دَمِ الْحُسَيْنِ «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عَبَادًا لَنَا أَوْلَى بِأَسِّ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ»؛ قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ، لَا يَدْعُونَ وَتْرًا (١) لآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا حَرَقُوهُ «وَ كَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا» قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ.

٢/٥: دَوْرُ الْقُمَّيِّينَ فِي الدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِّ وَنُصْرَةِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ

١٠١٩. بحار الأنوار: بِإِسْنَادِهِ (٢) عَنْ عَفَّانِ الْبَصْرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ لِي: أَتَدْرِي لِمَ سُمِّيَ «قُمَّ»؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَأَنْتَ أَعْلَمُ!

قَالَ: إِنَّمَا سُمِّيَ «قُمَّ» لِأَنَّ أَهْلَهُ يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ -، وَيَقُومُونَ مَعَهُ وَيَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَيَنْصُرُونَهُ.

١٠٢٠. بحار الأنوار: عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَيْسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ الرَّبِيعِ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى

ص: ١٤

١- (٢) الوتر: الجنايه التي يجنيها الرجل على غيره من قتل أو نهب أو سبي، ومنه الموتور لمن قتل له قتيل فلم يدرك بدمه (النهايه: ج ٥ ص ١٤٨ «وتر»). وقال العلامة المازندراني: «ولعل المراد به المتصف بها» (شرح الكافي للمازندراني: ج ١٢ ص ٢٦٠). وقال العلامة المجلسي: «قوله عليه السلام: «وترًا»، الوتر - بالكسر -: الجنايه، أي صاحب وتر وجنايه على آل محمد صلى الله عليه وآله» (مرآة العقول: ج ٢٦ ص ١٢٣).

٢- (٣) أي الحسن بن محمد بن الحسن القمي في كتاب تاريخ قم.

خاندان محمد را و نمی نهند، جز آن که قاتلش را می کشند. «و این، وعده ای شدنی است»، یعنی خروج و قیام قائم». (۱)

۱۰۱۸. تفسیر العیاشی - به نقل از صالح بن سهل - : امام صادق علیه السلام فرمود: «و در کتاب [تورات] به بنی اسرائیل اعلام کردیم که شما دو بار در زمین تباهی می کنید»، [دو بار تباہ کردن] یعنی کشتن علی بن ابی طالب علیه السلام و نیزه زدن به حسن علیه السلام. «و گردنکشی بزرگی می کنید»، یعنی کشتن حسین علیه السلام. «و چون هنگام [کیفر] نخستین تباہکاری فرا رسید»، یعنی هنگام یاری برای انتقام خون حسین علیه السلام. «بندگانی سخت جنگاور را از خودمان بر شما می گماریم که تا درون خانه هایتان را بکاوند»، یعنی گروهی که خداوند، ایشان را پیش از خروج قائم بر می انگیزد و هیچ خون ریخته شده ای از خاندان محمد را و نمی نهند، جز آن که جنایتکارش را می سوزانند. «و این، وعده ای شدنی است»، یعنی پیش از قیام قائم». (۲)

## ۲/۵: نقش قمیان در دفاع از حق و نصرت امام مهدی علیه السلام

### اشاره

۱۰۱۹. بحار الأنوار - با سندش به نقل از عَفَّان بصری - : امام صادق علیه السلام به من فرمود: «آیا می دانی چرا قم را "قم" نامیده اند؟».

گفتم: خداوند و پیامبرش و شما بهتر می دانید.

فرمود: «آن را قم نامیدند؛ چرا که اهلش به گرد قائم خاندان محمد - که دروهای خدا بر او باد - جمع می شوند و با او قیام می کنند و همراه او پایداری می ورزند و وی را یاری می دهند». (۳)

۱۰۲۰. بحار الأنوار - با سندش به نقل از صفوان بن یحیی بیاع سابری - : روزی نزد امام کاظم علیه السلام بودم. سخن از قم و اهل آن و تمایل آنان به مهدی علیه السلام به میان آمد. امام علیه السلام

ص: ۱۵

---

۱- (۱) الکافی: ج ۸ ص ۲۰۶ ح ۲۵۰، مختصر بصائر الدرجات: ص ۴۸، تأویل الآیات الظاهره: ج ۱ ص ۲۷۷ ح ۷، بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۹۳ ح ۱۰۳.

۲- (۲) تفسیر العیاشی: ج ۲ ص ۲۸۱ ح ۲۰، کامل الزیارات: ص ۱۳۳ ح ۱۵۳، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۵۶ ح ۴۶.

۳- (۳) بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۲۱۶ ح ۳۸ (به نقل از: تاریخ قم).

بِإِيعَابِ السَّابِرِيِّ، قَالَ: كُنْتُ يَوْمًا عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَرَى ذِكْرُ «قُمَّ» وَأَهْلِهِ وَمِيلِهِمْ إِلَى الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَتَرَحَّمْ عَلَيْهِمْ وَقَالَ:

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِلجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَوَاحِدٌ مِنْهَا لِأَهْلِ «قُمَّ»، وَهُمْ خِيَارُ شِيعَتِنَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْبِلَادِ، حَمَّرَ اللَّهُ تَعَالَى وَلَايَتَنَا فِي طَيْبَتِهِمْ.

١٠٢١. بحار الأنوار: رَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا، إِذْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاشُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا».

فَقُلْنَا: جُعِلْنَا فِدَاكَ، مَنْ هُوَ لَئِي؟ فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: هُمْ وَاللَّهِ أَهْلُ «قُمَّ».

١٠٢٢. بحار الأنوار: عَنِ عَلِيِّ بْنِ عِيسَى، عَنِ أَيُّوبَ بْنِ يَحْيَى الْجَنْدَلِيِّ، عَنِ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ «قُمَّ» يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ، يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبَيْرِ (١) الْحَدِيدِ، لَا تُزَلُّهُمْ الرِّيَّاحُ الْعَوَاصِفُ، وَلَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ، وَلَا يَجُبُّونَ، وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ.

راجع: ج ٧ ص ٢٢٦ (القسم العاشر/الفصل الثاني/افاضه العلم من قم إلى سائر البلاد).

ص: ١٦

---

١- (١) زُبَيْرُ الْحَدِيدِ: (بفتح الباء وضمها) أى قطع الحديد (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٧٣٦ «زبر»).

برایشان طلب رحمت کرد و فرمود: «خدا از آنان خوشنود باشد!». سپس فرمود:

«بهشت، هشت در دارد که یکی از آنها برای قمیان است و آنان برگزیدگان شیعیان ما از میان دیگر شهرها هستند. خداوند متعال، ولایت ما را با سرشت ایشان عجین کرده است».<sup>(۱)</sup>

۱۰۲۱. بحار الأنوار - به نقل از یکی از یاران ما - نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که این آیه:

«هنگامی که موعد [کیفر] نخستین گردنکشی فرا رسد، بندگانی سخت جنگاور را از خودمان بر شما می گماریم تا درون خانه هایتان را بکاوند و این، وعده ای شدنی است» را خواند.

گفتم: فدایت شویم! این بندگان کیستند؟

سه بار فرمود: «به خدا سوگند، آنان اهل قم هستند».<sup>(۲)</sup>

۱۰۲۲. بحار الأنوار - با سندش به نقل از ایوب بن یحیی جندل - امام کاظم علیه السلام فرمود: «مردی از اهل قم، مردم را به حق فرا می خواند. گروهی به استواری پاره های آهن، گرد او را می گیرند. توفان های شدید، آنها را نمی لغزاند و از نبرد، خسته نمی شوند و هراسان نمی گردند و بر خدا توکل می کنند، و فرجام، از آن پرهیزگاران است».<sup>(۳)</sup>

ر. ک: ج ۷ ص ۲۲۷ (بخش دهم/فصل دوم/سرازیر شدن علم از قم به دیگر جاها).

ص: ۱۷

- 
- ۱- (۱) بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۲۱۶ ح ۳۹ (به نقل از: تاریخ قم).
  - ۲- (۲) بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۲۱۶ ح ۴۰ (به نقل از: تاریخ قم).
  - ۳- (۳) بحار الأنوار: ج ۶۰ ص ۲۱۶ ح ۳۷، (به نقل از: تاریخ قم).



## اشاره

مسئله بسیار مهمی که در این فصل باید بررسی گردد، این است که: مهم ترین وظیفه مسلمانان، بویژه پیروان اهل بیت علیهم السلام در عصر غیبت امام مهدی علیه السلام چیست؟ آیا آنان در این دوران، وظیفه ای در جهت تأسیس حکومت اسلامی و اقامه ارزش های دینی ندارند؟ آیا وظایف آنها در انجام دادن وظایف فردی، شتاب نکردن در اقامه احکام سیاسی و اجتماعی اسلام، دعا کردن برای ظهور امام غایب، و منتظر ماندن برای ظهور ایشان، خلاصه می شود؟ و آیا مسلمانان، هیچ وظیفه ای در مورد تأسیس حکومتی بر پایه احکام و قوانین اسلامی و زمینه سازی فرهنگی و سیاسی برای حکومت جهانی امام عصر علیه السلام ندارند؟

## دو دیدگاه در باره تأسیس حکومت در عصر غیبت

## اشاره

در باره این مسئله - که بویژه پس از برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله، اهمیت دوچندانی یافته -، دو دیدگاه وجود دارد:

### ۱- تأسیس حکومت، مهم ترین وظیفه عصر غیبت

دیدگاه اول، این است که مهم ترین وظیفه مسلمانان بویژه پیروان اهل بیت علیهم السلام در روزگار غیبت، تأسیس حکومتی است که افزون بر اقامه احکام و حدود الهی، برای حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام نیز زمینه سازی نماید - که موضوع این پژوهش هم هست -.



برای تبیین این دیدگاه، دو مقدمه باید اثبات گردد:

مقدمه اول: ضرورت زمینه سازی برای ظهور امام غایب؛

مقدمه دوم: ضرورت تشکیل حکومت برای زمینه سازی حکومت امام مهدی علیه السلام.

### **یک - ضرورت زمینه سازی برای ظهور امام غایب**

با در نظر گرفتن حکمت غیبت امام عصر علیه السلام،<sup>(۱)</sup> به سادگی می توان به نقش زمینه سازی برای ظهور ایشان و ضرورت آن، پی برد؛ زیرا اصلی ترین فلسفه غیبت ایشان، چیزی جز فراهم نبودن زمینه های لازم جهت تشکیل حکومت جهانی اسلام نیست.

از سوی دیگر، مهم ترین لوازم انتظار حقیقی ظهور امام مهدی علیه السلام - که در احادیث فصل اول این بخش بر آن تأکید شده - فراهم سازی زمینه قیام ایشان است.

همچنین بر اساس احادیثی دیگر - که در فصل سوم آمده اند و از پیروان اهل بیت علیهم السلام می خواهند که در برابر مشکلات دینداری در عصر غیبت، پایداری کنند -، سازش ناپذیری با زمامداران ستمگر و زمینه سازی برای روشنگری و آگاهی توده های مردم در جهت براندازی حکومت آنان و ایجاد حکومت جهانی اسلام، ضروری اند؛ زیرا در غیر این صورت، تأکید بر مشکلات توان فرسای شیعیان در عصر غیبت، بی معناست. بنا بر این، تردیدی در ضرورت زمینه سازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام نیست.

البته چنان که در فصل سوم آمده، عجله و تندروی در سرنگون سازی حکومت جباران، نکوهیده، و به کارگیری نهایت دقت و تدبیر در این باره، لازم و ضروری است.

ص: ۲۰

---

۱- (۱) ر. ک: ج ۳ ص ۱۷۴ (بخش سوم/فصل دوم/تبیین حکمت غیبت).

## دو- ضرورت تشکیل حکومت برای زمینه سازی ظهور

به نظر می رسد مقدمه دوم، یعنی ضرورت تشکیل حکومت جهت زمینه سازی برای ظهور، بسیار بدیهی و روشن است و نیازی به اثبات ندارد. به سخن دیگر، تصور آن برای تصدیقش کافی است؛ زیرا برای زمینه سازی حکومت جهانی اهل بیت علیهم السلام، امکانات در اختیار یک حکومت را نمی توان با امکانات فردی - که با صدها مانع سیاسی و اجتماعی رو به روست - مقایسه کرد. بنا بر این، نقش بنیادین تشکیل حکومت برای زمینه سازی ظهور، غیر قابل انکار است.

نکته ای که در این جا نباید مورد غفلت قرار گیرد، این است که امکانات تبلیغی، به تنهایی برای ترویج معارف اهل بیت علیهم السلام و بستر سازی جهت حکومت جهانی اسلام، کافی نیستند؛ بلکه همان طور که در ره نمودهای اهل بیت علیهم السلام آمده، تبلیغ عملی مدعیان پیروی از اهل بیت علیهم السلام بویژه کارگزاران حکومتی که حکومت به نام آنان تأسیس می شود نیز برای انتقال صحیح پیام های فرهنگی خاندان رسالت، ضروری است. باید توجه داشت که اگر تبلیغ عملی، با تبلیغ رسانه ای همراه نباشد، چه بسا تبلیغات رسانه ای، نتیجه معکوس دهند.

بنا بر این، جمهوری اسلامی ایران، در صورتی که بتواند در عمل، کارایی مکتب اهل بیت علیهم السلام را در زمینه های مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، امنیتی و بویژه در زمینه فرهنگی و سبک زندگی، در معرض دید جهانیان قرار دهد، بی تردید، نوید دهنده ظهور امام عصر علیه السلام و حاکمیت جهانی اسلام خواهد بود.

بر این اساس و با توجه به دو مقدمه ای که گذشت (ضرورت زمینه سازی برای ظهور امام غایب و ضرورت تشکیل حکومت زمینه سازان)، روشن می شود که مهم ترین وظیفه پیروان اهل بیت علیهم السلام، بلکه همه علاقه مندان به حکومت جهانی اسلام، مبارزه با زمامداران جبار حاکم بر جوامع اسلامی و تشکیل حکومتی مبتنی بر

بزرگ‌ترین نظریه پرداز این دیدگاه، امام خمینی رحمه الله است که با رهبری او و مقاومت ملت ایران و ایثار و فداکاری مجاهدان، طلسم حکومت دو هزار و پانصدساله زورمداران بر کشور ایران را شکست و حکومتی بر پایه قوانین اسلامی در این کشور شکل گرفت.

بر اساس این دیدگاه، در عصر غیبت نیز مانند عصر حضور، مسلمانان موظف اند که در حدّ توان، احکام اسلامی را اقامه کنند، و برای انجام دادن این وظیفه، راهی جز تشکیل حکومت دینی ندارند. البته تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت در درجه اول، بر عهده مجتهد جامع شرایط رهبری است<sup>(۲)</sup> و مسئولیت زمینه سازی برای حکومت جهانی اسلام به رهبری امام مهدی علیه السلام بر عهده این حکومت خواهد بود.

## ۲- اختصاص تشکیل حکومت به عصر حضور

دیدگاه دوم، این است که تشکیل حکومت دینی و اجرای احکام اسلامی در جامعه، ویژه خاندان رسالت است، بدین معنا که پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و مدّت کوتاهی از امامت امام حسن علیه السلام تا ظهور امام مهدی علیه السلام، اسلام برنامه ای برای تشکیل حکومت و اجرای حدود الهی ندارد، و مسلمانان و به طور خاص، پیروان اهل بیت علیهم السلام، مکلف به تلاش برای تشکیل حکومت دینی و اقامه ارزش های الهی نیستند و تنها وظیفه آنان، انجام دادن تکالیف فردی است. به عبارت دیگر، هر چند در مسائل حکومتی، تسلیم زورمداران و حتی دشمنان اسلام باشند، حق مبارزه با آنان را ندارند (!) و در یک جمله، در دوران غیبت امام مهدی علیه السلام، دین از سیاست

ص: ۲۲

---

۱- (۱) گفتنی است که افزون بر نقش حکومت دینی در بسترسازی برای ظهور امام مهدی علیه السلام، ضرورت تشکیل چنین حکومتی در عصر غیبت جهت اجرای احکام و قوانین اسلام، مبتنی بر ادله فراوانی از کتاب (قرآن)، سنت و عقل و اجماع است. برای آگاهی بیشتر، ر. ک: دراسات فی ولایه الفقیه: ج ۱، ص ۸۳-۲۰۴.

۲- (۲) ر. ک: صحیفه امام: ج ۲۱ ص ۲۷۸ (پیام امام به مراجع اسلام، ۱۳۶۷/۱۲/۳).

امام خمینی رحمه الله با اشاره به این دیدگاه می فرماید:

استکبار، وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه ها مأیوس شد، دو راه را برای ضربه زدن انتخاب نمود: یکی راه ارباب و زور، دیگری، راه خدعه و نفوذ.

در قرن معاصر، وقتی حربه ارباب و تهدید، چندان کارگر نشد، راه های نفوذ، تقویت گردید. اولین و مهم ترین حرکت، القای شعار «جدایی دین از سیاست» است که متأسفانه این حربه در حوزه روحانیت تا اندازه ای کارگر شده است، تا جایی که دخالت در سیاست، دون شأن فقیه و ورود در معرکه سیاستون، تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می آورد... ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، به مراتب، کاری تر از اغیار بوده و هست.

در شروع مبارزات اسلامی، اگر می خواستی بگویی: شاه خائن است، بلافاصله جواب می شنیدی که شاه شیعه است! ترویج تفکر «شاه، سایه خداست» و یا «با گوشت و پوست نمی توان در مقابل توپ و تانک ایستاد» و این که «ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم» و یا «جواب خون مقتولین را چه کسی می دهد؟» و از همه شکننده تر، شعار گم راه کننده «حکومت قبل از ظهور امام زمان علیه السلام باطل است»، و هزاران «ان قلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جان فرسایی بودند که نمی شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات، جلوی آنها را گرفت. تنها راه حل، مبارزه و ایثار و خون بود. (۱)

### شواهد دیدگاه دوم

در این جا لازم است به احادیثی که به عنوان شاهد و دلیل دیدگاه دوم (اختصاص تشکیل حکومت دینی به عصر حضور)، مورد استناد قرار می گیرند، اجمالاً اشاره و توضیحات لازم ارائه گردد:

ص: ۲۳

---

۱- (۱) صحیفه امام: ج ۲۱ ص ۲۷۸ (پیام امام به مراجع اسلام، ۶۷/۱۲/۳).

## یک - احادیث فراگیر شدن ظلم، قبل از ظهور امام مهدی علیه السلام

دسته اول از احادیثی که ممکن است به عنوان شاهد دیدگاه دوم، مورد بهره برداری قرار گیرند، احادیثی هستند که تأکید می کنند امام مهدی علیه السلام هنگامی ظهور می کند که ظلم و جور، جهان را فرا گرفته است. (۱)

بر پایه این احادیث، فراگیر شدن ظلم، مقدمه ظهور امام غایب است. بنا بر این، ممکن است از این احادیث چنین برداشت شود که هر اقدامی جهت مبارزه با ظلم و استقرار عدل در جامعه، به معنای تلاش برای از بین بردن مقدمه ظهور آن امام و در نتیجه، به تأخیر افتادن ظهور ایشان است. از این رو، منتظران ظهور امام مهدی علیه السلام نه تنها نباید کوچک ترین اقدامی در جهت اصلاح ناهنجاری ها و استقرار عدل و داد در جامعه نمایند، بلکه به عکس باید آنها نیز به گسترش ظلم و تباهی در جهان کمک کنند تا هر چه زودتر امام عصر علیه السلام ظاهر شود (!)

چنین برداشت انحرافی ای از این احادیث، در واقع، به قدری سست و بی اساس است که توضیح آن برای نقد و رد آن، کافی است، چنان که امام خمینی رحمه الله در ادامه پیام به مراجع اسلام، با اشاره به دیدگاه یاد شده می فرماید:

البتّه هنوز حوزه ها به هر دو تفکر آمیخته اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست، از لایه های تفکر اهل جمود، به طلب جوان سرایت نکند....

دیروز، مقدس نماهای بی شعور می گفتند: دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است. امروز می گویند: مسئولین نظام، کمونیست شده اند. تا دیروز مشروب فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان را برای ظهور امام زمان - ارواحنا فداه - مفید و راه گشا می دانستند. امروز این که در گوشه ای خلاف شرعی - که هرگز خواست مسئولین نیست - رخ می دهد، فریاد «و اسلاما» سر

ص: ۲۴

---

۱- (۱) ر. ک: ج ۷ ص ۲۶۳ (فصل دوم/فراگیری ظلم و ستم).

می دهند! دیروز حجتیه ای ها مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحه مبارزات، تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمه شعبان را به نفع شاه بشکنند؛ امروز، انقلابی تر از انقلابیون شده اند.

ولایتی های دیروز - که در سکوت و تحجر خود، آبروی اسلام و مسلمین را ریخته اند [و] در عمل، پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را شکسته اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است -، امروز، خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می خورند.<sup>(۱)</sup>

با اندکی تأمیل در احادیثی که پیشگویی کرده اند قبل از ظهور امام مهدی علیه السلام، ظلم، جهان را فرا خواهد گرفت، مشخص می شود که مقصود آنها، نسخ آیات جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و تعطیل احکام و حدود الهی در عصر غیبت نیست؛ بلکه مقصود، پیشگویی از فراگیر شدن نسبی ستم و تباهی پیش از ظهور دادگستر جهان است، و به سخن دیگر، با همه تلاش هایی که مؤمنان و منتظران راستین، جهت مبارزه با فساد باید انجام دهند، قبل از ظهور منجی موعود، حکومتی که بتواند رژیم های ظالمانه ای را که ظلم آنها فراگیر است، ریشه کن کند و عدالت را در سراسر جهان بگستراند، تحقق نخواهد یافت.

## دو- احادیث نهی از قیام، قبل از قیام قائم علیه السلام

دسته دوم از احادیثی که دستاویز مخالفان تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت است، شامل احادیثی است که در نگاه ابتدایی و سطحی، بر نهی مبارزه با حکومت های فاسد، و لزوم سازش و مسالمت با آنها، قبل از قیام امام مهدی علیه السلام دلالت دارند. مهم ترین احادیث این دسته،<sup>(۲)</sup> به چهار گروه تقسیم می شوند.

گروه اول، احادیثی هستند که رهبران قیام قبل از قیام امام مهدی علیه السلام را «طاغوت»

ص: ۲۵

۱- (۱) صحیفه امام: ج ۲۱ ص ۲۸۱ (پیام امام به مراجع اسلام، ۱۳۶۷/۱۲/۳).

۲- (۲) برای آشنایی بیشتر با احادیثی که در این باره وارد شده، ر. ک: دراسات فی ولایه الفقیه: ج ۱ ص ۲۰۵-۲۵۶.

نامیده اند و به حسب ظاهر دلالت دارند که هر گونه جنبش بر ضدّ ستمگران قبل از نهضت جهانی مهدوی، مذموم و محکوم است، مانند آنچه کلینی رحمه الله، از ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

كُلُّ رَأْيٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ. (۱)

هر پرچمی قبل از قیام قائم برافراشته شود، پرچمدار آن، طاغوت است.

طبق این سخن، قیام بر ضدّ زمامداران ستمگر، قبل از قیام جهانی امام عصر علیه السلام به طور مطلق، جایز نیست و هر کس رهبری آن را به عهده داشته باشد، طاغوت شمرده می شود و مخالفت با او واجب است.

گروه دوم از احادیث این دسته، احادیثی هستند که توصیه می کنند قبل از آشکار شدن نشانه های ظهور امام مهدی علیه السلام، پیروان اهل بیت علیهم السلام نباید در مبارزه بر ضدّ حاکمان جائر شرکت کنند، مانند حدیثی که ثقه الاسلام کلینی رحمه الله از سدیر نقل کرده که امام صادق علیه السلام خطاب به او می فرماید:

يَا سَدِيرُ! الزَّم بَيْتَكَ وَ كُنْ جَلِيسًا مِنْ أَحْلَاسِهِ، وَ اسْكُنْ مَا سَكَنَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ، فَإِذَا بَلَغَكَ أَنَّ السُّفْيَانِيَّ قَدْ خَرَجَ فَارْحَلْ إِلَيْنَا. (۲)

ای سدیر! پیوسته در خانه خود بنشین و همچون پلاسی از پلاس های خانه باش، و تا شب و روز آرام است، آرامش خود را حفظ کن. پس هنگامی که شنیدی سفیانی قیام کرده است، به سوی ما کوچ کن، گرچه با پای پیاده.

همچنین ایشان در حدیثی دیگر از عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام نقل کرده که می گوید:

خَمْسُ عَلَامَاتٍ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ: الصَّيْحَةُ، وَالسُّفْيَانِيُّ، وَالْخَسْفُ، وَقَتْلُ النَّفْسِ الرَّكِيهِ، وَالْيَمَانِيُّ.

ص: ۲۶

---

۱- (۱) الکافی: ج ۸ ص ۲۹۵ ح ۴۵۲. همین مضمون در کتاب الغیبه ی نعمانی (ص ۱۱۴ ح ۹) از مالک بن اعین، از امام باقر علیه السلام نقل شده است.

۲- (۲) الکافی: ج ۸ ص ۲۶۴ ح ۳۸۳، وسائل الشیعه: ج ۱۱ ص ۳۶ ح ۳ و ۱، ۵، ۷، ۸، ۱۴ و ۱۶، همین دانش نامه: ج ۷ ص ۹۸ ح ۱۱۶۶.

فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنْ خَرَجَ أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ قَبْلَ هَذِهِ الْعَلَامَاتِ أَنْخَرُجُ مَعَهُ؟

قَالَ: لَا.

پیش از قیام قائم علیه السلام پنج نشانه است: صیحه آسمانی، قیام سفیانی، فرو رفتن لشکر سفیانی در زمینی به نام بیداء، (۱) کشته شدن نفس زکیه، و قیام یمانی. گفتم:

فدایت شوم! اگر قبل از این نشانه ها، یکی از خاندان شما قیام کرد، آیا با او همراهی کنیم؟ فرمود: نه. (۲)

در حدیث دیگری نیز، در ماجرای قیام ابو مسلم خراسانی و نامه وی به امام صادق علیه السلام، ایشان در باره نشانه هنگام قیام، خطاب به فضل بن کاتب می فرماید:

لَا تَبْرَحِ الْأَرْضَ يَا فَضْلُ حَتَّى يَخْرُجَ الشُّفْيَانِيُّ، فَإِذَا خَرَجَ الشُّفْيَانِيُّ فَأَجِيبُوا إِلَيْنَا - يَقُولُهَا ثَلَاثًا - وَهُوَ مِنَ الْمَحْتَمِمْ. (۳)

از جای خود حرکت مکن تا این که سفیانی قیام کند. پس هر گاه سفیانی قیام کرد، به سوی ما روی آورید (این جمله را سه بار تکرار کرد) و این، از نشانه های حتمی است.

در حدیثی دیگری، ابو بکر حضرمی می گوید: هم زمان با ظهور پرچم های سیاه در خراسان، من و ابان بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم و گفتم: نظر شما چیست؟ امام علیه السلام فرمود:

اجلسوا فی بیوتکم، فَإِذَا رَأَيْتُمُونَا قَدْ اجْتَمَعْنَا عَلَى رَجُلٍ، فَانْهَدُوا إِلَيْنَا بِالسَّلَاحِ. (۴)

در خانه خود بنشینید و هر گاه دیدید که ما گرد مردی جمع شده ایم، با سلاح به سوی ما بشتابید.

این احادیث به حسب ظاهر، دلالت دارند که پیروان اهل بیت علیهم السلام قبل از مشاهده

ص: ۲۷

۱- (۱) بیداء، بیابان بزرگ میان مکه و مدینه است که پس از میقات ذوالحلیفه آغاز می شود.

۲- (۲) ر. ک: ج ۷ ص ۲۱۷ ح ۱۲۸۰.

۳- (۳) ر. ک: ج ۷ ص ۶۶ ح ۱۱۲۸.

۴- (۴) الغیبه، نعمانی: ص ۱۹۷ ح ۶.



نشانه های ظهور امام مهدی علیه السلام، هیچ وظیفه ای برای مبارزه بر دوش ندارند؛ بلکه وظیفه آنها خانه نشینی و همکاری نکردن با قیام کنندگان است.

گروه سوم احادیث، بر وجوب تقیه بویژه قبل از قیام امام مهدی علیه السلام دلالت دارند که مقتضای آنها، حرمت قیام است. دو حدیث حسین بن خالد و محمد بن عماره، از این گروه و به قرار زیرند:

شیخ صدوق به سند خود از حسین بن خالد، از امام رضا علیه السلام نقل کرده که فرمود:

لا- دین لمن لا- ورع له، و لا- ایمان لمن لا- تقیه له، إن أكرمكم عند الله أعمالكم بالتقیه... إلى يوم الوقت المعلوم، و هو يوم خروج قائمنا أهل البيت عليهم السلام، فمن ترك التقیه قبل خروج قائمنا فليس منا. (۱)

کسی که از گناه پرهیز نمی کند، دین ندارد، و کسی که تقیه را رعایت نمی کند، ایمان ندارد. گرامی ترین شما نزد خدا، کسی است که بیشتر تقیه می کند... تا روزی که وقت آن [نزد خدا] معلوم است و آن، روز قیام قائم ما اهل بیت علیهم السلام است. پس هر کس قبل از قیام قائم ما تقیه را ترک کند، از ما نیست.

شیخ صدوق از محمد بن عماره، از پدرش، از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

المؤمن مجاهد لأنه يجاهد أعداء الله تعالى في دونه الباطل بالتقیه و في دونه الحق بالسيف. (۲)

مؤمن [همواره] در حال جهاد است؛ زیرا او در دولت باطل، به وسیله تقیه و در دولت حق، با شمشیر، با دشمنان خدا جهاد می کند.

چه بسا از این گونه احادیث نیز برداشت شود که در حکومت های باطل، قیام مسلحانه، مطلقاً جایز نیست. بنا بر این، پیروان اهل بیت علیهم السلام تا ظهور امام مهدی علیه السلام باید تسلیم حاکم جائر باشند.

ص: ۲۸

۱- (۱) ر. ک: ج ۹ ص ۲۲۸ ح ۱۷۸۹ (کمال الدین).

۲- (۲) علل الشرائع: ج ۲ ص ۴۶۷ ح ۲۲، بحار الأنوار: ج ۶۴ ص ۱۷۲.

مفاد احادیث گروه چهارم، پیشگویی از شکست همه قیام های قبل از قیام مهدوی است، مانند: حدیث مرفوع ربیعی بن عبد الله بن جارود، از امام زین العابدین علیه السلام که ایشان فرمود:

وَاللّٰهُ لَا يَخْرُجُ وَاحِدًا مِّنَّا قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَّا كَانَ مَثَلَهُ مَثَلُ فَرِّخٍ طَارَ مِنْ وَكْرِهِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَوِيَ جَنَاحَاهُ، فَأَخَذَهُ الصَّبِيَانُ فَعَبَثُوا بِهِ. (۱)

به خدا سوگند، پیش از خروج قائم علیه السلام، هیچ یک از ما قیام نمی کند، مگر این که او همچون جوجه ای است که پیش از محکم شدن بال هایش از آشیانه خود پرواز کند. پس [به زمین می افتد و] کودکان، او را می گیرند و با او بازی می کنند (بازیچه دست دیگران می شود).

و نیز حدیث ابو الجارود، زیاد بن منذر که می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود:

لَيْسَ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ أَحَدٌ يَدْفَعُ ضَمِيمًا وَلَا يَدْعُو إِلَىٰ حَقٍّ إِلَّا صَيَّرَعْتَهُ الْبَلِيَّةُ حَتَّىٰ تَقُومَ عِصَابُهُ شَهِدَتْ يَدْرًا لَا يُوَارَىٰ قَتِيلُهَا وَلَا يُدَاوَىٰ جَرِيحُهَا. (۲)

هیچ یک از ما اهل بیت نیست که ظلم و ناروایی را دفع و مردم را به حق دعوت کند، مگر این که گرفتاری، او را به زانو در می آورد، تا این که گروهی که در جنگ بدر حضور یافتند، قیام کنند؛ گروهی که کشتگانشان به خاک سپرده نمی شوند و زخمی های آنها مداوا نمی گردند.

در پایان این حدیث، راوی می گوید: مقصود امام باقر علیه السلام از این گروه، فرشتگان بود.

ص: ۲۹

---

۱- (۱) الکافی: ج ۸ ص ۲۶۹ ح ۳۸۲. همین مضمون در کتاب الغیبه ی، نعمانی: (ص ۲۰۶ ح ۱۴) از امام باقر علیه السلام نیز نقل شده است.

۲- (۲) الغیبه، نعمانی: ص ۲۰۲ ح ۳.

و نیز حدیث متوکل بن هارون که از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

مَا خَرَجَ وَلَا يَخْرُجُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامِ قَائِمِنَا أَحَدٌ لِيُدْفَعَ ظُلْمًا أَوْ يَنْعَشَ حَقًّا إِلَّا اصْطَلَمَتْهُ الْبَلِيَّةُ، وَ كَانَ قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوهِنَا وَ شِيْعِنَا. (۱)

هیچ یک از ما اهل بیت تا قیام قائم ما برای جلوگیری از ستمی و به پا داشتن حقی، قیام نمی کند، مگر این که ریشه کنی بلا بد نیست و قیام او بر اندوه ما و پیروان ما می افزاید.

هرچند در این دسته از احادیث، قیام قبل از ظهور امام مهدی علیه السلام نهی نشده، لیکن ظاهر مفاد آنها، باطل دانستن این گونه قیام هاست؛ زیرا نه تنها نتیجه ای ندارد و به شکست می انجامد، بلکه موجب آن است که قیام کننده، بازپچه دست سیاست بازان شود و سرنوشت وی و همراهانش، اندوه اهل بیت علیهم السلام را افزون نماید.

### نقد و بررسی احادیث نهی از قیام

به منظور نقد و ارزیابی این دسته از احادیث، لازم است ابتدا سند آنها و سپس محتوای آنها بررسی شوند و سرانجام، مضمون آنها بر موازین اصولی نقد و ارزیابی حدیث، عرضه شود.

### الف - ارزیابی سند احادیث نهی از قیام

بسیاری از احادیث که ملاحظه شدند، از نظر سند، معتبر نیستند؛ (۲) لیکن نکته مهم این است که اگر سند همه این احادیث هم صحیح فرض شوند، آنچه در نظر ابتدایی از این احادیث برداشت می شود، قطعاً مقصود نیست. این نکته را در ارزیابی مضمون آنها توضیح خواهیم داد.

ص: ۳۰

۱- (۱) صحیفه سجّادیه: ص ۱۱.

۲- (۲) برای آگاهی از ارزیابی کامل سند احادیثی که در این باره وارد شده، ر. ک: دراسات فی ولایه الفقیه: ج ۱ ص ۲۰۵-۲۵۶.

در بررسی محتوا و مضمون احادیث نهی از قیام، با در نظر گرفتن فضای صدور آنها، چند نکته قابل توجه است:

۱. دسته اول از این احادیث، هر چند به ظاهر، مطلق اند و پرچمدار همه قیام های قبل از قیام مهدوی را طاغوت خوانده اند، لیکن با ملاحظه آنها در کنار احادیثی که قیام زید(۱) یا شهدای فخر(۲) را مورد تأیید قرار داده اند، معلوم می شود که اطلاق آنها مقصود نیست؛ بلکه مقصود، «پرچمداران قیام های باطل» اند، چنان که در حدیثی از امام باقر علیه السلام به این معنا تصریح شده است:

من رفع رایه ضلاله فصاحبها طاغوت.(۳)

کسی که پرچم گم راهی را برافرازد، پرچمدار آن، طاغوت است.

همچنین با در نظر گرفتن معنای صدور این احادیث و احادیث دسته دوم، مشخص می شود که مقصود از آنها، نهی از تلاش برای تشکیل حکومت عدل بر پایه قوانین اسلامی نیست؛ زیرا این احادیث، در فضایی صادر شده اند که بسیاری از پیروان اهل بیت علیهم السلام تصور می کردند زمینه برای تحقق حکومت جهانی اهل بیت علیهم السلام فراهم است؛ چرا که حکومت بنی امیه به دلیل جنایاتش، دیگر پایگاه اجتماعی نداشت و روزهای پایانی خود را سپری می کرد و حکومت بنی عباس هم تشکیل نشده و در آغاز راه بود، و از سوی دیگر، محبوبیت خاندان رسالت در جامعه اسلامی، در حال افزایش بود، به گونه ای که رهبران جنبش ها از نام آنان برای جذب هواداران بهره برداری می نمودند.

در چنین فضایی، به طور طبیعی، پیروان اهل بیت علیهم السلام به این تحلیل می رسیدند

ص: ۳۱

---

۱- (۱) ر. ک: ص ۴۳.

۲- (۲) ر. ک: ص ۴۴.

۳- (۳) الکافی: ج ۸ ص ۲۹۷ ح ۴۵۶.

که بهترین فرصت برای تشکیل حکومت موعود اهل بیت علیهم السلام فراهم شده است؛ ولی امام صادق علیه السلام با دیدن خطای آنها در تحلیل، با تعبیرهای گوناگون تأکید فرمود که حکومت جهانی اهل بیت علیهم السلام نشانه‌هایی دارد که تا تحقق نیابند، پیروان آنان باید منتظر بمانند.

بر این اساس، معنای این گونه احادیث، تن دادن به حکومت جباران و مخالفت با تلاش جهت تشکیل حکومت صالحان تا روزی که نشانه‌های حکومت جهانی اهل بیت علیهم السلام آشکار شوند، نیست؛ بلکه بدین معناست که پیروان اهل بیت علیهم السلام با نهضت‌هایی مانند قیام ابو مسلم خراسانی، همراهی نکنند.

۲. در احادیث یاد شده، افزون بر هشدار به قیام‌هایی که با انگیزه نفسانی و به نام اقامه عدل و ارزش‌های اسلامی صورت می‌گیرند، نکته دیگری قابل توجه است و آن، روشنگری در باره قیام امام مهدی علیه السلام و معرفی مهدیان دروغین (۱) است، بدین معنا که قبل از آشکار شدن نشانه‌های ظهور امام مهدی علیه السلام، هر کس به نام ایشان قیام کند، طاغوت شمرده می‌شود و قیام او باطل و محکوم به شکست است.

۳. دسته چهارم از احادیث، پیش‌بینی کرده‌اند که اگر هر یک از خاندان رسالت، پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام قیام کند، قیام او شکست خواهد خورد و موجبات ناراحتی خاندان رسالت را فراهم خواهد ساخت.

در ارزیابی این پیشگویی‌ها باید گفت:

اولاً: این پیشگویی‌ها، چنان‌که در متن احادیث تصریح شده، به اهل بیت علیهم السلام اختصاص دارد و بدین معناست که هر یک از امامان اهل بیت علیهم السلام قبل از امام مهدی علیه السلام قیام کند، قیام او موفقیت‌آمیز نخواهد بود.

ثانیاً: با توجه به قیام سید الشهداء علیه السلام و قیام زید، بی‌ثمر بودن قیام‌های قبل از قیام

ص: ۳۲

---

۱- (۱) ر. ک: ج ۴ ص ۷ (بخش چهارم/فصل چهارم: مدعیان دروغین).

مهدوی، غیر قابل قبول است.

ثالثاً: موفقیت انقلاب اسلامی در ایران، عملاً ثابت کرد که پیشگویی های یاد شده به معنای نفی تلاش برای تأسیس حکومت اسلامی در عصر غیبت نیست.

### ج - سنجش احادیث نهی از قیام با موازین حدیث شناسی

مطلب سوم در ارزیابی احادیث نهی از قیام، سنجش مضمون ظاهری آنها با موازین حدیث شناسی است. فرض کنید که همه احادیث نهی از قیام و مبارزه با زمامداران جائر تا ظهور امام عصر علیه السلام، از نظر سند، صحیح و از نظر دلالت، بی اشکال اند؛ ولی هنگامی که مضمون ظاهری آنها را بر موازین حدیث شناسی عرضه کنیم، خواهیم دید که این مضمون نمی تواند مقصود اهل بیت علیهم السلام باشد، و باید گفت: صدور آنها به دلیل تقیه و رعایت اصول پنهانکاری بوده است.

به بیان دیگر، مضمون ظاهری احادیث نهی از قیام، به دلیل تعارض با قرآن، سنت و سیره امامان و حکم بدیهی عقل، قابل قبول نیست. لذا باید گفت صدور آنها از باب تقیه است:

### یک - تعارض با قرآن

در قرآن، آیات فراوانی، مسلمانان را به امر به معروف و نهی از منکر، و مبارزه با ظلم و ظالم و فساد و تباهی ترغیب می کنند و آنان را به تلاش جهت استقرار نظام ارزشی الهی تشویق می نمایند که در این جا تنها به دو نمونه اشاره می کنیم:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (۱)»

و باید از شما گروهی باشند که [دیگران را] به نیکی بخوانند و به کارهای پسندیده فرمان دهند و از کارهای زشت باز دارند، و آنهايند که رستگارند».

ص: ۳۳

۱- (۱) آل عمران: آیه ۱۰۴.

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ»

شما بهترین امتی هستید که برای مردمان، پدیدار شده اید؛ [زیرا] به کارهای پسندیده فرمان می دهید و از کارهای ناپسند، باز می دارید».

این آیات و آیات مشابه، (۱) تلاش برای اقامه ارزش های اعتقادی، اخلاقی و عملی و مبارزه با انواع ظلم و فساد و تباهی را وظیفه عمومی امت اسلامی و خصوصیت بارز آنها می دانند، و بی تردید، به زمان خاصی اختصاص ندارند.

در قرآن، همچنین آیات فراوانی، جامعه اسلامی را به مبارزه و پیکار در راه خدا دعوت می نمایند، مانند:

«فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ۙ»

پس کسانی باید در راه خدا کارزار کنند که زندگی این جهان را به آن جهان می فروشند، و هر که در راه خدا کارزار کند، پس کشته شود یا پیروز گردد، به او مزدی بزرگ خواهیم داد. و شما را چه شده که در راه خدا کارزار نمی کنید و آن ناتوان شمرده شدگان از مردان و زنان و کودکانی که می گویند: «پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستمکارند، بیرون ببر و برای ما از نزد خویش سرپرستی قرار ده و برای ما از نزد خویش یآوری بر بگمار؟! کسانی که ایمان آورده اند، در راه خدا کارزار می کنند و کسانی که کافر شده اند، در راه طاغوت (بت یا طغیانگر) پیکار می کنند. پس با دوستان شیطان بجنگید؛ که نیرنگ شیطان، همواره سست است».

ص: ۳۴

۱- (۲) ر. ک: توبه: آیه ۷۱ و ۱۱۲.

این آیات و آیات مشابه نیز مردم مسلمان را به جنگیدن در راه خدا دعوت می نمایند. روشن است که مقصود از راه خدا، راه استقرار نظام اسلامی و اقامه ارزش ها و مبارزه با انواع بزهکاری ها و ناهنجاری هاست. پس این آیات هم به زمان خاصی اختصاص ندارند.

## دو- تعارض با سنت

افزون بر آیات قرآن، در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و احادیث اهل بیت علیهم السلام، موضوع امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با فساد در همه زمان ها به صورت متواتر، مورد تأکید قرار گرفته است که به چند نمونه اشاره می کنیم:

محمد بن عرفه، از امام رضا علیه السلام، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذُنُوا بِوِقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى. (۱)

هر گاه امت من، امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار کنند، باید خود را برای حوادثی از جانب خداوند، آماده نمایند.

در حدیثی دیگر، مسعه بن صدقه، از امام صادق علیه السلام، روایت کرده:

قال النبي صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ فَقِيلَ لَهُ: وَمَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؟ قَالَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ. (۲)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدای بزرگ، از مؤمن سستی که دین ندارد، خشمناک است». پرسیدند: مؤمنی که دین ندارد، کدام است؟ فرمود: «آن که نهی از منکر نمی کند».

محمد بن عرفه در حدیثی دیگر از امام رضا علیه السلام نقل کرده:

ص: ۳۵

۱- (۱) الکافی: ج ۵ ص ۵۹ ح ۱۳، تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۱۷۷ ح ۳۵۸، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۹۲.

۲- (۲) الکافی: ج ۵ ص ۵۹ ح ۱۵.



لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لِيُسْتَعْمَلَ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارُكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ. (۱)

باید امر به معروف کنید و نهی از منکر نمایید، و گرنه بدهایتان بر شما مسلط می شوند و هر چه نیکان شما دعا کنند، دعایشان مستجاب نمی شود.

جابر نیز در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ... لَمَّا يُوجِبُونَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ وَ لَا نَهْيًا عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا إِذَا أَمِنُوا الضَّرَرَ يَطْلُبُونَ لَأَنْفُسِهِمْ الرُّخْصَ وَ الْمَعَادِيرَ يَتَّبِعُونَ زَلَّاتِ الْعُلَمَاءِ وَ فَسَادَ عَمَلِهِمْ يُقْبَلُونَ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ مَا لَا يَكْلِمُهُمْ فِي نَفْسٍ وَ لَا مَالٍ وَ لَوْ أَضْرَبَتِ الصَّلَاةُ بِسَائِرِ مَا يَعْمَلُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَبْدَانِهِمْ لَرَفُضُوا كَمَا رَفُضُوا أَسْمَى الْفَرَائِضِ وَ أَشْرَفَهَا.

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ؛ هُنَالِكَ يَتِمُّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ فَيَعْمَهُمْ بِعِقَابِهِ فَيَهْلِكُ الْأَبْرَارُ فِي دَارِ الْفُجَارِ وَ الصَّغَارُ فِي دَارِ الْكِبَارِ.

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَيَاذِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعَمَّرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يُسْتَقِيمُ الْأَمْرُ فَأَنْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَ الْفُطُوا بِاللِّسَانِ وَ صَيُّكُوا بِهَا جِيَاهَهُمْ وَ لَمَّا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَعَائِمٍ فَإِنْ اتَّعَظُوا وَ إِلَى الْحَقِّ رَجَعُوا فَلَمَّا سَبِيلَ عَلَيْهِمْ «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلُمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» ۲ هُنَالِكَ فَجَاهِدُوهُمْ بِأَبْدَانِكُمْ وَ أَبْغُضُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ غَيْرَ طَالِبِينَ سُلْطَانًا وَ لَا بَاغِينَ مَالًا وَ لَا مُرِيدِينَ بِظُلْمٍ ظَفْرًا حَتَّى يَفِيئُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ وَ يَمْضُوا عَلَى طَاعَتِهِ. (۲)

ص: ۳۶

۱- (۱) الكافي: ج ۵ ص ۵۶ ح ۳، تهذيب الأحكام: ج ۶ ص ۱۷۶ ح ۳۵۲.

۲- (۳) الكافي: ج ۵ ص ۵۵ ح ۱، تهذيب الأحكام: ج ۶ ص ۱۷۶ ح ۳۷۲.

در آخر الزمان، مردمی می آیند... آنان امر به معروف و نهی از منکر را فقط زمانی واجب می دانند که گزندی به آنها نرسد و برای خود، عذرها و بهانه ها می تراشند و دنباله رو لغزش های عالمان و عمل فاسدشان هستند. نماز و روزه و هر عملی را که برای جان و مالشان ضرری نداشته باشد انجام می دهند، اگر نماز هم به دیگر کارهای مربوط به مال و جانشان زیان زند، آن را کنار می گذارند، همچنان که بالاترین و ارجمندترین واجبات را کنار می گذارند.

امر به معروف و نهی از منکر، فریضه ای بزرگ بوده که دیگر واجبات، به وسیله آن، استوار می گردد. غضب خدای عز و جل بر مردمان، در آن هنگام [که واجب ترک شود] صورت می پذیرد و همگان را گرفتار عذابش می کند. پس نیکان در سرای فاجران، هلاک می شوند و خردسالان در خانه بزرگ سالان [از آن رو که در برابر گناه، بی اعتنا بوده اند].

امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه نیکوکاران است. فریضه بزرگی است که واجبات به واسطه آن، برپا می شوند و راه ها امن می گردند و درآمدها حلال می شوند و حقوق و اموال به زور گرفته شده، به صاحبانش بر می گردند و زمین، آباد می شود و از دشمنان انتقام گرفته می شود و کارها سامان می پذیرند. با دل های خود، انکار کنید و با زبان هایتان اعتراض نمایید و آن را به پیشانی هایشان بکوبید و در راه خدا از سرزنش هیچ کس نهراسید. اگر پند پذیرفتند و به راه حق باز گشتند، کاری به آنها نداشته باشید. «راه [نکوهش]، تنها بر کسانی است که به مردم ستم می کنند و در [روی] زمین به ناحق سر بر می دارند.

آنان عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت». در چنین حالتی، با آنها عملاً جهاد کنید و در دل هایتان دشمنشان بدارید، بی آن که در صدد قدرت طلبی باشید و یا مالی را به ستم بگیرید و یا از غرور پیروزی، دست به ستمگری بیالایید، تا آن که به فرمان خدا برگردند و راه طاعت او را در پیش گیرند.

همچنین در حدیثی، یحیی الطویل از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

مَا جَعَلَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ بَسَطَ اللِّسَانِ وَكَفَّ اليَدِ وَ لَكِن جَعَلَهُمَا يُبْسَطَانِ مَعًا وَ يُكْفَانِ مَعًا. (۱)

خدا عز و جل زبان را برای گشودن (گفتن) و دست را برای بستن (کار نکردن) نیافریده است؛ بلکه باید این دو (زبان و دست) با هم، گشوده و با هم، بسته شوند.

عبد الرحمان بن ابی لیلی می گوید: هنگام برخورد با سپاه شام، از علی علیه السلام شنیدم:

أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ إِنَّهُ مَنْ رَأَى عِدْوَانًا يُعْمَلُ بِهِ وَ مُنْكَرًا يُدْعَى إِلَيْهِ فَأَنْكَرَهُ بِقَلْبِهِ فَقَدْ سَلِمَ وَ بَرِيءٌ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِلِسَانِهِ فَقَدْ أُجِرَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ صَاحِبِهِ وَ مَنْ أَنْكَرَهُ بِالسَّيْفِ لَتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَ كَلِمَةُ الظَّالِمِينَ هِيَ السُّفْلَى فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ سَبِيلَ الْهُدَى وَ قَامَ عَلَى الطَّرِيقِ وَ (نُورٌ) نُورٌ فِي قَلْبِهِ الْيَقِينُ. (۲)

ای مردم مؤمن! هر کس ستمی را که به کار گرفته می شود، یا منکری را که مردم به آن دعوت می شوند، ببیند و آن را به دل انکار کند، سالم می ماند و گناهی بر او نیست. و کسی که به زبان انکار کند، پاداش الهی دارد و مقامش از اولی بهتر است، و کسی که با شمشیر به انکار برخیزد تا شعار توحید، بلند شود و شعار ستمکاران، پست گردد، او کسی است که به راه رستگاری رسیده و بر راه خدا قیام نموده و نور یقین در دلش روشن گشته است.

و در حدیثی دیگر، بکر بن محمد از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

أَيُّهَا النَّاسُ آمُرُوا (اوْمُرُوا) بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَمْ يُقَرِّبَا أَجْلًا - وَ لَمْ يُبَاعِدَا رِزْقًا. (۳)

ای مردم! امر به معروف و نهی از منکر کنید. امر به معروف و نهی از منکر، اجلی را نزدیک نساخته اند و روزی ای را دور نکرده اند.

بی تردید، مدلول احادیث امر به معروف و نهی از منکر - که تنها شمار اندکی از

ص: ۳۸

۱- (۱) الکافی: ج ۵ ص ۵۵ ح ۱.

۲- (۲) نهج البلاغه: حکمت ۳۷۹.

۳- (۳) تفسیر القمّی: ج ۲ ص ۳۶، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۷۳ ح ۱۰.

آنها گذشت - (۱) با ظاهر مضمون احادیثی که امر به سکوت و نهی از قیام دارند، قابل جمع نیست، بویژه احادیثی که بر نقش اصولی امر به معروف و نهی از منکر در اقامه مطلق ارزش های اسلامی تأکید دارند، یا ترک این فریضه را موجب کیفر الهی و مسلط شدن اشرار بر جامعه اسلامی می دانند، یا بهره گیری از قدرت را برای اقامه آن، ضروری دانسته اند، و یا توصیه می کنند که مبدا به خاطر ترس از مرگ و کوتاه شدن عمر و کم شدن روزی، دست از مبارزه بردارید که اقامه این فریضه، نه عمر را کوتاه می کند و نه روزی را کم!

بر فرض تعارض این دو دسته از احادیث، با در نظر گرفتن تعداد احادیث امر به معروف و نهی از منکر و چه بسا تواتر آنها، همچنین قوت مضمون آنها و هماهنگی شان با قرآن، و دیگر قرائنی که بدانها اشاره خواهیم کرد، بی تردید، حق تقدم و ترجیح، با احادیث امر به معروف و نهی از منکر است.

### سه - تعارض با سیره اهل بیت علیهم السلام

یکی دیگر از معیارهای قابل اعتماد در شناخت احادیث منسوب به اهل بیت علیهم السلام، عرضه آنها بر سیره و سبک عمل آنهاست.

بر این اساس، اگر سخنی به آنان نسبت داده شود یا به گونه ای تفسیر گردد که با سیره آنها تعارض داشته باشد، آن نسبت، ناروا و آن تفسیر، خطاست.

با نگاهی گذرا به سیره اهل بیت علیهم السلام ملاحظه می کنیم که آنان نه تنها کمترین فرصتی در برابر حکومت های باطل نداشتند، بلکه با همه توان و البته با تدبیر و رعایت اصول پنهانکاری، در برابر آنها ایستادند و هیچ فرصتی را برای مبارزه با آنان از دست ندادند، گرچه به دلیل مساعد نبودن زمینه فرهنگی، تلاش های آنان برای برقراری حاکمیت عدالت، به نتیجه مطلوب نرسید. بهترین سند این ادعا، شهادت

ص: ۳۹

---

۱- (۱) برای آشنایی با این احادیث، ر. ک: وسائل الشیعه: ج ۱۶ (کتاب الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر).

آنان و به زندان افتادن برخی از آنها به دست زمامداران فاسد و جائز است. (۱)

بدیهی است که اگر اهل بیت علیهم السلام سکوت و خانه نشینی را انتخاب می کردند و به امور دینی، منهای سیاست می پرداختند و متعزّض مستکبران حاکم نمی شدند، دلیلی نداشت که سرنوشت همه آنها شهادت شود؛ چرا که اسلامی نشان دادن حکومت، یکی از مهم ترین شگردهای سیاسی حاکمانی بود که خود را خلیفه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله معرفی می کردند و در صورتی که آنان امامان اهل بیت علیهم السلام را مزاحم و معارض حکومت خود نمی دانستند، نوادگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را نمی کشتند و با این کار، پایه های حکومت خود را سست نمی کردند!

#### چهار - تعارض با احادیث قیام

یکی دیگر از نکاتی که در ارزیابی احادیث نهی از قیام قبل از ظهور امام مهدی علیه السلام قابل توجه اند، تعارض آنها با احادیثی است که صریحاً مسلمانان را به قیام در برابر ستمگران دعوت کرده اند. این احادیث را به سه گروه می توان تقسیم کرد:

گروه اول: احادیثی هستند که در باره وجود قیام علیه حاکمان ستمگر در صورت امکان، و تسلیم نشدن در برابر خواسته های نامشروع آنان وارد شده است.

نمونه هایی از این احادیث، به قرار زیرند:

عبد الله بن مسعود در حدیثی نقل کرده که روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای گروهی از یاران خود، از حوادث تلخی که پس از او در تاریخ اسلام روی خواهد داد، خبر داد و بیان فرمود: در آینده، قرآن و سلطان با هم فاصله می گیرند و زمامداران حاکم بر امت اسلام، از قرآن جدا می شوند. سپس وظیفه مسلمانان را در چنین شرایطی، چنین تعیین نمود که به هر سو قرآن حرکت کرد، همراه آن حرکت کنند، و نیز خبر داد که در آینده، امامان ستمگری بر مسلمانان حکومت خواهند کرد که اگر از ایشان

ص: ۴۰

---

۱- (۱) ر. ک: بحار الأنوار: ج ۲۷ ص ۲۰۷ باب ۹ (إنهم لا يموتون إلا بالشهادة).

اطاعت کنند، آنان را گم راه خواهند کرد و اگر علیه ایشان عصیان نمایند، آنان را خواهند کشت!

او در ادامه نقل کرده که: اصحاب گفتند: ای پیامبر خدا! در چنین شرایطی چه کنیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ فرمود:

كُونُوا كَأَصْحَابِ عِيسَى: نُصِبُوا عَلَى الْخَشَبِ، وَ نُشِرُوا بِالْمَنَاشِيرِ. مَوْتُ فِي طَاعِهِ خَيْرٌ مِنْ حَيَاةٍ فِي مَعْصِيَتِهِ. (۱)

همچون اصحاب عیسی باشید؛ به دار آویخته شدند و با اَره، قطعه قطعه گردیدند.

مرگ در فرمان برداری [از خدا]، بهتر از زندگی در نافرمانی از اوست.

همچنین ابو عطا در حدیثی می گوید: روزی امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام با چهره ای اندوهناک به طرف ما آمد و فرمود: «چه می کنید با زمانی که به زودی بر شما سایه خواهد افکند؟ هنگامی که حدود الهی تعطیل می شوند و ثروت مردم به دست حکام، تاراج می گردد و با دوستان خدا، دشمنی و با دشمنان خدا، دوستی می شود؟».

گفتیم: شما بفرمایید، اگر ما آن زمان را درک کردیم، وظیفه چه خواهد بود؟

امام نیز همان پاسخ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دادند که:

مانند اصحاب عیسی باشید که بدن آنها را با اَره قطعه قطعه کردند و بر چوبه دار آویختند. مرگ در اطاعت خدا، بهتر از زندگی در معصیت اوست. (۲)

ابن عباس نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

سَيَكُونُ امْرَأَةٌ تَعْرِفُونَ وَ تُنْكِرُونَ؛ (۳) فَمَنْ نَابَدَهُمْ نَجَا، وَ مَنْ اعْتَرَلَهُمْ سَلِمَ، وَ مَنْ

ص: ۴۱

۱- (۱) كنز العمال: ج ۱ ص ۲۱۶ ح ۱۰۸۱ (به نقل از ابن عساکر)، المعجم الكبير: ج ۲۰ ص ۹۰ ح ۷۲۲ (با عبارت مشابه).

۲- (۲) دستور معالم الحكم: ص ۱۱۴.

۳- (۳) این جمله، ممکن است اشاره باشد به آنچه در برخی از احادیث دیگر آمده که: «ستكون عليكم امراء يأمرونكم بما لاتعرفون و يعملون بما تنكرون...» (المصنف، ابن ابی شیبه: ج ۸ ص ۶۹۶ ح ۶۸).

زامدارانی بر شما حکومت خواهند کرد که از شما می خواهند بر خلاف آنچه از اسلام می دانید، عمل کنید. پس هر که با آنان مخالفت و دشمنی کند، نجات می یابد، و هر کس از ایشان کناره بگیرد، سالم می ماند، و هر کس با آنان همنشینی داشته باشد، هلاک می شود.

در حدیثی دیگر، سدید صیرفی می گوید:

بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و به ایشان گفتم: شما چرا علیه حکومت وقت، قیام نمی کنید؟ به خدا سوگند، نشستن شما جایز نیست!

فرمود: «چرا؟».

گفتم: زیرا پیروان و دوستان و یاران شما زیادند. به خدا سوگند اگر امیرمؤمنان علیه السلام به اندازه شما پیرو و یار داشت، تیم و عدی در خلافت او طمع نمی کردند.

امام علیه السلام فرمود: «سدیر! فکر می کنی پیروان من چه قدرند؟».

گفتم: یکصد هزار نفر!

امام علیه السلام فرمود: «یکصد هزار؟!».

گفتم: آری و دویست هزار نفر دیگر!

امام علیه السلام پرسید: «می گویی من دویست هزار پیرو دارم؟!».

گفتم: آری، و نیمی از دنیا!

امام سکوت کرد و پس از گذشت لحظاتی فرمود: «ممکن است همراه ما به ینبع (۲) بیایی؟».

گفتم: آری... در راه، امام علیه السلام پسربچه ای را دید که مشغول چرانیدن بزغاله هایش بود. با دیدن این منظره، رو به من کرد و فرمود: «سدیر! اگر من به شمار این بزغاله ها

۱- (۱) المعجم الكبير: ج ۱۱ ص ۳۳ ح ۱۰۹۷۳، الجامع الصغير: ج ۲ ص ۶۴ ح ۴۷۸۱.

۲- (۲) منطقه ای در اطراف مدینه.

پیرو داشتیم، نشستن بر من جایز نبود».

از مرکب پیاده شدیم و نماز گزاردیم. پس از نماز، بزغاله‌ها را که شمردم، هفده رأس بود. (۱)

در کتاب دعائم الإسلام از امام باقر علیه السلام روایت شده است:

إِذَا اجْتَمَعَ لِلْإِمَامِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ وَجَبَ عَلَيْهِ الْقِيَامُ وَ التَّغْيِيرُ. (۲)

هنگامی که برای امام به شماره رزمندگان جنگ بدر، سیصد و سیزده نفر، نیرو فراهم شود، قیام و دگرگون کردن نظام بر او واجب است.

گفتنی است که هرچند سند این احادیث، ضعیف است، لیکن مضمون آنها هماهنگ با قرآن و قابل قبول است.

گروه دوم، احادیثی هستند که برخی از قیام‌های عصر امامان علیهم السلام (مانند قیام زید بن علی بن حسین علیهم السلام) را تأیید کرده‌اند. چهار نمونه زیر، از این گروه‌اند:

کلینی رحمه الله در حدیثی به سند صحیح از عیص بن قاسم، از امام صادق علیه السلام نقل کرده که ایشان ضمن محکوم کردن قیام‌های نادرست معاصر خود، می‌فرماید:

لَا- تَقُولُوا: خَرَجَ زَيْدٌ فَإِنَّ زَيْدًا كَانَ عَالِمًا وَ كَانَ صِدُوقًا وَ لَمْ يَدْعُكُمْ إِلَى نَفْسِهِ إِنَّمَا دَعَاكُمْ إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَوْ ظَهَرَ لَوْفِي بِمَا دَعَاكُمْ إِلَيْهِ إِنَّمَا خَرَجَ إِلَى سُلْطَانٍ مُجْتَمِعٍ لِيَنْقُضَهُ. (۳)

نگویید: [اگر قیام در شرایط کنونی صحیح نیست، چرا] زید قیام کرد؟! زیرا زید، فردی دانشمند و راستگو بود و شما را برای به قدرت رسیدن خود، فرا نخواند؛ بلکه شما را به سوی فردی از خاندان پیامبر که برای امامت لایق بود، فرا خواند و اگر پیروز می‌شد، به وعده خود وفادار بود و دلیل قیام او، شکستن قدرت نظام

ص: ۴۳

۱- (۱) الکافی: ج ۲ ص ۲۴۲ ح ۴، بحار الأنوار: ج ۴۷ ص ۳۷۲.

۲- (۲) بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۴۹ ح ۱۸ (به نقل از دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۴۲ که در نسخه ما به جای «برای امام»، «برای اسلام» دارد).

۳- (۳) الکافی: ج ۸ ص ۲۶۴ ح ۳۸۱، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۰۲ ح ۶۷.



ابن ابی عبدون، از امام رضا علیه السلام نقل کرده:

إِنَّهُ كَانَ مِنْ عُلَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ غَضِبَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَجَاهَدَ أَعْدَاءَهُ حَتَّى قُتِلَ فِي سَبِيلِهِ وَلَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سَمِعَ أَبِياهُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَمِّي زَيْدًا إِنَّهُ دَعَا إِلَى الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوْ ظَفِرَ لَوْفِي بِمَا دَعَا إِلَيْهِ. (۱)

او (زید) از دانشمندان خاندان محمد صلی الله علیه و آله بوده است. برای خدا خشم کرد و با دشمنان خدا جنگید تا این که در راه خدا کشته شد. پدرم موسی بن جعفر علیه السلام برای من روایت کرد که از پدرش جعفر بن محمد علیه السلام شنیده است که: خدا رحمت کند عمویم زید را! او مردم را برای رهبری کسی دعوت می کرد که خاندان رسالت، او را شایسته امامت می دانستند و اگر پیروز می شد، به وعده خود وفادار بود.

همچنین در حدیثی نقل شده که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله به «فخ» یعنی مکان شهادت حسین بن علی بن حسن (شهید فخ) و اصحابش رسید، نماز خواند و گریست و سپس فرمود:

نزل علي جبرئيل لما صليت الركعة الاولى فقال: إن رجلاً من ولدك يقتل في هذا المكان، و أجر الشهيد معه أجر شهيدين. (۲)

پس از رکعت اول، جبرئیل بر من نازل شد و گفت: یکی از فرزندان در این سرزمین کشته خواهد شد که اجر شهید با او، برابر دو شهید است. (۳)

در حدیث دیگری آمده است که نزد امام صادق علیه السلام سخن از قیام کنندگان خاندان رسالت به میان آمد. ایشان فرمود:

لَا أزالُ أَنَا وَ شِيعَتِي بِخَيْرٍ مَا خَرَجَ الْخَارِجِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَوَدِدْتُ أَنَّ الْخَارِجِيَّ

ص: ۴۴

۱- (۱) عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۲۴۹ ص ۱، بحار الأنوار: ج ۴۶ ص ۱۷۴ ح ۲۷.

۲- (۲) مقاتل الطالبیین: ص ۲۹۰، بحار الأنوار: ج ۴۸ ص ۱۷۰.

۳- (۳) احادیث دیگری نیز از امام صادق علیه السلام، امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام در تأیید وی نقل شده است (ر. ک: تهذیب المقال فی تنقیح کتاب رجال النجاشی).

مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَرَجَ وَ عَلَيَّ نَفَقَهُ عِيَالِهِ. (۱)

تا زمانی که قیام کننده ای از خاندان محمد صلی الله علیه و آله قیام کند، من و پیروانم در خیر و صلاح هستیم، و دوست دارم افرادی از این خاندان، قیام کنند و بر من است که هزینه خانواده آنان را تأمین نمایم.

از این احادیث، دو نکته مهم قابل استفاده است:

۱. مقصود از احادیثی که قیام های پیش از قیام قائم خاندان محمد صلی الله علیه و آله را تخطئه می کنند، قیام هایی اند که با انگیزه های نفسانی برپا می شوند.

۲. برای مشروعیت قیام، لازم نیست که قیام کننده به قطع بدانند که موفق به تشکیل حکومت حق خواهد شد؛ بلکه صرف شکسته شدن ابّتهت و قدرت زمامداران ستمکار و یا مشغول نگه داشتن ذهن سیاسی و نظامی آنان برای جلوگیری از اعمال رهبری بر جامعه اسلامی، کافی است که مشروعیت آن را اثبات کند.

گروه سوم، احادیثی هستند که از پیدایش قیام موقّعی پیش از قیام ولی عصر - ارواحنا فداه - خبر داده و آن را آماده ساز قیام ایشان و جهانی شدن انقلاب اسلامی دانسته اند. در این باره، به دو حدیث اشاره می کنیم:

عبد الله بن حارث، از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيُؤَطُّونَ لِلْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، - يَعْنِي سُلْطَانَهُ - (۲)

مردمی از شرق قیام می کنند و زمینه حکومت [جهانی] مهدی علیه السلام را فراهم می سازند.

ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام نقل کرده:

كَأَنِّي بَقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ، ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ،

ص: ۴۵

۱- (۱) مستطرفات السرائر: ص ۴۸ ح ۴، بحار الأنوار: ج ۴۶ ص ۱۷۲ ح ۲۱.

۲- (۲) ر. ک: ج ۶ ص ۱۰ ح ۱۰۱۴.

فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكُمْ وَضَعُوا سِيوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ، فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوهُ فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا، وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ، فَتَلَاهُمْ شُهَدَاءٌ، أَمَا إِنِّي لَوِ أَدْرَكْتُ ذَلِكُمْ لَأَسْتَبْقِيَتْ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ. (۱)

گویی مردمی را می بینم که از مشرق زمین به پا می خیزند و حق جویی می کنند؛ ولی حششان را نمی دهند. باز حق طلبی می کنند و باز حششان داده نمی شود و هنگامی که چنین می بینند، سلاح هایشان را بر دوش می گیرند و آنچه را خواسته بودند، در اختیارشان قرار می دهند؛ ولی اینان نمی پذیرند و قیام می کنند [و حکومت را به دست می گیرند] و آن را به کسی جز صاحب شما نمی دهند. کشته هایشان شهیدند. بدانید که اگر من آن [زمان] را درک کنم، بقای خود را برای صاحب این امر [از خدا] خواهم خواست.

شماری از احادیث یاد شده، از نظر سند معتبر نیستند، لیکن ضعف سند، به معنای عدم صدور آنها از اهل بیت علیهم السلام نیست، و با توجه به انطباق مضمون آنها با قرآن و احادیث متواتر و قطعی، و نیز حکم بدیهی عقل مبنی بر وجوب ظلم ستیزی و حرمت پذیرفتن حاکمیت ظالم، مفاد آنها قابل قبول است.

### چکیده مطالب

چکیده مطالبی که گذشت، عبارت است از:

۱. وجوب تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی، به عصر حضور و ظهور امام مهدی علیه السلام اختصاص ندارد؛ بلکه با توجه به دلیل ضرورت اجرای احکام اسلام در همه زمان ها و زمینه سازی برای حکومت جهانی اسلام به رهبری امام عصر علیه السلام، مهم ترین وظیفه مسلمانان بویژه پیروان اهل بیت علیهم السلام تلاش برای تشکیل حکومت دینی است.

۲. احادیث نهی از قیام، به معنای مخالفت اهل بیت علیهم السلام با تلاش جهت برقراری

ص: ۴۶

حکومت صالحان و به معنای تن دادن به حاکمیت زمامداران جائز و فاسد نیست؛ بلکه مقصود آنها این است که پیروان اهل بیت علیهم السلام نباید با نهضت‌هایی که رهبری آنها با افرادی ناصالح مانند ابو مسلم خراسانی و یا مدعیان مهدویت است، همکاری کنند. همچنین نباید قبل از فراهم آمدن زمینه‌های لازم برای قیام، قیام نمایند.

۳. بر فرض صحّت سند احادیث نهی از قیام و پذیرش دلالت آنها بر وجوب خودداری از تشکیل حکومت دینی به طور مطلق، باز نمی‌توان به مفادشان عمل کرد؛ زیرا با قرآن و سنت و سیره اهل بیت علیهم السلام و حکم عقل، معارض هستند.

افزون بر این می‌توان گفت: اهل بیت علیهم السلام به خاطر رعایت مسائل امنیتی در جامعه خفقان‌آلود معاصر خود، چنین سخن گفته باشند.

١٠٢٣. سنن ابن ماجه: حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، ثنا مُعَاوِيَةُ بْنُ هِشَامٍ، ثنا عَلِيُّ بْنُ صَالِحٍ، عَنْ يَزِيدَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ عَلْقَمَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، إِذْ أَقْبَلَ فِتْيَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، فَلَمَّا رَأَاهُمْ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اغْرُورَقَتْ عَيْنَاهُ وَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ، قَالَ: فَقُلْتُ: مَا نَزَالُ نَرَى فِي وَجْهِكَ شَيْئًا نَكْرَهُهُ؟! فَقَالَ:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَتَشْرِيدًا وَتَطْرِيدًا، حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ مَعَهُمْ رَايَاتُ سَوْدٍ، فَيَسْأَلُونَ الْخَيْرَ (١) فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَيَقَاتِلُونَ فَيَنْصِرُونَ، فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ، حَتَّى يَدْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَيَمْلُؤُهَا قِسْطًا كَمَا مَلَأُوهَا جَوْرًا، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ، فَلْيَأْتِهِمْ وَلَوْ حَبْوًا (٢) عَلَى الثَّلْجِ (٣).

١٠٢٤. دلائل الإمامة: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حَفْصِ الْخَثْعَمِيِّ وَمُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ رَبَاحِ الْأَشْجَعِيِّ، قَالَا، حَدَّثَنَا عَبَادُ بْنُ يَعْقُوبَ الْأَسَدِيُّ: قَالَا: أَخْبَرَنَا حَنَاؤُ بْنُ سَيْدِيرٍ، قَالَ: كُنْتُ أُخْتَلِفُ إِلَى عَمْرِو بْنِ قَيْسِ الْمُطَّلِبِيِّ اتَّعَلَّمُ مِنْهُ الْقُرْآنَ، وَكَانَ النَّاسُ يَجِئُونَهُ وَيَسْأَلُونَهُ عَنْ هَذَا الْحَدِيثِ، حَتَّى حَفِظْتُهُ مِنْهُ.

فَحَدَّثَنِي عَمْرُو بْنُ قَيْسِ الْمُطَّلِبِيِّ، عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ، عَنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنِ أَبِي عُبَيْدَةَ، عَنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: أَتَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَخَرَجَ إِلَيْنَا مُسْتَبْشِرًا يُعَرِّفُ الشُّرُورَ

١- (١) في اكثر المنابع: «الحق» بدل «الخير».

٢- (٢) الحَبْوُ: أن يمشى على يديه وركبتيه أو استه (النهاية: ج ١ ص ٣٣٦ «حبا»).

٣- (٣) وزاد في الفتن في آخره «فإنه المهدي».

۱۰۲۳. سنن ابن ماجه - با سندش به نقل از عبد الله - نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بودیم که دسته ای از جوانان بنی هاشم، جلو آمدند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را دید، اشک، چشمانش را فرا گرفت و رنگش دگرگون شد. گفتم: پیوسته در چهره ات چیزی ناخوش می بینم؟

فرمود: «ما خاندانی هستیم که خداوند، آخرت را برای ما بر دنیا ترجیح داده است و خاندانم پس از من، گرفتار و تبعید و رانده می شوند، تا آن که گروهی با پرچم های سیاه از شرق می آیند. خیر را می طلبند و به آنها داده نمی شود. پس می جنگند و پیروز می شوند و آنچه را طلبیده بودند، به ایشان می دهند؛ اما دیگر نمی پذیرند تا آنچه را خواسته [و گرفته] اند، به دست مردی از خاندان من می دهند که زمین را از عدالت پر می کند، همان گونه که از ستم پر شده بود. پس هر یک از شما که آن زمان را درک کند، به سویش بشتابد، حتی اگر ناگزیر بر خزیدن بر روی برف باشد» (۱).

۱۰۲۴. دلائل الإمامه - با سندش به نقل از حنان بن سدير - برای فراگیری قرآن، نزد عمرو بن قیس ملایی می رفتم. مردم نزد او می آمدند و آن قدر در باره این حدیث پرسیدند که آن را حفظ کردم.

عمرو بن قیس ملایی، با سندش به نقل از عبد الله [بن مسعود]: نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمدیم. ایشان چنان شادمان به سوی ما آمد که شادی در چهره اش نمایان

ص: ۴۹

---

۱- (۱) سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۶ ح ۴۰۸۲، المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۵۱۱ ح ۸۴۳۴ (با عبارت مشابه)، المصنّف، ابن ابی شیبّه: ج ۸ ص ۶۹۷ ح ۷۴، المعجم الأوسط: ج ۶ ص ۲۹ ح ۵۶۹۹، الفتن: ج ۱ ص ۳۱۰ ح ۸۹۵ (در تمام این منابع، «حق» به جای «خیر» آمده است و در الفتن، این اضافه آمده است: «به درستی که او مهدی است»)، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۷ ح ۳۸۶۷۷؛ کشف الغمّه: ج ۳ ص ۲۶۸ (به نقل از علقمه بن عبد الله)، شرح الأخبار: ج ۳ ص ۴۰۱ ح ۱۲۸۶، المناقب، کوفی: ج ۲ ص ۱۱۰ ح ۵۹۹ (در این دو منبع، «حق» به جای «خیر» آمده است)، دلائل الإمامه: ص ۴۴۲ ح ۴۱۴، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۷. ر. ک: الغیبه، نعمانی: ص ۱۴۵ ح ۴.

فِي وَجْهِهِ، فَمَا سَأَلْنَاهُ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَخْبَرَنَا، وَلَا سَكَتْنَا إِلَّا ابْتَدَأْنَا، حَتَّى مَرَّتْ بِهِ فِتْيَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، فِيهِمُ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، فَلَمَّا أَنْ رَأَوْهُمْ خَشِرُوا (١) لَهُمْ، وَانْهَمَلَتْ عَيْنَاهُ بِالْذُّمُوعِ. فَقَالُوا لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، خَرَجْتَ إِلَيْنَا مُسْتَبْشِرًا، نَعْرِفُ السُّرُورَ فِي وَجْهِكَ، فَمَا سَأَلْنَاكَ عَنْ شَيْءٍ إِلَّا أَخْبَرْتَنَا وَلَا سَكَتْنَا إِلَّا ابْتَدَأْتَنَا، حَتَّى مَرَّتْ بِكَ الْفِتْيَةُ، فَخَشِرْتَ لَهُمْ، وَانْهَمَلْتَ عَيْنَاكَ.

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَإِنَّهُ سَيَلْقَى أَهْلَ بَيْتِي مِنْ بَعْدِي تَطْرِيدًا وَتَشْرِيدًا فِي الْبِلَادِ، حَتَّى تَرْتَفِعَ رَايَاتُ سُودٍ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطُونَ، وَيُقَاتِلُونَ فَيَنْصَرُونَ، فَيُعْطُونَ الَّذِي سَأَلُوا، فَمَنْ أَدْرَكَهُمْ مِنْكُمْ - أَوْ مِنْ أَبْنَائِكُمْ - فَلْيَأْتِهِمْ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى النَّلْجِ، فَإِنَّهَا رَايَاتُ هَدْيٍ، يَدْفَعُونَهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مِلَّتْ جَوْرًا وَظُلْمًا.

١٠٢٥. الفتن لابن حماد: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَرْوَانَ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ عُبَيْدَةَ، عَنِ الْحَسَنِ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَكَرَ بَلَاءً يَلْقَاهُ أَهْلُ بَيْتِهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَايَةً مِنَ الْمَشْرِقِ سُودَاءَ، مَنْ نَصَرَ رَايَةَ اللَّهِ وَمَنْ خَذَلَهَا خَذَلَهُ اللَّهُ، حَتَّى يَأْتُوا رَجُلًا اسْمُهُ كَاسِمِي، فَيُؤَلِّيهِ أَمْرَهُمْ، فَيُؤَيِّدُهُ اللَّهُ وَيَنْصُرُهُ.

١٠٢٦. تاريخ بغداد: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ رِزْقٍ، حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ أَبِي ذُهْلِ الْعُصَمِيُّ الْهَرَوِيُّ، حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُونُسَ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ، حَدَّثَنَا سُؤَيْدُ بْنُ سَعِيدٍ، حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ، حَدَّثَنَا أَبُو شُرَاعَةَ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي الْبَيْتِ، فَقَالَ: هَلْ فِيكُمْ غَرِيبٌ؟ قَالُوا: لَا.

ص: ٥٠

١- (١) خثر لهم: أى ثقلت نفسه لهم ولم تطب (انظر: النهاية: ج ٢ ص ١١ «خثر»).

بود. چیزی از ایشان نپرسیدیم، جز آن که پاسخ داد و ساکت نشدیم، مگر آن که به سخن آمد، تا آن که جوانانی از بنی هاشم - که حسن و حسین میان آنان بودند - بر ایشان گذشتند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را دید، چهره اش گرفته و چشمانش اشکبار شد. به ایشان گفتند: ای پیامبر خدا! چنان شادمان به سوی ما آمدی که شادی را در چهره ات می دیدیم و از چیزی نپرسیدیم، جز آن که پاسخمان را دادی و سکوت نکردیم، جز آن که تو با ما سخن گفتی، تا این که این جوانان بر تو گذشتند و برای آنان غمگین شدی و دیدگانت اشکبار شد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ما خاندانی هستیم که خداوند عز و جل، آخرت را برای ما بر دنیا ترجیح داده است و خاندانم پس از من، رانده و در شهرها آواره می شوند، تا آن که پرچم های سیاهی از سمت شرق برافراشته می شوند که حق را می طلبند؛ اما به آنها داده نمی شود و می جنگند و پیروز می شوند و آنچه خواسته بودند، به آنها داده می شود. هر کس از شما یا فرزندانان، آنها را درک کرد، به سویش بشتابد، حتی اگر ناگزیر به خزیدن بر روی برف باشد؛ چرا که آنها پرچم های هدایت هستند و آنها را به مردی از خاندان من می سپارند که زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و ستم، پر شده است» (۱).

۱۰۲۵. الفتن، ابن حمّاد - با سندش به نقل از حسن - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بلایی را ذکر کرد که اهل بیتش به آن دچار می شوند تا آن که خداوند، پرچمی سیاه رنگ را از شرق بر می انگیزد که هر کس آن را یاری کند، خداوند، یاری اش می کند و هر کس آن را وا نهد، خداوند، او را وا می نهد تا نزد مردی همنام من بیایند و کار خود را به او بسپارند و خداوند نیز او را استوار می دارد و یاری می دهد. (۲)

۱۰۲۶. تاریخ بغداد - با سندش به نقل از ابو شُرّاعه - : در خانه ای نزد ابن عبّاس بودیم. گفت: آیا غریبه ای میان شما هست؟ گفتند: نه.

ص: ۵۱

---

۱- (۱) دلائل الإمامة: ص ۴۴۶ ح ۴۲۰، العدد القویة: ص ۹۱ ح ۱۵۷.

۲- (۲) الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۳۱۳ ح ۹۰۴.



قال: إذا خَرَجَتِ الرِّايَاتُ السُّودُ فَاسْتَوْصُوا بِالْفُرسِ خَيْراً، فَإِنَّ دَوْلَتَنَا مَعَهُمْ، فَقَالَ أَبُو هُرَيْرَةَ: أَلَا أَحَدٌ تُكَلِّمُكَ مَا سَمِعْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؟ قَالَ: وَإِنَّكَ هَاهُنَا؟! هَاتِ.

قال: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: إِذَا أَقْبَلَتِ الرِّايَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، فَإِنَّ أَوْلَهَا فِتْنَةً، وَأَوْسَطُهَا هَرَجٌ، وَآخِرُهَا ضَلَالَةٌ. (١)

١٠٢٧. الصراط المستقيم: عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا رَأَيْتُمُ الرِّايَاتِ السُّودَ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، مِنْ أَطْرَافِ الْأَسْنَةِ إِلَى زُجِّ الْقَنَاءِ صَوْفٌ أَحْمَرٌ، فَتِلْكَ رِايَاتُ الْحَسَنِىِّ الَّتِي لَا تُكْذَبُ.

١٠٢٨. سنن ابن ماجه: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى وَأَحْمَدُ بْنُ يَوْسُفَ، قَالَا: ثنا عَبْدُ الرَّزَّاقِ، عَنِ سَيْفِيَّانِ الثَّورِيِّ، عَنِ خَالِدِ الْحَدَّاءِ، عَنِ أَبِي قِلَابَةَ، عَنِ أَبِي أَسْمَاءَ الرَّحْبِيِّ، عَنِ ثُوبَانَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

يَقْتَتِلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ (٢) ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، كُلُّهُمْ ابْنُ خَلِيفَةٍ، ثُمَّ لَا يَصِيرُ إِلَى وَاحِدٍ مِنْهُمْ، ثُمَّ تَطَّلِعُ الرِّايَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ، فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتْلًا لَمْ يَقْتُلَهُ قَوْمٌ.

ثُمَّ ذَكَرَ شَيْئًا لَا أَحْفَظُهُ، فَقَالَ: فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايَعُوهُ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ، فَإِنَّهُ خَلِيفَةُ اللَّهِ، الْمَهْدِيُّ.

راجع: ج ٧ ص ٨٢ (القسم العاشر/الفصل الأول مكان خروج السفيناني)

و ج ٧ ص ١١٨ (الفصل الأول/هزيمه جيش السفيناني فى قبال رايات سود).

ص: ٥٢

١- (١) ليس فى المناقب إلى «هات».

٢- (٢) المراد به كنز الكعبه لما ورد فى أحاديث اخرى من أن المهدي عليه السلام سيفتح كنز الكعبه... (راجع: شرح احقاق الحق، ج ٢٩ ص ٤١٦).

گفت: هنگامی که پرچم های سیاه قیام کردند، با ایرانیان به نیکی رفتار کنید؛ چرا که حکومت ما با ایشان است.

ابو هریره گفت: آیا آنچه را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم، برایتان نگویم؟

گفت: تو این جایی؟! آنچه را شنیده ای، بگو.

گفت: شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «هنگامی که پرچم های سیاه از سمت مشرق می آیند، آغاز آن، فتنه، میانه آن، هرج و مرج و پایان آن، گم راهی است».(۱)

۱۰۲۷. الصراط المستقیم: امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که پرچم های سیاه را از سمت مشرق دیدید که از نوک سرنیزه هایشان تا پیکان نیزه هایشان را با پشم سرخ رنگ پوشانده اند، بدانید که پرچم های سید حسنی است که دروغگو خوانده نمی شود».(۲)

۱۰۲۸. سنن ابن ماجه - با سندش به نقل از ثوبان -: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «نزد ذخیره تان،(۳) سه فرزند خلیفه می جنگند؛ ولی نصیب هیچ کدامشان نمی شود. سپس پرچم هایی سیاه از سوی مشرق پدیدار می شوند و از شما کشتار بی سابقه ای می کنند».

آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی فرمود که به خاطر نمی آورم و سپس فرمود: «هنگامی که او را دیدید، برای بیعتش بروید، حتی اگر ناگزیر به خزیدن بر روی برف باشید؛ چرا که او جانشین خداوند، مهدی، است».(۴)

ر. ک: ج ۷ ص ۸۳ (بخش دهم/فصل یکم/جای خروج سفیانی)

و ج ۷ ص ۱۱۹ (شکست لشکر سفیانی در برابر پرچم سیاه).

ص: ۵۳

۱- (۱) تاریخ بغداد: ج ۳ ص ۱۲۰ ش ۱۱۳۸، الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۰۲ ح ۵۵۱ (با عبارت مشابه)، کنز العمال: ج ۱۱ ص ۱۶۰ ح ۳۱۰۳۳؛ المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۳ ص ۳۰۰ (در این منبع، بخش پایانی حدیث آمده است)، بحار الأنوار: ج ۴۲ ص ۶۱.

۲- (۲) الصراط المستقیم: ج ۲ ص ۲۶۱.

۳- (۳) ذخیره یا همان «کنز» به احتمال فراوان، اشاره به کعبه دارد.

۴- (۴) سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۷ ح ۴۰۸۴، در زوائد گفته: این سند، صحیح و رجالش موثق هستند، المستدرک: ج ۴ ص ۵۱۰ ح ۸۴۳۲، ذهبی در تلخیص این حدیث را بنا بر شرط بخاری و مسلم صحیح دانسته، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۳ ح ۳۸۶۵۸؛ کشف الغمه: ج ۳ ص ۲۶۳ (با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۹۷.

١٠٢٩. مسند ابن حنبل: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ، حَدَّثَنِي أَبِي، ثنا وَكَيْعٌ، عَنْ شَرِيكٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَبِي قِلَابَةَ، عَنْ ثوبانَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

إِذَا رَأَيْتُمُ الرِّايَاتِ السُّودَ قَدْ جَاءَتْ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ فَاتُّوْهَا، فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ. (١)

١٠٣٠. الغيبة للنعماني: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ قَيْسٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا ثَعْلَبَةُ بْنُ مَيْمُونٍ، عَنْ مَعْمَرِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ دَاوُدَ الدَّجَاجِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ:

سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى: «فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ» ٢.

فَقَالَ: انْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ ثَلَاثٍ، فَقِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا هُنَّ؟

فَقَالَ: اخْتِلَافُ أَهْلِ الشَّامِ بَيْنَهُمْ، وَالرِّايَاتِ السُّودِ مِنْ خُرَاسَانَ، وَالْفَزْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ. فَقِيلَ: وَمَا الْفَزْعَةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؟ (٢)

فَقَالَ: أَوْ مَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ: «إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ» ٤ هِيَ آيَةُ تَخْرِجِ الْفِتَاةِ مِنْ خُدْرِهَا، وَتَوْقِطِ النَّائِمِ،

ص: ٥٤

١- (١) في الفردوس «فإنه» بدل «فإن فيها».

٢- (٣) يبدو أن المراد هو الخوف على إثر الصيحة السماوية. الصيحة التي تسمع من السماء في شهر رمضان).

۱۰۲۹. مسند ابن حنبل - با سندش به نقل از ثوبان - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هنگامی که دیدید پرچم های سیاه از سمت خراسان آمدند، به آنها پیوندید، که جانشین خداوند، مهدی، میان آنهاست» (۱).

۱۰۳۰. الغیبه، نعمانی - با سندش به نقل از داوود دجاجی، از امام باقر علیه السلام - : امیر مؤمنان علیه السلام در باره این سخن خدای متعال: «آن گاه از میان ایشان، چند دسته اختلاف ورزیدند» فرمود: «از میان سه [نشانه]، فَرَج را انتظار کشید».

گفته شد: ای امیر مؤمنان! آنها کدام اند؟

فرمود: «اختلاف شامیان با همدیگر، پرچم های سیاه از خراسان و هراس (صیحه) ماه رمضان».

گفته شد: هراس (۲) ماه رمضان چیست؟

فرمود: «آیا سخن خدای عز و جل را در قرآن نشنیده اید: «اگر بخواهیم، نشانه ای از آسمان بر آنان فرو می فرستیم که در برابر آن، سر خم کنند»؟! آن، نشانه ای است که دختران را از کُنج

ص: ۵۵

---

۱- (۱) مسند ابن حنبل: ج ۸ ص ۳۲۵ ح ۲۲۴۵۰، الفردوس: ج ۲ ص ۳۲۳ ح ۳۴۷۰ (با عبارت مشابه)، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۱ ح ۳۸۶۵۱؛ کشف الغمّه: ج ۳ ص ۲۶۲، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۸۲.

۲- (۲) گویا مقصود، هراس در پی صیحه آسمانی است؛ صیحه ای که در ماه رمضان از آسمان شنیده می شود.

١٠٣١. الإرشاد: قَدْ جَاءَتِ الْأَخْبَارُ بِذِكْرِ عِلَامَاتٍ لِمَازَانِ قِيَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَحَوَادِثَ تَكُونُ أَمَامَ قِيَامِهِ وَآيَاتٍ وَدَلَالَاتٍ، فَمِنْهَا: خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ... وَهَدْمُ سُورِ الْكُوفَةِ، وَإِقْبَالُ رَايَاتِ سُودٍ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ.

١٠٣٢. الغيبة للطوسي: الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ أَحْمَدَ السَّمَاكِ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَانِي، عَنْ نَعِيمِ بْنِ حَمَادٍ، عَنْ سَعِيدِ أَبِي عُثْمَانَ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

تَنْزِلُ الرَّايَاتُ السُّودُ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ، فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعَثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ.

١٠٣٣. الفتن لابن حماد: حَدَّثَنَا سَعِيدُ أَبُو عُثْمَانَ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ:

تَنْزِلُ الرَّايَاتُ السُّودُ الَّتِي تُقْبَلُ مِنْ خُرَاسَانَ الْكُوفَةَ، فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ بَعَثَ بِالْبَيْعَةِ إِلَى الْمَهْدِيِّ.

١٠٣٤. سنن الترمذي: حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ، أَخْبَرَنَا رِشْدِينَ بْنُ سَعِيدٍ، عَنْ يُونُسَ، عَنْ ابْنِ شَهَابٍ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، عَنْ قَبِيصَةَ بْنِ دُؤَيْبٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ رَايَاتُ سُودٍ، لَا يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ بِإِيلِيَاءَ (١).

١٠٣٥. كنز العميال عن الإمام علي عليه السلام: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! لَا يَذْهَبُ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ حَتَّى تَجِيَّ الرَّايَاتُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ خُرَاسَانَ، حَتَّى يُوَثِّقُوا خِيُولَهُمْ بِنَجْلَاتِ (٢) بَيْسَانَ (٣) وَالْفُرَاتِ.

ص: ٥٦

١- (١) وزاد في الفتن «يعنى بيت المقدس» وإيلياء: اسم مدينه بيت المقدس، ومعناه: بيت الله (معجم البلدان: ج ١ ص ٢٩٣).

٢- (٢) هكذا في المصدر، والظاهر «بنخلات»؛ لأنَّ بيسان مشهوره بالنخل.

٣- (٣) بيسان: مدينه بالأردن وهى بين حوران وفلسطين وتوصف بكثرة النخيل، وبيسان أيضاً موضع معروف بأرض اليمامة، وهو الموصوف بكثرة النخيل (معجم البلدان: ج ١ ص ٥٢٧).

خانه بیرون می آورد و خفته را بیدار و بیدار را هراسان می کند».(۱)

۱۰۳۱. الإرشاد: خبرهایی در ذکر نشانه های روزگار قیام مهدی علیه السلام آمده و حوادثی پیش از قیامش رخ می دهند و آیه ها و نشانه هایی پدیدار می شوند که از آنهاست: خروج سفیانی،... انهدام خانه های کوفه و پیش آمدن پرچم هایی سیاه رنگ از سمت خراسان.(۲)

۱۰۳۲. الغیبه، طوسی - با سندش به نقل از جابر - : امام باقر علیه السلام فرمود: «پرچم های سیاهی که از خراسان خارج می شوند، در کوفه فرود می آیند و چون مهدی علیه السلام ظهور کند، برای بیعت با او روانه می شوند».(۳)

۱۰۳۳. الفتن، ابن حمّاد - با سندش به نقل از جابر - : امام باقر علیه السلام فرمود: «پرچم های سیاهی که از سمت خراسان روانه می شوند، در کوفه فرود می آیند و چون مهدی علیه السلام در مکه ظهور می کند، برای بیعت با مهدی روانه می شوند».(۴)

۱۰۳۴. سنن الترمذی - با سندش به نقل از ابو هریره - : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «از خراسان، پرچم های سیاهی خروج می کنند که چیزی جلودارشان نیست تا در بیت المقدس افراشته شوند».(۵)

۱۰۳۵. کنز العمال: امام علی علیه السلام فرمود: «سوگند به آن که جانم به دست اوست، شب و روز سپری نمی شوند، تا آن که پرچم هایی سیاه از سوی خراسان بیایند و اسبان خود را

ص: ۵۷

---

۱- (۱) الغیبه، نعمانی: ص ۲۵۱ ح ۸، تأویل الآیات: ج ۱ ص ۳۸۷ ح ۴ (به نقل از معلی بن خنیس، از امام صادق علیه السلام)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۲۹ ح ۹۵.

۲- (۲) الإرشاد: ج ۲ ص ۳۶۸، روضه الواعظین: ص ۲۸۷، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۱۹ ح ۸۲.

۳- (۳) الغیبه، طوسی: ص ۴۵۲ ح ۴۵۷، الخرائج و الجرائح: ج ۳ ص ۱۱۵۸ ح ۶۲، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۱۷ ح ۷۷.

۴- (۴) الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۳۲۲ ح ۹۲۱.

۵- (۵) سنن الترمذی: ج ۴ ص ۵۳۱ ح ۲۲۶۹ (هذا حدیث غریب)، مسند ابن حنبل: ج ۳ ص ۲۹۲ ح ۸۷۸۳ (وفیه: إسناده ضعیف جداً)، المعجم الأوسط: ج ۴ ص ۳۱ ح ۳۵۳۶، مسند الشامیین: ج ۳ ص ۲۲۷ ح ۲۱۳۸، تاریخ مدینه دمشق: ج ۳۲ ص ۲۸۱، الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۱۳ ح ۵۸۴، کنز العمال: ج ۱۴ ص ۲۶۱ ح ۳۸۶۵۲.

١٠٣٦. شرح الأخبار: عن جعفر بن محمد بن علي صلوات الله عليهم، أنه ذكر المهدي عليه السلام.

فقال:

تطلع الرايات السود. وأوماً بيده إلى المشرق، وتطلع رايات المهدي من هاهنا، وأوماً بيده إلى المغرب.

وذلك في أيام بني أمية قبل قيام بني العباس. وطلعت راياتهم السود من قبل المشرق من جهة خراسان، فطلعت رايات المهدي بعد ذلك من المغرب، كما قال صلوات الله عليه.

ص: ٥٨

به درختان نخل بیسان(۱) و فرات بیندند»(۲).

۱۰۳۶. شرح الأخبار: روایت شده که امام صادق علیه السلام از مهدی علیه السلام یاد کرد و فرمود: «پرچم هایی سیاه سر بر می آورند (با دستش به شرق اشاره نمود) و پرچم های مهدی علیه السلام از این جا پدیدار می شوند» (با دستش به غرب اشاره نمود). این، در روزگار بنی امیه و پیش از قیام بنی عباس بود که پرچم های سیاهشان از سمت مشرق از خراسان سر بر آورد، و پرچم های مهدی علیه السلام پس از آن از مغرب پدیدار شد، همان گونه که امام - که دروذهای خدا بر او باد - فرمود.(۳)

نکته: در باره پرچم های سیاه همراه با سفیانی، تعدّد پرچم های سیاه، پرچم های سیاه بنی عباس، گزارش های دیگری در مصادر حدیثی و تاریخی شیعه و اهل سنت وجود دارد.(۴)

ص: ۵۹

---

۱- (۱) بیسان، شهری در کشور اردن است که به فراوانی درختان خرما مشهور است. این صفت برای جایی در سرزمین یمامه هم گفته شده است.

۲- (۲) کنز العمال: ج ۱۴ ص ۵۷۶ ح ۳۹۶۴۲ (به نقل از ابن منادی در کتاب الملاحم).

۳- (۳) شرح الأخبار: ج ۳ ص ۳۶۴ ح ۱۲۳۴.

۴- (۴) ر. ک: ص ۶۳ (بخش دهم/فصل یکم/شکست لشکر سفیانی در برابر پرچم های سیاه)، الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۰۳ ح ۵۵۵ و ص ۲۰۷ ح ۵۶۶ و ص ۲۱۰ ح ۵۷۳، و ص ۳۱۲ ح ۹۰۱ و ص ۳۱۳ ح ۹۰۶ و ص ۳۱۶ ح ۹۱۳، مسند أبی یعلی: ج ۵ ص ۵۲ ح ۵۰۶۲، البدایه و النهایه: ج ۶ ص ۲۴۶، کنز العمال: ج ۱۱ ص ۱۶۱ ح ۳۱۰۳۷ و ص ۲۸۳ ح ۳۱۵۳۰ و ج ۱۴ ص ۵۹۵ ح ۳۹۶۸۰، الغیبه، نعمانی: ص ۱۹۷ ح ۶، دلائل الإمامه: ص ۲۹۳ ح ۲۴۸، الخرائج و الجرائح: ج ۲ ص ۶۴۵ ح ۵۴، إعلام الوری: ج ۱ ص ۵۲۸، المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۴ ص ۲۲۹.



## اشاره

برخی احادیث، به قیام گروهی از مردمان از مشرق و زمینه سازی برای فرج و انقلاب مهدوی، اشاره دارند. گروهی از گزارش ها، به نشانه دیگری اشاره کرده اند که گاه با این عنوان ترکیب می شود. «رایات سود (پرچم های سیاه)»، عنوان ویژه ای است که به مشخصات گروه قیام کننده اشاره دارد. بررسی مجموعه احادیث معصومان علیهم السلام و گزارش های صحابه و تابعان، مراد و مدعای نشانه «رایات سود» را تبیین می کند.

## بیان گزارش ها

## اشاره

مجموعه متون مرتبط با «رایات سود» را در چند گزینه بررسی می کنیم:

## ۱- مصادر

## الف - مصادر شیعی

اشاره به احادیث «رایات سود»، در مصادر کهن شیعی، بسیار کم رنگ و بی برگ و بار است. ثقه الإسلام کلینی (م ۳۲۹ ق) در کتاب الکافی، به برخی از نشانه های ظهور اشاره کرده است؛ ولی حدیثی در باره «رایات سود» نقل نکرده است. شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) نیز در کتاب کمال الدین در این باره مطلبی ندارد.

نعمانی (م ح ۳۵۰ ق) در کتاب الغیبه، چهار گزارش در باره «رایات سود» آورده است: (۱) یک گزارش به نقل از کعب الأحبار است و دیگری در باره ظهور «رایات

ص: ۶۰

---

۱- (۱) الغیبه، نعمانی: ص ۱۴۷ ح ۴ و ص ۱۹۷ ح ۶ و ص ۲۵۱ ح ۸ و ص ۲۵۳ ح ۱۳. نیز، ر. ک: همین دانش نامه: ص ۵۶ ح ۱۰۳۲ و ج ۷ ص ۳۸۲ ح ۱۳۹۳.

سود» در خراسان در زمان امام صادق علیه السلام و دو روایت نیز از امیر مؤمنان علیه السلام و امام باقر علیه السلام که با قیام امام مهدی علیه السلام مرتبط نیست.

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) در کتاب الإرشاد، در جمع بندی نشانه های ظهور، به «رایات سود» اشاره کرده است. (۱) شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) نیز در این باره، تنها یک حدیث و به نقل از نعیم بن حمّاد از امام باقر علیه السلام گزارش کرده است. (۲)

نویسنده کتاب دلائل الإمامه (قرن پنجم) در پنج گزارش به «رایات سود» اشاره کرده، که یک گزارش آن، در باره ابو مسلم خراسانی است، (۳) سه گزارش آن، با طرق اهل سنت از عبد الله بن مسعود نقل شده (۴) و یک گزارش نیز از امیر مؤمنان علیه السلام است. (۵)

قطب راوندی (م ۵۷۳ ق) در کتاب الخرائج و الجرائح، دو گزارش نقل کرده (۶) که یکی از آنها در باره ابو مسلم خراسانی است. (۷)

ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق)، دو گزارش در نکوهش «رایات سود» به نقل از کعب الأحبار و ابو هریره آورده (۸) و در گزارش دیگر، به ابو مسلم اشاره کرده است. (۹)

گسترده ترین گزارش ها در باره «رایات سود» را سید ابن طاووس (م ۶۶۴ ق) در کتاب التشریف بالمنن (الملاحم و الفتن) آورده است. او، در این باره بیست گزارش به

ص: ۶۱

---

۱- (۱) ر. ک: ص ۵۶ ح ۱۰۳۱.

۲- (۲) ر. ک: ص ۵۶ ح ۱۰۳۲.

۳- (۳) دلائل الإمامه: ص ۲۹۴ ح ۲۴۸.

۴- (۴) دلائل الإمامه: ص ۴۴۲ ح ۴۱۴ و ص ۴۴۵ ح ۴۱۹ و ص ۴۴۶ ح ۴۲۰. نیز، ر. ک: همین دانش نامه: ص ۵۰ ح ۱۰۲۵.

۵- (۵) ر. ک: ج ۷ ص ۳۰۶ ح ۱۳۶۷.

۶- (۶) الخرائج و الجرائح: ج ۳ ص ۱۱۵۸.

۷- (۷) الخرائج و الجرائح: ج ۲ ص ۶۴۵ ح ۵۴.

۸- (۸) المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۳ ص ۳۰۰.

۹- (۹) المناقب، ابن شهر آشوب: ج ۴ ص ۲۲۹.

نقل از مصادر اهل سنت نقل کرده است. بیشتر این گزارش ها به نقل از کتاب الفتن ابن حمّاد و برخی نیز از الفتن ابن منادی و الفتن سلیلی است. (۱)

برخی از این متون، در نکوهش «رایات سود» و برخی در ستایش آنهایند. نیز برخی به بنی عباس و برخی به امام مهدی علیه السلام اشاره دارند. بیشتر گزارش های موجود، گفته های صحابه یا کعب الأخبارند و حدیث مستند به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام کمتر گزارش شده است. در این کتاب، حتی یک گزارش از مصادر شیعه یا راویان شیعی، نقل نشده است.

در جمع بندی مصادر شیعی می توان گفت: مصادر اصلی حدیثی شیعه، «رایات سود» را به عنوان نشانه ظهور، گزارش نکرده اند. مصادر دیگر نیز معمولاً این متون را از طریق اهل سنت نقل کرده و یا آن را بدون ارتباط با قیام مهدوی مطرح نموده اند.

### ب - مصادر اهل سنت

کهن ترین مصدر موجود حدیثی مشهور اهل سنت که به «رایات سود» اشاره کرده، مسند ابن حنبل (م ۲۴۱ ق) است. او دو گزارش در باره «رایات سود» خراسان به نقل از ابو هریره و ثوبان، نقل می کند. (۲) گزارش ابو هریره، مرتبط با مهدویت نیست؛ ولی روایت ثوبان، با مهدویت مرتبط است.

ابن ماجه (م ۲۷۳ ق) در باب «خروج المهدی»، دو روایت در باره «رایات سود» به نقل از عبد الله بن مسعود و ثوبان، گزارش کرده است. (۳) این

ص: ۶۲

---

۱- (۱) ر. ک: الملاحم والفتن: ص ۸۴ ح ۳۳ و ص ۸۷ ح ۴۲ و ص ۸۹ ح ۴۷ و ص ۹۲ ح ۵۱ و ص ۱۱۷-۱۲۴ ح ۱۰۹-۱۲۳ و ص ۱۳۶-۱۳۹ ح ۱۵۶-۱۶۰.

۲- (۲) مسند ابن حنبل: ج ۳ ص ۲۹۲ ح ۸۷۸۳ و ج ۸ ص ۳۲۵ ح ۲۲۴۵۰. نیز، ر. ک: همین دانش نامه: ص ۵۴ ح ۱۰۳۰.

۳- (۳) ر. ک: ص ۴۸ ح ۱۰۲۳ و ص ۵۲ ح ۱۰۲۸.

گزارش‌ها در باب «خروج المهدی» آمده‌اند، ولی متن آنها، اشاره‌ای به قیام مهدوی ندارند. ظاهراً برداشت ابن ماجه آن بوده است که این قیام، در رابطه با مهدویت است.

ترمذی (م ۲۷۹ ق) روایت ابو هریره را نقل کرده است که با مهدویت ارتباطی ندارد. (۱)

حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ ق) روایت ثوبان را با دو طریق (۲) و روایت عبد الله بن مسعود را نقل کرده است. (۳) یکی از گزارش‌های ثوبان، موقوف است و به پیامبر صلی الله علیه و آله استناد داده نشده است. هر سه متن در باره «رایات سود»، به قیام امام مهدی علیه السلام تصریح کرده‌اند.

نکته مهم، این‌که: در مصادر اصلی حدیثی اهل سنت، تنها همین سه روایت (یعنی گزارش‌های ثوبان، عبد الله بن مسعود و ابو هریره) نقل شده و هیچ‌قولی از صحابه یا کعب الأحبار، گزارش نشده است.

کتاب الفتن نگاشته نعیم بن حماد مروزی (م ۲۲۸ ق) اگر چه جزو کتاب‌های حدیثی مشهور اهل سنت نیست، ولی شاخص‌ترین کتاب در گزارش‌های «رایات سود» است. در کتاب نعیم بن حماد - که با امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام معاصر بوده است -، نزدیک به شصت گزارش در باره «رایات سود» وجود دارد که در دو گروه مجزا ارائه شده‌اند: «رایات سود» بنی عباس و «رایات سود» مرتبط با قیام امام مهدی علیه السلام.

بیشتر گزارش‌های موجود در این کتاب، از اقوال صحابه، تابعان و کعب

ص: ۶۳

---

۱- (۱) سنن الترمذی: ج ۴ ص ۵۳۱ ح ۲۲۶۹.

۲- (۲) المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۵۱۰ ح ۸۴۳۲ و ص ۵۴۷ ح ۸۵۳۱.

۳- (۳) المستدرک علی الصحیحین: ج ۴ ص ۵۱۱ ح ۸۴۳۲.

الأخبار است و تنها هفت روایت به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله، (۱) شش روایت به نقل از امیرمؤمنان علیه السلام (۲) و پنج روایت به نقل از امام باقر علیه السلام در باره «رایات سود» آمده است؛ (۳) یعنی حدود ۲۵ درصد گزارش ها از معصومان علیهم السلام نقل شده اند.

در این هجده حدیث، شش روایت با قیام مهدوی مرتبط نیستند (۴) حتی در برخی موارد، در نکوهش «رایات سود» آمده اند. (۵) و یا صراحتاً به «رایات سود» بنی عباس اشاره دارند (۶)، سه گزارش در باره نبرد «رایات سود» با سفیانی و فرماندهی شعیب بن صالح اند (۷) و تنها در نه گزارش، ارتباط مستقیم «رایات سود» با امام مهدی علیه السلام و یا بیعت با ایشان مطرح شده است. (۸)

نکته قابل تأمل، آن است که با وجود این که نعیم بن حماد مروزی، با احمد بن حنبل با چند سال تقدّم زمانی، معاصر و با او در مبحث «خلق و عدم خلق قرآن» نیز هم عقیده بوده است، ولی هیچ یک از روایات و آثار کتاب او در مسند ابن حنبل و در دیگر کتاب های کهن و معتبر اهل سنت نیامده است. ظاهراً مدرسه رسمی حدیث

ص: ۶۴

- 
- ۱- (۱) الفتن ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۰۲ ح ۵۵۱ و ص ۲۰۳ ح ۵۵۲ و ص ۲۰۴ ح ۵۵۵ و ص ۲۰۵ ح ۵۵۸ و ص ۲۰۶ ح ۵۶۳ و ص ۲۱۳ ح ۵۸۴ و ص ۳۱۰ ح ۸۹۵.
  - ۲- (۲) ر. ک: الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۱۰ ح ۵۷۳ و ص ۲۱۶ ح ۵۹۵ و ص ۳۱۴ ح ۹۰۷ و ص ۳۱۶ ح ۹۱۲ و ص ۳۲۱ ح ۹۱۴ و ص ۳۴۴ ح ۹۹۶.
  - ۳- (۳) ر. ک: الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۰۷ ح ۵۶۶ و ص ۳۱۲ ح ۹۰۱ و ص ۳۱۴ ح ۹۰۹ و ص ۳۱۶ ح ۹۱۳ و ص ۳۲۲ ح ۹۲۱ و ص ۳۴۵ ح ۹۹۹.
  - ۴- (۴) ر. ک: الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۰۳ ح ۵۵۱-۵۵۲ و ص ۲۰۴ ح ۵۵۵ و ص ۲۰۵ ح ۵۵۸ و ص ۲۰۶ ح ۵۶۳.
  - ۵- (۵) ر. ک: الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۰۲ ح ۵۵۱ و ص ۲۱۰ ح ۵۷۳.
  - ۶- (۶) ر. ک: الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۰۴ ح ۵۵۵ و ص ۲۰۵ ح ۵۵۸ و ص ۲۰۶ ح ۵۶۳.
  - ۷- (۷) ر. ک: الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۳۱۲ ح ۹۰۱ و ص ۳۱۴ ح ۹۰۷-۹۰۹ و ص ۳۱۶ ح ۹۱۲-۹۱۳ و ص ۳۲۱ ح ۹۱۴.
  - ۸- (۸) ر. ک: الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۳۱۰ ح ۸۹۵ و ص ۳۱۴ ح ۹۰۶ و ۹۰۹ و ص ۳۱۶ ح ۹۱۲-۹۱۳ و ص ۳۲۱ ح ۹۱۴ و ص ۳۴۴ ح ۹۹۶ و ص ۳۴۵ ح ۹۹۹.

اهل سنت، رویکرد نعیم بن حمّاد را در نقل گزارش های مربوط به فتن و نشانه های ظهور نپذیرفته و آن را طرد کرده است.

## ۲- احادیث

### الف - احادیث خالص شیعی

(۱)

احادیث شیعی «رایات سود»، بسیار کم برگ و بار است؛ چرا که تنها سه حدیث خالص شیعی در مصادر ما گزارش شده است:

حدیث اوّل به نقل از امام باقر علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام که فرج (گشایش) را منوط به سه نشانه شمرده است: اختلاف شامیان، رایات سود خراسان و فزعه (صیحه) در ماه رمضان. (۲) این حدیث، مربوط به مطلق گشایش است و به قیام مهدوی مربوط نیست.

حدیث دوم به زوال حکومت بنی امیه و بنی عبّاس اشاره کرده و از اصحاب «رایات سود» سخن گفته است (۳) که ظاهراً به قیام ابو مسلم خراسانی اشاره دارد و با قیام مهدوی، مرتبط نیست.

حدیث سوم، صراحتاً ابو مسلم خراسانی را «صاحب رایات سود» خوانده است. (۴)

نتیجه آن که از منظر احادیث خالص شیعی، «رایات سود» خراسان، با قیام مهدوی ارتباطی ندارند.

ص: ۶۵

---

۱- (۱) مراد از احادیث خالص شیعی، احادیثی هستند که به گونه کامل از طریق راویان شیعه گزارش شده اند، نه آن که از میراث حدیثی اهل سنت، به میراث حدیثی شیعه منتقل شده باشند.

۲- (۲) الغیبه، نعمانی: ص ۲۵۱ ح ۸.

۳- (۳) الغیبه، نعمانی: ص ۲۵۶ ح ۱۳.

۴- (۴) دلائل الإمامه: ص ۲۹۴ ح ۲۴۸، إعلام الوری: ج ۱ ص ۵۲۸.

قاضی نعمان در کتاب شرح الأخبار، گزارشی را به امام باقر علیه السلام نسبت می دهد که «رایات سود» از مشرق و «رایات مهدی» از مغرب می آیند. او «رایات سود» را بر قیام ابو مسلم خراسانی و «رایات مهدی» را بر قیام فاطمیان در مصر حمل می کند که به انجام رسیده است. (۱) قسمت اول گزارش او - که مطابق با گزارش های دیگر است - مرتبط با امام مهدی علیه السلام نیست و قسمت دوم آن، با توجه به تمایلات قاضی نعمان به اسماعیلیه و فاطمیان مصر، جعلی می نماید.

## ب - احادیث اهل سنت

### ب / ۱ - احادیث نبوی

جوامع رسمی حدیثی اهل سنت، احادیث معدودی را از پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش کرده اند.

گزارش عبد الله بن مسعود، به مهجور بودن اهل بیت علیهم السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و خروج «رایات سود» از مشرق اشاره دارد که در نهایت، به ریاست یکی از اهل بیت علیهم السلام منتهی می شود. در برخی گزارش ها، ویژگی عدل گستری برای آنان ذکر شده که می تواند بر قیام مهدوی تطبیق شود. (۲)

روایت ثوبان، «رایات سود» را با قیام مهدی مرتبط می داند. (۳) برخی گزارش های ثوبان، موقوف است و به پیامبر صلی الله علیه و آله مستند نیست. (۴)

یک گزارش ابو هریره نیز به «رایات سود» اشاره دارد؛ ولی با قیام مهدوی مرتبط نیست. (۵) گزارش دیگر ابو هریره، «رایات سود» را فتنه و گم راهی شمرده است. (۶)

ص: ۶۶

۱- (۱) ر. ک: ص ۵۸ ح ۱۰۳۶.

۲- (۲) ر. ک: ص ۴۸ ح ۱۰۲۳.

۳- (۳) ر. ک: ص ۵۲ ح ۱۰۲۷ و ۱۰۲۸.

۴- (۴) ر. ک: الفتن، ابن حَمَّاد: ج ۱ ص ۳۱۱ ح ۸۹۶.

۵- (۵) ر. ک: ص ۵۶ ح ۱۰۳۴ (سنن الترمذی).

۶- (۶) ر. ک: ص ۵۰ ح ۱۰۲۶ (تاریخ بغداد).

مصادر حدیثی اهل سنت، تنها این احادیث را از پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش کرده اند.

نعیم بن حمّاد، افزون بر گزارش های پیشین، دو گزارش از سعید بن مسیب و یک گزارش از حسن (احتمالاً حسن بصری) نقل کرده است. سعید بن مسیب و حسن بصری، تابعی هستند و امکان گزارش مستقیم از پیامبر صلی الله علیه و آله را نداشته اند. از این رو، روایت آنها مرسل محسوب می شود.

گزارش اول سعید بن مسیب، به «رایات سود» بنی عباس و «رایات سود» بر ضدّ سفیانی، اشاره کرده است و با قیام مهدوی، مرتبط نیست. (۱) گزارش دیگر او نیز شبیه به گزارش اول است و به این نکته اشاره می کند که رایات سود مبارزه کننده با سفیانی، در نهایت به امام مهدی علیه السلام می پیوندند. (۲)

گزارش حسن (بصری)، به ارتباط «رایات سود» با فردی اشاره می کند که از اهل بیت علیهم السلام است و نام او شبیه نام پیامبر صلی الله علیه و آله است. (۳)

مصادر مشهور و کهن اهل سنت، حدیثی را از اهل بیت علیهم السلام در باره «رایات سود» گزارش نکرده اند؛ ولی به نظر می رسد روایت عبد الله بن مسعود و ثوبان، دستاویز اصلی عباسیان برای استفاده از پرچم های سیاه و ادعای مهدویت بوده است.

## ب/ ۲- احادیث اهل بیت علیهم السلام

کتاب الفتن نگاشته نعیم بن حمّاد (م ۲۲۸ ق) در نقل حدیث از اهل بیت علیهم السلام، استثنا محسوب می شود. در این کتاب، احادیثی از امیر مؤمنان علیه السلام و امام باقر علیه السلام گزارش شده است؛ احادیثی که در مصادر شیعی متقدم وجود ندارند و از اسناد اهل سنت برخوردارند.

مطالبی که در این احادیث، به آنها توجه شده است، از این قرارند:

ص: ۶۷

۱- (۱) الفتن ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۰۴ ح ۵۵۵.

۲- (۲) الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۳۱۴ ح ۹۰۶.

۳- (۳) الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۳۱۳ ح ۹۰۴.



۱. زوال بنی امیه پس از قیام «رایات سود» (مثل روایت جابر جُجعی از امام باقر علیه السلام)؛(۱)

۲. نکوهش کسانی که پس از قیام «رایات سود» به قدرت می رسند؛(۲)

۳. اختلاف رایات سود؛(۳)

۴. ظهور سفیانی؛(۴)

۵. فرماندهی شعیب بن صالح؛(۵)

۶. ظهور امام مهدی علیه السلام در مکه پس از «رایات سود»؛(۶)

۷. مشخصات و ویژگی های قیام مهدوی پس از قیام «رایات سود» از مشرق.(۷)

### ج - آثار

مراد از اثر، گزارش های غیر مستند به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است. این گروه در مصادر اولیه شیعه، به ندرت گزارش شده اند. مصادر حدیثی معتبر اهل سنت هم از نقل این گزارش ها ابا دارند؛ ولی شمار فراوان این گزارش ها در کتاب های فتن و ملاحم همچون الفتن نگاشته نعیم بن حمّاد (م ۲۲۸ ق) و کتاب های مشابه آن همچون الفتن سلیلی و الفتن ابن منادی و در نهایت در مصادر متأخر شیعی همچون الفتن و الملاحم سید ابن طاووس، بروز یافته است.

ص: ۶۸

۱- (۱) ر. ک: الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۰۷ ح ۵۶۶.

۲- (۲) الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۱۰ ح ۵۷۳.

۳- (۳) الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۱۶ ح ۵۹۵ و ص ۲۸۸ ح ۸۴۱. نیز، ر. ک: همین دانش نامه ج ۷ ص ۹۱ ح ۱۱۵۵.

۴- (۴) الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۲۸۸ ح ۸۴۱ و ص ۲۸۹ ح ۸۴۵.

۵- (۵) الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۳۱۴ ح ۹۰۷ و ص ۳۱۶ ح ۹۱۲ و ص ۳۲۱ ح ۹۱۴ و ص ۳۴۴ ح ۹۹۶. نیز، ر. ک: همین

دانش نامه: ج ۷ ص ۱۱۹ ح ۱۱۸۲ و ۱۱۸۳.

۶- (۶) ر. ک: ص ۵۰ ح ۱۰۲۵ و الفتن، ابن حمّاد: ج ۱ ص ۳۲۲ ح ۹۲۱.

۷- (۷) ر. ک: ص ۵۰ ح ۱۰۲۵.

این مجموعه گسترده و کهن، نشان دهنده اثرگذاری فراوان پیشگویی‌ها بر فرهنگ دوره و زمانه خویش است، همچنان که احتمال فرصت‌طلبی و جعل را افزون می‌کند.

فرهنگ‌سازی این گزارش‌ها بر تحلیل رابطه «رایات سود» با قیام مهدی در مصادر متأخر، کاملاً آشکار است، به گونه‌ای که نقش احادیث را بسیار کم‌رنگ ساخته است.

این متون، به نقل از افرادی چون: کعب الأحبار، محمد بن حنفیه، ابن عباس، زهری، ابو قبیله و یا اشخاص بی‌نام و نشانی همچون پیرمردی که دوران جاهلیت را نیز درک کرده است، گزارش شده‌اند.

اشکال اصلی در این گزارش‌ها، استناد نداشتن این سخنان به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است. از این رو، پیشگویی آنان نمی‌تواند معیار و مستند صحیح در تحلیل و یا نظریه‌پردازی شود. تمایلات افراد و احتمال سوء استفاده‌های سیاسی از این گزارش‌ها، اعتماد به آنها را بسیار کاهش می‌دهند.

### جمع بندی

با عنایت به مطالب بخش پیشین و روایاتی که بر وجود دولت زمینه‌سازان پیش از قیام امام مهدی علیه السلام دارند، می‌توان گفت: اهل بیت علیهم السلام از حکومت زمینه‌سازان قیام مهدوی خبر داده‌اند؛ ولی این در گزارش‌های، موضوع رایات سود و یا آغاز قیام از خراسان، مطرح نشده است و ارتباطی میان دولت زمینه‌سازان و پرچم‌های سیاه نیست.

گزارش‌های مستند و اصیل «رایات سود»، مرتبط با قیام مهدوی نیستند؛ بلکه به قیام ابو مسلم و گشایش جامعه اسلامی در مدت زمان محدود پس از برافتادن بنی‌امیه اشاره دارند. در دوره‌های بعد، این گزارش‌ها با مجموعه فراوان

گزارش های بی نام و نشان و یا غیر مستند و غیر معتبر، مخلوط شده و بر قیام قبل از انقلاب مهدوی، تطبیق داده شده است. احتمال سوء استفاده طرفداران ابو مسلم از این متون و یا جعل و تحریف متون مشابه برای قداست بخشی به قیام ابو مسلم و عباسیان نیز وجود دارد. هر چه باشد، متون «رایات سود» و قیام از مشرق، با انقلاب مهدوی و دولت زمینه سازان، مرتبط نیستند.

ص: ۷۰

بخش هشتم: دعا

اشاره

ص: ۷۱

## الفصل الأول: أَدْعِيَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ لِلْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١/١: دُعَاءُ الْإِمَامِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١٠٣٧. الغيبة للنعماني: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ: حَدَّثَنِي عُبيدُ اللَّهِ بْنُ مَوْسَى الْعَلَوِيُّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ مَوْسَى بْنِ هَارُونَ بْنِ عَيْسَى الْمَعْبُودِيِّ (١)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ بْنِ قَعْنَبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا شَيْلِيمَانُ بْنُ بِلَالٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، تَبَّئْنَا بِمَهْدِيِّكُمْ هَذَا.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا دَرَجَ (٢) الدَّارِجُونَ، وَقَلَّ الْمُؤْمِنُونَ، وَذَهَبَ الْمُجْلِبُونَ، فَهُنَاكَ هُنَاكَ. فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، مِمَّنِ الرَّجُلُ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ بَنِي هَاشِمٍ، مِنْ ذُرْوَةِ طُودٍ (٣) الْعَرَبِ، وَبَحْرِ مَغِيضِهَا (٤) إِذَا وَرَدَتْ،

ص: ٧٢

١- (١) كذا في المصدر، وفي بحار الأنوار: «العبدى»، والظاهر أن الصحيح: «العبيدي».

٢- (٢) دَرَجَ: مات (النهاية: ج ٢ ص ١١١ «درج»).

٣- (٣) الطُّودُ: الجبل العظيم (لسان العرب: ج ٣ ص ٢٧٠ «طود»).

٤- (٤) المَغِيضُ: المكان الذي يَغِيضُ [أى يدخل] فيه الماء فيغيب (انظر: لسان العرب: ج ٧ ص ٢٠١ «غيض»). ولعل المعنى: أنه بحر العلوم والخيرات، فهي كامنه فيه، أو شبهه ببحر في أطرافه مغايب؛ فإن شيعتهم مغايب علومهم (بحار الأنوار: ج ٥١ ص ١١٥).

## فصل یکم: دعاهای اهل بیت علیهم السلام برای امام مهدی علیه السلام

### ۱/۱: دعای امام علی بن ابی طالب علیه السلام

۱۰۳۷. الغیبه، نعمانی - به نقل از سلیمان بن بلال، از امام جعفر صادق علیه السلام، از پدرش، از جدش - امام حسین علیه السلام فرمود: «مردی نزد امیر مؤمنان علیه السلام آمد و گفت: ای امیر مؤمنان! ما را از این مهدی تان باخبر کن.

فرمود: هنگامی که رفتنی ها بروند و مؤمنان اندک شوند و شورشیان از میان بروند، آن هنگام است، آن هنگام.

مرد گفت: ای امیر مؤمنان! این شخص از کدام طایفه است؟

فرمود: "از بنی هاشم. از بلندای والاترین قبیله عرب. از دریای آبگیر از همه سو.

وَمَخْفِرٍ أَهْلِهَا (١) إِذَا آتَيْتَ، وَمَعْدِنٍ صَيَّفَتْهَا إِذَا اكَتَدَرْتَ، لَا يَجْبُنُ إِذَا الْمَنِيَا هَكَعَتْ (٢)، وَلَا يَخُورُ (٣) إِذَا الْمَنُونُ اكَتَنَعَتْ (٤)، وَلَا يَنْكُلُ إِذَا الْكُمَاهُ (٥) اصْطَرَعَتْ، مُشَمَّرٌ مُغْلُولِبٌ (٦)، ظَفِرٌ ضِرْغَامَةٌ (٧)، حَصْدٌ (٨) مُخَدَّشٌ (٩)، ذَكَرٌ (١٠) سَيْفٌ مِنْ سَيْوْفِ اللَّهِ، رَأْسٌ قُتْمٌ (١١)، نَشْوٌ (١٢) رَأْسُهُ فِي بَاذِخٍ (١٣) السُّودِدِ، وَعَارِزٌ (١٤) مَجْدُهُ فِي أَكْرَمِ الْمَحْتَدِ (١٥).

فَلَا يَصْرِفَنَّكَ عَنْ بَيْعَتِهِ صَارِفٌ عَارِضٌ، يَنُوصُ إِلَى الْفِتْنَةِ كُلِّ مَنَاصٍ (١٦)، إِنْ قَالَ

ص: ٧٤

- ١- (١) خَفَرَتِ الرَّجْلَ - مِنْ بَابِ ضَرْبٍ - إِذَا آجَرْتَهُ وَكَنتَ لَهُ حَامِيًّا وَكَفِيًّا (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج ٣ ص ٢٩١ «خفر»). فَالْمَعْنَى أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَحَلُّ إِجَارِهِ أَهْلَهَا.
- ٢- (٢) هَكَعَتْ: أَيْ نَزَلَتْ (انظُرْ: لِسَانُ الْعَرَبِ: ج ٨ ص ٣٧٤ «هكع»).
- ٣- (٣) خَارَ الرَّجْلُ: ضَعْفٌ وَانْكَسَرٌ؛ وَرَجُلٌ خَوَّازٌ: ضَعِيفٌ (لِسَانُ الْعَرَبِ: ج ٤ ص ٢٦٢ «خور»).
- ٤- (٤) كَنَعٌ: إِذَا قَرِبَ وَدَنَا (النِّهَائِيَّةُ: ج ٤ ص ٢٠٤ «كنع»).
- ٥- (٥) الْكَمِيُّ: الشُّجَاعُ، وَالْجَمْعُ الْكُمَاهُ (لِسَانُ الْعَرَبِ: ج ١٥ ص ٢٣٢ «كمي»).
- ٦- (٦) مَغْلُولِبٌ: مَلْتَفٌ (لِسَانُ الْعَرَبِ: ج ١ ص ٦٥٢ «غلب»).
- ٧- (٧) الضَّرْغَمُ وَالضَّرْغَامُ وَالضَّرْغَامَةُ: الْأَسَدُ، وَرَجُلٌ ضِرْغَامَةٌ: شُّجَاعٌ، فَإِمَّا أَنْ يَكُونَ شَبَهُهُ بِالْأَسَدِ، وَإِمَّا أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ أَصْلًا فِيهِ (لِسَانُ الْعَرَبِ: ج ١٢ ص ٣٥٧ «ضرغم»).
- ٨- (٨) الْحَصْدُ: جَزُّ الْبَرِّ وَنَحْوُهُ. وَقَتْلُ النَّاسِ أَيْضًا حَصْدٌ (تَرْتِيبُ كِتَابِ الْعَيْنِ: ص ١٨٢ «حصد»). أَيْ يَحْصِدُ النَّاسَ بِالْقَتْلِ.
- ٩- (٩) مُخَدَّشٌ: أَيْ يَخْدُشُ الْكِفَّارَ وَيَجْرَحُهُمْ (انظُرْ: مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج ٤ ص ١٣٦ «خدش»).
- ١٠- (١٠) رَجُلٌ ذَكَرٌ: إِذَا كَانَ قَوِيًّا شُجَاعًا أَنْفًا أَيْبًا (لِسَانُ الْعَرَبِ: ج ٤ ص ٣٠٩ «ذكر»).
- ١١- (١١) قَالَ الْفَيْرُوزُ أَبَادِي: الرَّأْسُ: أَعْلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَسَيِّدُ الْقَوْمِ. وَالْقَتْمُ - كَزَفَرٍ -: الْكَثِيرُ الْعَطَاءِ (بِحَارُ الْأَنْوَارِ: ج ٥١ ص ١١٦).
- ١٢- (١٢) كَذَا فِي الطَّبَعَةِ الْمَعْتَمَدَةِ لِلْمَصْدَرِ، وَفِي بِحَارِ الْأَنْوَارِ «نشق»، وَفِي بَعْضِ النُّسخِ: «لبق»، وَفِي بَعْضِهَا «شق». وَلَمْ نَجِدْ لَهَا مَعْنَى مَنَاسِبًا، وَاللَّهُ الْعَالِمُ.
- ١٣- (١٣) الْبَاذِخُ: الْعَالِي (لِسَانُ الْعَرَبِ: ج ٣ ص ٧ «بذخ»).
- ١٤- (١٤) عَرَزٌ وَاسْتَعْرَزَ: اشْتَدَّ وَصَلَبَ (تَاجُ الْعُرُوسِ: ج ٨ ص ٩٩ «عرز»).
- ١٥- (١٥) الْمَحْتَدُ: الْخَالِصُ الْأَصْلُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ: ج ١ ص ٢٨٦ «حتد»).
- ١٦- (١٦) الْمَنَاصُ: الْمَلْجَأُ. وَنَاصٌ مَنَاصًا: تَحَرَّكَ، وَعَنْهُ: تَنَحَّى، وَإِلَيْهِ: نَهَضَ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ: ج ٢ ص ٣٢١ «نوص»).

پناهگاه پناهندگان به او. معدن برگزیدگان آن از میان تیرگی‌ها. از درآمدن مرگ، هراسی ندارد و به گاه نزدیک شدن مرگ، ضعفی از خود نشان نمی‌دهد و آن گاه که شجاعان به خاک می‌افتند، پا پس نمی‌نهد. دامن همت به کمر زده، [طرفدارانش] انبوه. شیر نری همیشه پیروز که دشمنان را زخم می‌زند و از دم درو می‌کند.

شمشیری از شمشیرهای خداوند و سالار پُرخیری است که سر و ریشه در خاندان شرف دارد و مجد و بزرگی اش در ارجمندترین و اصیل‌ترین زمینه‌ها، بالیده است.

هیچ کس شما را از بیعت با او منصرف نکند؛ که اگر کند، فتنه جو و فرصت طلب است. چنین کسی اگر سخن بگوید، بدترین سخنران است و اگر خاموش بماند، خباثت و تباهی نهان دارد."

امام علی علیه السلام سپس به توصیف امام مهدی علیه السلام باز گشت و فرمود: در گاهش از همه شما وسیع تر، از همه شما داناتر و از همه شما با خویشانش پُریونندتر است.

"خدایا! برانگیختن او را، بیرون آمدن از سرگردانی و تاریکی قرار ده و پراکندگی امت را با او به اتحاد و اجتماع مبدل کن."



فَشَرُّ قَائِلٍ، وَإِنْ سَكَتَ فُذُو دَعَائِرِ (١).

ثُمَّ رَجَعَ إِلَى صِفَةِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا، وَأَكْثَرُكُمْ عِلْمًا، وَأَوْصَلُكُمْ رَحِمًا، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ بَعْتَهُ خُرُوجًا مِنْ الْعَمَّةِ، وَاجْمَعْ بِهِ شَمَلَ الْأُمَّةِ، فَإِنْ خَارَ اللَّهُ لَكَ فَاعْزِمِ وَلَا تَتَنَّ عَنْهُ إِنْ وُفِّقْتَ لَهُ، وَلَا تَجُوزَنَّ عَنْهُ إِنْ هُدِيَتَ إِلَيْهِ، هَاهُ! - وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ - شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِ.

١٠٣٨. الذكري للشهيد الأول: اختار ابن أبي عقيل الدعاء بما روى عن أمير المؤمنين عليه السلام في القنوت: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شَخَّصَتِ الْأَبْصَارُ، وَنُقِلَتِ الْأَقْدَامُ، وَرُفِعَتِ الْأَيْدِي، وَوَدَّتِ الْأَعْنَاقُ، وَأَنْتَ دُعَيْتَ بِاللِّسَنِ، وَإِلَيْكَ سَبَّحُوهُمْ وَنَجَّوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ، رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَهُ نَبِيِّنَا، وَقَلَّةَ عَدَدِنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَتَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ بَعْدِلِ تَظْهِرُهُ، وَإِمَامِ حَقِّ تَعْرِفُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

قال: وَبَلَّغْنِي أَنَّ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْمُرُ شَيْعَتَهُ أَنْ يَقْتَنُوا بِهَذَا بَعْدَ كَلِمَاتِ الْفَرَجِ.

٢/١: دُعَاءُ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١٠٣٩. مهج الدعوات: حِرْزٌ لِمُقْتَدَى السَّاجِدِينَ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا أَحْكَمَ

ص: ٧٦

١- (١) الدَّعْوَى: الْفَسَادُ، وَرَجُلٌ دَاعِرٌ: خَبِيثٌ مَفْسُدٌ (لسان العرب: ج ٤ ص ٢٨٦ «دعر»).

اگر خداوند، خیر تو را خواست، عزم [همراهی با او] را استوار کن و اگر به پیوستن به او توفیق یافتی، روی مچرخان و اگر به سوی او راه یافتی، از او درمگذر".

سپس امام با دستش به سینه اش اشاره کرد [و فرمود:]" و ه که چه آرزومند دیدار او هستم!" [\(۱\)](#).

۱۰۳۸. الذکری، شهید اول: ابن ابی عقیل [فقیه بزرگ شیعه]، دعایی را که امیر مؤمنان می خوانده، برای قنوت انتخاب کرده است: «خدایا! دیده ها به سوی تو خیره مانده و گام ها به سوی تو برداشته شده و دست ها به سوی تو بالا آمده و گردن ها به سوی تو کشیده شده است. تو را با زبان ها خوانده و راز و نیازشان در کارها با توست. خدای ما! میان ما و قوم ما راه حق را بگشای؛ که تو بهترین گشاینده گان هستی.

خدایا! از غیبت پیامبران و کم شمار بودن ما و فراوانی دشمنانمان و پشت به پشت دادن دشمنان بر ضد ما و درگیر شدنمان با فتنه ها به تو شکوه می بریم. خدایا! با عدالتی که پدیدار می کنی و امام حقی که معرفی می نمایی، این گره ها را بگشای.

ای خدای حق، خدای جهانیان! اجابت کن».

ابن ابی عقیل می گوید: و به من خبر رسیده که امام صادق علیه السلام به پیروانش فرمان می داده است که پس از ذکر کلمات فرج، این دعا را در قنوت نماز بخوانند. [\(۲\)](#)

### ۲/۱: دعای امام زین العابدین علیه السلام

۱۰۳۹. مهج الدعوات: حرزی از آن مقتدای ساجدان، امام زین العابدین علیه السلام: «به نام خداوند گسترده مهر مهربان. ای شنونده ترین شنوندگان! ای بهترین بیننده! ای سریع ترین حسابرس! ای بهترین داور! ای آفریدگار آفریده ها! ای روزی دهنده روزی خوران!

ص: ۷۷

۱- (۱) الغیبه، نعمانی: ص ۲۱۲ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۱۵ ح ۱۴.

۲- (۲) الذکری: ج ۳ ص ۲۹۰، بحار الأنوار: ج ۸۵ ص ۲۰۷.

الْحَاكِمِينَ، يَا خَالِقَ الْمَخْلُوقِينَ، يَا رَازِقَ الْمَرْزُوقِينَ، يَا نَاصِرَ الْمَنْصُورِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا دَلِيلَ الْمُتَحَرِّينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ، إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ (١)، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ، الْكَبِيرُ يَا رِداؤُكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَعَلَى عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَخَدِيجَةَ الْكُبْرَى، وَالْحَسَنَ الْمُجْتَبَى، وَالْحُسَيْنَ الشَّهِيدَ بِكربلاءَ، وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْبَاقِرِ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصِّادِقِ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْكَاظِمِ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ التَّقِيِّ [وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ] (٢)، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ، وَالْحُجَّجِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ بْنِ الْحَسَنِ، الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُمْ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمْ، وَأَنْصِرْ مَنْ نَصَرَهُمْ وَأَخْذُلْ مَنْ خَدَلَهُمْ، وَالْعَنِ مَنْ ظَلَمَهُمْ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْصُرْ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي رُؤْيَاهُ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَأَشْيَاعِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

راجع: ص ٢٠٨ ح ١٠٧٤.

٣/١: دُعَاءُ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخُزْنُهُ عَلَى طَوْلِ غَيْبِهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

١٠٤٠. فلاح السائل نقلاً عن عبّاد بن محمد المدائني: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْمَدِينَةِ

ص: ٧٨

١- (١) المَكْرُوبُ: الْمَهْمُومُ (المصباح المنير: ص ٥٢٩ «كرب»).

٢- (٢) سقطت من المصدر وأثبتناها من بحار الأنوار.

ای یاور کمک خواهان! ای رحیم ترین رحم کنندگان! ای راه نمای متحیران! ای فریادرس فریادخواهان! ای مالک روز جزا! تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوئیم. ای فریادرس غصه داران! ای اجابت کننده ندای بیچارگان! تو خداوند و اختیاردار جهانیانی. تو خدای بی همتا و سلطان حقیقی هستی که کبریایی ردای توست.

خدایا! بر محمد مصطفی درود فرست و نیز بر علی مرتضی، فاطمه زهرا، خدیجه کبرا، حسن مجتبی، حسین، شهید کربلا و بر علی بن حسین، زیور عابدان، و محمد بن علی باقر و جعفر بن محمد صادق، و موسی بن جعفر کاظم و علی بن موسی الرضا، و محمد بن علی تقی و علی بن محمد نقی و حسن بن علی عسکری و حجت قائم، مهدی بن حسن؛ امامی که انتظارش را می کشند. دروهای خدا بر همه ایشان باد!

خدایا! هر کس ایشان را دوست دارد، دوست بدار، و هر کس ایشان را دشمن می دارد، دشمن بدار و هر کس ایشان را یاری می دهد، یاری ده و هر کس ایشان را وا می نهد، وا بگذار و هر کس به ایشان ستم می کند، لعنت کن و در فرج خاندان محمد، تعجیل کن و شیعه خاندان محمد را یاری و دشمنان خاندان محمد را هلاک نما و دیدار قائم آل محمد را روزی من کن و مرا از پیروان و شیعیان و خشنودان به کار حضرتش قرار ده، به رحمت ای رحیم ترین رحیمان! (۱)

ر. ک: ص ۲۰۹ ح ۱۰۷۴.

### ۳/۱: دعای امام صادق علیه السلام و اندوه او بر طول کشیدن غیبت امام مهدی علیه السلام

۱۰۴۰. فلاح السائل - به نقل از عباد بن محمد مدائنی -: در مدینه بر امام صادق علیه السلام وارد

ص: ۷۹

---

۱- (۱) مهج الدعوات: ص ۲۹، بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۲۶۵ ح ۱.

حِينَ فَرَّغَ مِنْ مَكْتُوبِهِ الظَّهْرِ، وَقَدْ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَهُوَ يَقُولُ (١):

... وَأَنْجِزْ لَوْلِيَّتِكَ وَابْنَ نَبِيِّكَ - الدَّاعِيَ إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ، وَأَمِينِكَ فِي خَلْقِكَ، وَعَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ وَبَرَكَاتُكَ - وَعَدَّهُ.

اللَّهُمَّ أَيْدُهُ بِنَصْرِكَ وَأَنْصُرْ عَبْدَكَ، وَقَوِّ أَصْحَابَهُ وَصَبِّرْهُمْ، وَافْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَعَجِّلْ فَرْجَهُ وَأَمِكْنَهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

قُلْتُ: أَلَيْسَ قَدْ دَعَوْتَ لِنَفْسِكَ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟

قَالَ: قَدْ دَعَوْتُ لِنُورِ آلِ مُحَمَّدٍ وَسَائِقِهِمْ، وَالْمُنْتَقِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ.

١٠٤١. الغيبة للطوسي: أَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُطَّلِبِ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ بَحْرِ بْنِ سَهْلِ الشَّيْبَانِيُّ الرَّهْنِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَارِثِ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمَنْصُورِ الْجَوَاشِينِيِّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ الْبُذَيْلِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبِي، عَنْ سَدِيرِ الصَّيرَفِيِّ، قَالَ:

دَخَلْتُ أَنَا وَالْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ وَدَاوُدُ بْنُ كَثِيرِ الرَّقِّيِّ وَأَبُو بَصِيرٍ وَأَبَانُ بْنُ تَغْلِبَ عَلَى مَوْلَانَا الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَرَأَيْنَاهُ جَالِسًا عَلَى التُّرَابِ وَعَلَيْهِ مِسْحٌ (٢) خَيْبَرِيُّ مَطْرَفٌ بِلا-جِبِّ، مُقَصَّرُ الْكَمِينِ، وَهُوَ يَبْكِي بُكَاءَ الْوَالِيهِ الثَّكَلِيِّ (٣) ذَاتَ الْكَبِدِ الْحَرَّى، قَدْ نَالَ الْحُزْنَ مِنْ وَجْتِيهِ، وَشَاعَ التَّغْيِيرُ فِي عَارِضِيهِ، وَأَبْلَى الدَّمْعُ مَحَجْرِيهِ، وَهُوَ يَقُولُ:

ص: ٨٠

١- (١) ورد صدر هذا النص في كتاب فلاح السائل هكذا: من المهمات عقيب صلاه الظهر الاقتداء بالصادق عليه السلام في الدعاء للمهدي عليه السلام الذي بشر به محمد رسول الله صلى الله عليه وآله امته في صحيح الروايات، ووعدهم أنه يظهر في أواخر الأوقات (راجع: ص ٢٤٨ ح ١٠٨٥).

٢- (٢) المِسْحُ: وهو كساء معروف (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٩٥ «مسح»).

٣- (٣) الثَّكَلُ: فَقْدُ الْوَالِدِ، امْرَأَةُ ثَكَلِي (النهاية: ج ١ ص ٢١٧ «ثكل»).

شدم. ایشان نماز ظهرش را خوانده بود و در حالی که دستانش را رو به آسمان کرده بود، چنین دعا می کرد: (۱) «... و وعده ات را به ولایت، فرزند پیامبرت، دعوتگر به سوی تو با اجازه ات، امین تو میان مردمت، دیده ات میان بندگانت، حجتت بر آفریدگانت - که درودها و برکت هایت بر او باد - به انجام رسانی.

خدایا! با یاری ات او را استوار دار و بنده ات را یاری ده و یارانش را نیرو بخش و شکیبایشان کن و دریچه چیرگی فیروزمندی را بر ایشان بگشای و در فرجش تعجیل کن و او را بر دشمنانش و دشمنان پیامبرت مسلط کن. ای رحیم ترین رحیمان!».

گفتم: فدایت شوم! آیا این دعا را برای خودت نکردی؟

فرمود: «برای نور آل محمد و پیش برنده آنها، انتقام گیرنده از دشمنانشان به فرمان خداوند، دعا کردم». (۲)

۱۰۴۱. الغیبه، طوسی - به نقل از سیدیر صیرفی -: به همراه مفضل بن عمر، داوود بن کثیر رقی، ابو بصیر و ابان بن تغلب بر مولایمان صادق علیه السلام در آمدیم. او را دیدیم که بر خاک نشسته و عبای خیری نگارین آستین کوتاه بی گریبانی به تن کرده و مانند مادر سرگشته داغدار فرزند از دست داده می گرید و اندوه، چهره اش را فرا گرفته و غم به رخساره اش دویده و اشک، کاسه چشمش را خیس نموده است و می فرماید:

«سرورم! غیبت تو خوابم را ربوده و بستم را بر من تنگ نموده و دل آسودگی ام را برده است.

ص: ۸۱

---

۱- (۱) مؤلف فلاح السائل، این دعا را جزو تعقیبات نماز ظهر آورده و آن را در باره امام مهدی علیه السلام دانسته که روایات صحیحی، بشارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او و ظهورش را در آخر الزمان، گزارش کرده اند و این روایت نیز از جمله آنهاست.

۲- (۲) فلاح السائل: ص ۳۰۸ ح ۲۰۹، مصباح المتهجد: ص ۶۰ ح ۹۶، البلد الامین: ص ۱۳. برای دیدن همه حدیث، ر. ک: همین دانش نامه: ص ۲۴۹ ح ۱۰۸۵.

سَيِّدِي غَيْبَتِكَ نَفْتِ رُقَادِي وَضَيِّقَتِ عَلَيَّ مِهَادِي، وَابْتَرَّتْ مِنِّي رَاحَةَ فُؤَادِي، سَيِّدِي غَيْبَتِكَ أَوْصَلَتْ مَصَائِبِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ، وَقَدُّ الْوَاحِدِ بَعْدَ الْوَاحِدِ بِفَنَاءِ (١) الْجَمْعِ وَالْعَدَدِ، فَمَا أَحْسُ بِدَمْعِهِ تَرَقُّأً (٢) مِنْ عَيْنِي، وَأَنْبِيْنُ يُفْشَا (٣) مِنْ صَدْرِي (٤).

قَالَ سَيِّدِي: فَاسْتَطَارَتْ عُقُولُنَا وَلَهَأَ، وَتَصَيَّدَعَتْ قُلُوبُنَا جَزَعًا مِنْ ذَلِكَ الْخَطْبِ الْهَائِلِ، وَالْحَادِثِ الْغَائِلِ، فَظَنْنَا أَنَّهُ سَيِّمَتْ لِمَكْرُوهِهِ قَارِعَهُ، أَوْ حَلَّتْ بِهِ مِنَ الدَّهْرِ بَائِقَهُ (٥)، فَقُلْنَا: لَا أَبْكِي اللَّهُ عَيْنِيكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى، مِنْ أَيِّهِ حَادِثِهِ تَسْتَذِرُفُ دَمْعَتِكَ، وَتَسْتَمِطِرُ عَبْرَتِكَ، وَأَيُّهُ حَالَهُ حَتَمَتْ عَلَيْكَ هَذَا الْمَأْتَمَ؟

قَالَ: فَزَفَرَ الصِّيَادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ زَفْرَةً انْتَفَحَ مِنْهَا جَوْفُهُ، وَاشْتَدَّ مِنْهَا خَوْفُهُ، فَقَالَ: وَيَكُم، إِنِّي نَظَرْتُ صَبِيحَةَ هَذَا الْيَوْمِ فِي كِتَابِ الْجُغْرِ (٦) الْمُشْتَمِلِ عَلَى عِلْمِ الْبَلَايَا وَالْمَنَايَا، وَعِلْمِ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، الَّذِي خَصَّ اللَّهُ تَقْدَسَ اسْمُهُ بِهِ مُحَمَّدًا وَالْأَيُّمَةَ مِنْ بَعْدِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَتَأَمَّلْتُ فِيهِ مَوْلِدَ قَائِمِنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَيْبَتَهُ وَإِبْطَاءَهُ وَطُولَ عُمرِهِ، وَبَلَوَى الْمُؤْمِنِينَ مِنْ بَعْدِهِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ، وَتَوَلَّدَ الشُّكُوكَ فِي قُلُوبِ الشَّيْعَةِ مِنْ طُولِ غَيْبَتِهِ، وَارْتِدَادَ أَكْثَرِهِمْ عَنْ دِينِهِ، وَخَلَعَهُمْ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ أَعْنَاقِهِمْ، الَّتِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَ كُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ» ٧ يَعْنِي الْوَلَايَةَ، فَأَخَذْتَنِي الرَّقَّةُ

ص: ٨٢

١- (١) فِي كِمَالِ الدِّينِ: «يُفْنِي الْجَمْعُ...» وَهُوَ الْأَنْسَبُ.

٢- (٢) رَقَاً الدَّمْعَ: إِذَا سَكَنَ وَانْقَطَعَ (النَّهَائِيَّةُ: ج ٢ ص ٢٤٨ «رَقَاً»).

٣- (٣) فَشَا الشَّيْءُ يَفْشُو فُشُوًا: إِذَا ظَهَرَ، وَهُوَ عَامٌّ فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَمِنْهُ إِفْشَاءُ السَّرِّ (لِسَانُ الْعَرَبِ: ج ١٥ ص ١٥٥ «فَشُو»).

٤- (٤) كَذَا فِي الْمَصْدَرِ، وَفِي كِمَالِ الدِّينِ: «وَأَنْبِيْنُ يَفْتَرُ مِنْ صَدْرِي».

٥- (٥) الْبَائِقَةُ: النَّازِلَةُ وَهِيَ الدَّاهِيَةُ وَالشَّرُّ الشَّدِيدُ (الْمَصْبَاحُ الْمُنِيرُ: ص ٦٦ «بُوق»).

٦- (٦) الْجُغْرُ وَالْجَامِعَةُ: كِتَابَانِ لَعَلِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ ذَكَرَ فِيهِمَا عَلَى طَرِيقِهِ عِلْمَ الْحُرُوفِ الْحَوَادِثِ الَّتِي تَحْدُثُ إِلَى انْقِرَاضِ الْعَالَمِ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج ١ ص ٢٩٨ «جُغْر»).

سرورم! غیبت تو، مصیبت هایم را فاجعه ای همیشگی کرده و نیافتن یکی از پس دیگری، جمع و شمار [عزیزان] را به نابودی کشانده است تا آن جا که اشک خشکیده چشمم و ناله سر کشیده از سینه ام را احساس نمی کنم».

سدیر می گوید: از این رخداد سهمگین و پدیده دهشتناک، هوش از سرمان پرید و دل هایمان بی تاب و پاره پاره شد و گمان بردیم که مقصودش، مصیبتی کوبنده است و یا روزگار، پیشامدی ناخوش را برایش پیش آورده است.

گفتیم: ای فرزند بهترین مردم! خدا چشمانت را گریان نکند! از چه پیشامدی اشک می ریزی و دیده ات گریان است و چه حالتی این سوگواری را بر شما در آورده است؟

امام صادق علیه السلام آهی دردناک از ته دل کشید و هراسش را از آن نشان داد و فرمود:

«وای بر شما! صبح امروز به کتاب جعفر (۱) نگریستم که دربردارنده علم بلاها و مرگ هاست و نیز آنچه تاکنون روی داده و تا روز قیامت روی می دهد و از چیزهایی است که خداوند - نامش پاک باد - تنها به محمد و امامان پس از او داده است. من در آن به این چیزها می اندیشیدم: تولد قائمان، غیبت، دیر پدیدار شدنش، طول عمرش، گرفتاری مؤمنان پس از او در همان زمان، شک هایی که از درازی غیبتش در دل های شیعیان پدید می آید، از دین بیرون رفتن بیشتر آنها و درآوردن رشته اسلام از گردن خود، با آن که خداوند عز و جل می فرماید: «و پرونده هر انسانی را به گردنش آویختیم»

ص: ۸۳

---

۱- (۱) جعفر و جامعه، دو کتاب از آن امام علی علیه السلام است که گفته شده بر پایه و روش دانش حروف، حوادث دنیا را تا انقراض آن ذکر کرده است.



وَاسْتَوْلَتْ عَلَيَّ الْأَحْزَانُ.

٤/١: دُعَاءُ الْإِمَامِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَام

١٠٤٢. فلاح السائل نقلاً عن يحيى بن الفضل النوفلى: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَغْدَادَ حِينَ فَرَّغَ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ، فَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ:...

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ، الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزَ لَهٗ مَا وَعَدْتَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَنْ الْمِدْعُوُّ لَهُ؟ قَالَ: ذَلِكَ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. ثُمَّ قَالَ: بِأَبِي الْمُنْتَبِذِ (١) الْبَطْنِ، الْمَقْرُونِ الْحَاجِبِينَ، أَحْمَشَ (٢) السِّدَّاقِينَ، بَعِيدَ مَا بَيْنَ الْمَنْكِبِينَ، أَسْمَرَ اللَّوْنِ تَعْتَادُهُ مَعَ سِيمَرْتِهِ صَيْفَرَهُ مِنْ سَيِّهِرِ اللَّيْلِ، بِأَبِي مَنْ لَيْلَهُ يَرَعَى النُّجُومَ سَاجِدًا وَرَاكِعًا، بِأَبِي مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، مِصْبَاحُ الدُّجَى، بِأَبِي الْقَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ.

قُلْتُ: مَتَى خُرُوجُهُ؟

قَالَ: إِذَا رَأَيْتِ الْعَسَاكِرَ بِالْأَنْبَارِ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ وَالصَّرَاهِ (٣) وَدَجَلَةَ، وَهَيْدَمَ قَنْطَرَةَ الْكُوفَةِ، وَإِحْرَاقَ بَعْضِ بُيُوتَاتِ الْكُوفَةِ، فَإِذَا رَأَيْتِ ذَلِكَ فَإِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ، لِأَغَالِبَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَلَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ.

ص: ٨٤

١- (١) في المصدر: «المنبذح»، والتصويب من بحار الأنوار. والمنتدح: السَّعْه، وقولهم: لك منتدح في البلاد: أى مكان واسع عريض (لسان العرب: ج ٢ ص ٦١٢ «ندح»).

٢- (٢) أحمش الساقين: أى دقيقهما (النهاية: ج ١ ص ٤٤٠ «حمش»).

٣- (٣) الصَّراة: يطلق على نهرين ببغداد، الصراه الكبرى والصراه الصغرى (معجم البلدان: ج ٣ ص ٣٩٨).

که مقصود، ولایت است. پس دلم سوخت و اندوه ها بر من چیره شدند» (۱).

#### ۴/۱: دعای امام کاظم علیه السلام

۱۰۴۲. فلاح السائل - به نقل از یحیی بن فضل نوفلی - : در بغداد بر امام موسی کاظم علیه السلام وارد شدم.

ایشان از نماز عصر فارغ شده و دستانش را به سوی آسمان بالا برده بود و شنیدم که می فرمود: «از تو درخواست می کنم به وسیله نام نهفته و اندوخته ات، زنده برپادارنده ای که درخواست کننده با آن ناکام نمی ماند، که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در فرج انتقام گیرنده تو از دشمنانت تعجیل کنی و آنچه را به او وعده داده ای، به انجام رسانی. ای صاحب شکوه و جلال!».

به امام گفتم: برای چه کسی دعا می کنی؟

فرمود: «همان مهدی خاندان محمد». سپس فرمود: «پدرم فدای آن فربه شکم، ابرو به هم پیوسته، باریک ساق، چهارشانه، سبزه رویی که پرتوی از زردی شببیداری بر او عارض شده است! پدرم فدای آن که شبش در سجود و رکوع به پاییدن ستاره ها سپری می شود! پدرم فدای آن که در راه خدا از سرزنش کسی نمی ترسد و چراغی برای تاریکی هاست! پدرم فدای کسی که به فرمان خدا قیام می کند!».

گفتم: کی قیام می کند؟

فرمود: «هنگامی که لشکرها را در شهر انبار بر کناره رودهای فرات، صراه (۲) و دجله دیدی و نیز انهدام پل کوفه و آتش زدن برخی خانه های کوفه را دیدی. خداوند آنچه بخواهد می کند و کسی بر امر خدا چیره نیست و بازدارنده ای از حکمش وجود ندارد» (۳).

ص: ۸۵

۱- (۱) الغیبه، طوسی: ص ۱۶۷ ح ۱۲۹، کمال الدین: ص ۳۵۲ ح ۵۰، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۲۱۹ ح ۹. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر. ک: همین دانش نامه: ج ۳ ص ۱۳ ح ۴۸۳.

۲- (۲) صراه بزرگ و کوچک، دو نهر هستند که از بغداد می گذرند.

۳- (۳) فلاح السائل: ص ۳۵۳ ح ۲۳۸، مصباح المتهدّج: ص ۷۳ ح ۱۱۹، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۸۰ ح ۸. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر. ک: همین دانش نامه: ص ۲۳۷ ح ۱۰۸۴.

١٠٤٣. جمال الأسبوع نقلاً عن يونس بن عبد الرحمن، عن مولانا أبي الحسن علي بن موسى الرضا عليه السلام، أنه كان يأمر بالدعاء للحجبه صاحب الزمان عليه السلام، فكان من دعائه له صلوات الله عليهما: (١)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنْكَ بِإِذْنِكَ، النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ فِي بَرِّيَّتِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، الْجَحْجَاحِ (٢) الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ، عَبْدِكَ الْعَائِدِ بِكَ، اللَّهُمَّ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ، وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ وَأَبَاءَهُ أَيْمَتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ (٣)، وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقَهَّرُ.

اللَّهُمَّ وَأَمْنَهُ بِأَمَانَتِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَنْ آمَنَتْهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ، وَأَنْصِرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ، وَأَرِدْفَهُ بِمَلَائِكَتِكَ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَلْبَسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ،

ص: ٨٦

١- (١) ورد صدر هذا الدعاء في الكتاب هكذا: جمال الأسبوع: ما حدث به الشريف الجليل أبو الحسين زيد بن جعفر العلوي المحمدي، قال: حدثنا أبو الحسين إسحاق بن الحسن العفراني، قال: حدثنا محمد بن همام بن سهيل الكاتب، ومحمد بن شعيب بن أحمد المالكي، جميعاً، عن شعيب بن أحمد المالكي، عن يونس بن عبد الرحمن...

٢- (٢) الجحجج: السيد الكريم (النهاية: ج ١ ص ٢٤٠ «جحجج»).

٣- (٣) في المصدر: «يحتقر» والصواب ما أثبتناه كما في بحار الأنوار ومواضع أخرى.

۱۰۴۳. جمال الأسبوع - به نقل از یونس بن عبد الرحمان -: مولایمان امام رضا علیه السلام به دعا برای حجت صاحب الزمان علیه السلام فرمان می داد و خود - که درودهای خدا بر هر دو باد - در دعایش چنین می خواند: «خدایا! بر محمد و خاندان محمد، درود فرست و از ولایت، خلیفه ات و حجت بر خلقت دفاع کن؛ او که زبان و سخنگویت به اذن توست، حکمت تو را بر زبان می آورد، دیده بینای تو میان آفریده هایت، گواه تو بر بندگانت، سرور مجاهد کوشا و بنده پناهنده به توست. خدایا! او را از شر آنچه آفریده، درست کرده، ایجاد نموده، پدید آورده و صورت داده ای پناه ده، و او را از جلو و پشت، راست و چپ، بالا و پایین، حفظ فرما، با همان حفظت که اگر کسی را در بر بگیری، تباه نمی کند و پیامبرت، وصی پیامبرت و پدران امامانت و ستون های دینت را - که درودهایت بر همه ایشان باد - در باره او حفظ کن، و او را به امانت بگیر که تباه نمی شود و در پناه و پیمان خودت در آور که شکسته نمی شود. به دژ عزت و منع خودت راه بده که مغلوب نمی شود.

خدایا! او را با امان محکم خود امان ده که هر کس را با آن امان دادی، و انهدادی، و او را در حمایت خود قرار ده که هر کس در آن باشد، مغلوب نمی شود و او را با یاری پیروزمندانه ات یاری ده و با لشکر چیره ات استوارش بدار و با نیرویت تقویتش کن و با فرشتگانت پشتیبانی اش بنما. خدایا! هر کس او را دوست می دارد، دوست بدار و هر کس او را دشمن می دارد، دشمن بدار، و زره نگاه دارنده ات را بر او ببوشان و گرداگرد او را با فرشتگانت به طور کامل بگیر. خدایا! و برترین چیزی را که به برپاکنندگان عدالتت از میان پیروان پیامبران دادی، به او برسان.

خدایا! پراکندگی ها را با او جمع کن و شکاف ها را با او پر کن و ستم را با او

وَحُفَّةً بِمَلَائِكَتِكَ حَفًّا، اللَّهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ.

اللَّهُمَّ اشْعَبْ (١) بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ (٢) بِهِ الْفَتْقَ، وَأْمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانصُرْهُ بِالزُّعْبِ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ، وَالْإِمَامَ الَّذِي بِهِ تَنْتَصِرُ، وَأَيِّدْهُ بِنَصْرِ عَزِيزٍ وَفَتْحِ قَرِيبٍ، وَوَرِّثْهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا اللَّاتِي بَارَكْتَ فِيهَا، وَأَحْيِ بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى لَا يَسْتَحْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، وَقُوَّ نَاصِرَهُ وَآخِذَ خَازِلَهُ، وَدَمْدَمَ (٣) عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمَّرَ عَلَى مَنْ غَشَّهُ.

اللَّهُمَّ وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَعُمَيْدَهُ وَدَعَائِمَهُ وَالْقَوَامَ بِهِ، وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعَةِ، وَمُمَيْتَةَ السُّنَّةِ وَمُقَوِّبَةَ الْبَاطِلِ، وَأَذِلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَبْرِ (٤) بِهِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَأَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبِحَرِّهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّارًا (٥) وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا.

اللَّهُمَّ وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَحْيِ بِهِ سِيْنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ، وَخَيِّدْ بِهِ مَا مُحِيَ مِنْ دِينِكَ، وَبُدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا، صَحِيحًا مَحْضًا (٦)، لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا

ص: ٨٨

١- (١) الشَّعْبُ: الجمع والإصلاح (لسان العرب: ج ١ ص ٤٩٧ «شعب»).

٢- (٢) الرَّتْقُ: إلحام الفتق وإصلاحه (لسان العرب: ج ١٠ ص ١١٤ «رتق»).

٣- (٣) دَمْدَمَ عَلَيْهِم: أى أهلكهم وأزعجهم (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٣١٨ «دمدم»).

٤- (٤) أَبَارَهُ اللَّهُ: أهلكه (لسان العرب: ج ٤ ص ٨٦ «بور»).

٥- (٥) دَيَّارٌ: أى ساكن - فى الدار - (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٣٢١ «دار»).

٦- (٦) الْمَحْضُ: الخالص الذى لم يخالطه غيره (المصباح المنير: ص ٥٦٥ «محض»).

بمیران و عدالت را با او پدیدار کن و زمین را با طول بقایش زینت بخش و با یاری ات استوارش کن و با هراس [در دل دشمن] یاری اش ده و پیروزی ای آسان برایش پیش آور و از نزد خودت تسلطی پیروزمند بر دشمنش و دشمنش برایش قرار بده.

خدایا! او را قائمی قرار بده که چشم به راهش باشند، و نیز امامی که با او [از دشمنانت] انتقام می گیری و با نصرتی پیروزمند و فتحی نزدیک، استوارش بدار و وارث شرق و غرب زمین که برایش مبارک گردانده ای قرار بده و سنت پیامبرت را - که درودهایت بر او و خاندانش باد - با او زنده کن تا آن جا که هیچ چیزی از حقیقت را به هراس از کسی، پنهان ندارد. یاورش را تقویت کن و واگذارنده اش را وا بگذار و هر که را با او دشمنی می کند، به هلاکت برسان و هر که را به او خیانت می کند، نابود بفرما.

خدایا! حاکمان زورگو، ستون ها، استوانه ها و برپا دارندگان کفر را به دست او هلاک کن و سران گم راهی، بدعت گزاران اصلی، نابود کنندگان سنت و تقویت کنندگان باطل را به دست او درهم شکن و زورگویان را به دست او خوار کن و کافران و منافقان را به دست او نابود کن و نیز همه ملحدان را در هر زمان و در هر مکان از شرق و غرب زمین، در خشکی و دریا یا در کوه و دشت تا آن که کسی از آنان نماند و اثری از ایشان نپاید.

خدایا! سرزمین هایت را از آنان پاک و دل بندگانت را [با نابودی آنها] خنک گردان و مؤمنان را با او عزت ببخش و سنت های فرستادگان و احکام از یاد رفته پیامبران را به دست او زنده کن و آنچه را که از دینت محو و از احکامت دگرگون شده، به دست او احیا کن تا دینت را با او و بر دستان او نوین، شاداب، درست و ناب کنی، بی هیچ کژی و بدعتی در آن تا با عدالتش، تاریکی های ستم را نور بخشی و آتش کفر را خاموش کنی و جایگاه های حق و عدالت های ناشناخته را آشکار و

بِدَعَاةٍ مَعَهُ، حَتَّى تُنِيرَ بِعِيدِهِ ظُلْمَ الْحَيُورِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتُظْهِرَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ الْعِيدِ، وَتُوضِّحَ بِهِ مُشْكَلاتِ الْحُكْمِ.

اللَّهُمَّ وَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ، وَائْتَمَنْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ، وَعَصَيْمَتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ (مِنَ الرَّجْسِ)، وَصَرَفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ، وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ.

اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ (١)، أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ وَلَمْ يَأْتِ حَوْبًا (٢)، وَلَمْ يَرْتَكِبْ لَكَ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً، وَأَنَّهُ الْإِمَامُ التَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ، وَأَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَوَالِدِهِ وَأَهْلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسِيرُ بِهِ نَفْسُهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا، قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا وَعَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا، حَتَّى يُجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ عَلَى كُلِّ بَاطِلٍ.

اللَّهُمَّ وَاسْلُكْ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي، اللَّهُمَّ وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَتَبَتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَآمَنَّا عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ

ص: ٩٠

١- (١) الطَّامَةُ: الدَاهِيَةُ تَغْلِبُ مَا سِوَاهَا، وَقَالَ الْفَرَّاءُ: هِيَ الْقِيَامَةُ تَطْمُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ (لسان العرب: ج ١٢ ص ٣٧٠ «طمم»).

٢- (٢) الْحَوْبُ: الْإِثْمُ: الْخَطِيئَةُ (المصباح المنير: ص ١٥٥ «حوب»).

نقاط مبهم و پیچیده احکام را روشن کنی.

خدایا! او بندهٔ توست که او را برای خود برگزیدی و از میان خلقت برگزیدی و بر بندگانت برتری دادی و امانتدار نهان هایت نمودی و از گناهان، نگاهش داشتی و از عیب‌ها مبرایش کردی و از آلودگی، پاکش نمودی و از پلیدی، دورش گردانیدی و از تردید، سالمش نهادی.

خدایا! ما روز قیامت و روز بلائی بزرگ برایش گواهی می‌دهیم که نه گناهی کرده و نه خطایی نموده و نه نافرمانی تو را کرده و نه در اطاعت تو کوتاهی نموده، نه حرمتی از تو را فرو گذاشته و نه واجبی از تو را دگرگون ساخته و نه شریعتی از تو را تغییر داده است و او امام پرهیزگار راه‌نمای راه یافته، پاک پروا پیشه، وفادار راضی و پاکیزه است.

خدایا! بر او و پدرانش درود فرست و به خودش، فرزندان، خانواده اش، نسلش، امتش و همهٔ مردمش، مایهٔ چشم روشنی اش و آنچه جانش را شاد می‌کند، عطا کن و حکومت همهٔ مملکت‌ها، نزدیک و دور، و نیرومند و خوار را برای او گرد آور تا حکمش را بر هر حکمی جاری و با حقش بر هر باطلی غلبه کند.

خدایا! ما را به دست او به راه روشن هدایت و شاه راه روشن آن و طریقهٔ میانه - که تندرو به آن باز می‌گردد و عقب مانده، خود را به آن می‌رساند - برسان. خدایا! ما را بر فرمان برداری از او نیرومند کن و بر پیروی او استوار بدار و دنباله روی از او را بر ما منت بنه و ما را در حزب او و برپا دارندگان کارش که همراه او شکیب می‌ورزند و با خیرخواهی برای او، خشنودی تو را می‌جویند قرار بده، تا آن که روز قیامت، ما را در زمرهٔ یاران و یاوران و تقویت کنندگان حکومت او محشور کنی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و همهٔ اینها را از جانب ما تنها برای خودت و به دور از هر شک و شبهه و ریا و خودنمایی قرار ده تا بدان، بر غیر تو اعتماد نکنیم و با آن، جز تو را نجوییم تا آن گاه که ما را در جایگاه او جای دهی



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنَّا لِمَكَ خَالِصاً، مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبُهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُيُوعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، وَحَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَلَا تَبْتَلِنَا فِي أَمْرِهِ بِالسَّأَمَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ وَالْفَشْلِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَتُعَزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وُلاِهِ عُهُودِهِ، وَبَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ، وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَانصُرْهُمْ وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ دِينِكَ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَاناً، وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَاراً، وَصَلِّ عَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، الْأَيْمَةِ الرَّاشِدِينَ، اللَّهُمَّ فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَخُزَّانُ عِلْمِكَ، وَوُلاَةُ أَمْرِكَ، وَخَالِصِيَّتُكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَخَيْرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَيِّئِلُ أَوْلِيَائِكَ، وَصِيَّةُ فِئَتِكَ وَأَوْلَادُ أَصْفِيَائِكَ، صَلِّوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

اللَّهُمَّ وَشَرِّكَاءُهُ فِي أَمْرِهِ، وَمُعَاوِنُوهُ عَلَى طَاعَتِكَ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ حِصْنَهُ وَسِلَاحَهُ وَمَفْزَعِيَهُ وَأُنْسَهُ، الَّذِينَ سَلَمُوا (١) عَنِ الْأَهْلِ وَالْأَوْلَادِ، وَتَجَافَوْا الْوَطْنَ، وَعَطَّلُوا الْوَثِيرَ مِنَ الْمِهَادِ، قَدْ رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ، وَأَضَرُّوا بِمَعَايِشَتِهِمْ، وَقَفَّدُوا فِي أُنْدِيَّتِهِمْ بِغَيْرِ غَيْبِهِ عَنِ مِصْرِهِمْ، وَحَالَفُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاذَهُمْ عَلَى أَمْرِهِمْ، وَخَالَفُوا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وَجْهِهِمْ، وَاتْتَلَفُوا بَعْدَ التَّدَابُرِ وَالتَّقَاطُعِ فِي دَهْرِهِمْ، وَقَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ حُطَامِ مِنَ الدُّنْيَا، فَاجْعَلْهُمْ اللَّهُمَّ فِي حِرْزِكَ وَفِي ظِلِّ كَنْفِكَ (٢)، وَرُدِّ عَنْهُمْ بِيَأْسَ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِم بِالْعِدَاوَةِ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَجْزِلَ لَهُمْ مِنْ دَعْوَتِكَ مِنْ كِفَايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ

١- (١) سلوا عن الأهل والأولاد: أي نسوا ذكرهم، وذهلوا عنهم (انظر: لسان العرب: ج ١٤ ص ٣٩٥ «سلوا»).

٢- (٢) يضع عليه كنفه: أي يستره، وقيل: يرحمه ويلطف به (النهاية: ج ٤ ص ٢٠٥ «كنف»).

و در بهشت، همراهش سازی، و ما را در کار او به ملالت و کسالت و سستی و ناتوانی مبتلا مکن و ما را از کسانانی قرار ده که با آنان دینت را یاری می دهی و ولایت را قدرتمندانه پیروز می کنی و دیگری را به جای ما مگذار که ما را با دیگری عوض کردن، برای تو آسان و بر ما گران است؛ که تو بر هر کار، توانایی.

خدایا! بر کار گزاران او درود فرست و آنان را به آرزوهایشان برسان و بر عمرشان بیفزای و یاری شان ده و آنچه از امور دینت را به ایشان سپرده ای، بر ایشان کامل کن و ما را یاران ایشان و یاوران دینت قرار ده و بر پدران پاکش، امامان راه یافته، درود فرست. خدایا! آنان معدن های کلمات تو، گنجوران دانش تو، والیان امر تو، بندگان خالص تو، برگزیدگان از میان آفریدگان تو، اولیا و فرزندان اولیای تو، برگزیدگان و فرزندان برگزیدگان تو هستند؛ درودهای تو و رحمت و برکات بر همه آنان باد!

خدایا! همکاران و یاورانش را در فرمان برداری از تو، آنان که دژ و سلاح و پناهگاه و مایه انس او قرار دادی، آنان که خانواده و فرزند را از یاد برده و از وطن خود دور شده و بستر گرم و نرمشان را فرو نهاده و تجارت خود را رها نموده و به زندگی خود زیان زده و بی آن که از شهرشان غایب شوند، در انجمن هایشان یافت نمی شوند و با فرد دوری که آنان را در کارشان یاری کند، پیمان بسته و با نزدیکی که از کارشان جلو گیرد، مخالفت کرده اند و از پس سال ها پشت به هم کردن و از هم بریدن، با هم متحد شده اند و رشته های پیوندی را که [در بینشان] با متاع ناچیز و زودگذر دنیایی حاصل شده، بریده اند، خدایا آنان را در حفظ و سایه حمایت خودت بگیر و گزند هر یک از آفریدگانت را که قصد دشمنی با ایشان را دارد، از آنان باز گردان و کفایت و یاری ات و نیز تأیید و امدادت را برای ایشان چندان فرا بخوان که آنان را در اطاعتت یاری دهی و با حقشان، باطل کسی را که در پی خاموش کردن نور توست، از میان ببری!

و بر محمد و خاندان او درود فرست و همه کرانه های گیتی و همه سرزمین ها

لَهُمْ، وَتَأْيِيدِكَ وَنَصْرِكَ إِيَّاهُمْ، مَا تُعِينُهُمْ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ، وَأَزْهِقِ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ.

وَصَيِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَامْلَأْ بِهِمْ كُلَّ أَفْقٍ مِنَ الْآفَاقِ، وَقَطِّرْ مِنَ الْأَقْطَارِ، قِسْطاً وَعَدِلاً وَرَحْمَةً وَفَضْلاً، وَاشْكُرْ لَهُمْ عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ، وَمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ، وَاذْخُرْ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

راجع: ص ٢١٢ ح ١٠٧٤.

١/٦: دُعَاءُ الْإِمَامِ الْجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَام

١٠٤٤. مهج الدعوات - في ذكر قنوتات الأئمة الطاهرين (١) -: قنوت الإمام محمد بن علي الجواد عليه السلام:

اللَّهُمَّ مَنَّا حُكَّ (٢) مُتَتَابِعُهُ، وَأَيَادِيكَ مُتَوَالِيَهُ، وَنِعْمَتِكَ سَابِغُهُ، وَشُكْرُنَا قَصِيرٌ وَحَمْدُنَا يَسِيرٌ، وَأَنْتَ بِالْتَّعَطُّفِ عَلَيَّ مِنْ اعْتَرَفَ جَدِيرٌ، اللَّهُمَّ وَقَدْ غُصَّ أَهْلُ الْحَقِّ بِالزُّبُقِ، وَارْتَبَكَ (٣) أَهْلُ الصَّدَقِ فِي الْمَضِيقِ، وَأَنْتَ اللَّهُمَّ بِعِبَادِكَ وَذَوِي الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ شَفِيقٌ، وَبِإِجَابِهِ دُعَائِهِمْ وَتَعْجِيلِ الْفَرَجِ عَنْهُمْ حَقِيقٌ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَادِرْنَا مِنْكَ بِالْعَوْنِ الَّذِي لَا خِذْلَانَ بَعْدَهُ، وَالنَّصْرِ الَّذِي لَا بَاطِلَ يَتَكَادَهُ (٤)، وَأَتِحْ لَنَا

ص: ٩٤

١- (١) ذكر السيد بن طاووس سنداً واحداً في بدايه أدعيه القنوتات.

٢- (٢) الْمَنِيحَةُ: المنحه وهي العطيه (النهايه: ج ٤ ص ٣٦٤ «منح»).

٣- (٣) ربكه: خلطه فارتبك، وفلاناً: ألقاه في وحل فارتبك فيه (بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٤٦).

٤- (٤) يَتَكَادُكَ: أى يصعب عليك ويشق (النهايه: ج ٤ ص ١٣٧ «كأد»). تكأد الشيء تكلفه وكابده وصلى به، وتكأدنى الأمر: شق عليّ كتكأدنى (بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٤٦).

را به دست آنان از عدل و داد و رحمت و فضیلت پُر کن و به اندازه کرم و جودت و آنچه بر بندگانت - که برپا دارنده عدالت بوده اند - منت نهادی، از آنان قدردانی کن و از پاداش، چیزی برایشان ذخیره کن تا درجاتشان را بالا ببری؛ که تو هر چه بخواهی می کنی و هر چه بخواهی به آن حکم می رانی. آمین، ای خدای جهانیان!». (۱)

ر. ک: ص ۲۱۳ ح ۱۰۷۴.

### ۱/۶: دعای امام جواد علیه السلام

۱۰۴۴. مهج الدعوات (۲) - در ذکر قنوت های امامان پاک - قنوت امام جواد علیه السلام: «خدایا! عطایای تو در پی هم و احسان هایت پشت سر هم و نعمت هایت گسترده و سپاس ما کوتاه و ستایش ما اندک است و تو شایسته توجّه به کسی هستی که خود اعتراف می کند.

خدایا! اهل حق را جانّ به لب آمده و اهل صدق به تنگنا افتاده و تو ای خداوند، به بندگانت و مشتاقانت، مهربانی و به اجابت دعایشان و تعجیل در گشایش کارشان سزاواری. خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و به یاری ما بشتاب، بی آن که پس از آن، ما را وا گذاری و چنان کمکی به ما بنماید که هیچ باطلی را یارای رویارویی با آن نباشد و زمینه ای گسترده را از جانب خودت برای ما فراهم بیاور تا ولّیت در آن، ایمن و دشمنت در آن، ناکام و نشانه هایت در آن، برپا شود و فرمان هایت پدیدار گردد و دشمنان وعده هایت منکوب شوند. خدایا! ما را از

ص: ۹۵

---

۱- (۱) جمال الأسبوع: ص ۳۱۰، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۳۳۲ ح ۵.

۲- (۲) سیّد ابن طاووس در آغاز دعاهاى قنوت، یک سند برای آنها ذکر کرده است.

مِن لَّدُنكَ مُتَاحًا (١) فَيَاحًا (٢) ، يَأْمَنُ فِيهِ وَثِيكَ وَيَخِيبُ فِيهِ عَدُوَّكَ ، وَيُقَامُ فِيهِ مَعَالِمُكَ وَيَظْهَرُ فِيهِ أَوْامِرُكَ ، وَتَنَكَّفُ فِيهِ عَوَادِي عِدَاتِكَ .

اللَّهُمَّ بَادِرْنَا مِنْكَ بِدَارِ الرَّحْمَةِ ، وَبَادِرْ أَعْدَاءَكَ مِنْ بَأْسِكَ بِدَارِ النَّقْمَةِ ، اللَّهُمَّ أَعِنَّا وَأَغْنِنَا ، وَارْفَعْ نَفَمَتَكَ عَنَّا ، وَأَحِلِّهَا بِالْقَوْمِ الظَّالِمِينَ .

٧/١: دُعَاءُ الْإِمَامِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام

١٠٤٥ . مهج الدعوات (٣): قُنُوتُ مَوْلَانَا الْوَفِيِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ... وَدَعَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قُنُوتِهِ ، وَأَمَرَ أَهْلَ قَوْمٍ بِذَلِكَ ، لَمَّا شَكُوا مِنْ مُوسَى بْنِ نُعْمَانَ :

الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لِنِعْمَائِهِ... اللَّهُمَّ ، وَلَا تَدَعْ لِلْجَوْرِ دِعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا ، وَلَا جُنَّةً إِلَّا هَتَكْتَهَا ، وَلَا كَلِمَةً مُجْتَمِعَةً إِلَّا فَرَقْتَهَا ، وَلَا سَرِيَّةً ثَقِيلًا إِلَّا خَفَفْتَهَا ، وَلَا قَائِمَةً عَلُوًّا إِلَّا حَطَّطْتَهَا ، وَلَا رَافِعَةً عِلْمًا إِلَّا نَكَّسْتَهَا ، وَلَا خَضِرَاءَ إِلَّا أَبْرَثَهَا (٤) ، اللَّهُمَّ فَكَوِّرْ شَمْسَهُ ، وَحُطِّ نَوْرَهُ ، وَاطْمِسْ ذِكْرَهُ ، وَارْمِ بِالْحَقِّ رَأْسَهُ ، وَفُضِّ جِيوشَهُ ، وَأَرَعِبْ قُلُوبَ أَهْلِهِ .

اللَّهُمَّ ، وَلَا تَدَعْ مِنْهُ بَقِيَّةً إِلَّا أَفَيْتَ ، وَلَا بَيْتَةً إِلَّا سَوَيْتَ ، وَلَا حَلْقَةً إِلَّا قَصَمْتَ (٥) ،

ص: ٩٤

١- (١) تاح له الشيء يتوَّح: تهيأ كتاح يتيح وأتاحه الله فاتيح. ولعلّ المتاح مصدر ميمي ويحتمل اسم المكان (بحار الأنوار: ج ٨٥ ص ٢٤٦).

٢- (٢) فَيَاحٌ: واسع (النهاية: ج ٣ ص ٤٨٤ «فيح»).

٣- (٣) ذكر السيد بن طاووس سنداً واحداً في بدايه أدعيه القنوت.

٤- (٤) أَبْرَثَ الأثر: عَفَى عليه من التراب. قال الرياشي: التأيير: التعفيه ومحو الأثر (لسان العرب: ج ٤ ص ٥ «أبر»).

٥- (٥) الْقَصْمُ: دَقُّ الشَّيْءِ. وَالْقَصْمُ: كَسْرُ الشَّيْءِ الشَّدِيدِ حَتَّى يَبِينَ. وَفِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ: «فَصَمْتَ»، وَهُوَ الْأَنْسَبُ. وَالْفَصْمُ: الْكَسْرُ مِنْ غَيْرِ بَيْنُونِهِ. وَالْفَصْمُ أَنْ يَنْصَدَعَ الشَّيْءُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَبِينَ، مِنْ فَصَمْتُ الشَّيْءَ أَفْصَمَهُ فَصْمًا، إِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِ (لسان العرب: ج ١٢ ص ٤٨٥ «قصم»).

جانب خودت به سرای رحمت برسان و دشمنانت را از سر سختگیری ات به سرای نقتم ببر. خدایا! ما را یاری ده و به فریادمان برس و کیفیت را از ما بردار و آن را بر گروه ستمکاران فرود آور». (۱)

### ۷/۱: دعای امام عسکری علیه السلام

۱۰۴۵. مهج الدعوات: قنوت مولای وفادارمان، امام حسن عسکری علیه السلام:... در دعایش چنین دعا کرد و قمیان را نیز هنگامی که از موسی بن بَغا (۲) شکایت کردند به آن فرمان داد:

«ستایش، ویژه خداوند است و سپاس بر نعمت های او... خدایا! هیچ یک از ستون های ستم را وا مگذار جز آن که آن را در هم شکنی، و هیچ سپری از آن را فرو مگذار جز آن که آن را بدری، و هیچ جمعی از آنان باقی مگذار جز آن که از هم پاشیده کنی و نیز، هیچ سپاه سنگینی را جز آن که سبکش سازی، و هیچ فرازی جز آن که فرودش بیاوری، و هیچ پرچم برافراشته ای جز آن که سرنگونش کنی، و هیچ سرسبزی ای مگر آن که خاک مرگ بر آن پاشی. خدایا! خورشید ستم را در هم پیچ و نورش را پایین بکش و ذکرش را از یادها ببر و سرش را با حق بکوب و لشکریانش را پراکنده کن و دل های اهلش را بلرزان.

خدایا! باقی مانده ای از ستم را وا مگذار جز آن که به باد فنایش بسپاری و بنایی [از آن را] مگذار جز آن که با خاک یکسانش کنی و حلقه ای منه مگر آن که آن را بشکنی، و سلاحی جز آن که گندش کنی، و تیزی ای مگر آن که آن را بشکنی، و

ص: ۹۷

---

۱- (۱) مهج الدعوات: ص ۸۰، بحار الأنوار: ج ۸۵ ص ۲۲۵.

۲- (۲) موسی بن بَغا (م ۲۶۴ ق) از امرای بنی عقیاس بود که در کشتار سال ۲۵۰ ق، اهل حمص و سال ۲۵۳ ق، درقزوین و دیلم دست داشته است و مردم قم به امام عسکری علیه السلام شکایت نمودند و ایشان این دعا را در قنوت دستور فرمود (ر. ک: مستدرکات علم رجال الحدیث: ج ۸ ص ۶ ح ۱۵۲۹۱، تاریخ دمشق: ج ۶ ص ۴۰۱ ش ۷۷۱۱، تاریخ الطبری: ج ۹ ص ۲۷۸ و ۳۷۸).

ولا سِلاحاً إلا أكلت، ولا حَيْدًا إلا فلتت، ولا كُراعاً (١) إلا اجتحت، ولا حاملة علم إلا نكست، اللهم وأرنا أنصاره عباديد (٢) بعد الألفه، وشتى بعد اجتماع الكلمه، ومقنعي الرؤوس بعد الظهور على الأمه، وأسفر لنا عن نهار العدل، وأرنا سيرمداً، لا ظلمه فيه، ونوراً لا شوب معه، وأهطل علينا ناشتته، وأنزل علينا بركتته، وأدل له ممن ناواه، وأنصره على من عاداه.

اللهم، وأظهر به الحق وأصبح به في غسقى (٣) الظلم، وبهم (٤) الحيره، اللهم وأحي به القلوب الميته، واجمع به الأهواء المتفرقه والآراء المختلفه، وأقم به الحيدود المعطله، والأحكام المهمله، وأشبع به الخماص السباغبه (٥)، وأرح به الأبدان اللماغبه (٦) المتعبه، كما ألهجتنا بذكره وأخطرت ببالنا دعاءك له، ووقفنا للدعاء إليه، وحياشه أهل الغفله عنه، وأسكنت في قلوبنا محبته والطمع فيه، وحسن الظن بك لإقامه مراسمه.

اللهم، فأت لنا منه على أحسن يقين، يا محقق الظنون الحسنه، ويا مُصدق الآمال المبطنه (٧)، اللهم وأكذب به المتألين (٨) عليك فيه، وأخلف به ظنون القاطنين من

ص: ٩٨

- ١- (١) الكراع: اسم يجمع الخيل، والكراع: السلاح، وقيل: هو اسم يجمع الخيل والسلاح (لسان العرب: ج ٨ ص ٣٠٧ «كراع»).
- ٢- (٢) العباديد: الخيل المتفرقه في ذهابها ومجيئها، ويقال: ذهبوا عباديد أي: متفرقين، ولا يُقال: أقبلوا عباديد (لسان العرب: ج ٣ ص ٢٧٦ «عبد»).
- ٣- (٣) الغسق: ظلمه الليل (النهايه: ج ٣ ص ٣٦٦ «غسق»).
- ٤- (٤) البهم: جمع بهمه - بالضم - وهي مُشكلات الأمور (لسان العرب: ج ١٢ ص ٥٧ «بهم»).
- ٥- (٥) الخماص: الجياع. والساغبه: الجائعه. وقيل: لا يكون السغب إلا مع التعب (النهايه: ج ٢ ص ٨٠ «خمص» وص ٣٧١ «سغب»).
- ٦- (٦) اللغب: التعب والإعياء (النهايه: ج ٤ ص ٢٥٦ «لغب»).
- ٧- (٧) في المصدر: «المبطنه»، وما اثبت من بحار الأنوار ومصباح المتهجد، وهو المناسب للمقام.
- ٨- (٨) المتألين: يعنى الذين يحكمون على الله ويقولون: فلان فى الجنه وفلان فى النار (النهايه: ج ١ ص ٦٢ «ألى»).

خیل اسبانی جز آن که آنها را از بیخ برکنی، و بر دوش کشنده پرچم جز آن که سرنگونش کنی. خدایا! به ما نشان بده که یاوران ستم پس از الفت و اتفاق، پراکنده شده و پس از وحدت کلمه، با هم اختلاف کرده و بعد از پیروز شدن در برابر امت، سرافکنده گشته اند.

خدایا! روز روشن عدالت را به ما بنمای و آن را برای همیشه و بی تاریکی و به صورت نوری بدون هیچ آلاشی، به ما نشان بده و آغاز آن را بر ما فرو ریز و برکت آن را بر ما نازل فرما و او را بر مخالفانش برتری ده و در برابر دشمنانش یاری اش کن.

خدایا! و حق را با او آشکار کن و تیرگی شب حیرت را با او به صبح مبدل نما.

خدایا! دل های مرده را با او زنده کن و خواسته های متفاوت و نظرهای گوناگون را به دست او متحد کن و حدود اجرا نشده و احکام فرو گذاشته را با او به پا دار و شکم های گرسنه را به دست او سیر و بدن های رنجور خسته را با او آسوده کن، همان گونه که ما را شیفته یاد او کردی و به فکرمان انداختی که تو را برای او بخوانیم و به ما توفیق دعا کردن برای او را دادی، در حالی که غافلان، از او دور و به کنارند، و محبت و امید به او را در دل های ما جا دادی و نیز گمان نیکو به خودت تا فرمان های او را بر پا بداریم.

خدایا! خبرش را به صورت بهترین یقین برایمان بیاور. ای که گمان های نیکو را نیز محقق می کنی و ای که آرزوهای دیرین را جامه عمل می پوشانی! خدایا! آنان را که برخلاف تو حکم می رانند، به وسیله او تکذیب کن و با کمک او پندارهای ناامیدان از رحمت و مایوسان از وی را دگرگون کن. خدایا! ما را رشته ای از رشته های او و پرچمی برافراشته از پرچم های او و پناهی از پناهگاه های او قرار ده و رخسار ما را به آرایش او خرم کن و ما را با یاری رساندن به او گرامی بدار و در ما



رَحْمَتِكَ وَالْأَيْسِينَ مِنْهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا سَبِيًّا مِنْ أَسْبَابِهِ، وَعَلِمًا مِنْ أَعْلَامِهِ، وَمَعْقِلًا مِنْ مَعَاقِلِهِ، وَنَصْرًا وَجُوهَنَا بِتَحَلُّتِهِ، وَأَكْرَمَنَا بِنُصْرَتِهِ، وَاجْعَلْ فِيْنَا خَيْرًا تُظَهِّرُنَا لَهُ بِهِ، وَلَا تُشْمِتْ بِنَا حَاسِدِي النَّعْمِ، وَالْمُتْرَبِّصِينَ بِنَا لِحُلُولِ النَّدَمِ وَنُزُولِ الْمُثَلِّ، فَقَدْ تَرَى يَا رَبِّ بَرَاءَةَ سَاحَتِنَا، وَخُلُوًّا ذَرَعِنَا(١) مِنَ الْإِضْمَارِ لَهُمْ عَلَى إِحْنِهِ(٢)، وَالتَّمَنَّى لَهُمْ وَقُوعَ جَائِحِهِ(٣)، وَمَا تَنَازَلَ مِنْ تَحْصِينِهِم بِالْعَافِيَةِ، وَمَا أَضْبَوْا(٤) لَنَا مِنْ انْتِهَازِ الْفُرْصَةِ، وَطَلَبِ الْوُثُوبِ بِنَا عِنْدَ الْغَفْلَةِ.

اللَّهُمَّ، وَقَدْ عَرَفْنَا مِنْ أَنْفُسِنَا، وَبَصَّرْنَا مِنْ عُيُوبِنَا خِلَالًا نَخْشَى أَنْ تَقْعِدَ بِنَا عَنِ اشْتِهَارِ(٥) إِجَابَتِكَ، وَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّينَ، وَالْمُبْتَدِئُ بِالْإِحْسَانِ غَيْرِ السَّائِلِينَ، فَائْتِ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ، وَجُودِكَ وَفَضْلِكَ وَامْتِنَانِكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ وَمِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِنَا تَائِبُونَ.

اللَّهُمَّ، وَالِدَاعِي إِلَيْكَ وَالْقَائِمُ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ، الْفَقِيرُ إِلَى رَحْمَتِكَ، الْمُحْتَاجُ إِلَى مَعُونَتِكَ عَلَى طَاعَتِكَ، إِذِ ابْتَدَأَتْهُ بِنِعْمَتِكَ وَالْبَسَتْهُ أَثْوَابُ كَرَامَتِكَ، وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةَ طَاعَتِكَ، وَثَبَّتَ وَطْأَتَهُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ مَحَبَّتِكَ، وَوَفَّقْتَهُ لِلْقِيَامِ بِمَا أَعْمَضَ فِيهِ أَهْلُ زَمَانِهِ مِنْ أَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجِدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشَيِّدًا لِمَا رُدَّ(٦) مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَشَيْئِنِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ سِيَئَلُكَ وَصَلَوَاتُكَ، وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ، فَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي حَصَانِهِ مِنْ

ص: ١٠٠

١- (١) الذَّرْعُ وَالذَّرَاعُ: الْوَسْعُ وَالطَّاقَةُ (لسان العرب: ج ٨ ص ٩٦ «ذرع»).

٢- (٢) الْإِحْنَةُ: الْحِقْدُ فِي الصِّدْرِ (لسان العرب: ج ١٣ ص ٨ «أحن»).

٣- (٣) الْجَائِحَةُ: الشَّدَّةُ وَالنَّازِلَةُ الْعَظِيمَةُ الَّتِي تَجْتَاخُ الْمَالَ مِنْ سَنِهِ أَوْ فَتْنَهُ (لسان العرب: ج ٢ ص ٤٣١ «جوح»).

٤- (٤) أَضْبَأَ الرَّجُلُ عَلَى الشَّيْءِ: إِذَا سَكَتَ عَلَيْهِ وَكْتَمَهُ (الصحاح: ج ١ ص ٦٠ «ضبأ»).

٥- (٥) فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ: «اسْتِيهَال».

٦- (٦) دَثَّرَ خ ل. وَفِي مِصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ وَكَذَا الْمَوَارِدِ الْمَشَابِهَةِ لِهَذَا الدَّعَاءِ: «وَرَد».

خیری قرار ده که آن را به دست او برایش پدیدار کنی و حسودان بر نعمت‌ها و آنان را که ندامت و عذاب شدن ما را انتظار می‌کشند، شماتت‌کننده ما منما؛ که تو ای خدای ما! پاک‌ساحت ما و تهی بودن سینه‌مان را از کینه‌توزی نهران به آنها می‌بینی و آرزوی تیره‌روزی و فرود آمدن بلا- بر ایشان و زوال عافیتشان را در ما نمی‌بینی، در حالی که آنان در انتظار فرصت‌اند تا به گاه غفلتمان بر ما بجهند.

خدایا! ما را به خودمان شناسانده‌ای و برخی عیب‌هایمان را چنان به ما نشان داده‌ای که می‌ترسیم ما را از شایستگی اجابت دعوت فرو بنشانند، در حالی که تو به غیر شایستگان نیز می‌بخشی و به آنان که هنوز درخواست هم نکرده‌اند، به احسان آغاز می‌کنی. پس به ما و برای کارمان به اندازه کرم، جودت، بخشش و منت‌نهادنت، ببخش که تو هر چه خواهی می‌کنی و به هر چه اراده کنی، حکم می‌رانی. ما مشتاق تویم و از همه گناهانمان توبه کاریم.

خدایا! دعوتگر به سویت و بر پا دارنده عدالت از میان بندگانت، نیازمند به رحمت و محتاج به کمک تو در فرمان‌برداری‌ات است، هنگامی که با نعمت‌بخشی‌ات به او آغاز کردی و جامه کرامت را بر او پوشانیدی و محبت اطاعت را در دل او انداختی و از سر مهر، جایگاهش را در دل‌ها استوار ساختی و او را به قیام برای امرت موفق کردی، در حالی که مردم روزگارش چشم بر آن فرو بسته‌اند و او را پناه‌بندگان ستم‌دیده‌ات و یاور کسانی که جز تو یآوری نمی‌یابند و تجدیدکننده احکام فروهشته کتابت و استوارکننده نشانه‌های رد شده دینت (۱) و سنت‌های پیامبرت - که سلام و درودها و رحمت و برکات بر او و خاندانش باد - قرار دادی. پس خدایا! او را از آزار متجاوزان محافظت کن و نور او را بر دل‌های

ص: ۱۰۱

---

۱- (۱) در بسیاری از موارد مشابه متن چنین آمده است: «استوارکننده نشانه‌های وارد شده دینت».

بأسِ الْمُعْتَدِينَ، وَأَشْرَقَ بِهِ الْقُلُوبَ الْمُخْتَلِفَةَ مِنْ بُغَاهِ الدِّينِ، وَبَلَغَ بِهِ أَفْضَلَ مَا بَلَغَتْ بِهِ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ.

اللَّهُمَّ، وَأَذِلِّ بِهِ مَنْ لَمْ تُسْهِمِ لَهُ فِي الرُّجُوعِ إِلَى مَحَبَّتِكَ، وَمَنْ نَصَبَ لَهُ الْعِدَاوَةَ، وَارْمِ بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ مَنْ أَرَادَ التَّأْلِيْبَ (١) عَلَى دِيْنِكَ يَا ذَلَالِهِ وَتَشْتِيْتِ أَمْرِهِ، وَاغْضَبْ لِمَنْ لَا تِرَةَ (٢) لَهُ وَلَا طَائِلَةَ (٣)، وَعَادَى الْأَقْرَبِينَ وَالْأَبْعَدِينَ فِيكَ، مَنَّا مِنْكَ عَلَيْهِ لَا مَنَّا مِنْهُ عَلَيْكَ.

اللَّهُمَّ، فَكَمَا نَصَبَ نَفْسَهُ غَرَضًا فِيكَ لِلْأَبْعَدِينَ، وَجَادَ بِبَيْدِلٍ مُهَجِّتِهِ لَكَ فِي الذَّبِّ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، وَرَدَّ شَرَّ بُغَاهِ الْمُرْتَدِّينَ الثُّرَيِّينَ، حَتَّى اخْفَى مَا كَانَ جُهْرًا بِهِ مِنَ الْمَعَاصِي، وَأَبْدَى مَا كَانَ نَبْذَهُ الْعُلَمَاءِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ، مِمَّا أَخَذَتْ مِيثَاقَهُمْ عَلَى أَنْ يُبَيِّنُوهُ لِلنَّاسِ وَلَا يَكْتُمُوهُ، وَدَعَا إِلَى إِفْرَادِكَ بِالطَّاعَةِ، وَأَلَّا يَجْعَلَ لَكَ شَرِيكًَا مِنْ خَلْقِكَ يَعْلُو أَمْرُهُ عَلَى أَمْرِكَ، مَعَ مَا يَتَجَرَّعُهُ فِيكَ مِنْ مَرَارَاتِ الْغَيْظِ الْجَارِحَةِ بِحَوَاسِّ (٤) الْقُلُوبِ، وَمَا يَعْتَوِرُهُ مِنَ الْغُمُومِ، وَيَفْزَعُ عَلَيْهِ مِنْ أَحْدَاثِ الْخُطُوبِ، وَيَشْرَقُ بِهِ مِنَ الْغُصَصِ الَّتِي لَا تَبْتَلِعُهَا الْحُلُوقُ، وَلَا تَحْنُو عَلَيْهَا الضُّلُوعُ، مِنْ نَظَرِهِ إِلَى أَمْرٍ مِنْ أَمْرِكَ، وَلَا تَنَالُهُ يَدُهُ بِتَغْيِيرِهِ وَرَدَّهُ إِلَى مَحَبَّتِكَ، فَاشْدُدِ اللَّهُمَّ أَرْزَهُ بِنَصْرِكَ، وَأَطِلْ بَاعَهُ فِيمَا قَصِيرَ عَنْهُ مِنْ إِطْرَادِ الرَّاتِعِينَ فِي حِمَاكَ، وَزِدْهُ فِي قُوَّتِهِ بِسَطَّةٍ مِنْ تَأْيِيدِكَ، وَلَا تُوْحِشْنَا مِنْ انْسِيهِ، وَلَا تَخْتَرِمُهُ دُونَ أَمَلِهِ مِنَ الصَّلَاحِ الْفَاشِي فِي أَهْلِ مِلَّتِهِ، وَالْعَدْلِ الظَّاهِرِ فِي أُمَّتِهِ.

ص: ١٠٢

١- (١) التَّأْلِيْبُ: التَّحْرِيبُ (الصَّحَاحُ: ج ١ ص ٨٨ «أب»).

٢- (٢) لَا تِرَةَ لَهُ: أَي لَمْ يَطْلُبْ أَحَدَ الْجَنَائِيَاتِ الَّتِي وَقَعَتْ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ (بِحَارِ الْأَنْوَارِ: ج ٨٥ ص ٢٥٤).

٣- (٣) الطَّائِلَةُ: الْفَضْلُ وَالْقُدْرَةُ وَالْغِيَّةُ وَالسَّعَةُ وَالْعُلُوقُ (لِسَانُ الْعَرَبِ: ج ١١ ص ٤١٤ «طول»).

٤- (٤) بِمَوَاسِي (خ ل).

ناآرام دینجویان بتابان و او را به برترین درجه کسانی از پیروان پیامبران که عدالت را برپا می کنند، برسان.

خدایا! کسی را که برای بازگشتش به دامن محبت بهره ای نداده ای، به دست او خوار کن و نیز هر کس را که به دشمنی با او برخاسته و بخواهد بر ضد دینت آتش افروزی کند، با سنگ کوبنده سرش را نشانه بگیر و [بدین وسیله] او را خوار و کارش را پراکنده ساز و برای کسی که خونخواه و قدرتی ندارد و به خاطر تو با دور و نزدیک دشمنی کرده، خشم بگیر و این را نه از سر منت او بر تو، بلکه از سر منت تو بر او می کنی.

خدایا! همان گونه که او خود را به خاطر تو هدف تیر دورافتادگان [از هدایت] کرد و خون خود را به خاطر تو و برای دفاع از حریم مؤمنان بذل کرد و شرّ سرکشان از دینبرگشته شگاک را به خودشان باز گرداند تا آن جا که معصیت های آشکار به نهانگاه خزیدند و آنچه را دانشمندان به پس پشت خود افکنده بودند - با آن که از ایشان پیمان گرفته شده بود که آن را برای مردم روشن کنند و نپوشانند - آشکار شد، و به توحید در اطاعتت فرا خواند و این که همتایی - که کارش بر کار تو چیره شود -، برای تو از میان آفریده هایت نگیرند و در این راه، تلخی ناراحتی را به خاطر تو با دل و جان، ذره ذره می چشد و اندوه او را فرا می گیرد و از پیشامدهای سهمگین، به ناله و فغان می آید و غصّه های گلوگیر و غیر قابل تحمّل را که از نگرش به یکی از کارهایت که دستش به تغییر آن و باز گرداندن آن به [عرصه] محبت نمی رسد، فرو می برد. پس خدایا! پشتش را به یاری ات محکم بدار و دستش را بلند و قوی بدار تا در راندن آنان که در قرقگاه تو می چرخند، کوتاه نماند و با تأییدات خودت، قدرتش را گسترش ده و ما را از انس با او دور مکن و آرزویش را که به سامان آوردن همه همکیشانش و پیدایی عدالت در امتش است، ناکام مگذار.

اللَّهُمَّ وَشَرَّفَ بِمَا اسْتَقْبَلَ بِهِ مِنَ الْقِيَامِ بِأَمْرِكَ لَمَدَى مَوْقِفِ الْحِسَابِ مُقَامَهُ، وَسَيَّرَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَأَجْزَلَ لَهُ عَلَى مَا رَأَيْتَهُ، قَائِمًا بِهِ مِنْ أَمْرِكَ ثَوَابُهُ، وَأَبْنِ قُرْبَ دُنُوهِ مِنْكَ فِي حَيَاتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا مِنْ بَعْدِهِ، وَاسْتِخْدَاءَنَا(١) لِمَنْ كُنَّا نَقَمُّعُهُ بِهِ، إِذْ أَفْقَدْنَا وَجْهَهُ، وَبَسَطْتَ أَيْدِيَ مَنْ كُنَّا نَبْسِطُ أَيْدِينَا عَلَيْهِ لِنُرْدَهُ عَنِ مَعْصِيَتِهِ، وَافْتِرَاقَنَا بَعْدَ الْأَلْفِ وَالْاجْتِمَاعِ تَحْتَ ظِلِّ كَنْفِهِ، وَتَلَهُّفُنَا عِنْدَ الْفَوْتِ عَلَى مَا أَفْعَدْنَا عَنْهُ مِنْ نُصْرَتِهِ، وَطَلَبْنَا مِنَ الْقِيَامِ بِحَقِّ مَا لَا سَبِيلَ لَنَا إِلَى رَجْعَتِهِ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ مِمَّا يُشْفِقُ عَلَيْهِ مِنْهُ، وَرُدِّ عَنْهُ مِنْ سَهَامِ الْمَكَائِدِ مَا يُوجِّهُهُ أَهْلُ الشَّنَانِ(٢) إِلَيْهِ وَإِلَى شُرَكَائِهِ فِي أَمْرِهِ، وَمُعَاوِنِيهِ عَلَى طَاعَةِ رَبِّي، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ سِتْلَاحَهُ وَحِصْنَهُ وَمَفْزَعَهُ وَأُنْسَهُ، الَّذِينَ سَلَوُوا عَنِ الْأَهْلِ وَالْأَوْلَادِ، وَجَفَّوْا الْوَطْنَ، وَعَظَلُوا الْوَثِيرَ مِنَ الْمِهَادِ، وَرَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ وَأَضْرَبُوا بِمَعَايِشِهِمْ، وَفُقِدُوا فِي أُنْدِيَّتِهِمْ بِغَيْرِ غَيْبِهِ عَنِ مِصْرِهِمْ، وَخَالَوْا(٣) الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاضَدَهُمْ عَلَى أَمْرِهِمْ، وَقَلَّوْا(٤) الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وَجْهِتِهِمْ، فَاتْتَلَفُوا بَعْدَ التَّدَابُرِ وَالتَّقَاتُحِ فِي دَهْرِهِمْ، وَقَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ حُطَامِ الدُّنْيَا، فَاجْعَلْهُمُ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ حِرْزِكَ وَظِلِّ كَنْفِكَ، وَرُدِّ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِم بِالْعِدَاوَةِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَجْزَلَ لَهُمْ عَلَى دَعْوَتِهِمْ مِنْ كِفَايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ، وَأَمِّدْهُمْ بِتَأْيِيدِكَ وَنُصْرِكَ، وَأَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ.

ص: ١٠٤

- ١- (١) خذأ له يخذأ له: خضع وانقاد له، وكذلك استخذأت له (لسان العرب: ج ١ ص ٦٤ «خذأ»).
- ٢- (٢) شنان قوم: أي بغضهم (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٤٦٥ «شنان»).
- ٣- (٣) في مصباح المتهجد: «حالفوا» و بحار الأنوار: «خالفوا».
- ٤- (٤) القلى: البغض (النهاية: ج ٤ ص ١٠٤ «قلى»).

خدایا! جایگاهش را در ایستگاه حسابرسی به خاطر قیامی که به فرمان تو در آینده به پا می کند، گرامی بدار و پیامبرت محمد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - و نیز دنباله روان دعوتش را با دیدارش، شادمان کن و پاداش او را به خاطر آنچه از قیام به امرت از او دیدی، بزرگ بدار و نزدیکی اش را به تو در زندگی اش روشن کن و بر خواری ما پس از او و خضوع ما در برابر کسی که او را با دستان وی می کویم، رحم کن، هنگامی که ما را از دیدن چهره اش محروم کردی و دستان کسانی را بر ما گشودی که ما بر او دست گشوده بودیم تا او را از نافرمانی اش بازگردانیم. و نیز رحم کن بر تفرقه مان پس از الفت و اتفاق زیر سایه حمایت او و تأسیفمان بر از دست دادن فرصت یاری او و نیز تکاپوی قیام به حق آنچه راهی به بازگشتش نداریم. خدایا! او را از آنچه بر او بیم می رود، ایمن و آسوده کن و تیرهای مکر و حيله را از او برگردان؛ تیرهایی که کینه توزان به سوی او و همکاران قیامش پرتاب می کنند، کسانی که او را در اطاعت از خدایش یاری دادند، یارانی که تو آنها را سلاح و قلعه و پناهگاه و مایه انس او قرار داده ای و زن و فرزند را از یاد برده و ترک دیار کرده و بستر گرم و نرم را رها نموده و کار و کاسبی خود را به کنار نهاده و به زندگی خود زیان زده و بی آن که از شهرشان غایب شده باشند، در انجمن هایشان دیده نمی شوند و با افراد دوری که ایشان را در کارشان یاری دادند، دوست شدند و با افراد نزدیکی که جلوی آنان را گرفتند، دشمنی نمودند، و از پس سال ها پشت به هم کردن و بریدن از یکدیگر، با هم الفت یافتند و رشته های پیوند دنیایی میان خود را بریدند. پس خدایا! آنان را در امان حرز خودت و سایه حمایت قرار ده و رنج و آزار هر یک از بندگان را که قصد دشمنی با آنها دارد، به خودش باز گردان، و کفایت و کمکت را به ایشان به خاطر دعوتشان [به سوی تو] بیشتر کن و با استوار داشتن و یاری ات، آنها را مدد فرما و با حق ایشان، باطل کسانی را از میان ببر که در پی خاموش کردن نور تو هستند.

اللَّهُمَّ، وَامَلَأْ بِهِمْ كُلَّ أُمَّةٍ مِنَ الْأَفَاقِ وَقُطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ، قِسْطًا وَعَدْلًا وَمَرْحَمَةً وَفَضْلًا، وَاشْكُرْهُمْ عَلَيَّ حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ، وَمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَدَّخَرْتَ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا يَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ. (١)

ص: ١٠٦

---

١- (١) في صدر مصباح المتهجد: «ويستحب أن يزداد هذا الدعاء في الوتر: الحمد لله...».

خدایا! همهٔ کرانه‌های گیتی و سراسر عالم را با دست ایشان از عدالت و دادورزی و رحمت و فضل، آکنده ساز و به اندازهٔ کرم و جودت و آنچه بر بندگان قیام کننده ات به عدالت، منت نهادی، از آنان قدردانی کن و آن قدر از پاداشت را برای ایشان ذخیره کن که درجاتشان را با آن بالا ببری و تو هر چه خواهی می کنی و به هر چه اراده کنی، حکم می رانی» (۱). (۲)

ص: ۱۰۷

---

۱- (۱) در مصباح المتہجد، خواندن این دعا را در نماز وتر، مستحب دانسته است.

۲- (۲) مہج الدعوات: ص ۸۵-۸۷، مصباح المتہجد: ص ۱۵۶، بحار الأنوار: ج ۸۵ ص ۲۲۸-۲۳۳.



۱۰۴۶. کمال الدین: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ، قَالَ:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الطُّهَوِيُّ... (۱) عَنْ حَكِيمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي ذِكْرِ مَا جَرَى حِينَ وِلَادِهِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - ...: فَرَجَعْتُ فَلَمْ أَلْبَثْ أَنْ كُشِفَ الْغِطَاءُ الَّذِي كَانَ بَيْنِي وَبَيْنَهَا [أَي نَرْجَسَ] وَإِذَا أَنَا بِهَا وَعَلَيْهَا مِنْ أَثَرِ النَّوْرِ مَا غَشَّيْتُ بِصَيْرِي، وَإِذَا أَنَا بِالصَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَاجِدًا لَوَجْهِهِ، جَائِيًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ، رَافِعًا سَبَابَتَيْهِ، وَهُوَ يَقُولُ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، (وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ)، وَأَنَّ حَيْدِي مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّ أَبِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ...»، ثُمَّ عَيَّدَ إِمَامًا إِمَامًا إِلَى أَنْ بَلَغَ إِلَى نَفْسِهِ. ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ انْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي، وَتَبَّتْ وَطَأْتِي، وَامْلَأِ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا».

ص: ۱۰۸

۱- (۱) فی بعض النسخ «الطهوی» وفي بعضها «الظهري» وفي بعضها «الزهری» وبعضها «المطهری» وفي بعضها «الطهری» ولم أجد بهذه العناوين فی أصحاب الهادی أحداً، نعم، ذكر «الطهومی» فی جامع الرواه من أصحاب الرضا عليه السلام، لكنّ حاله مجهول. (هامش المصدر)، وفي بحار الأنوار «المطهری».

۱۰۴۶. کمال الدین - به نقل از حکیمه دختر امام جواد علیه السلام در یادکرد ماجرای تولد امام مهدی علیه السلام - :... باز گشتم و طولی نکشید که پرده میان من و نرگس کنار رفت و او را چنان نوری فرا گرفته بود که چشمانم را فرو بست و آن گاه کودکی را دیدم که سر بر سجده نهاد و بر زانوانش نشست و دو انگشت اشاره خود را بالا آورد و فرمود:

«گواهی می دهم که خدایی جز خداوند یگانه بی همتا نیست و جدم محمد، پیامبر خدا و پدرم، امیر مؤمنان است...». سپس یک یک امامان را بر شمرده تا به خودش رسید و سپس فرمود: «خدایا! آنچه را بر من وعده داده ای به انجام برسان و کارم را به پایان ببر و زمینه و جایگاهم را استوار بدار و زمین را به دست من از عدل و داد پُر کن».<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۰۹

---

۱- (۱) کمال الدین: ص ۴۲۶-۴۲۸ ح ۲، الثاقب فی المناقب: ص ۲۰۱ ح ۱۷۸، روضه الواعظین: ص ۲۸۴، بحار الأنوار: ج ۵۱ ص ۱۱ ح ۱۴. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر. ک: همین دانش نامه: ج ۲ ص ۲۳۵ ح ۳۴۵.

١٠٤٧. مهج الدعوات - في ذكر قنوتات الأئمة الطاهرين -: قنوت مولانا الحجة محمد بن الحسن عليه السلام: اللهم صل على محمد وآل محمد، وأكرم أولياءك بإنجاز وعدك، وبلغهم درك ما يأملونه من نصرك، واكف عنهم بأس من نصب الخلاف عليك، وتمرد بمنعك على ركوب مخالفتك، واستعان برfidك (١) على فل (٢) خدك، وقصد لكيدك بأيدك (٣) ، ووسعته حلماً لتأخذة على جهره، وتستأصلمه على غره، فإنك اللهم قلت - وقولك الحق -: «حتى إذا أخذت الأرض زخرفها وازيئت وظن أهلها أنهم قادرون عليها أتاها أمرنا ليلاً - أو نهاراً فجعلناها حصيداً كأن لم تغن بالأمس كذلك نفضل الآيات لقوم يتفكرون» ٤ ، وقلت: «فلما آسفونا انتقمنا منهم» ٥.

وإن الغاية عندنا قد تناهت، وإنا لعصبك غاضبون، وإنا على نصر الحق متعاصبون، وإلى ورود أمرك مشتاقون، ولإنجاز وعدك مرتقبون، ولحلول وعيدك بأعدائك متوقفون.

اللهم فاذن بذلك وافتح طرقاته، وسهل خروجه، ووطئ مسالكه، واشرع شرائعه، وأيد جنوده وأعوانه، وبادر بأسيك القوم الظالمين، وابسط سيف نقيمتك

ص: ١١٠

١- (١) الرفد: هو الإعانه (النهاية: ج ٢ ص ٢٤١ «رفد»).

٢- (٢) الفل: الكسر والضرب (لسان العرب: ج ١١ ص ٥٣٠ «فل»).

٣- (٣) الأيد: القوه (الصحاح: ج ٢ ص ٤٤٣ «أيد»).

۱۰۴۷. مهج الدعوات: - در ذکر قنوت های امامان پاک - قنوت مولایمان حجه بن الحسن:

«خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و اولیایت را با تحقّق وعده ات گرامی بدار و آنان را که آرزوی یاری ات را دارند، به آرزویشان برسان و از ایشان خطر کسانی که پرچم مخالفت با تو را برافراشته اند، برطرف کن؛ که اینان دستورت به مخالفت نکردن را نافرمانی نموده و با یاری گرفتن از بخشش تو، به گُند کردن تیزی [سلاح] برخاسته و با نیروی گرفته از تو، آهنگ مکر با تو را دارند و تو با بردباری ات، به انتظار آشکارا گرفتن آنها هستی تا به گاه غفلتشان آنان را از ریشه برکنی که تو خود گفتی - و گفتارت حقیقت است - «چون زمین، زیور خود را برگیرد و [به سبزه و گل] آراسته شود و مردم گمان کنند که [در بهره گرفتن] از آن توانایند، امر ما شب یا روز بیاید و آن را چنان درو شده بر جای نهیم که گویی روز پیش، هیچ نبوده است. این گونه نشانه های خود را برای اندیشه وران روشن می داریم». و گفتی: «هنگامی که ما را خشمگین کردند، از آنان انتقام گرفتیم».

هدف [خلقت] با ما به سرانجام می رسد و ما به خشم تو خشم می گیریم و ما برای یاری حق، هم پیمان می شویم و به در آمدن فرمان تو مشتاقیم و برای به انجام رساندن وعده ات، چشم انتظاریم و منتظر فرود آمدن تهدیدت نسبت به دشمنانت هستیم.

خدایا! این اجازه را بده و راه هایش را باز کن و بیرون آمدنش را آسان نما و راه هایش را هموار کن و جاده هایش را بکش و سربازان و یاورانش را استوار بدار و بیم و هراس را به گروه ستمکاران برسان و شمشیر انتقامت را بر دشمنان معاندت

على أعدائك المعاندين، وخذ بالنار إنك جواد مكار.

١٠٤٨. مهج الدعوات: ودعا عليه السلام في القنوت بهذا الدعاء: «اللهم مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتزعج الملك ممن تشاء وتجزئ من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير إنك على كل شيء قدير» ١.

يا ماجد يا جواد، يا ذا الجلال والإكرام، يا بطاش يا ذا البطش الشديد، يا فعلاً لما يريد، يا ذا القوة المتين، يا رؤوف يا رحيم يا لطيف، يا حي حين لا حي، أسألك باسمك المخزون المكنون، الحي القيوم، الذي استأثرت به في علم الغيب عندك، لم يطلع عليه أحد من خلقك.

وأسألك باسمك الذي تصوّر به خلقك في الأرحام كيف تشاء، وبه تسوق إليهم أرزاقهم في أطباق الظلمات من بين العروق والعظام، وأسألك باسمك الذي ألفت به بين قلوب أوليائك، وألفت بين الثلج والنار، لا هذا يذيب هذا، ولا هذا يطفئ هذا، وأسألك باسمك الذي كوّنت به طعم المياه، وأسألك باسمك الذي أجريت به الماء في عروق النبات بين أطباق الثرى، وسقت الماء إلى عروق الأشجار بين الصخره الصماء.

وأسألك باسمك الذي كوّنت به طعم الثمار وألوانها، وأسألك باسمك الذي به تبدئ وتعيد، وأسألك باسمك الفرد الواحد المتفرد بالوحدانيه، المتوحد بالصمدانيه، وأسألك باسمك الذي فجرت به الماء من الصخره الصماء، وسقته من حيث شئت، وأسألك باسمك الذي خلقت به خلقك، ورزقتهم كيف شئت وكيف شاؤوا.

بگستران و انتقام خون را بگیر؛ که تو بخشنده، اما چاره جو هستی» (۱).

۱۰۴۸. مهج الدعوات: و [امام زمان علیه السلام] این دعا را در قنوت خواند: «خدایا! ای فرمان روای گیتی! به هر کس بخواهی، فرمان روایی می بخشی و از هر کسی بخواهی، آن را باز پس می گیری و هر کس را بخواهی، عزیز می داری و هر کس را بخواهی، خوار می کنی. خیر و نیکی به دست توست. بی گمان، تو بر هر کاری توانایی».

ای بزرگوار! ای بخشنده! ای دارای شکوه و جلال و اکرام! ای قدرتمند حمله ور! ای نیرومند سختگیر! ای کننده هر چه می خواهی! ای صاحب قدرت استوار! ای دلسوز! ای مهربان! ای لطیف! ای زنده هنگامی که کسی زنده نیست! از تو درخواست می کنم به نام نهفته اندوخته ات، زنده برپا دارنده، به اسمی که در دانش غیبی ات تنها برای خود نگاه داشتی و کسی از آفریدگانت از آن آگاه نشد، و از تو درخواست می کنم به اسمی که آفریده هایت را در رجم ها به هر صورت که بخواهی صورت می دهی و روزی هایشان را در میان تاریکی های چندطبقه و روی هم و از میان رگ ها و استخوان ها به آنها می رسانی، و از تو درخواست می کنم به اسمی که با آن میان دل های اولیای الفت دادی و آتش و یخ را در یک جا جمع کردی به طوری که نه آن، این را ذوب کند و نه این، آن را خاموش سازد و از تو می خواهم به اسمی که مزه آب ها را با آن ایجاد کردی، و از تو می خواهم به اسمی که آب را با آن از میان طبقات زمین به ریشه های گیاه دواندی و آب را از میان سنگ سخت، به آوندهای درخت رساندی.

و از تو می خواهم به اسمی که رنگ و طعم میوه ها را با آن درست کردی، و از تو می خواهم به اسمی که با آن آغاز می کنی و باز می گردانی، و از تو می خواهم به آن اسمت که یگانه، یکتا، تنها در وحدانیت و یگانه در بی نیازی است، و از تو می خواهم به اسمی که دل صخره سخت را شکافتی و آب را بیرون کشیدی و آن را به هر کجا که خواستی روانه نمودی، و از تو می خواهم به اسمی که با آن، مردمت را آفریدی و آنان را هر گونه که خواستی و خواستند، روزی دادی.

ای که روزها و شب ها او را تغییر نمی دهد! تو را با همان دعایی می خوانم که نوح، به

ص: ۱۱۳

يا مَنْ لا- يُغَيِّرُهُ الأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ حِينَ نادَاكَ، فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ وَأَهْلَكَتَ قَوْمَهُ، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُكَ حِينَ نادَاكَ، فَأَنْجَيْتَهُ وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسِلَاقًا، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ مُوسَى كَلِيمُكَ حِينَ نادَاكَ، فَفَلَقْتَ لَهُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْتَهُ وَبَنَى إِسْرَائِيلَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فِي الْيَمِّ، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَى رُوحُكَ حِينَ نادَاكَ، فَجَعَلْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ، وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ حَبِيبُكَ وَصَفِيُّكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَمِنْ الْأَحْزَابِ نَجَّيْتَهُ، وَعَلَى أَعْدَائِكَ نَصَرْتَهُ.

وَأَسَأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجِبْتَ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا، يَا مَنْ لا تُغَيِّرُهُ الأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، وَلا تُشَابَهُ عَلَيْهِ الأَصْوَاتُ، وَلا تُخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ، وَلا يُبْرَمُهُ (١) الْإِحْاحُ الْمُلْحِنَ.

أَسَأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، خَيْرَ بَرَكَةٍ مِنْ خَلْقِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَصَلِّ عَلَيَّ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى، وَعَقَدُوا لَكَ الْمَوَائِقَ بِالطَّاعَةِ، وَصَلِّ عَلَيَّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ.

يا مَنْ لا- يُخْلِفُ المِيعَادَ، أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَاجْمَعْ لِي أَصْحَابِي، وَصَبِّرْهُمْ، وَانصُرْني عَلَى أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسولِكَ، وَلا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ، ابْنُ عَبْدِكَ، ابْنُ أُمَّتِكَ، أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ.

سَيِّدِي أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا المَقَامِ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ، أَسَأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الصَّادِقُ وَلا تُخْلِفُ المِيعَادَ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ص: ١١٤

١- (١) أَبْرَمُهُ: أَي أَمَلَهُ وَأَضْجَرَهُ (الصَّحاح: ج ٥ ص ١٨٦٩ «برم»).

گاه صدا زدن تو خواند و او و همراهانش را نجات دادی و قومش را هلاک کردی. و تو را با دعایی می خوانم که ابراهیم، دوستت، به گاه صدا زدن تو، آن را خواند و نجاتش دادی و آتش را بر او سرد و سلامت کردی. و تو را با دعایی می خوانم که موسی، هم سخت، تو را با آن خواند و دریا را برایش شکافتی و او و بنی اسرائیل را نجات دادی و فرعون و قومش را در دریا غرق کردی. و تو را با دعایی می خوانم که عیسی، روح، تو را با آن خواند و او را از دست دشمنانش رهاندی و به سوی خودت برکشیدی. و تو را با دعایی می خوانم که دوستت، برگزیده ات و پیامبرت، محمد، تو را با آن خواند و دعوتش را اجابت کردی و از دست احزاب [مشرك و كافر] نجاتش دادی و بر دشمنانش، پیروز کردی.

و از تو می خواهم به اسمی که چون تو را با آن بخوانند، پاسخ می دهی. ای که خلق و امر در دست اوست! ای که به هر چیزی احاطه علمی داری! ای که شمار همه چیز را می دانی! ای که روزها و شب ها او را دگرگون نمی کنند و صداها بر او مشتبه نمی شود و زبان ها بر او پوشیده نمی ماند و پافشاریِ اصرار کنندگان، او را ملول نمی کند!

از تو می خواهم بر محمد و خاندان محمد، برگزیدگان از آفریدگان، درود فرستی.

پس بهترین درودها را بر ایشان بفرست و بر همه پیامبران و فرستادگان که هدایت تو را به مردم رساندند و با تو پیمان اطاعت بستند، و نیز بر بندگان شایسته ات درود فرست.

ای که خلاف وعده نمی کنی! آنچه را به من وعده داده ای، به انجام برسان، و یارم را برایم گرد آور، و آنان را شکیب کن، و مرا در برابر دشمنانت و دشمنان پیامبرت یاری ده، و دعایم را ناکام مگذار؛ که من بنده تو و فرزند بنده تو و فرزند کنیز تو و اسیر پیش روی تو هستم. سرور من! تو کسی هستی که این جایگاه را بر من منت نهادی و مرا به جای بسیاری از آفریدگان با آن برتری بخشیدی. از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و آنچه را به من وعده داده ای، به انجام رسانی؛ که تو راستگویی و خلاف وعده نمی کنی و تو بر هر کاری توانایی» (۱).

ص: ۱۱۵



١٠٤٩. كتاب من لا يحضره الفقيه: رُوِيَ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ أَنَّهُ قَالَ: سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعَمَرِيَّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فَقُلْتُ لَهُ: رَأَيْتَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، وَآخِرُ عَهْدِي بِهِ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَهُوَ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي».

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَأَرْضَاهُ -: وَرَأَيْتُهُ صَلَّى لَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مُتَعَلِّقًا بِأَسْتَارِ الْكَعْبَةِ فِي الْمُسْتَجَارِ (١) وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ انْتَقِمْ لِي (٢) مِنْ أَعْدَائِكَ (٣).

٤/٢: دُعَاؤُهُ حِينَ الْعُبُورِ عَنِ وَادِي السَّلَامِ

١٠٥٠. دلالات الإمامة: بهذا الإسناد (٤) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَمِيرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، يَرْفَعُهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي صِفَةِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامِ:

كَأَنَّي بِهِ قَدْ عَبَّرَ مِنْ وَادِي السَّلَامِ إِلَى مَسْجِدِ (٥) السَّهْلَةِ عَلَى فَرَسٍ مُحَجَّلٍ، لَهُ شِمْرَاخٌ (٦) يَزْهَرُ، يَدْعُو وَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ:

ص: ١١٤

١- (١) الْمُسْتَجَارُ مِنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ: هُوَ الْحَائِطُ الْمَقَابِلُ لِلْبَابِ دُونَ الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: ج ١ ص ٣٣٨ «جور»).

٢- (٢) فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ (ج ٥١ ص ٣٥١): «بِي» بَدَلَ «لِي».

٣- (٣) فِي كَمَالِ الدِّينِ: «مِنْ أَعْدَائِي» بَدَلَ «مِنْ أَعْدَائِكَ».

٤- (٤) أَيْ أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُوسَى، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ أَبِي عَلِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ.

٥- (٥) فِي الْعَدَدِ الْقَوِيهِ: «مَسِيلٌ».

٦- (٦) الشِمْرَاخُ: غَرَّةُ الْفَرَسِ إِذَا دَقَّتْ وَسَالَتْ وَجَلَّتْ الْخَيْشُومَ وَلَمْ تَبْلُغِ الْجَحْفَلَ [أَيْ الْفَمَ] (الصَّحَاحُ: ج ١ ص ٤٢٥ «شمرخ»).

۱۰۴۹. کتاب من لایحضره الفقیه - به نقل از عبد الله بن جعفر حمیری - از محمد بن عثمان عمری - خدا از او خوشنود باد - پرسیدم: صاحب این امر را دیده ای؟ گفت: آری، و آخرین بار، او را نزد خانه خدا دیدم که می فرمود: «خدایا! آنچه را به من وعده داده ای، به انجام رسان».

محمد بن عثمان - خدا از او خوشنود باد و خوشنودش کند - گفت: و او را - دروهای خدا بر او باد - دیدم که در مستجار(۱) به پرده های کعبه در آویخته و می فرماید: «خدایا! به دست من(۲) از دشمنانت(۳) انتقام بگیر».(۴)

#### ۴/۲: دعایش هنگام عبور از وادی السلام

۱۰۵۰. دلائل الإمامه: علی بن محمد که سند حدیث توصیف قائم علیه السلام را به امیر مؤمنان می رساند: گویی او را می بینم که از وادی السلام گذشته و سوار بر اسبی دست و پا سفید - که پیشانی اش می درخشد - به سوی مسجد سهله می رود و دعا می خواند و می فرماید: «بی گمان و بی تردید، خدایی جز خداوند نیست از سر باور و راستی! خدایی جز خداوند نیست از سر تعهد و بندگی! خدایی جز خداوند نیست! خدایا! ای یاور هر مؤمن تنها! ای خوارکننده هر گردنکش لجباز! آن هنگام که راه ها

ص: ۱۱۷

۱- (۱) مستجار، جایی از دیوار پشت کعبه و روبه روی در آن، اندکی قبل از رکن یمانی است که در آن جا ایستادن و خود را به کعبه چسبانیدن و دعا کردن، مستحب است.

۲- (۲) در منبع اصلی به جای «به دست من» «برای من» آمده؛ ولی ما مطابق با نسخه بحار الأنوار ترجمه کردیم.

۳- (۳) نسخه کمال الدین به جای «دشمنانت»، «دشمنانم» دارد.

۴- (۴) کتاب من لایحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۲۰ ح ۳۱۱۵، کمال الدین: ص ۴۴۰ ح ۹ و ح ۱۰، الغیبه، طوسی: ص ۲۵۱ ح ۲۲۲، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۰ ح ۲۳.

لا- إلهَ إِلَّا اللهُ حَقًّا، لا- إلهَ إِلَّا اللهُ إيماناً وصدقاً، لا إلهَ إِلَّا اللهُ تَعْبُدًا وِرْقًا، اللَّهُمَّ يا مُعِينُ (١) كُلُّ مُؤْمِنٍ وَحِيدٍ، وَمُذَلَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَذَاهِبُ، وَتَضِيْقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ.

اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي، وَكُنْتَ عَن خَلْقِي غَيِّبًا، وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِيْنَ، يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا، وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا، وَيَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ الرَّفْعِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعْزُهُ يَتَعَزَّزُونَ، يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نَيْرَ (٢) الْمَذَلِّهِ عَلَى أَعْنَاقِهَا، فَهَمَّ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي قَصَرَ عَنْهُ خَلْقُكَ (٣)، فَكُلُّ لَكَ مُدْعِنُونَ.

أَسْأَلُ لُحْمَكَ أَنْ تُصَيِّمَ لِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنْجِزَ لِي أَمْرِي، وَتُعَجِّلَ لِي الْفَرْجَ، وَتَكْفِينِي وَتُعَافِينِي، وَتَقْضِيَ حَوَائِجِي، السَّاعَةَ السَّاعَةَ، اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

٥/٢: دُعَاءُ الْحِجَابِ

١٠٥١. مهج الدعوات - في ذكر الحُجُبِ المَرْوِيَّةِ عَنِ النَّبِيِّ وَالْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - حِجَابُ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ احْبِسْنِي عَنِ عُيُونِ أَعْدَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي، وَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبِي إِلَى أَنْ تَأْذَنَ لِي فِي ظُهُورِي، وَأَحْيِي بِي مَا دَرَسَ (٤)

ص: ١١٨

١- (١) في العدد القويه: «مُعِزٌّ».

٢- (٢) النير: الخشبه المعترضه في عنق الثورين وقد يستعار للإذلال (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٨٥٣ «نير»).

٣- (٣) في العدد القويه: «فَطَرَتْ بِهِ خَلْقَكَ».

٤- (٤) دَرَسَ: عفا وخفيت آثاره (المصباح المنير: ص ١٩٢ «درس»).

مرا از پای بیندازد و زمین با همه وسعتش بر من تنگ آید، تو پناه من هستی.

خدایا! تو مرا آفریدی در حالی که از آفرینش من بی نیاز بودی و اگر یاری تو نبود، من از شکست خوردگان بودم. ای پخش کننده رحمت از جایگاه هایش و بیرون آورنده برکت ها از معادنش! و ای که خود را به قلّه والایی ها ویژه ساخته و اولیایش به عزّت او عزّت می یابند! ای که پادشاهان در برابر او یوغ ذلت بر گردنشان می نهند و از شوکت او بیمناک اند! از تو می خواهم به اسمی که آفریده هایت را با آن سرشتی، (۱) که همه در برابرت اقرار دارند.

از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد، درود فرستی و کارم را به فرجام رسانی و در فرّجم تعجیل کنی و مرا کفایت کنی و عافیت بخشی و حاجت هایم را برآورده کنی، هم اکنون، هم اکنون و امشب، امشب؛ که تو بر هر کاری توانایی». (۲)

## ۵/۲: دعا برای محفوظ ماندن

۱۰۵۱. مهج الدعوات - در ذکر حجاب هایی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام روایت شده است :-

حجاب مولایمان صاحب الزمان علیه السلام: «خدایا! مرا از چشم دشمنانم پنهان بدار و من را با اولیایم گرد هم آور و آنچه را به من وعده داده ای، به انجام رسان و مرا در روزگار غیبتم حفظ کن تا آن گاه که ظهورم را اجازه دهی و به دست من واجبات و سنّت های از یادرفته ات را زنده کن و در فرّجم تعجیل کن و خروجم را آسان ساز و از جانب خودت تسلّطی پیروزمند برایم قرار بده و گشایشی روشن برایم پیش بیاور و مرا به راهی مستقیم هدایت کن و مرا از همه آنچه از ستمکاران بیم دارم، نگاه دار.

ص: ۱۱۹

۱- (۱) طبق نقل العدد القویه ترجمه شد. ترجمه متن موجود چنین است: «به اسمی که آفریده هایت به [درک] آن نمی رسند» (م).

۲- (۲) دلائل الإمامه: ص ۴۵۸ ح ۴۳۸، العدد القویه: ص ۷۵ ح ۱۲۵ (با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۳۹۱ ح ۲۱۴.

مِن فُرُوضِكَ وَسَيِّئِكَ، وَعَجَّلَ فَرَجِي، وَسَيَّئِلَ مَخْرَجِي، وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَافْتَحْ لِي فَتْحًا مُبِينًا، وَاهْدِنِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا، وَقِنِي جَمِيعَ مَا احْذَرُهُ مِنَ الظَّالِمِينَ، وَاحْجُبْنِي عَنِ أَعْيُنِ البَاغِضِينَ، النَّاصِبِينَ العِدَاوَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَلَا يَصِلْ مِنْهُمْ إِلَيَّ أَحَدٌ بِسُوءٍ، فَمَاذَا أَذْنَتَ فِي ظُهُورِي فَأَيِّدْنِي بِجُنُودِكَ، وَاجْعَلْ مِنِّي يَتَّبِعُنِي لِنَصْرِهِ دِينِكَ (١) مَنْصُورِينَ، وَوَفَّقْنِي لِإِقَامَتِهِ حُدُودِكَ، وَانصُرْنِي عَلَى مَنْ تَعَدَّى مَحْدُودَكَ، وَانصُرِ الحَقَّ، وَأَزْهِقِ البَاطِلَ، إِنَّ البَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا، وَأُورِدْ عَلَيَّ مِنْ شِيعَتِي وَأَنْصَارِي مَنْ تَقَرَّرَ بِهِمُ العَيْنُ، وَيُشَدُّ بِهِمُ الأَرْزُ (٢)، وَاجْعَلْهُمْ فِي حِرْزِكَ وَأَمْنِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (٣).

٦/٢: دُعَاؤُهُ لِتَسْهِيلِ امُورِهِ الْمُتَضَايِقَةِ

١٠٥٢. قصص الأنبياء للراوندي: ومن دُعائه: (٤)

يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الأمُورُ فَتَحَ لَنَا [لَهَا] بَابًا لَمْ تَذْهَبْ إِلَيْهِ الأَوْهَامُ، فَصَلِّ [صَلِّ] عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِأَمُورِي الْمُتَضَايِقَةِ بَابًا لَمْ يَذْهَبْ إِلَيْهِ وَهْمٌ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ص: ١٢٠

- ١- (١) وزاد في بحار الأنوار عن مهج الدعوات و المصباح: «مُؤَيِّدِينَ، وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ، وَعَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَأَرَادَهُمْ بِسُوءٍ».
- ٢- (٢) الأرز: الظهر والقوه (لسان العرب: ج ٤ ص ١٨ «أرز»).
- ٣- (٣) قال المؤلف بعد ذكر الحجب: «وهذه الحجب مما الهمنا أيضاً تلاوتها يوم أحاطت المياه والغرق، وصعبت السلامه بكثره المياه وزادت على إحاطتها بهدم مواضع دخل بها ماء الزيادات، وأمكن المقام بإجابه الدعوات و دفع تلك المحذورات، سلامتنا من الدخول في تلك الحادثات والحمد لله».
- ٤- (٤) قال السيد آيه الله موسى الشيبيري الزنجاني دامت بركاته: نُقِلَ بطرق عديده عن السيد مرتضى الكشميري أنه نقل الدعاء المذكور عن الإمام الحجة عج وفي نقله: «فتح لها»، بدل «فتح لنا» و «صلِّ» بدل «فصل».

و مرا از دیده کینه توزان - که پرچم دشمنی با خاندان پیامبر را برافراشته اند - پنهان بدار تا هیچ یک از آنان نتوانند آسیبی به من برسانند و چون اجازه ظهورم را دادی، مرا با لشکریانت استوار بدار و کسانی را که برای یاری دینت، در پی من آمده اند،<sup>(۱)</sup> یاری بده، و مرا به برپا کردن حدودت موفق بدار، و مرا بر کسی که از مرزهای معین شده تو در گذشته است، پیروز کن، و حق را یاری ده و باطل را از میان ببر که باطل رفتنی است، و از پیروان و یاورانم کسانی را بر من وارد کن که چشم به آنها روشن و پشت به آنها محکم می شود و آنان را در حرز و حفظ و امان خودت قرار بده، به رحمت، ای رحیم ترین رحیمان!<sup>(۲)</sup>.<sup>(۳)</sup>

## ۶/۲: دعایش برای آسان شدن کارهای سخت او

۱۰۵۲. قصص الأنبياء، رواندی: از دعای امام علیه السلام: <sup>(۴)</sup>ای که چون کارها به تنگنا می افتد، دری به روی ما می گشایی که به خیال کسی هم نرسیده است! بر محمد و خاندان محمد

ص: ۱۲۱

۱- (۱) در بحار الأنوار به نقل از مهج الدعوات و المصباح کفعمی این اضافه آمده است: «مویّد بدار، و در راه تو جهاد می کنند، و در برابر کسانی که اراده بدی به من و ایشان دارند».

۲- (۲) نویسنده پس از ذکر حرزها گفته است: این حرزها از جمله الهامات به ما است. خواننده شوند در روزی که امواج آب ها و غرق شدن، همه را احاطه کرده باشد، و سالم ماندن، به خاطر زیادی آب ها، و تسلط آب ها با نبودن جاهایی که آب به آنها نفوذ کرده، زیاد شده، و ایستادگی با اجابت دعاها و برطرف شدن این مشکلات، ما را از ورود به رخدادها [ی تلخ] در امان نگه دارد و ممکن کند. سپاس از آن خداست. در مصباح کفعمی آمده است: «کسانی که در یاری دین تو مرا تبعیت می کنند، و در راه تو جهاد کنند، مورد تأیید قرار بده، و بر کسانی که قصد سوء به من و آنها دارند، یاری شده قرارمان بده». این فراز پس از فراز «برای یاری دین تو» آمده است.

۳- (۳) مهج الدعوات: ص ۳۶۰، المصباح، کفعمی: ص ۲۹۶، بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۳۷۸.

۴- (۴) آیه الله سید موسی شبیری زنجانی - برکات وجودش مدام باد - گفته است: از سید مرتضی کشمیری، از طریق های متعدد نقل شده که او دعای یاد شده را از امام حجّت - عجل الله تعالی فرجه - نقل کرده است، در نقل ایشان گشایش را متعلق به تنگناها و نه ما داشته است.

١٠٥٣. مهج الدعوات: حِرْزٌ لِمَوْلَانَا الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا مَالِكَ الرُّقَابِ، وَيَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ، يَا مُفْتَحَ الْأَبْوَابِ، يَا مُسَيَّبَ الْأَسْبَابِ، سَيِّبْ لَنَا سَيِّبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلْبًا، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ.

ص: ١٢٢

درود فرست و برای کارهای به تنگنافتاده ام، دری بگشای که به خیال کسی هم نرسیده است. ای رحیم ترین رحیمان!» (۱).

۱۰۵۳. مهج الدعوات: حرز مولایمان قائم علیه السلام: «به نام خداوند گسترده مهر مهربان. ای مالک مردم! ای شکست دهنده حزب ها! ای گشاینده درها! ای فراهم آورنده سبب ها! برای ما سببی فراهم کن که نیازی به پیجویی و طلب نداشته باشیم. به حقّ خدای بی همتایی که خدایی جز او نیست و به حقّ محمد که پیامبر خداست، خداوند بر او و بر همه خاندانش درود فرستد!» (۲).

ص: ۱۲۳

---

۱- (۱) قصص الأنبياء، راوندی: ص ۳۶۵ ح ۴۳۷.

۲- (۲) مهج الدعوات: ص ۶۴، المصباح، کفعمی: ص ۴۰۷، بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۳۶۵ ح ۱.



## الفصل الثالث: الدُّعاءُ لِلإمامِ المَهديِّ في الأعيادِ

١/٣: الدُّعاءُ لَهُ في الأعيادِ الأربَعِ

دُّعاءُ النُّدْبِ

١٠٥٤. المزار الكبير: الدُّعاءُ لِلنُّدْبِ. قالَ مُحَمَّدُ بْنُ [عَلِيِّ بْنِ] أَبِي قُرَّةَ: نَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُفْيَانَ الْبَرْوفَرِيِّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ هَذَا الدُّعاءُ، وَذَكَرَ فِيهِ أَنَّهُ الدُّعاءُ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَعَجَّلَ فَرَجَهُ وَفَرَجْنَا بِهِ، وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يُدْعَى بِهِ فِي الأعيادِ الأربَعِ (١):

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ؛ إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُتَقِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا اضمِحلالَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي زَخَارِفِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدَّيَّيَةِ (٢).

ص: ١٢٤

١- (١) وقال في الإقبال: «دعاء آخر بعد صلاة العيد ويدعى به في الأعياد الأربعة».

٢- (٢) الدننئ: الضعيف الخسيس (لسان العرب: ج ١٤ ص ٢٧٤ «دنا»).

اشاره

۱/۳: دعا برای امام در عیدهای چهارگانه «دعای ندبه» (۱)

۱۰۵۴. المزار الکبیر - به نقل از محمد بن علی بن ابی قرّه -: این دعا را از کتاب ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری - خدا از او راضی باد - نقل کرده ام. او در آن کتاب نوشته است که این دعا برای صاحب الزمان - دروهای خدا بر ایشان باد و خداوند در فرجش که فرج ما نیز هست، تعجیل فرماید - است و مستحب است که این دعا را در چهار عید [فطر، قربان، غدیر و روز جمعه] بخوانند: (۲)

«خدا را سپاس، که پروردگار جهانیان است و درود خداوند بر سرور ما، محمد که پیامبر اوست و سلام فراوان خدا بر او باد! خداوند! تو را سپاس بر آنچه تقدیر تو در باره دوستانت جاری شده است؛ آنان که ایشان را برای خودت و آیینت، خالص ساخته ای؛ چرا که برای آنان نعمت فراوانی را که پیش توست، برگزیدی؛ نعمتی همیشگی که آن را زوال و نابودی

ص: ۱۲۵

۱- (۱) ترجمه این دعا از ترجمه جناب آقای جواد محدثی در کتاب ماه خدا برگرفته شده، و با اصلاحات متنی و نسخه ای جناب آقای رسول افقی، به این شکل عرضه شده است.

۲- (۲) در الإقبال گفته است: دعایی دیگر که پس از نماز عید خوانده می شود، و در عیدهای چهارگانه هم خوانده می شود.

وزبرجها(١)، فشرطوا لَمَكَ ذَلِكَ، وَعَلِمَتْ مِنْهُمْ الْوَفَاءَ بِهِ، فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ وَالنَّسَاءَ الْجَلِيَّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَجْهِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ(٢) بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرَائِعَ(٣) إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ.

فَبَعْضُ أَسْكَنتَهُ جَنَّتِكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضُ حَمَلْتَهُ فِي فُلِكَكَ، وَنَجَّيْتَهُ وَمِنْ آمِنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضُ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلاً، وَسَأَلْتَكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ، فَأَجَبْتَهُ وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا، وَبَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرِهِ تَكْلِيمًا، وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ رِداءً(٤) وَوَزِيرًا، وَبَعْضُ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ أَبِي، وَأَتَيْتَهُ الْبَيْنَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ.

وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَاجًا، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ، مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ؛ إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ، وَلِئَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ، وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ: لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنذِرًا، [وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا](٥)، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى(٦).

إِلَى أَنْ انْتَهَيْتَ بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَكَانَ كَمَا انْتَجَبْتَهُ، سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ، وَصَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مِنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ

ص: ١٢٦

١- (١) فِي الْمَصَادِرِ الْآخَرَى: «... فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّيَّةِ وَزُخْرُفِهَا وَزِبْرَجِهَا». وَالزُّبْرُجُ: الزَّيْنَةُ وَالذَّهَبُ (النَّهَائِيَّة: ج ٢ ص ٢٩٤ «زبرج»).

٢- (٢) رَفَدْتَهُ: إِذَا أَعْنَتَهُ (النَّهَائِيَّة: ج ٢ ص ٢٤١ «رَفَد»).

٣- (٣) فِي الْإِقْبَالِ: «الذَّرِيعَةُ». وَالذَّرَائِعُ: جَمْعُ ذَرِيعَةٍ؛ وَهِيَ الْوَسِيلَةُ (الصَّحَاحُ: ج ٣ ص ١٢١١ «ذرع»).

٤- (٤) الرِّدَاءُ: الْعَوْنُ وَالنَّاصِرُ (النَّهَائِيَّة: ج ٢ ص ٢١٢ «ردأ»).

٥- (٥) أَثْبَتْنَاهُ مِنَ الْمَصَادِرِ الْآخَرَى.

٦- (٦) تَضْمِينٌ لِلآيَةِ ١٣٤ مِنْ سُورَةِ طه.

نیست، پس از آن که پارسایی در این دنیای پست و [نیز] زرق و برق آن را بر آنان شرط کردی. آنان نیز این شرط را گردن نهادند. و تو وفای آنان را به این شرط دانستی. پس آنان را پذیرفتی و مقرب داشتی و از پیش، بر ایشان نام بلند و ستایش آشکار روا داشتی و فرشتگان را بر آنان فرو فرستادی و با وحی خویش، آنان را گرامی داشتی و با علم خود، از آنان پذیرایی کردی و آنان را راهی به آستان و وسیله ای به رضوانت قرار دادی.

آن گاه یکی از آنان را در بهشت خود جای دادی، تا آن که از آن برون آوردی.

یکی را بر کشتی خود سوار کردی و با رحمت خویش، او و مؤمنان همراهش را از هلاکت رهانیدی. یکی را دوست خودت قرار دادی و از تو در میان آیندگان، آوازه نیکو خواست. پس پذیرفتی و آن را والا قرار دادی. و با یکی از طریق درخت، سخن گفتی و برادرش را یاور و وزیرش ساختی. یکی را نیز بدون داشتن پدر به دنیا آوردی و به او نشانه های روشن دادی و با روح القدس تأییدش کردی. و برای هر یک آیینی مقرر داشتی و راه و روشی گشودی و جانشینانی برگزیدی که یکی پس از دیگری و از زمانی تا زمان دیگر، نگهبان دین باشند، تا دینت بر پا ماند و حجتی روشن بر بندگانت باشند و برای آن که حق، از جایگاهش پس رانده نشود و باطل، بر اهل حق چیره نگردد، و تا کسی نگوید: چرا به سوی ما پیامبری بیم دهنده نفرستادی و نشانه هدایتگری بر نیفراشتی تا پیش از آن که خوار و فرومایه شویم، از نشانه های تو پیروی کنیم؟! (۱)

تا آن که کار را به حبیب و برگزیده ات محمد صلی الله علیه و آله سپردی و او همان گونه که وی را برگزیده بودی، سرور آفریدگانت و برگزیده برگزیدگان و برترین انتخاب شدگانت

ص: ۱۲۷

وَمَغَارِبِكُمْ، وَسَخَّرتْ لَهٗ الثُّرَاقِ (١)، وَعَرَجتْ بِهِ (٢) إِلَى سَمَائِكُمْ، وَأَوَدَعتهٗ عِلْمَ [مَا كَانَ وَ] (٣) مَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكُمْ.

ثُمَّ نَصِرتهٗ بِالرُّعْبِ، وَحَفَفتهٗ بِجَبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ (٤) مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَوَعَدتهٗ أَنْ تُظَهَرَ دِينُهُ (٥) عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (٦)، وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأتهٗ مُبَوَّأً صَادِقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلتْ لَهُ وَلَهُمْ «أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَيْتِكَ مَبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ \* فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» ٧، وَقُلتْ: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُم تَطْهِيرًا» ٨.

ثُمَّ جَعَلتْ أَجْرَ مُحَمَّدٍ صَلَّى لَمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلتْ: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» ٩، وَقُلتْ: «مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» ١٠، وَقُلتْ: (٧) «مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا» (٨)،

ص: ١٢٨

١- (١) الثُّرَاقِ: وهى الدابَّة التى ركبها رسول الله صلى الله عليه و آله ليله الإسراء، سُمى بذلك لنسوع لونه وشده بريقه (النهاية: ج ١ ص ١٢٠ «برق»).

٢- (٢) فى المصادر الأخرى: «عَرَجتْ بِرُوحِهِ».

٣- (٣) أثبتناه من المصادر الأخرى.

٤- (٤) مسوِّمين: أى مُعَلِّمين أنفسهم أو خيلهم بعلامه يعرفون بها فى الحرب (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٩١١ «سوم»).

٥- (٥) فى المصدر: «تظهره»، وما فى المتن أثبتناه من المصادر الأخرى.

٦- (٦) تضمين للآية ٣٣ من سورة التوبة، والآية ٩ فى سورة الصف.

٧- (٧) لم ترد هنا الآيتان الأوَّلتان فى المصدر وأثبتناهما من المصادر الأخرى.

٨- (٨) الفرقان: ٥٧.

بود و گرامی ترین کسی که بر او اعتماد کردی. او را بر پیامبرانت مقدم داشتی و وی را به سوی بندگانت (از جن و انس) برانگیختی و خاور و باختر زمین را زیر پایش قرار دادی و بُراق (۱) را مسخر او ساختی و او را به آسمان بالا بردی (۲) و دانش گذشته و آینده تا پایان آفرینش را نزد او به امانت نهادی.

سپس او را با افکندن بیم و هراس [در دل دشمنان] یاری کردی و با جبرئیل و میکائیل و فرشتگانِ نشاندار خود، او را احاطه کردی و به او وعده دادی که دین او را بر همه دین ها غالب سازی، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند. و این، پس از آن بود که او را در جایگاه صدق و راستی خاندانش برنشاندی و برای او و خاندانش «نخستین خانه ای که مایه برکت و هدایت برای جهانیان بود، در مکه قرار دادی؛ خانه ای که در آن، نشانه هایی روشن، همچون مقام ابراهیم است و هر که در آن خانه درآید، در امان باشد» و فرمودی: «همانا خداوند خواسته است که پلیدی را از شما خاندان ببرد و شما را کاملاً پاک کند».

سپس در کتاب خودت، پاداش محمد صلی الله علیه و آله را مهرورزی با آن خاندان قرار دادی و فرمودی: «بگو: هیچ پاداشی برای این رسالت از شما نمی خواهم، مگر مهرورزی با خویشاوندانم» و فرمودی: «هر پاداشی هم که از شما خواستم، به سود خودتان است» و فرمودی: «بر آن رسالت، پاداشی از شما نمی خواهم، مگر آن کس که بخواهد راهی به سوی پروردگارش بجوید» و آنان، راه رسیدن به تو و طریق دست یافتن به رضای تو بودند.

پس، پیامبر صلی الله علیه و آله چون دوران سپری گشت، جانشین خود علی بن ابی طالب علیه السلام را به عنوان راه نما برگماشت؛ چرا که او بیم دهنده بود و هر قومی را هدایتگری است.

پس در حالی که گروه مردم [در غدیر خم] در برابرش بودند، فرمود: "هر که من

ص: ۱۲۹

---

۱- (۱) بُراق، نام مرکبی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شب معراج بر آن سوار شد. به خاطر درخشندگی و بُراق بودنش، چنین نامیده شد (ر. ک: النهایه: ج ۱ ص ۱۲۰).

۲- (۲) در منابع دیگر چنین آمده است: «و روح او را به آسمان بالا بردی».

فَكَانُوا هُمْ السَّبِيلَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى رِضْوَانِكَ.

فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَيِّمًا لَمَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرُ، وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذَلْ مَنْ خَذَلَهُ». وَقَالَ:

«مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ (١) فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ»، وَقَالَ: «أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرِهِ وَاحِدِهِ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرِ شَتِيَّ».

وَأَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ: «أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي».

وَرَوَّجَهُ ابْنَتُهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَأَحَلَّ لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ، ثُمَّ أَوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ، فَقَالَ: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا».

ثُمَّ قَالَ: «أَنْتَ أُخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي، لَحْمِيكَ مِنْ لَحْمِي، وَدَمُّكَ مِنْ دَمِي، وَسِلْمُكَ سِلْمِي، وَحَرْبُكَ حَرْبِي، وَالْإِيمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِيكَ وَدَمِيكَ، كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِي، وَأَنْتَ عَدَاؤُ عَلِيٍّ عَلَى الْحَوْضِ مَعِي وَأَنْتَ خَلِيفَتِي، وَأَنْتَ تَقْضِي دِينِي وَتُنْجِزُ عِدَاتِي (٢)، وَشِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبَيِّضَةٍ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ، وَهُمْ جِيرَانِي، وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي».

وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَنُورًا مِنَ الْعَمَى، وَحَبْلًا لِلَّهِ الْمَتِينِ، وَصِرَاطًا لِلْمُسْتَقِيمِ. لَا يُسَبِّقُ بِقَرَابَةِ فِي رَحِمٍ، وَلَا بِسَابِقِهِ فِي دِينٍ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبِهِ مِنْ

ص: ١٣٠

١- (١) فِي الْمَصْدَرِ: «وَلِيُّهُ»، وَمَا فِي الْمَتْنِ أَثْبَتَاهُ مِنَ الْمَصَادِرِ الْأُخْرَى.

٢- (٢) الْعِدَّةُ: الْوَعْدُ، وَيُجْمَعُ عَلَى عِدَاتٍ (الصَّحَاحُ: ج ٢ ص ٥٥١ «وَعْدٌ»).

سرپرست او هستم، علی سرپرست اوست. خداوند! با دوستدارش دوستی و با دشمنش دشمنی کن و هر که یاری اش می کند، یاورش باش و هر که خوارش می کند، خوارش کن!"

و فرمود: "هر که من پیامبرش هستم، علی امیر و فرمانده اوست" و فرمود: "من و علی از یک درختیم و مردم دیگر، از درختانی پراکنده اند" و او را نسبت به خود، جایگاهی بخشید که هارون نسبت به موسی داشت و به او فرمود: "تو نسبت به من، به منزله هارون به موسی هستی، جز آن که پس از من، پیامبری نیست".

و دخترش را که سَرور زنان جهان است، به همسری او درآورد و از مسجد خود، آنچه بر خودش حلال بود، بر علی هم حلال ساخت و همه درها را بست، مگر در او را. سپس دانش و حکمت خود را نزد علی به ودیعت نهاد و فرمود: "من، شهر علمم و علی، در آن است. پس، هر کس خواستار حکمت باشد، باید از در آن درآید".

سپس فرمود: "تو، برادر و وصی و وارث منی. گوشت تو از گوشت من، و خون تو از خون من است و صلح با تو، صلح با من است و جنگ کردن با تو، جنگ کردن با من است. ایمان، با گوشت و خونت آمیخته است، آن گونه که با گوشت و خون من در آمیخته است و تو فردا [ی قیامت] کنار حوض [کوثر]، جانشین منی و تویی که بدهی مرا ادا می کنی و وعده هایم را به انجام می رسانی، و پیروان تو بر منبرهایی از نورند، با چهره هایی سفید که در بهشت، اطراف من و همسایگان من اند. ای علی! اگر تو نبودی، پس از من، مؤمنان باز شناخته نمی شدند".

و علی علیه السلام پس از پیامبر، روشنگری از گم راهی، و فروغ [هدایت] در کوری [ضلالت]، و ریسمان استوار خدا، و راه راست پروردگار بود. نه کسی در



مَنَاقِبِهِ، يَحْدُو حَذْوَ الرَّسُولِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا - وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ.

قَدْ وَتَرَ (١) فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ (٢)، وَقَتَلَ أَبْطَالَهُمْ، وَنَاهَشَ ذُؤَابَانَهُمْ (٣)، وَأَوْدَعَ (٤) قُلُوبَهُمْ أَحْقَاداً بَدْرِيَّةً وَخَيْرِيَّةً وَحُنَيْيَّةً وَغَيْرَهُنَّ، فَأَضَبَّتْ (٥) عَلَى عَدَاوَتِهِ، وَأَكْبَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ، حَتَّى قَتَلَ التَّاكِيْنَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ (٦).

وَلَمَّا فَضَى نَجْبَهُ وَقَتَلَهُ أَشَقَى الْآخِرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ، لَمْ يُمْتَثِلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةَ مُصْرَّةً عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمَعَةً (٧) عَلَى قَطِيعِهِ رَحِمِهِ وَإِقْصَاءِ وُلْدِهِ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفَى لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ.

فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَأَقْصَى مَنْ أَقْصَى، وَجَزَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يورثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (٨)، وَسُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لِمَفْعُولًا (٩)، وَلَنْ يُخْلِفَ

ص: ١٣٢

١- (١) وَتَوَتْ الرَّجُلُ: إِذَا قَتَلَتْ لَهُ قَتِيلًا (لسان العرب: ج ٥ ص ٢٧٤ «وتر»).

٢- (٢) صَنَادِيدُ الْعَرَبِ: أَشْرَافُهُمْ وَعِظْمَاؤُهُمْ وَرُؤَسَاؤُهُمْ (انظر: النهاية: ج ٣ ص ٥٥ «صند»).

٣- (٣) قَالَ الْعَلَامَةُ الْمَجْلِسِيُّ قَدَسَ سِرُّهُ: قَوْلُهُ: «نَاهَشَ ذُؤَابَانَهُمْ» فِي بَعْضِ النُّسخِ: «نَاوَشَ»، يُقَالُ: نَهَشَهُ، أَي عَضَّهُ أَوْ أَخَذَهُ بِأَضْرَاسِهِ. وَالْمَنَاوَشَةُ: الْمَنَاوَلَةُ فِي الْقِتَالِ. وَذُؤَابَانُ الْعَرَبِ: صَعَالِيكُهُمْ وَلِصُوصِهِمْ (بحار الأنوار: ج ١٠٢ ص ١٢٣).

٤- (٤) فِي بَعْضِ نُسَخِ الْمَصْدَرِ وَبِحَارِ الْأَنْوَارِ: «فَأَوْدَعَ».

٥- (٥) أَضَبَّوْا عَلَيْهِ: أَي أَكْثَرُوا. يُقَالُ: أَضَبَّوْا؛ إِذَا تَكَلَّمُوا مُتَتَابِعًا، وَإِذَا نَهَضُوا فِي الْأَمْرِ جَمِيعًا (النهاية: ج ٣ ص ٧٠ «ضب»).

٦- (٦) النَّاكَثُونَ: أَهْلُ الْجَمَلِ؛ لِأَنَّهُمْ نَكَثُوا الْبَيْعَةَ؛ أَي نَقَضُوهَا. وَالْقَاسِطُونَ: أَهْلُ صَفِينٍ؛ لِأَنَّهُمْ جَارُوا فِي حَكْمِهِمْ وَبَغَوْا عَلَيْهِمْ. وَالْمَارِقُونَ: الْخَوَارِجُ؛ لِأَنَّهُمْ مَرَقُوا مِنَ الدِّينِ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٨٣٠ «نكث»).

٧- (٧) فِي الْمَصْدَرِ: «مَجْمَعُهُ»، وَمَا فِي الْمَتْنِ أَثْبَتَاهُ مِنَ الْمَصَادِرِ الْآخَرَى.

٨- (٨) تَضْمِينٌ لِلآيَةِ ١٢٨ مِنْ سُورَةِ الْأَعْرَافِ.

٩- (٩) تَضْمِينٌ لِلآيَةِ ١٠٨ مِنْ سُورَةِ الْإِسْرَاءِ.

خویشاوندی و سابقه در دین، از او پیش تر بود و نه کسی در منقبت، به او می رسید.

او گام در قدمگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می نهاد [و راه او را می رفت] و در راه تأویل قرآن، می جنگید و در راه خدا از ملامت هیچ ملامتگری بیم نداشت.

در راه خدا، خون سران عرب را ریخت و دلاورانشان را کشت و گرگ های آنان را از هم درید و در دل هایشان کینه هایی از بدر و خبیر و حنین و جز آنها بر جای نهاد. آن گروه نیز بر دشمنی با او همدست شدند و به جنگ با او روی آوردند، تا آن که او با عهدشکنان [در جنگ جمل] و ستمگران [در صفین] و بیرون روندگان از دین (نهروانیان) جنگید و آنان را کشت.

و چون روزگارش سر آمد و شقی ترین مردم - که از نگون بخت ترین پیشینیان، پیروی می کرد - او را به شهادت رساند، فرمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در باره هدایتگران، یکی پس از دیگری، اطاعت نشد و امت، بر دشمنی با او و همدستی بر قطع رَحِم پیامبر صلی الله علیه و آله و دور ساختن فرزندانش اصرار داشتند، مگر اندکی که به رعایت حق پیامبر صلی الله علیه و آله در باره آنان، وفا کردند.

پس شماری کشته شدند، شماری به اسارت رفتند، و شماری، از وطن خویش تبعید شدند، و قلم تقدیر الهی بر آنان جاری شد، آن گونه که امید پاداش نیکو از آن رَوَد؛ که زمین، از آن خداوند است و به هر کس از بندگانش که بخواهد، به میراث می دهد و سرانجام، از آن تقوایندگان است و پروردگار ما، منزّه است. همانا وعده پروردگارمان شدنی است و خداوند، وعده اش را خلاف نخواهد کرد و او ارجمند و حکیم است.

اللَّهُ وَعَدَهُ (١)، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى - صَيَّمَى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا - فَلَيْبِكِ الْبَاكُونَ، وَإِيَاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ فَلْيَتَدَرَّ الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ الصَّارِحُونَ وَيَصْجِحِ الصَّاجِحُونَ وَيَعْجَجِ الْعَاجِحُونَ.

أَيْنَ الْحَسَنُ؟ أَيْنَ الْحُسَيْنُ؟ أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ؟ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ؟ أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ؟ أَيْنَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ؟ أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ؟ أَيْنَ الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ؟ أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ؟

أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ؟ أَيْنَ الْمُعِيدُ لِقَطْعِ دَائِرِ الظُّلْمَةِ؟ أَيْنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ (٢) وَالْعَوَجِ؟ أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعِيدُونِ؟ أَيْنَ الْمِدْخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ؟ أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِإِعَادَةِ الْمَلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ؟ أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ؟ أَيْنَ مُحْيَى مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ؟ أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكِهِ الْمُعْتَدِينَ؟ أَيْنَ هَادِمُ أَبِيهِ الشَّرِكِ وَالنَّفَاقِ؟ أَيْنَ مُبِيدُ أَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ؟ أَيْنَ حَاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشَّقَاقِ؟ أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ؟ أَيْنَ قَاطِعُ حَبَائِلِ الْكِبَادِ وَالْإِفْتِرَاءِ؟ أَيْنَ مُبِيدُ الْعِتَاهِ (٣) وَالْمَرَدَةِ؟ [أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ؟] (٤) أَيْنَ مُعَزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ؟ أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى؟

أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُوتَى؟ أَيْنَ وَجْهُ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؟ أَيْنَ السَّبَبُ

ص: ١٣٤

١- (١) تضمين للآية ٤٧ من سورة الحج.

٢- (٢) الأمت: الانخفاض والارتفاع والاختلاف في الشيء (لسان العرب: ج ٢ ص ٥ «أمت»).

٣- (٣) في المصدر: «أين مبيد أهل العناد والمردة»، وما في المتن أثبتناه من المصادر الأخرى.

٤- (٤) سقط ما بين المعقوفين من المصدر وأثبتناه من المصادر الأخرى.

پس، گریه کنندگان، بر پاکانِ خاندانِ محمّد و علی - که درود خدا بر آن دو و خاندانشان باد - بگریند و ناله کنندگان، بر آنان ناله کنند و برای چونان آنان، اشک ها ریخته شود و فریادزنان و ضجّه زنان و شیون کنان، بر آنان فریاد و ضجّه بزنند و شیون کنند که: حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجایند؟ شایسته ای پس از شایسته و راستگویی پس از راستگو؟ کجاست راهِ پس از راه؟ کجایند برگزیدگانِ پس از برگزیدگان؟ کجایند خورشیدهای فروزان؟ کجایند ماه های تابان؟ کجایند ستارگان درخشان؟ کجایند نشانه های دین و پایگاه های دانش؟

کجاست آن "بقیّه اللّٰه (یادگار خدا)" که از عترت هدایتگر بیرون نیست؟ کجاست آن مهیّاگشته برای ریشه کن کردن ستمگران؟ کجاست آن که انتظار می رود اختلاف ها و کجی ها را اصلاح کند؟ کجاست آن که امید است ستم و تجاوز را از بین ببرد؟ کجاست آن که برای بازسازی واجبات و مستحبات، ذخیره شده است؟ کجاست آن برگزیده برای باز گرداندن آیین و احکام خدا؟ کجاست آن که امید بسته ایم قرآن و حدود آن را زنده سازد؟ کجاست احیاگر نشانه های دین و دینداران؟ کجاست در هم کوبنده شوکت تجاوزکاران؟ کجاست ویران کننده بنیان های شرک و نفاق؟ کجاست ریشه کن کننده فاسقان و گنهکاران و طغیانگران؟ کجاست دروکننده شاخ و برگ گم راهی و تفرقه؟ کجاست نابودکننده نشانه های کژروی و هواپرستی؟ کجاست قطع کننده رشته های دروغ و افترا؟ کجاست از بین برنده عاصیان و سرکشان؟ کجاست ریشه کن کننده عنادگران، گم راه کنندگان و ملحدان؟ کجاست عزّت بخشِ دوستان و خوارکننده دشمنان؟ کجاست وحدت آفرین بر محور تقوا؟

کجاست آن در خدا که از آن وارد می شوند؟ کجاست آن چهره خدا که اولیا به آن روی می آورند؟ کجاست آن وسیله پیوند زمین و آسمان؟ کجاست صاحب روز پیروزی و برافرازنده پرچم هدایت؟ کجاست آن الفت بخش پریشانی ها و

الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ؟ أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِئُ رَأْيِهِ الْهُدَى؟ أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا؟ أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ؟ أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ؟ أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى؟ أَيْنَ الْمُضْطَّرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا؟ أَيْنَ صِدْرُ الْخَلَائِفِ (١) ذُو الْبِرِّ وَالْتَقْوَى؟ أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، وَابْنُ خَدِيجَةَ الْغُرَاءِ، وَابْنُ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى؟

يَا بِي أَنْتَ وَأُمِّي، وَنَفْسِي لِمَكَ الْوَقَاءِ وَالْحِمَى، يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا ابْنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، يَا ابْنَ الْخَيْرِ الْمُهْدِيِّينَ، يَا ابْنَ الْغَطَارِفِ (٢) الْأَنْجَبِينَ، يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، يَا ابْنَ الْخَضَارِمِ (٣) الْمُتَّجِبِينَ، يَا ابْنَ الْقِمَاقِمِ (٤) الْأَكْرَمِينَ، يَا ابْنَ الْبِيدُورِ الْمُنِيرِ، يَا ابْنَ الشُّرُجِ الْمُضِيئِ، يَا ابْنَ الشُّهْبِ الثَّاقِبِ، يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرِ، يَا ابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحِ، يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحِ، يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلِ، يَا ابْنَ الشُّنَنِ الْمَشْهُورِ، يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورِ، يَا ابْنَ الْمَعْجَزَاتِ الْمَوْجُودِ، يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الْمَشْهُودِ، يَا ابْنَ الصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا ابْنَ النَّبَأِ الْعَظِيمِ، يَا ابْنَ مَنْ هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ.

يَا ابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ، يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَا ابْنَ الْبِرَاهِينِ الْبَاهِرَاتِ، يَا ابْنَ الْحُجُجِ الْبَالِغَاتِ، يَا ابْنَ النَّعْمِ السَّابِغَاتِ، يَا ابْنَ طَهِّ وَالْمُحْكَمَاتِ، يَا ابْنَ يَسِّ وَالذَّارِيَاتِ، يَا ابْنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ، يَا ابْنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى.

ص: ١٣٦

١- (١) فِي الْإِقْبَالِ: «الْخَلَائِقُ» بِدَلِ «الْخَلَائِفِ».

٢- (٢) الْغَطَارِفُ: جَمْعُ الْغَطْرِيفِ؛ وَهُوَ السَّيِّدُ الشَّرِيفُ وَالسَّخِيُّ السَّرِيُّ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ: ج ٣ ص ١٨١ «غَطْرِيفُ»).

٣- (٣) الْخَضْرِمُ: الْجَوَادُ الْكَثِيرُ الْعَطِيَّةُ (لِسَانُ الْعَرَبِ: ج ١٢ ص ١٨٤ «خَضْرِمُ»).

٤- (٤) الْقِمَاقِمُ: السَّيِّدُ (النِّهَايَةُ: ج ٤ ص ١١٠ «قِمَاقِمُ»).

کجاست آن جویای خونخواهی پیامبران؟ کجاست آن خونخواه کشته دشت کربلا؟ کجاست آن یاری شده الهی بر ضد هر که بر او ستم کند و افترا بنهد؟ کجاست آن ناچاری که چون دعا کند، اجابت شود؟

کجاست آن سرسلسله جنبان جانشینان، (۱) که نیکوکار و باتقواست؟ کجاست فرزند پیامبر برگزیده؟ کجاست پسر علی مرتضی و پسر خدیجه کبرا و فرزند فاطمه زهرا؟

پدر و مادرم به فدایت و جانم سپر و حامی تو باشد، ای پسر سروران مقرب! ای پسر برگزیدگان گرامی تر! ای پسر هدایتگران هدایت شده! ای پسر برگزیدگان وارسته! ای پسر سروران برگزیده! ای پسر پاکان پاکیزه! ای پسر بخشندگان انتخاب شده! ای پسر سالاران و سروران بزرگ! ای پسر ماه های تابان! ای پسر چراغ های فروزان! ای پسر شهاب های درخشان! ای پسر ستارگان نورافشان! ای پسر راه های روشن! ای پسر نشان های آشکار! ای پسر دانش های کامل! ای پسر سنت های پرآوازه! ای پسر نشانه های هویدا! ای پسر معجزه های موجود! ای پسر دلیل های آشکار! ای پسر راه راست! ای پسر خبر بزرگ! ای پسر آن که نزد خدا در ام الكتاب والا- و فرزانه است! ای پسر آیات و بینات! ای پسر دلیل های ظاهر! ای پسر برهان های درخشان! ای پسر حجت های رسا! ای پسر نعمت های سرشار! ای پسر طاها و آیات محکمت! ای پسر یاسین و ذاریات! ای پسر طور و عادیات! ای پسر آن که [به خدا] نزدیک شد و نزدیک شد تا آن که به اندازه دو کمان مانده به قرب خدای والای برتر رسید!

کاش می دانستم در کدام سو و ناحیه جا گرفته ای؟ بلکه در کدام سرزمین و

ص: ۱۳۷

---

۱- (۱) در الإقبال چنین است: «کجاست آن سرگل آفریدگان».

لَيْتَ شِعْرِي، أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى (١)؟ بَلْ أَىْ أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ ثَرَى؟ أِبْرَضَوَى (٢)، أَوْ غَيْرِهَا، أَمْ ذَى طُوَى (٣)؟ عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَأَنْتَ لَا تُرَى، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيساً وَلَا نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونَى الْبَلْوَى، وَلَا يَنَالَكَ مِنِّى ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوَى.

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ أَمِيئُهُ شَائِقٍ يَتَمَنَّى، مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنِهِ ذَكَرًا فَحَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ (٤) عَزٌّ لَا- يُسَامَى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ (٥) مَجْدٍ لَا يُجَازَى (٦)، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ (٧) نَعَمٍ لَا تُضَاهَى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوَى.

إِلَى مَتَى أَحَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَاىَ وَإِلَى مَتَى؟ وَأَىْ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَأَىْ نَجْوَى؟ عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأُنَاغَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرَى عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى!

هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ؟ هَلْ مِنْ جَزْوَعٍ فَأَسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا؟ هَلْ قَدَيْتَ (٨) عَيْنٌ فَسَاعَدَتَهَا عَيْنَى عَلَى الْقَدَى؟ هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ

ص: ١٣٨

- ١- (١) النَّوَى: الوجه الذى يذهب فيه، والبعد، والدار، والتحول من مكان إلى آخر (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٣٩٧ «نوى»).
- ٢- (٢) رَضَوَى: جبل فى المدينه (معجم البلدان: ج ٣ ص ٥١).
- ٣- (٣) ذُو طُوَى: موضع عند مكّه (معجم البلدان: ج ٤ ص ٤٥).
- ٤- (٤) الْعَقِيد: الْمُعَاقِدُ، الْحَلِيفُ (لسان العرب: ج ٣ ص ٢٩٦ «عقد»).
- ٥- (٥) مَجْدٌ أَثِيلٌ: قديم (لسان العرب: ج ١١ ص ٩ «أثيل»).
- ٦- (٦) فى بعض المصادر: «لا يحاذى» بدل: «لا يجازى».
- ٧- (٧) التالذ: المال القديم الذى وُلد عندك (النهايه: ج ١ ص ١٩٤ «تلد»).
- ٨- (٨) الْقَدَى فى العين: ما يسقط فيه من تراب أو تبن أو وسخ، كأنه يريد الكدوره التى حصلت للمؤمن من حوادث الدهر (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٤٥٥ «قذى»).

خاک به سر می بری؟ آیا در "رَضوی" (۱) یا جز آنی؟ یا در "ذی طوی" (۲) هستی؟ بر من، سخت و ناگوار است که مردم را بینم و تو دیده نشوی و از تو هیچ صدا و نجوایی نشنوم. بر من، سخت است که رنج و بلا تو را احاطه کند و من آسوده باشم و هیچ ناله و شکوه ای از من به حضورت نرسد.

جانم فدایت، ای پنهانی که از ما دور نیستی! جانم فدایت، ای جدایی که از ما جدا نیستی! جانم فدایت، ای آرزوی هر مرد و زن مشتاق مؤمنی که یاد می کند و ناله شوق سر می دهد! جانم فدایت، ای از سرشت ارجمندی که کسی برتر از آن نیست! جانم فدایت، ای از تبار کهن و بزرگواری که کسی همانند شما نیست! جانم فدایت، ای از نعمت های دیرینی که کسی چون آنها نیست! جانم فدایت، ای از خاندان شرافتی که کسی با شما برابر نیست!

مولای من! تا کی سرگردان تو باشم، تا کی؟ و با کدام خطاب و نجوا تو را توصیف کنم؟ بر من، بسی سخت است که از جز تو پاسخ و سخن بشنوم! بر من، بسی ناگوار است که بر تو بگریم و مردم، تو را وا گذارند! بر من، بسی دشوار است که آنچه می گذرد، بر تو بگذرد، نه بر آنان!

آیا یآوری هست که با او ناله فراق و گریه طولانی سر دهم؟ آیا بی تابِ نالانی هست که چون تنها شود، با او هم ناله شوم؟ آیا چشمی می گرید تا چشم من در یاری آن، زار زار بگرید؟ آیا - ای پسر احمد - راهی برای دیدار تو هست؟ آیا [فراق] امروز ما به فردای [وصال] تو متصل می شود که بهره مند شویم؟ کی می شود که بر جویبارهای پُر آبِ رحمت در آییم و سیراب شویم؟ کی از چشمه زلال آبِ لطف خواهیم نوشید، که عطش طولانی شده است؟! کی می شود که صبح و شام، با تو باشیم و چشمان روشن گردد؟ کی می شود که تو ما را ببینی و ما تو را ببینیم،

ص: ۱۳۹

---

۱- (۱) نام کوهی در مدینه است.

۲- (۲) جایی نزدیک مکه است.



فَتَلْقَى؟ هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمًا مِنْكَ بَعْدِهِ فَتَحْطِي؟ مَتَى نَرِدُ مِنْأَهْلِكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرَوِي؟ مَتَى نَنْتَقِعُ (١) مِنْ عَذَابِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى (٢)؟ مَتَى نُغَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ فَتَقَرَّرَ عُيُونُنَا؟ مَتَى تَرَانَا وَنَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِيَاءَ النَّصْرِ تُرِي؟ أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تُوْمُ الْمَلَأُ؛ وَقَدْ مَلَأَتِ الْأَرْضَ عِدْلًا وَأَذَقْتَ أَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا، وَأَبْرَتَ (٣) الْعُتَاهَ وَجَحِيْدَةَ الْحَقِّ، وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَشَّتْ أَصْوَلَ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى، وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى (٤)، وَأَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، فَأَغِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَى، وَأَرِهِ سَيِّدُهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى (٥)، وَبَرِّدْ غَلِيْلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى، وَمَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى.

اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عُبَيْدُكَ التَّائِقُونَ (٦) إِلَى وَوَيْكَ، الْمِيْدَكِرِ بِمَكَ وَبِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذًا، وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِيَامًا وَمَعَاذًا، وَجَعَلْتَهُ لِلْمِيْؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَامًا، فَبَلَّغَهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسِيْلَامًا، وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا، وَأَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيْمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّى تُوْرِدَنَا جِنَانِكَ، وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ (٧)، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ رَسُوْلِكَ السَّيِّدِ

ص: ١٤٠

١- (١) نفع من الماء: رَوِي (لسان العرب: ج ٨ ص ٣٦١ «نفع»).

٢- (٢) الصَّدَى: العَطَش (الصحاح: ج ٦ ص ٢٣٩٩ «صدى»).

٣- (٣) أَبْرَ الْقَوْمَ: أَهْلَكَهُم (القاموس المحيط: ج ١ ص ٣٦١ «أبر»).

٤- (٤) الْعِدْوَى: طَلَبُكَ إِلَى الْوَالِدِ لِتُعِدِّيَكَ عَلَى مَنْ ظَلَمَكَ أَى يَنْتَقِمَ مِنْهُ... وَالْعَدْوَى: التُّصْرَهُ وَالْمَعُونَهُ (لسان العرب: ج ١٥ ص ٣٩ «عدو»).

٥- (٥) الْجَوَى: الْحَرْقَهُ وَشَدَّهُ الْوَجْدَ مِنْ عَشْقٍ أَوْ حَزْنٍ (الصحاح: ج ٦ ص ٢٣٠٦ «جوا»).

٦- (٦) نَفْسٌ تَائِقَةٌ: أَى مُشْتَاقَةٌ. وَتَائِقَةٌ نَفْسُهُ إِلَى الشَّيْءِ: اِشْتَاقَتْ وَنَازَعَتْ إِلَيْهِ (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٣٤ «توق»). وَفِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ وَالْإِقْبَالِ: «الشَائِقُونَ».

٧- (٧) فِي الْإِقْبَالِ: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ» بَدَلَ «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» وَهُوَ الْأَنْسَبُ.

در حالی که پرچم پیروزی را افراشته باشی، آن سان که دیده شود؟ آیا ما را خواهی دید، در حالی که گرداگرد تو حلقه زده ایم و تو مردم را رهبری می کنی و جهان را پر از داد کرده ای و دشمنانت را خواری و کیفر چشاندی و سرکشان و منکران حق را نابود ساختی و متکبران را ریشه کن کرده و ستمگران را نابود ساختی، در حالی که ما لب به ثنای خدا گشوده، می گوییم: حمد و ثنا از آن خداوند، پروردگار جهانیان است؟

خداوندا! تویی برطرف کننده غم ها و گرفتاری ها. از تو دادخواهی می کنم؛ که دادرسی، نزد توست و تویی پروردگار آخرت و دنیا. پس، ای فریادرس دادخواهان! به فریاد بنده کوچک و گرفتارت برس و سرورش را به او نشان بده - ای خدای بسیار مقتدر - و به سبب سرورش رنج و سوز غم و هجران را از او بزدای و آتش سوزان دلش را فرو بنشان. ای آن که بر عرش، استوار گشته ای و ای آن که بازگشت و فرجام، به سوی توست!

خداوندا! ما بندگان تویم که شیفته ولی تو هستیم؛ آن که یادآور تو و پیامبر توست. او را برای ما نگهبان و پناهگاه آفریدی و برای ما مایه استواری و پناهندگی ساختی و وی را برای مؤمنان ما پیشوا قرار دادی. پس، درود و سلام ما را به او برسان و بدین سبب بر کرامت ما - ای پروردگار - بیفزای و قرارگاه او را برای ما مایه قرار و آرامش قرار بده و نعمت را بر ما چنین کامل کن که او را پیشاپیش ما قرار دهی و ما را وارد بهشت خودت سازی و همدم شهیدان از برگزیدگان خودت، قرار دهی!

خداوندا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ (۱) بر جدش، محمد، فرستاده

ص: ۱۴۱

---

۱- (۱) در الإقبال به جای جمله پیش گفته شده چنین آمده است: «خدایا! بر حجت و ولی امرت درود فرست» و متن الإقبال مناسب تر است.

الأَكْبَرِ، وَعَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْأَصْغَرَ (١)، وَحَدَّثَتْهُ الصَّديْقَةُ الْكَبْرَى فاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى مَنْ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّزَةِ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ، وَأَتَمُّ وَأَدْوَمُ، وَأَكْبَرُ وَأَوْفَرُ مَا صَيَّلْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيائِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صِيْلَةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا.

اللَّهُمَّ وَأَقِمِ بِهِ الْحَقَّ، وَأَدْحِضْ (٢) بِهِ الْبَاطِلَ، وَأَدِلْ (٣) بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَأَذِلِّلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ، وَصَلِّ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وَصَلَّهُ تُوَدِّي إِلَى مُرَافَقِهِ سَيِّلَفِهِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ (٤)، وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ، وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالِاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ.

وَأَمِّنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ، وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَدُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً، وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً، وَخَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَأَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ، وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ، وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَيَدِيهِ، رَيًّا رَوِيًّا، هَنِيئًا سَائِغًا (٥)، لَا ظَمًا بَعْدَهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ص: ١٤٢

١- (١) وزاد في الإقبال: «وحامل اللواء في المحشر، وساقى أوليائه من نهر الكوثر، والأمير على سائر البشر، الذي من آمن به فقد ظفر، ومن لم يؤمن به فقد خطر وكفر، صلى الله عليه وعلى أخيه وعلى نجلهما الميامين الغرر، ما طلعت شمس وما أضاء قمر وعلى جدته...».

٢- (٢) دَحَضْتُ: بَطَلْتُ (المصباح المنير: ص ١٩٠ «دحض»).

٣- (٣) الإدالة: الغلبة. يقال: ادبنا على أعدائنا؛ أي نصرنا عليهم وكانت الدولة لنا. والدولة: الانتقال من حال الشدة إلى الرخاء (النهاية: ج ٢ ص ١٤١ «دول»).

٤- (٤) أصل الحُجْرَة: موضع شدّ الإزار، ثم قيل للإزار حُجْرَة للمجاورة، فاستعاره للاعتصام والالتجاء والتمسك بالشيء والتعلق به (النهاية: ج ١ ص ٣٤٤ «حجز»).

٥- (٥) سائغ: عذب (لسان العرب: ج ٨ ص ٤٣٥ «سوغ»).

تو و سیرور بزرگ تر، و بر پدرش سیرور کوچک تر،<sup>(۱)</sup> و بر مادر بزرگش صدیقه کبرا فاطمه دختر محمّد، و بر هر کدام از پدران نیکویش که برگزیده تو اند، و بر خود او، درود فرست، برترین، کامل ترین، تمام ترین، پیوسته ترین، بزرگ ترین و سرشارترین درودی که بر هر یک از بندگان برگزیده ات فرستاده ای؛ و بر او درودی فرست، بی شمار و بی پایان!

خداوندا! به سبب او حق را برپا بدار، به سبب او باطل را نابود کن، به سبب او دوستان خودت را حاکم گردان، به سبب او دشمنانت را خوار کن و - خداوندا - میان ما و او پیوندی برقرار ساز که به هم نشینی با نیاکانش بینجامد، و ما را از آنانی قرار بده که به دامان آنان چنگ می زنند و در سایه لطف آنان به سر می برند، و ما را یاری کن تا حقوقش را به او ادا کنیم و در فرمان بُرداری اش بکوشیم و از نافرمانی اش پرهیز کنیم!

و با خرسندسازی او از ما، بر ما منت بگذار، و رأفت و مهربانی و دعا و خیر او را به ما ارزانی دار، به اندازه ای که با آن به رحمت گسترده ات و کامیابی از نزدت، دست یابیم. و به سبب او نمازمان را پذیرفته، گناهانمان را آمرزیده، و دعاهایمان را اجابت شده قرار بده. و به سبب او روزی های ما را گسترده و اندوه های ما را زدوده و نیازهای ما را برآورده قرار بده. و با روی کریمت به سوی ما روی بیاور و تقرب جویی ما را به درگاهت پذیر و با نگاه رحمت بار، بر ما بنگر تا با آن، به کرامت کامل در پیشگاهت نایل آییم. سپس به جود خود، آن نگاه پُر مهر را از ما بر نگردان، و ما را از حوض جدش صلی الله علیه و آله با جام او و با دست او سیراب کن؛ سیرابی کامل و گوارا، که پس از آن، هیچ تشنگی ای نباشد، ای مهربان ترین مهربانان!<sup>(۲)</sup>

ص: ۱۴۳

۱- (۱) در الإقبال، افزوده است: «صاحب پرچم در قیامت، و ساقی دوستانش از نهر کوثر، و پیشوا بر همه مردم، آن که هر کس به او ایمان آورد، پیروز است و هر کس به او ایمان نیاورد، در خطر و کفر افتاده است. درود خدا بر او و برادرش و فرزندان خجسته و نورانی آن دو، تا آن گاه که خورشید بدمد و ماه، فروغ افشاند!...».

۲- (۲) المزار الکبیر: ص ۵۷۳ ح ۲، مصباح الزائر: ص ۴۴۶، الإقبال: ج ۱ ص ۵۰۴ (هر دو منبع با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۱۰۴.



دعای ندبه، یکی از زیباترین و بهترین دعاهاى عصر غیبت امام مهدی علیه السلام است که هر صبح جمعه، شیفتگان قائم علیه السلام با خواندن آن، عشق و ارادت خود را به ایشان ابراز می‌دارند. این دعا، در واقع یک دوره فشرده اصول عقاید اسلامی است که به گونه ای هنرمندانه، در قالب دعا و نیایش ارائه شده است.

در این دعا، پیوند آسمان و زمین و ارتباط آفریدگار جهان با انسان از طریق وحی، و امامت و رهبری انبیای الهی از آدم تا خاتم، به گونه ای زیبا بیان شده، و اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به عنوان اوصیای ایشان معرفی می‌شوند.

این دعا، با اشاره به مجاهدت های اهل بیت علیهم السلام در راه احیای سنت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و ارزش های اسلامی و سختی هایی که آنان در این راه دیده اند، نیایشگر را به گریستن با هدف بر سرنوشت آنان دعوت می‌کند:

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا - فَلْيَبْكُوا الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ.

باید گریه کنندگان بگریند و نوحه سرایان نوحه سرایی کنند بر پاکان از خاندان محمد و علی - که درود خداوند بر آن دو و خاندانشان باد -.

به همین جهت، این دعا به «دعای ندبه» موسوم گردیده است. هدف اصلی از این گریه و ندبه، انتظار مثبت و زمینه سازی برای حکومت جهانی اهل بیت علیهم السلام به رهبری امام مهدی - عجل الله تعالی فرجه - است. این هدف، در بخش پایانی دعا،

در قالب زمزمه ای عاشقانه در جستجوی عدالت گستر جهان، و خطاب هایی عارفانه به امام زمان علیه السلام و درخواست هایی از عمق جان از خداوند متّان، بیان شده است.

### نگاهی به سند دعای ندبه

قوت متن این دعا، و استناد بسیاری از آن به آیات قرآن و احادیث صحیحه (۱) از یک سو، و مطلوبیت مطلق دعا از سوی دیگر، به این دعا، و جاهت خاصی می بخشد؛ لیکن بی تردید استناد آن به اهل بیت علیهم السلام بر اعتبار و اهمیت آن خواهد افزود. لذا اجمالاً به ارزیابی سند این دعا خواهیم پرداخت.

### ۱- دعای ندبه در مصادر کهن

کهن ترین مصادر موجود که این دعا را نقل کرده اند، عبارت اند از:

#### الف - المزار الکبیر، نگاشته محمد بن جعفر، معروف به ابن مشهدی (ق ۶ ق)

(۲)

با توجه به طبقه این فرد، می توان او را از افراد قرن ششم دانست؛ ولی سال دقیق تولد و وفات وی روشن نیست. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی به سبب قرائتی، او را هم دوره ابن زهره (۵۱۱-۵۸۵) شمرده است. (۳)

این کتاب، یکی از کهن ترین کتاب های زیارتی است که مورد اعتماد عالمان بوده است، اگرچه در انتساب آن به ابن مشهدی و همچنین شخصیت ابن مشهدی، اختلاف وجود دارد. (۴)

ص: ۱۴۶

۱- (۱) ر. ک: شرح دعای ندبه، سید علی اکبر موسوی محبّ الاسلام. ایشان دعای ندبه را به ۱۲۴ فقره تقسیم نموده و منابع قرآنی و روایی هر فقره را از جوامع حدیثی شیعه و سنی استخراج کرده است. نیز، ر. ک: با دعای ندبه در پگاه جمعه، مجله موعود: ش ۱۴-۱۹.

۲- (۲) المزار الکبیر: ص ۵۷۳.

۳- (۳) الذریعه: ج ۸ ص ۱۹۳.

۴- (۴) برخی از متأخران همانند محدث نوری و شیخ آقا بزرگ تهرانی، انتساب این کتاب به ابن مشهدی را مسلم شمرده اند (خاتمه مستدرک الوسائل: ج ۱ ص ۳۶۰، الذریعه: ج ۲۰ ص ۳۲۴)؛ ولی برخی همانند علامه مجلسی در این امر تشکیک نموده اند. علامه مجلسی در باره آن نوشته است: «المزار الکبیر تألیف محمد بن المشهدی أو السید فخار أو بعض معاصریهما»

(بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۱۰۲). همچنین در بسیاری از موارد در کتاب بحار الأنوار نام او نیامده و با عنوان مؤلف المزار الكبير یاد شده است. اختلاف در باره ابن مشهدی از جانب دیگر نیز وجود دارد؛ چون اطلاعات چندانی درباره او در دست نیست. شیخ حرّ عاملی در باره وی گفته است: «وی مردی فاضل، محدّث و راستگو بود و نوشته هایی از شاذان بن جبرئیل قمی دارد» (أمل الآمل: ج ۲ ص ۲۵۲ و ۲۵۳)؛ ولی آیه الله خویی در باره او این گونه گفته است: «اعتبار خود این کتاب برای ما ثابت نشد؛ برای این که وضعیت محمد بن مشهدی، روشن و شخصیتش شناخته نیست؛ محدّث نوری اصرار دارد که وی، محمد بن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی حائری است، امّا این گفته محدّث نوری، تنها گمان می آورد [و علم آور نیست]» (معجم رجال الحديث: ج ۱ ص ۵۱). علّامه مجلسی نیز در باره شخص مؤلف کتاب تردید دارد، ولی کتاب را معتبر شمرده و می گوید: «از کیفیت اسناد المزار الكبير استفاده می شود که کتاب معتبری است و سید ابن طاووس هم اخبار و متن زیارت های بسیاری را از آن نقل کرده است» (بحار الأنوار: ج ۱ ص ۳۵).



می توان گفت: کهن بودن کتاب المزار الکبیر و اعتماد افرادی همچون سید ابن طاووس بر آن، به آن اعتبار می بخشد و آن را از کتاب های معتبر در حوزه دعا قرار می دهد. اگرچه در حوزه فقه، این قرائن، مورد قبول فقیهان رجالی همانند مرحوم آیه الله خویی قرار نگرفته است.

## ب - مصباح الزائر، نگاشته سید ابن طاووس (۵۸۹-۶۶۴)

(۱)

سید ابن طاووس دعای ندبه را به احتمال فراوان از کتاب المزار الکبیر نقل کرده است؛ چون سید در ابتدای آن آورده است: ذکر بعض اصحابنا قال محمد بن علی بن ابي قره نقلت من كتاب محمد بن الحسين بن سفیان البزوفری رضی الله عنه دعاء الندبه وذكر انه لصاحب الزمان ويستحب أن يدعى به في الأعياد الأربعة.

برخی از یاران [عالم] ما یادآوری کرده اند که محمد بن علی بن ابي قره گفته است:

من از کتاب محمد بن حسین بن سفیان بزوفری، دعای ندبه را نقل کردم و در آن گفته شده که این دعا از صاحب الزمان است و مستحب است که در عیدهای چهارگانه خوانده شود.

ص: ۱۴۷

این متن به همین صورت در کتاب ابن مشهدی، موجود است. (۱)

### ج - اقبال الأعمال، نگاشته سید ابن طاووس

(۲)

این کتاب، آخرین نگاشته سید ابن طاووس است. ظاهر سخنان سید ابن طاووس در کتاب الإقبال، نشانگر آن است که منبعی به غیر از المزار الکبیر در دست داشته است.

### د - زوائد الفوائد، نگاشته جمال الدین علی بن علی بن طاووس

، فرزند سید ابن طاووس. (۳)

### ه - مزار قدیم، نویسنده نامعلوم (ق ۶)

مرحوم شیخ عباس قمی گفته است: علامه مجلسی، این دعا را از کتاب مزار قدیم نیز نقل کرده است که ظاهراً از مؤلفات قطب راوندی است. (۴)

مؤلف کتاب مزار قدیم، مشخص نیست؛ ولی با توجه به نقل او با یک واسطه از پسر شیخ طوسی، او در قرن ششم می زیسته است و این دعا در نسخه خطی آن کتاب، وجود دارد. (۵)

### ۲- بررسی سند: ابن مشهدی و سید ابن طاووس

در کتاب مصباح الزائر، این دعا را به نقل از محمد بن علی بن ابی قره و او از کتاب محمد بن حسین بن سفیان بزوفری نقل کرده اند.

دو کتاب دیگر یعنی اقبال الأعمال و زوائد الفوائد، این دعا را بدون ذکر سند و به گونه مرسل نقل کرده اند. اکنون به بررسی رجالی افراد واقع در سند می پردازیم:

۱/۲. محمد بن علی بن ابی قره، از مشایخ نجاشی است. نجاشی در باره او گفته است:

ص: ۱۴۸

۲- (۲) الإقبال: ج ۱ ص ۵۰۴.

۳- (۳) زوائد الفوائد: ص ۴۸۲ (نسخه خطی کتاب خانه دانشگاه تهران، به نقل از کتاب ده رساله: تحقیقی در باره دعای ندبه: ص ۲۸۳).

۴- (۴) هدیه الزائرین: ص ۵۰۷.

۵- (۵) نسخه خطی مزار قدیم در کتاب خانه آیه الله مرعشی نجفی به شماره ۴۶۲ ص ۱۷۳-۱۷۶.

كان ثقته وسمع كثيراً وكتب كثيراً وكان يورق لأصحابنا ومعنا في المجالس. (١)

او موثق بود و فراوان حديث شنیده و بسیار نوشته بود و کتابها را برای شیعیان تکثیر می کرد و همشین ما بود.

٢/٢. محمد بن الحسين بن سفیان بزوفری، از اساتید شیخ مفید است. (٢) او در متون کهن رجالی، توثیق نشده است؛ ولی مرحوم آقا بزرگ تهرانی گفته است:

ویظهر وثاقته من إكثار الشيخ المفيد الرواية عنه مع طلب الرحمة وإن لم يذكر ترجمته في الأصول الرجالية.

از این که شیخ مفید، به فراوانی از او روایت کرده و هم برایش طلب رحمت کرده است، وثاقتش ظاهر می شود هرچند در کتاب های رجالی اصلی، شرح حال وی نیامده است. (٣) گفتنی است احادیث شیخ مفید از او چندان زیاد نیست و تنها دو حدیث به نقل از او در الأمالی طوسی آمده است. (٤) نام او در طریق شیخ طوسی به احمد بن ادريس هم ذکر شده است. (٥)

### ٣- انتساب دعای ندبه به اهل بیت علیهم السلام

قرائنی وجود دارد که با استناد به آنها می توان انتساب این دعا به اهل بیت علیهم السلام و مأثور بودن آن را اثبات نمود:

#### ١/٣- قرینه های اجمالی انتساب

١. بزوفری گفته است: «يستحب أن يدعى به في الأعياد الأربعة». اعلام استحباب خواندن دعایی خاص در ایام خاص، نشانگر صدور آن از اهل بیت علیهم السلام است؛ چون

ص: ١٤٩

- 
- ١- (١) رجال النجاشی: ج ٢ ص ٣٢٦ ش ١٠٦٧.
  - ٢- (٢) معجم رجال الحدیث: ج ١٧ ص ١٢.
  - ٣- (٣) الذریعه: ج ٨ ص ١٩٥.
  - ٤- (٤) الأمالی، طوسی: ص ٥٦ ح ٨٠ و ص ١٦٧ ح ٢٧٩.
  - ٥- (٥) تهذیب الأحکام: ج ١٠ ص ٣٥.

هیچ کس از عالمان، دعایی را که خود انشا کرده است، مستحب نمی شمارد و آن را به ایام خاص، پیوند نمی دهد.

این نکته می تواند قرینه ای بر صدور حدیث از ائمه علیهم السلام باشد. حتی اگر وثاقت بزوفری را نپذیریم، باز هم نمی توان این گونه سخن را به شخصی نسبت داد که شیخ مفید از او نقل حدیث کرده است.

۲. سید ابن طاووس نیز در کتاب الإقبال و در اعمال روز عید فطر آورده است:

«دعاء آخر بعد صلاة العید» و سپس دعای ندبه را آورده و پس از آن گفته است:

فاذا فرغت من الدعاء فتأهب للسجود بين يدي مولاك وقل ما روينا باسنادنا إلى أبي عبد الله عليه السلام قال: إذا فرغت من دعاء العید المذكور ضع خدك الأيمن على الأرض وقل:.....(۱)

وقتی دعا را به پایان بردی، در پیشگاه مولایت به سجده بیفت و آنچه ما از امام صادق علیه السلام روایت کرده ایم بگو. امام فرمود: بگو: «هرگاه دعای عید یاد شده را به پایان بردی، گونه راست را بر زمین بگذار و بگو..».

اگر چه انشای دعا را عالمان شیعی انجام داده اند؛ ولی معمولاً هر گاه عالمی، دعایی را انشا می کرد، این نکته را یادآور می شد که آن دعا منسوب به معصوم علیه السلام نیست.(۲)

ص: ۱۵۰

۱- (۱) الإقبال: ج ۱ ص ۵۰۴.

۲- (۲) سید ابن طاووس در مواردی این نکته را یادآوری کرده است. مثلاً: فصل ششم: فیما نذکره من دعاء انشأناه نذکره عند تناول الطعام؛ فصل ششم: در دعایی که ساخته ایم و هنگام تناول غذا می خوانیم (الإقبال: ج ۱ ص ۲۴۲). و یا در جایی دیگر آورده فصل: امّا آنچه در هنگام رؤیت هلال شوال گفته می شود، ما بیشتر در کتاب اعمال ماه دعایی را انشا کردیم که برای همه ماه ها مناسب است. پس اگر آن را نیافت، در هنگام رؤیت هلال شوال بگوید. (الإقبال: ج ۲ ص ۱۶). فصل دهم: آنچه در خداحافظی با منزل اوّل [در سفر] می گوئیم به صورت انشا (الأمان من إخطار الأسفار: ص ۱۴۰). مرحوم شیخ صدوق نیز نوشته است: من در اخبار چیز تعیین شده مشخصی را برای زیارت حضرت صدیقه علیها السلام نیافتیم. پس آنچه برای خودم دوست داشتم، برای هر کس که کتاب مرا نگاه می کند نیز همان را پسندیدم (کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۵۷۴). گفتنی است: سید ابن طاووس به استناد به روایت «ان أفضل الدعاء ما جرى علی لسانک؛ بهترین دعا آن است که بر زبانت جاری شود»، انشاء دعای خود را عملی مقبول دانسته است (الأمان من إخطار الأسفار: ص ۲۰).

۳. کهن ترین منبع دعای ندبه، کتاب المزار الکبیر است. نویسنده این کتاب در ابتدای نگاشته خویش تصریح کرده است:

أما بعد فإني جمعت في كتابي هذا من فنون الزيارات... مما اتصلت به ثقاه الرواه إلى السادات. (۱)

اما بعد، من در این کتابم، زیارت های گوناگونی را جمع کردم که راویان موثقی به بزرگان رسانده اند.

بنا بر این، اجمالاً انتساب دعاهاى موجود در کتاب به امامان را اثبات کرده است.

### ۲/۳- انتساب تفصیلی دعا به اهل بیت علیهم السلام

۱. ابن مشهدی نوشته است:

الدُّعَاءُ لِلنَّدْبَةِ. قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ [عَلِيِّ بْنِ] أَبِي قُرَّةَ: نَقَلْتُ مِنْ كِتَابِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُفْيَانَ الْبَزَوْفَرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ هَذَا الدُّعَاءَ، وَذَكَرَ فِيهِ أَنَّهُ الدُّعَاءُ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَجَّلَ فَرْجَهُ وَفَرَجْنَا بِهِ، وَيُسْتَحَبُّ أَنْ يُدْعَى بِهِ فِي الْأَعْيَادِ الْأَرْبَعَةِ. (۲)

دعا برای نوحه و ندبه: محمد بن ابی قره می گوید: این دعا را از کتاب ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری - که خداوند از او خوشنود باشد - نقل کردم و در آن یاد شده که: دعا برای امام زمان - که درودهای خداوند بر او باد و خداوند در فرج او شتاب ورزد و امور ما را به وسیله ایشان گشایش دهد - است. و مستحب است که در عیدهای چهارگانه خوانده شود.

برخی گفته اند: بزوفری تصریح کرده است: «إنَّ الدُّعَاءَ لِصَاحِبِ الزَّمَانِ»؛ بنا بر

ص: ۱۵۱

۱- (۱) المزار الکبیر: ص ۲۷.

۲- (۲) ر. ک: ص ۱۲۴ ح ۱۰۵۴.

این، این دعا از ناحیهٔ مقدسه صادر شده است. لیکن در این باره، دو نکته قابل توجه است:

الف. آیا مقصود از «الدعاء لصاحب الزمان» آن است که امام مهدی علیه السلام گویندهٔ این دعا بوده اند؟ و یا مقصود، آن است که این دعا برای امام مهدی علیه السلام خوانده می شود؟ هر دو احتمال، متصور است.

ب. جملهٔ اوّل این عبارت یعنی «الدعاء للندبه»، مؤید احتمال دوم است؛ یعنی این دعا برای ندبه و نجوا با امام عصر علیه السلام خوانده می شود.

حرف «لام» در «الندبه» و «لصاحب الأمر» می تواند برای تبیین هدف و مقصود دعا باشد، نه آن که به گویندهٔ آن اشاره داشته باشد. علامه شوشتری، این نظر را به عنوان احتمال دوم مطرح کرده و نوشته است

احتمال دارد دعا، انشای بزوفری باشد به این که معنی این فقره این باشد که: باید این دعا خوانده شود برای آن حضرت یعنی برای فرجش و ظهورش. (۱)

ج. صدور دعای ندبه از امام مهدی علیه السلام بعید و عجیب می نماید. گویش دعا به گونه ای است که حالت ندبه و زاری برای امام مهدی علیه السلام و تأسّف بر غیبت ایشان و آرزوی ملاقات با ایشان را دارد. بدین سبب، گویندهٔ آن می باید شخصی به غیر از ایشان باشد. توجیه این مدّعا با احتمال آموزشی بودن دعا نیز، استبعاد آن را زایل نمی کند.

۲. علامه مجلسی نوشته است: دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید حقّه و تأسّف بر غیبت قائم علیه السلام به سند معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام منقول است. (۲)

ظاهراً سخن علامهٔ مجلسی رحمه الله نیز اشاره به سخن سید ابن طاووس در کتاب إقبال الأعمال است؛ زیرا علامه مجلسی دعای ندبه را در دو جا از کتاب بحار الانوار ذکر

ص: ۱۵۲

---

۱- (۱) مقالات و گفتارها: ص ۶۳.

۲- (۲) زاد المعاد: ص ۴۸۶.

کرده است (۱) که تنها یک مورد - یعنی کتاب الإقبال - موهم استناد به امام صادق علیه السلام است. لیکن استناد به کتاب إقبال الأعمال برای انتساب این دعا به امام صادق علیه السلام صحیح نیست؛ زیرا:

۱. مرحوم سید ابن طاووس، در ابتدا و انتهای دعا هیچ اشاره ای به معصوم علیه السلام نکرده است.

۲. جمله «إذا فرغت من دعاء العید المذكور» در سخن امام صادق علیه السلام اشاره ای به این دعای خاص ندارد؛ بلکه به مطلق دعا در این روز و یا دعای خاصی که در متن اصلی بوده، توجه داده است.

روشن است که اگر مجموعه دعا و نماز و اعمال دیگر از امام صادق علیه السلام روایت شده بود، هیچ نویسنده معمولی نیز آن را این گونه نقل نمی کرد، چه رسد به مرحوم سید ابن طاووس که متخصص در نگارش دعا و زیارت است.

۳. «المذکور» صفت برای «العید» است نه «دعا»؛ بنا بر این نمی تواند به دعای ندبه اشارت کند. سید ابن طاووس برای این روز، ابتدا نماز و سپس دعایی ذکر کرده و هیچ یک را به معصوم علیه السلام اسناد نداده است. او در ادامه می گوید: «دعاء آخر بعد صلاة العید ویدعی به فی الأعیاد الأربعة».

با توجه به آن که دعای ندبه، مخصوص عید فطر نیست، این نکته تقویت می شود که امام علیه السلام به مطلق دعا و یا دعای خاص روز عید فطر اشاره کرده اند.

۴. با فرض کنار نهادن تمامی اشکالات، سخن علامه مجلسی بسیار عجیب می نماید؛ چون در هیچ یک از مصادر حدیثی - حتی در کتاب جامع بحار الأنوار - سندی برای انتساب این دعا به امام صادق علیه السلام ذکر نشده است که بتوان در اعتبار یا بی اعتباری آن کاوش نمود و آن را معتبر شمرد. علامه شوشتری نیز این انتساب را

ص: ۱۵۳



نپذیرفته است. (۱)

بنا بر این، با عنایت به مجموع آنچه ملاحظه شد، می توان این گونه نتیجه گیری کرد که: انتساب اجمالی دعای ندبه به اهل بیت علیهم السلام قابل قبول است و با توجه به شیوه عالمان پیشین، در عدم سختگیری فقهی در موارد غیرفقهی، مثل مستحباتی چون: دعا و زیارات، به نظر می رسد این مقدار از انتساب نیز برای خواندن دعا کفایت کند.

باید توجه داشت که قاعده تسامح در ادله سنن، جواز خواندن دعای ندبه را به امید رسیدن به ثواب اثبات می کند.

### پاسخ به یک شبهه

یکی از نویسندگان با استناد به فقره «أبرضوی أم غیرها أم ذوی طوی؟» و مشابهت این سخن با قول کیسانیه (۲)، این احتمال را مطرح کرده که این دعا در راستای تفکر کیسانیه و امامت محمد بن حنفیه است.

علّامه شوشتری در جوابیه ای مفصّل، این شبهه را بررسی کرده و آن را پاسخ گفته است. ایشان پس از اشاره به احادیث معتبری که جایگاه امام مهدی علیه السلام در زمان غیبت را کوه رضوی و یا ذی طوی دانسته، آورده است:

کیسانیه در مدّعی خود به اخبار پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام در باره غیبت استناد کرده اند و به ناحق، آن را بر محمد بن حنفیه تطبیق کرده اند؛ زیرا منشأ هر شبهه، مطلب حقی است که بیجا به کار می برند. (۳)

در تکمیل سخن علّامه شوشتری، می گوییم: این سخن به هیچ عنوان نمی تواند

ص: ۱۵۴

۱- (۱) مقالات و گفتارها: ص ۶۳.

۲- (۲) بنا بر اعتقاد کیسانیه، محمد ابن حنفیه در کوه رضوی مأوا دارد. (ر. ک: فرق الشیعه: ص ۲۹).

۳- (۳) ر. ک: مقالات و گفتارها: ص ۶۳ پاسخ علّامه شوشتری به شبهه دکتر شریعتی، ده رساله، رضا استادی، با دعای ندبه در پگاه جمعه، مجله موعود، ش ۱۸.

بر دعای ندبه تطبیق شود؛ زیرا در قسمت های گوناگون دعای ندبه، در بیش از ده جمله، امام مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله، خدیجه علیها السلام و فاطمه علیها السلام دانسته و معرفی شده است. عباراتی همچون: **أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، وَابْنِ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى، وَابْنِ خَدِيجَةَ الْغَزَاءِ، وَابْنِ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى؟ (۱)...** اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حَجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ...، وَعَلَى جَدَّتِهِ الصَّادِقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ. (۲)

بنا بر این، احتمال انتساب این دعا به طرفداران محمد بن حنفیه صحیح نیست.

بدیهی است آنان محمد بن حنفیه را از فرزندان فاطمه علیها السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی دانستند و به گونه ای سخن نمی گفتند که موجب تضعیف عقاید آنان شود.

ص: ۱۵۵

---

۱- (۱) ر. ک: ص ۱۳۶ ح ۱۰۵۴، الإقبال: ج ۱ ص ۵۰۹.

۲- (۲) الإقبال: ج ۱ ص ۵۱۲. نیز، ر. ک: همین دانش نامه: ص ۱۴۰ ح ۱۰۵۴.

١٠٥٥. مصباح المتهجد - فِي الدُّعَاءِ قَبْلَ صِيَاةِ عِيدِ الْفِطْرِ -: اسْتَفْتِحْ خُرُوجَكَ بِالدُّعَاءِ إِلَى أَنْ تَدْخُلَ مَعَ الْإِمَامِ فِي الصَّلَاةِ فَتَقُولُ:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجْهْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ إِلَهُنَا وَمَوْلَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَحَسَّنَ مَا أَبْلَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ وَئِينَا الَّذِي اجْتَبَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّنَا الَّذِي بَرَّأَنَا، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي خَلَقَنَا وَسَوَّانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّنَا الَّذِي أَنْشَأَنَا، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي بَقُدْرَتِهِ هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي بَدِينِهِ حَبَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي مِنْ فِتْنَتِهِ عَافَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي بِالْإِسْلَامِ اصْطَفَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي فَضَّلَنَا بِالْإِسْلَامِ عَلَى مَنْ سِوَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَكْبَرُ سُلْطَانًا، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعْلَى بُرْهَانًا، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَجْلُّ سُبْحَانًا، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَقْدَمُ إِحْسَانًا، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعَزُّ أَرْكَانًا، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَعْلَى مَكَانًا، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَسْنَى شَأْنًا، اللَّهُ أَكْبَرُ نَاصِرٌ مَنْ اسْتَنْصَرَ، اللَّهُ أَكْبَرُ ذُو الْمَغْفِرَةِ لِمَنْ اسْتَغْفَرَ، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي خَلَقَ وَصَوَّرَ، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي أَمَاتَ فَأَقْبَرَ، اللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي إِذَا شَاءَ أَنْشَرَ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَقْدَسُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَأَظْهَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ رَبُّ الْخَلْقِ وَالْبَرِّ وَالْبَحْرِ، اللَّهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهُ شَيْءٌ وَكَبَّرَ، وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَنَبِيِّكَ وَصِدِّيقِكَ، وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ، وَأَمِيرِكَ وَنَجِيبِكَ، وَصِيْفُوتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَخَلِيلِكَ وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَّتِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، الَّذِي هَدَيْتَنَا بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ، وَعَلَّمْتَنَا بِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ، وَبَصَّرْتَنَا بِهِ مِنَ الْعَمَى، وَأَقَمْتَنَا بِهِ عَلَى الْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى وَسَبِيلِ التَّقْوَى،

۱۰۵۵. مصباح المتهجد - در ذکر دعای پیش از نماز عید فطر - بیرون آمدنت را با دعا آغاز کن تا آنگاه که همراه امام به نماز در آیی. آن گاه می گویی: «خدایا! به سوی تو رو کردم و کارم را به تو سپردم و بر تو توکل کردم. خدا را به بزرگی می ستایم به خاطر به راه آوردن ما. خدا بزرگ تر و معبود و مولای ماست. خدا را به بزرگی می ستایم به خاطر سرپرستی اش نسبت به ما و نیکویی آزمونی که از ما کرد. خدا بزرگ تر است، او که ولی انتخاب کننده ماست.

خدا بزرگ تر است، صاحب اختیارمان که ما را هستی داد. خدا بزرگ تر است، او که ما را آفرید و راست و استوار کرد. خدا بزرگ تر است، صاحب اختیارمان که ما را پدید آورد.

خدا بزرگ تر است، او که با قدرتش ما را هدایت کرد. خدا بزرگ تر است، او که دینش را به ما هدیه داد. خدا بزرگ تر است، کسی که ما را از آزمون دشوارش آسوده نهاد. خدا بزرگ تر است، کسی که ما را برای اسلام برگزید. خدا بزرگ تر است، کسی که ما را با اسلام بر غیر ما برتری بخشید. خدا بزرگ تر است و چیرگی اش نیز بزرگ تر است. خدا بزرگ تر و برهانش بالاتر است. خدا بزرگ تر و دوری اش از عیب و نقص نیز با شکوه تر است. خدا بزرگ تر و احسانش قدیم تر است. خدا بزرگ تر و ارکانش پیروزمندتر است. خدا بزرگ تر و جایگاهش والاتر است. خدا بزرگ تر است و شأنش بالاتر است. خدا بزرگ تر و یاور کسی است که از او یاری بخواهد. خدا بزرگ تر و صاحب مغفرت برای کسی است که استغفار می کند. خدا بزرگ تر و کسی است که آفرید و صورت داد. خدا بزرگ تر و کسی است که می میراند و به قبر می برد. خدا بزرگ تر و کسی است که هر گاه بخواهد [مردگان را] بر می انگیزد. خدا بزرگ تر و پاک تر و آشکارتر از هر چیزی است. خدا بزرگ تر است و صاحب اختیار مردم و خشکی و دریاست. خدا بزرگ تر است، هر اندازه که چیزی خدا را تسبیح کند و بزرگ بدارد و همان گونه که خداوند دوست دارد، بزرگ داشته شود.

خدایا! بر محمد، بنده، فرستاده، پیامبر، برگزیده، دوست، همراز، امین، نجیب، گزیده

وَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنَ الْغَمْرَاتِ إِلَى جَمِيعِ الْخَيْرَاتِ، وَأَنْقَذْنَا بِهِ مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ، وَأَشْرَفَ وَأَكْبَرَ، وَأَطْهَرَ وَأَطْيَبَ، وَأَتَمَّ وَأَعَمَّ، وَأَعَزَّ وَأَزْكَى وَأَنْمَى، وَأَحْسِنَ وَأَجْمَلْ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ شَرِّفْ مَقَامَهُ فِي الْقِيَامَةِ، وَعَظِّمْ عَلَى رُؤُوسِ الْخَلَائِقِ حَالَهُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ الْخَلْقِ مِنْكَ مَنزِلَةً، وَأَعْلَاهُمْ مَكَانًا، وَأَفْسَحَهُمْ لِمَدِيكَ مَجْلِسًا، وَأَعْظَمَهُمْ عِنْدَكَ شَرَفًا، وَأَرْفَعَهُمْ مَنزِلًا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى، وَالْحَجِجِ عَلَى خَلْقِكَ، وَالْأَدْلَاءِ عَلَى سُيُتِكَ، وَالْبَابِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى، وَالتَّرَاجِمِ لَوْحِيكَ، الْمُسْتَنِينَ بِسُنَّتِكَ، النَّاطِقِينَ بِحِكْمَتِكَ، الشُّهَدَاءِ عَلَى خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ (١) اشْعَبْ (٢) بِهِمُ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ (٣) بِهِمُ الْفَتْقَ، وَأُمَّتِ بِهِمُ الْجُورَ، وَأَظْهِرْ بِهِمُ الْعِدْلَ، وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقَائِهِمُ الْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُمْ بِنَصْرِكَ، وَانصُرْهُمْ بِالرُّعْبِ، وَقَوِّ نَاصِرَهُمْ، وَاخْذُلْ خَازِلَهُمْ، وَدَمِّمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُمْ، وَدَمَّرْ عَلَى مَنْ غَشَمَهُمْ، وَأَفْضُضْ بِهِمُ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَمُمَيْتَةَ السُّنَنِ، وَالْمُتَعَزِّزِينَ بِالْبَاطِلِ، وَأَعَزِّزْ بِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَذِلَّ بِهِمُ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ وَالنَّبِيِّينَ، الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى، وَاعْتَقَدُوا

ص: ١٥٨

١- (١) من هنا إلى «يا أرحم الراحمين»، ورد في كتاب الإقبال هكذا: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُنْتَظَرِ أَمْرَكَ، الْمُنْتَظَرِ لَفْرَجِ أَوْلِيَائِكَ، اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ، وَأُمَّتِ بِهِ الْجُورَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعِدْلَ، وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُ بِنَصْرِكَ، وَانصُرْهُ بِالرُّعْبِ....»

٢- (٢) الشَّعْبُ: الجمع والإصلاح (لسان العرب: ج ١ ص ٤٩٧ «شعب»).

٣- (٣) الرَّتْقُ: ضد الْفَتْقِ وهو التثام (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٦٧٢ «رتق»).

از میان آفریده ها، یار ویژه و ناب و گل سرسبد آفریده هایت، درود فرست.

خدایا! بر محمد، بنده ات و فرستاده ات درود فرست؛ همو که ما را با او از گم راهی به راه آوردی و از نادانی به دانایی کشاندی و از ناینایی به بینش رساندی و ما را با او در شاه راه روشن و راه تقوا نگاه داشتی و از اعماق تباهی ها به سوی همه نیکی ها بیرون کشیدی و ما را از لبه پرتگاه هلاکت نجات بخشیدی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ درودی برتر، کامل تر، شریف تر، بزرگ تر، پاک و پاکیزه تر، تام تر و عام تر، عزیزتر و پاکیزه تر و بالنده تر، نیکوتر و زیباتر از درودی که به هر یک از جهانیان فرستاده ای. خدایا! جایگاهش را در قیامت، باشکوه و حالش را پیش روی مردمان، بزرگ بدار. خدایا! روز قیامت، نزدیک ترین جایگاه مردم به خودت و والاترین مکان و وسیع ترین مجلس نزد خودت و باشکوه ترین و رفیع ترین منزل را از آن محمد و خاندان محمد قرار بده.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و نیز بر امامان هدایت، حجت های بر خلقت، راه نمایان به سنتت، دری که از آن [به سوی خدا] می آیند، مترجمان وحی ات، عاملان به سنتت، سخنگویان به حکمتت و گواهان بر آفریده هایت.

خدایا! با آنان(۱) پراکندگی ها را به اتحاد تبدیل نما و شکاف ها را پر کن و ستم را بمیران و عدالت را پدیدار کن و زمین را با طول عمرشان زینت ده و با یاری ات استوارشان کن و با هراس انداختن [در دل دشمن] یاری شان ده و یاورشان را تقویت کن و واگذارنده شان را وا گذار و بر آن که با ایشان دشمنی می کند، خشم بگیر و هر که را به آنها ستم می کند هلاک کن و سران گم راهی را به دست ایشان درهم شکن و نیز بدعت گذاران و کسانی

ص: ۱۵۹

---

۱- (۱) از این جا به طول یک پاراگراف، در الإقبال با اندک تفاوت هایی آمده که از جمله آوردن ضمیر مفرد به جای ضمیر جمع است که به امام زمان علیه السلام باز می گردد و آغاز آن چنین است: «خدایا! بر ولایت که منتظر امرت و منتظر گشایش کار اولیایت است درود فرست. خدایا! پراکندگی ها را با او پیوند بزن، و جدایی مان را با او به همبستگی بدل کن، و با او ستم را نابود ساز، و عدالت را برملا کن، و با طولانی کردن ماندگاری او، زمین را بیارا. او را با یاری خود تأیید نما، و با ترساندن [دشمنان]، او را پیروز کن...».

لَكَ الْمَوَاقِبَ بِالطَّاعَةِ، وَدَعَا الْعِبَادَ إِلَيْكَ بِالنَّصِيحَةِ، وَصَبَرُوا عَلَى مَا لَقُوا مِنَ الْأَذَى وَالتَّكْذِيبِ فِي جَنْبِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ، وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِمْ وَأَهْلِ بَيْتِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ، وَجَمِيعِ أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ جَمِيعاً فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، وَفِي هَذَا الْيَوْمِ، وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ.

اللَّهُمَّ اخْضِصْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُبَارَكِينَ السَّامِعِينَ الْمُطِيعِينَ لَكَ، الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً، بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَنَوَامِي بَرَكَاتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

٣/٣: الدُّعَاءُ لَهُ فِي الْجُمُعَةِ وَالْعِيدَيْنِ

١٠٥٦. الإقبال: ما رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَى هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعَكْبَرِيِّ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ، بِإِسْنَادِهِ إِلَى أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ:

ادْعُ فِي الْجُمُعَةِ وَالْعِيدَيْنِ، إِذَا تَهَيَّأْتَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعْيَدَ وَاسْتَعَدَّ لِيُفَادَهُ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ، فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي كَانَتْ وَفَادَتِي وَتَهَيَّئْتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي، رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرِ رَسولِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَعَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسولِكَ، وَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَى أُمَّهِ الْمُؤْمِنِينَ: الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ

ص: ١٦٠

که سنت ها را می میرانند و به باطل، عزت می جویند، و مؤمنان را با ایشان عزیز کن و کافران و منافقان را به دست ایشان دلیل نما و نیز همه ملحدان و مخالفان را در شرق و غرب گیتی، ای رحیم ترین رحیمان!

خدایا! بر همه فرستادگان و پیامبران درود فرست؛ آنان که هدایت تو را رساندند و پیمان اطاعت با تو بستند و بندگان را با دلسوزی و خیرخواهی به سوی تو فرا خواندند و به خاطر تو بر هر آزار و تکذیبی که دیدند، شکیب ورزیدند.

خدایا! بر محمد و بر ایشان (پیامبران و خاندان ایشان) و فرزندان و اهل خانه و همسرانشان و نیز همه پیروان و دنباله روان ایشان از مردان و زنان باایمان و مسلمان، زنده و مرده شان درود فرست، و در این ساعت و در این روز، سلام و رحمت و برکت خدا بر همه آنان باد!

خدایا! اهل بیت پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله را که همگی مبارک، گوش به فرمان و مطیع تو هستند و آلودگی را از آنها زدوده و آنان را پاک و پاکیزه نموده ای، به برترین درودهایت و بالنده ترین برکت هایت ویژه کن؛ سلام و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد! (۱)

### ۳/۳: دعا برای امام علیه السلام در روز جمعه و دو عید

۱۰۵۶. الإقبال - به نقل از ابو حمزه ثمالی :- امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که در روز جمعه و دو عید [فطر و قربان] خواستی [برای نماز] بیرون بروی این دعا را بخوان: خدایا! هر کس امروز آماده یا مهیا شد و وسایل و تدارکات درآمدن بر مخلوقی را فراهم آورد تا از کمک و جایزه و هدایای او بهره ای ببرد، من درآمدن و آمادگی و تهیه و تدارک را به سوی تو - ای سرورم - قرار دادم، به امید بهره بردن از تو و جوایز و هدیه هایت.

خدایا! بر محمد، بنده ات، فرستاده ات، گزیده از خلقت و بر علی، امیر مؤمنان و وصی

ص: ۱۶۱

---

۱- (۱) مصباح المتهجد: ص ۶۵۱ ح ۷۲۴، الإقبال: ج ۱ ص ۴۸۴، المصباح، کفعمی: ص ۸۶۲، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۱۶ ح ۴.



وَمُحَمَّدٍ وَتُسَمِّيهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِكَ (١) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَقُلْ:

«اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ (٢) فَتْحًا يَسِيرًا وَانصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ رَسُولِكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ مَا أَنْكَرْنَا مِنْ حَقِّ فَعَرَّفْنَاهُ وَمَا قَصْرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَاهُ».

وَتَدْعُو اللَّهَ لَهُ وَعَلَى عَدُوِّهِ، وَتَسْأَلُ حَاجَتَكَ وَيَكُونُ آخِرُ كَلَامِكَ:

«اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَذَكَّرُ فِيهِ فَيَذَكَّرُ» (٣).

٤/٣: الدُّعَاءُ لَهُ فِي عِيدِ الْغَدِيرِ

١٠٥٧. المقنعه - فِي دُعَاءِ يَوْمِ الْغَدِيرِ (٤) -: إِذَا ارْتَفَعَ النَّهَارُ مِنَ الْيَوْمِ الثَّامِنِ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ، فَاغْتَسِلَ فِيهِ كَغُسْلِكَ لِلْعِيدَيْنِ وَالْجُمُعَةِ، وَابْسُ أَطْهَرَ ثِيَابِكَ، وَامْسِسْ شَيْئًا مِنَ الطَّيِّبِ إِنْ قَدَرْتَ عَلَيْهِ، وَابْرُزْ تَحْتَ السَّمَاءِ وَارْتَقِبِ الشَّمْسَ، فَإِذَا بَقِيَ لِزَوَالِهَا نِصْفُ سَاعَةٍ أَوْ نَحْوِ ذَلِكَ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، تَقْرَأُ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا «فَاتِحَةَ الْكِتَابِ» وَعَشْرَ مَرَّاتٍ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَعَشْرَ مَرَّاتٍ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» وَعَشْرَ مَرَّاتٍ «آيَةَ الْكُرْسِيِّ» فَإِذَا سَلِمْتَ فَاحْمَدِ اللَّهَ تَعَالَى وَأَثْنِ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ أَهْلُهُ، وَصَلِّ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَابْتَهِلْ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي اللَّعْنَةِ لِظَالِمِي آلِ الرَّسُولِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

ص: ١٦٢

١- (١) فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ وَبَعْضِ نَسْخِ الْمَصْدَرِ: «إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ».

٢- (٢) فِي نَسْخِهِ: «لَنَا».

٣- (٣) فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ وَبَعْضِ نَسْخِ الْمَصْدَرِ: «يَذَكَّرُ فِيهِ فَيَذَكَّرُ».

٤- (٤) بَابُ صَلَاةِ يَوْمِ الْغَدِيرِ وَأَصْلُهَا: ص ٢٠٣.

پیامبرت درود فرست و - ای خدای من -، بر پیشوایان مؤمنان درود فرست، بر حسن، حسین، علی، محمد... - و تا آخر یکی یکی نام می بری تا به صاحبیت می رسی و می گویی: - خدایا! فتحی آسان را برای او فراهم آور و یاری پیروزمندانه را نصیب او فرما.

خدایا! دینت و سنت پیامبرت را به دست او چنان آشکار کن که هیچ بخشی از حقیقت را به خاطر هراس از کسی، پنهان ندارد.

خدایا! ما مشتاقیم تا دولت کریمه ای بر سر کار آوری که اسلام و مسلمانان را با آن، عزیز کنی و نفاق و منافقان را با آن، ذلیل گردانی و در آن، ما را از دعوتگران به فرمان برداری ات و پیش برندگان به راهت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را با آن، روزی ما کنی. خدایا! آنچه را از حق نمی شناسیم، به ما بشناسان و آنچه را به آن نرسیدیم، به ما برسان.

و خدا را برای او و بر ضد دشمنش می خوانی و حاجت خود را می خواهی و پایان سخت این باشد: خدایا! دعای ما را اجابت کن. خدایا! ما را از کسانی قرار ده که در این [روز، او را] یاد می کند و [در قیامت] یاد می شود». (۱)

### ۴/۳: دعا برای امام علیه السلام در عید غدیر

۱۰۵۷. المقنعه - در دعای روز غدیر - هنگامی که خورشید روز هجدهم ذی حجه بالا آمد، غسلی همانند غسل دو عید [فطر و قربان] و روز جمعه بکن و پاکیزه ترین لباس را بپوش و اگر توانستی خود را اندکی خوش بو کن و به زیر آسمان برو و مراقب خورشید باش تا چون به اندازه نیم ساعت یا همین حدود به ظهر مانده باشد، دو رکعت نماز و در هر رکعت، سوره حمد، ده مرتبه سوره توحید، ده مرتبه سوره قدر و ده مرتبه «آیه الکرسی» را بخوان و چون سلام دادی، خدای متعال را حمد کن و او را آن گونه که سزای آن است، می ستایی و بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درود فرست و برای لعنت کردن ستمکاران به خاندان پیامبر و

ص: ۱۶۳

وَأَشْيَاعِهِمْ، ثُمَّ ادْعُ فَقُلْ:...

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنَا فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ، وَبَصَّرَنَا حُرْمَتَهُ وَكَرَّمَنَا بِهِ، وَشَرَّفَنَا بِمَعْرِفَتِهِ وَهَدَانَا بِنُورِهِ، يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَلَيْكُمَا وَعَلَى عِتْرَتِكُمَا وَعَلَى مُحِبِّيَكُمَا مِنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، بِكُمَا أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا فِي نَجَاحِ طَلِبَتِي، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَتَيْسِيرِ امُورِي.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَلْعَنَ مَنْ جَحَدَ حَقَّ هَذَا الْيَوْمِ وَأَنْكَرَ حُرْمَتَهُ، فَصَدَّ عَن سَبِيلِكَ لِإِطْفَاءِ نُورِكَ، فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ.

اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَن أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَاكْشِفْ عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الْكُرْبَاتِ، اللَّهُمَّ اَمَلِ الْأَرْضِ بِهِمْ عَيْدًا كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَجُورًا، وَأَنْجِزْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ. (١)

١٠٥٨. تهذيب الأحكام عن علي بن الحسين العبدى عن الإمام الصادق عليه السلام - فى نقلِ دُعَاءِ بَعْدَ صِيْلَاهِ يَوْمِ الْغَدِيرِ (٢) -  
...: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ، وَبِالَّذِي

ص: ١٦٤

١- (١) و فى الإقبال: «من الدعوات فى يوم الغدير، ما رويناها بإسنادنا عن الشيخ المفيد - رضوان الله عليه -: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ...»، و فى البلد الأمين والكفعمى «ثم ادع أيضاً بهذا الدعاء: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ...»،

٢- (٢) ورد صدر هذا الدعاء فى المصادر بالشكل التالى: تهذيب الأحكام: الحسين بن الحسن الحسينى، قال: حدَّثنا مُحَمَّدُ بن موسى الهمداني، قال: حدَّثنا علي بن حسان الواسطى، قال: حدَّثنا علي بن الحسين العبدى، قال: سمعت أبا عبد الله الصادق عليه السلام يقول: ... الإقبال: ومن الدعوات فى يوم عيد الغدير ما نقلناه من كتاب محمّد بن علي الطرازى أيضاً بإسناده إلى أبى الحسن عبد القاهر بواب مولانا أبى إبراهيم موسى بن جعفر و أبى جعفر محمّد بن علي عليهما السلام، قال: حدَّثنا أبو الحسن علي بن حسان الواسطى بواسط، قال: حدَّثنى علي بن الحسن العبدى، قال: سمعت أبا عبد الله جعفر بن محمّد الصادق عليه الصلاة والسلام وعلى آبائه وأبنائه يقول:...

پیروانشان، با خدای متعال دعا و راز و نیاز کن. سپس دعا کن و بگو: «... ستایش ویژه‌ی خدایی که فضیلت امروز را به ما شناساند و حرمت آن را به ما فهماند و ما را با آن گرامی داشت و ما را با معرفتش شوکت داد و با نورش هدایت کرد. ای فرستاده‌ی خدا، ای امیر مؤمنان! بر شما دو تن و بر خاندان و دوستانتان از سوی من، بهترین سلام‌ها تا روز و شب باقی است نثارتان باد. برای برآورده شدن درخواستم و قضای حوائج و آسان شدن کارهایم، با شما به سوی خداوند، پروردگار من و شما روی می‌آورم.

خدایا! به حقّ محمد و خاندان محمد، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و هر کس که حقّ امروز را انکار می‌کند و حرمت آن را پاس نمی‌نهد و جلوی راه تو را برای خاموش کردن نورت می‌گیرد، لعنت کنی؛ که خداوند، چیز دیگری جز کامل شدن نورش را نمی‌پذیرد.

خدایا! گره از کار اهل بیت پیامبرت بگشای و سختی‌ها را از ایشان و به دست ایشان از مؤمنان برطرف کن. خدایا! زمین را به دست ایشان از عدالت پر کن، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است و آنچه را به ایشان وعده داده‌ای به انجام رسان که تو خلف وعده نمی‌کنی (۱)». (۲)

۱۰۵۸. تهذیب الأحکام - به نقل از علی بن حسین عبیدی، در بیان دعای پس از نماز روز غدیر - امام صادق علیه السلام فرمود: «... خدایا! به حقّی که نزد ایشان نهادی و به آنچه آنان را بدان بر همه‌ی جهانیان برتری دادی، از تو می‌خواهم امروز که ما را در آن گرامی داشتی، بر ما مبارک گردانی و نعمت را بر ما کامل کنی و آن را برای همیشه نزد ما

ص: ۱۶۵

۱- (۱) در الإقبال آمده است: از دعاهای روز غدیر، دعایی است که ما با اسناد خود آن را از شیخ مفید - رضوان خدا بر او - روایت کردیم: «خداوند! از تو درخواست می‌کنم»، و در آغاز کتاب البلد الامین و المصباح کفعمی، این گونه آمده است: «سپس این دعا را نیز بخوان: خداوند! از تو درخواست می‌کنم».

۲- (۲) المقنعه: ص ۲۰۴-۲۰۶، الإقبال: ج ۲ ص ۳۰۴-۳۰۶، البلد الامین: ص ۲۶۱-۲۶۲، المصباح، کفعمی: ص ۹۰۷-۹۰۸، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۳۲۰.

فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعًا، أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي أَكْرَمْتَنَا فِيهِ، وَأَنْ تُتِمَّ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ، وَتَجْعَلَهُ عِنْدَنَا مُسْتَقْرًا وَلَا تَسْلُبْنَاهُ أَبَدًا، وَلَا تَجْعَلَهُ مُسْتَوْدَعًا؛ فَإِنَّكَ قُلْتَ: «مُسْتَقْرٌ وَمُسْتَوْدَعٌ» (١) فَاجْعَلْهُ مُسْتَقْرًا وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَوْدَعًا، وَارْزُقْنَا نَصْرَ دِينِكَ مَعَ وُلِيِّ هَادٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُ وَتَحْتَ رَأْيَتِهِ شُهَدَاءَ صِدِّيقِينَ فِي سَبِيلِكَ، وَعَلَى نَصْرِهِ دِينِكَ. (٢)

ص: ١٦٦

١- (١) إشاره إلى الآية: ٩٨ من سورة الأنعام.

٢- (٢) نقل في نسخه المزار للمفيد:... اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ، وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ بِهِ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعًا، أَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا، الَّذِي أَكْرَمْتَنَا فِيهِ بِالْوَفَاءِ بَعْدَكَ الَّذِي عَاهَدْتَهُ إِلَيْنَا، وَالْمِيثَاقَ الَّذِي وَاثَقْتَنَا بِهِ مِنْ مَوَالِهِ أَوْلِيَائِكَ وَالْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكَ، أَنْ تُتِمَّ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ، وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَوْدَعًا وَاجْعَلْهُ مُسْتَقْرًا، وَلَا تَسْلُبْنَاهُ أَبَدًا وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا، وَارْزُقْنَا مِرَافِقَهُ وَلِيَّكَ الْهَادِيَ الْمَهْدِي إِلَى الْهَدْيِ، وَتَحْتَ لَوَائِهِ وَفِي زِمْرَتِهِ شُهَدَاءَ صَادِقِينَ، عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ دِينِكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

قرار دهی و هرگز از ما نگیری و آن را موقت و امانتی نزد ما نهدی؛ که تو خود گفتی:

" [باور و ایمان یا] مستقر و پابرجاست و [یا موقت و] امانتی " (۱). پس آن را برای ما پابرجا و نه امانتی قرار بده و یاری دینت، همراه ولی هدایتگر یاری شده از میان اهل بیت پیامبرت را روزی ما کن و ما را در رکاب و زیر پرچم او شهید راستین در راهت و برای یاری دینت قرار بده» (۲). (۳)

ص: ۱۶۷

۱- (۱) به آیه ۹۸ از سوره انعام، اشاره دارد.

۲- (۲) در نسخه المزار شیخ مفید این دعا چنین نقل شده است: «... خدایا! به حقی که نزد ایشان نهادی و به آنچه آنان را بدان بر جهانیان برتری دادی، از تو می خواهم امروز که ما را با وفا به عهدی که با تو بسته بودیم و نیز پیمان ولایت اولیایت و بیزاری از دشمنانت که از ما گرفته بودی، گرامی داشتی، بر ما مبارک کنی و نعمت را بر ما تمام کنی و آن را عاریتی قرار ندهی و پابرجا کنی و هیچ گاه آن را از ما نگیری و آن را [موقت و] عاریتی قرار ندهی و همراهی ولی راه نمای رهیافته ات به هدایت، مهدی را روزی ما کنی و ما را در رکاب و زیر پرچم او از شهیدان راستین و با بصیرت دینی قرار دهی که تو بر هر کاری توانایی».

۳- (۳) تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۱۴۳-۱۴۷ ح ۳۱۷، الإقبال: ج ۲ ص ۲۸۲-۲۸۸ (با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۳۰۷ ح ۲، المزار، مفید: ص ۹۰-۹۵، مصباح المتهدجد: ص ۷۴۷-۷۵۱، المصباح، کفعمی: ص ۶۸۱، البلد الأمين: ص ۲۵۹.

الفصل الرابع: الدُّعَاءُ لِلْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ

١/٤: الدُّعَاءُ لَهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْهُ

دُعَاءُ الْإِفْتِتَاحِ

١٠٥٩. الإقبال(١): مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي قُرَّةٍ بِإِسْنَادِهِ فَقَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْعَنَائِمِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسِينِيِّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو عَمْرٍو مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ نَصْرِ السَّكُونِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ:

سَأَلْتُ أَبَا بَكْرٍ أَحْمَدَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْبَغْدَادِيَّ أَنْ يُخْرِجَ إِلَيَّ أَدْعِيَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّتِي كَانَ عَمُّهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ السَّعِيدِ الْعَمْرِيُّ يَدْعُو بِهَا، فَأَخْرَجَ إِلَيَّ دَفْتَرًا مُجَلَّدًا بِأَحْمَرَ، فَنَسَخْتُ مِنْهُ أَدْعِيَةً كَثِيرَةً، وَكَانَ مِنْ جُمَلَتِهَا:

وَتَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ؛ فَإِنَّ الدُّعَاءَ فِي هَذَا الشَّهْرِ تَسْمَعُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَسْتَغْفِرُ لِصَاحِبِهِ، وَهُوَ:

ص: ١٦٨

١- (١) لم يذكر شأن صدور هذا الدعاء في المصادر التي بين أيدينا إلا في «الإقبال»، ولكن لا يمكن الاستفادة من هذا النص بشكل صريح نسبته إلى الإمام المهدي عليه السلام، على الرغم من أن العلامة المجلسي نسبته إلى الإمام عليه السلام، حتى أنه استند إلى مفاده في بحث الإمامه.

#### دعای افتتاح

۱۰۵۹. الإقبال (۱) - به نقل از ابو عمرو محمّد بن محمّد بن نصر سیکونی - از ابو بکر احمد بن محمّد بن عثمان بغدادی خواستم دعاهای ماه رمضان را که عمویش ابو جعفر محمّد بن عثمان بن سعید عمری [نایب امام زمان علیه السلام] می خوانده، برایم درآورد. پس دفتری را که جلد قرمز داشت، بیرون آورد. من دعاهای بسیاری از روی آن نوشتم و از جمله آنها این نوشته بود: و این دعا را در هر شب از ماه رمضان می خوانی که فرشتگان، دعا در این ماه را می شنوند و برای دعاکننده، آمرزش می طلبند و دعا چنین است: «خدایا! من ستودن را با ستایش تو می آغازم و تو با نعمتبخشی ات، استوارکننده راه درستی، و یقین دارم که تو رحیم ترین رحیمان در جایگاه عفو و بخششی و سختگیرترین کیفردهندگان در

ص: ۱۶۹

---

۱- (۱) سبب صدور این دعا، تنها در الإقبال ذکر شده است؛ اما با استناد به این گفته، نمی توان آن را قاطعانه به امام مهدی علیه السلام نسبت داد، هر چند علامه مجلسی، آن را به امام نسبت داده، و در بحث امامتش به آن استناد کرده است.



اللَّهُمَّ إِنِّي أفتِحُ الشَّاءَ بِحَمْدِكَ وَأنتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنِّكَ، وَأَيَّقُنْتُ أَنَّكَ أرحمُ الرَّاحِمِينَ في مَوْضِعِ العَفْوِ وَالرَّحْمَةِ، وَأشدُّ المعاقِبِينَ في مَوْضِعِ النِّكَالِ وَالنَّقَمَةِ...

اللَّهُمَّ وَصَلْ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ القَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالعَدْلِ الْمُنتَظَرِ، وَحُفَّةِ بَمَلَانِكِتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَيِّدُهُ بِرُوحِ القُدْسِ يَا رَبَّ العَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ، وَالقَائِمَ بِدِينِكَ، وَاسْتَخْلِفْهُ فِي الأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِ، مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، أَبْدِلْهُ مِن بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ أعِزَّهُ وَأعِزِّزْ بِهِ، وَانصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ، وَانصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا، [وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا مُبِينًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِن لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِيرًا] (١).

اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ؛ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الخَلْقِ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نرْعُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ، تُعِزُّ بِهَا الإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ.

اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنَ الحَقِّ فَحَمَلْنَا، وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَا.

اللَّهُمَّ المُّمُّ بِهِ شَعْنُنَا (٢)، وَاشْعَبَ بِهِ صَدَعُنَا (٣)، وَارْتُقُ بِهِ فَتَقْنَا، وَكَثُرَ بِهِ قَلْتْنَا، وَأَعِزَّ

ص: ١٧٠

١- (١) اضيفت الزيادة من الطبعه الحجرية للمصدر والمصباح للكفعمي.

٢- (٢) الشَّعْتُ: انتشار الأمر، يقال: لَمَّ اللهُ شَعْتَكَ: أى جمع أمرَكَ المنتشر (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٩٥٤ «شعث»).

٣- (٣) شَعِبْتُ الشَّيْءَ: جمعته وأصلحته؛ أى أصلح به ما تشعب منّا. وَالصَّدْعُ: الشَّقُّ (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٩٥٤ و ص ١٠١٦ «شعب»).

خدایا! بر ولیّ امرت، قائمی که آرزویش را می برند و عدلی که چشم به راهش هستند، درود فرست و گرداگرد او را با فرشتگان مقربت پُر کن و او را با روح القدس استوار بدار، ای خدای جهانیان!

خدایا! او را دعوتگر به کتابت و برپا دارنده دینت قرار بده. او را در زمین، خلیفه کن، همان گونه که پیشینیان از او را خلیفه کردی. او را بر [تحقق] همان دینش که برایش پسندیده ای قدرت بده. او را پس از بیم و هراسش، آسوده خاطر کن که تنها تو را می پرستد و هیچ چیزی را همتای تو نمی گیرد.

خدایا! او را عزیز کن و با او [دیگران را] عزیز کن. او را یاری بده و به دست او انتقام بگیر. او را نصرتی پیرومند عطا کن و فتوحی آشکار به دست او فراهم آور، و از جانب خودت تسلطی پیرومند را برای او قرار بده.

خدایا! دین و سنت پیامبرت را به دست او چنان آشکار کن که چیزی از حقیقت را به خاطر هراس از کسی پنهان ندارد.

خدایا! ما مشتاقیم تا دولت کریمه ای بر سر کار آوری که اسلام و مسلمانان را با آن، عزیز گردانی و نفاق و منافقان را با آن ذلیل گردانی و در آن، ما را از دعوتگران به فرمان برداری ات و پیش برندگان به راهت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را با آن، روزی ما کنی.

خدایا! توفیق عمل به آنچه از حق شناخته ایم، به ما عنایت کن و آنچه را به آن نرسیده ایم، به ما برسان.

خدایا! به دست او پراکندگی مان را به اتحاد و تفرقه مان را به اتفاق تبدیل کن و شکافمان را با او پُر کن و کمی شمارمان را با او به فراوانی دگرگون کن و خواریمان را با او به عزت برسان و فقیرمان را با او توانگر کن و وامدارمان را با او توان پرداخت بده و فقرمان را با او جبران کن و نداشته هایمان را با او پر کن و دشواری هایمان را با

بِهِ ذَلَّتْنَا، وَأَغْنِي بِهِ عَائِلَنَا(١) ، وَأَقْضِ بِهِ عَن مَّغْرَمِنَا(٢) ، وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا، وَسُدِّ بِهِ خَلَّتْنَا، وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا، وَيَبِيضْ بِهِ وُجُوهَنَا، وَفُكِّ بِهِ أَسْرَنَا، وَأَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتْنَا، وَأَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا، وَاسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا، [وَأَعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا، وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ آمَالَنا](٣) ، وَأَعْطِنَا بِهِ آمَالَنا، وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا، يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ، أَشْفِ بِهِ صُدُورَنَا، وَأَذْهَبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا، وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ؛ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَانصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا - صَيَلَمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ - وَغَيْبَهُ إِمَامِنَا(٤) ، وَكَثْرَةَ عِدُوِّنَا [وَقَلَّةَ عَدَدِنَا](٥) وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ تَعْجَلُهُ، وَبِضُرِّ تَكْشِفُهُ، وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ، وَسُلْطَانٍ حَقٌّ تَظْهَرُهُ، وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا، وَعَافِيَةٍ [مِنْكَ](٦) تُبَلِّسُنَاهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

٢/٤: الدُّعَاءُ لَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْهُ

١٠٦٠. المقنعه: بَابُ الدُّعَاءِ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْهُ وَشَرَحَهُ:

ص: ١٧٢

١- (١) العائل: الفقير (النهاية: ج ٣ ص ٣٣٠ «عيل»).

٢- (٢) المَغْرَم: كثير الدين (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١٣١٧ «غرم»).

٣- (٣) اضيفت الزيادة من الطبعه الحجرية للمصدر والمصباح للكفعمي.

٤- (٤) في المصباح للكفعمي: «ولينا» بدل «إمامنا».

٥- (٥) اضيفت الزيادة من الطبعه الحجرية للمصدر والمصباح للكفعمي.

٦- (٦) اضيفت الزيادة من الطبعه الحجرية للمصدر والمصباح للكفعمي.

او آسان کن و سیمایمان را با او نورانی بنما و اسیران را با او آزاد کن و درخواست هایمان را با او برآورده ساز و وعده هایی که به ما داده ای، با او به انجام برسان و دعایمان را با او مستجاب کن و آنچه را خواسته ایم با او عطا کن و ما را به دست او به آرزوهای دنیایی و آخرتی مان برسان و ما را با او به آرزوهایمان برسان و بیش از رغبتمان به ما ببخش، ای بهترین درخواست شونده و گشاده دست ترین عطا کننده! سینه هایمان را با او شفا بده و خشم دل هایمان را با او از میان ببر و ما را به اذن خودت و به دست او در آن جا که حق دچار اختلاف می شود، هدایت کن؛ که تو هر کس را بخواهی به راه راست هدایت می کنی، و ما را با او بر دشمنت و دشمنان ما یاری و پیروزی بده، ای خدای حق! اجابت کن.

خدایا! ما از فقدان پیامبرمان - که درودهایت بر او و خاندانش باد - به تو شکوه می کنیم و از غیبت اماممان و فراوانی دشمنانمان و کمی شمارمان و شدت فتنه هایمان و پشت به پشت هم دادن روزگار بر ضد ما. پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ما را بر این امر یاری ده با فتحی که در آن تعجیل می کنی و با برطرف کردن دشواری، و نصرتی پیروزمندانه و سیطره حقی که پدیدار می نمایی و رحمتی از جانب خودت که ما را فرا می گیرد و عافیتی که بر ما می پوشانی، به رحمت ای رحیم ترین رحیمان» (۱).

#### ۲/۴: دعای هر روز ماه رمضان برای امام علیه السلام

۱۰۶۰. المقنعه: باب دعای هر روز ماه رمضان و شرح آن: در هر روز آن، دعا می کنی و

ص: ۱۷۳

---

۱- (۱) الإقبال: ج ۱ ص ۱۳۸، تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۱۰۸، مصباح المتهجد: ص ۵۷۷ ح ۶۹۰، البلد الأمين: ص ۱۹۳، المصباح، کفعمی: ص ۷۷۰، بحار الأنوار: ج ۲۴ ص ۱۶۶ ح ۱۴.

وتدعو في كلِّ يومٍ مِنْهُ، فتقولُ (١):

اللَّهُمَّ هذا شهرُ رَمَضانَ الَّذي أنزلتَ فيه القرآنَ... يا أحيِدُ، يا صَيِّمُدُ، يا رَبَّ مُحَمَّدٍ، اغضبِ اليومَ لِمُحَمَّدٍ ولِأَبْرارِ عِترَتِهِ، واقتلِ أعداءَهُم بَدَدًا، وأحصِهِم عَدَدًا، ولا تَدعِ على ظَهْرِ أرضِكَ مِنْهُم أَحَدًا، ولا تَغفِرَ لَهُم أبَدًا.

يا حَسَنَ الصُّحْبَةِ، يا خَلِيفَةَ النَّبِيِّينَ، أنتَ أرحَمُ الرَّاحِمِينَ، اليَدِيُّ، اليَدِيعُ، الَّذي لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ، وَالِدائِمُ غَيْرُ الغَافِلِ، وَالْحَيُّ الَّذي لا- يَمُوتُ، أنتَ كُلُّ يَوْمٍ في شَأْنٍ، أنتَ ناصِرُ مُحَمَّدٍ، ومُفَضَّلُ مُحَمَّدٍ، أَسأأ لُحْمَكَ أن تَنْصِيرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ، وخَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ، وَالقائِمَ بِالقِسطِ مِنْ أوصِياءِ مُحَمَّدٍ صِلُوا تَكَ عَلَيْهِمُ، اعطِفْ عَلَيْهِمُ نَصْرَكَ يا لا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، بِحَقِّ لا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ، صَلِّ على مُحَمَّدٍ وآلِ مُحَمَّدٍ، واجْعَلْني مَعَهُم في الدُّنيا وَالآخِرَةِ، واجْعَلْ عاقِبَةَ أَمْرِي إلى غُفْرانِكَ وَرَحْمَتِكَ يا أرحَمَ الرَّاحِمِينَ.

١٠٦١. المقنعه: بابُ شَرَحِ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَالْأئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ في كُلِّ يَوْمٍ مِنْهُ إلى آخِرِها:

وَتَتَّبِعُ هَذَا التَّسْبِيحَ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَى ما جَاءَتْ بِهِ الْآثَارُ فَتَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (٢)

ص: ١٧٤

١- (١) المتن الوارد في التهذيب ومصباح المتهجد يشابه ذلك الوارد في المقنعه. ولكن نقل السيد بن طاووس في الإقبال هكذا: أقول: وها نحن ذاكرون ما وعدنا به من الدعاء كل يوم من شهر رمضان: وهو مما روينا بإسنادنا إلى محمد يعقوب الكليني من كتاب الكافي، ومن كتاب علي بن عبد الواحد النهدي بإسنادهما إلى مولانا علي بن الحسين صلوات الله عليهما، أنه كان يدعوه به، وأن مولانا محمد بن علي الباقر عليه السلام كان أيضاً يدعوه به كل يوم من شهر رمضان، وفي بعض الروايات زياده ونقصان، وهذا لفظ بعضها: اللهم هذا شهر رمضان، الذي أنزلت فيه القرآن...

٢- (٢) الأحزاب: ٥٦.

می گویی: (۱) «خدایا! این ماه رمضان است که قرآن را در آن فرو فرستادی... ای یگانه! ای بی نیاز! ای خدای محمد! امروز برای محمد و نیکان عترتش خشم بگیر و دشمنانش را دسته دسته به هلاکت برسان و یک یک آنها را به شمار آر و یک تن از آنها را بر روی زمینت باقی مگذار و هرگز آنها را نیامرز.

ای همراه نیکو! ای جانشین پیامبران! تو رحیم ترین رحیمانی. آغازگر! نوآفرین! کسی که چیزی همانندت نیست، جاوید بی غفلت، زنده بی مرگ و هر روز به کاری. تو یاور محمد و برتری دهنده محمدی. از تو می خواهم که وصی محمد، خلیفه محمد، قیام کننده به عدالت را از میان اوصیای محمد - که درودهایت بر ایشان باد - یاری دهی [و] یاری ات را متوجه آنان کنی. ای خداوند بی همتا! به حق یگانگی و بی همتایی ات، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ما را در دنیا و آخرت، همراه آنان کن و فرجام کارم را به سوی مغفرت و رحمت قرار بده، ای رحیم ترین رحیمان!». (۲)

۱۰۶۱. المقنعه: باب توضیح درود فرستادن بر پیامبر و امامان علیه السلام در هر روز ماه رمضان از اول تا آخر آن: در پی این تسبیح، بر محمد و خاندانش - مطابق همان گونه که روایات گفته اند - درود می فرستی. پس می گویی: «خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای مؤمنان! بر او درود فرستید و سلامی کامل و شایسته به او بدهید». آری، ای خدای من! حتماً چنین

ص: ۱۷۵

---

۱- (۱) متن موجود در تهذیب الأحکام و مصباح المتهدجد، شبیه متن موجود در المقنعه است؛ اما سید ابن طاووس در الإقبال، آن را این گونه نقل کرده است. می گویم: ما دعایی را که برای هر روز ماه رمضان وعده کردیم، نقل کنیم، چنین است: آنچه با سند خود از محمد بن یعقوب کلینی در کتاب الکافی، و از کتاب علی بن عبد الواحد نهدی، با سند هر دو به امام علی بن حسین - که صلوات خدا بر آن دو باد - روایت کرده ایم، این است و امام زین العابدین علیه السلام، آن را می خواند. و امام محمد بن علی باقر علیه السلام نیز در هر روز ماه رمضان آن را می خواند. در برخی روایت ها، کم و زیاد دارد و الفاظ برخی چنین است: «اللهم هذا شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن... خداوندا! این ماه رمضان است، که در آن قرآن را فرو فرستادی...».

۲- (۲) المقنعه: ص ۳۳۲-۳۳۹، تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۱۱۱-۱۱۴، مصباح المتهدجد: ص ۶۱۰-۶۱۴ ح ۶۹۶، الإقبال: ج ۱ ص ۲۰۲-۲۰، البلد الأمين: ص ۲۲۳-۲۲۵، المصباح، کفعمی: ص ۸۱۷-۸۲۱، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۱۰۱-۱۰۴ ح ۳.

لَيْبِكَ يَا رَبِّ وَسَعَدَيْكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ [العسكري] إمامِ المُسْلِمِينَ، ووالِ مَنْ وَالَاهُ، وِعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَضَاعِفِ الْعَذَابِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِهِ إمامِ المُسْلِمِينَ، ووالِ مَنْ وَالَاهُ، وِعَادِ مَنْ عَادَاهُ...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْخَيْرِ مِنْ ذُرِّيَةِ نَبِيِّكَ. اللَّهُمَّ اخْلُفْ نَبِيَّكَ فِي أَهْلِهِ، اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ عَدَدِهِمْ وَمَدَدِهِمْ وَأَنْصَارِهِمْ عَلَى الْحَقِّ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، اللَّهُمَّ اطْلُبْ بِذَلِيلِهِمْ (١) وَوَتْرِهِمْ وَدِمَائِهِمْ، وَكُفِّ عَنَّا وَعَنْهُمْ وَعَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بِأَسِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَكُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا، إِنَّكَ أَشَدُّ بِأَسًّا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا.

ص: ١٧٦

---

١- (١) في المصدر: «بدلهم»، والتصويب من بحار الأنوار، والذحل: الوترُ وطلب المكافأه بجنايه جنيت عليه (النهايه: ج ٢ ص ١٥٥ «ذحل»).

می‌کنم. خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و... خدایا! بر امام حسن عسکری، پیشوای مسلمانان، درود فرست و هر کس را با او دوستی می‌کند، دوست بدار و هر کس را با او دشمنی می‌کند، دشمن بدار و عذاب ستمکار بر او را دو چندان کن. خدایا! بر جانشین پس از او، امام مسلمانان درود فرست و هر کس را با او دوستی می‌کند، دوست بدار و هر کس را با او دشمنی می‌کند، دشمن بدار....

خدایا! بر برگزیدگان از نسل پیامبرت درود فرست. خدایا! خودت جانشین پیامبر میان خاندانش باش. خدایا! آنان را بر زمین مسلط کن. خدایا! ما را از شمار ایشان و در نهان و آشکار، یار و یاور آنان برای حقیقت قرار بده. خدایا! انتقام و قصاص و خون بهای ایشان را بستان و آزار و هراس هر گردنکش سرکشی را از ما و آنان و از هر مرد و زن باایمان و هر جنبه‌ای که تو اختیارش را به دست داری، باز دار؛ که هراس از تو بیشتر و کیفر و عقوبت تو سخت تر است»<sup>(۱)</sup>.

ص: ۱۷۷

---

۱- (۱) المقنعه: ص ۳۲۹، تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۱۱۹، مصباح المتهجد: ص ۶۲۰ ح ۶۹۹، روضه الواعظین: ص ۳۵۵، الإقبال: ج ۱ ص ۲۱۲-۲۱۵، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۱۰۸.



١٠٦٢. الإقبال: فَصَّلَ فِيمَا يَخْتَصُّ بِالْيَوْمِ الثَّلَاثِ عَشَرَ مِنْ دَعَوَاتٍ غَيْرِ مُتَكَرِّرَةٍ (١):

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوِلَايَتِكَ، وَوِلَايَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ، وَوِلَايَةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سِبْطَيْ نَبِيِّكَ وَسَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ جَنَّتِكَ، وَأَدِينُكَ يَا رَبِّ بِوِلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَسَيِّدَيْ وَمَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ، أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ وَوِلَايَتِهِمْ، وَبِالتَّسْلِيمِ بِمَا فَضَّلْتَهُمْ، رَاضِيًا غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، عَلِيٌّ مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ (٢) وَادْفَعْ عَنَّا وَوَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ، وَلِسَانِكَ وَالْقَائِمِ

ص: ١٧٨

١- (١) ورد بدايه هذا الدعاء إلى «وادفع عن وليك» في أدعيه تعقيبات الصلاه الواجبه عن الصادق عليه السلام. الكافي: محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد بن محمد بن سنان، عن عبد الملك القمي، عن إدريس أخيه، قال: سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: إذا فرغت من صلاتك فقل: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوِلَايَتِكَ وَوِلَايَةِ رَسُولِكَ وَوِلَايَةِ الْأَئِمَّةِ (عليهم السلام) مِنْ أَوْلَاهُمْ إِلَى آخِرِهِمْ»، وَتَسْمِيهِمْ ثُمَّ قُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوِلَايَتِهِمْ وَالرِّضَا بِمَا فَضَّلْتَهُمْ بِهِ، غَيْرِ مُتَكَبِّرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ عَلِيٌّ مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ عَلَى حُدُودِ مَا أَتَانَا فِيهِ وَمَا لَمْ يَأْتِنَا، مُؤْمِنٌ مَقْرٌ مُسَلِّمٌ بِذَلِكَ، رَاضٍ بِمَا رَضِيَتْ بِهِ يَا رَبِّ، أَرِيدُ بِهِ وَجْهَكَ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ فِيهِ، فَأَحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى ذَلِكَ، وَأَمْتِنِي إِذَا أَمْتَنِي عَلَى ذَلِكَ، وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَى ذَلِكَ، وَإِنْ كَانَ مِنِّي تَقْصِيرٌ فِيمَا مَضَى فَإِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْهُ وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيمَا عِنْدَكَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي مِنْ مَعْصِيكَ وَلَا تَكْلِنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَهُ عَيْنٍ أَبَدًا مَا أَحْيَيْتَنِي، لَا أَقْلُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرُ، إِنَّ النَّفْسَ لِأَمَّارَهُ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ حَتَّى تَتَوَفَّانِي عَلَيْهَا وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، وَأَنْ تَخْتَمَ لِي بِالسَّعَادَةِ وَلَا تَحْوِلْنِي عَنْهَا أَبَدًا وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ» (الكافي: ج ٣ ص ٣٤٥ ح ٢٦، تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ٩٩ ح ٢٥٩، الإقبال: ج ١ ص ٣٣٨، فلاح السائل: ص ٣٠٥).

٢- (٢) القسم الأخير من هذا الدعاء هو جزء من دعاء الإمام الرضا عليه السلام وسنورده ضمن أدعيه الأئمه عليهم السلام.

۱۰۶۲. الإقبال: دعاهای ویژه روز سیزدهم و دعاهای غیر تکراری آن: (۱) «خدایا! من به اطاعت از تو و ولایت تو گردن می نهم و نیز به ولایت محمد، پیامبرت و ولایت امیر مؤمنان، دوست پیامبرت، و ولایت حسن و حسین، دو نوه پیامبرت و دو سرور جوانان بهشتی ات، و - ای خدای من - ولایت علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و سرور و مولایم صاحب الزمان را برای تو گردن می نهم. ای خدای من! من به اطاعت از ایشان و ولایتشان و تسلیم در برابر آنچه با آن به ایشان برتری بخشیدی، با رضایت و مطابق آنچه در کتابت نازل کرده ای، در برابرت سر فرود می آورم بی آن که به انکار برخیزم یا گردن کشم.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست (۲) و از ولایت دفاع کن. او که خلیفه

ص: ۱۷۹

۱- (۱) بخش نخست این دعا در الکافی، جزو تعقیبات پس از نمازهای واجب و به نقل از امام صادق علیه السلام با تفاوت هایی آمده است: «خدایا! من به اطاعت و ولایت تو و ولایت پیامبرت و ولایت امامان علیهم السلام از آغاز تا فرجامشان گردن می نهم»، و نام امامان را می بری و سپس می گویی: «خداوند! من پذیرای آیین توأم با اطاعت از تو و ولایت اهل بیت و رضایت به آنچه آنها را به آن برتری دادی، بی آن که کبر و تکبری داشته باشم، در برابر آنچه در کتابت فرو فرستادی، در همان چارچوبی که در آن برای ما آمد و آنچه نیامد، مؤمنم و اعتراف دارم و در برابر آن تسلیم هستم. پروردگارا! به آنچه تو به آن راضی هستی، من به آن راضی ام. توجه تو را و سرای آخرت را با آن طالبم، با آن هراسناکم و با آن مشتاق توأم. پس تا زمانی که مرا زنده می داری، به آن زنده بدار، و هرگاه میراندی با آن بمیران. و هرگاه برانگیختی با آن برانگیزان. اگر در گذشته، کوتاهی از سوی من بوده، از آن به درگاه تو توبه می کنم، و به آنچه در نزد توست راغبم. از تو درخواست می کنم که مرا از گناهانت ننگه داری، و تا زمانی که زنده ام می داری، یک چشم به هم زدن و کمتر و بیشتر از آن، به خودم وا مگذاری؛ چرا که نفس به بدی فرمان می دهد، جز آنچه تو ترحم کنی. ای مهربان ترین مهربانان! از تو درخواست می کنم که مرا در طاعت خودت ننگه داری تا زمانی که مرا بمیرانی، و تو از من خشنود باشی، و عاقبتم را به خوش بختی ختم کنی، و هرگز از آن به چیز دیگر تغییر ندهی و هیچ نیرویی جز تو نیست».

۲- (۲) بخش پایانی این دعا، بخشی از دعای امام رضا علیه السلام است که در ضمن دعاهای ائمه علیهم السلام خواهیم آورد.

بِقِسْطِكَ، وَالْمُعْظَمَ لِحُرْمَتِكَ وَالْمُعْبَرِ عَنْكَ وَالنَّاطِقِ بِحُكْمِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةَ وَأُذُنِكَ السَّامِعَةَ، وَشَاهِدِ عِبَادِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ وَالْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيْعُ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَأَعِنْهُ وَأَعِنْ عَنَّهُ، وَاجْعَلْنِي وَوَالِدِيَّ وَمَا وَلَدَا وَوُلْدِي مَنْ الَّذِينَ يَنْصُرُونَهُ وَيَنْتَصِرُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَارْتُقْ بِهِ فَتَقْنَا، اللَّهُمَّ أُمَّتَ بِهِ الْجَوْرَ، وَدَمْدِمَ (١) بِمَنْ نَصَبَ لَهُ، وَاقْصِمَ رُؤُوسَ الضَّالِّهِ حَتَّى لَا تَدَعَ عَلَى الْأَرْضِ مِنْهُمْ دَيَّارًا.

١٠٦٣. الإقبال: دُعَاءُ آخِرُ فِي الْيَوْمِ الثَّلَاثِ عَشَرَ مِنْ مَجْمُوعِهِ مَوْلَانَا زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ إِنَّ الظَّلْمَةَ جَحَدُوا آيَاتِكَ وَكَفَرُوا بِكِتَابِكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِكَ، وَلَا تُنْكِرْ وِلَايَةَ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَوِلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَوِلَايَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ سَبَطَى نَبِيِّكَ وَوَلَدَيْ رَسُولِكَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَوِلَايَةَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ مِنْ ذُرِّيَةِ الْحُسَيْنِينَ: عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ سَلَامَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَوِلَايَةَ الْقَسَائِمِ السَّابِقِ مِنْهُمْ بِالْخَيْرَاتِ، الْمُفْتَرَضِ الطَّاعَةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ سَلَامَ اللَّهِ عَلَيْهِ.

أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ وَوِلَايَتِهِمْ وَالتَّسْلِيمِ لِفَرَضِهِمْ، رَاضِيًا غَيْرَ مُنْكَرٍ، وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَنْكِفٍ، عَلَيَّ مَعْنَى مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ عَلَيَّ مَوْجُودِ مَا أَنَا

ص: ١٨٠

١- (١) دَمْدَمَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ عَلَيْهِمْ: أَيِ أَهْلِكِهِمْ (الصَّحَاحُ: ج ٥ ص ١٩٢٢ «دَمْدَم»).

و زبان توست و به عدالت قیام می کند و حرمت تو را بزرگ می دارد و از جانب تو سخن می گوید و به حکم تو لب می گشاید، چشم بینای تو و گوش شنوای تو و گواه بر بندگان و حجت تو بر آفریده هایت و مجاهد در راه تو و کوشا در اطاعت است.

او را جزو امانت های خودت بر گیر که امانت تو تباه نمی شود و او را با سپاه چیره ات، استوار کن و یاری و رهایی اش ده و مرا و پدر و مادرم و فرزندان آنها و فرزندان مرا از کسانی قرار بده که او را یاری می کنند و در دنیا و آخرت، از یاری او بهره می برند.

تفرقه مان را با او به اتفاق تبدیل کن و شکافمان را با او پر کن. خدایا! ستم را به دست او بمیران و دشمنش را هلاک بگردان و سران گم راهی را به دست او چنان بکوب که یک تن از آنان بر روی زمین باقی نگذاری» (۱).

۱۰۶۳. الإقبال: دعایی دیگر در روز سیزدهم رمضان از مجموعه مولایمان زین العابدین علیه السلام:

«خدایا! ستمکاران، آیات تو را انکار کردند و به کتابت کفر ورزیدند و فرستادگان را تکذیب نمودند.... خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و به رحمت بر ما رحم کن، ای رحیم ترین رحیمان! خدایا! من به اطاعتت گردن می نهم - ای خدای من - و ولایت محمد، پیامبرت - که خدا بر او و بر اهل بیتش درود فرستد - و ولایت امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و ولایت حسن و حسین علیهما السلام دو نوه پیامبرت و دو فرزند فرستاده ات - که بر آن دو سلام - و ولایت معصومان پاک از نسل حسین: علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی - سلام و برکات خدا بر همه ایشان باد - و نیز ولایت قائم ایشان، پیشی گیرنده به نیکی ها، واجب الإطاعه، صاحب زمان - که سلام خدا بر او باد - را انکار نمی کنیم.

ای خدای من! اطاعت از ایشان و ولایت و تسلیم در برابر امرشان را برای تو، به گردن می نهم، با رضایت و بدون انکار و گردن کشی و سر باز زدن و مطابق با آنچه

ص: ۱۸۱

فيه، راضياً ما رَضِيتَ بهِ، مُسْلِماً مُقِرّاً بِذَلِكَ يَا رَبِّ، رَاهِباً لَكَ رَاغِباً فِيمَا لَدَيْكَ.

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيِّكَ وَابْنَ نَبِيِّكَ، وَخَلِيفَتَكَ وَحُجْبَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَالشَّاهِدِ عَلَى عِبَادِكَ الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ،  
وَوَلِيِّكَ وَأَمِيَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَأَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدَائِعِكَ الَّتِي لَا يَضِيعُ مِنْهَا فِيهَا، وَفِي جِوَارِكَ  
الَّذِي لَا يُقَهَّرُ، وَأَمِنَهُ بِأَمَانِكَ وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ، وَانصُرْهُ بِنصرك العزير، يَا اللَّهُ إِلَهَ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ اعصمه بالسكينة، وألبسه درعك الحصينة، وأعنه وانصُرْهُ بِنصرك العزير نصراً عزيزاً، وافتح له فتحاً يسيراً، واجعل له من  
لدنك سلطاناً نصيراً.

اللَّهُمَّ وَالِ مِنَ الْإِثْمِ، وَعَادِ مِنَ عَادَاهُ، وَانصُرْهُ مِنْ نَصِيرَتِهِ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، اللَّهُمَّ اشعب بهِ صدعنا، وارثق بهِ فتقنا، والمم بهِ شعنا،  
وكثر بهِ قلتنا، وأعزز بهِ ذلتنا، واقض بهِ عن مغرنا، واجبر بهِ فقرنا، وسدد بهِ خلتننا، وأعزز بهِ فافتنا، ويسر بهِ عسرتنا، وكف بهِ  
وجوهنا، وأنجح بهِ طلبتنا، واستجب بهِ دعاءنا، وأعطنا بهِ فوق رغبتنا، واشف بهِ صدورنا، واهدنا لما اختلف فيه من الحق يا رب،  
إنك تهدي من تشاء إلى صراطٍ مستقيمٍ.

اللَّهُمَّ أمت بهِ الجور وأظهر بهِ العبدل، وقو ناصرة وأخذل خاذله، ودمر من نصب له، وأهلك من غشه، واقتل بهِ جبابرة الكفر،  
واقصم [به] رؤوس الضلالة وسائر أهل البدع ومقويه الباطل، وذلل بهِ الجبابرة، وأبر بهِ الكافرين والمنافقين وجميع الملحدين في  
مشارق الأرض ومغاربها، برها وبحرها وسهلها وجبلها، لا تذر على

در کتابت به ما رسیده و موجود است و به هر چه به آن خشنودی، من نیز خشنودم و در برابر آن تسلیم و معترفم و از تو بیم و به آنچه نزد توست امید دارم، ای خدای من!

خدایا! از ولایت، فرزند پیامبرت، خلیفه ات، حجت بر آفریده هایت، گواه بر بندگانت، مجاهد کوشا در اطاعتت، ولایت، و امین در زمینت دفاع کن و او را از شر آنچه آفریده ای و درست کرده ای، پناه بده و او را جزو امانت های خودت قرار بده که اگر کسی در پناه آن باشد، تباه نمی شود، و در پناه خودت که مقهور چیزی نمی شود و با امانت، او را ایمن کن و در سایه حمایتت قرار بده و او را با یاری پیروزمندانه ات یاری ده، ای خداوند! ای خدای جهانیان!

خدایا! او را با آرامش نگاه دار و زره نگه دارنده ات را به او بپوشان و او را یاری ده و او را با نصرت پیروزمندت نصرتی شکست ناپذیر بده و فتحی آسان را به او عطا کن و از جانب خودت تسلطی یاری شده را برای او قرار بده.

خدایا! هر که او را دوست می دارد، دوست بدار و هر که او را دشمن می دارد، دشمن بدار و هر که او را یاری می دهد، یاری کن و هر که او را وا می گذارد، وا بگذار. خدایا! اختلافمان را با او به سامان بیاور و شکافمان را با او پر کن و پراکندگی مان را با او به اتحاد تبدیل کن و اندک بودنمان را با او به فراوانی دگرگون کن و خواری مان را با او به عزت مبدل کن و غرامتمان را با او ادا کن و نیازمان را با او جبران کن و جای خالی مان را با او پر کن و کمبودمان را با او برطرف کن و سختی مان را با او آسان کن و آبرویمان را با او نگاه دار و حاجتمان را با او روا کن و دعایمان را با او اجابت کن و بیشتر از خواسته مان را با او به ما عطا کن و سینه هایمان را با او شفا بده و هر جا که اختلاف شد، ما را به راه حق هدایت کن، ای خدای من؛ تو هر که را بخواهی به راه راست، هدایت می کنی.

خدایا! ستم را با او نابود کن و عدالت را با او پدیدار کن و یورش را تقویت و واگذارنده اش را وا بگذار و هر که را به دشمنی با او برخاسته، نابود کن و هر که را به او خیانت کرده، هلاک کن و گردنکشان کافر را به دست او از میان ببر و سران گم راهی و دیگر بدعت گزاران و تقویت کنندگان باطل را به دست او درهم کوب و جباران را به دست او خوار کن و کافران، منافقان و کژزوان را در شرق و غرب زمین، دریا و خشکی و کوه و

الأرض منهم دياراً، ولا تبق لهم آثاراً، اللهم أظهره وافتح على يديه الخيرات، واجعل فرجنا معه وبه.

٤/٤: الدعاء له في اليوم الحادى والعشرين منه

١٠٦٤. الإقبال عن حماد بن عثمان(١): دخلت على أبى عبد الله عليه السلام ليلة إحدى وعشرين من شهر رمضان، فقال لى: «يا حماد، اغتسلت؟»

قلت: نعم، جعلت فداك! فدعا بحصير، ثم قال: «إلى لى فصيل». فلم يزل يصلى وأنا أصلى إلى لى حتى فرغنا من جميع صلاتنا، ثم أخذ يدعو وأنا أو من على دعائه إلى أن اعترض الفجر، فأذن وأقام ودعا بعض غلمان، فقمنا خلفه فتقدم وصلى بنا الغداة، فقرأ: ب «فاتحه الكتاب»، و «إنا أنزلناه فى ليله القدر» فى الأولى، وفى الركعة الثانية ب «فاتحه الكتاب»، و «قل هو الله أحد».

فلما فرغنا من التسيح والتحميد والتكديس والثناء على الله تعالى، والصلاة على رسوله صلى الله عليه وآله والدعاء لجميع المؤمنين والمؤمنات، والمسلمين والمسلمات الأولين والآخرين، خر ساجداً لا أسمع منه إلا النفس ساعه طويلاً، ثم سمعته يقول:

ص: ١٨٤

١- (١) ورد صدر هذا الحديث فى الكتاب هكذا: الإقبال: فصل فيما يختص باليوم الحادى والعشرين من دعاء غير متكرر؛ رواه محمد بن على الطرازى، قال: عن عبد الباقي بن بزاد - أئده الله -، قال: أخبرنى أبو عبد الله محمد بن وهبان بن محمد البصرى، قال: حدثنا أبو على محمد بن الحسن بن جمهور، قال: حدثنا أبى، عن أبىه محمد، عن حماد بن عيسى، عن حماد بن عثمان، قال: دخلت على أبى عبد الله...

دشت آن، به دست او نابود فرما و یک تن از آنان را بر روی زمین زنده و اثری از ایشان باقی مگذار. خدایا! او را آشکار کن و خیرها را به دست او بگشای و گشایش کار ما را با او و به دست او قرار بده» (۱).

#### ۴/۴: دعا برای امام علیه السلام در روز بیست و یکم رمضان

۱۰۶۴. الإقبال - به نقل از حمّاد بن عثمان - : شب بیست و یکم ماه رمضان بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. به من فرمود: «ای حمّاد! غسل کرده ای؟».

گفتم: آری، فدایت شوم!

امام علیه السلام حصیری خواست و سپس فرمود: «کنار من نماز بخوان»، و امام پیوسته نماز می خواند و من هم کنار امام نماز می خواندم تا از همه نمازهایمان فارغ شدیم.

سپس امام به دعا کردن آغاز کرد و من بر دعای امام، آمین می گفتم تا سپیده دمید و اذان و اقامه گفت و برخی از غلامانش را فرا خواند و ما پشت سر امام ایستادیم و امام جلو رفت و نماز صبح را با ما خواند و در رکعت اول، سوره حمد و قدر و در رکعت دوم، سوره حمد و توحید را خواند.

هنگامی که از تسیح و تحمید و تقدیس و ثنای خدای متعال و صلوات بر پیامبر خدا و دعا برای همه مردان و زنان باایمان و مسلمان از اولین تا آخرین آنها فارغ شدیم، امام برای مدتی طولانی به سجده افتاد، به گونه ای که جز صدای نفس ایشان را نمی شنیدم. آن گاه شنیدم که می فرمود: «خدایی جز تو نیست، دگرگون کننده

ص: ۱۸۵

---

۱- (۱) الإقبال: ص ۱۴۵ (چاپ دار الکتب الإسلامیه). در الإقبال صدر حدیث چنین آمده است: «فصل ویژه روز بیست و یکم و دعای غیر تکراری آن».



لا- إله إلا أنت مُقَلَّبُ القلوبِ والأبصارِ، لا- إله إلا أنت خالقِ الخلقِ بلا حاجِه فيك إِيهِم، لا إله إلا أنت مُبْدِي الخلقِ لا يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِكَ شَيْءٌ، لا إله إلا أنت باعِثُ مَنْ فِي القُبُورِ، لا إله إلا أنت مُدَبِّرُ الأُمُورِ، لا إله إلا أنت دَيَّانُ الدِّينِ، وَجَبَّارُ الجَبَابِرِ.

لا- إله إلا أنت مُجْرِي المَاءِ فِي الصَّخْرَةِ الصَّمِيَاءِ، لا- إله إلا أنت مُجْرِي المَاءِ فِي النَّبَاتِ، لا- إله إلا أنت مُكَوِّنُ طَعْمِ الثَّمَارِ، لا إله إلا أنت مُحْصِي عَدَدِ القَطْرِ وما تَحْمِلُهُ السَّحَابُ، لا إله إلا أنت مُحْصِي عَدَدِ ما تَجْرِي بِهِ الرِّيحُ فِي الهَوَاءِ، لا إله إلا أنت مُحْصِي ما فِي البَحَارِ مِنْ رَطْبٍ وَيَابِسٍ، لا إله إلا أنت مُحْصِي ما يَدْبُ فِي ظُلُمَاتِ البَحَارِ وَفِي أَطْباقِ الثَّرَى.

أَسأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الغَيْبِ عِنْدَكَ، وَأَسأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّاكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ نَبِيٍّ، أَوْ صِدِّيقٍ، أَوْ شَهِيدٍ، أَوْ أَحَدٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجِبْتَ وَإِذَا سُئِلَتْ بِهِ أُعْطِيَتْ.

وَأَسأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صِلَاؤُكَ عَلَيْهِمْ وَبَرَكَاتِكَ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ وَأَنْتَ لَهُمْ بِهِ فَضْلَكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ وَسِرَاجِكَ السَّاطِعِ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ وَنُوراً اسْتِضَاءَ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، فَبَشِّرْنَا بِجَزِيلِ ثَوَابِكَ وَأَنْذِرْنَا الأَلِيمِ مِنْ عَذَابِكَ.

أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ الْحَقِّ وَصَدَّقَ المُرْسَلِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوهُ ذَاتِقُوا العَذَابِ الأَلِيمِ.

دل ها و دیده هایی. خدایی جز تو نیست، آفریدگار خلقی بی آن که نیازی به آنان داشته باشی. خدایی جز تو نیست، آغازگر آفرینشی و از فرمان روایی تو چیزی کم نمی شود. خدایی جز تو نیست، برانگیزاننده خفتگان در قبرهایی. خدایی جز تو نیست، تدبیرگر کارهایی. خدایی جز تو نیست، حاکم و داور روز جزایی و درهم شکننده جبارانی. خدایی جز تو نیست، جاری کننده آب در دل تخته سنگ سختی.

خدایی جز تو نیست، جریان دهنده آب در گیاهی. خدایی جز تو نیست، مزه دهنده به میوه هایی. خدایی جز تو نیست، به شمار آورنده قطره های باران و بار ابرهایی.

خدایی جز تو نیست، به شمار آورنده تعداد آنچه بادها در هوا جا به جا می کنند هستی. خدایی جز تو نیست، به شمار آورنده هر تر و خشکی در دریا هستی.

خدایی جز تو نیست، به شمار آورنده آنچه در تاریکی های دریا و در لایه های زیرین زمین می خزد هستی.

از تو می خواهم به آن نامت که خود را به آن نامیدی و یا تنها میان دانش های غیبی ات برای خود نگاه داشتی، و از تو به هر اسمی که فردی از مردمانت تو را به آن نامیده است، خواه پیامبر یا انسان های راستین و یا از گواهان [اعمال] و یا یکی از فرشتگانت باشد، درخواست می کنم و از تو، به اسمی درخواست می کنم که چون با آن خوانده شوی، جواب دهی و چون درخواست شوی، عطا کنی!

و از تو به حَقِّ بر محمّد و اهل بیتش - که درودها و برکات بر ایشان باد - و به حَقِّ آنان که خود آن را بر عهده ات نهاده ای و فضل را با آن به ایشان رساندی، می خواهم که بر محمّد، بنده ات و فرستاده ات، دعوتگر به سوی تو به اذنت و چراغ درخشان میان بندگانت در زمین و آسمان درود فرستی! او را که رحمت برای جهانیان و نوری برای پر تو گرفتن مؤمنان، از آن قرار دادی و او ما را به پاداش بزرگ بشارت و به عذاب دردناک هشدار داد.

گواهی می دهم که او به حق و از نزد حق آمد و پیامبران را تصدیق کرد و گواهی می دهم که تکذیب کنندگان او، چشندگان عذاب دردناک اند. از تو می خواهم، ای

أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ، يَا سَيِّدِي يَا سَيِّدِي، يَا مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ، أَسْأَلُكَ فِي هَذِهِ  
الْغَدَاةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ وَسَائِلِيكَ نَصِيبًا، وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِفِكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ يَا  
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

وَأَسْأَلُ لُبَّكَ بِجَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ وَمَا لَمْ أَسْأَلْكَ مِنْ عَظِيمِ جَلَالِكَ، مَا لَوْ عَلِمْتُهُ لَسَأَلْتُكَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ  
تَأْذَنَ لِفَرَجِ مَنْ بَفَرَجِهِ فَرُجُ أَوْلِيَائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِهِ تُبِيدُ الظَّالِمِينَ وَتُهْلِكُهُمْ، عَجَّلْ ذَلِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَأَعْطِنِي  
سُؤْلِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ لِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ.

يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، أَقْلِنِي عَثْرَتِي وَأَقْلِنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي، يَا خَالِقِي وَيَا رَازِقِي وَيَا بَاعِثِي، وَيَا مُحْيِي عِظَامِي وَهَيَّ  
رَمِيمًا، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْتَجِبْ لِي دُعَائِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

فَلَمَّا فَرَّغَ رَفَعَ رَأْسَهُ، قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! سَمِعْتُكَ وَأَنْتَ تَدْعُو بِفَرَجِ مَنْ بَفَرَجِهِ فَرُجُ أَصْفِيَاءِ اللَّهِ وَأَوْلِيَائِهِ، أَوَلَسْتَ أَنْتَ هُوَ؟

قَالَ: «لَا، ذَاكَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ».

قُلْتُ: فَهَلْ لِيُخْرِجَهُ عِلْمُهُ؟

قَالَ: «نَعَمْ، كَسُوفُ الشَّمْسِ عِنْدَ طُلُوعِهَا ثُلْثِي سَاعَةٍ مِنَ النَّهَارِ، وَخُسُوفُ الْقَمَرِ

اللّٰه، ای اللّٰه، ای اللّٰه! پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا! ای سرور من، ای سرور من، ای سرور من! ای مولای من، ای مولای من، ای مولای من! در این بامداد از تو می خواهم که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی و مرا از پُربهره ترین بندگان و درخواست کنندگان قرار دهی و با آزاد کردنم از آتش، بر من مَنّت نهی، ای رحیم ترین رحیمان!

و از تو می خواهم به حقّ همه آنچه خواسته و نیز آنچه از شوکت و شکوه بزرگت نخواستهم ام که اگر می دانستم، آن را می خواستم، بر محمّد و اهل بیتش درود فرستی و اجازه فرج امر کسی را بدهی که از فرج او، کار اولیا و برگزیدگان خلقت گشایش می یابد و ستمکاران را به دست او نابود و هلاک می کنی. ای خدای جهانیان! این را تعجیل بفرما و ای صاحب جلال و شکوه و اکرام! درخواستم را در همه آنچه از تو خواستم، چه در این دنیای زودگذر و چه در آخرت در پی آینده به من عطا کن.

ای که از رگ گردن به من نزدیک تری! لغزشم را نادیده بگیر و به جایش حاجت هایم را برآورده کن. ای آفریدگار من! ای روزی رسان من! ای برانگیزاننده من! ای زنده کننده استخوان های پوسیده من! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و دعایم را مستجاب کن، ای رحیم ترین رحیمان!.

هنگامی که سرش را بالا آورد، گفتم: فدایت شوم! شنیدم تو برای فرج امر کسی دعا می کنی که فرج کار برگزیدگان و اولیای خداوند در فرج کار اوست. آیا تو آن شخص نیستی؟

امام فرمود: «نه، او قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله است».

گفتم: آیا برای خروج و قیام او نشانه ای هست؟

فرمود: «آری. گرفتن خورشید هنگام طلوعش که دو سوم روز طول می کشد و

[فى] ثلاثٍ وعشرين (١) ، وَفْتَنَهُ يَصِلُ أَهْلَ مِصْرَ الْبَلَاءِ وَقَطَعَ السَّبِيلَ (٢) ، اِكْتَيْفَ بِمَا بَيَّنْتُ لِمَكَ ، وَتَوَقَّعَ أَمْرَ صَاحِبِكَ لَيْلِكَ وَنَهَارِكَ ، فَإِنَّ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنِ شَأْنٍ ، ذَلِكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ، وَبِهِ تَحْصِينُ أَوْلِيَائِهِ وَهُمْ لَهُ خَائِفُونَ .

٥/٤ : الدُّعَاءُ لَهُ فِي لَيْلَةِ الثَّلَاثَةِ وَالْعِشْرِينَ

١٠٦٥ . مصباح المتهجد: رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (٣) قَالَ:

تُكْرَرُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءُ سَاجِدًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا وَعَلَى كُلِّ حَالٍ ، وَفِي الشَّهْرِ كُلِّهِ ، وَكَيْفَ مَا أَمَكَنَّكَ وَمَتَى حَضَرَ مِنْ ذَهْرِكَ . تَقُولُ بَعْدَ تَمْجِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ (٤) فِي هَذِهِ السَّاعَةِ (٥) وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلَيْتًا وَحَافِظًا ، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا ، وَدَلِيلًا وَعَيْنًا (٦) حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا ، وَتُمَتِّعَهُ (٧) فِيهَا طَوِيلًا .

١٠٦٦ . الكافي: مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، قَالَ: تُكْرَرُ فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ هَذَا الدُّعَاءُ سَاجِدًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا ، وَعَلَى كُلِّ حَالٍ ، وَفِي

ص: ١٩٠

١- (١) يحدث كسوف الشمس في وسط النهار عادة، لا عند طلوعها، و يقع خسوف القمر في منتصف الشهر، لا في الأسبوع الثالث والرابع، و لذلك فإن هاتين الظاهرتين عجيبتان و غير عاديتين .

٢- (٢) في نسخه: «النيل» بدل «السييل» وكذلك في بحار الأنوار.

٣- (٣) في التهذيب «الصادقين» بدل «الصالحين» وفي المصباح للكفعمي «عنهم عليهم السلام» .

٤- (٤) في المصباح للكفعمي «محمَّد بن الحسن المهدي» بدل «فلان بن فلان» . جدير بالذكر أنه ورد الإقبال: ج ١ ص ١٩١ «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ ، الْقَائِمُ بِأَمْرِكَ ، الْحَجَّجُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ...» راجع: ص ٢٥٢ ح ١٠٨٩ .

٥- (٥) في المزار الكبير: «الليله» بدل «الساعه» .

٦- (٦) في الإقبال: «مؤيداً» بدل «عيناً» .

٧- (٧) في تهذيب الأحكام «تمكَّنه» بدل «تمتَّعه» .

ماه گرفتگی در شب بیست و سوم،<sup>(۱)</sup> و فتنه ای که اهل مصر مبتلا- و گرفتار آن می شوند و راهشان [یا آب نیل] قطع می شود؛ به همین ها که برایت روشن کردم، بسنده کن و کار صاحب را شب و روز منتظر باش که خداوند، هر روز به کاری است و اشتغال به کاری، او را از کار دیگر باز نمی دارد. او خداوند صاحب اختیار جهانیان است و اولیایش به دست او حفظ می شوند و برای او بیمناک اند.»<sup>(۲)</sup>

#### ۵/۴: دعا برای امام علیه السلام در شب بیست و سوم

۱۰۶۵. مصباح المتهدّج - به نقل از محمّد بن عیسی به سندش از صالحان [یا صادقان] علیهم السلام :-

«این دعا را در شب بیست و سوم ماه رمضان تکرار می کنی، چه در حال سجود و چه قیام و چه نشسته و در هر حال و در تمام ماه و هر گونه که برایت ممکن است و هر گاه و هر زمان که برایت میسر بود.

پس از حمد و ثنای خدای متعال و درود فرستادن بر پیامبر، محمّد صلی الله علیه و آله می گویی:

خدایا! در این لحظه [یا در این شب] و در هر لحظه دیگر، برای ولایت فلان بن فلان (حجّه بن الحسن) سرپرست و نگاهبان و راهبر و یاور و راه نما و دیده باش تا او را در زمینت که فرمان بردارش شده، جای دهی و او را در آن برای مدّتی طولانی، بهره مند کنی.»<sup>(۳)</sup>

۱۰۶۶. الکافی - به نقل از محمّد بن عیسی به سندش از صالحان علیهم السلام :- «این دعا را در شب بیست و سوم ماه رمضان تکرار می کنی، چه در حال سجود و چه قیام و چه نشسته و

ص: ۱۹۱

---

۱- (۱) کسوف خورشید معمولاً در میانه روز و نه هنگام طلوع آن، و خسوف ماه هم در نیمه ماه و نه هفته سوم یا چهارم رخ می دهد. از این رو، این دو امر، شگفت انگیز و غیر عادی هستند.

۲- (۲) الإقبال: ج ۱ ص ۳۶۶، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۱۵۷.

۳- (۳) مصباح المتهدّج: ص ۶۳۰ ح ۷۰۹، تهذیب الأحکام: ج ۳ ص ۱۰۲ ح ۲۶۵، المزار الکبیر: ص ۶۱۱، فلاح السائل: ص ۱۱۳ ح ۵۳، مختصر بصائر الدرجات: ص ۱۹۳، المصباح، کفعمی: ص ۷۷۹، بحار الأنوار: ج ۹۷ ص ۳۴۹.

الشَّهْرِ كُلِّهِ، وَكَيْفَ أَمَكَّنَكَ، وَمَتَى حَضَرَكَ مِنْ دَهْرِكَ. تَقُولُ - بَعْدَ تَحْمِيدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وآلِهِ -: اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَقَائِدًا، وَعَوْنًا وَعَيْنًا، حَتَّى  
تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

راجع: ص ٥٢ ح ١٠٨٩.

ص: ١٩٢

در هر حال و در تمام ماه و هر گونه که برایت ممکن است و هر گاه و هر زمان که برایت میسر بود.

پس از حمد و ثنای خدای متعال و درود فرستادن بر پیامبر، محمد صلی الله علیه و آله می گویی:

خدایا! در این لحظه و در هر لحظه دیگر، برای ولایت فلان بن فلان (حجت بن الحسن...) سرپرست و نگاهبان و یاور و راه نما و راهبر و کمک و دیده باش تا او را در زمینت که فرمانبردارش شده، جای دهی و او را برای مدتی طولانی، در آن بهره مند کنی.» (۱)

ر. ک: ص ۲۵۳ ح ۱۰۸۹.

ص: ۱۹۳

---

۱- (۱) الکافی: ج ۴ ص ۱۶۲ ح ۴.



١٠٦٧. جمال الأسبوع: الدُّعَاءُ بَعْدَ صَلَاةِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَتُعْرَفُ بِصَلَاةِ التَّسْبِيحِ: حَدَّثَ أَبُو الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جُمُهورٍ، عَنِ أَبِيهِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْقَاسِمِ الْعَبَّاسِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مَوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَغْدَادَ وَهُوَ يُصَلِّي صَلَاةَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ ارْتِفَاعِ النَّهَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَلَمْ أَصِلْ خَلْفَهُ حَتَّى فَرَّغَ، ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ قَالَ (١):

يَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللَّغَاتُ، وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنِ شَأْنٍ، يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يَا مُحْيِيَ الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى مَنْارِكَ فِي عِبَادِكَ، الدَّاعِي إِلَيْكَ يَا ذَنْكَ،

١- (١) في مصباح المتهجد: «فإذا فرغت من الصلاة عقبها وسبحت تسبيح الزهراء عليها السلام ثم تدعو بهذا الدعاء».

۱۰۶۷. جمال الأسبوع: دعای پس از نماز جعفر که به نماز تسیح شناخته می شود؛ ابو المفضل با سندش از حسن بن قاسم عباسی نقل کرد: در بغداد بر امام موسی کاظم علیه السلام وارد شدم. او هنگام بالا آمدن خورشید در روز جمعه، نماز جعفر را می خواند که [چون مستحبی بود] من پشت سرش نماز نخواندم تا نمازش را تمام کرد و سپس دستانش را رو به آسمان بالا برد(۱) و فرمود: «ای که زبان ها بر او پنهان نمی ماند و صداها برای او مشتبه نمی شود! ای که هر روز در کاری هستی! ای که اشتغال به کاری، او را از کار دیگری باز نمی دارد! ای تدبیرگر امور! ای برانگیزاننده هر که در قبرهاست! ای زنده کننده استخوان های پوسیده!....»

خدایا! بر محمد و خاندان محمد و بر جایگاه نورت میان بندگانت، دعوتگر به سویت با اذن، قیام کننده به امرت، ادا کننده از جانب پیامبرت - که بر او و خاندانش سلام - درود فرست.

خدایا! چون او را آشکار کردی، آنچه را به او وعده داده ای، به انجام رسان و یارانش

ص: ۱۹۵

---

۱- (۱) در نقل مصباح المتهدجد آمده است: «هنگامی که نماز را به پایان بردی، پس از تعقیبات و تسیحات حضرت زهرا علیها السلام این دعا را می خوانی».

القائم بِأمرِك، المُؤدّي عن رَسولِك عَلِيهِ وآلِهِ السَّلَامُ.

اللَّهُمَّ إِذَا أَظْهَرْتَهُ فَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ، وَسُقْ إِلَيْهِ أَصْحَابَهُ وَانصُرْهُ وَقَوِّ ناصِرِيهِ، وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ، أَعْطِهِ سُؤْلَهُ وَجِدِّدْ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ بَعْدَ الذُّلِّ الَّذِي قَدْ نَزَلَ بِهِمْ بَعْدَ نَبِيِّكَ، فَصَارُوا مَقْتُولِينَ مَطْرُودِينَ، مُشَرَّدِينَ خَائِفِينَ غَيْرِ آمِنِينَ، لَقُوا فِي جَنْبِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَطَاعَتِكَ الْأَذَى وَالتَّكْذِيبَ، فَصَبَرُوا عَلَى مَا أَصَابَهُمْ فِيكَ، رَاضِينَ بِذَلِكَ مُسَلِّمِينَ لَكَ فِي جَمِيعِ مَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ وَمَا يَرِدُ إِلَيْهِمْ.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأمرِك، وَانصُرْهُ وَانصُرْ بِهِ دِينَكَ الَّذِي عُيِّرَ وَبُدِّلَ، وَجِدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْهُ وَبُدِّلْ بَعْدَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

٢/٥: الدُّعَاءُ لَهُ بَعْدَ ظَهْرِ الْجُمُعَةِ

١٠٦٨. مصباح المتهجد: روى جابر عن أبي جعفر عن علي بن الحسين عليهم السلام: من عمل يوم الجمعة الدعاء بعد الظهر:

«اللَّهُمَّ اشتر مني نفسي الموقوفة عليك، المحبوسة لأمرِك، بِالْجَنَّةِ مَعَ مَعْصُومٍ مِنْ عِتْرَةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، مَخْزُونٍ (١) لظلامته، منسوب بولادته (٢)، تملأ به الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً، ولا تجعلني ممن تقدم فمرق، أو تأخر فمحق، واجعلني ممن لزم فليح، واجعلني شهيداً سعيداً في قبضتك.»

ص: ١٩٦

١- (١) في جمال الأسبوع: «مخزون».

٢- (٢) منسوب بولادته أي: كان مذكورا بنسبه مشهورا عند ولادته لأخبار آبائه به عليه السلام و لعله كان مستورا بولادته (بحار الأنوار: ج ٨٧ ص ٧٠).

را به سوی او گسیل دار و یاری اش ده و یاورانش را تقویت کن و به برترین آرزویش برسان. درخواستش را به او عطا کن و به دست او محمّد و اهل بیتش را بعد از خواری ای که پس از پیامبرت به ایشان رسیده و کشته و رانده و آواره و هراسان و بی امان شدند، تجدید حیات کن؛ آنان که به خاطر تو و در طلب رضایت و اطاعت، آزار و تکذیب دیدند و بر آنچه به ایشان رسید، شکیب ورزیدند و به آن، راضی و در همه آنچه به ایشان رسید و می رسد، تسلیم تو بودند.

خدایا! فرج قائم به امرت را تعجیل بفرما و او را یاری ده و دینت را - که تغییر و تبدیل یافته - با او یاری کن و آنچه از آن را که پس از پیامبرت - که خدا بر او و خاندانش درود فرستد - محو و دگرگون شده، زنده کن. (۱)

### ۲/۵: دعا برای او پس از ظهر جمعه

۱۰۶۸. مصباح المتهجد - به نقل از جابر، از امام باقر علیه السلام، از امام زین العابدین علیه السلام: «از اعمال روز جمعه، این دعا پس از ظهر است: "خدایا! جانم را که وقف تو شده و تنها در پی امر توست، در برابر [جای دادن در] بهشت همراه معصومی از عترت پیامبرت - که خدا بر او و خاندانش درود فرستد - که ذخیره شده تا حق به ستم برده شده را بگیرد، از من خریداری کن. او که به ولادتش منسوب است (۲) و زمین را به دست او از عدل و داد پر می کنی، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است و مرا از کسانی که [از امامان] جلوتر و از دین بیرون رفتند و یا عقب ماندند و نابود شدند، قرار مده؛ بلکه از کسانی قرار بده که همراه [امامان] باقی ماندند و [به سعادت] رسیدند و مرا شهیدی سعادتمند و در اختیار خود قرار بده"». (۳)

ص: ۱۹۷

۱- (۱) جمال الأسبوع: ص ۱۸۳-۱۸۶، مصباح المتهجد: ص ۳۰۶ و ۳۰۹ ح ۴۱۷ بدون اسناد به امام علیه السلام، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۱۹۵-۱۹۸ ح ۳.

۲- (۲) همان گونه که علامه مجلسی رحمه الله آورده: ممکن است «منسوب»، مصحف «مستور» باشد، یعنی از هنگام ولادتش پنهان است، امّا اگر نسخه درست باشد، معنایش این است که امام به دلیل وجود روایات متعدد، پیش از تولد و هنگام آن، مشهور و معروف بوده است.

۳- (۳) مصباح المتهجد: ص ۳۷۵ ح ۵۰۲، جمال الأسبوع: ص ۲۶۷، بحار الأنوار: ج ۹۰ ص ۶۸ ح ۱۲.

١٠٦٩. الكافي (١) عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام - في خُطْبِهِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ... [الخطبة الثانية] :-

الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ، وَنُؤْمِنُ بِهِ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَإِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَرَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ثُمَّ تَقُولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ثُمَّ تُسَمِّي الْأَيْمَةَ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى صَاحِبِكَ، ثُمَّ تَقُولُ:

اِفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَانصُرْهُ نَصْرًا عَزِيمًا، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ، تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ (٢)، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ مَا حَمَلْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَعَرَّفْنَا، وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَعَلَّمْنَا.

ص: ١٩٨

١- (١) هكذا ورد صدر الرواية في الكتاب: محمد بن يحيى، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن النضر بن سويد، عن يحيى الحلبي، عن بريد بن معاوية، عن محمد بن مسلم....

٢- (٢) هكذا في المصدر ولكن في بعض المصادر «إلى سبيلك» راجع: تهذيب الأحكام: ج ٣ ص ١١١، مصباح المتهجد: ص

۱۰۶۹. الکافی - به نقل از محمد بن مسلم، در خطبه دوم روز جمعه - امام باقر علیه السلام فرمود:

«ستایش ویژه خداست. او را می ستاییم و از او یاری می جوئیم و از او آمرزش می خواهیم و هدایت می طلبیم و به او ایمان داریم و بر او توکل می کنیم... خدایا! بر محمد، بنده و پیامبرت درود فرست؛ سرور فرستادگان و پیشوای تقوایندگان و پیام آور خدای جهانیان».

سپس می گویی: «خدایا! بر امیر مؤمنان و وصی پیام آور خدای جهانیان درود فرست».

آن گاه امامان را نام می بری تا به صحبت می رسی و می گویی: «برایش فتوحی آسان پیش آور و او را نصرتی شکست ناپذیر عطا بفرما. خدایا! دینت و سنت پیامبرت را با او آشکار کن تا آن که چیزی از حق را به هراس کسی از مردم، پنهان ندارد. خدایا! ما مشتاق آنیم که دولت بزرگواری روی کار بیاوری که اسلام و مسلمانان را با آن عزیز می کنی و نفاق و منافقان را با آن خوار می داری، و ما را از دعوتگران به سوی فرمان برداری ات و راهبران به راهت قرار می دهی و کرامت دنیا و آخرت را روزی ما می کنی. خدایا! آنچه را از حق بر دوش ما نهاده ای، به ما بشناسان و آنچه را به آن نرسیده ایم، به ما بیاموز».<sup>(۱)</sup>

ص: ۱۹۹

١٠٧٠. مصباح المتهجد: رَوَى ابْنُ مُقَاتِلٍ، قَالَ: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيُّ شَيْءٍ تَقُولُونَ فِي قُنُوتِ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ؟ قُلْتُ: مَا تَقُولُ النَّاسُ، قَالَ: لَا تَقُلْ كَمَا يَقُولُونَ وَلَكِنْ قُلْ:

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ، وَحُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَأَيِّدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ، وَأَسْلِكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَضِيداً يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَأَبْدَلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، وَلَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَى وِلْيَتِكَ سُلْطَانًا، وَائْذَنْ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

١٠٧١. كتاب من لا يحضره الفقيه(١): قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْقُنُوتُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ تَمَجِيدُ (اللَّهِ) وَالصَّلَاةُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، وَكَلِمَاتُ الْفَرَجِ، ثُمَّ هَذَا الدُّعَاءُ(٢)، وَالْقُنُوتُ فِي الْوَتْرِ كَقُنُوتِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، ثُمَّ تَقُولُ قَبْلَ دُعَائِكَ لِنَفْسِكَ:

اللَّهُمَّ تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَبَسَّطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَعَظَّمْتَ حِلْمَكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَجَهَّتْ أَكَرْمُ الْوُجُوهِ، وَجَهَّتْ خَيْرُ الْجِهَاتِ، وَعَطَيْتُكَ أَفْضَلَ الْعَطِيَّاتِ وَأَهْتَوْهَا، تَطَاعَ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَتُعْصِي رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ، تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ الضُّرَّ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، لَا يَجْزِي

ص: ٢٠٠

١- (١) جاء صدر هذه الرواية في الأمالى للصدوق بسلسله سنده كامله: الأمالى للصدوق: وبهذا الإسناد [حدَّثنا أبي (رضي الله عنه)، قال: حدَّثنا علي بن إبراهيم، عن أبيه إبراهيم بن هاشم، عن حماد بن عيسى، عن حريز بن عبد الله، عن زرارة بن أعين]، قال: قال أبو جعفر الباقر عليه السلام: القنوت في الوتر كقنوتك يوم الجمعة، تقول في دعاء القنوت: اللَّهُمَّ تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ...  
٢- (٢) لعلَّ عبارته «ثم هذا الدعاء» من كلام المؤلف - رحمه الله - والإشارة إلى الدعاء المنقول عن النبي صلى الله عليه وآله في الكتاب.

۱۰۷۰. مصباح‌المتهجد - به نقل از ابن مقاتل - امام رضا علیه السلام فرمود: «در قنوت نماز جمعه چه چیزی می‌گویید؟».

گفتم: آنچه را مردم می‌گویند.

فرمود: «آنچه می‌گویند، تو نگو، بلکه بگو: خدایا! بنده ات و خلیفه ات را با آنچه پیامبران و فرستادگانت را به سامان آوردی، به سامان بیاور و گرداگرد او را با فرشتگانت پُر کن و او را با روح القدس، از جانب خودت تأیید بفرما و نگهبانانی در راهش از پیش رو و پشت سرش بگمار تا او را از هر بدی حفظ کنند و پس از بیمناکی اش، او را آسوده خاطر کن؛ او که تو را می‌پرستد و چیزی را همتای تو نمی‌کند. و هیچ کس از مردمت را بر ولایت چیره نکن و اجازه جهاد با دشمنت و دشمن او را به او بده و مرا از یاران او قرار بده که تو بر هر کاری توانایی». (۱)

۱۰۷۱. کتاب من لا یحضره الفقیه: امام باقر علیه السلام فرمود: «قنوت در روز جمعه، مشتمل بر حمد و ثنای خدا و درود بر پیامبر خدا و کلمات فَرَج و سپس این دعاست. (۲) و قنوت در نماز وتر، مانند قنوت در روز جمعه است. سپس پیش از دعا برای خودت می‌گویی: خدایا! نورت کامل شد و ره نمودی، سپاس و ستایش، ویژه توست ای پروردگار ما! و دستت را گشودی و عطا کردی، سپاس و ستایش، ویژه توست ای پروردگار ما! و بردباری ات بزرگ بود و عفو کردی، سپاس و ستایش، ویژه توست ای پروردگار ما! روی تو، کریم ترین روی ها و سمت تو بهترین سمت و عطیة تو، برترین و گواراترین عطیة است. خدای ما! چون اطاعت شوی، قدردانی می‌کنی و چون نافرمانی شوی، هر که را بخواهی می‌آمیزی؛ گرفتار را اجابت می‌کنی و دشواری را برطرف می‌سازی؛ بیمار را شفا می‌دهی و از اندوه بزرگ می‌رهانی. هیچ کس نمی‌تواند نعمت هایت را جزا دهد و گرفتار هیچ گوینده ای، نعمت های

ص: ۲۰۱

۱- (۱) مصباح‌المتهجد: ص ۳۶۶ ح ۴۹۴، جمال‌الأسبوع: ص ۲۵۶، بحار‌الأنوار: ج ۸۹ ص ۲۵۱.

۲- (۲) شاید عبارت «سپس این دعا» گفته مؤلف کتاب (شیخ صدوق) باشد که اشاره به دعای پیشین در کتاب خویش کرده است.



بِالْإِيك أَحَدٌ، وَلَا يُحْصَى نِعْمَاءُكَ قَوْلُ قَائِلٍ.

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَبْصَارُ، وَنُقِلَتِ الْأَقْدَامُ، وَمُيِّدَتِ الْأَعْنَاقُ، وَرُفِعَتِ الْأَيْدِي، وَدُعِيَتِ بِالْأَلْسِنِ، وَإِلَيْكَ سَرُّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا، وَافْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَهُ نَبِينَا عَنَّا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَكَثْرَةَ عِدُوْنَا وَقَلَّةَ عِدَدِنَا، فَرَجِّحْ ذَلِكَ يَا رَبِّ بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَنَصْرِ مِنْكَ تُعِزُّهُ، وَإِمَامِ عَدْلِ تُظَهِّرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ثُمَّ تَقُولُ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ - سَبْعِينَ مَرَّةً - وَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ كَثِيرًا.

٥/٥: الدُّعَاءُ لَهُ بَعْدَ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

١٠٧٢. مصباح المتهجد: رُوِيَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَعْدَ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ (١):

اللَّهُمَّ إِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا وَصَفْتَهُ فِي كِتَابِكَ... اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

ص: ٢٠٢

١- (١) ورد صدر هذا الدعاء في مصادر اخرى وهي كالاتي: جمال الأسبوع: رويت هذه الصلاة بإسنادي إلى أبي العباس أحمد بن عقده، من كتابه الذي صنّفه في مشايخ الشيعة فقال: أنبأنا محمد بن عبد الله بن مهران، قال: حدّثنى أبي، عن أبيه: أنّ أبا عبد الله جعفر بن محمد عليهما السلام دفع إلى محمد بن الأشعث كتاباً، فيه دعاء والصلاة على النبي صلى الله عليه وآله، دفعه جعفر بن محمد بن الأشعث إلى ابنه مهران وكانت الصلاة على النبي صلى الله عليه وآله التي فيه: اللَّهُمَّ إِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا وَصَفْتَهُ فِي كِتَابِكَ...

تو را نمی توان به شمار آورد.

خدایا! به سوی تو [و نه دیگری] دیده ها دوخته شده و گام ها جا به جا شده و گردن ها کشیده شده و دست ها بالا آمده است. با زبان ها خوانده شده ای و راز و نیازشان در کارها با توست. خدای ما! ما را بیمارز و بر ما رحم آور و [گره] میان ما و قوممان را به حق بگشای؛ که تو بهترین گشاینده ای.

خدایا! از غایب شدن پیامبرمان از میان ما و سختگیری روزگار بر ما و رخ دادن فتنه ها برای ما و پشت به پشت دادن دشمنان بر ضد ما و فراوانی دشمنانمان و کمی شمارمان، به تو شکایت می کنیم. ای خدای من! با فتوحی سریع و از جانب خودت و یاری پیروزمندانمان و پیشوای عادل که آشکارش می کنی، گشایشی در این وضعیت بده، ای خدای حق، خدای جهانیان!

سپس هفتاد مرتبه می گویی: از خداوند، پروردگام آرزوش می خواهم و به سوی او باز می گردم. و از آتش فراوان به خداوند پناه می بری» (۱).

### ۵/۵: دعا برای او پس از عصر روز جمعه

۱۰۷۲. مصباح المتهدج: از امام صادق علیه السلام روایت شده که: «مستحب است پس از نماز عصر روز جمعه، با این صلوات، بر پیامبر خدا درود فرستاده شود: (۲)»

ص: ۲۰۳

- 
- ۱- (۱) کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۱ ص ۴۸۷ ح ۱۴۰۴، الأمالی، صدوق: ص ۴۷۴ ح ۶۳۹، مصباح المتهدج: ص ۳۶۶ ح ۴۹۲، الأمالی، طوسی: ص ۴۳۲ ح ۹۷۱، جمال الأسبوع: ص ۲۵۷، بحار الأنوار: ج ۸۷ ص ۱۹۸ ح ۶.
- ۲- (۲) آغاز این دعا در منابع دیگر این چنین است: «این نماز را من از کتاب ابوالعباس احمد بن عقده نقل می کنم که آن را در باره بزرگان شیعه نگاشته و گفته است: محمّد بن عبدالله بن مهران، برای ما روایت کرده که: پدرم از پدرش برایم نقل کرد که: امام صادق علیه السلام به محمّد بن اشعث نوشته ای داد که در آن دعا و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله بود. جعفر بن محمّد بن اشعث آن را به پسرش مهران سپرد، و صلوات بر پیامبر در آن این گونه بود: "اللهم انّ محمّداً کما وصفته فی کتابک...؛ خداوند! محمّد آن گونه که تو در کتابت او را تعریف کرده ای...» (ر. ک: جمال الأسبوع: ص ۲۸۸).

وَعَلَى أئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ، الْأَوْلِيَيْنَ مِنْهُمْ وَالْآخِرِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَانصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ.

ص: ٢٠٤

خدایا! محمد صلی الله علیه و آله همان گونه [است] که در کتابت او را توصیف کرده ای....

خدایا! بر محمد و خاندان محمد و امامان مسلمانان، از اول تا آخر آنان درود فرست.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد و بر پیشوای مسلمانان [صاحب الزمان علیه السلام] درود فرست و او را از جلو و پشت و راست و چپ و بالا و پایینش حفظ کن و فتحی آسان برایش پیش بیاور و نصرتی پیروزمند را به او برسان و تسلطی یاری شده از جانب خودت را برای او قرار بده. خدایا! در فرج آل محمد، تعجیل بفرما و دشمنان آنان را از جنّ و انسان، هلاک بگردان. (۱)

ص: ۲۰۵

---

۱- (۱) مصباح المتهجد: ص ۳۸۷ - ص ۳۹۲ ح ۵۱۷، جمال الأسبوع: ص ۲۸۸-۲۹۳، البلد الأمين: ص ۷۲-۷۵، المصباح، کفعمی: ص ۵۶۵-۵۷۰، بحار الأنوار: ج ۹۰ ص ۸۲.

١٠٧٣. مصباح المتعبد: وفي هذه الليلة [النصف من شعبان] وُلد الحُجَّة الصَّالِح صاحب الأمر عليه السلام، ويُستحبُّ أن يُدعى فيها بهذا الدعاء:

اللَّهُمَّ! بِحَقِّ لَيْلَتِنَا وَمَوْلُودِهَا، وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا، الَّتِي قَرَنْتَ إِلَى فَضْلِهَا فَضْلَكَ، فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقًا وَعَدْلًا، لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِكَ وَلَا مُعَقَّبَ لِيَاثِكَ، نُوْرَكَ الْمُتَأَلَّقِ وَضِيَاؤُوكَ الْمُشْرِقِ، وَالْعَلْمُ النُّوْرُ فِي طَخِيَاءِ (١) الدِّيَجُورِ، الْغَائِبُ الْمَسْتُورُ، جَلَّ مَوْلِدُهُ وَكَرَّمَ مَحْتَدُهُ (٢)، وَالْمَلَائِكَةُ شُهَدَاءُهُ، وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ إِذَا آنَ مِيعَادُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ، سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُو، وَنُوْرُهُ الَّذِي لَا يَخْبُو، وَذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُو، مَيْدَارُ الدَّهْرِ وَنَوَامِيسُ الْعَصْرِ وَوَلَاةُ الْأَمْرِ، وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمْ مَا يَنْزِلُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَأَصْحَابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجِمُهُ وَحِيَّهُ، وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ.

ص: ٢٠٦

١- (١) الطَّخِيَاءُ: ظَلَمَهُ اللَّيْلُ (لسان العرب: ج ١٥ ص ٥ «طخا»).

٢- (٢) الْمَحْتَدُ: الْأَصْلُ؛ يُقَالُ: فُلَانٌ مِنْ مَحْتَدِ صَدِيقِ (الصَّحَاحِ: ج ٢ ص ٤٦٢ «حتد»).

۱۰۷۳. مصباح المتهجد: و در این شب نیمه شعبان، حجت صالح، صاحب الأمر، متولد شد و خواندن این دعا در این شب مستحب است:

خدایا! به حق شب ما و مولودش و حجت تو و موعودش، شبی که فضل خودت را با فضل آن همراه کردی و کلمه تو، به راستی و عدالت کامل شد که دگرگون کننده ای برای کلمات تو نیست و رد کننده ای برای نشانه های تو نباشد. او نور درخشان تو و پرتو نورافشان توست. او پرچم برافراشته نور در شب تاریک [ستم] است. او غایب پوشیده است. ولادتگاهش جلیل و اصلش کریم است و فرشتگان، گواهان اویند و به گاه سر رسیدن وعده اش، خداوند، یاور و مؤید او و فرشتگان، امدادرسانان اویند. او شمشیر بُرّان خداست که کُند نمی شود و نور درخشان اوست که خاموش نمی شود. بردباری است که بی صبری نمی کند. او مدار [چرخش] روزگار و ناموس های زمان و [جزو] والیان امر است؛ آنان که آنچه در شب قدر نازل می شود، برایشان فرود می آید؛ اصحاب روز قیامت و رستاخیز؛ مترجمان وحی خدا و صاحب اختیاران امر و نهی او.

اللَّهُمَّ! فَصَلِّ عَلَى خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمُ الْمَسْتَوِرِ عَنْ عَوَالِمِهِمْ، وَأَدْرِكَ بِنَا أَيَّامَهُ وَظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ، وَاقْرَأْنَا بِثَارِهِ، وَاكْتَبْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ، وَأَحِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ، وَبِصُدِّ حَبْتِهِ غَانِمِينَ، وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ، وَمِنْ الشُّوءِ سَالِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ! وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعِترتهِ النَّاطِقِينَ، وَالْعَن جَمِيعَ الظَّالِمِينَ، وَاحْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ.

٢/٦: الدُّعَاءُ لَهُ يَوْمَ عَرَفَةَ

١٠٧٤. الصَّحِيفَةُ السَّجَّادِيَّةُ - مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ - : الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ... رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ....

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفَظْتَ دِينَكَ، وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنْسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ.

رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صَلِّ لَهُ تَجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ وَكَرَامَتِكَ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَنَوَافِلِكَ، وَتُوَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحِطُّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَفَوَائِدِكَ.

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أَوَّلِهَا، وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا، وَلَا نِهَائِيَةَ لِآخِرِهَا.

رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِينَةَ عَرْشِكَ وَمَا دُونَهُ، وَمِلءَ سَمَاوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ، وَعِيدِدَ أَرْضِيكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ، صَلِّ لَهُ تَقَرُّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى، وَتَكُونُ لَكَ وَلَهُمْ رِضَى،

ص: ٢٠٨

خدایا! بر خاتم آنان و قائم پنهان از دنیای آنان درود فرست و ما را به روزگار و ظهور و قیام او برسان و ما را از یاوران او قرار بده و خونخواهی ما را با خونخواهی او همراه کن و ما را از زمره یاران و خالصان وی قرار بده و ما را در دولت او نعمت بخش و از همدمی با او بهره مندمان کن و ما را قیام کننده برای حق او و از بدی ها رهیده قرار بده، ای رحیم ترین رحیمان! و ستایش، ویژه خدای جهانیان است و خدا بر محمد، خاتم پیامبران و فرستادگان و بر اهل بیت صادق و عترت ناطق او درود فرست، و همه ستمکاران را لعن کن و تو میان ما و ایشان حکم بران، ای حاکم ترین حاکمان!<sup>(۱)</sup>

## ۲/۶: دعا برای او در روز عرفه

۱۰۷۴. صحیفه سجّادیه - از دعاهای امام سجّاد در روز عرفه - : «ستایش، ویژه خداوند است...»

خدای من! بر محمد و خاندانش درود فرست... خدای من! بر پاکان اهل بیتش درود فرست؛ آنان که برای امرت برگزیدی و ایشان را خازنان علمت و حافظان دینت و جانشینان در زمینت و حجت های بر بندگانت قرار دادی و آنان را با اراده ات از آلودگی و ناپاکی، پاکیزه کردی و وسیله و راه گذر به بهشت قرارشان دادی.

خدایا! بر محمد و خاندانش درودی فرست که بخشش و کرامت بر آنها را افزون و عطاها و افزوده هایت به ایشان را کامل و بهره از صله ها و فایده هایت را برایشان فراوان کند.

خدایا! بر او و ایشان (محمد و خاندانش) درودی فرست که آغاز و انجامش ناپیدا و پایانی نداشته باشد.

خدایا! درودی به وزن عرش و هر چه پایین تر از آن است و به اندازه آسمان هایت و هر چه بالاتر از آنهاست و به شمار زمین هایت و آنچه زیر آنها و نیز آنچه میان آنهاست تا آنان را به نزدیکی تو برساند و مایه خشنودی تو و ایشان شود، و این درودها پیوسته و

ص: ۲۰۹

---

۱- (۱) مصباح المتهجد: ص ۸۴۲ ح ۹۰۸، المزار الکبیر: ص ۴۱۰، الإقبال: ج ۳ ص ۳۳۰، البلد الأمين: ص ۱۸۷، المصباح، کفعمی: ص ۷۲۴.



وَمُتَّصِلَةً بِنِظَائِرِهِنَّ أَبَدًا.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ، بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ، وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ، وَحَدَّزْتَ مَعْصِيَتَهُ، وَأَمَرْتَ بِامْتِثَالِ أَوْامِرِهِ، وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ، وَاللَّا يَتَقَدَّمُهُ مُتَّقَدِّمٌ وَلَا يَتَأَخَّرُ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ، فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِذِينَ، وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ، وَبِهَاءِ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيَّكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيهِ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ، وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَعِنَهُ بِرُكْنِكَ الْأَعْزَى، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ، وَقَوِّ عِضْدَهُ، وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ، وَاحْمِهِ بِحِفْظِكَ، وَانصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَأَمُدَّهُ بِجُنْدِكَ الْأَغْلَبِ، وَأَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَشَرَائِعَكَ وَسُنَنَ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَحْيِ بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ، وَاجْلُ بِهِ صِدْقَ الْجُورِ عَنْ طَرِيقَتِكَ، وَأَبْنِ بِهِ الضَّرَاءَ (١) مِنْ سَبِيلِكَ، وَأَزِلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنْ صِرَاطِكَ، وَامْحَقْ بِهِ بُغَاهَ قَصْدِكَ عَوَجًا، وَأَلِنْ جَانِبَهُ لِلْأَوْلِيَاءِ بِكَ، وَابْسِطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَتَعَطُّفَهُ وَتَحَنُّنَهُ، وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَفِي رِضَاهُ سَاعِينَ، وَإِلَى نُصْرَتِهِ وَالْمُدَافَعَةِ عَنْهُ

ص: ٢١٠

١- (١) الضراء - بتشديد الراء -: المضره والشده، أى اقطع به أو أبعد به الشده الواقعه فى سبيلك بسبب تغلب أرباب الظلم والجور وعدم تمكن الإمام من هدايه عامه الخلق إلى سلوكها والدلاله عليها، أو المراد الشده التى تلحق سالكيها من أهل الجور والعدوان. ويوجد فى كثير من النسخ: «وابن به الضراء» بتخفيف الراء والمد على وزن سحاب. قال فى القاموس: الضراء: الاستخفاء والشجر الملتف فى الوادى. وفى الصحاح: فلان يمشى الضراء، إذا مشى مستخفياً فيما يوارى من الشجر. وعلى هذا فيجوز أن يكون قوله: ابن من الإبانه بمعنى الكشف والإيضاح، والمعنى اكشف به ما وقع فى سبيلك من الاستخفاء حتى تبين وتوضح، وإن حملته على معنى الشجر الملتف مجازاً عما وقع فى سبيله تعالى من التأويلات الباطله والآراء الزائغه والبدع المحرمه فالإبانه بمعنى القطع والإبعاد (رياض السالكين فى شرح صحيفه سيد الساجدين عليه السلام: ج ٦ ص ٤٠٥).

خدایا! تو دینت را در هر زمان با امامی که او را نشانه برافراشته ای برای بندگانت و نشان پرتوافشانی در سرزمین هایت قرار دادی و استوار نموده ای. پس از آن که رشته او را به رشته خود متصل و او را وسیله ای برای دستیابی به رضوانت کرده ای، اطاعتش را واجب و از نافرمانی اش برحذر داشته ای و به اجرای فرمان هایش، و باز ایستادن به گاه بازداشتش، فرمان داده ای و نیز از این که کسی از او پیش افتد و یا پس بنشیند؛ که او مایه حفظ پناهجویان، پناه مؤمنان و دستاویز چنگ زندگان [به رشته استوار الهی] و شکوه دل انگیز جهانیان است.

خدایا! سپاس گزاری از نعمت داده شده به ولایت را به او و مانند آن را به ما الهام کن و یاری پیروزمندانه ای را از نزد خودت به او عطا کن و فتوحی آسان را نصیب او بگردان و او را با نیروی شکست ناپذیرت یاری ده و پشتش را محکم بدار و او را تقویت کن و تحت مراقبت خود بگیر و او را با حفاظت حمایت کن و با فرشتگانت یاری اش کن و با لشکریان چیره ات یاری اش برسان و به دست او کتاب، حدود، آیین ها و نیز سنت های پیامبرت - که درودهایت ای خدا بر او و خاندانش باد - را بر پا دار و به دست او آنچه را ستمکاران از نشانه های دینت میرانده اند، زنده کن و با او زنگار ستم را از راهت پاک گردان، و با او ناهمواری ها و پستی و بلندی های راهت را هموار نما و منحرفان از راهت را کنار بزن، و به دست او آنان را که در پی کج کردن راه راست هستند، نابود بفرما و او را برای اولیایت نرم و بر دشمنانت چیره بگردان و رأفت، رحمت، توجه و مهربانی او را به ما عطا کن و ما را گوش به فرمان و مطیع او، کوشا در پی خشنودی، یاری، حمایت و محافظت از او قرار بده به گونه ای که با اینها در پی تقرب به تو و پیامبرت - که درودهایت ای خدا بر او و خاندانش باد - باشیم.

خدایا! درودهای مبارک، پاکیزه و بالنده ات را هر صبح و شام بر اولیایان،

مُكِنِّينَ، وَإِلَيْكَ وَإِلَى رَسُولِكَ - صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بِذَلِكَ مُتَّقَرِّبِينَ.

اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى أَوْلِيَائِهِمُ الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ، الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ، الْمُتَّقِينَ آثَارَهُمْ، الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ، الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَتِهِمْ، الْمُؤْتَمِّينَ بِإِمَامَتِهِمْ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنُهُمْ، الصَّلَوَاتِ (1) الْمُبَارَكَاتِ الزَّكَايَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الزَّائِحَاتِ، وَسَيِّئِمَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ، وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ، وَتُبْ عَلَيْهِمْ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

١٠٧٥. مصباح المتهجد: دُعَاءُ الْمَوْقِفِ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:...

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَن آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْهُمُ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ، وَانصُرْهُمْ وَانصُرْ بِهِمْ وَأَنْجِزْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ، وَبَلِّغْنِي فَتْحَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاكْفِنِي كُلَّ هَوْلٍ دُونَهُ، ثُمَّ اقْسِمِ اللَّهُمَّ لِي فِيهِمْ نَصِيبًا خَالِصًا، يَا مُقَدِّرَ الْأَجَالِ، يَا مُقَسِّمَ الْأَرْزَاقِ، افْسَحْ لِي فِي عُمْرِي وَابْسُطْ لِي فِي رِزْقِي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَصْلِحْ لَنَا إِمَامَنَا وَأَسْتَصْلِحْهُ، وَأَصْلِحْ عَلَى يَدَيْهِ وَآمِنْ خَوْفَهُ وَخَوْفَنَا عَلَيْهِ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ الَّذِي تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، اللَّهُمَّ املَأِ الْأَرْضَ بِهِ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأْتَ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَآمِنْ بِهِ عَلَى فُقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَأَرَامِلِهِمْ وَمَسَاكِينِهِمْ، وَاجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيهِ وَشِيَعَتِهِ؛ أَشَدَّهُمْ لَهُ حُبًّا، وَأَطْوَعَهُمْ لَهُ طَوْعًا، وَأَنْفَذَهُمْ لِأَمْرِهِ، وَأَسْرِعِهِمْ إِلَى مَرْضَاتِهِ، وَأَقْبَلِهِمْ لِقَوْلِهِ، وَأَقْوَمِهِمْ بِأَمْرِهِ، وَارزُقْنِي الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ حَتَّى أَلْقَاكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ.

ص: ٢١٢

١- (١) فِي الْإِقْبَالِ: «وَاحْفَظْهُمْ بِالصَّلَوَاتِ...» بَدَلِ «الصَّلَوَاتِ...».

پذیرندگان منزلتشان، پیروان راهشان، گام گذارندگان بر جای پایشان، چنگ زندگان به دستگیره ولایتشان، آنان که امامتشان را پذیرفته و در برابر فرمانشان سرسپرده و در اطاعتشان کوشنده و به انتظار روزگار [حکومت] ایشان بنشسته و چشم به ایشان دوخته، بفرست و بر ایشان و جان هایشان سلام بده و کارشان را بر تقوا فراهم و امورشان را به سامان آور و به آنان باز گرد که تو بازگردنده، مهربان و بهترین آمرزشگری، و ما را در سرای سلامت، با ایشان همراه کن، به رحمت ای رحیم ترین رحیمان! (۱)».

۱۰۷۵. مصباح المتهجد - دعای موقف [عرفات] از علی بن الحسین علیهما السلام :- «... خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و گره از کار خاندان محمد بگشای و آنان را امامانی قرار بده که به حق، ره می نمایند، و به سوی آن می روند، و آنان را یاری کن و به دست ایشان انتقام بگیر و آنچه را به ایشان وعده داده ای، به انجام برسان و مرا به فتح خاندان محمد برسان و در این راه، از هر هول [و بلایی] کفایت کن. آن گاه خدایا! برای من بهره ای خالص میان ایشان قرار بده، ای اندازه دهنده اجل ها! ای قسمت کننده روزی ها! عمرم را دراز و روزی ام را فراخ کن.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و امام ما را برای ما و اوضاع را برای او به سامان بیاور و به دست او اصلاح کن، و بیم خودش و ما را بر او به آسودگی تبدیل کن.

خدایا! او را کسی قرار ده که دینت را با او یاری می دهی. خدایا! زمین را با او از عدل و داد پر کن، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است و با او بر فقیران و بیوه زنان و بینوایان مسلمان، منت بگذار و مرا از گزیدگان وابسته و پیروان او که بیشترین محبت را به او دارند و مطیع ترین اند و بهترین فرمان برداری را دارند و در پی رضایت او سریع ترین اند و بیشترین پذیرش سخن او را دارند و بیش از بقیه به کار او قیام می کنند، قرار بده، و شهادت در پیش روی او را روزی ام کن تا تو را در حالی دیدار کنم که از من خشنودی» (۲).

ص: ۲۱۳

- 
- ۱- (۱) الصحیفه السجّادیه: ص ۱۸۵-۱۹۰، دعای ۴۷، الإقبال: ج ۲ ص ۸۷ و ۹۱، المصباح، کفعمی: ص ۸۸۶-۸۹۰.
  - ۲- (۲) مصباح المتهجد: ص ۶۹۷ ح ۷۷۱، الإقبال: ج ۲ ص ۱۱۰، المزار، مفید: ص ۱۶۳، المزار الکبیر: ص ۴۵۶ (هر دو بدون اسناد به امام علیه السلام)، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۲۳۴.

١٠٧٦. مصباح المتهجد - فى عَمَلِ الْيَوْمِ الْخَامِسِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ -: يُسْتَحَبُّ أَنْ يُدْعَى فِي هَذَا الْيَوْمِ بِهَذَا الدُّعَاءِ:

اللَّهُمَّ دَاخِيَ الْكَعْبَةِ، وَفَالِقَ الْحَبَّةِ، وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ (١)، وَكَاشِفَ الْكَرْبِ، أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنْ أَيَّامِكَ الَّتِي أَعْظَمْتَ حَقَّهَا، وَأَقْدَمْتَ سَبْقَهَا، وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ وَدِيْعَةً، وَإِلَيْكَ ذَرْبَةً، وَبِرَحْمَتِكَ الْوَسِيْعَةِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ...

اللَّهُمَّ وَالْعَنِ جَبَابِرَةَ الْأَوْلِيْنَ وَالْآخِرِينَ، وَبِحَقِّقِ أَوْلِيَاءِكَ الْمُسْتَثَائِرِينَ، اللَّهُمَّ وَأَقْصِمِ دَعَائِمَهُمْ، وَأَهْلِكَ أَسْيَاءَهُمْ وَعَامِلَهُمْ، وَعَجَّلِ مَهَالِكَهُمْ، وَاسْلُبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ، وَضَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسَالِكَهُمْ، وَالْعَنِ مُسَاهِمَهُمْ وَمُشَارِكَهُمْ.

اللَّهُمَّ وَعَجَّلِ فَرَجَ أَوْلِيَاءِكَ، وَارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ، وَأَظْهِرْ بِالْحَقِّ قَائِمَهُمْ، وَاجْعَلْهُ لِدِينِكَ مُنْتَصِرًا، وَبِأَمْرِكَ فِي أَعْدَائِكَ مُؤْتِمِرًا، اللَّهُمَّ احْفَظْهُ بِمَلَائِكَتِهِ النَّصْرِ، وَبِمَا أَلْقَيْتَ إِلَيْهِ مِنَ الْأَمْرِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، مُنْتَقِمًا لَكَ حَتَّى تَرْضَى وَيَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا، وَيَمْحَضُ الْحَقَّ مَحْضًا، (٢) وَيَرْفُضُ الْبَاطِلَ رَفْضًا.

اللَّهُمَّ صَيِّبْ عَلَيْهِ وَعَلَى جَمِيعِ آبَائِهِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ صِيْحِهِ وَأَسْرَتِهِ، وَابْعَثْنَا فِي كَرَّتِهِ حَتَّى نَكُونَ فِي زَمَانِهِ مِنْ أَعْوَانِهِ. اللَّهُمَّ أَدْرِكْ بِنَا قِيَامَهُ، وَأَشْهَدْنَا أَيَّامَهُ، وَصَلِّ عَلَيْهِ، وَعَلَيْهِ السَّلَامُ، - وَارْدُدْ إِلَيْنَا سَلَامَهُ - وَرَحْمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ.

ص: ٢١٤

١- (١) اللَّزْبَةُ: الشَّدَّةُ وَالْقَحْطُ (الصَّحَاحُ: ج ١ ص ٢١٩ «لِزْب»).

٢- (٢) فِي الْإِقْبَالِ: «وَيَمْحَضُ الْحَقَّ مَحْضًا».

۱۰۷۶. مصباح المتهجد - در عمل روز بیست و پنجم ذی قعدة - مستحب است که در این روز، این دعا را بخوانند:

«خدایا! ای گستراننده کعبه و شکافنده دانه و دور کننده قحطی و برطرف کننده سختی! در این روز که حقشان را بزرگ داشتی و آنها را پیش تر مقدم داشتی و نزد مؤمنان به ودیعت گذاشتی و وسیله ای به سوی تو و رحمت گسترده ات قرار دادی، از تو می خواهم بر محمد و خاندانش درود فرستی....»

خدایا! به حق اولیایت که ویژه خود ساخته ای، جناران را از اول تا آخرشان لعنت کن. خدایا! پایه های آنان را درهم بکوب و پیروان و کارگزارشان را هلاک کن و هلاکتشان را تسریع کن و مملکت هایشان را از آنان بگیر و راه هایشان را بر آنان تنگ کن و همکار و شریکشان را لعنت کن. خدایا! فرج اولیایت را تعجیل بفرما و آنچه را به ستم از ایشان برده اند، به آنان بازگردان و قائمشان را به حق، ظاهر کن و او را یاور دینت و در کار [هلاکت] دشمنانت، مجری فرمانت قرار بده. خدایا! گرداگرد او را با فرشتگان امدادرسان فرا بگیر و نیز با آنچه از امر در شب قدر به او القا می کنی، تا انتقام تو را بستاند و خشنود شوی، و دینت به وسیله و دست او تازه و نو، و حق، ناب و بی آمیغ و باطل، از بیخ و بن برافکنده شود.

خدایا! بر او و همه پدرانش درود فرست و ما را از همراهان و گروه او قرار بده و ما را در بازگشتش برانگیز تا در روزگار او از یارانش باشیم. خدایا! ما را به قیام او برسان و در روزگارش حاضر کن و بر او درود فرست. بر او سلام باد و سلام او را به ما بازگردان، و رحمت و برکات خدا بر او باد! (۱)

ص: ۲۱۵

---

۱- (۱) مصباح المتهجد: ص ۶۶۹ ح ۷۳۲، الإقبال: ج ۲ ص ۲۷، البلد الامین: ص ۲۴۳، المصباح، کفعمی: ص ۸۷۰.

١٠٧٧. المزار الكبير عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام - في الدُّعَاءِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ - (١):

اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ، الَّذِينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ، وَحَارَبُوا أَوْلِيَاءَكَ، وَعَبَدُوا غَيْرَكَ، وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَكَ، وَالْعَنِ الْقَادَةَ وَالْأَتْبَاعَ، وَمَنْ كَانَ مِنْهُمْ مُجِبًّا وَمَنْ أَوْضَعَ (٢) مَعَهُمْ، أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ، لَعْنَا كَثِيرًا. اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ صِلَمَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ الْمُضِلِّينَ، وَالْكَفَرَةَ الْجَاحِدِينَ، وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَتِحْ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرْجًا قَرِيبًا، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

ثُمَّ ارْفَعْ يَدَيْكَ وَاقْنُتْ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَقُلْ وَأَنْتَ تُوْمِي إِلَى أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ، إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمَّةِ نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ الْأَيْمَةِ، وَكَفَرَتْ بِالْكَلِمَةِ،

ص: ٢١٦

١- (١) هكذا ورد صدر الدعاء في الكتاب: المزار الكبير: زياره أبي عبد الله الحسين عليه السلام في يوم عاشوراء: أخبرنا الشيخ الفقيه العالم عماد الدين محمد بن أبي القاسم الطبري، قراءه عليه وأنا أسمع، في شهور سنة ثلاث وخمسين وخمسمئة بمشهد مولانا أمير المؤمنين صلوات الله عليه، عن الشيخ المفيد أبي علي الحسن بن محمد، عن والده الشيخ أبي جعفر رضي الله عنه، عن الشيخ المفيد أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان، عن ابن قولويه وأبي جعفر بن بابويه، عن محمد بن يعقوب الكليني، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن عبد الله بن سنان، قال: دخلت على سيدي أبي عبد الله جعفر بن محمد عليهما السلام في يوم عاشوراء، فألفيته كاسف اللون، ظاهر الحزن، ودموعه تنحدر من عينيه كاللؤلؤ المتساقط، فقلت: يا بن رسول الله، مم بكاؤك لا أبكى الله عينيك؟ فقال لي: أو في غفله أنت، أما علمت أن الحسين بن علي عليه السلام قتل في مثل هذا اليوم... (ثم ذكر في توصيفه وصلاته، ثم قال): فإذا فرغت من سعيك وفعلك هذا، فقف في موضعك الذي صليت فيه، ثم قل: اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ....

٢- (٢) أَوْضَعْتُهُ فِي الْأَمْرِ: إِذَا وَافَقْتَهُ فِيهِ عَلَى شَيْءٍ (لسان العرب: ج ٨ ص ٣٩٧ «وضع»). وفي بحار الأنوار ج ٣٢ ص ٢٠٩: أَوْضَعَ أَي رَكَضَ دَابَّتُهُ وَأَسْرَعَ.

۱۰۷۷. المزار الکبیر - به نقل از عبد اللّٰه بن سنان - امام صادق علیه السلام در دعای روز عاشورا(۱) فرمود :- «خدایا! تبهکاران را عذاب کن؛ آنان که با پیامبرت دشمنی کردند و با اولیایت جنگیدند و غیر تو را پرستیدند و حرام هایت را حلال شمردند، و رهبران و پیروان و محبّان و موافقان [و همراهان] و خشنودان به کارشان را فراوان لعنت کن.

خدایا! در فرج خاندان محمّد تعجیل بفرما و درودهایت را بر او و بر ایشان بفرست و آنان را از دست منافقان گم راه و کافران منکر برهان و فتحی آسان برایشان پیش آور و آسودگی و گشایشی نزدیک را برایشان فراهم کن و تسلّطی یاری شده از جانب خود برای ایشان قرار بده.

سپس دستانت را بالا می بری و این دعا را در قنوت و در حالی که به دشمنان خاندان محمّد اشاره می کنی می خوانی:

خدایا! بسیاری از امت، به دشمنی با امامان نگه دارنده [ی دین] برخاسته و به کلمه [ی توحید و امامت] کفر ورزیده و به زمامداران ستمکار روی آورده و کتاب و

ص: ۲۱۷

---

۱- (۱) المزار الکبیر سندش را به عبد اللّٰه بن سنان ذکر کرده و پیش از نقل متن دعا از زبان او چنین آورده است: در روز عاشورا بر سرورم امام صادق علیه السلام در آمدم. او را رنگ پریده و اندوهگین دیدم، در حالی که اشک هایش مانند دانه های مروارید از چشمانش می ریخت. گفتم: ای فرزند پیامبر خدا! از چه رو می گریی؟ خداوند چشمانت را گریان نکند! به من فرمود: «آیا غافلیم؟! آیا نمی دانی که حسین بن علی علیه السلام در چنین روزی کشته شد؟ (سپس کیفیت کارهای آن روز و نمازش را ذکر کرد و فرمود:) هنگامی که از تلاش و این کارهایت فارغ شدی، در همان جا که نماز خوانده ای بایست و بگو: خدایا! تبهکاران را عذاب کن...».



وَعَكَفَتْ عَلَى الْقَادَةِ الظَّلَمَةِ، وَهَجَرَتِ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ، وَعَدَلَتْ عَنِ الْحَبْلَيْنِ الَّذِينَ أَمَرَتْ بِطَاعَتِهِمَا وَالتَّمَسُّكِ بِهِمَا، فَأَمَاتَتِ الْحَقَّ وَحَادَتِ عَنِ الْقَصْدِ، وَمَالَاتِ الْأَحْزَابَ، وَحَرَفَتِ الْكِتَابَ، وَكَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهَا، وَتَمَسَّكَتِ بِالْبَاطِلِ لَمَّا اعْتَرَضَهَا، فَضَيَّعَتْ حَقِّكَ، وَأَضَلَّتْ خَلْقَكَ، وَقَتَلَتْ أَوْلَادَ نَبِيِّكَ، وَخَيَّرَةَ عِبَادَكَ، وَحَمَلَةَ عِلْمَكَ، وَوَرَّثَةَ حِكْمَتَكَ وَوَحْيَكَ.

اللَّهُمَّ فَزَلِّزِ أَقْدَامَ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ وَأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ، فَأَخْرِبْ دِيَارَهُمْ، وَأَفْلِسْ سِيَاحَهُمْ، وَخَالَفِ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَفُتِّ فِي أَعْضَادِهِمْ، وَأَوْهِنِ كَيْدَهُمْ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَارْمِهِمْ بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ، وَطُمَّهُمْ بِالْبَلَاءِ طُمَّاً، وَقُمَّهُمْ (١) بِالْعَذَابِ قَمَّاً، وَعَذِّبْهُمْ عَذَاباً نُكْرًا، وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ وَالْمَثَلَاتِ الَّتِي أَهْلَكْتَ بِهَا أَعْدَاءَكَ، إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّ سَيِّئَتِكَ ضَائِعَةٌ، وَأَحْكَامِيكَ مُعْطَلَةٌ، وَعِترَةُ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ هَائِمَةٌ، اللَّهُمَّ فَأَعِزِّ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ، وَاقْمَعْ الْبَاطِلَ وَأَهْلَهُ، وَمُنِّ عَلَيْنَا بِالنَّجَاهِ، وَاهْدِنَا إِلَى الْإِيمَانِ، وَعَجِّلْ فَرَجَنَا، وَانظِمْهُ بِفَرَجِ أَوْلِيَائِكَ، وَاجْعَلْهُمْ لَنَا رِداءً، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ وَفدًا.

اللَّهُمَّ وَأَهْلِكَ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ عِيدًا، وَاسْتَهَلَّ بِهِمْ فَرَحًا وَمَرَحًا، وَخُذْ آخِرَهُمْ بِمَا أَخَذْتَ أَوَّلَهُمْ، وَأَضْعِفِ اللَّهُمَّ الْعَذَابَ وَالتَّنْكِيلَ عَلَى ظَالِمِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَهْلِكَ أَشْيَاعَهُمْ وَقَادَتَهُمْ، وَأَبْر (٢) حُمَاتَهُمْ وَجَمَاعَتَهُمْ.

اللَّهُمَّ ضَاعِفِ صِيَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى عِترَةِ نَبِيِّكَ، الْعِترَةِ الضَّائِعَةِ، الْخَائِفَةِ الْمُسْتَدَلَّةِ، بِقِيَّةِ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ، الزَّاكِيَةِ الْمُبَارَكَةِ، وَأَعْلِ اللَّهُمَّ كَلِمَتَهُمْ،

ص: ٢١٨

١- (١) قَمَّ الشَّيْءَ قَمَّاً: كَنَسَهُ. يُقَالُ: قَمَّ بَيْتَهُ يَقُمُّهُ قَمَّاً إِذَا كَنَسَهُ (لسان العرب: ج ١٢ ص ٤٩٣ «قمم»).

٢- (٢) الْبُور: الْهَلَاكُ، وَقَوْمُ بُورٍ: أَيُّ هَلَكِي، وَمُبِيرٌ: أَيُّ مَهْلِكٌ مُسْرِفٌ فِي إِهْلَاكِ النَّاسِ (النهاية: ج ١ ص ١٦١ «بور»).

سنت را ترک کرده و از دو رشته ای که به اطاعت و چنگ زدنشان فرمان داده بودی (قرآن و عترت)، منحرف شدند و حق را میرانده و از راه میانه منحرف شدند و احزاب دیگر را یاری دادند و کتاب را تحریف کردند و چون حق به ایشان رسید، به آن کفر ورزیدند و چون باطل را دیدند، به آن چنگ زدند و حق تو را تباه و خلق تو را گم راه کردند و فرزندان پیامبرت و بندگان برگزیده ات و بر دوش کشندگان علمت و وارثان حکمت و وحی ات را کشتند.

خدایا! گام های دشمنانت و دشمنان پیامبر و اهل بیت پیامبرت را بلرزان و خانه هایشان را ویران و سلاحشان را کند و دچار اختلافشان بگردان. یارانشان را پراکنده و نیرنگشان را سست کن و آنان را با شمشیر بُرانت بزن و با سنگ سرشکنت بکوب و انبوه بلاها را بر آنان بریز و با عذاب، جارویشان کن و عذابی سهمگین بر آنان فرود آور و آنان را با قحطی و کیفرهایی که دشمنانت را با آن هلاک کردی، بگیر؛ که تو از مجرمان، انتقام گیرنده ای.

خدایا! سنت تو تباه و احکامات تعطیل و عترت پیامبرت در زمین سرگردان شده اند. خدایا! حق و اهلش را عزیز کن و باطل و اهلش را بکوب و با نجات ما بر ما منت بنه و ما را به ایمان، هدایت نما و در فرجمان تعجیل بفرما و آن را به فرج اولیایت متصل کن و آنان را پشتیبان ما و ما را نمایندگان آنها قرار بده.

خدایا! هر کس روز کشتن فرزند پیامبرت و برگزیده خلقت را عید می گیرد و در آن، شادی و پایکوبی می کند، هلاک کن و آخرین آنها را به همان کیفری بگیر که اولین آنها را گرفتی و - ای خدا - عذاب و عقوبتت را بر ستمکاران به اهل بیت پیامبرت دو چندان کن و پیروان و زمامدارانشان را هلاک گردان و حامیان و جمعشان را از میان ببر. خدایا! درودها و رحمت و برکاتت را بر عترت پیامبرت دو چندان کن، عترت تباه شده بیمناک خوارشده، باقی مانده از شجره طیبه [ی رسالت]، پاکیزه و برکت یافته. خدایا! سخنشان را بالا بنشان و حجّتشان را چیره

وَأَفْلِحَ (١) حُجَّتَهُمْ، وَاكْشَفَ الْبَلَاءَ وَاللَّأْوَاءَ (٢) وَحَنَادِسَ (٣) الْأَبَاطِيلَ وَالْعَمِيَاءَ عَنْهُمْ، وَثَبَّتْ قُلُوبَ شَيْعَتِهِمْ وَجَزَبَكَ عَلَى طَاعَتِهِمْ  
وَوَلَّيْتَهُمْ وَنَصَرْتَهُمْ وَمُوَالَاتِهِمْ، وَأَعْنَهُمْ وَامْنَحَهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْأَذَى فِيكَ، وَاجْعَلْ لَهُمْ أَيَّاماً مَشْهُودَةً، وَأَوْقَاتاً مَسْعُودَةً، يَوْشَكَ فِيهَا  
فَرَجُهُمْ، وَتَوْجِبْ فِيهَا تَمْكِينَهُمْ وَنَصْرَهُمْ، كَمَا ضَمَنْتَ لِأَوْلِيَائِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ  
آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرْنَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرْنَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرْنَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرْنَا لَهُمْ فِي  
لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» ٤.

اللَّهُمَّ فَمَا كَشَفَ عَنْهُمْ، يَا مَنْ لَا يَكْشِفُ الضَّرَّ إِلَّا هُوَ، يَا أَحَدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، وَأَنَا يَا إِلَهِي عَبْدُكَ الْخَائِفُ مِنْكَ، وَالزَّاجِعُ إِلَيْكَ،  
السَّائِلُ لِمَكَ، الْمُقْبِلُ عَلَيْكَ، اللَّائِحُ إِلَى فِنَائِكَ، الْعَالِمُ بِكَ؛ فَإِنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ دُعَائِي، وَاسْمَعْ يَا إِلَهِي  
عَلَانِيَتِي وَنَجْوَايَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ، وَقَبِلَتْ نُسُكُهُ، وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ.

اللَّهُمَّ وَصَلِّ أَوْلًا- وَآخِرًا عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، بِأَكْمَلِ وَأَفْضَلِ مَا  
صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، وَمَلَائِكَتِكَ وَحَمَلِهِ عَرْشِكَ، بِإِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ.

اللَّهُمَّ لَا تَفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صِلْ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاجْعَلْنِي يَا إِلَهِي مِنْ شَيْعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ  
وَالْحُسَيْنِ، وَذُرِّيَّتِهِمُ الطَّاهِرَةَ الْمُتَّجِبَةَ،

ص: ٢٢٠

١- (١) فَلَجَ أَصْحَابَهُ وَعَلَى أَصْحَابِهِ إِذَا غَلَبَهُمْ (لسان العرب: ج ٢ ص ٣٤٨ «فلج»).

٢- (٢) اللَّأْوَاءُ: الشده و ضيق المعيشه (لسان العرب: ج ١٥ ص ٢٣٨ «لأى»).

٣- (٣) الْحَنَادِسُ: جمع حَنَدَس، وهو الشديد الظلمه (انظر: النهايه: ج ١ ص ٤٥٠ «حندس»).

کن و بلا- و سختی و تاریکی های باطل و اندوه را از ایشان برطرف کن و دل های شیعیان ایشان و حزبت را بر اطاعت و ولایت و یاری و دوستی ایشان استوار بدار و یاری شان ده و شکیب ورزیدن را بر آزار در راه تو، به ایشان عطا کن و روزهایی دیدنی و زمان هایی خوش برایشان قرار بده که فرجشان را نزدیک و تسلط و یاری شان را فراهم آورد، همان گونه که در کتاب نازل شده ات برای اولیای ضمانت کردی و به حق و درستی فرمودی: «خداوند به مؤمنان شایسته کار شما وعده داده است که بی تردید، آنان را در زمین خلیفه می کند، همان گونه که پیشینیان آنان را خلیفه کرد و دینشان را که برایشان پسندیده است، بی گمان برای آنها استوار و برپا می سازد و بیم و هراسشان را به آرامش تبدیل می کند».

خدایا! مشکلشان را برطرف کن. ای که جز او سختی را برطرف نمی کند! ای یگانه! ای زنده! ای برپا دارنده! و من - ای خدای من -، بنده ترسان از تو و بازگردنده به تو و درخواست کننده از تو و روی آورنده به تو و پناهنده به درگاه تو و آگاه به تو هستم که هیچ پناهی از تو به سوی خودت نیست. خدایا! دعایم را بپذیر و - ای خدای من -، [صدای] آشکار و نجوای مرا بشنو و مرا از آنان قرار ده که عملشان را می پسندی و عبادتشان را می پذیری و با رحمت نجاتشان می دهی؛ که تو عزیز، حکیم و کریمی.

خدایا! در ابتدا و انتها بر محمد و آل محمد درود فرست. برکات را بر محمد و آل محمد نازل فرما. بر محمد و آل محمد رحم کن، کامل تر و برتر از درود و برکات و رحمتی که نثار پیامبران و فرستادگان و فرشتگان و حاملان عرشت کردی، به حق یکتایی ات!

خدایا! میان من با محمد و خاندانش - که درودهایت بر او و بر ایشان باد - جدایی مینداز و - ای خدای من - مرا از پیروان محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و فرزندان پاک برگزیده شان قرار بده و زمینه درآویختن به رشته ایشان و رضایت به

وَهَيِّئْ لِي التَّمَسُّكَ بِحَبْلِهِمْ، وَالرِّضَا بِسَبِيلِهِمْ، وَالْأَخْذَ بِطَرِيقِهِمْ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

ثُمَّ عَفَّرْ وَجْهَكَ عَلَى الْأَرْضِ، وَقُلْ:

يَا مَنْ يَحْكُمُ مَا يَشَاءُ وَيَفْعَلُ مَا يُرِيدُ، أَنْتَ حَكَمْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ مَحْمُوداً مَشْكُوراً، فَفَرِّجْ يَا مَوْلَايَ فَرْجَهُمْ وَفَرِّجْنَا بِهِمْ، فَإِنَّكَ ضَمِنْتَ إِعْزَازَهُمْ بَعْدَ الدَّلَّةِ، وَتَكَثِيرَهُمْ بَعْدَ الْقَلَّةِ، وَإِظْهَارَهُمْ بَعْدَ الْخُمُولِ، يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي - مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ - بَسْطَ أَمَلِي، وَالتَّجَاوُزَ عَنِّي، وَقَبُولَ قَلِيلِ عَمَلِي وَكَثِيرِهِ، وَالزِّيَادَةَ فِي أَيَّامِي، وَتَبْلِيغِي ذَلِكَ الْمَشْهَدَ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعَى فَيُجِيبُ إِلَى طَاعَتِهِمْ، وَمُؤَالَاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ، وَتُرِينِي ذَلِكَ قَرِيباً سَرِيعاً فِي عَافِيَةٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ثُمَّ ارْفَعْ يَدَكَ إِلَى السَّمَاءِ وَقُلْ:

أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَكَ، وَأَعِزَّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذَلِكَ.

٥/٦: الدُّعَاءُ لَهُ عَقِيبَ الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ

١٠٧٨. الكافي: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ، قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ أَبُو جَعْفَرِ بْنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ... وَقَالَ:

إِذَا انصَرَفْتَ مِنْ صَلَاةِ مَكْتُوبَةٍ فَقُلْ:

رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَبِفُلَانٍ وَفُلَانٍ أُمَّةً. اللَّهُمَّ وَثِّقْ فُلَانًا فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ، وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ

ص: ٢٢٢

راهشان و برگرفتن طریقتشان را برایم فراهم کن؛ که تو بخشنده و کریمی.

سپس صورتت را به خاک بمال و بگو: ای که به هر چه بخواهد حکم می راند و هر چه اراده فرماید می کند! تو حکم راندى، پس سپاس و ستایش، ویژه توست ای ستوده ارج نهاده شده! ای مولای من! در فرج آنان گشایش بده و به همراهش فرج ما را نیز برسان که تو ضمانت کرده ای آنها را پس از خوار شدن، عزیز بداری و پس از اندک شدن، فراوان کنی و پس از گم نامی و پنهانی، آشکار سازی. ای راستگوترین راستگویان و ای رحیم ترین رحیمان!

ای خدا و سرور من! با یاری از جود و کرم، عاجزانه از تو می خواهم که آرزویم را گسترده کنی و از من بگذری و عمل کم و زیادم را بپذیری و بر عمرم بیفزایی و مرا به آن جایگاه حضور برسانی و مرا از کسانی قرار دهی که چون او را فرا می خوانند به اطاعت و ولایت و یاری شان جواب می دهد و آن روزگار را به زودی و با سرعت و عافیت به من نشان دهی؛ که تو بر هر کاری توانایی.

سپس دستانت را به سوی آسمان کن و بگو: به تو پناه می برم از این که از کسانی باشم که روزگار تو را امید نمی برند و مرا به رحمت از این حالت برهان» (۱).

#### ۵/۶: دعا برای او پس از نمازهای واجب

۱۰۷۸. الکافی - به نقل از محمد بن فرج - : امام جواد علیه السلام به من نامه نوشت... و در آن فرمود:

«هنگامی که نماز واجب را به پایان بردی، بگو: به پروردگاری خداوند و به پیامبری محمد و به دینم اسلام و به کتابم قرآن و امام بودن فلان و فلان راضی شدم. خدایا! فلان ولایت (صاحب الزمان علیه السلام) را از پیش و پس و چپ و راست و بالا و پایینش حفظ فرما و بر عمرش بیفزای و او را قیام کننده به امرت و یاور دینت قرار بده و

ص: ۲۲۳

---

۱- (۱) المزار الکبیر: ص ۴۷۳-۴۷۵ ح ۶، مصباح المتهجد: ص ۷۸۳ ح ۸۵۳ و ۸۵۶، مصباح الزائر: ص ۲۶۳، الإقبال: ج ۳ ص ۶۷ (با عبارت مشابه)، بحار الأنوار: ج ۱۰۱ ص ۳۰۳-۳۰۵ ح ۴.

فَوْقَهُ وَمِنْ تَحْتِهِ، وَآمَدُ لَهُ فِي عُمْرِهِ، وَاجْعَلُهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، وَالْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ، وَأَرِهِ مَا يُحِبُّ وَمَا تَقَرَّرُ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَفِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ، وَفِي شِيعَتِهِ وَفِي عَدُوِّهِ، وَأَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ، وَأَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَتَقَرَّرُ بِهِ عَيْنُهُ، وَاشْفِ صُدُورَنَا وَصُدُورَ قَوْمِ مُؤْمِنِينَ.

١٠٧٩. كتاب من لا يحضره الفقيه: وقال [الإمام الجواد] عليه السلام: إذا انصرفت من صلاة مكتوبه فقل:

رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ وَلِيًّا، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ، وَالْحُجَّجَةَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَيْمَّةً، اللَّهُمَّ وَثِيكَ الْحُجَّةَ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، وَآمَدُ لَهُ فِي عُمْرِهِ، وَاجْعَلُهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، الْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ وَأَرِهِ مَا يُحِبُّ وَتَقَرَّرُ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَفِي ذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ وَفِي شِيعَتِهِ وَفِي عَدُوِّهِ، وَأَرِهِمْ مِنْهُ مَا يَحْذَرُونَ وَأَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَتَقَرَّرُ بِهِ عَيْنُهُ، وَاشْفِ بِهِ صُدُورَنَا وَصُدُورَ قَوْمِ مُؤْمِنِينَ.

٦/٦: الدُّعَاءُ لَهُ عَقِيبَ صَلَاةِ الْفَجْرِ

١٠٨٠. المزار الكبير: ذَكَرُ مَا يُزَارُ بِهِ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُلَّ يَوْمٍ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيْثُمْ وَمَيْتَتِهِمْ، وَعَنْ الْوَالِدَى وَالْوَالِدَى وَعَنْيَ، مِنْ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ زَنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادَ

آنچه را دوست دارد و مایه چشم روشنی اش در خود و فرزندان و خانواده و دارایی و پیروان و دشمنانش می شود، به او نشان بده و آنچه دشمنانش از آن بیم دارند، به آنان بنمایان و آنچه را او در دشمنانش دوست دارد و چشمش به آن روشن می شود، به وی بنمایان و سینه های ما و سینه های مؤمنان را شفا بده» (۱).

۱۰۷۹. کتاب من لایحضره الفقیه: امام جواد علیه السلام فرمود: «هنگامی که نماز واجب را به پایان بردی، بگو: به پروردگاری خداوند و به دینم اسلام و به کتابم قرآن و به پیامبری محمد و به ولایت علی علیه السلام و امامت حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و حجه بن الحسن راضی شدم. خدایا! ولایت حجت را از پیش و پس و چپ و راست و بالا و پایینش حفظ فرما و بر عمرش بیفزای و او را قائم به امرت و یاور دینت قرار بده و آنچه را دوست دارد و مایه چشم روشنی اش در خود و فرزندان و خانواده و دارایی و پیروان و دشمنانش می شود، به او نشان بده و آنچه را دشمنانش از آن بیم دارند، به آنان بنمایان و آنچه را او در آنها، دوست دارد و چشمش به آن روشن می شود، به او بنمایان و با این [کار]، سینه های ما و سینه های مؤمنان را شفا بده» (۲).

### ۶/۶: دعا برای او پس از نماز صبح

۱۰۸۰. المزار الکبیر: ذکر زیارتی که هر روز پس از نماز صبح، مولایمان با آن زیارت می شود:

«خدایا! به مولایم صاحب الزمان - که دروهای خدا بر او باد - از سوی همه مردان و زنان باایمان در شرق و غرب عالم، در خشکی و دریا و دشت و کوه و از زنده و

ص: ۲۲۵

۱- (۱) الکافی: ج ۲ ص ۵۴۷ ح ۶، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۴۲ ح ۵۲.

۲- (۲) کتاب من لایحضره الفقیه: ج ۱ ص ۳۲۶ ح ۹۶۰.



كَلِمَاتِهِ، وَمُنْتَهَى رِضَاهُ، وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ، وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهٗ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْدًا وَعَقْدًا وَيَعَهُ لَهٗ فِي رَقَبَتِي.

اللَّهُمَّ فَكَمَا شَرَّفْتَنِي بِهَذَا التَّشْرِيفِ، وَفَضَّلْتَنِي بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النُّعْمَةِ، فَصَلِّ عَلَى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا غَيْرَ مُكْرَهٍ، فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ: «صِفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْضُوصٌ»<sup>١</sup>، عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، اللَّهُمَّ هَذِهِ بِيَعَهُ لَهٗ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (١).

٧/٦: عِنْدَ الصَّبَاحِ (دُعَاءُ الْعَهْدِ)

١٠٨١. مصباح الزائر: ذَكَرَ الْعَهْدِ الْمِأْمُورِ بِهِ فِي زَمَانِ الْعِيَةِ: رَوَى عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِهَذَا الْعَهْدِ كَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا عَلَيْهِ السَّلَامِ، فَإِنْ مَاتَ قَبْلَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ قَبْرِهِ، وَأَعْطَاهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ، وَمَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ، وَهُوَ هَذَا:

«اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (٢)، وَمُنَزَّلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظُّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنَزَّلَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ.

ص: ٢٢٦

١- (٢) زاد العلامة المجلسي قدس سره هنا: «أقول: وجدت في بعض الكتب القديمة بعد ذلك: ويصفق بيده اليمنى على اليسرى».

٢- (٣) المسجور: أي المملوء (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٨٢٠ «سجراً»).

مرده شان و از پدر و مادر و فرزندانم و از سوی خودم، درودها و سلام هایی به وزن عرش خدا و گستره کلمات او و نهایت رضایتش و به تعداد آنچه کتابش به شمار آورده و علمش به آن احاطه دارد، برسان.

خدایا! امروز و در هر روز، عهد و پیمانی و بیعتی را که برای او به گردن دارم، تجدید می کنم.

خدایا! همان گونه که مرا به این شرافت، گرامی داشتی و با این فضیلت، برتری بخشیدی و به این نعمت، ویژه ساختی، بر مولا و سرورم، صاحب الزمان درود فرست و مرا از یاران و پیروان و مدافعان او قرار بده و مرا از شهیدان پیش رویش که به خواست خود و نه به اکراه در صف او درآمده اند، قرار بده؛ صفی که آن را در کتابت توصیف کرده و گفته ای: «صفی که گویی بنیادی به هم پیوسته [و استوار] است» و در اطاعت تو و اطاعت پیامبرت و خاندان او - که سلام بر ایشان باد - خدایا! این بیعت با او، تا روز قیامت در گردنم هست» (۱). (۲)

#### ۶/۷: دعای پگاه «دعای عهد»

۱۰۸۱. مصباح الزائر: ذکر عهدی که در روزگار غیبت به آن امر شده است: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «هر کس خدای متعال را چهل بامداد با این عهد بخواند، از یاران قائم ما خواهد بود و اگر پیش از ظهور بمیرد، خدای متعال، او را از قبرش بیرون می آورد و در برابر هر کلمه این دعا، هزار حسنه به او می دهد و هزار بدی از او محو می کند؛ و متن آن این است: "خدایا! پروردگار نور بزرگ! پروردگار

ص: ۲۲۷

---

۱- (۱) علامه مجلسی می گوید: در برخی کتاب های قدیمی یافته ام که پس از این دعا، دست راستش را بر دست چپش بزند.

۲- (۲) المزار الکبیر: ص ۶۶۲، مصباح الزائر: ص ۴۵۴، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۱۱۰.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، [وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ]، (١) يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيُّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَيِّئِهَا وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَتِي، مِنْ الصَّلَاةِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَأَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي اجْدُدْ لَهُ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ أَبَدًا.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ (٢)، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا [مَقْضِيًّا] (٣)، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَرِّرًا كَفَّنِي، شَاهِرًا سَيِّفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي (٤)، مُلْتَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي.

اللَّهُمَّ ارْنِي الطَّلَعَ الرَّشِيدَةَ، وَالغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَأَوْسِعْ مَنْهَجَهُ، وَأَسْلُكْ بِي مَحَجَّتَهُ، وَأَنْفِذْ أَمْرَهُ، وَأَشْدُدْ أَرْزَهُ.

وَاعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَكَ، وَأَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: «ظَهَرَ الْفَسَادُ

ص: ٢٢٨

١- (١) الزيادة من بحار الأنوار.

٢- (٢) زاد في المزار الكبير والبلد الأمين: «والممتملين لأوامره».

٣- (٣) الزيادة من بحار الأنوار.

٤- (٤) القناه: الرمح (لسان العرب: ج ١٥ ص ٢٠٣ «قنو»).

کرسی رفیع! پروردگار دریای انبوه! نازل کننده تورات و انجیل و زبور! پروردگار سایه و گرما و نازل کننده فرقان بزرگ (قرآن) و پروردگار فرشتگان مقرب و پیامبران و فرستادگان! خدایا! به روی کریمت از تو می خواهم و به پرتو روی نورافشانت و سلطنت دیرینت، ای زنده، ای برپا دارنده! از تو می خواهم، به آن سمت که آسمان ها و زمین ها با آن روشن شدند و به آن سمت که اولین و آخرین با آن سامان می یابند، ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده پس از هر زنده! خدایی جز تو نیست.

خدایا! به مولایمان امام راه نمای ره یافته، قیام کننده به امرت - که درودهای خدا بر او و بر پدران پاکش باد - از سوی همه مردان و زنان باایمان در شرق و غرب زمین، در کوه و دشت و خشکی و دریا و از سوی من و پدر و مادرم، درودهایی به وزن عرش خدا و گستره کلمات او و به شمار آنچه علمش برشمرده و کتابش به آن احاطه دارد، برسان.

خدایا! در بامداد امروز و هر روز از روزهای عمرم، عهد و پیمان و بیعتی را که برای او به گردن دارم تجدید می کنم و از آن برنمی گردم و کناره نمی گیرم.

خدایا! ما را از یاوران، یاران، مدافعان، شتاب کنندگان در اجرای خواسته هایش، حمایتگران او، پیشی گیرندگان به تحقق اراده اش و شهیدان پیش رویش قرار بده.

خدایا! اگر مرگ - که آن را بر همه بندگانت حتمی کرده ای -، میان من و او جدایی انداخت، مرا از قبرم بیرون بیاور در حالی که کفنم را به تن کرده، شمشیرم را از نیام بیرون کشیده، نیزه ام را برهنه کرده و به دعوت دعوتگر، پاسخ داده باشم، در شهر باشم یا در صحرا.

فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» ١، فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيِّكَ، وَابْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يُظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرَّقَهُ، وَيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ.

اللَّهُمَّ وَسِيرَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمِ اسْتِكَاتِنَا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْعُغْمَةَ عَن هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ، وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرُونَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ثُمَّ تَضَرَّبُ عَلَى فَخْذِكَ الْأَيْمَنِ بِيَدِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَتَقُولُ:

الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ. (١)

ص: ٢٣٠

١- (٢) ليس لهذا الدعاء سند في مصادر الأدعيه، ولكن العلامة المجلسي أورد له سنيين كاملين ومنفصلين، ونقله في «ج ٨٦ ص ٢٨٤ ح ٤٧» من الكتاب العقيق الغروي. وفي البلد الأمين من دون إسناد إلى أحد من أهل البيت عليهم السلام وأورده تحت عنوان «الدعاء لصاحب الأمر». وفي ج ٩٤ ص ٤١ ح ٢٥: نقل من خط الشيخ محمد بن علي الجبعي، نقلاً من خط الشيخ علي بن السكون قدس الله روحهما، أخبرني شيخنا وسيدنا السيد الأجل العالم الفقيه جلال الدين أبو القاسم عبد الحميد بن فخار بن معد بن فخار العلوي الحسيني الموسوي الحائري - أطل الله بقاءه - قراءه عليه، وهو يعارضني بأصل سماعه الذي بخط والده رحمه الله، المنقول من هذا الفرع في شهر سنة ست وسبعين وستمئة [٦٧٦] قال: أخبرني والدي رضي الله عنه، قال: أخبرني الأجل العالم تاج الدين أبو محمد الحسن بن علي بن الحسين بن الدربي - أطل الله بقاءه - سماعاً من لفظه وقراءه عليه في شهر ربيع الأول سنة ست وتسعين وخمسمئة [٥٩٦]، قال: أخبرني الشيخ الفقيه العالم قوام الدين أبو عبد الله محمد بن عبد الله البحراني الشيباني رحمه الله، قراءه عليه سنة ثلاث وسبعين وخمسمئة [٥٧٣]، قال: قرأت علي الشيخ أبي محمد الحسن بن علي، قال: قرأت هذا العهد علي الشيخ علي بن إسماعيل، قال: قرأت علي الشيخ أبي زكريا يحيى بن كثير، قال: قرأت علي السيد الأجل محمد بن علي القرشي، قال: حدثني أحمد بن سعيد بقراءته علي الشيخ علي بن الحكم، قال: قرأت علي الربيع بن محمد المسلي، قال: قرأت علي أبي عبد الله بن سليمان، قال: سمعت سيدنا الإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام يقول:....

خدایا! آن چهرهٔ رعنا و آن رخسار زیبا را به من نشان بده و سیرمهٔ تماشای او را به چشم من بکش و در فرجش تعجیل بفرما و خروجش را آسان کن و راهش را گشاده بگردان و مرا به راه او درآور و فرمانش را نافذ و پشتش را محکم بدار.

خدایا! سرزمین هایت را به دست او آباد و بندگانت را زنده کن؛ که تو، به راستی گفته‌ای: «تباهی در خشکی و دریا به دلیل دستاوردهای [گناهان] مردم پدیدار شده است». خدایا! ولایت، فرزند دختر پیامبرت و همانم فرستاده ات را آشکار کن تا بر چیزی از باطل دست نیابد جز آن که آن را فرو بپاشد و حق را پابرجا و آن را اجرا کند. خدایا! او را پناهی برای بندگان ستمدیده ات، قرار بده و نیز یاور کسانی که جز تو یآوری ندارند و تجدیدگر احکام تعطیل شدهٔ کتابت و استوار کنندهٔ آنچه از نشانه های دینت و سنت های پیامبرت - که خدا بر او و خاندانش درود فرستد - رسیده است. خدایا! او را از گزند متجاوزان، در پناه خود بگیر.

خدایا! پیامبرت محمّد - که خدا بر او و خاندانش درود فرستد - و هر کس که دعوتش را پیروی کرد، با دیدارش خشنود بفرما و بر بیچارگی ما پس از پیامبر صلی الله علیه و آله رحم آور. خدایا! این اندوه را از این امت [انبوه] با حضور قائمش برطرف فرما و ظهورش را برای ما پیش انداز؛ که «آنان آن را دور و ما آن را نزدیک می بینیم»، به رحمت ای رحیم ترین رحیمان!"

سپس با دست سه مرتبه بر آن راست می زنی و می گویی: بشتاب، بشتاب، بشتاب، ای مولای من، صاحب الزمان! (۱). (۲).

ص: ۲۳۱

۱- (۱) علامه مجلسی، این دعا را از الکتاب العتیق با دو سند مشابه نیز نقل کرده است. در البلد الامین این دعا به امام نسبت داده نشده است و تحت عنوان «دعا برای صاحب الامر علیه السلام» آمده است.

۲- (۲) مصباح الزائر: ص ۴۵۵، المزار الکبیر: ص ۶۶۳، المصباح، کفعمی: ص ۷۲۹، البلد الامین: ص ۸۲، بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۹۵ ح ۱۱۱.

١٠٨٢. الاختيار لابن الباقي، عن الإمام الصادق عليه السلام أنه قال: مَنْ قَرَأَ بَعْدَ كُلِّ فَرِيضَةٍ هَذَا الدُّعَاءَ، فَإِنَّهُ يَرَى الْإِمَامَ «م ح م د  
بِنَ الْحَسَنِ» عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ السَّلَامُ فِي الْيَقْظَةِ أَوْ فِي الْمَنَامِ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيُّمَا كَانَ وَحَيْثُمَا كَانَ، مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَيِّئِهَا وَجَبِلِهَا،  
عَنِّي وَعَنْ وَالِدَتِي وَعَنْ وُلْدِي وَإِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ، عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ، وَزَنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَأَحَاطَ عِلْمُهُ، اللَّهُمَّ إِنِّي  
أَجِدُّدُ لَهُ فِي صَبِيحِهِ هَذَا الْيَوْمِ، وَمَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أُزُولُ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَنُصَّارِهِ الدَّائِينَ عَنْهُ، وَالْمُمْتَلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَنَوَاهِيهِ فِي أَيَّامِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَيْنِي  
وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا، فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مُؤْتَزِرًا كَفَنِي، شَاهِرًا سَيِّفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي، مُلْتَبِّئًا دَعْوَةَ  
الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي.

اللَّهُمَّ أَرِنِي الطَّلَعَ الرَّشِيدَةَ، وَالغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاكْحُلْ بَصِيرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرْجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، اللَّهُمَّ اشْدُدْ أزرَهُ، وَقَوِّ  
ظَهْرَهُ، وَطَوِّلْ عُمرَهُ، وَاغْمُرْ (١) بِهِ بِلَادَكَ، وَأَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ، فَإِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ  
أَيْدِي النَّاسِ» فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِإِيكَ وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ، الْمُسَيَّمِي بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ  
إِلْمَازَةً، وَيُحَقِّقَ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيُحَقِّقَهُ، اللَّهُمَّ اكشِفْ هَذِهِ الْعَمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِظُهُورِهِ «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا \* وَنَرَاهُ قَرِيبًا» ٢  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.

ص: ٢٣٢

١- (١) في بحار الأنوار: اللهم اعمر.

۱۰۸۲. الاختیار، ابن باقی: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس این دعا را پس از هر نماز واجب بخواند، امام «م ح م د بن الحسن» - که سلام بر او و پدرانش - را در بیداری یا خواب می بیند: به نام خداوند گسترده مهر مهربان. خدایا! به مولایمان، صاحب الزمان در هر جا که باشد و هر حالتی که دارد، در شرق و غرب زمین، و دشت و کوه آن، از سوی من و پدر و مادر و فرزندان و برادرانم به او درود و سلام برسان، به تعداد مخلوقات خدا و وزن عرش خدا و به تعداد آنچه کتابش به شمار آورده و علمش به آن احاطه دارد.

خدایا! من در بامداد امروز و تا هر زمان که زنده ام، عهد و پیمان و بیعتی را که برای او به گردن دارم، تجدید می کنم و از آن بر نمی گردم و نادیده اش نمی گیرم.

خدایا! مرا از یاران و یاوران و مدافعان او و نیز از انجام دهندگان اوامر و نواهی اش در روزگار حکومتش و از شهیدان پیش رویش قرار بده.

خدایا! اگر مرگ - که آن را بر همهٔ بندگانت حتمی کرده ای -، میان من و او جدایی انداخت، مرا از قبرم بیرون بیاور در حالی که کفنم را به تن کرده، شمشیرم را از نیام بیرون کشیده، نیزه ام را برهنه کرده و به دعوت دعوتگر پاسخ داده باشم، در شهر باشم یا در صحرا.

خدایا! آن چهرهٔ رعنا و آن رخسار زیبا را به من نشان بده و سرمهٔ تماشای او را به چشم من بکش و در فرجش تعجیل بفرما و خروجش را آسان کن. خدایا! پشتش را محکم بدار و پشتیانش باش و عمرش را طولانی کن و سرزمین هایت را به دست او آباد و بندگانت را زنده کن که تو به راستی گفته ای: «تباهی در خشکی و دریا به دلیل دستاوردهای مردم پدیدار شده است». خدایا! ولایت، فرزند دختر پیامبرت و همنام فرستاده ات - که درودهایت بر او و خاندانش باد - را برایمان آشکار کن تا بر چیزی از باطل دست نیابد جز آن که آن را از هم بپاشد و خداوند، حق را با کلماتش پابرجا و محقق کند. خدایا! این اندوه را از این امت [انبوه] با حضور او برطرف فرما که «آنان آن را دور و ما آن را نزدیک می بینیم»، و خدا بر محمد و خاندانش درود فرستد» (۱).

ص: ۲۳۳



١٠٨٣. فلاح السائل نقلاً عن عبّاد بن محمّد المدائني: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْمَدِينَةِ حِينَ فَرَّغَ مِنْ مَكْتُوبَةِ الظُّهْرِ وَقَدْ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَيَقُولُ (١):

«أَيُّ سَامِعٍ كُلِّ صَوْتٍ، أَيُّ جَامِعٍ كُلِّ قَوْتٍ، أَيُّ بَارِيٍّ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ، أَيُّ بَاعِثٍ، أَيُّ وَارِثٍ، أَيُّ سَيِّدِ السَّادَةِ، أَيُّ إِلَهِ الْآلِهَةِ، أَيُّ جَبَّارِ الْجَبَابِرَةِ، أَيُّ مَلِكِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، أَيُّ رَبِّ الْأَرْبَابِ، أَيُّ مَلِكِ الْمُلُوكِ، أَيُّ بَطَّاشٍ، أَيُّ ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، أَيُّ فَعَّالٍ لِمَا يُرِيدُ، أَيُّ مُحْصِيٍّ عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ، أَيُّ مَنْ السَّرُّ عِنْدَهُ عَلَانِيَةٌ، أَيُّ مُبْدِيٍّ، أَيُّ مُعِيدٍ، أَسَأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَى نَفْسِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ السَّاعَةَ بِفِكَائِكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَنْجِزْ لَوْلِيِّكَ وَابْنِ نَيْبِكَ - الدَّاعِيَ إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ، وَأُمِّيَّتِكَ فِي خَلْقِكَ، وَعِيَّتِكَ فِي عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، عَلَيْهِ صَلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ - وَعَدَّهُ.

اللَّهُمَّ أَيْدُهُ بِنَصْرِكَ وَانْصُرْ عَبْدَكَ، وَقُوِّ أَصْحَابَهُ وَصَبِّرْهُمْ، وَافْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَمْكِنُهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

قُلْتُ: أَلَيْسَ قَدْ دَعَوْتُ لِنَفْسِكَ جُعِلَتْ فِدَاكَ؟

ص: ٢٣٤

١- (١) ورد صدر هذا النص في كتاب فلاح السائل هكذا: من المهمّات عقيب صلاة الظهر الاقتداء بالصادق عليه السلام في الدعاء للمهدي عليه السلام الذي بشر به محمّد رسول الله صلى الله عليه وآله أمته في صحيح الروايات، ووعدهم أنه يظهر في أواخر الأوقات، كما رواه محمّد بن وهبان الديلي، قال: حدّثنا أبو عليّ محمّد بن الحسن بن محمّد بن جمهور العمي، قال: حدّثنا أبي، عن أبيه محمّد بن جمهور، عن أحمد بن الحسين السكري، عن عبّاد بن محمّد المدائني، قال: دخلت على أبي عبد الله عليه السلام بالمدينة...

۱۰۸۳. فلاح السائل - به نقل از عبّاد بن محمّد مدائنی -: در مدینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم.

ایشان نماز ظهرشان را خوانده و با دستانشان رو به آسمان، چنین دعا می کرد: (۱) «ای شنونده هر صدا! ای گردآورنده هر چه از دست رفته! ای پدیدآورنده هر جان پس از مرگ! ای برانگیزنده! ای میراثدار [همه چیز]! ای سرور سروران! ای خدای خدایان! ای جبران کننده جبران کنندگان! ای مسلمان دنیا و آخرت! ای صاحب اختیار همه اختیارداران! ای سلطان سلاطین! ای قدرتمند! ای نیرومند سختگیر! ای کننده هر چه اراده کنی! ای به شمار درآورنده عدد همه نفس ها و جابه جا شدن همه قدم ها! ای که هر رازی نزدش آشکار است! ای آغازگر! ای بازآورنده! از تو می خواهم به حقت بر آفریدگان برگزیده ات و به حقی که خود برای ایشان بر خود لازم کردی، بر محمّد و اهل بیتش درود فرستی و هم اکنون با آزادی ام از آتش، بر من منت نهی و وعده ات را به ولایت، فرزند پیامبرت، دعوتگر به سوی تو با اجازه ات، امین تو میان مردم، دیده ات میان بندگانت، حجت بر آفریدگانت - که درودها و برکت هایت بر او باد - به انجام رسانی.

خدایا! او را با یاری ات استوار دار و بنده ات را یاری ده و یارانش را نیرو بخش و شکیبایشان کن و دریچه یاری پیروزمندانه را برایشان بگشای و در فرجش تعجیل کن و او را بر دشمنانش و دشمنان پیامبرت چیره کن، ای رحیم ترین رحیمان».

گفتم: فدایت شوم! آیا این دعا را برای خودت نکردی؟

ص: ۲۳۵

---

۱- (۱) مؤلف فلاح السائل، این دعا را جزو تعقیبات نماز ظهر آورده و آن را در باره امام مهدی علیه السلام دانسته که روایات صحیحی بشارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او و ظهورش را در آخر الزمان، گزارش کرده اند و این روایت نیز از جمله آنهاست.

قال: قَدْ دَعَوْتُ لِنُورِ آلِ مُحَمَّدٍ وَسَائِقِهِمْ، وَالْمُنْتَقِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ. قُلْتُ:

مَتَى يَكُونُ خُرُوجُهُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟

قال: إِذَا شَاءَ مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ. قُلْتُ: فَلَهُ عَلامَةٌ قَبْلَ ذَلِكَ؟

قال: نَعَمْ، عَلاماتٌ شَتَّى. قُلْتُ: مِثْلَ مَاذَا؟

قال: خُرُوجُ رَأْيِهِ مِنَ الْمَشْرِقِ، وَرَأْيِهِ مِنَ الْمَغْرِبِ، وَفِتْنَةُ تُظَلُّ أَهْلَ الزَّوْرَاءِ، [و] (١) خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمِّي زَيْدٍ بِالْيَمَنِ، وَانْتِهَابُ سِتَارِهِ الْبَيْتِ، وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ. (٢)

٩/٦: الدُّعَاءُ لَهُ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ

١٠٨٤. فلاح السائل نقلاً عن يحيى بن الفضل النوفلي: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَغْدَادَ حِينَ فَرَّغَ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ، فَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ (٣):

«أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَنُقْصَانُهَا، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَ الْخَلْقَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ وَلَا حَاجَةٍ إِلَيْهِمْ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مِنْكَ الْمَشِيئَةُ وَإِلَيْكَ الْبَدْءُ،

ص: ٢٣٦

١- (١) لم ترد الواو في المصدر، وأثبتناها من بحار الأنوار.

٢- (٢) في المنابع من دون إسنادٍ إلى المعصوم، وفيها «يا» بدل «أى» في جميع المواضع، وليس فيها ذيله: «قلت: أليس قد دعوت...»

٣- (٣) ورد صدر هذا الدعاء في الكتاب هكذا: الفصل الحادي والعشرون... ومن المهمات بعد صلاة العصر الاقتداء بمولانا موسى بن جعفر الكاظم عليه السلام في الدعاء لمولانا المهدي عليه السلام، الذي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صَلَوَاتِ اللَّهِ وَسَلَامِهِ وَبَرَكَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَبَلَغَ ذَلِكَ إِلَيْهِ، كَمَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ بَشِيرٍ الْأَزْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ مُوسَى الْكَاتِبِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جَمْهُورِ الْقَمِّيِّ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ جَمْهُورٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ الْفَضْلِ الْنَوْفَلِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَغْدَادَ...

فرمود: «برای نور آل محمد و پیش راننده آنها، انتقام گیرنده از دشمنانشان به فرمان خداوند، دعا کردم».

گفتم: خدا مرا فدایت کند! قیام او کی خواهد بود؟

فرمود: «آن گاه که صاحب اختیار خلقت و امور عالم بخواهد».

گفتم: پیش از آن، نشانه ای دارد؟

فرمود: «آری، علامت های گوناگونی دارد».

گفتم: مانند چه؟

فرمود: «خروج کردن پرچمی از مشرق و پرچمی از مغرب و فتنه ای که اهل بغداد را فرا می گیرد و خروج مردی از فرزندان عمویم زید در یمن و به غارت بردن پوشش کعبه، و البته خداوند هر چه بخواهد می کند».<sup>(۱)</sup>

#### ۹/۶: دعا برای او بعد از نماز عصر

۱۰۸۴. فلاح السائل - به نقل از یحیی بن فضل نوفلی - : در بغداد بر امام موسی کاظم علیه السلام وارد شدم. ایشان از نماز عصر فارغ شده و دستانش را به سوی آسمان بالا برده می فرمود: <sup>(۲)</sup> «تو خداوندی هستی که جز تو خدایی نیست. اول و آخر، پیدا و نهان تویی و تو خدای بی همتایی. کم و زیاد چیزها با توست و تو خدای بی همتایی».

آفریده ها را آفریدی بی آن که از دیگری کمک بگیری و نیازی هم نداشتی. تو خدای بی همتایی. خواست از توست و آغاز با تو، تو خدای بی همتایی. قبل از قبل و آفریدگار [زمان] قبل، تو خدای بی همتایی. بعد از بعد و آفریدگار [زمان]

ص: ۲۳۷

---

۱- (۱) فلاح السائل: ص ۳۰۸ ح ۲۰۹، مصباح المتهجد: ص ۶۰ ح ۹۶، البلد الامین: ص ۱۳، المصباح، کفعمی: ص ۴۸، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۶۲ ح ۱.

۲- (۲) مؤلف فلاح السائل، این دعا را جزو تعقیبات نماز عصر از امام کاظم علیه السلام آورده و آن را در باره امام مهدی علیه السلام دانسته که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بشارت او را به امتش داده است.

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقِ الْقَبْلِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقِ الْبَعْدِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، تَمَحُّو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا يَعُزُّبُ (١) عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَمَّا الْجَلِيلُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا تَخْفَى عَلَيْكَ اللُّغَاتُ، وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ، كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ، لَا يَشْغُلُكَ شَأْنٌ عَنِ شَأْنٍ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَأَخْفَى، دَيَّانُ الدِّينِ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، مُحْيِي الْعِظَامِ وَهَيَّ رَمِيمٌ، أَسَأَ لِمَكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْرُوجِ، الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنِ سَأَلَكَ بِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لِمَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزَ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

قَالَ: (٢) قُلْتُ لَهُ: مَنْ الْمَدْعُوُّ لَهُ؟ قَالَ: ذَلِكَ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. ثُمَّ قَالَ: بِأَبِي الْمُنْتَدِحِ (٣) الْبَطْنِ، الْمَقْرُونُ الْحَاجِبِينَ، أَحْمَشُ (٤) السَّاقِينَ، بَعِيدٌ مَا بَيْنَ الْمَنْكِبِينَ، أَسْمَرُ اللَّوْنِ تَعْتَادُهُ مَعَ سِمَرْتِهِ صُفْرَةٌ مِنْ سَيَّهْرِ اللَّيْلِ، بِأَبِي مَنْ لَيْلَهُ يَرَعَى النُّجُومَ سَاجِدًا وَرَاكِعًا، بِأَبِي مَنْ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، مِصْبَاحُ الدُّجَى، بِأَبِي الْقَائِمِ بِأَمْرِ اللَّهِ.

قُلْتُ: مَتَى خُرُوجُهُ؟

قَالَ: إِذَا رَأَيْتَ الْعَسَاكِرَ بِالْأَنْبَارِ عَلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ وَالصَّرَاهِ (٥) وَدَجَلَةَ، وَهَيِّدَمَ قَنْطَرَةَ الْكُوفَةِ، وَإِحْرَاقَ بَعْضِ بُيُوتَاتِ الْكُوفَةِ، فَإِذَا رَأَيْتَ ذَلِكَ فَإِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ

ص: ٢٣٨

١- (١) عَزَبَ: غَابَ وَخَفِيَ (المصباح المنير: ص ٤٠٧ «عزب»).

٢- (٢) لَيْسَ فِي الْمِصْبَاحِ لِلْكَفْعَمِيِّ وَالْبَلَدِ الْأَمِينِ مِنْ قَوْلِهِ: «قُلْتُ: مَنْ الْمَدْعُوُّ» إِلَى آخِرِهِ،

٣- (٣) فِي الْمَصْدَرِ: «الْمُنْبَدِحُ»، وَالتَّصْوِيبُ مِنْ بَحَارِ الْأَنْوَارِ. وَالْمُنْتَدِحُ: السَّعَّةُ، وَقَوْلُهُمْ: لَكَ مُنْتَدِحٌ فِي الْبِلَادِ: أَيُّ مَكَانٍ وَاسِعٍ عَرِيضٍ (لسان العرب: ج ٢ ص ٦١٢ «ندح»).

٤- (٤) أَحْمَشُ السَّاقِينَ: أَيُّ دَقِيقَهُمَا (النهاية: ج ١ ص ٤٤٠ «حمش»).

٥- (٥) الصَّرَاةُ: يُطْلَقُ عَلَى نَهْرَيْنِ بِبَغْدَادَ، الصَّرَاهِ الْكُبْرَى وَالصَّرَاهِ الصَّغْرَى (معجم البلدان: ج ٣ ص ٣٩٨).

بعد، تو خدای بی همتایی. هر چه را بخواهی می زدایی و می گذاری و کتاب اصلی [خلقت] نزد توست، تو خدای بی همتایی. غایت و وارث هر چیز، تو خدای بی همتایی، کوچک و بزرگ از تو پوشیده نمی ماند، تو خدای بی همتایی. زبان ها برای تو پنهان نمی ماند و صداها برایت مشتبه نمی شود. هر روز به کاری هستی.

هیچ کاری تو را از کار دیگری باز نمی دارد. دانا به نادیده ها و نهان هایی، جزا دهنده جزا، تدبیرگر کارها، برانگیزنده هر که در قبرهاست و زنده کننده استخوان های پوسیده ای. از تو درخواست می کنم به وسیله نام نهفته و اندوخته ات، زنده برپادارنده ای که درخواست کننده با آن ناکام نمی ماند، بر محمد و خاندانش درود فرستی و در فرج انتقام گیرنده تو از دشمنانت تعجیل کنی و آنچه را به او وعده داده ای به انجام رسانی، ای صاحب شکوه و جلال!.

به امام گفتم: برای چه کسی دعا می کنی؟

فرمود: «همان مهدی خاندان محمد». سپس فرمود: «پدرم فدای آن، فربه شکم، ابرو به هم پیوسته، باریک ساق، چهارشانه، سبزه رویی که پرتوی از زردی شبییداری بر او عارض شده است! پدرم فدای آن که شبش در سجود و رکوع به پاییدن ستاره ها سپری می شود! پدرم فدای آن که در راه خدا از سرزنش کسی نمی ترسد و چراغی برای تاریکی هاست! پدرم فدای کسی که به فرمان خدا قیام می کند!».

گفتم: کی خروج می کند؟

فرمود: «هنگامی که لشکرها را در شهر انبار بر کناره رودهای فرات، صراه (۱) و دجله دیدی و نیز انهدام پل کوفه و آتش زدن برخی خانه های کوفه را که چون اینها را دیدی، خداوند آنچه بخواهد می کند و کسی بر امر خدا چیره نیست و

ص: ۲۳۹

---

۱- (۱) صراه بزرگ و کوچک، دو نهر هستند که از بغداد می گذرند.

ما يشاء، لا غالب لأمر الله ولا معقب لحكمه.

١٠/٦: في صلاة الليل (بعد الركعة الرابعة)

١٠٨٥. مصباح المتهجد: ثم تسجد سجدة الشكر [بعد الركعة الرابعة من صلاة الليل] فتقول فيهما مئة مره: «ما شاء الله، ما شاء الله» ثم تقول عقب ذلك:

يا رب أنت الله، ما شئت من أمر يكون، فصلى على محمد وآل محمد، واجعل لي فيما تشاء أن تجعل فرج آل محمد صلى الله عليه وعليهم، وتجعل فرجي وفرج إخواني مقروناً بفرجهم، وتفعل بي كذا وكذا، وتدعو بما تحب.

١١/٦: الدعاء له في قنوت الوتر

١٠٨٦. المقنعه: ويستحب أن يقنت في الوتر بهذا القنوت وهو:

لا- إله إلا الله الحليم الكريم، لا- إله إلا الله العلي العظيم، لا- إله إلا الله المليك الحق المبين،... اللهم صل على محمد عبدك ورسولك وآله الطاهرين، أفضل ما صليت على أحد من خلقك، وبارك على محمد وآل محمد كأفضل ما باركت على أحد من خلقك.

اللهم صل على أمير المؤمنين، ووصي رسول رب العالمين، اللهم صل على الحسن والحسين، سبطي الرحمه وإمامي الهدى، وصل على الأئمة من ولد الحسين: علي بن الحسين، ومحمد بن علي، وجعفر بن محمد، وموسى بن جعفر،

ص: ٢٤٠

١- (١) في المصدر: «صلى عليه وعليهم»، والتصويب من بحار الأنوار.

### ۱۰/۶: در نماز شب، پس از رکعت چهارم

۱۰۸۵. مصباح المتهجد: آن گاه پس از رکعت چهارم نماز شب، دو سجده شکر می کنی و در هر یک، صد مرتبه می گویی: «ماشاء الله! هر چه خدا بخواهد» و در پی آن می گویی: «ای پروردگار من! تو - ای خداوند - هر چه اراده کنی، می شود. پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست و میان آنچه اراده می کنی، فرج خاندان محمد - که خداوند بر او و بر ایشان درود فرستد - را برایم قرار بده و فرج من و برادرانم را نیز با فرج ایشان همراه کن و برایم این کار و آن کار را بکن»، و آنچه دوست داری بخواه. (۲)

### ۱۱/۶: دعا برای او در قنوت نماز وتر

۱۰۸۶. المقنعه: خواندن این دعا در قنوت نماز وتر مستحب است: «خدایی جز خداوند بردبار بخشنده نیست، خدایی جز خداوند بلندمرتبه بزرگ نیست. خدایی جز خداوند فرمان روائی حقا شکار نیست... خدایا! بر محمد، بنده ات و پیامبرت و خاندان پاکش درود فرست، برتر از درودی که بر هر یک از آفریده هایت فرستاده ای و برای محمد و خاندان محمد، مبارک گردان، برتر از هر مبارک کردنی که برای هر یک از آفریده هایت کرده ای.

خدایا! بر امیر مؤمنان، و وصی فرستاده خدای جهانیان، درود فرست. خدایا! بر حسن و حسین، دو نوه [پیامبر] رحمت و امامان هدایت درود فرست و نیز بر امامان از نسل حسین: علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی و حجت، جانشین او.

ص: ۲۴۱

---

۱- (۱) فلاح السائل: ص ۳۵۳ ح ۲۳۸، مصباح المتهجد: ص ۷۳ ح ۱۱۹، المصباح، کفعمی: ص ۵۱، البلد الامین: ص ۱۹، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۸۰ ح ۸.

۲- (۲) مصباح المتهجد: ص ۱۴۵ ح ۲۳۳، بحار الأنوار: ج ۸۷ ص ۲۵۰.



وَعَلِيَّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيَّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْخَلْفِ الْحَجَّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الْإِمَامَ الْمُنْتَظَرَ، وَالْقَائِمَ الَّذِي بِهِ يُتَنَصَّرُ، اللَّهُمَّ انصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا، وَافْتِحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَمَدُنِكَ سَيِّطَانًا نَصِيرًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّابِينَ عَنْهُ، إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَعَظَمَ حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَبَسَّطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَجَهَّكَ أَكْرَمَ الْوُجُوهِ، وَجَهَّتْكَ خَيْرَ الْجِهَاتِ، وَعَطَيْتَكَ أَفْضَلَ الْعَطَايَا وَأَهْوَأَهَا، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَتُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ تَشَاءُ، وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَتَكْشِفُ الضَّرَّ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، وَتُنَجِّي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، لَا يَجْزِي بِإِلَّاكَ أَحَدٌ، وَلَا يُحْصَى نِعْمَاءُكَ قَوْلٌ قَائِلٌ.

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَيْدِي، وَنُقِلَتِ الْأَقْدَامُ، وَمُدَّتِ الْأَعْنَاقُ، وَدُعِيَتْ بِالْأَلْسُنِ، وَتُقَرَّبَ إِلَيْكَ بِالْأَعْمَالِ، وَرُفِعَتِ الْأَبْصَارُ، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا، وَافْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ، وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا، وَغَيَّبَهُ وَلَّيْنَا، وَشَدَدَهُ الزَّمَانَ عَلَيْنَا، وَوَقَّعَ الْفِتْنَ بِنَا، وَتَظَاهَرَ أَعْدَائُنَا، وَكَثَّرَهُ عِدَدِهِمْ، وَقَلَّهَ عِدَدِنَا، فَفَرِّجْ يَا رَبِّ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَنَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ، وَإِمَامٍ حَقٌّ تَظْهَرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ «اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ» ١.

راجع: ص ٢٠٠ ح ١٠٧٠.

ص: ٢٤٢

خدایا! او را امامی قرار بده که انتظارش را می کشند و قائمی که با او انتقام می گیرند.

خدایا! او را نصرتی شکست ناپذیر و فتحی آسان عطا کن و از سوی خودت تسلطی همواره یاری شده برایش قرار بده. خدایا! ما را از یاران، یاوران و مدافعان او قرار بده. ای خداوند حق، پروردگار جهانیان!

خدایا! نورت کامل شد و هدایت کردی. پس ستایش، ویژه توست ای خدای ما! و بردباری ات بزرگ شد و عفو کردی. پس ستایش، ویژه توست ای خدای ما! و دست احسانت را گسترده و عطا نمودی. پس ستایش، ویژه توست ای خدای ما! روی تو کریم ترین روی ها و سمت تو بهترین سمت و عطیه تو برترین عطیه و گواراترین آنهاست.

خدای ما! چون اطاعت شوی، قدردانی می کنی و چون نافرمانی شوی، هر که را بخواهی می آمرزی. [درخواست] گرفتار را اجابت می کنی و سختی را می زدایی و بیمار را شفا می دهی و از دشواری های سهمگین، رهایی می بخشی. هیچ کس را توان جزا دادن به نعمت هایت نیست و شمارش نعمت هایت از [دست و] زبان کسی برنیاید.

خدایا! دست ها به سوی تو بالا آمده و گام ها به سوی تو برداشته شده و گردن ها به سوی تو کشیده شده است. تو را با گفتار می خوانند و با کردار به تو نزدیکی می جویند و دیده ها به سوی تو دوخته شده است. خدایا! ما را بیامرز و بر ما رحمت آور و میان ما و قوم ما، راه حق را بگشای که تو بهترین گشاینده گان هستی.

خدایا! نبودن پیامبران و غیبت ولیمان و سختگیری روزگار بر ما و درگیر شدن ما با فتنه ها و پشت به پشت دادن دشمنان بر ضد ما و فراوانی آنها و کمی شمارمان را به تو شکوه می بریم. خدایا! با فتحی از جانب خودت که در آن تعجیل می کنی و یاری ای از جانب خودت که [ما را] با آن شکست ناپذیر می داری و امام حقی که آشکار می نمایی، این گره ها را برای ما بگشای. ای خدای حق! ای خدای جهانیان!

خدایا! «ما و برادران ما را که پیش از ما ایمان آوردند بیامرز و کینه ای در دل های ما نسبت به مؤمنان مگذار؛ که تو - ای خدای ما - رؤف و مهربانی» (۱).

ر. ک: ص ۲۰۱ ح ۱۰۷۰.

ص: ۲۴۳

۱- (۱) المقنعه: ص ۱۲۴-۱۳۰.

١٠٨٧. المزار الكبير: رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الرَّزَّازِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ، عَمَّنْ ذَكَرَهُ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ [الْإِمَامِ الْهَادِي] عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي زِيَارَةِ الْإِمَامِ الْجَوَادِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (١):-

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَصَبْتُ يَدِي، وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمْتَ رَغْبَتِي، فَأَقْبَلْ يَا سَيِّدِي تَوْبَتِي، وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَاجْعَلْ لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ نَصِيبًا، وَإِلَى كُلِّ خَيْرٍ سَبِيلًا.

اللَّهُمَّ صِدِّقْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْمَعْ دُعَائِي، وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَتَذَلُّلِي وَاسْتِكَانَتِي وَتَوَكُّلِي عَلَيْكَ، فَإِنَّا لَكَ سَلِمٌ، لَا أَرْجُو نَجَاحًا وَلَا مُعَافَاةً وَلَا تَشْرِيفًا إِلَّا بِكَ وَمِنْكَ، فَاْمُنْ عَلَيَّ بِتَبْلِيغِي هَذَا الْمَكَانَ الشَّرِيفَ مِنْ قَابِلٍ، وَأَنَا مُعَافِيٌّ مِنْ كُلِّ مَكْرُوهِ وَمَحْذُورٍ، وَأَعْنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ صِدِّقْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْنِي فِي دِينِي، وَامْسُدْ لِي فِي أَجْلِي، وَأَصِحِّحْ لِي جِسْمِي، يَا مَنْ رَحِمَنِي وَأَعْطَانِي، وَبَفَضْلِهِ أَغْنَانِي، اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَأَتِمِّمْ لِي نِعْمَتَكَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، حَتَّى تَوْفَانِي وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تُخْرِجْنِي مِنْ مِلَّةِ الْإِسْلَامِ، فَإِنِّي اعْتَصَمْتُ بِحَبْلِكَ فَلَا تَكِلْنِي إِلَى غَيْرِكَ.

ص: ٢٤٤

١- (١) ورد صدر هذا النص في الكتاب هكذا: زياره اخرى لهما [أى الكاظم والجواد عليهما السلام]: روى محمد بن جعفر الرزاز، عن محمد بن عيسى بن عبيد، عمّن ذكره، عن أبي الحسن عليه السلام قال: تقول ببغداد: «السلام عليك يا حجة الله، السلام عليك يا نور الله في ظلمات الأرض، السلام عليك يا من بدا لله في شأنه، أتيتك عارفاً بحقك، معادياً لأعدائك، فاشفع لى عند ربّك». وادع الله واسأل حاجتك. قال: وتسلم على أبي جعفر عليه السلام بهذا. ورد إلى هاهنا فقط في الكتب التالية (الكافي: ج ٤ ص ٥٧٨، تهذيب الأحكام: ج ٦ ص ٨٢، كامل الزيارات: ص ٥٠١).

۱۰۸۷. المزار الکبیر - به نقل از محمّد بن عیسی بن عبید، از کسی که برایش دعای امام هادی علیه السلام به هنگام زیارت امام جواد علیه السلام را نقل کرده است: [\(۱\)](#) «خدایا! دستانم را به سوی تو بالا- برده ام و رغبتم به آنچه نزد توست، فزونی گرفته است. پس ای سرورم! توبه ام را بپذیر و مرا بیامرز و به من رحم کن و در هر خیری برایم بهره ای و به سوی آن، راهی قرار بده.

خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و دعایم را بشنو و بر زاری و خواری و بیچارگی و توکلم بر تو رحم کن؛ که من تسلیم تو هستم و رستگاری و عافیت و بزرگ داشتنی جز به تو ندارم و امید بر توست. بر من منت بده و مرا در آینده نیز به این مکان شریف برسان در حالی که از هر ناخوشی و هراسی، آسوده باشم و مرا اطاعت از خودت و اولیایت که آنان را از میان خلقت برگزیدی، یاری ده.

خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و دینم را به سلامت و عمرم را طولانی تر و بدنم را سالم بدار. ای که به من رحم می کنی و با عطا و فضیلت، بی نیازم می گردانی! گناهم را بیامرز و نعمتت را در باقی مانده عمرم بر من تمام کن تا هنگامی که مرا به سوی خود می بری، از من راضی باشی.

ص: ۲۴۵

---

۱- (۱) اوّل حدیث در کتاب این گونه آمده است: زیارت دیگری برای امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام آمده است: محمّد بن جعفر رزّاز کوفی، از محمّد بن عیسی بن عبید از کسی که ذکرش نموده، از ابو الحسن علیه السلام روایت کرده که فرمود: «در زیارت نامه ابو الحسن علیه السلام در بغداد می گویی: سلام بر تو ای ولیّ خدا! سلام بر تو ای حجّت خدا! سلام بر تو ای نور خدا در تاریکی های زمین! سلام بر تو ای کسی که در شأنش بدا برای حق تعالی حاصل شده! به زیارت آمده ام در حالی که عارف به حقت بوده، دشمن دشمنانت هستم. پس ای مولای من! نزد پروردگارت شفیع من باش». سپس امام فرمود: «خدا را بخوان و از او حاجتت را در خواست نما». امام علیه السلام فرمود: «و با همین عبارات بر ابو جعفر محمّد بن علی علیه السلام سلام بده».

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَعَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي، وَأَنْفَعُنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي، وَأَمَلًا قَلْبِي عِلْمًا وَخَوْفًا مِنْ سَيِّئَاتِكَ وَنِعْمَاتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُشْفِقِ مِنَ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ مِنْ عُقُوبَتِكَ، أَنْ تَغْفِرَ لِي، وَتَعَمَّدَنِي وَتَحَنَّنَ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ، وَتَعُودَ عَلَيَّ بِمَغْفِرَتِكَ، وَتُوَدِّدَ عَنِّي فَرِيضَتَكَ، وَتُغَيِّنِي بِفَضْلِكَ عَنِ سُؤَالِ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَظْهِرْ حُجَّتَهُ بِوَلِيِّكَ، وَأَحْيِ سُنَّتَهُ بِظُهُورِهِ، حَتَّى يَسْتَقِيمَ بِظُهُورِهِ جَمِيعَ عِبَادِكَ وَبِلَادِكَ، وَلَا يَسْتَخْفَى أَحَدٌ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَتِهِ الشَّرِيفَةِ الْكَرِيمَةِ، الَّتِي تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنَا فِيهَا مِنَ الدَّاعِينَ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْفَائِزِينَ فِي سَبِيلِكَ، وَارْزُقْنَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، اللَّهُمَّ مَا أَنْكَرْنَا مِنَ الْحَقِّ فَعَرَّفْنَا، وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَا.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْتَجِبْ لَنَا جَمِيعَ مَا دَعَوْنَاكَ، وَأَعْطِنَا جَمِيعَ مَا سَأَلْنَاكَ، وَاجْعَلْنَا لِأَنْعَمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَلِلْآئِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ، وَاعْفِرْ لَنَا يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ، وَافْعَلْ بِنَا وَبِالْمُؤْمِنِينَ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. (١)

ص: ٢٤٦

١- (١) أكثر فقرات هذا الدعاء في المقنعه في أعمال «موقف عرفات» ضمن الأدعية التي ينبغي في ذلك الموقف عند الغروب، من دون إسناد إلى أحد، وتبعه في ذلك بعض الفقهاء في نقله في كتاب الحج وأعمال موقف عرفات، كصاحب المهذب البارع والحدائق.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا از دین اسلام بیرون مبر؛ که من به رشته تو آویخته ام. پس مرا به غیر خودت وا مگذار.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آنچه را به من سود می دهد، به من بیاموز و آنچه را به من آموخته ای برایم سودمند قرار بده و دلم را از دانش و بیم از توانایی ها و مجازات هایت آکنده کن. خدایا! من از تو مانند گرفتاری که از تو چاره می جوید و از عذابت می هراسد و از کیفیت می ترسد، درخواست می کنم که مرا بیاموزی و با رحمت مرا در بر بگیری و با من مهربانی کنی و با آمرزش، به من باز گردی و توفیق دهی فریضه ام را ادا کنم و با فضل و بخشش، مرا بی نیاز کنی تا درخواستی از هیچ یک از مردمانت نکنم و مرا با رحمت از آتش برهانی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و در فرج ولایت و فرزند ولایت تعجیل بفرما و فتحی آسان و یاری پیروزمندانه ای را برای او پیش آور.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و حجت او را با ولایت آشکار کن و سنتش را با ظهور او زنده کن تا با ظهورش، همه بندگان و همه سرزمین هایت قوام گیرند تا هیچ کس، چیزی از حق را پنهان نکند. خدایا! ما مشتاق آنیم که دولت شریف و کریمش را - که اسلام و مسلمانان را با آن عزت می بخشی و نفاق و منافقان را با آن خوار می سازی - بر سر کار آوری.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و ما را در آن [روزگار] از دعوتگران به فرمان برداری ات و کامیابان در راهت قرار ده و کرامت دنیا و آخرت را روزی ما بگردان.

خدایا! آنچه را از حق شناختیم، به ما بشناسان و آنچه را به آن نرسیدیم، به ما برسان.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و همه آنچه را از تو خواستیم، برایمان اجابت نما و هر چه را از تو درخواست کردیم، به ما عطا کن و ما را سپاس گزار نعمت هایت و یاد کننده بخشش هایت قرار بده و ما را بیمارزای بهترین آمرزندگان! و با ما و مؤمنان، آن کن که تو شایسته آنی، ای رحیم ترین رحیمان (۱)!! (۲).

ص: ۲۴۷

---

۱- (۱) مرحوم مفید در المقنعه، بیشتر این دعا را بدون سند در اعمال عرفات آورده است. برخی از فقها به تبع او در کتب حج آورده اند.

۲- (۲) المزار الکبیر: ص ۵۴۱ ح ۲، المقنعه: ص ۴۱۴، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۱۰ ح ۶.

١٠٨٨. جمال الأسبوع: صَلَاةُ الْحُجَّهِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَكَعَتَيْنِ، تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ إِلَى «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ثُمَّ تَقُولُ مِنْهُ مَرَّةً: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ثُمَّ تُتِمُّ قِرَاءَةَ الْفَاتِحَةِ، وَتَقْرَأُ بَعْدَهَا الْإِخْلَاصَ مَرَّةً وَاحِدَةً، (١) وَتَدْعُو عَقِبَهَا فَتَقُولُ:

اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمَنَعَتْ (٢) السَّمَاءُ، وَإِلَيْكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكَى، وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ.

اللَّهُمَّ صِدِّقْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الَّذِينَ أَمَرْنَا بِطَاعَتِهِمْ، وَعَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ، وَأَظْهِرْ إِعْرَازَهُ. يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا

ص: ٢٤٨

١- (١) إن كيفية هذه الصلاة جاءت في موضعين آخرين: الأول في صلاة الحاجه التي وردت من الناحية المقدسه، و ذكرها المرحوم الطبرسي في كتاب كنوز النجاح و نقلها السيد ابن طاووس في مهج الدعوات (ص ٣٥١) عنه، و ذكرناها نحن في قسم «الأدعية المأثوره عن الإمام عليه السلام». و هذا الدعاء يتعلق بعصر الغيبه الصغرى (راجع: ص ٣٠٠ ح ١٠٩٨) و جاء الموضوع الثانى، فى كيفية صلاة مسجد جمكران، باختلاف هو أن الأمر جاء بأداء صلاة التحيه أيضاً، (راجع: ج ٣ ص ٥٨) لأنها تؤدي فى المسجد. و هذا الدعاء يتعلق بعصر ما بعد الغيبه الصغرى و زمان الشيخ الصدوق. بناء على ذلك، فإن الصلاة التى ذكرها السيد ابن طاووس هنا، اقتبسها من صلاة الحاجه نفسها التى جاءت فى كنوز النجاح، و يتضح هذا الموضوع من سياق الصلوات المذكوره فى هذا القسم لأن كلاً منها يتضمن شأن الصدور و قد نسبت إلى المعصوم، و ذكر السيد سندها، و لم يفعل ذلك هنا، و أما الدعاء الذى اقترحه بعد هذه الصلاة فهو دعاء الفرج «عظم البلاء» الذى ذكرناه فى بدايه قسم «الأدعية المأثوره عن الإمام»، و لا صلاة فيه، و من جهه أخرى فإن صلاة الحاجه المنقوله فى كنوز النجاح فيها دعاء آخر يبدأ بعبارته «اللهم إن أظعتك فالمحمد لك...» (راجع: ص ٢٩٤ ح ١٠٩٥). و هكذا فإن الصلاة و الدعاء الذين أوصى بهما هنا، ليس لهما تركيب مأثور، إلا أن كل واحد منهما مأثور بشكل منفصل و تركيب هذه الصلاة و الدعاء، هو من ابتكار السيد (رض).

٢- (٢) فى المصدر «بما» وسعت والصحيح، أثبتناه.

۱۰۸۸. جمال الأسبوع: نماز حجت، قائم آل محمد علیه السلام دو رکعت است که در هر رکعت، سوره حمد را می خوانی تا به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» برسی، آن را صد مرتبه می گویی و سپس سوره حمد را تا پایان قرائت می کنی و پس از آن سوره توحید را یک مرتبه می خوانی (۱) و پس از نماز می گویی: «خدایا! بلا بزرگ شده، و نهان، آشکار شده و پرده، کنار رفته و زمین، تنگ گشته و آسمان، [از باریدن] بخل ورزیده است. (۲) و ای خدای من! شکوه ها و دردها را نزد تو می آورند و تکیه گاه در سختی و راحتی، تویی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ کسانی که ما را به اطاعتشان

ص: ۲۴۹

۱- (۱) دستور این نماز در دو جای دیگر آمده است. نخست در نماز حاجتی که از ناحیه مقدسه وارد شده و مرحوم طبرسی در کتاب کنوز النجاح آن را آورده است و سید ابن طاووس در مهج الدعوات (ص ۳۵۱) از آن نقل می کند و ما آن را در بخش «ادعیه مآثور از قائم علیه السلام»، آورده ایم. این دعا مربوط به عصر غیبت صغراست (ر. ک: ص ۳۰۱ ح ۱۰۹۸) و دومین مورد، در دستور نماز مسجد جمکران وارد شده است، با این فرق که در آن جا چون مسجد بوده، دستور خواندن نماز تحیت نیز داده شده است. (ر. ک: ج ۳ ص ۵۹) این دعا مربوط به دوران پس از غیبت صغرا و زمان شیخ صدوق است. بنا بر این، نمازی را که سید ابن طاووس در این جا آورده، از همان نماز حاجتی که در کنوز النجاح آمده، اقتباس نموده است. این مطلب از سیاق نمازهای آمده در این بخش معلوم می شود؛ زیرا هر کدام دارای شأن صدور بودند و به معصوم نسبت داشته اند. سید، سند آنها را آورده و این جا چنین کاری نکرده است. دعایی هم که بعد از این نماز پیشنهاد کرده است، دعای فرج «عظم البلاء» است که در آغاز بخش «ادعیه مآثور از قائم علیه السلام» آوردیم و این دعا، نماز ندارد و از سوی دیگر، نماز حاجت نقل شده در کنوز النجاح دعای دیگری دارد که با عبارت «اللهم ان أعطتک فالمحمده لک...» شروع می شود (ر. ک: ص ۲۹۵ ح ۱۰۹۵) نتیجه آن که، نماز و دعایی که در این جا، توصیه شده، ترکیبی مآثور ندارد؛ ولی هر کدام به طور جداگانه مآثور هستند و ترکیب این نماز و دعا، ابتکار سید است.

۲- (۲) در متن عربی، واژه «السماء» بدون فعل مناسب آن آمده است و به نظر می رسد فعل «منعت» جا افتاده باشد که در این صورت، با متن مشهور همین دعا شبیه می شود که در آینده، به عنوان اولین دعای مآثور از امام مهدی علیه السلام خواهد آمد (ر. ک: ص ۲۹۵ پانوشت ح ۱۰۹۵).



كافياً، يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ، انصُراني فَإِنَّكُما ناصِرَ راى، يا مُحَمَّدُ يا عَلِيُّ، يا عَلِيُّ يا مُحَمَّدُ، احفظاني فَإِنَّكُما حافظاي، يا مَولاي يا صاحِبَ الزَّمانِ - ثلاثِ مَراتٍ - الغوثُ الغوثُ الغوثُ، أدركني أدركني أدركني، الأمانَ الأمانَ الأمانَ.

راجع: ص ٢٩٤ ح ١٠٩٥.

ص: ٢٥٠

فرمان دادی. خدایا! در گشایش امرشان به دست قائم ایشان تعجیل بفرما و عزّتش را آشکار بفرما. ای محمّد! ای علی! ای علی! ای محمّد! مرا کفایت کنید که شما کفایت کننده من هستید. ای محمّد! ای علی! ای علی! ای محمّد! مرا یاری کنید که شما یاوران من هستید. ای محمّد! ای علی! ای علی! ای محمّد! مرا حفظ کنید که شما حافظان من هستید. ای مولای من! ای صاحب الزمان! به فریاد برس، به فریاد برس، به فریاد برس! مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب! امان، امان، امان!»<sup>(۱)</sup>

ر. ک: ص ۲۹۵ ح ۱۰۹۵.

ص: ۲۵۱

---

۱- (۱) جمال الأسبوع: ص ۱۸۱، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۱۹۰. نیز، ر. ک: همین دانش نامه: ص ۲۹۴ ح ۱۰۹۵.

الفصل السابع: الدُّعَاءُ لِلْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ حَالٍ

١/٧: دُعَاءُ الْفَرَجِ (اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْقَائِمَ)

١٠٨٩. الإقبال: جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، وَقَدْ اخْتَرْنَا مَا ذَكَرَهُ ابْنُ أَبِي قُرَّةٍ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ بِإِسْنَادِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ، بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّالِحِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ:

وَكَّرَ فِي لَيْلِهِ ثَلَاثِ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ قَائِمًا وَقَاعِدًا وَعَلَى كُلِّ حَالٍ وَالشَّهْرِ كُلِّهِ، وَكَيْفَ أَمَكَّنَكَ، وَمَتَى حَضَرَكَ فِي دَهْرِكَ، تَقُولُ بَعْدَ تَمْجِيدِ اللَّهِ تَعَالَى وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ الْحُجَّةِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَمُؤَيِّدًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا وَعَرَضًا، وَتَجْعَلَهُ وَذُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ الْوَارِثِينَ.

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانصُرْ بِهِ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ مِنْكَ لَهُ وَعَلَى يَدِهِ، وَالْفَتْحَ عَلَى وَجْهِهِ،

ص: ٢٥٢

۱۰۸۹. الإقبال: جماعتی از بزرگان شیعه روایت کرده اند و ما نقل کتاب ابن ابی قزوه را انتخاب کرده ایم که به سندش از محمّد بن عیسی به سندش از صالحان علیهم السلام آورده است که فرمود: این دعا را در شب بیست و سوم ماه رمضان در حال ایستاده و نشسته و در هر حال و در تمام ماه و هر گونه که برایت ممکن است و هر زمان که برایت میسر بود، تکرار کن. پس از حمد و ثنای خدای متعال و درود فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش می گویی:

«خدایا! در این لحظه و در هر لحظه دیگر، برای ولایت قائم به امرت، حجّت، محمّد بن حسن مهدی - که بر او و پدرانش بهترین درود و سلام باد - سرپرست و نگاهبان و راهبر و یاور و راه نما و استوارکننده باش تا او را در زمینت - که به اطاعت او درآمده -، جای دهی و او را در طول و عرض آن بهره مند کنی و او و نسلش را از امامان وارث [زمین] قرار دهی.

خدایا! او را یاری کن و با او انتقام بگیر، و یاری ات را برای او و به دست او، و فتح را به سود او قرار بده، و کار را به سوی کس دیگری مچرخان.

وَلَا تُوجِّهِ الْأَمْرَ إِلَىٰ غَيْرِهِ.

اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ، وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَهُ أَحَدٌ مِنَ الْخَلْقِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلِهِ كَرِيمِهِ تُعِزُّ بِهِمَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهِمَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. وَاجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدَّارَيْنِ، وَأَقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا تُحِبُّ فِيهِمَا، وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةِ بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ فِي عَافِيهِ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَيَدِكَ الْمَلَأَى؛ فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ، وَعَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ.

راجع: ص ٢٠٠ (الفصل الرابع/الدعاء له في ليله الثالثه والعشرين).

٢/٧: دُعَاءُ «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيكَ»

١٠٩٠. مصباح المتهجد: زوى يونس بن عبد الرحمن (١): أَنْ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَأْمُرُ بِالدُّعَاءِ لِصَاحِبِ الْأَمْرِ بِهَذَا:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّتِكَ وَخَلِيفَتِكَ وَوَجِيهَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَلِسَانَتِكَ الْمُعَبَّرِ عَنْكَ، التَّاطِقِ بِحُكْمِكَ، وَعَيْتِكَ التَّائِظِ بِإِذْنِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، الْجَحْجَاحِ (٢).

ص: ٢٥٤

١- (١) قال الشيخ الطوسي: أخبرنا بجميع كتبه ورواياته جماعه، عن أبي جعفر بن بابويه، عن محمد بن الحسن، وعن أحمد بن محمد بن الحسن، عن أبيه، عنه. وأخبرنا بذلك ابن أبي جيد، عن محمد بن الحسن، عن سعد والحميري وعلي بن إبراهيم ومحمد بن الحسن الصفار، كلهم عن إبراهيم بن هاشم، عن إسماعيل بن مرار وصالح بن السندی، عنه (الفهرست للطوسي: ص ٢٦٦ الرقم ٨١٣).

٢- (٢) الجحجائح: السيد الكريم (النهايه: ج ١ ص ٢٤٠ «جحجح»).

خدایا! دینت و سنت پیامبرت را با او آشکار کن تا آن جا که هیچ چیز از حقیقت را به هراس از کسی پنهان ندارد. خدایا! ما مشتاق آنیم که دولت باکرامتی روی کار آوری که اسلام و مسلمانان را با آن عزیز کنی و نفاق و منافقان را با آن خوار بداری.

ما را از دعوتگران به سوی اطاعت از تو و از راهبران به راه تو قرار بده و به ما در دنیا و آخرت، نیکی عطا بفرما و ما را از عذاب دوزخ نگاه دار و خیر هر دو سرا را برای ما گرد آور و همه آنچه را در آن دو سرا دوست داری، برایمان به انجام برسان و با رحمت و ممت نهادنت، خیر همراه عافیت را در آن برایمان قرار بده. آمین ای خدای جهانیان! و از فضل و دست پُرت، برای ما بپذیر که هر عطاکننده ای از دارایی اش می کاهد و عطای تو بر ملکیت می افزاید» (۱).

ر. ک: ص ۲۰۱ (دعا برای او در شب بیست و سوم رمضان).

### ۲/۷: دعای «خدایا، از ولایت (بلاها را) دفع کن»

۱۰۹۰. مصباح المتهجد: یونس بن عبد الرحمان می گوید: امام رضا علیه السلام به خواندن این دعا برای صاحب الأمر فرمان می داد: «خدایا! از ولایت، جانشینت و حجتت بر خلقت [بلاها را] دفع کن؛ او که زبان بازگوکننده از جانب تو و بیان کننده حکم توست و به اذن تو دیده بینای توست؛ گواه تو بر بندگانت، سرور مجاهد کوشا و بنده پناهنده به تو و

ص: ۲۵۵

المُجَاهِدِ، العَائِدِ بِكَ، العَابِدِ عِنْدَكَ، وَأَعِدْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَأَبَاءَهُ، أَنْمَتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ (١)، وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ، وَأَمْنَهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مَنْ آمَنَتْهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ، وَأَنْصِرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ، وَأَرِدْفُهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَحُفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا.

اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعِدْلَ، وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصِرْهُ بِالرُّعْبِ، وَقَوِّ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّمْ (٢) مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمَّرْ مَنْ غَشَّاهُ، وَأَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعُمَيْدَهُ وَدَعَائِمَهُ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَمُؤِمَّتَهُ السُّنَّةِ، وَمُتَّقِيَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَبِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا.

اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزِّزْ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَحْيِ بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ (٣) حُكْمِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَبِيدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا، مَحْضًا صَيِّحِيحًا، لَا عِوَجَ فِيهِ وَلَا بَدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتَّى تُنِيرَ بَعْدْلِهِ ظُلَمَ الْجَوْرِ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتَوْضِحَ بِهِ

ص: ٢٥٦

١- (١) خُفِّرَتِ الرَّجُلُ: إِذَا نَقَضَتْ عَهْدَهُ وَغَدَرَتْ بِهِ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج ١ ص ٥٢٨ «خفر»).

٢- (٢) دَمِّمَ عَلَيْهِمُ: أَيِ أَهْلَكْتَهُمْ وَأَزْعَجْتَهُمْ (مَفْرَدَاتُ أَلْفَاظِ الْقُرْآنِ: ص ٣١٧ «دمدم»).

٣- (٣) دَرَسَ الْمَنْزِلُ: عَفَا وَخَفِيَتْ آثَارُهُ (الْمَصْبَاحُ الْمُنِيرُ: ص ١٩٢ «درس»).

پرستشگر پیش توست. او را از شر آنچه آفریده ای، درست کرده ای، ایجاد نموده ای، پدید آورده ای و صورت داده ای، پناه ده و او را از جلو و پشت، راست و چپ، بالا- و پایین، حفظ فرما، با همان حفظت که اگر کسی را در بر بگیری، تباهاش نمی کند. و پیامبرت، و پدرانش را که امامان تو و ستون های دینت هستند، در او حفظ کن، و او را در زمره امانت های خود که تباها نمی شود بگیر، و در پناه و پیمان خودت که شکسته نمی شود بیاور، و به قلعه عزت و منع خودت که مغلوب نمی شود در آور، و با امان استوار خودت امانش ده که هر کس را با آن امان دادی، و انهدادی، و او را در حمایت خود قرار ده که هر کس در آن باشد، قصد نابودی او را نمی کنند، و او را با یاری پیروزمندانه ات یاری ده، و با لشکر چیره ات استوار بدار، و با نیرویت تقویت کن، و با فرشتگان پشتمانی بنما. خدایا! هر که را دوست می دارد، دوست بدار و هر کس او را دشمن می دارد، دشمن بدار، و زره نگاه دارنده ات را بر او بپوشان، و گرداگرد او را با فرشتگان به طور کامل بگیر.

خدایا! پراکندگی ها را با او جمع کن و شکاف ها را با او پر کن و ستم را با او نابود گردان و عدالت را با او پدیدار کن و زمین را با طول بقایش زینت بخش و با یاری ات استوارش کن و با هراس [در دل دشمن] یاری اش ده، و یاورانش را تقویت کن و واگذارندگانش را وا بگذار، و هر که را با او دشمنی می کند، به هلاکت برسان، و هر که را به او خیانت می کند، نابود بفرما، و گردن کشان، سرکردگان و پایه های کفر را به دست او بکش، و سران گم راهی، بدعت گزاران اصلی، نابودکنندگان سنت و تقویت کنندگان باطل را به دست او درهم شکن، و گردن کشان را به دست او خوار کن، و همه کافران و ملحدان را در شرق و غرب زمین، در خشکی و دریا و کوه و دشت به دست او نابود بفرما تا کسی از آنان نگذاری و اثری از ایشان نهد.

خدایا! سرزمین هایت را از آنان پاک و بندگانت را از دست آنان نجات بده، و مؤمنان را با او عزت ببخش، و سنت های فرستادگان و احکام از یاد رفته پیامبران را به دست او زنده کن، و آنچه از دینت محو و آنچه از احکامت دگرگون شده، به دست او زنده کن تا دینت را با او و بر دستان او نو، شاداب، درست و ناب کنی، بی هیچ کژی و بدعتی در آن تا با عدالتش، تاریکی های ستم را روشن کنی و آتش کفر را خاموش کنی و جایگاه های حق و



مَعَادِدَ الْحَقِّ وَمَجْهُولَ الْعِدْلِ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ، وَعَصَيْمَتَهُ مِنَ الذَّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ.

اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ (١) أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا، وَلَا أَتَى حَوْبًا، وَلَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضِعْ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً، وَأَنْتَ الْهَادِي الْمُهْتَدِي، الطَّاهِرُ النَّقِيُّ النَّقِيُّ، الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ.

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتُسَرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا، قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا، وَعَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا، حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَيَغْلِبَ (٢) بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ.

اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي، وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَتَبَتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَآمَنَّا عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ، الْقَوَامِينَ بِأَمْرِهِ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمُقَوِّيَةِ سُلْطَانِهِ.

اللَّهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ، وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ، وَحَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ،

ص: ٢٥٨

١- (١) الطَّامَةُ: هِيَ الْقِيَامَةُ تَطْمُّ كُلُّ شَيْءٍ (لسان العرب: ج ١٢ ص ٣٧٠ «طمم»).

٢- (٢) فِي الطَّبْعَةِ الْمَعْتَمَدَةِ: «تَغْلِبُ» وَهُوَ تَصْحِيفٌ، وَالصَّوَابُ مَا أُثْبِتْنَاهُ كَمَا فِي جَمِيعِ الْمَصَادِرِ وَكَذَلِكَ فِي النُّسخِ الْخَطِيَّةِ لِلْمَصْدَرِ.

عدالت های ناشناخته را روشن کنی؛ که او همان بندهٔ توست که او را برای خود برگرفتی و برای [امور] غیبی ات برگزیده ای و از گناهان، نگاهش داشتی و از عیب ها میزایش کردی و از آلودگی، پاکش نمودی و از پلیدی، سالمش نهادی.

خدایا! ما روز قیامت و روز بلای بزرگ برایش گواهی می دهیم که نه گناهی کرده و نه خطایی از او سر زده و نه نافرمانی تو را کرده و نه از اطاعت تو فروگذار کرده و نه حرمتی را از تو دریده و نه واجبی را از تو دگرگون ساخته و نه شریعتی را از تو تغییر داده است، و او امام راه نمای راهیافته، پاک پروا پیشهٔ پاکیزهٔ راضی و بالنده است.

خدایا! به خودش، خانواده اش، فرزندانش، نسلش، امتش و همهٔ مردمش، مایهٔ چشم روشنی اش و آنچه جانش را شاد می کند، عطا کن و حکومت همهٔ مملکت ها، نزدیک و دور، نیرومند و خوار را برای او گرد آور تا حکمش بر هر حکمی، جاری شود و حقش بر هر باطلی، غلبه کند.

خدایا! ما را به دست او به راه روشن هدایت و شاه راه روشن آن و طریقهٔ میانه - که تندرو، به آن باز می گردد و عقب مانده، خود را به آن می رساند - ببر. خدایا! ما را بر فرمان برداری از او نیرومند کن و بر پیروی او استوار بدار و دنباله روی از او را بر ما منت بنه و ما را در جرگهٔ او و برپا دارندگان کارش قرار بده که همراه او شکیب می ورزند و خشنودی تو را با خیرخواهی برای او می جویند، تا آن که روز قیامت، ما را در زمرهٔ یاران و یاوران و تقویت کنندگان حکومت او محشور کنی.

خدایا! همهٔ اینها را از جانب ما تنها برای خودت و به دور از هر شک و شبهه و ریا و خودنمایی قرار ده تا بدان، بر غیر تو اعتماد نکنیم و جز تو را با آن نجویم و تا آن گاه که ما را در جایگاه او جای دهی و در بهشت همراهش سازی، ما را در کار او به ملالت و کسالت و سستی و ناتوانی مبتلا نکن، و ما را از کسانی قرار ده

وَأَعِدْنَا مِنَ السَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفِتْرَةِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبَدِلْ بِنَا غَيْرَنَا؛ فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا  
غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلائِهِ عَهْدِهِ وَالْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ آمَالَهُمْ، وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ، وَأَعِزَّنَا نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ  
أَمْرِكَ لَهُمْ، وَتَبَّتْ دَعَائِمُهُمْ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا؛ فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَخُزَّانُ عِلْمِكَ، وَأَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ،  
وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوُلائُهُ أَمْرِكَ، وَخَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَصِيْفَوْتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَيِّئِلُ أَوْلِيَائِكَ، وَصِيْفُوهُ أَوْلَادُ  
نَبِيِّكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

راجع: ص ٨٦ (الفصل الأول/دعاء الإمام الرضا عليه السلام).

٣/٧: دُعَاءُ الْمَعْرِفَةِ الْمَرْوِيُّ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ

١٠٩١. مصباح المتهجد: رُوِيَ عَنْ أَبِي عَمْرٍو بْنِ سَعِيدِ الْعَمْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى  
التَّلْعَكْبَرِيِّ: أَنَّ أَبَا عَلِيٍّ مُحَمَّدَ بْنَ هَمَّامٍ أَخْبَرَهُ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَذَكَرَ أَنَّ الشَّيْخَ أَبَا عَمْرٍو الْعَمْرِيَّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ أَمْلَاهُ عَلَيْهِ، وَأَمَرَهُ أَنْ  
يَدْعُو بِهِ، وَهُوَ الدُّعَاءُ فِي غَيْبِهِ الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ (١):

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسِيكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ  
أَعْرِفْ حُجَّتِكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي، اللَّهُمَّ لَا تَمْتَنِي مِثَّةَ جَاهِلِيَّةٍ، وَلَا تُرِغْ قَلْبِي  
بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي.

ص: ٢٦٠

١- (١) راجع: ص ٤٢٠ ح ١١٢١.

که دینت را با آنان یاری می دهی و ولایت را پیروزمندانه یاری می دهی، و دیگری را به جای ما مگذار که ما را با دیگری عوض کردن، برای تو آسان و بر ما گران است.

خدایا! بر جانشینانش و امامان پس از او، درود فرست و به آرزوهایشان برسان و بر عمرشان بیفزای و یاری شان ده و آنچه از امور دینت را به ایشان سپرده ای، برایشان کامل کن و پایه هایشان را استوار بدار و ما را یاران ایشان و یاوران دینت قرار ده؛ که آنان معادن کلمات تو، گنجوران دانش تو، پایه های توحید تو، عهده داران کار تو، بندگان خالص تو، برگزیدگان از میان آفریدگان تو، اولیای تو و از نسل اولیایت و برگزیدگان فرزندان پیامبر تو هستند. درود و رحمت و برکات خدا بر او و ایشان باد! (۱).

ر. ک: ص ۸۷ (فصل یکم/دعای امام رضا علیه السلام).

### ۳/۷: دعای معرفت

۱۰۹۱. مصباح المتهجد: جماعتی از ابو محمد هارون بن موسی تلکبری نقل کردند که او گفت: این دعا را ابو علی محمد بن همّام [از عالمان شیعه در قرن سوم و چهارم] (۲) نقل نموده و ذکر کرده که شیخ ابو عمرو عمری [نائب امام زمان علیه السلام] آن را برایش املا کرده و به او فرمان داده است که آن را بخواند. این دعا برای روزگار غیبت قائم آل محمد - که بر او و بر ایشان سلام باد - است:

«خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر تو خود را به من نشناسانی، فرستاده ات را

ص: ۲۶۱

- ۱- (۱) مصباح المتهجد: ص ۴۰۹ ح ۵۳۵، جمال الأسبوع: ص ۳۰۷، البلد الأمين: ص ۸۱، المصباح، کفعمی: ص ۷۲۶، مصباح الزائر: ص ۴۵۷ با عبارت مشابه بدون اسناد، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۳۳۰ ح ۴.
- ۲- (۲) ابو علی محمد بن ابو بکر همّام بن سهیل کاتب اسکافی (۲۵۸-۳۳۶). نجاشی گفته است: شیخ اصحاب ما و پیشگام آنها، دارای عظمت و جایگاهی والا و پُر روایت است. شیخ گفته است: «محمد بن همّام اسکافی، مکّنی به ابو علی، شخصیتی جلیل القدر، مورد اعتماد و کثیر الحدیث است». او در کتاب رجالش محمد را در زمره کسانی شمرده که از ائمه علیهم السلام روایتی را نقل نکرده اند و در وصفش چنین گفته است: «محمد بن همّام بغدادی مکّنی به ابو علی، و همّام مکّنی به ابو بکر، شخصیت جلیل القدر و مورد اعتماد است» (ر. ک: رجال الطوسی: ص ۴۳۸ ش ۶۲۷۰، الفهرست، طوسی: ص ۲۱۷ ش ۶۱۲، رجال النجاشی: ج ۲ ص ۲۹۵ ش ۱۰۳۳، خلاصه الأقوال: ص ۱۴۵ ش ۳۸).

اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لَوْلَايِهِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وِلَايَتِهِ وَوَلَايَةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صِيْلَمَاتِكَ عَلَيَّ وَآلِهِ، حَتَّى وَالَيْتُ وُلاَهُ أَمْرِكَ: أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْحَسَنَ، وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيًّا، وَمُحَمَّدًا، وَجَعْفَرًا، وَمُوسَى، وَعَلِيًّا، وَمُحَمَّدًا، وَعَلِيًّا، وَالْحَسَنَ، وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ، صِيْلَمَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ فَتَبَّتْني عَلَى دِينِكَ، وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ، وَلَيْتَ قَلْبِي لَوْلِيَّ أَمْرِكَ، وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَتَبَّتْني عَلَى طَاعِهِ وَلِيَّ أَمْرِكَ الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ، فَيَاذَنْتَكَ غَابَ عَن بَرِيَّتِكَ، وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالَمُ غَيْرُ الْمُعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صِيْلَا حُ أَمْرٍ وَلِيَّتِكَ، فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ سِتْرِهِ (١)، فَصَبْرُنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخْرَتَ، وَلَا- تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَلَا أَكْشَفَ مَا سَتَرْتَ، وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَ، وَلَا أِنَاذِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَلَا أَقُولَ لِمَ؟ وَكَيْفَ؟ وَمَا بَالُ وَلِيَّ الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ؟ وَأَفْوُضُ أَمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرَبِّنِي وَلِيَّ الْأَمْرِ ظَاهِرًا نَافِذَ الْأَمْرِ، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ، وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ، وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وَلِيِّكَ صِيْلَمَاتِكَ عَلَيْهِ ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ، وَاضِحَ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ، شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ، أُبْرِزْ يَا رَبِّ مُشَاهِدَتَهُ (٢)، وَتَبَّتْ قَوَاعِدُهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقْرَأُ عَيْنُهُ بِرُؤْيِيَّتِهِ، وَأَقِمْنَا بِحِدْمَتِهِ، وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيْعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

ص: ٢٤٢

١- (١) فِي كَمَالِ الدِّينِ وَالْبَلَدِ الْأَمِينِ: «سِتْرُهُ».

٢- (٢) فِي كَمَالِ الدِّينِ وَبِحَارِ الْأَنْوَارِ: «مَشَاهِدُهُ».

نخواهم شناخت. خدایا! فرستاده ات را به من بشناسان که اگر فرستاده ات را به من شناسانی، حجت را نخواهم شناخت. خدایا! حجت را به من بشناسان که اگر حجت را به من شناسانی، از دینم گم راه می شوم. خدایا! مرا به مرگ جاهلی نمیران و قلبم را پس از آن که هدایت نمودی، از راه به در میر.

خدایا! همان گونه که مرا به ولایت کسانی هدایت نمودی که اطاعتشان را از میان والیان امر پس از پیامبرت - که درودهایت بر او و خاندانش باد - واجب نموده بودی تا آن که والیان امرت: امیر مؤمنان، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و حجت قائم، مهدی - که درودهایت بر همه آنان باد - را ولی خود گرفتم، پس مرا بر دینت پایدار بدار و به اطاعتت بگمار و دلم را برای ولی امرت نرم بگردان و مرا از آنچه مردمانت را به آن آزمودی، معاف بدار و بر اطاعت از ولایت که از مردمت پوشیده اش داشتی استوار بدار که به اذن تو از دیده مردمت غایب شده و امرت را انتظار می کشد و تو، به علم خود می دانی که چه هنگام، اذن به آشکار کردن کار و رازش به صلاح اوست. پس مرا بر این امر شکبیا کن تا جلو افتادن آنچه را تو به تأخیر می اندازی و به تأخیر افتادن آنچه را تو به جلو می اندازی، دوست نداشته باشم و آنچه را پوشیده داشته ای، نگشایم و آنچه را تو پنهان نموده ای، نکاوم و در تدبیرت با تو نستیزم و نگویم: چرا؟ و چگونه؟ و یا چرا ولی امر ظهور نمی کند، با آن که زمین از ستم پر شده است؟! و همه این امور را به تو می سپارم.

خدایا! از تو می خواهم که ولی امرت را به من بنمایانی در حالی که ظهور کرده و امرش نافذ است، و می دانم که سیطره و قدرت از آن توست و نیز برهان و دلیل و خواست و توانایی و قوت. پس این را برای من و همه مؤمنان به انجام رسان تا به ولایت - که درودهایت بر او باد - بنگریم در حالی که سخنش آشکار و هدایت نمودنش علنی و راه نمای میان گم راهی و شفا دهنده نابخردی است. ای خدای من! جایگاه های حضورش را بنما و پایه های [حکومتش] را پابرجا کن و ما را از کسانی قرار بده که چشمشان به

اللَّهُمَّ وَمُيِّدٌ فِي عُمْرِهِ، وَزِدْ فِي أَجَلِهِ، وَأَعِنَهُ عَلَى مَا وَلَّيْتَهُ (١) وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي، وَالْقَائِمُ الْمَهْتَدِي، وَالطَّاهِرُ التَّقِيُّ، الزَّكِيُّ النَّقِيُّ، الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ، الصَّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ.

اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطَوْلِ الْأَمِيدِ فِي غَيْبَتِهِ وَانْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا، وَلَا تُسَلِّبْنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ، وَالْإِيمَانَ بِهِ، وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ، وَالِدُعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يُقْنَطْنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ، وَيَكُونَ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيْقِينُنَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ.

اللَّهُمَّ وَقُوَّةَ قُلُوبِنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْلُكَ بِنَا عَلَى يَدِهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، وَقُوَّةَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَتَبَتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ، وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا، حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ، لَا شَاكِينَ وَلَا نَاكِثِينَ، وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكْذِبِينَ.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرْجَهُ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِدْم (٢) عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَمِتْ بِهِ الْجُورَ، وَاسْتَنْفِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الدُّلِّ، وَانْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ، وَأَقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ، وَأَبْر (٣) بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاكِثِينَ، وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّارًا (٤)، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا، طَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ

ص: ٢٦٤

١- (١) فِي كَمَالِ الدِّينِ وَبِحَارِ الْأَنْوَارِ: «أَوْلَيْتَهُ».

٢- (٢) دَمِدَمٌ: أَيِ أَطْبَقَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج ١ ص ٦٠٨ «دَمِدَم»).

٣- (٣) أَبْرَ الْقَوْمَ: أَهْلَكَهُمْ (الْقَامُوسُ الْمَحِيطُ: ج ١ ص ٣٦١ «أَبْر»).

٤- (٤) دَيَّارٌ: أَيِ سَاكِنٌ (مَفْرَدَاتُ أَلْفَاظِ الْقُرْآنِ: ص ٣٢١ «دَار»).

دیدارش روشن می شود و ما را به خدمت او بگمار و بر دین او بمیران و در جرگه او محشورمان بفرما.

خدایا! او را از گزند هر چه خلق کرده و ساخته و آفریده و پدید آورده و صورت داده ای، در پناه خود بگیر و از جلو و پشت و راست و چپ و بالا- و پایینش حفظش فرما؛ به حفظ خودت که هر کس را با آن حفظ می کنی، تباہ نمی شود و پیامبر و وصی پیامبرت - که بر آنان سلام باد - را با [حفظ] او محافظت فرما.

خدایا! عمرش را طولانی کن و بر مهلتش بیفزای و وی را در آنچه به او سپرده ای و به عهده اش نهاده ای، یاری اش کن و در بزرگداشت او بیفزای که او ره نمای ره یافته، قیام کننده آشنا به راه، پاک پروا پیشه، پاکیزه ناب، خوشنود پسندیده و شکیبای سپاس گزار کوشاست.

خدایا! در اثر به درازا کشیدن غیبتش و بی خبر ماندن ما از او، یقین ما را مگیر و ذکر و انتظارش و نیز ایمان ما به او و استواری یقین ما را به ظهورش و دعا و صلوات برای او را از یاد ما مبر، تا طول غیبتش ما را از قیام او ناامید نکند و یقین ما در این باره مانند یقین ما به قیام فرستاده ات - که درودهایت بر او و خاندانش باد - و آنچه از وحی و فرو فرستاده هایت آورده است، باشد.

خدایا! دل هایمان را بر ایمان به او تقویت کن تا ما را به دست او به راه هدایت و شاه راه روشن آن و طریقه میانه [و اصلی] ببرد. ما را بر اطاعت از او نیرومند و بر پیروی اش استوار بدار و ما را در زمره حزب و یاران و یاوران و رضایت‌مندان به کار او در آور و این را در زندگی و هنگام مرگمان از ما مگیر تا آن گاه که جانمان را می گیری، بر همین حال باشیم بی آنکه شک داشته و یا پیمان شکسته و یا تردید کرده و به تکذیب برخاسته باشیم.

خدایا! در فرجش تعجیل بفرما و او را با نصرت، استوار بدار و یارانش را یاری ده و وانهادندگانش را وا بنه و آنان را که به دشمنی با او و تکذیبش برخاسته اند، هلاک کن و حق را به دست او آشکار کن و ستم را بمیران و بندگان مؤمن را به دست او از خواری برهان و سرزمین هایت را با او آباد کن و زورگویان کافر را به دست او بکش و سران گم راهی را به دست او خرد کن و جبّاران و کافران را به دست او خوار گردان و منافقان و



مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ، وَجَدَّدَ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَأَصْلَحَ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَغُيِّرَ مِنْ سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَاحِحًا، لَا عَوْجَ فِيهِ وَلَا بَعْدَ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَارْتَضَيْتَهُ لِنُصْرِهِ دِينَتَكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَيْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْغُيُوبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَنَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ.

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى شِيعَتِهِ الْمُتَّجِبِينَ، وَبَلِّغْهُمْ مِنْ آمَالِهِمْ مَا يَأْمُلُونَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا، وَغَيْبَهُ وَوَلِيِّنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ، وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ، وَكَثْرَةَ عِدْوَانَا، وَقَلَّةَ عَدَدِنَا، اللَّهُمَّ فَافْرُجْ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَنَصْرِ مِنْكَ تُعِزُّهُ، وَإِمَامِ عَدْلِ تُظَهِّرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لَكَ أَنْ تَأْذَنَ لَوْلِيِّكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ (١)، وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدْعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دِعَامَةً إِلَّا قَصَبَ مَتِّهَا، وَلَا بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا، وَلَا رُكْنًا إِلَّا هَرَمْتَهُ، وَلَا حَيْدًا إِلَّا فَلَطْتَهُ، وَلَا سِتْرًا إِلَّا أَكَلْتَهُ، وَلَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا، وَلَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشًا إِلَّا خَذَلْتَهُ، وَارْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجَرِكَ الدَّمَاعِ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَبَأْسِكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، وَعَذِّبْ أَعْدَاءَكَ وَأَعْدَاءَ وَلِيِّكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِيَدِ

ص: ٢٦٦

١- (١) في الطبعة المعتمدة: «بلادك» بدل «عبادك»، وما أثبتناه من كمال الدين وجمال الأسبوع ونسخه اخرى من المصدر وبحار الأنوار.

پیمان شکنان و همه مخالفان و کژروان را در شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا و کوه و دشت به دست او هلاک کن تا آن که هیچ یک از آنان را بر جای نگذاری و اثری از ایشان باقی نماند. سرزمین هایت را از ایشان پاک کن و سینه های بندگانت را با هلاکت آنان شفا بده و آنچه را از دینت محو شده، با او احیا کن و آنچه را از حکمت، دگرگون شده و آنچه را از سنتت تغییر یافته، به دست او اصلاح کن تا دینت به وسیله و دست او، نو و تازه و درست شود، بی هیچ کژی و بدعتی در آن، تا آن که آتش کافران را با عدالتش، خاموش کنی؛ که او بنده ای است که برای خود برگرفته ای و برای یاری دینت پسندیده ای و او را با آگاهی ات برگزیده ای و از گناهان محفوظش داشته ای و از عیب ها پاکش نموده ای و بر غیب ها آگاهیش کرده ای و به او نعمت داده ای و از آلودگی، پاک و از پلیدی ها، پاکیزه اش کرده ای.

خدایا! بر او و بر پدران وی - امامان پاک - و بر پیروان برگزیده اش درود فرست و به آرزوهایشان برسان و این را از ما خالص و بی شک و شبهه و خودنمایی و ریاکاری قرار بده تا جز تو را نخواهیم و جز روی تو را نجوئیم.

خدایا! نبودن پیامبران، غیبت و لیمان، سختگیری روزگار بر ما، رخ دادن فتنه ها، پشت به پشت هم دادن دشمنان و فراوانی آنها و اندک بودن ما را به تو شکوه می بریم.

خدایا! اینها را از ما با فتحی سریع از سوی خودت و یاری ای شکست ناپذیر از جانب خودت و امام عدلی که آشکارش می کنی، بگشای. ای خدای حق! اجابت کن.

خدایا! ما از تو می خواهیم که به ولایت اجازه دهی تا عدالت را میان بندگانت پدیدار کنی و دشمنانت را در سرزمین هایت بکشد تا - ای خدای من - هیچ پایه ای از ستم را و نگذاری جز آن که آن را درهم شکنی و بازمانده ای از آن را و نهدی جز آن که به باد فنایش بسپاری و نیز هیچ قدرتی جز آن که سستش کنی و ستونی جز آن که منهدمش کنی و تیزی ای جز آن که کندش کنی و سلاحی جز آن که ناکارش کنی و پرچمی جز آن که سرنگونش کنی و جسوری جز آن که از پایش درآوری و لشکری جز آن که از هم پاشی.

و ای خدای من! با سنگ سرشکنت آنان را بکوب و با شمشیر بترانت آنان را بزن و نیز با عذابت که آن را از تبهکاران باز نمی گردانی و دشمنانت و دشمنان ولایت و دشمنان

وَلِيَّكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ.

اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيَّكَ وَحُجَّتَيْكَ فِي أَرْضِيكَ هَوْلَ عَيْدُوهُ، وَكِدَ مَنْ كَادَهُ وَامْكَرَ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَاجْعَلِ دَائِرَةَ السَّوْءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سَوْءًا، وَقَطْعَ عَنْهُ مَا دَنَّتْهُمْ، وَأَرْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ، وَزَلْزِلْ أَقْدَامَهُمْ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَعْتَةً، وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَأَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ، وَالْعَنْهُمْ فِي بِلَادِكَ، وَأَسْكِنْهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ نَارًا، وَأَصْلِحْ لَهُمْ حَرَّ نَارِكَ، فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ، وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ، وَأَضَلُّوا عِبَادَكَ.

اللَّهُمَّ فَاحِي بَوْلِيكَ الْقُرْآنَ، وَأَرِنَا نُورَهُ سِرْمَدًا (١) لا- لَيْلَ فِيهِ، وَأَحِي بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعْرَةَ (٢)، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَأَقِمْ بِهِ الْجُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لا- يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَيْدٌ إِلَّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَمُقَوِّبِيهِ سُلْطَانِهِ، وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيهِ مِنْ خَلْقِكَ، أَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضَّرَّ وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ، وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، فَكَشِفِ الضَّرَّ عَنِّي وَلِيَّكَ، وَاجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِيكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ.

اللَّهُمَّ ولا- تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ولا- تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ولا- تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَالْغَيْظِ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِزَّنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزًا عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

ص: ٢٤٨

١- (١) السِّرْمَدُ: الدائم (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٤٠٨ «سرمد»).

٢- (٢) وَغَيْرُ صَدْرُهُ: أى امتلاً غيظاً (المصباح المنير: ص ٦٦٦ «وغير»).

پیامبرت - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - را با دست ولایت و دستان بندگان با ایمانت، عذاب ده.

خدایا! ولّی و حجّتت را در زمین، از بیم دشمنانش کفایت کن و با هر کس که با او حيله می کند، حيله و هر که با او مکر می کند، مکر کن و پیشامدهای بد را بر سر هر کس که قصد بدی با او دارد، بریز و آنها را از بیخ و بن برکن و دل هایشان را از او بترسان و پاهایشان را بلرزان و آنان را آشکار یا ناگاه بگیر و عذابت را بر آنها تشدید کن و آنان را میان بندگان رسوا و در سرزمین هایت لعنت کن و در پایین درجه دوزخ جایشان ده و سخت ترین کیفیت را بر آنان مسلط کن و به درون آتش ببر و گورهای مردگانشان را از آتش آکنده کن و داغی آتش را به آنها برسان که ایشان نماز را تباه و شهوت ها را پیروی و بندگان را گم راه کردند.

خدایا! قرآن را به وسیله ولایت زنده کن و نور او را جاوید و بی تاریکی برایمان بنمایان و دل های مرده را با او زنده بدار و سینه های پُرغیظ [مؤمنان] را با او شفا بده و خواسته های متفرّق را با او به گرد حق، جمع کن و حدود اجرا نشده و احکام و انهداده شده ات را با او برپا کن تا حقّی نماند جز آن که پدیدار شود و عدالتی جز آن که بشکفد و - خدایا - ما را از یاوران و تقویت کنندگان سیطره او، فرمان پذیران امر او، رضایتمندان به کار او و تسلیم شدگان در برابر حکم او قرار بده و از کسانی که نیازی به تقیه کردن از مردم نداشته باشند. تو ای خدای من! کسی هستی که سختی را می گشایی و بیچاره را چون دعایت کند، پاسخ می دهی و از دشواری های سهمگین، رهایی می دهی. پس سختی ولایت را بزدای و او را جانشین خود در زمینت قرار بده، همان گونه که برایش ضمانت کرده ای.

خدایا! مرا از رودررویان خاندان محمّد قرار مده و مرا از دشمنان خاندان محمّد قرار مده و مرا از خشم گیرندگان و دل ناخوشان بر خاندان محمّد قرار مده؛ که من از آن به تو پناه می برم. پس پناه بده و از آن به فریادرسی تو نیازمندم. پس به فریادم برس!

خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به وسیله ایشان در دنیا و آخرت

راجع: ج ٥ ص ٤١٤ (بخش هفتم/الفصل الثالث/دعاء المعرفة).

٤/٧: دُعَاءُ الصَّلَوَاتِ

١٠٩٢. الغيبة للطوسي (٣): عَنْهُ (٤)، عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي

ص: ٢٧٠

١- (١) قال في كمال الدين: «حدَّثنا أبو محمد الحسين بن أحمد المكتَّب، قال: حدَّثنا أبو علي بن همام بهذا الدعاء، وذكر أنَّ الشيخ العمري - قدس الله روحه - أملاه عليه، وأمره أن يدعو به، وهو الدعاء في غيبه القائم عليه السلام»، وقال في جمال الأسبوع: «أخبرني الجماعة الذين قدمت الإشارة إليهم بإسنادهم إلى جدي أبي جعفر الطوسي - رضوان الله جلَّ جلاله عليه -، قال: أخبرنا جماعة عن أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري...».

٢- (٢) جاء هذا الدعاء في المصادر بشككين مختصر (نقلًا عن الإمام الصادق عليه السلام، ومفصَّل (نقلًا عن النائب الثاني لوليِّ العصر عليه السلام). وقد تمت توصيتهما كليهما لعصر الغيبة و كما قال السيد ابن طاووس في جمال الأسبوع (ص ٣١٥) فإن بدايه الدعاء المفصل شبيهه بالدعاء المختصر. بل إننا سنرى من خلال تأملهما أن الدعاء المختصر هو القسم الأول من الدعاء المفصل و الذي جاء في المصادر الروائية. و يبدو أن بعض الأسباب مثل التلخيص، و شهره الدعاء أدت إلى أن لا تأتي فيه سوى أقسام من الفقرات الأولى. و على سبيل المثال فإن التعبير «إلى آخره» من جانب الشيخ الطوسي في كتاب الغيبة (ص ٣٣٤) يمكن أن يكون شاهداً على هذا الموضوع. و كما مرَّ فإن الدعاء المفصل نقل في معظم المصادر عن النائب الثاني، و اعتبر هذا الدعاء من إملائه. هذا في حين أن الشيخ الصدوق ذكره في كمال الدين في قسم توقعات إمام الزمان، كما يعتبره الكفعمي في البلد الأمين مروياً عن ولي العصر عليه السلام. و يبدو أن أصل هذا الدعاء للأمام الصادق عليه السلام حيث أنشئ لعصر الغيبة و كان عند الأئمة عليه السلام و بعض الأصحاب. و في عصر النائب الثاني حيث كان الشيعة يرضخون شيئاً فشيئاً لوطأه الآثار و الضغوط النفسية و العاطفية للغيبة، وضعه النائب الثاني تحت تصرف الشيعة الذين كانوا يعيشون تلك الظروف. كما أن ذكر هذا الدعاء في قسم التوقعات من كتاب كمال الدين، و نسبته إلى إمام الزمان عليه السلام في البلد الأمين، يمكن أن يكون هو أيضاً باعتبار نسبته إلى النائب الثاني. علماً أن النواب لم يكونوا يقومون بأي عمل إلا بإذن الإمام و طلبه، و لذلك يمكن أن يحمل أيضاً عنوان توقيع الإمام ولي العصر عليه السلام.

٣- (٣) وقال في مصباح المتهجِّد: «دُعَاءٌ آخَرٌ مَرُورِيٌّ عَنِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، خَرَجَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الضَّرَّابِ الْأَصْفَهَائِيِّ مَكَّةَ، بِإِسْنَادٍ لَمْ نَذْكُرْهُ اختصاراً، نُسخْتُهُ».

٤- (٤) أي: أحمد بن علي الرازي.

رستگار و جزو مقربان [در گاهت] قرار بده. دعایم را اجابت کن، ای خدای جهانیان (۱)؛ (۲)

ر. ک: ج ۵ ص ۴۱۵ (بخش هفتم/فصل سوم/دعای معرفت)

## ۴/۷: دعای صلوات

### اشاره

۱۰۹۲. الغیبه، طوسی: (۳) یعقوب بن یوسف ضرب غسانی - در بازگشت از اصفهان - صلوات از ناحیه مقدسه را چنین نقل کرده است:.... «بسم الله الرحمن الرحيم. خدایا! بر محمد، سرور فرستادگان و خاتم پیامبران و حجت خدای جهانیان، انتخاب شده

ص: ۲۷۱

۱- (۱) این دعا در منابع به دو صورت خلاصه (به نقل از امام صادق علیه السلام) و مفصل (به نقل از نایب دوم ولی عصر علیه السلام) آمده است. هر دو برای عصر غیبت توصیه شده اند و چنان که سید ابن طاووس در جمال الأسبوع (ص ۳۱۵) گفته، آغاز دعای مفصل، شبیه دعای خلاصه است؛ بلکه با تأمیل در این دو خواهیم دید که دعای خلاصه، بخش نخست دعای مفصل است که در منابع روایی آمده است. به نظر می رسد دلایلی چون تلخیص و شهرت دعا باعث شده که فقط بخش هایی از فقرات آغازین آن بیاید. چنان که تعبیر «إلی آخره» از سوی شیخ طوسی در کتاب الغیبه (ص ۳۳۴) نیز می تواند گواه این مطلب باشد. همان گونه که گذشت، دعای مفصل در بیشتر منابع، از نایب دوم نقل شده و این دعا را املائی او دانسته اند. این در حالی است که شیخ صدوق در کمال الدین، آن را در بخش توقیعات امام زمان علیه السلام آورده است و کفعمی نیز در البلد الامین، آن را مروی از ولی عصر علیه السلام می داند. به نظر می رسد اصل این دعا از امام صادق علیه السلام است که برای دوره غیبت انشا شده است و نزد ائمه علیهم السلام و برخی اصحاب بوده است. در دوره نایب دوم که آرام آرام، آثار و فشارهای روانی و عاطفی غیبت بر شیعیان سنگینی می کرده، نایب دوم، آن را در اختیار شیعیان آزرده از شرایط، قرار داده است. آمدن این دعا در بخش توقیعات کمال الدین و انتسابش به امام زمان علیه السلام در البلد الامین، نیز می تواند به اعتبار انتسابش به نایب دوم باشد. ضمن آن که نواب هر کاری انجام می دادند به اذن و خواست امام بوده است. از این رو نیز می تواند عنوان توقیع ولی عصر علیه السلام را داشته باشد.

۲- (۲) مصباح المتهجد: ص ۴۱۱ ح ۵۳۶، کمال الدین: ص ۵۱۲ ح ۴۳، جمال الأسبوع: ص ۳۱۵، مصباح الزائر: ص ۴۲۵، البلد الامین: ص ۳۰۶، بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۱۸۷ ح ۱۸.

۳- (۳) در مصباح المتهجد گفته است: دعای دیگری از صاحب الزمان روایت شده و به دست ابوالحسن ضرب اصفهانی در مکه رسیده، و ما سند آن را به خاطر رعایت اختصار، ذکر نکردیم، متنش این است.

الحَسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرِ الْأَشْعَرِيِّ الْقُمِّيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يُوْسُفَ الصَّرَّابِ الْغَسَّائِيُّ - فِي مُنْصَيِّ رَفِهِ مِنْ أَصْفَهَانَ -: فِي ذِكْرِ صِلَوَاتٍ خَرَجَتْ مِنَ النَّجَاحِ الْمُقَدَّسَةِ: ... «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْمُتَّجِبِ فِي الْمِشَاقِ، الْمُصْطَفَى فِي الظَّلَالِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، الْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاهِ، الْمُرْتَجَى لِلشِّفَاعَةِ، الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ.

اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَأَضَيِّ نُوْرَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالذَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا، يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ.

وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ (١)، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ

ص: ٢٧٢

١- (١) قائد الغر المحجلين: الغرّة بياض في الوجه، يريد بياض وجوههم بنور الوضوء (مجمع البحرين: ج ٢ ص ١٣١٣ «غر»).

هنگام پیمان گرفتن [از انسان در عالم ذر]، برگزیده در عالم ارواح، پاک شده از هر تباهی، به دور از هر عیب، او که نجات را به دست او می بینند و شفاعت او را امید می برند، کسی که دین خدا به او سپرده شده است، درود فرست.

خدایا! بنایش را رفعت ده و برهانش را بزرگ بدار و حجتش را غلبه ده و درجه اش را بالا- ببر و نورش را درخشان کن و رویش را سپید گردان و فضل و فضیلت و نیز درجه و منزلت والای بهشتی را به او عطا کن و او را به جایگاه ستوده [ی شفاعت امت] برسان؛ جایگاهی که اولین و آخرین به آن رشک می برند.

و بر امیر مؤمنان، وارث فرستادگان، زمامدار روسپیدان، سرور وصیان و حجت خدای جهانیان، درود فرست و بر حسن بن علی امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجت خدای جهانیان درود فرست و بر حسین بن علی، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجت خدای جهانیان درود فرست و بر علی بن الحسن، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجت خدای جهانیان درود فرست و بر محمد بن علی، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجت خدای جهانیان درود فرست و بر جعفر بن محمد، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجت خدای جهانیان درود فرست و بر موسی بن جعفر، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجت خدای جهانیان درود فرست و بر محمد بن علی، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجت خدای جهانیان درود فرست و بر محمد بن علی، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجت خدای جهانیان درود فرست و بر حسن بن علی، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجت خدای جهانیان درود فرست و بر جانشین شایسته، راه نمای راه یافته، امام مؤمنان، وارث فرستادگان و حجت خدای جهانیان، درود فرست.



الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، الْأَيْمَةِ الْهَادِيَةِ الْمَهْدِيَّةِ، الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ، وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ، وَتَرَاجِمِهِ وَحِجَجِكَ، وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ، الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَخَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، وَغَدَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَأَلْبَسْتَهُمْ نُورَكَ، وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَخَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ، وَشَرَفْتَهُمْ بِبَنِيَّتِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً، لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَلَا يَسْعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ، وَلَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحْيِي سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي إِلَيْكَ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ.

اللَّهُمَّ اعِزَّ نَصْرَهُ، وَمُدِّدْ فِي عُمُرِهِ، وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ.

اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ، وَادْحَرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ.

وَخَلِّصْهُ (١) مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ.

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَدُرِّيَّتِهِ، وَشِيَعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ، وَخَاصَّتِهِ وَعَامَّتِهِ، وَعِيدُوهُ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَشِيرُ بِهِ نَفْسُهُ، وَبَلَّغُهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

ص: ٢٧٤

١- (١) في المصدر: «وتخلصه»، والصواب ما أثبتناه، كما في المصادر الأخرى.

خدایا! بر محمد و خاندانش، امامان راه‌نمای راه‌یافته، عالمان راستین، نیکان پروا‌پیشه، پایه‌های دینت، ستون‌های توحیدت، مترجمان وحی‌ات، حجّت‌هایت بر مردمانت و جانشینان در زمینت درود فرست؛ آنان که برای خودت برگزیدی و بر بندگانت برتری بخشیدی و برای دینت پسندیدی و به معرفت ویژه ساختی و به کرامتت بزرگشان داشتی و با رحمتت فرا گرفتی و با نعمتت پروراندی و با حکمتت تغذیه‌شان کردی و نورت را بر ایشان پوشاندی و به ملکوتت برکشیدی و گرداگردشان را با فرشتگانت گرفتی و با پیامبرت شرافتشان بخشیدی.

خدایا! بر محمد و ایشان درود فرست؛ درودی فراوان، جاویدان و پاکیزه، که جز تو به آن احاطه نیابد و جز تو در دانشش ننگند و جز خودت از شماره کردن آن بر نیاید.

خدایا! بر ولایت، زنده‌کننده سنتت، قیام‌کننده به امرت، دعوتگر به سویت، راه‌نمای به تو، حجّت تو بر مردمت، جانشینت در زمینت و گواहत بر بندگانت درود فرست.

خدایا! یاری‌اش را پیروزمندانه و عمرش را طولانی قرار ده و زمین را با طول بقایش زینت بخش.

خدایا! از ستم حسودانش، [آسوده و] کفایتش کن و از گزند حیل‌گران، پناهِش ده و خواسته ستمکاران را [در آزار و قتل او] از وی دور کن و او را از دست جباران برهان.

خدایا! چیزی در جان و فرزندان و پیروان و مردمان و خاصّ و عامّش و در باره دشمنان و همه اهل دنیا، به او بنما که چشمش را روشن و جانش را شادمان کند و او را به برترین آرزویش در دنیا و آخرت برسان؛ که تو بر هر کاری توانایی.

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ خِدِّدْ بِهِ مَا مَحَىٰ مِنْ دِينِكَ، وَأَحْيِ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ مَا غَيَّرَ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّىٰ يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَىٰ يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا، خَالِصًا مُخْلِصًا، لَا شَكَّ فِيهِ، وَلَا شُبْهَةَ مَعَهُ، وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ، وَلَا بَدْعَهُ لَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ نَوِّرْ نَوْرَ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَهُدِّدْ بِرُكْنِهِ كُلَّ بَدْعَةٍ، وَاهْدِمْ بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَأَقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَأُحْمِدْ بِسَيِّفِهِ كُلَّ نَارٍ، وَأَهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَأَجْرِ حُكْمَهُ عَلَىٰ كُلِّ حُكْمٍ، وَأَذِلَّ لِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ.

اللَّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ، وَامْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ، وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَسَيَّعَىٰ فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ، وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَىٰ، وَعَلَىٰ الْمُرْتَضَىٰ، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَالْحَسَنَ الرَّضَا، وَالْحُسَيْنَ الْمُضَيَّقَىٰ (١)، وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ، مَصَابِيحِ الدُّجَىٰ، وَأَعْلَامِ الْهُدَىٰ، وَمَنَارِ التَّقَىٰ، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ، وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ، وَالصَّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَصَلِّ عَلَىٰ وَوَلَاةِ عَهْدِهِ، وَالْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَمُدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ (٢) فِي آجَالِهِمْ، وَبَلِّغْهُمْ أَقْصَىٰ آمَالِهِمْ دُنْيَا وَآخِرَةً (٣) إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (٤)

ص: ٢٧٦

١- (١) في المصدر: المصطفى، والتصويب من المصادر الأخرى.

٢- (٢) في المصدر: «وأزد» وما اثبت من المصادر الأخرى.

٣- (٣) في جمال الأسبوع والمزار الكبير: «دينياً ودنياً وآخرة».

٤- (٤) جاء صدر هذا الدعاء في جمال الأسبوع: «أخبرني الجماعة الذين قدّمت ذكرهم في عدّه مواضع، بإسنادهم إلى جدّي أبي جعفر الطوسي - رضوان الله عليه -، قال: أخبرني الحسين بن عبيد الله، عن محمّد بن أحمد بن داود وهارون بن موسى التلعكبري، قال: أخبرنا أبو العباس أحمد بن عليّ الرازي الخضيب الأيادي، فيما رواه في كتابه الشفاء والجلء، عن أبي الحسين محمّد بن جعفر الأسدي - رضی الله عنه -، قال: حدّثني الحسين بن محمّد بن عامر الأشعري القمي، قال: حدّثني يعقوب بن يوسف الضراب الغساني في منصرفه من أصفهان، قال:....».

خدایا! آنچه را از دینت محو شده، به دست او احیا کن و آنچه از [تفسیر و تأویل] کتابت تغییر یافته، به دست او زنده کن و آنچه از حکمت دگرگون شده، به دست او آشکار کن تا دینت به وسیله و دست او، نو و تازه، خالص و ناب، بی شک و شبهه و بدون هیچ باطل و بدعتی گردد.

خدایا! هر ظلمتی را با نورش نورانی کن و هر بدعتی را با شوکتش در هم بکوب و هر گم راهی ای را با عزتش فرو ریز و هر جباری را به دست او در هم شکن و هر آتشی را با شمشیرش خاموش کن و هر جباری را با عدالتش هلاک کن و حکمش را بر هر حکومتی جاری و نافذ کن و هر سلطانی را در برابر سیطره او خوار کن.

خدایا! هر که را با او رو در رو شود، خوار بدار و هر که را با او دشمنی می کند، هلاک کن و با هر که با او حيله می کند، حيله کن و هر که حقش را انکار می کند و امرش را سبک می شمرد و در پی خاموش کردن نور اوست و می خواهد یاد او را فرو بنشانند، از بیخ و بن برکن.

خدایا! بر محمد مصطفی درود فرست و نیز بر علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن رضامند و حسین برگزیده و همه وصیان، چراغ های میان تاریکی، نشانه های هدایت، پرتوفاشان تقوا، دستگیره استوار، رشته محکم و راه مستقیم؛ و بر ولایت و والیان کارگزارش و امامان از نسل او، درود فرست، و عمرشان را دراز کن و بر مهلتشان بیفزای و آنان را به دورترین آرزوی دنیایی و آخرتی شان برسان؛ که تو بر هر کاری توانایی» (۱).

ص: ۲۷۷

---

۱- (۱) الغیبه، طوسی: ص ۲۷۳-۲۷۷ ح ۲۳۸، جمال الأسبوع: ص ۳۰۱ و ۳۰۴، دلائل الإمامه: ص ۵۴۵-۵۴۹ ح ۵۲۴، مصباح المتهدج: ص ۴۰۶ ح ۵۳۴، المزار الکبیر: ص ۶۶۶، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۱۷-۲۰ ح ۱۴.

١٠٩٣. مصباح المتهجد نقلاً عن أبي محمد عبد الله بن محمد العابد عن الإمام العسكري عليه السلام - في الصلوات على النبي وأوصيائه عليهم السلام -: الصلاة على ولي الأمر المنتظر عليه السلام (١):

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيائِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً.

اللَّهُمَّ انْتَصِرْ بِدِينِكَ، وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ.

اللَّهُمَّ اعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَانصُرْ ناصريه، وَاخْذُلْ خاذليه، وَأَقْصِمْ بِهِ جَابِرَةَ الْكَفَرَةِ، وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَأَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

١٠٩٤. تهذيب الأحكام نقلاً عن محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد القمي - في الصلوات

ص: ٢٧٨

١- (١) جاء صدر هذا الدعاء في مصباح المتهجد: أخبرنا جماعه من أصحابنا، عن أبي المفضل الشيباني، قال: حدثنا أبو محمد عبد الله بن محمد العابد بالداليه لفظاً، قال: سألت مولاي أبا محمد الحسن بن عليّ عليهما السلام في منزله بسرّ من رأى، سنة خمس وخمسين ومئتين [٢٥٥] أن يملئ عليّ من الصلاة على النبي وأوصيائه - عليه وعليهم السلام -، وأحضرت معي قرطاساً كثيراً، فأملئ عليّ لفظاً من غير كتاب: الصلاة على النبي صلى الله عليه وآله: اللهم! صلّ على محمد كما حمل وحيك وبلغ رسالاتك،... قال أبو محمد اليماني: فلما انتهيت إلى الصلاة عليه، أمسك، فقلت له في ذلك، فقال: لولا أنه دين أمرنا الله تعالى أن نفعله ونؤديه إلى أهله لأحببت الإمساك، ولكنّه الدين، اكتب: الصلاة على الحسن بن عليّ بن محمد عليهم السلام: اللهم! صلّ على الحسن بن عليّ بن محمد... الصلاة على ولي الأمر المنتظر عليه السلام: اللهم! صلّ على وليك وابن أليائك...

۱۰۹۳. مصباح‌المتهجد - به نقل از ابو محمد عبد الله بن محمد عابد - : امام عسکری علیه السلام در باره صلوات بر پیامبر و وصیانش فرمود: «صلوات برای ولی امر منتظر علیه السلام: (۱) خدایا! بر ولایت و فرزند اولیایت درود فرست؛ آنان که اطاعتشان را واجب و حقشان را لازم کردی و آلودگی را از آنان بردی و پاک و پاکیزه شان کردی. خدایا! دینت را با او یاری ده و اولیای خود و اولیای او و پیروان و یاورانش را با او یاری ده و ما را جزو آنان قرار ده.

خدایا! او را از گزند هر ستمکار و سرکش و از گزند همه مردمانت در پناه خود بگیر و او را از پیش رو و پشت سر و راست و چپش حفظ و از او حراست کن و از رسیدن بدی به او مانع شو و پیامبر و خاندان پیامبرت را با [حفظ] او حفظ کن و عدالت را با او پدیدار کن و او را با نصرت استوار بدار و یاورانش را یاری ده و واگذارند گانش را و بگذار و جباران کافر را با او درهم کوب و کافران، منافقان و همه کزروان را در هر زمان و در هر گوشه از شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا، به دست او هلاک کن و زمین را به دست او از عدالت آکنده کن و دین پیامبرت - که بر او و بر خاندانش سلام - را به دست او آشکار بنما.

خدایا! مرا از یاوران و یاران و دنباله روان و پیروان او قرار بده و آنچه را خاندان محمّد آرزو دارند و دشمنشان از آن بیم دارند، به من نشان بده. خدای حق! دعایم را اجابت کن.» (۲)

۱۰۹۴. تهذیب الأحکام - به نقل از محمد بن حسن بن احمد بن ولید قمی، در درود فرستادن بر

ص: ۲۷۹

۱- (۱) اول دعا در مصباح‌المتهجد به نقل از ابو محمد عبد الله بن محمد عابد: در سال ۲۵۵ ق، از آقایم ابو محمد حسن بن علی علیه السلام در منزل ایشان در سامرا تقاضا کردم که درود فرستادن بر پیامبر و اوصیای ایشان - که بر او و اوصیای او سلام باد - را به من املا بفرماید، و مقدار زیادی کاغذ هم با خودم آورده بودم. ایشان بدون آن که از روی کتاب و نوشته ای بخواند، به من چنین املا کرد: «صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله: بار خدایا! بر محمد درود فرست که او حامل وحی تو بود و پیام های تو را [به خلق] می رساند...». ابو محمد یمنی گفت: چون نوبت صلوات بر خود ایشان (امام عسکری علیه السلام) رسید، ادامه نداد. من بر ادامه آن اصرار ورزیدم، فرمود: «اگر نبود که این [بیان صلوات] از دین است و خدای تعالی به ما فرمان داده است که آن را به اهلش برسانیم، دوست داشتم که دیگر ادامه ندهم؛ اما بنویس این از دین است: صلوات بر حسن بن علی بن محمد علیه السلام. بار خدایا! درود فرست بر حسن بن علی بن محمد... صلوات بر ولی امر منتظر. بار خدایا! بر ولی خود و فرزند اولیای خود درود فرست...».

۲- (۲) مصباح‌المتهجد: ص ۴۰۵ ح ۵۳۳، جمال الأسبوع: ص ۳۰۰، بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۷۸ ح ۱.

عَلَى الْمَعصومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ (١): اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ،  
صَلَاةً تَامَّةً نَامِيَةً بَاقِيَةً، تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَتَنْصُرُهُ، وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ، وَأُوَالِي وَلِيِّهِمْ وَأُعَادِي عَدُوَّهُمْ، فَارزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ، وَاكْفِنِي أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ص: ٢٨٠

---

١- (١) نُقِلَتْ هَذِهِ الزِّيَارَةُ مِنْ كِتَابِ الْجَامِعِ لِمَحْمَدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ الْقَمِّيِّ اسْتَاذِ الشَّيْخِ الصَّدُوقِ. قَالَ الشَّيْخُ  
الطُّوسِيُّ فِي كِتَابِ - تَهْذِيبِ الْأَحْكَامِ صَدَرَ هَذِهِ الزِّيَارَةُ: «ذَكَرَ هَذِهِ الزِّيَارَةَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ الْقَمِّيِّ - رَضِيَ  
اللَّهُ عَنْهُ فِي كِتَابِهِ الْمَتْرَجَمِ بِالْجَامِعِ: إِذَا أُرِدْتَ زِيَارَةَ قَبْرِ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا...» وَيُنْقَلُ أَيْضاً الشَّيْخُ الصَّدُوقُ فِي عَيُونِ أَخْبَارِ الرِّضَا  
عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ الزِّيَارَةَ عَنِ كِتَابِ اسْتَاذِهِ: «بَابُ فِي ذِكْرِ زِيَارَةِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِطُوسٍ ذَكَرَهَا شَيْخُنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ فِي  
جَامِعِهِ فَقَالَ: إِذَا أُرِدْتَ زِيَارَةَ الرِّضَا بِطُوسٍ...». مِضَافاً إِلَى الشَّيْخِ الصَّدُوقِ يَبْدُو أَنَّ الْكِتَابَ الْمَذْكُورَ كَانَ عِنْدَ الشَّيْخِ الطُّوسِيِّ  
أَيْضاً، حَيْثُ نَقَلَ عَنِ الْكِتَابِ مَبَاشَرَةً. وَتَبَيَّنَ مِنْ خِلَالِ اعْتِمَادِ الشَّيْخِينَ - رَحِمَهُمَا اللَّهُ - عَلَى الْكِتَابِ الْمَذْكُورِ أَنَّ مِضْمُونَهُ كَانَ  
مَأْثُوراً، وَخِصُوصاً أَنَّ الْمُؤَلِّفَ كَانَ مِنْ كِبَارِ أَعْيَانِ أَهْلِ قَمِّ، حَيْثُ كَانُوا أَصْحَابَ نِزَعَةٍ نَصَبِيَّةٍ وَلَا يَعْدِلُونَ عَنِ النُّصُوصِ بِحَالٍ.

معصومان علیهم السلام به هنگام زیارت قبر امام رضا علیه السلام - (۱): (۲) «خدایا بر حجت و ولایت، قیام کننده میان مردمانت، درودی بفرست که کامل، بالنده و جاوید باشد و فرجش را با آن نزدیک سازی و یاری اش کنی، و ما را در دنیا و آخرت، همراه او قرار دهی.

خدایا! من با محبت ایشان به تو نزدیکی می جویم و دوست ایشان را دوست، و دشمن ایشان را دشمن می دارم. خیر دنیا و آخرت را به سبب ایشان، روزی من کن و به سبب ایشان، شر دنیا و آخرت را از من دور کن و بیم و هراس هایم را در روز قیامت، کفایت نما». (۳)

ص: ۲۸۱

۱- (۱) با توجه به برخی قرینه ها که محققان کتاب درپانوشت متن عربی برشمرده اند، می توان مضمون این گزارش را از معصومان علیهم السلام دانست (م).

۲- (۲) این زیارت، از کتاب الجامع محمّد بن الحسن بن احمد بن ولید قمی - که استاد شیخ صدوق بوده - نقل شده است. شیخ طوسی در تهذیب الأحکام در صدر این زیارت می نویسد: «این زیارت را محمّد بن حسن بن احمد بن ولید قمی - رضی الله عنه - در کتاب الجامع خود آورده است: «هنگامی که خواستی قبر ابو الحسن امام رضا علیه السلام را زیارت کنی...». شیخ صدوق نیز در عیون أخبار الرضا علیه السلام این زیارت را از کتاب استادش نقل کرده است: «در کیفیت زیارت امام رضا علیه السلام که در طوس است. این زیارت را شیخ ما محمّد بن حسن در جامع خود ذکر کرده و گفته است: چون بخواهی امام رضا علیه السلام را در طوس زیارت کنی...». علاوه بر شیخ صدوق به نظر می رسد کتاب یاد شده، در دست شیخ طوسی نیز بوده که مستقیماً آن را از کتاب نقل کرده است. از اعتماد این دو بزرگوار به کتاب دعای یاد شده، چنین برمی آید که مضمون کتاب، مأثور بوده است، خصوصاً که نویسنده، بزرگ قمیان بوده و آنان نص گرا بودند و از متون دینی، عدول نمی کردند.

۳- (۳) تهذیب الأحکام: ج ۶ ص ۸۶-۸۸ ح ۱۷۱، کتاب من لا یحضره الفقیه: ج ۲ ص ۶۰۴ ح ۳۲۱۰، عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۲ ص ۲۶۹، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۴۶.



پژوهشی در باره حکمت دعا برای امام زمان (۱)

دعا و عمل در کنار هم، دو پایه تحقق خواسته ها و آرزوهای بشر بوده اند. ظهور و قیام مُصلح موعود برای تحقق عدالت، امنیت و کمال حقیقی انسان نیز خواسته و مطلوبی مهم برای بشریت است و از این قاعده، مستثنا نیست. اصلاح جهانی، عمومی و عمیق زندگی انسانی، به صدها زمینه چینی در درازنای تاریخ و پشتوانه ای انبوه از دعا و درخواست از خداوند نیاز دارد و تسریع یا تسهیل و حتی وقوع آن، سخت به دعای نیکان نیازمند است. این گونه است که شاهد درخواست پیوسته و مکرر امامان برای تحقق ظهور و قیام مُصلح جهانی هستیم؛ (۲) نکته ای که در دعاهای منقول از امام مهدی علیه السلام و نیز در توصیه امامان به پیروانشان مشاهده می شود.

موضوعات ادعیه

بسیاری از این دعاها را - که در بخش هفتم دانش نامه امام مهدی علیه السلام آمده اند - می توان در موضوعات زیر دسته بندی کرد.

۱. دعا برای تحقق فرج و انجام وعده الهی و درخواست اذن قیام: «أَنْجِزْ لَوْلِيكَ»؛ (۳)

ص: ۲۸۲

۱- (۱) به قلم پژوهشگر ارجمند، حجه الإسلام والمسلمین عبد الهادی مسعودی.

۲- (۲) ما از هشت امام، دعاهایی برای امام زمان علیه السلام در دست داریم؛ ولی از امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام هادی علیه السلام دعایی نقل نشده و محتمل است که این چهار امام نیز دعا کرده باشند؛ ولی گزارش آن به دست ما نرسیده باشد (ر. ک: ص ۷۳ «فصل یکم: دعاهای اهل بیت علیهم السلام برای امام مهدی علیه السلام»).

۳- (۳) ر. ک: ص ۷۹ ح ۱۰۴۰.

«أَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ؛ (۱) «وَأَذِّنْ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ» (۲).

۲. دعا برای این که مهدی علیه السلام همان منجی و مهدی موعود و قائم منتظر و ناصر دین باشد: «تَتَّصِرُ بِهِ لِدِينِكَ» (۳).

۳. دعا برای تعجیل در فرج: «وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ»؛ (۴) «عَجِّلْ فَرَجَهُ»؛ (۵) «أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُنتَقِمِ» (۶).

۴. دعا برای تحقق آثار و برکات قیام امام علیه السلام: «شَمَلِ الْأُمَّةِ»؛ (۷) «عَدْلًا وَقِسْطًا»؛ (۸) «وَأَمِّتْ بِهِ الْجَوْرَ»؛ (۹) «وَجِدِّدْ بِهِ مَا مَحَىٰ مِنْ دِينِكَ»؛ (۱۰) «وَيُقَامْ فِيهِ مَعَالِمُكَ» (۱۱).

۵. درخواست پاسداری و نگاه داشت امام علیه السلام از آسیب ها و شرور و نیز حفظ از بغی حسودان (۱۲) و افزایش کرامت الهی (۱۳) و مصونیت از نیرنگ دشمنان: (۱۴) «وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا...»؛ (۱۵) «فِي حِصَانِهِ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ» (۱۶).

۶. درخواست خواری و هلاکت دشمنان خدا و امام: «أَذِلِّلْ بِهِ... مَنْ نَصَبَ لَهُ

ص: ۲۸۳

۱- (۱) ر. ک: ص ۸۵ ح ۱۰۴۲.

۲- (۲) ر. ک: ص ۲۰۱ ح ۱۰۷۰.

۳- (۳) ر. ک: ص ۸۷ ح ۱۰۴۳ و ص ۲۱۳ ح ۱۰۷۵.

۴- (۴) ر. ک: ص ۷۷ ح ۱۰۳۹ و ص ۲۰۳ ح ۱۰۷۲ و....

۵- (۵) ر. ک: ص ۷۹ ح ۱۰۴۰ و ص ۱۲۵ ح ۱۰۵۴ و....

۶- (۶) ر. ک: ص ۸۵ ح ۱۰۴۲ و ص ۲۳۷ ح ۱۰۸۴.

۷- (۷) ر. ک: ص ۷۵ ح ۱۰۳۷.

۸- (۸) ر. ک: ص ۱۰۹ ح ۱۰۴۶.

۹- (۹) ر. ک: ص ۸۷ ح ۱۰۴۳.

۱۰- (۱۰) ر. ک: ص ۸۷ ح ۱۰۴۳.

۱۱- (۱۱) ر. ک: ص ۹۵ ح ۱۰۴۴.

۱۲- (۱۲) ر. ک: ص ۲۷۵ ح ۱۰۹۲.

۱۳- (۱۳) ر. ک: ص ۹۷ ح ۱۰۴۵.

۱۴- (۱۴) ر. ک: ص ۲۱۷ ح ۱۰۷۷.

۱۵- (۱۵) ر. ک: ص ۱۹۱ ح ۱۰۶۵.

۱۶- (۱۶) ر. ک: ص ۹۷ ح ۱۰۴۵.

الْعَدَاوَةِ»؛ (۱) «وَأَكْفَفَ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ، وَابْسُطَ سَيْفَ نَقِمَتِكَ عَلَى أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ». (۲).

۷. دعا برای آسانی کار قیام و به یاری آمدن فرشتگان: «وَأَفْتَحْ لَهُمُ فَتْحًا يَسِيرًا»؛ (۳) «وَحُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ حَفًّا»؛ (۴) «وَأَزِدْهُ بِمَلَائِكَتِكَ»؛ (۵) «وَأَشْدُدْ أَرْزَرَهُ». (۶).

گفتنی است در دعاهای فراوان در باره امام زمان علیه السلام، موضوعات دیگری مانند:

ارسال درودها، (۷) بیعت و پیمان بستن با امام، (۸) و فراز آوردن باورها و آرمان های شیعه، (۹) پیوستن به یاران ایشان و طلب صبر و استقامت برای آنان، (۱۰) شناختن حجت، (۱۱) تحمل انتظار و رجعت و حضور در قیام و در آمدن به جرگه یارانش (۱۲) نیز به چشم می آید که با موضوع اصلی در این پژوهش - حکمت دعا برای امام زمان علیه السلام - متفاوت است.

همچنین ما به دعاهای امام زمان علیه السلام برای خود نگاه جداگانه ای نداشته ایم؛ زیرا برخی از آنها در موضوعات پیش گفته می گنجند، مانند: دعا برای تعجیل در فرج، (۱۳) آسانی آن (۱۴) و نیز آسانی زندگی امام زمان علیه السلام در روزگار غیبت و پوشیده ماندن از

ص: ۲۸۴

- 
- ۱- (۱) ر. ک: ص ۱۰۲ ح ۱۰۴۵.
  - ۲- (۲) ر. ک: ص ۱۱۰ ح ۱۰۴۷.
  - ۳- (۳) ر. ک: ص ۸۸ ح ۱۰۴۳.
  - ۴- (۴) ر. ک: ص ۸۸ ح ۱۰۴۳.
  - ۵- (۵) ر. ک: ص ۸۶ ح ۱۰۴۳.
  - ۶- (۶) ر. ک: ص ۲۲۸ ح ۱۰۷۵.
  - ۷- (۷) ر. ک: ص ۸۷ ح ۱۰۴۵، و ص ۱۷۳ ح ۱۰۶۰ و ص ۱۸۱ ح ۱۰۶۲.
  - ۸- (۸) ر. ک: ص ۲۳۳ ح ۱۰۸۲.
  - ۹- (۹) ر. ک: ص ۱۶۱ ح ۱۰۵۶ و ص ۲۱۳ ح ۱۰۷۵ و ص ۳۶۸ ح ۱۱۱۵ و ص ۳۷۷ ح ۱۱۱۶.
  - ۱۰- (۱۰) ر. ک: ص ۷۹ ح ۱۰۴۰ و ص ۱۱۳ ح ۱۰۴۹.
  - ۱۱- (۱۱) ر. ک: ص ۲۷۹ ج ۱۰۹۳.
  - ۱۲- (۱۲) ر. ک: ص ۳۶۸ ح ۱۱۱۵ و ص ۳۷۷ ح ۱۱۱۶ و....
  - ۱۳- (۱۳) ر. ک: ص ۱۱۶ ح ۱۰۵۰ و ص ۱۱۹ ح ۱۰۵۱.
  - ۱۴- (۱۴) ر. ک: ص ۱۱۰ ح ۱۰۴۷.

چشم دشمنان. (۱) برخی از این دعاها نیز دعای امام برای یاران خویش اند (وَاجْمَع لِي أَصْحَابِي، وَصَبِّرْهُمْ) (۲) که با موضوع این پژوهش ارتباط ندارند.

همان گونه که مشاهده می شود، طیف گسترده ای از درخواست ها در این ادعیه مطرح شده اند که بسیاری از آنها روشن و بدون اشکال اند؛ اما در برخی موارد، درخواست هایی سؤال برانگیز به چشم می آیند که در قالب زیر بررسی می شوند.

## سؤال ها

۱. ظهور امام مهدی علیه السلام امری حتمی و بدون «بدا» است. برای تحقق چنین امر حتمی ای که وعده تخلف ناپذیر الهی است، چه نیازی به درخواست و دعا داریم؟

۲. آیا تحقق آثار قیام - که فلسفه نهضت جهانی مهدی علیه السلام است -، به دعا نیاز دارد؟

۳. مگر یاری رساندن فرشتگان به امام مهدی علیه السلام، امری مشکوک و مردد است که به دعا نیاز داشته باشد؟

۴. مضمون بسیاری از ادعیه، تعجیل در فرج است، در حالی که بنده مطیع و راضی به قضای الهی، تعجیل و تأخیر در هیچ یک از مقدرات الهی را نمی خواهد.

۵. در چند دعا، از خداوند خواسته شده است که منجی بشر را همین مهدی موعود قرار دهد. مگر تردیدی در این زمینه وجود دارد؟!؟

۶. مگر خداوند، به امام مهدی علیه السلام عمر طولانی نمی دهد و او را سالم و تن درست نگاه نمی دارد که برای سلامتیش باید دعا کنیم؟ و مگر دشمنانش او را می بینند و یا قدرت آسیب رساندن به او را دارند؟

۷. چرا این دعاها یا دعاها خود امام زمان علیه السلام، تاکنون اثر نکرده و فرج آقا

ص: ۲۸۵

---

۱- (۱) ر. ک: ص ۱۱۸ ح ۱۰۵۱.

۲- (۲) ر. ک: ص ۱۱۷ ح ۱۰۴۹.

نزدیک نشده است؟ آیا تنها اثر تلقین و یا معرفت آموزی دارند؟

پیش از پاسخ دادن، ابتدا به چند امر مقدماتی و کلی اشاره می‌کنیم و سپس به پاسخ پرسش‌ها می‌پردازیم.

### مقدمات بحث

۱. اصل ظهور، از امور حتمی است؛ اما زمان وقوع آن، بداپذیر است و مانند اجل و مرگ، قابلیت تقدیم و تأخیر دارد. یعنی ممکن است که خداوند، مانند اجل انسان، برای فرج نیز دو زمان معلق و مسما (قطعی)، تقدیر کرده باشد که اگر دعا و کارهای مناسب از بندگان تحقق یابد، تقدیر نخست محقق می‌شود و طول دوره غیبت، کوتاه تر می‌شود و اگر چنین نشود، غیبت به درازا می‌کشد و بر تقدیر مسما و قطعی خود منطبق می‌شود. در کتاب تفسیر العیاشی، حدیثی بر این مطلب و تأثیر درخواست از خداوند بر پیش افتادن فرج، دلالت دارد. (۱)

۲. قضای حتمی و تقدیر قطعی الهی با درخواست و دعای ما و دیگران دگرگون نمی‌شود؛ اما این همه، مانع دعا کردن نمی‌شود؛ زیرا تحقق امور حتمی نیز حاصل گرد هم آمدن همه زمینه‌ها و عوامل گوناگون آن است که هر یک، جزئی کوچک یا بزرگ را از علت تام و تمام آن امر، فراهم می‌آورند و دعا نیز می‌تواند جزئی از آن علت تامه باشد. به زبان فلسفی، خداوند مقرر فرموده که کارها در این دنیا از طریق اسباب و مسببات آن انجام گیرد؛ ولی اشکالی ندارد که بخشی از این اسباب، امور نادیدنی، غیبی و کارهایی مانند دعا کردن باشد.

۳. جایگاه رضایت به تقدیر الهی و تسلیم در برابر قضای او، پس از حتمی شدن تقدیر و وقوع آن است. از این رو، دعا کردن و درخواست نمودن را - که جزئی از

ص: ۲۸۶

عوامل پیشینی حتمی شدن و وقوع تقدیر است - نمی توان دخالت و یا کراهت نسبت به تقدیر الهی دانست. این بدان معناست که ما باید دعاها و گریه های خود را به پیشگاه الهی تقدیم بداریم؛ اما در نهایت، به آنچه خداوند تقدیر می کند، راضی باشیم. مانند امام صادق علیه السلام که هنگام بیماری فرزندشان و پیش از مرگ او نگران بودند و دعا می کردند؛ ولی پس از مرگ او، بی تابی نکردند و آرام و صبورانه، خیرش را اعلام و رضایتشان را به قضای الهی، ابراز نمودند. (۱)

شاید دعای زیر در فرمان امام به نایبش عمری نیز به همین موضوع ناظر باشد:

فَصَبِّرْ نِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أُخِّرْتُ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتُ. (۲)

پس مرا بر این امر شکبیا کن تا جلو افتادن آنچه را تو به تأخیر می اندازی و به تأخیر افتادن آنچه را تو به جلو می اندازی، دوست نداشته باشم.

یعنی ما باید دعا کنیم و با اصرار از خدا درخواست خود را بخواهیم؛ اما این را نیز بطلبیم که اگر حکمت خداوند و مصلحت ما بر چیز دیگری قرار گرفت، بدان راضی شویم و حتی تقدیم و تأخیر آن را بپذیریم و به خیر و صلاح خود بدانیم.

۴. دعا کردن، افزون بر کمک به دستیابی در آنچه مطلوب ما و مرضی خداوند است، در تلقین آموزه های دینی و غیبی به دعاکننده و پالایش روحی و تقویت حس توحیدی او مؤثر است. دعا در هویت بخشی به دعاکننده شرکت می جوید و موضع اجتماعی - سیاسی او را روشن تر می کند و احساس مسئولیت او را در آنچه بر عهده اوست، بر می انگیزد. این نکته، در بسیاری از ادعیه ما برای امام زمان علیه السلام به چشم

ص: ۲۸۷

---

۱- (۱) ر. ک: الکافی: ج ۳ ص ۲۲۵ ح ۱۱: «إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّمَا نَجْزِعُ قَبْلَ الْمُصِيبَةِ، فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُ اللَّهِ رَضِينَا بِقَضَائِهِ وَسَيَلَّمْنَا لِأَمْرِهِ؛ مَا أَهْلُ بَيْتٍ، تَنَاهَا بِشَيْءٍ مِنْ مَصِيبَةٍ، بِي تَابِيٍّ مِي كُنِيْمٍ؛ أَمَّا وَتِي دَسْتُورِ خِدا عَمَلِي شِد، بِه قَضَائِيْشِ خِشْنُودِ وَ بِه فِرْمَانِشِ تَسْلِيْمِ هَسْتِيْمِ».

۲- (۲) ر. ک: ص ۲۶۱ ح ۱۰۹۱.

می آید. ما در این دعاها به خود یادآور می شویم که: برای تحقق چه آثاری انتظار می کشیم و چگونه خود را شکل دهیم تا لایق جامعه آرمانی مهدوی باشیم؟ و اگر دوستدار رجعت و شرکت در قیام هستیم، چگونه زندگی کنیم و چه سان روح خود را بیالاییم و بسازیم؟

۵. دعاهاى مأثور، در واقع، احادیثی هستند که بررسی صحت و سقم آنها از قواعد ارزشیابی متنی و سندی حدیث پیروی می کند. از این رو، اگر دعایی برای ما مفهوم نبود و سندی معتبر نداشت، وجوب قبول ندارد، هر چند رد آن نیز به سادگی ممکن نیست و باید علم آن را به اهلش و نهاد؛ وظیفه ای که در احادیث بدان سفارش شده است. (۱)

حال بر پایه این مطالب می توان به سؤال ها پاسخ داد. گفتنی است که برخی از دعاها ممکن است در روزگاری مفهوم باشد و در روزگاری دیگر، مبهم نماید. برای نمونه، ممکن است دعاهاى مربوط به حفظ امام عصر از گزند حاکمان، مربوط به روزگار غیبت صغرا باشد و در دوره غیبت کبرا کمتر به آنها نیاز داشته باشیم. (۲)

### پاسخ سؤال یک ناسه

بر پایه مقدمه نخست، اگرچه قیام مهدوی، حتمی است، اما دعای ما و هزاران نفر دیگر در طول تاریخ، می تواند جزئی از علت تامه و تقدیر الهی برای ظهور امام زمان علیه السلام باشد. با دعا کردن و درخواست از خدا، و با گرد هم آمدن دیگر عوامل، زمینه حصول علت تامه ظهور و قیام امام زمان علیه السلام، فراهم می آید و حتمیت وعده الهی، رقم می خورد. گفتنی است که اصل قیام امام مهدی علیه السلام حتمی است، اما زمان و شکل وقوع و نیز آسانی و سختی آن، و همچنین افراد و تعداد شرکت جویان در آن، از قطعیت برخوردار نیست و این، خود، عرصه جدیدی برای دعا و راز و نیاز فراهم

ص: ۲۸۸

۱- (۱) ر. ک: بصائر الدرجات: ص ۵۵۷، تحف العقول: ص ۱۱۶، وضع و نقد حدیث: ص ۱۷۸.

۲- (۲) ر. ک: ص ۲۹۱ (پاسخ سؤال شش).

می آورد. بر همین پایه، تحقق آثار قیام و به کمال رسیدن نهضت نیز امری است که به فراهم آمدن ده ها عامل و صدها زمینه چینی نیازمند است که دعا و درخواست از خدای رحمان می تواند بخشی از آنها باشد. همچنین توجه به محتوای ادعیه می تواند جامعه آرمانی شیعه را ترسیم کند و فاصله ما را با آن برنماید؛ امری که مسئولیت ما را در زمینه چینی برای ظهور به ما یادآوری می کند.

شرکت جستن فرشتگان در قیام و تعداد و زمان به یاری آمدن آنها نیز می تواند بدین گونه به دعای ما گره بخورد و در پی اجابت ادعیه، تعداد فراوان تری فرشته و بسی پیش تر و یا در مواضعی بیشتر به یاری بیایند. افزون بر این، بازخوانی مکرر این ادعیه، سبب افروختن شعله امید در دل منتظران ظهور و تقویت روحی یاران امام است.

### پاسخ سؤال چهار

ما باید به تقدیر الهی راضی باشیم؛ اما می توانیم به صلاحدید خداوند و یا حتی سفارش و فرمان الهی، با انجام دادن اعمالی و یا پیگیری دعاهایی، بخشی از تقدیر الهی را به شکل دلخواه در آوریم. بخشی از اعمال و ادعیه شب قدر و نیز وجود دو اجل معلق و حتمی برای انسان می تواند در همین خصوص باشد. در شب قدر درخواست کنیم خدا عمرمان و توفیق عملمان را افزایش دهد و در طول زندگی، با دعا کردن، و یا صدقه دادن، از اجل زودرس و معلق می گریزیم. بر این اساس و نیز آنچه در مقدمه اول گذشت، ما می توانیم با دعا و عمل مناسب خود، زمان وقوع فرج را - که امری بدآ پذیر و قابل نزدیک و دور شدن است - جلو بیندازیم و این، درون تقدیر و برنامه الهی و جزئی از آن است. روایت منقول در مقدمه اول و نیز توصیه امامان، این سفیران حقیقی خدا در زمین، و القای دعاهای بسیار در این باره، شاهد ماست.

در این نگرش، دعا و درخواست ما، زمینه ها و عوامل تحقق فرج را پیش



می اندازد و فرج در درون برنامه خود و نه بیرون از آن صورت می گیرد. از این رو، با عجله - که اقدام به کار و یا درخواست آن پیش از فراهم آمدن زمینه و مؤلفه های تحقق خارجی آن است -، تفاوت دارد. به سخن دیگر، دعای ما زمینه وقوع فرج را در اولین وقت ممکن، و نه پیش از آن، فراهم می آورد که با عجله، متفاوت است. (۱)

گفتنی است دعاهاى متعدّد برای درخواست تعجیل در فرج، گونه ای یادآوری و وظیفه ما برای تحقق این امر است. ما باید با خودسازی و جامعه سازی، زمینه ظهور امام عصر علیه السلام را فراهم کنیم و آن بخش از علت غیب را که به ما مربوط می شود، از میان ببریم و برای تحقق دیگر عوامل نیز دست به دامان خداوند شویم و در دوره غیب، همواره از یاد امام مُنجی، غافل نشویم تا از پاداش انتظار نیز بهره ببریم.

### پاسخ سؤال پنج

در چند گزارش، سفارش شده تا برای این که امام مهدی علیه السلام همان قائم به امر الهی باشد، دعا کنیم. این گزارش ها چندان فراوان نیستند و هر چند در کتاب های معتبر و یا مشهوری نقل شده اند، اما اسناد همه، مرسل اند و از این رو، از نظر سندی، ضعیف به شمار می آیند. (۲) با این همه می توان آنها را در قالب ادبیات گفتگو با

ص: ۲۹۰

۱- (۱) ر. ک: مکیال المکارم: ج ۱ ص ۳۸۲.

۲- (۲) اجعلهُ الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ؛ او را قائمی قرار بده که چشم به راهش باشند. (ر. ک: ص ۸۸ ح ۱۰۴۳). اجعلهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ، وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ؛ خدایا! او را دعوتگر به کتابت و برپا دارنده دینت قرار بده. (ر. ک: ص ۱۷۰ ح ۱۰۵۹). واجعلهُ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ؛ او را قائم به امرت قرار بده. (ر. ک: ص ۲۲۴ ح ۱۰۷۸). اجعلهُ الْإِمَامَ الْمُنْتَظَرَ؛ خدایا! او را امامی قرار بده که انتظارش را می کشند. (ر. ک: ص ۲۴۲ ح ۱۰۸۶، به نقل از المقنعه). واجعلهُ الْقَائِمَ الْمُؤَمَّلَ، وَالْوَصِيَّ الْمَفْضَّلَ، وَالْإِمَامَ الْمُنْتَظَرَ، وَالْعِدْلَ الْمُخْتَبَرَ؛ و او را قیام کننده ای که به وی امید بسته اند و وصی برتری داده شده و امامی که چشم به راهش هستند و عدل آزموده قرار بده. (ر. ک: ص ۴۳۲ ح ۱۱۲۱).

خدای متعال، توجیه پذیر دانست؛ خدایی که هیچ گاه و در برابر هیچ چیزی دستش بسته نیست و کسی یارای برابری با او را ندارد؛ خداوند قادری که حتی مقدرات تعیین شده اش در قبضه اراده و مشیت او قرار دارند و هر لحظه می تواند تغییرشان دهد. در این نگاه به هستی است که ابراهیم علیه السلام، نیای بزرگ ترین پیامبران الهی، خود را برای انجام دادن بدیهی ترین فریضه الهی یعنی نماز، به عنایت الهی نیازمند می بیند و ندا بر می آورد: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ» ، (۱) با آن که تردیدی نیست که ابراهیم علیه السلام از اواین و نمازگزاران حقیقی بوده است. پس مؤمنان، همه و همیشه باید از خدا بخواهند که بر همان خیر و صلاحی باشند که خداوند برایشان مقدر کرده و در اجرای فرمان ها و خواست الهی، در جایگاه مقدر خود باقی بمانند و خدای ناکرده، کسانی دیگر جایشان را نگیرند تا از پاداش عظیم الهی بی بهره نمانند. ما باید همواره از خداوند بخواهیم که منجی بشر، همان امام دوازدهم ما باشد و ما نیز پیرو پا در رکاب ایشان باشیم.

اللَّهُمَّ... وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ،... وَلَا تَسْبِدْ بِنَا غَيْرَنَا. (۲)

خدایا!... ما را از یاوران دینت قرار بده... و کسی دیگر را در این امر به جای ما مگذار.

### پاسخ سؤال شش

ابتدا به این نکته اشاره می کنیم که بیماری و پیشامدهای طبیعی، یک عارضه عمومی برای همه انسان هاست و کمتر انسانی را می توان یافت که در عمر چند دهه ای خود، از گزند آن در امان بوده باشد. گویی این سنت الهی است که همه را بدین وسیله بیازماید و اجر صبر رنجشان را توشه آخرتشان کند. از این رو، امام زمان علیه السلام نیز می تواند برای ساعت ها و روزهایی بیمار شود و پیکر مبارکش از خاری و یا زخمی

ص: ۲۹۱

۱- (۱) ابراهیم: آیه ۴۰.

۲- (۲) ر. ک: ص ۹۲ ح ۱۰۴۳ و ص ۲۵۵ ح ۱۰۹۰.

رنجور گردد، همان گونه که امامان پیشین و پیامبران نیز روزها و گاه مانند ایوب علیه السلام سال ها بیمار بوده اند. بر این اساس، طول عمر امام زمان علیه السلام مستلزم بیمار نشدن ایشان و یا خلیدن خاری در پا و سقوط از جایی و شکستگی اندام مبارکشان نیست و چه بسا ناراحتی از کردار بسیاری، تن و روح مبارک ایشان را نیز بیازارد و برای چند صباحی، ایشان را به بستر بیماری بکشاند.

افزون بر این، ممکن است در آینده، وقایع غیر قابل پیش بینی اتفاق بیفتند که امر قیام را با دشواری های طاقت فرسا رو به رو سازد و یا به امام مهدی علیه السلام آسیب رساند و سلامت ایشان را به خطر اندازد. این بدان معناست که از هم اکنون باید با دعا و توسل در اندیشه رهیدن از این خطرها و به سلامت گذر کردن از دوره انتظار و حوادث قیام بود.

به سخن دیگر، ممکن است حکمت و نیاز به برخی ادعیه برای ما روشن نباشد؛ اما برای پسینیان و آیندگان، نیازی حتمی و هویدا باشد.

همچنین می توان این دعاها را ناظر به دوره غیبت صغرا نیز دانست؛ زیرا احتمال دسترسی دشمنان به امام زمان علیه السلام از طریق شناسایی نایبان خاص و مرتبطان با امام و فشار آوردن به آنها وجود داشته است و این دو احتمال برای وجود و پذیرش این ادعیه کفایت می کند.

بر این پایه و نیز آنچه در مقدمه بحث گفته شد - که تحقق خواسته ها به دعا نیز نیاز دارد -، تداوم سلامت ناجی ما، می تواند به دعا و درخواست ما گره خورد. در این صورت می توان با دعا و نیز صدقات و نذر و نیاز و خیرات و مبرات، بیماری های جسمی و خطر حوادث طبیعی را - که به طور عمومی، دامنگیر همه انسان ها می شود - و نیز گزند احتمالی دشمنان و همچنین رنج حاصل از گناهان و کردار ناشایست انسان ها را که ممکن است خود نیز در آن سهیم باشیم، از آن وجود نازنین، دور نمود.

در پاسخ به این سؤال باید گفت: تعجیل در یک امر تاریخی، با یک امر شخصی تفاوت زیاد دارد. آرزوها و آرمان های شخصی ما در یک محدوده عمر چند ده ساله شکل می گیرد، و درخواست و پیگیری می شود و گاه به وقوع می پیوندد؛ اما تحقق درخواست های تاریخی به یک دوره چند صدساله و بلکه چند هزارساله نیاز دارند.

در این باره، نمونه های متعددی می توان ارائه داد. نوح علیه السلام صدها سال هدایت و نجات امتش را پیگیری و از خداوند درخواست می کرد. قوم بنی اسرائیل در مصر، قرن ها در انتظار نجات بخشی بودند که آنها را از دست فرعونیان رهایی بخشد و یهودیان حجاز، قرن ها چشم به راه پیامبری بودند که مشرکان را درهم بشکند.

اینها همه درخواست برای یک امت و در یک منطقه محدود بوده است و بر این پایه، دور از ذهن نیست که برای نجات عمومی بشر و در گستره ای به وسعت کره زمین، نیاز باشد که همه انسان ها یا لا اقل در هر منطقه، بخشی از آنها سال ها و قرن ها برای تحقق عدالتی دعا کنند که می خواهد در سر تا سر زمین جاری شود، گوشه گوشه آن را از ستم بزداید و از عطر عدالت و برادری بیاکند.

افزون بر این، تعجیل در یک امر تاریخی، لزوماً به معنای جلو انداختن آن برای یک یا دو قرن نیست؛ زیرا یک قرن در درازنای تاریخ، مانند یک روز در عمر ماست و اگر فرض شود که ظهور امام زمان علیه السلام و مهدی موعود باید بیست قرن دیگر تحقق پذیرد، آن گاه می توان فرض و تصوّر کرد که دعا برای تعجیل فرج، اثر نموده و آن را چند قرن به جلو کشیده است، هر چند برای ما و ده ها نسل دیگر، معلوم و محسوس نباشد.

١٠٩٥. جنه المأوى نقلاً عن كتاب كنوز النجاح (١): دُعاء عَلَّمَهُ صَاحِبُ الزَّمَانِ - عَلَيْهِ سَلَامُ اللَّهِ الْمَلِكِ الْمَنَّانِ - أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدَ بْنَ أَحْمَدَ بْنَ أَبِي اللَّيْثِ - رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى - فِي بَلَدِهِ بَغْدَادَ...: اللَّهُمَّ عَظَمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ، (٢) وَانكشَفَ الْغِطَاءُ،

ص: ٢٩٤

١- (١) إنَّ أقدم مصدر لهذا الدعاء هو كتاب كنوز النجاح للطبرسي صاحب تفسير مجمع البيان (القرن السادس الهجري) وللأسف فإنَّ هذا الكتاب ليس في أيدينا الآن، ولذا أوردنا الدعاء نقلاً عن كتاب جنه المأوى للمرحوم حاجي نوري، وحسب ما نقله للشيخ الطبرسي، فإنَّ الإمام المهدي عليه السلام علَّم هذا الدعاء لأبي الحسن محمد بن أحمد بن أبي الليث الذي فرَّ من القتل إلى مقابر قريش إلى بغداد، فكتبت له النجاه من الموت ببركته. كما ورد هذا الدعاء في بعض المصادر المتأخّره مع اختلاف، مثل: المصباح للكفعمي: ص ٢٣٥ و بعض المصادر نسبت الدعاء إلى الإمام عليه السلام ولم تشر إلى شأن صدوره، مثل المزار الكبير: ص ٥٩١ والمزار للشهيد الأول: ص ٢١٠ وبعضها أوردته بدون أن تنسبه إلى الإمام المهدي عليه السلام ضمن الأعمال الخاصه بالإمام المهدي عليه السلام ك «جمال الأسبوع» للسيد بن طاووس: ص ١٨١ وقصص الأنبياء للراوندي: ص ٣٦٥ وبعض آخر أوردته في الأعمال العباديه الخاصه لباقي الأئمّه كمصباح الزائر: ص ٣٨٦. و بناء على ذلك، فإن المصدر الأصلي و القديم لهذا الدعاء لا يتوفر لدينا، فضلاً عن عدم اكتمال السند.

٢- (٢) ليس في المزارين: «وانقطع الرجاء».

۱۰۹۵. جَنَّةُ الْمَأْوَى - به نقل از کتاب کنوز النجاح - (۱) دعایی است که صاحب الزمان علیه السلام - که سلام خداوند فرمانروای نعمت دهنده بر او باد - آن را در شهر بغداد به ابو الحسن محمد بن احمد بن ابی لیث - که خدای متعال رحمتش کند - آموخته است: «... خدایا! بلا بزرگ شده و نهان ها آشکار شده و امیدها ناامید شده و پرده، کنار رفته و زمین، تنگ شده و آسمان [از باریدن]، بخل ورزیده است. (۲) ای خدای من! شکوه ها را نزد تو می آورند و تکیه گاه در

ص: ۲۹۵

۱- (۱) کهن ترین منبع این دعا کتاب کنوز النجاح مرحوم طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان (سده ششم) است. اما امروزه این کتاب در دسترس ما نیست. از این رو، ما آن را به نقل از جَنَّةُ الْمَأْوَى مرحوم حاجی نوری آوردیم. بنابر نقل مرحوم طبرسی، امام زمان علیه السلام این دعا را به ابوالحسن محمد بن احمد بن لیث - که از ترس مرگ و اعدام فراری بود و به مقابر قریش در بغداد پناه برده بود - یاد داد که موجب نجات وی شد. این دعا در منابع پسین نیز با تفاوت هایی آمده است (المصباح، کفعمی: ص ۲۳۵). در برخی از منابع، دعای یاد شده را به امام زمان علیه السلام منسوب دانسته اند؛ اما شأن صدور آن را بیان نکرده اند (المزار الکبیر: ص ۵۹۱، المزار، شهید اول: ص ۲۱۰). برخی نیز بدون انتساب به امام عصر علیه السلام، آن را برای اعمال عبادی مربوط به امام زمان (ر. ک: ص ۲۶۳ ح ۱۰۹۰ «جمال الأسبوع»، قصص الأنبياء، راوندی: ص ۳۶۵) و یا امامان دیگر (مصباح الزائر: ص ۳۸۶) توصیه کرده اند. بنا بر این، افزون بر ناتمامی سند، مصدر اصلی و کهن این دعا در اختیار ما نیست.

۲- (۲) جمله «وَضَاقَتِ الْأَرْضُ، وَتُبِعَتِ السَّمَاءُ»، شاید اشاره به دشواری و سختی مؤمنان در دنیا دارد که با غیبت امام عصر علیه السلام شدت بیشتری گرفته است. هم چنان که می تواند ناظر به زمان صدور و وضعیت محمد بن احمد بن ابی لیث باشد که دچار سختی و دشواری فراوان بود و از ترس کشته شدن، به مقابر قومش پناه برده بود.

وضاقت الأرض، ومُنعت السماء (١)، وإليك يا ربُّ المُشْتَكِي، وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرِّخَاءِ.

اللَّهُمَّ! فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اُولَى الْأَمْرِ (٢) الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، فَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنَزَلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا كَلِمَحِ الْبَصِيرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، اِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ (٣)، وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْعَوْثَ الْعَوْثَ (الْعَوْثُ)، أَدْرِ كُنِي أَدْرِ كُنِي أَدْرِ كُنِي [السَّيِّئَةُ السَّاعَةُ السَّاعَةُ، الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ] (٤).

راجع: ص ٢٤٨ ح ١٠٨٨.

٢/٨: دُعَاءُ «يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ»

١٠٩٦. دلائل الإمامة: حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التَّلْعَكَبْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ بْنُ أَبِي الْبَغْلِ الْكَاتِبُ... [عَنْ صَاحِبِ الْأَمْرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ] فَقَالَ: تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، وَتَقُولُ:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ (٥)، وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْمَنْ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا حَسِينَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى، يَا غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى، يَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ، يَا مُبْتَدَأَ الْبَلِّغِ

ص: ٢٩٦

١- (١) لعل العبارة «ضاقت الأرض و منعت السماء» إشاره إلى الصعوبات التي يلقاها المؤمنون في الدنيا، و التي اشتدت على إثر غيبه إمام العصر (عج). كما يمكن أن يراد منها زمان الصدور و حاله محمد بن أحمد بن أبي الليث الذي كان يواجه الكثير من المشاق و العصبوبات، و كان قد لجأ إلى مقابر.... مخافه القتل.

٢- (٢) ليس في المزارين: «أولى الأمر».

٣- (٣) يوضح الالتفات إلى بدايه الدعاء و التوحيد المحورى الأساسى فيه و خاصه «عليك المعول في الشده والرخاء» أن العبارات الأخيره «اكفياني فإنكما كافيائي و انصراني فإنكما ناصراي» إشاره إلى كفايه النبوه و الإمامه فى اللجوء إلى ظل العنايات الإلهيه، و مثل هذا الشخص سوف لا يحتاج للجوء إلى الآخرين.

٤- (٤) ما بين المعقوفين أثبتناه من المصباح للكفعمي.

٥- (٥) الجريره: الجنايه والذنب (النهايه: ج ١ ص ٢٥٨ «جرر»).

سختی و راحتی، تویی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ کسانی که اطاعتشان را بر ما واجب کردی و بدین گونه منزلتشان را به ما شناساندی. پس خدایا! به حق ایشان برایمان گشایشی به سان یک چشم بر هم زدن یا سریع تر قرار بده. ای محمد! ای علی! مرا کفایت کنید که شما کفایت کننده من هستید،<sup>(۱)</sup> و مرا یاری کنید که شما یاوران من هستید. ای مولای من! ای صاحب الزمان! به فریاد برس، به فریاد برس، به فریاد برس! مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب! الآن، الآن، الآن! بشتاب، بشتاب، بشتاب! ای رحیم ترین رحیمان! به حق محمد و خاندان پاکش.<sup>(۲)</sup>

ر. ک: ص ۲۴۹ ح ۱۰۸۸.

### ۲/۸: دعای «ای که زیبا را آشکار می کنی»

۱۰۹۶. دلایل الإمامه - به نقل از ابو الحسین بن ابی بگل کاتب - : [صاحب الأمر علیه السلام] فرمود: «دو رکعت نماز می خوانی و می گویی: ای که [کار] زیبا را آشکار می کنی و [کار] زشت را می پوشانی! ای که [معجزم را زود] به جرم و جنایت بازخواست نمی کنی و پرده را نمی دری! ای که منّتی بزرگ بر ما داری! ای بخشنده باگذشت! ای نیکو درگذرنده! ای که آمرزشت گسترده و دستانت به رحمت گشوده است!

ای نهایت هر راز گویی! ای غایت هر شکوه و گله گزاری! ای یاور هر یاری خواه!

ص: ۲۹۷

۱- (۱) توجه به آغاز دعا و توحیدمحوری بنیادین آن بویژه: «عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ» معلوم می کند که جملات پایانی: «اِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمْ كَافِيَايَ، وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمْ نَاصِرَايَ»، به بسندگی نبوت و امامت در پناه جویی در ذیل عنایات الهی اشاره دارد و فردی این چنین به پناهجویی از دیگران نیاز نخواهد داشت.

۲- (۲) جنّه المأوی چاپ شده در: بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۲۷۵ حکایت ۴۰، المزار الکبیر: ص ۵۹۱، المزار، شهید اول: ص ۲۱۰، المصباح، کفعمی: ص ۲۳۵، مصباح الزائر: ص ۳۸۶ (هر دو منبع با عبارت مشابه).



قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّاهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - يَا سَيِّدَاهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - يَا مَوْلَاهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - يَا غَايَتَاهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ - عَشْرَ مَرَّاتٍ - أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا مَا كَشَفْتَ كَرْبِي، وَنَفَسْتَ هَمِّي، وَفَرَجْتَ عَنِّي، وَأَصْلَحْتَ حَالِي.

وَتَدْعُو بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا شِئْتُمْ، وَتَسْأَلُ حَاجَتَكَ. ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ، وَتَقُولُ مِثْلَهُ مَرَّةً فِي سُجُودِكَ: «يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، وَانصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ».

وَتَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْأَرْضِ، وَتَقُولُ مِثْلَهُ مَرَّةً: «أَدْرِكْنِي» وَتُكْرِرُهَا كَثِيرًا، وَتَقُولُ:

«الغوث الغوث» حَتَّى يَنْقَطِعَ نَفْسُكَ، وَتَرْفَعُ رَأْسَكَ، فَإِنَّ اللَّهَ بِكْرَمِهِ يَقْضِي حَاجَتَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (تعالى).

٣/٨: دُعَاءُ الْفَرَجِ (اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ)

١٠٩٧. مصباح المتهجد: مِمَّا خَرَجَ عَنِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (١):

ص: ٢٩٨

١- (١) ملحوظتان: ١. نقل الشيخ الطوسي في مصباح المتهجد (ص ٢٢٠ ح ٣٣٢) في الأدعية التي يُدعى بها في تعقيبات صلاة الفجر، الدعاء المعروف بدعاء الحريق، ثم نقل بعده هذا الدعاء وفي صدره: «ومما خرج عن صاحب الزمان زياده في هذا الدعاء إلى محمّد بن الصلت القمي [الظاهر هو محمد بن أحمد بن علي بن الصلت]: «اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ...» والظاهر من قوله: «زياده في هذا الدعاء» استحباب قراءه الدعاء المروي عن صاحب الزمان عليه السلام بعد دعاء الحريق في تعقيبات صلاة الفجر، لا ازدياد هذا الدعاء بدعاء الحريق من ناحيته عليه السلام كما زعمه بعض. ٢. إنَّ هذا الدعاء الذي رواه الشيخ الطوسي بعد دعاء الحريق هو مشترك في المقطع الأوّل منه و تاراه حتّى النصف مع ثلاث أدعية اخرى هي: أ - دعاء العهد الذي أوصى بقراءته أربعين صباحاً (ر. ك: ص ٢٤٠ «الفصل السادس/عند الصباح «دعاء العهد»). ب - الدعاء الذي رواه الشيخ الطوسي في صلاة الحاجه يوم الخميس: من كانت له حاجه فليصمّ الثلاثاء والأربعاء والخميس فاذا كان العشاء تصدق بشيء قبل الإفطار و... يستحب لمن صام أن يدعو بهذه الدعاء قبل إفطاره (راجع: مصباح المتهجد: ص ٢٤٣، جمال الأسبوع: ص ٨٧ وص ١٢٦) ج - الدعاء المروي عن النبي صلى الله عليه وآله في شهر رمضان قبل الإفطار (راجع: الإقبال: ج ١ ص ٢٣٩، البلد الأمين: ص ٢٣١).

ای آغازگر نعمت دهی پیش از استحقاق آن! و آن گاه هر یک از این نام ها را ده بار صدا می زنی: "یا ربّاه"، "یا سیّده"، "یا مولاه"، "یا غایتاه"، "یا منتهی رغبتاه" و پس از آن می گویی:

از تو می خواهم که به حقّ این نام ها و به حقّ محمّد و خاندان پاکش، دشواری ام را بزدایی و اندوهم را ببری و گره از کارم بگشایی و حالم را به سامان آوری.

و پس از اینها، هر دعایی می خواهی بکن و حاجت را بخواه و سپس گونه‌ راستت را بر زمین می نهی و در سجده ات صد مرتبه می گویی: "ای محمّد، ای علی، ای علی، ای محمّد! مرا کفایت کنی که شما کفایت کنندگان من هستید و مرا یاری دهید که شما یاری دهندگان من هستید". و گونه‌ چپت را بر زمین می نهی و صد مرتبه می گویی: "مرا دریاب" و آن را فراوان تکرار می کنی، و می گویی: "فریادرس، فریادرس" تا نفّست ببرد، و سرت را بالا می آوری که خداوند به کرمش، حاجت را برآورده می کند، **إن شاء الله تعالی!** (۱).

### ۳/۸: دعای فرج (اللّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ)

۱۰۹۷. مصباح المتهجّد: از جمله چیزهایی که از سوی صاحب الزمان علیه السلام آمده است: (۲) «خدا یا!

ص: ۲۹۹

۱- (۱) دلائل الإمامه: ص ۵۵۱ ح ۵۲۵، فرج المهموم: ص ۲۴۵، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۳۴۹ ح ۱۱. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر. ک: همین دانش نامه: ج ۵ ص ۱۲۲ (بخش ششم/فصل سوم/ابو الحسین بن ابو بعل).

۲- (۲) دو نکته: یک. شیخ طوسی در ضمن دعاهایی که در تعقیبات نماز صبح خوانده می شود، دعای معروف به «دعای حریق» را نقل کرده، و بعد از آن این دعا را نقل کرده که در آغازش چنین آمده است: از جمله چیزهایی که از سوی صاحب الزمان علیه السلام به محمّد بن صلت قمی - ظاهراً محمّد بن احمد بن علی بن صلت قمی باشد - صادر شده است، افزوده ای در این دعاست: «اللّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ...». ظاهراً منظور از «افزودهای در این دعا» استحباب خواندن دعای روایت شده از امام زمان علیه السلام پس از دعای حریق در تعقیبات نماز فجر است، نه آن گونه که برخی پنداشته اند به دعای حریق از سوی امام زمان علیه السلام چیزی افزوده باشد. دو. این دعای فرج - که شیخ طوسی آن را بعد از دعای حریق آورده است -، در بخش آغازین و گاه تا نصف، با سه دعای دیگر مشترک است. این دعاها، عبارت اند از: الف - دعای مشهور عهد که خواندن آن برای چهل صبح سفارش شده است. ر. ک: ص ۲۲۶ ح ۱۰۸۱ ب - دعایی که شیخ طوسی در اعمال مستحب شب جمعه برای رفع حاجت آورده و توصیه کرده که روزهای سه شنبه و چهارشنبه و پنج شنبه روزه گرفته شود و شب جمعه، قبل از افطار این دعا خوانده شود. ج - دعایی که از پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و برای قبل از افطار ماه رمضان، توصیه شده است.

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكَرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ (١)، وَمُنزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ، وَرَبَّ الظُّلِّ وَالْحَرُورِ، وَمُنزِلَ الزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ، أَنْتَ إِلَهٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَإِلَهُ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ جَبَّارٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَجَبَّارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا جَبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ خَالِقٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَخَالِقٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا خَالِقَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ حَكَمٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَحَكَمٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا حَكَمَ فِيهِمَا غَيْرُكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُشْرِقِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ عَلَيْهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٌّ، وَيَا مُحْيِي الْمَوْتَى، وَيَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ (٢)، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا - أَحْتَسِبُ، رِزْقًا وَاسِعًا، حَلَالًا - طَيِّبًا، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَهَمٍّ، وَأَنْ تُعْطِنِي مَا أَرْجُوهُ وَأَمْلُهُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

٤/٨: دُعَاءُ طَلَبِ الْحَاجَةِ

١٠٩٨. مهج الدعوات: رَأَيْتُ فِي كِتَابِ «كُنُوزِ النَّجَاحِ»، تَأْلِيفِ الْفَقِيهِ أَبِي عَلِيِّ الْفَضْلِ بْنِ

ص: ٣٠٠

١- (١) وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرت: أَيِ اضْرَمَتْ نَارًا (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٣٩٨ «سجرت»). وقال الطريحي: البحر المسجور: أَيِ المملوء، «وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرت» (التكوير: ٦) أَيِ مُلئت ونفذ بعضها إلى بعض فصار بحرًا واحدًا (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٨٢٠ «سجرت»).

٢- (٢) الْقَيُّوْمُ: الْقَائِمُ الْحَافِظُ لِكُلِّ شَيْءٍ (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٦٩١ «قوم»).

خداوند نور بزرگ؛ خداوند تخت رفیع؛ خداوند دریای ملامال از آب؛ نازل کننده تورات و انجیل؛ خداوند سایه و گرما؛ نازل کننده زبور و قرآن بزرگ؛ خداوند فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل. تو خدای هر که در آسمان است و خدای هر که در زمین است، هستی. جز تو خدایی در این دو نیست و تو چیره بر آسمانیان و چیره بر زمینیان هستی و جز تو کس دیگری در آسمان و زمین چیره نیست. تو آفریدگار آسمانیان و آفریدگار زمینیان هستی و جز تو کس دیگری آفریدگار این دو نیست. تو داور آسمانیان و زمینیان هستی و جز تو داوری در زمین و آسمان نیست.

خدایا! من از تو درخواست می کنم به روی کریمت و به نور تابان رویت و به فرمان روایی دیرینت. ای زنده برپا دارنده هستی! از تو می خواهم به آن سمت که آسمان ها و زمین ها با آن نور گرفت و به آن سمت که اولین و آخرین با آن به سامان می آیند. ای زنده پیش از هر زنده! ای زنده پس از هر زنده! ای زنده به هنگامی که هیچ زنده ای نبود! ای زنده کننده مردگان! ای زنده! هیچ خدایی جز تو نیست. ای زنده! ای برپادارنده هستی! از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا از راهی که گمان نمی برم و راهی که گمان می برم، روزی برسانی، روزی گشاده، حلال و پاک، و غم و اندوهم را بزدایی و آنچه را امید و آرزو دارم به من عطا کنی؛ که تو بر هر کاری توانایی». (۱)

#### ۴/۸: دعا برای حاجت خواهی

۱۰۹۸. مهج الدعوات: در کتاب کنوز النجاح نوشته ابو علی فقیه، فضل بن حسن طبرسی، نوشته ای را از مولایمان حجت علیه السلام دیدم که متنش این است: احمد بن دربی از خزامه

ص: ۳۰۱

---

۱- (۱) مصباح المتهجد: ص ۲۲۷ ح ۳۳۶، البلد الامین: ص ۵۹، بحار الأنوار: ج ۸۶ ص ۱۷۱.

الحسين الطبرسي رحمه الله عن مولانا الحجة عليه السلام ما هذا لفظه: روى أحمد بن الدربي، عن خزامه، عن أبي عبد الله الحسين بن محمد البرزقري، قال: خرج عن الناحية المقدسة:

من كان له إلى الله حاجة، فليغتسل ليلة الجمعة بعد نصف الليل، ويأتي مصلاً، ويصلي ركعتين، يقرأ في الركعة الأولى «الحمد»، فإذا بلغ «إياك نعبد وإياك نستعين» يكررها مئة مرة، ويتم في المئة إلى آخرها.

ويقرأ سورة التوحيد مرة واحدة، ثم يركع ويسجد ويسبح فيها سبعة سبعة، ويصلي الركعة الثانية على هيئته (1)، ويدعو بهذا الدعاء؛ فإن الله تعالى يقضى حاجته البتة كائناً ما كان، إلا أن يكون في قطيعه الرحم. والدعاء:

«اللهم إن أعطتكم فالمحمد لك، وإن عصيتكم فالحجة لك، منك الروح ومنك الفرج، سبحان من أنعم وشكر، سبحان من قدر وغفر.

اللهم إن كنت قد عصيتك فإني قد أعطتكم في أحب الأشياء إليك، وهو الإيمان بك، لم أتخذ لك ولداً، ولم أدع لك شريكاً؛ منّا منك به على لا منّا مني به عليك.

وقد عصيتك يا إلهي على غير وجه المكابرة، ولما أخرج عن عبوديتك، ولما الجحود للربوبيتك، ولكن أعطت هواي وأزليت الشيطان، فللك الحجة عليّ والبيان، فإن تعدّني فبذنوبي غير ظالم، وإن تغفر لي وترحمني، فإنك جواد كريم، يا كريم يا كريم» - حتى ينقطع النفس -.

ثم يقول: «يا آمناً من كل شيء، وكل شيء منك خائف حذر، أسألك بأمنك من

ص: ٣٠٢

١- (١) وردت هذه الصلاة في صلاة مسجد جمكران أيضاً وراجع: ص ٢٥٥ ح ٨٨٥ (حسن بن مثله).

نقل کرد که ابو عبد الله بزوفری (۱) گفت: از سوی ناحیه مقدسه آمد: «هر کس درخواستی از خدا دارد، شب جمعه، پیش از نیمه شب، غسل کند و به نماز گاهش بیاید و دو رکعت نماز بخواند و در رکعت اول، سوره حمد را بخواند و چون به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» رسید، صد مرتبه آن را تکرار کند و سپس بقیه سوره را تا پایان بخواند و سوره توحید را نیز یک مرتبه بخواند و به رکوع و سجود برود و ذکر تسبیح هر یک [از رکوع و سجود] را هفت مرتبه بگوید و رکعت دوم را نیز به همین گونه بخواند (۲) و این دعا را بخواند که خدای متعال، حاجت او را هر چه باشد، بی تردید روا می کند، مگر آن که درخواست قطع رجم داشته باشد، و دعا این است: "خدایا! اگر اطاعت کردم، ستایش و سپاس از آن توست و اگر تو را نافرمانی کردم، دلیل و حجت از آن توست. آسودگی و گشایش از توست. تسبیح می گویم آن کس را که نعمت داد و خود قدر نهاد. تسبیح می گویم آن که را قدرت یافت و بخشید. خدایا! اگر تو را نافرمانی کرده ام، در محبوب ترین چیزها نزد تو، یعنی ایمان به تو، فرمانت را برده ام، بی آن که فرزندی برایت بگیرم و یا شریکی برایت قرار دهم و این هم منت تو بر من است، نه منت من بر تو.

ص: ۳۰۳

۱- (۱) شوشتری در قاموس الرجال می گوید: بزوفری سه نفرند: ۱. ابو عبد الله حسین بن علی بن سفیان بزوفری؛ ۲. ابو علی بزوفری، پسر عموی ابو عبد الله احمد بن جعفر بن سفیان؛ ۳. ابو جعفر بزوفری محمد بن حسین بن سفیان، راوی دعای ندبه. ظاهراً وی عموی ابو عبد الله است؛ چون جد هر دوی اینها سفیان است، هر چند کسی به این سخن، تصریح نکرده است. همه اینها در یک دوره می زیسته اند. مفید و حسین بن عبید الله غضائری از همه آنها روایت نقل کرده، و همه آنان از احمد بن ادریس روایت دارند (قاموس الرجال: ج ۱۲ ص ۱۹ ش ۲۰). نمازی در شرح حال محمد بن حسین بزوفری گفته است: «او با محمد بن حسین بن علی بن سفیان بزوفری یکی است» (مستدرکات علم الرجال: ج ۷ ص ۵۹ ش ۱۳۱۷۱-۱۳۱۷۲). ظاهراً منظور از ابو عبد الله حسین، همان حسین بن علی بن سفیان، مکتبی به ابو عبد الله بزوفری است. نجاشی در شرح حال او نوشته است: «استاد مورد اعتماد و بزرگوار، از اصحاب ماست» (رجال النجاشی: ج ۱ ص ۱۸۸ ش ۱۶۰). شیخ، او را از زمره کسانی شمرده که از ائمه روایت نقل نکرده اند و گفته است: «او مکتبی به ابو عبد الله است و کتاب هایی دارد که ما آنها را در الفهرست گفته ایم. تلکبری از وی روایت دارد». در خبر غیبت، با عنوان «ابو عبد الله بزوفری، وکالت از جانب سفرا دارد» در باره وی وارد شده است (الغیبه، طوسی: ص ۳۰۸ ح ۲۶۰).

۲- (۲) این نماز، در مورد نماز در مسجد جمکران هم وارد شده است.

كُلِّ شَيْءٍ، وَخَوْفِ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَسَائِرِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا وَلَا أَحْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

يا كافي إبراهيم ثمود، يا كافي موسى فرعون، أسألك أن تصلي علي محمد وآل محمد وأن تكفيني شر فلان بن فلان، فيستكفي شر من يخاف شره إن شاء الله تعالى.

ثُمَّ يَسْجُدُ وَيَسْأَلُ حَاجَتَهُ وَيَتَضَرَّعُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، فَإِنَّهُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ صَلَّى هَذِهِ الصَّلَاةَ وَدَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ خَالِصًا لِلْفَتْحِ لَهُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِلْإِجَابَةِ، وَيُجَابُ فِي وَقْتِهِ وَلَيْلَتِهِ كَأَنَّ مَا كَانَ، وَذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ. (١)

٥/٨: دُعَاؤُهُ فِي مَطَالِبِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

١٠٩٩. البلد الأمين: دُعَاءُ آخِرُ مَرُورِي عَنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْضًا: اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ بِهِ، وَصِدْقَ النَّيِّهِ وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ، وَأَكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالِاسْتِقَامَةِ، وَسَيِّدُ أَلْسِنَتِنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ، وَأَمْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهِّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهِهِ، وَاكْفُفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرْقَةِ، وَاغْضُضْ (٢) أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ، وَاسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ، وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجَهْدِ وَالرَّغْبَةِ، وَعَلَى الْمُسْتَمْعِينَ بِالإِتِّبَاعِ وَالْمِي وَعِظِهِ، وَعَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ

ص: ٣٠٤

١- (١) ليس في المصباح للكفعمي ذيله من «وأن تكفيني...».

٢- (٢) غَضَّ طَرْفَهُ: أَي كَسَرَهُ وَأَطْرَقَ وَلَمْ يَفْتَحْ عَيْنَهُ (النهاية: ج ٣ ص ٣٧١ «غضض»).

و ای خدای من! تو را نافرمانی کردم نه از سر انکار و مخالفت و یا بیرون رفتن از بندگی و عبودیت و یا نپذیرفتن ربوبیت؛ بلکه هوسم را پیروی کردم و شیطان، مرا لغزاند، ولی حجت تو بر من تمام است و آن را به من نموده ای. اگر عذابم کنی، به خاطر گناهانم است و ستمکار نیستی و اگر مرا بیامرزی و بر من رحم کنی، تو بخشنده و کریمی. ای کریم، ای کریم!...". می گویی تا نفست بریده شود.

سپس می گوید: "ای که از هر چیز ایمنی و هر چیز از تو در هراس و برحذر! به ایمنی ات از هر چیز و هراس هر چیز از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و برای خودم، خانواده ام، فرزندانم و دیگر نعمت هایی که به من داده ای، امانم دهی تا آن جا که هرگز از کسی ترسم و از هیچ چیزی نهراسم که تو بر هر کاری توانایی، و خداوند، ما را کافی است و او بهترین و کیل است. ای کفایت کننده ابراهیم از نمرود! ای کفایت کننده موسی از فرعون! از تو می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و مرا از شر فلان بن فلان آسوده کنی" که اگر خدای متعال بخواهد او را از شر کسی که از او بیم دارد، آسوده می کند.

سپس به سجده رَوَد و حاجتش را بخواهد و به خدای متعال گریه و زاری کند که هیچ مرد و زن باایمانی این نماز را نخواند و خالصانه این دعا را نکرد جز آن که درهای اجابت آسمان به رویش گشوده شد و در همان وقت و شب، جواب گرفت، هر حاجتی که بود و این، از فضل خدا بر ما و بر مردم است». (۱)

#### ۵/۸: دعای او برای خواسته های دنیایی و آخرتی

۱۰۹۹. البلد الامین: دعایی دیگر که از امام مهدی علیه السلام روایت شده است: «خدایا! توفیق اطاعت، دوری از معصیت، نیت درست و شناخت حرام را روزی ما کن و ما را با در راه آوردن و پایداری [در آن]، گرامی بدار و زبان هایمان را به حکمت و درستگویی استوار بدار و دل هایمان را از دانش و معرفت، آکنده ساز و شکم هایمان را از حرام و شبهه خواری پاک

ص: ۳۰۵

---

۱- (۱) مهج الدعوات: ص ۳۵۱، مکارم الأخلاق: ج ۲ ص ۱۳۵ ح ۲۳۴۶، المصباح، کفعمی: ص ۵۲۲. در این کتاب، بخش پایانی حدیث نیامده است (بحار الأنوار: ج ۸۹ ص ۳۲۳ ح ۳۰).



وَالسَّكِينَةَ، وَعَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ (١) وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ، وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَضُّعِ وَالسَّعَةِ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ، وَعَلَى الْغُرَاهِ بِالنَّصْرِ وَالْعَلْبَةِ، وَعَلَى الْأَسِيرَاءِ بِالْخِلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الْأَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السِّيَرَةِ، وَبَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ، وَاقْضِ مَا أَوْجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

٦/٨: دُعَاءُ سَهْمِ اللَّيْلِ

١١٠٠. البلد الأمين: دُعَاءُ مَرْوِيِّ عَنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، يُسَمَّى «سَهْمِ اللَّيْلِ»:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزِيزِ تَعَزُّزِ اعْتِرَازِ عِزَّتِكَ، بِطَوْلِ حَوْلِ شَدِيدِ قُوَّتِكَ، بِقُدْرَةِ مِقْدَارِ اقْتِدَارِ قُدْرَتِكَ، بِتَأْكِيدِ تَحْمِيدِ تَمَجِيدِ عَظَمَتِكَ، بِسِيْمُو نُمُوِّ عُلُوِّ رَفْعَتِكَ، بِبَدِيمِومِ قَيُومِ دَوَامِ مُدَّتِكَ، بِرِضْوَانِ غُفْرَانِ أَمَانِ رَحْمَتِكَ، بِرَفِيعِ بَدِيعِ مَنِيْعِ سَلْطَنَتِكَ، بِسِعَاهِ صَلَاحِ بِسَاطِ رَحْمَتِكَ، بِحَقَائِقِ الْحَقِّ مِنْ حَقِّ حَقِّكَ، بِمَكْنُونِ السِّرِّ مِنْ سِرِّ سِرِّكَ، بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عِزِّ عِزِّكَ، بِخَنِينِ أَنْيْنِ تَسْكِينِ الْمُرِيدِينَ، بِحَرَقَاتِ خَضَعَاتِ زَفَرَاتِ الْخَائِفِينَ، بِأَمَالِ أَعْمَالِ أَقْوَالِ الْمُجْتَهِدِينَ، بِتَخَشُّعِ تَخَضُّعِ تَقَطُّعِ مَرَاتِ الصَّابِرِينَ، بِتَعَبُّدِ تَهَجُّدِ تَجَلُّدِ الْعَابِدِينَ.

اللَّهُمَّ ذَهَلَتِ الْعُقُولُ، وَانْحَسِرَتِ الْأَبْصَارُ، وَضَاعَتِ الْأَفْهَامُ، وَحَارَتِ الْأَوْهَامُ، وَقَصِيرَتِ الْخَوَاطِرُ، وَبُعِيدَتِ الظُّنُونُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ كَيْفِيَّتِهِ مَا ظَهَرَ مِنْ بَوَادِي عَجَائِبِ أَصْنَافِ بَدَائِعِ قُدْرَتِكَ، دُونَ الْبُلُوغِ إِلَى مَعْرِفَةِ تَلَالُؤِ لَمَعَاتِ بُرُوقِ سَمَائِكَ.

اللَّهُمَّ مُحَرِّكِ الْحَرَكَاتِ، وَمُبْدِيِ نَهَايَةِ الْغَايَاتِ، وَمُخْرِجِ يَنَابِيعِ تَفْرِيعِ قُضْبَانِ

ص: ٣٠٦

١- (١) الْإِنَابَةُ: الرَّجُوعُ إِلَى اللَّهِ بِالتَّوْبَةِ (النَّهَايَةُ: ج ٥ ص ١٢٣ «نُوبٌ»).

بدار و دستانمان را از ستم و دزدی باز بدار و دیده هایمان را از تباہکاری و خیانت پوشیده بدار و گوش هایمان را از بیهوده گویی و غیبت، بسته بدار و بر دانشمندانمان، به زهد و خیرخواهی و بر دانشجویان، به کوشش و اشتیاق و بر شنوندگان، به پیروی و اندرز [پذیری] و بر بیماران مسلمان، به شفا و آسودگی و بر مردگانمان، به رحم و شفقت و بر پیران ما، به وقار و آرامش و بر جوانان، به بازگشت و توبه و بر زنان، به حیا و عفت و بر توانگران، به فروتنی و گشاده دستی و بر نیازمندان، به صبر و قناعت و بر جنگاوران، به یاری و پیروزی و بر اسیران، به رهایی و آسودگی و بر فرمان روایان، به عدالت و دلسوزی و بر مردم، به انصاف دهی و نیک رفتاری، تفضل و منت نه و در توشه و هزینه حاجیان و زائران برکت ده و آنچه را از حج و عمره بر ایشان واجب کرده ای، به انجام رسان، به فضل و رحمت ای رحیم ترین رحیمان! (۱)

## ۶/۸: دعای بهره شب

۱۱۰۰. البلد الأمين: دعایی روایت شده از امام مهدی علیه السلام که «بهره شب» نامیده می شود: «خدایا! از تو درخواست می کنم به عزیزی که عزت بخش او، عزت برخاسته از عزیز کردن توست، به نیروی حاصل از توان عظیم برخاسته از قوت تو، به قدرت پدید آمده از قدرت برخاسته از نیروی مقتدرانه ات، به ستایش مؤکد بزرگداشت عظمتت، به اوج گرفتن والایی بالنده رفعتت، به برپادارندگی جاویدان همیشه بودنت، به رضوان برآمده از آمرزش آسوده کننده رحمتت، به بلندپایگی بی نمونه فرمان روایی نفوذناپذیرت، به پیک های روان دروهای ریزان از رحمتت، به حقایق حقیقی برخاسته از حقیقت حقه ات، به راز نهفته میان نهران ترین رازهایت، به عزت های گره خورده به گوهر عزتت، به ناله آرزومندان آرام بخش خواهندگان، به آه سوزناک از دل برآمده بیمناکان، به آرزوهای چیره بر گفتار تلاشگران، به خشوع فروتنانه آب شدن زهره شکیبایان، به تعبّد شب زنده داران عابد چالاک.

خدایا! عقل ها سرگردان، دیده ها درمانده، فهم ها تباہ و وهم ها حیران شده و خیال ها

ص: ۳۰۷

النَّباتِ، يا مَنْ شَقَّ صُفْمَ جَلَامِيدِ الصُّخُورِ الرَّاسِيَّاتِ، وَأَنْبَعَ مِنْهَا مَاءً مَعِيناً حَيَاةً لِلْمَخْلُوقَاتِ، فَأَحْيَا مِنْهَا الْحَيَّوانَ وَالنَّباتَ، وَعَلِمَ ما اِخْتَلَجَ فِي سِرِّ أَفكارِهِمْ مِنْ نُطْقِ إِشاراتِ خَفِيَّاتِ لُغاتِ النَّمْلِ السَّارِحَاتِ، يا مَنْ سَبَّحْتَ وَهَلَّلْتَ وَقَدَّسْتَ وَكَبَّرْتَ وَسَجَدْتَ لِجَلالِ جَمالِ أَقوالِ عَظيمِ عِزِّهِ جَبَرُوتِ مَلَكُوتِ سِلْطَنَتِهِ مَلائِكَةُ السَّبْعِ سَماواتِ، يا مَنْ دارَتْ فَأضَاءَتْ وَأَنارتِ لِتَدوامِ ديمومِيَّتِهِ النُّجومِ الزَّاهِراتِ، وَأَحصى عَدَدَ الأحياءِ وَالأمواتِ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرِ البَرِيَّاتِ، وَافْعَلْ بِي كَذا وَكَذا.

٧/٨: الدُّعاءُ لِلْمُؤمِنينَ وَالْمُؤمِناتِ

١١٠١. مهج الدعوات نقلاً عن مجموع الأدعية المستجابات (١): دُعاءُ الإمامِ العالِمِ الحُجَّجِ عليه السلام:

«إلهي! بِحَقِّ مَنْ نَجاكَ، وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي البَرِّ وَالْبَحْرِ، تَفَضَّلْ عَلَي فُقراءِ الْمُؤمِنينَ وَالْمُؤمِناتِ بِالغَناءِ وَالثَّرَوَةِ، وَعَلَي مَرَضَى الْمُؤمِنينَ وَالْمُؤمِناتِ بِالشِّفاءِ وَالصِّحَّةِ، وَعَلَي أحياءِ الْمُؤمِنينَ وَالْمُؤمِناتِ بِاللُّطفِ وَالكَرَمِ (٢)، وَعَلَي أمواتِ الْمُؤمِنينَ وَالْمُؤمِناتِ بِالْمَغفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَي غُرَباءِ الْمُؤمِنينَ وَالْمُؤمِناتِ بِالرِّدِّ إِلى أوطانِهِمْ سالِمينَ غانِمينَ، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجمَعينَ (٣)» (٤).

ص: ٣٠٨

١- (١) صدر هذا النص المنقول في عبارته السيد هكذا: «وجدت في مجموع الأدعية المستجابات عن النبي والأنتم عليهم السلام - قاله أقل من الثمن نحو السدس - أوله دعاء مستجاب؛ اللهم ائذني في قلبي رجاءك، وفي آخره ما هذا لفظه: دعاء الإمام العالم الحجج عليه السلام: إلهي! بحق من ناجاك...».

٢- (٢) في بعض نسخ المصدر والمصباح للكفعمي: «والكرامة».

٣- (٣) قال السيد علي بن طاووس: كُنْتُ أَنَا بِسِيرٍ مَنْ رَأى فَسَمِعْتُ سَحراً دُعائه (القائم عليه السلام) فَحَفِظْتُ مِنْهُ مِنَ الدُّعاءِ لِمَنْ ذَكَرَهُ الأحياءُ وَالأمواتُ: وَأَبقِهِمْ أَوْ قال: وَأَحيِهِمْ فِي عِزِّنا وَمُلْكنا أَوْ سُلطاننا وَدَوْلتنا وَكانَ ذلِكَ فِي ليلَةِ الأربَعاءِ ثالِثَ عَشَرَ ذى القَعْدَةِ سَنَةِ ثمانٍ وَثلاثينَ وَسِتِّمئةً.

٤- (٤) وردت فقرات هذا الدعاء بنفس هذا الشكل المترابط ضمن دعاء الفرج المفصل والذي أورد الكفعمي قراءته بعد صلاة الحاجة، رواه عن الإمام الرضا عليه السلام من غير أن ينسب الدعاء إلى أحد «البلد الأمين: ص ٣٢٣».

بازمانده و گمان‌ها از درک ژرفای چگونگی پیدایش شگفتی‌های گوناگون و آشکار و نوپدید برآمده از قدرت دور افتاده و به شناخت درخشش پرتو آذرخش‌های آسمانی‌ات نرسیده‌اند.

خدایا! ای حرکت دهنده حرکت‌ها و آغازگر فرجام همه پایان‌ها و بیرون‌کشنده چشمه‌های رویاننده گیاهان تازه در هر گوشه و کرانه! ای که دل سخت‌تخته سنگ‌های استوار را می‌شکافی و آبی زلال را برای زندگی آفریدگان بیرون می‌کشی و حیوان و گیاه را از آن زنده می‌گردانی و آنچه از سخنان نهان و اشاره‌ای و درونی [و حتی] به زبان مورچگان در اندیشه‌های پنهانشان می‌گذرد، می‌دانی!

ای که فرشتگان هفت آسمان در برابر شکوه زیبایی‌گفتار سترگ برآمده از عزت جبروتی ملکوت فرمان‌روایی‌اش، او را تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر گفته و به سجده افتاده‌اند! ای که ستارگان فروزان، به گرداگرد پابندگی جاویدش می‌چرخند و پرتوافشانی و نورانی می‌کنند! ای که شمار زندگان و مردگان را می‌دانی! بر محمد و خاندان محمد - بهترین مردمان - درود فرست و برایم فلان کار و فلان کار را بکن» (۱).

## ۷/۸: دعا برای مردان و زنان با ایمان

۱۱۰۱. مهج الدعوات - به نقل از مجموعه دعاهای مستجاب - (۲) دعای امام فرزانه، حجت علیه السلام:

«خدای من! به حق کسی که با تو مناجات می‌کند و به حق کسی که تو را در خشکی و دریا می‌خواند، منت بگذار، بر مردان و زنان فقیر باایمان، به ثروت و توانگری، و بر بیماران زن و مرد باایمان، به شفا و تن درستی، و بر مردان و زنان باایمان زنده، به لطف و کرم، و بر مردان و زنان مؤمن از دنیارفته، به آمرزش و رحمت، و بر مردان و زنان مؤمن غریب، به

ص: ۳۰۹

۱- (۱) البلد الأمين: ص ۳۴۹، المصباح، کفعمی: ص ۳۵۴.

۲- (۲) آغاز این متن - که در عبارت سید نقل شده - چنین است: «در مجموعه دعاهای اجابت شده پیامبر و ائمه علیهم السلام دیدم که مجموع آنها کمتر از یک هشتم و قریب یک ششم کل دعا بود. آغازش این دعای اجابت شده بود: خداوندا! امید به خودت را در قلبم القا کن. در آخر آن چنین آمده بود: دعای امام عالم حجت علیه السلام این بود: خدای من! به حق کسی که با تو مناجات می‌کند...».

١١٠٢. مصباح المتهجد: أَخْبَرَنِي جَمَاعَةٌ، عَنِ ابْنِ عِيَّاشٍ، قَالَ: مِمَّا خَرَجَ عَلَيَّ الشَّيْخُ الْكَبِيرُ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ رَحِمَهُ اللَّهُ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ، مَا حَدَّثَنِي بِهِ جُبَيْرٌ (١) بِنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: كَتَبْتُهُ مِنَ التَّوْقِيعِ الْخَارِجِ إِلَيْهِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ادْعُ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ رَجَبٍ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعٍ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ أَمْرِكَ، المَأْمُونُونَ عَلَى سِرِّكَ، المُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِكَ، الواصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ، المُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ.

وَأَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيئَتِكَ، فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ، وَأَرَكَانًا لِتَوْحِيدِكَ وَآيَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ، الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ، لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا إِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقُهَا وَرَتَقُهَا بِيَدِكَ، يَدُوهَا مِنْكَ، وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ، أَعْضَادُ (٢) وَأَشْهَادُ، وَمُنَاهُ وَأَذْوَادُ (٣)، وَحَفَظُهُ وَرُؤَادُ، فَبِهِمْ مَلَأْتَ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ أَسْمَاءَ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَبِمَقَامَاتِكَ وَعَلَامَاتِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا وَتَشْيِيتًا، يَا بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ، وَظَاهِرًا فِي بَطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ، يَا مُفَرِّقًا بَيْنَ النُّورِ وَالذُّيُوجِ، يَا مَوْصُوفًا بِغَيْرِ كُنْهِ، وَمَعْرُوفًا بِغَيْرِ شَبِّهِ، حَادُّ كُلِّ مَحْدُودٍ، وَشَاهِدُ كُلِّ مَشْهُودٍ، وَمَوْجِدُ كُلِّ مَوْجُودٍ، وَمُحْصِي كُلِّ مَعْدُودٍ، وَفَاقِدُ كُلِّ مَفْقُودٍ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ، أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ.

ص: ٣١٠

١- (١) فِي الْإِقْبَالِ وَالْبَلَدِ الْأَمِينِ وَبِحَارِ الْأَنْوَارِ: «خَيْرٌ» بَدَلُ «جَبِيرٌ».

٢- (٢) عَضُدُ الرَّجْلِ: أَنْصَارُهُ وَأَعْوَانُهُ، وَالْعَضُدُ: الْمُعِينُ وَالْجَمْعُ: أَعْضَادُ (لِسَانُ الْعَرَبِ: ج ٣ ص ٢٩٣ «عَضُدٌ»).

٣- (٣) الذَّائِدُ: هُوَ الْحَامِي الْمُدَافِعُ (النِّهَايَةُ: ج ٢ ص ١٧٢ «ذُودٌ»).

## ۸/۸: دعای هر روز از ماه رجب

۱۱۰۲. مصباح المتهجد - به نقل از ابن عیاش - (۳) جبر بن عبد الله برایم گفت: از روی توقیعی که از طرف ناحیهٔ مقدّسه به دست شیخ بزرگ، ابو جعفر محمّد بن عثمان رسید، این متن را نوشتم: «بسم الله الرحمن الرحيم. در هر روز از ماه رجب، این دعا را بخوان: خدایا! من از تو درخواست می‌کنم به معنای همهٔ آنچه والیان امرت تو را به آن خوانده‌اند؛ آن والیانی که رازنگهدار تو، بشارت یافتگان امر تو، توصیفگران قدرت و آشکارکنندگان بزرگی ات هستند. از تو می‌خواهم به آنچه از خواستت در بارهٔ آنها گفتمی [و موجود شد] و آنها را معادن کلمه‌هایت و ستون‌های توحیدت و نشانه‌ها و جایگاه‌ها [ی معرفت تقرّب به تو] قرار دادی؛ نشانه‌هایی که هیچ‌جایی از آنها تهی نیست و هر کس تو را شناخته به آنها شناخته است و تفاوتی میان تو و آنها نیست، جز آن که آنان بندگان و مخلوق تو هستند و باز و بست و آغاز و پایانشان با توست. یاران و گواهان، آزمودگان و مدافعان و حافظان و پیش‌گامان اند که آسمان و زمین را با ایشان پر کردی تا آن‌جا که یکتایی و بی‌همتایی ات پدیدار شد.

به وسیلهٔ اینها و نیز به جایگاه‌های عزّت برخاسته از رحمت و به مقامات و نشانه‌هایت، از تو می‌خواهم که بر محمّد و خاندانش درود فرستی و بر ایمان و استواری من بیفزایی. ای نهان در پیدایی اش و پیدا در نهان و پوشیدگی اش! ای جدا کنندهٔ نور و تاریکی! ای وصف شده بی آن که به ژرفایش توان رسید! ای معروف بی آن که مشابهی

ص: ۳۱۱

۱- (۱) سید علی بن طاووس گوید: در سامرا بودم که سحر، دعای قائم علیه السلام را شنیدم و بخشی از آن را که به ذکر مردگان و زندگان می‌پرداخت، حفظ کردم: «و آنان را در روزگار عزّت و فرمان‌روایی و تسلط و دولت ما باقی بدار» - یا فرمود: «و آنان را زنده بدار» - و این در شب چهارشنبه سیزدهم ذی‌قعدة سال ۶۳۸ بود.

۲- (۲) مهج الدعوات: ص ۳۵۲، المصباح، کفعمی: ص ۴۰۷، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۴۵۰ ح ۲. گفتمی است بخش‌های این دعا، به همین شکل پیوسته در ضمن دعای فرج مفصل آمده و در آنچه کفعمی، خواندن آن را پس از نماز حاجت آورده، به روایتی از امام رضا علیه السلام است، بی آن که این دعا به کسی نسبت داده شود.

۳- (۳) ر. ک: ج ۴ ص ۳۸۵ پانوش ۲ ح ۷۲۹.

يَا مَنْ لَا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ، وَلَا يُؤَيِّنُ بِأَيْنٍ، يَا مُحْتَجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ، يَا دِيمُومُ يَا قَيُومُ، وَعَالِمٌ كُلِّ مَعْلُومٍ، صَلِّ عَلَى عِبَادِكَ الْمُتَنَجِّبِينَ، وَبَشَرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَبُهُمُ الصِّدَاقِينَ الْحَافِينَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْمُرَجَّبِ الْمُكَرَّمِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنْ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ، وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ النَّعْمَ، وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، وَأَبْرِرْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ، الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ فَأَضَاءَ، وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ، وَاعْفِرْ لَنَا مَا تَعَلَّمْنَا وَلَا نَعْلَمُ، وَاعصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصْمِ، وَاكْفِنَا كَوَافِي قَدْرِكَ، وَآمِنْنَا عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ، وَلَا تَكِلْنَا إِلَى غَيْرِكَ، وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي مَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَأَصْلِحْ لَنَا خَبِيئَةَ أَسْرَارِنَا، وَأَعْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ، وَبَلِّغْنَا شَهْرَ الصِّيَامِ وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ وَالْأَعْوَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

٩/٨: دُعَاءُ التَّوَسُّلِ بِالْمَوْلُودِينَ فِي رَجَبٍ

١١٠٣. مصباح المتهجد: قَالَ ابْنُ عِيَّاشٍ: خَرَجَ إِلَى أَهْلِ عَلَى يَدِ الشَّيْخِ أَبِي الْقَاسِمِ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي مُقَامِهِ عِنْدَهُمْ هَذَا الدُّعَاءُ فِي أَيَّامِ رَجَبٍ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودِينَ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي (١) وَابْنَتِهِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ (٢)، وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرْبِ، يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طُلِبَ، وَفِي مَا

ص: ٣١٢

- 
- ١- (١) ورد في المصادر التالية أن ولادة الإمام الجواد عليه السلام في شهر رجب: مصباح المتهجد: ص ٨٠٥، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٣٧٩، كشف الغمّة: ج ٣ ص ١٣٩، إعلام الوري: ج ٢ ص ٩١، الإقبال: ج ٣ ص ٢٢٧.
- ٢- (٢) كما ورد في المصادر التالية أن ولادة الإمام الهادي عليه السلام كانت أيضاً في شهر رجب: الكافي: ج ١ ص ٤٩٨، مصباح المتهجد: ص ٨٠٥ و ٨١٩، إعلام الوري: ج ٢ ص ١٠٩، المناقب لابن شهر آشوب: ج ٤ ص ٤٠١، كشف الغمّة: ج ٣ ص ١٦٤.

داشته باشد! مرز گذارنده هر محدود و گواه هر مشهود، و پدیدآورنده هر موجود و به شمار آورنده هر معدود و سراغدار هر مفقود! هیچ معبودی جز تو نیست. ای که شایسته کبریایی و جودی!

ای که نه به چگونگی توصیف می شود و نه جایی برایش معین می شود! ای نهان از هر دیده! ای پاینده برپا دارنده! ای دانا به هر دانسته! بر بندگان برگزیده ات و انسان های در حجاب گذاشته ات و فرشتگان مقرب و ناشناختگان صف کشیده حلقه زننده [بر گرد عرشت] درود فرست. این ماه رجب گرامی و دیگر ماه های حرام پس از آن (ذی قعدة، ذی حجه و محرم) را برای ما مبارک گردان و نعمت هایت را در آن بر ما به فراوانی فرو بریز و بهره ما را بیشتر کن و سوگند ما را در آن، رد مکن [و درخواست ما را بپذیر]، به نام بزرگ سترگت، جلیل ترین و کریم ترین نامت؛ همان که بر روز نهادی و روشن شد و بر شب نهادی و تاریک شد. آنچه را تو از ما می دانی و ما نمی دانیم، بیامرز و ما را از گناهان به بهترین حفظ، محفوظ بدار و ما را [با] تقدیرهای کفایت کننده ات کفایت کن و با حسن نظرت، بر ما منت بده و ما را به غیر خودت وا مگذار و از خیرت باز مدار و در عمری که برایمان نوشته ای، برکت ده و رازهای نهفته مان را سامان ده و از جانب خودت امانمان بده و ما را با ایمانی نیکو به کار گیر و ما را به ماه روزه و روزها و سال های پس از آن نیز برسان. ای صاحب شکوه و کرامت! (۱).

### ۹/۸: دعای توسل به دو مولود رجب

۱۱۰۳. مصباح المتهجد - به نقل از ابن عیاش -: در مدتی که شیخ ابو القاسم [روح نوبختی، نائب سوم امام زمان] نزد خانواده ام بود، دعایی برای ایشان به دست او [از سوی ناحیه مقدسه] آمد که در روزهای رجب خوانده می شود: «خدایا! به [حق] دو مولود در رجب: محمد بن علی دوم (امام جواد علیه السلام) و فرزندش علی بن محمد برگزیده (امام هادی علیه السلام) (۲) از تو درخواست می کنم و بهترین تقرب را با آن دو به تو می جویم.

ص: ۳۱۳

---

۱- (۱) مصباح المتهجد: ص ۸۰۳ ح ۸۶۶، الإقبال: ج ۳ ص ۲۱۴، المصباح، کفعمی: ص ۷۰۱، البلد الأمين: ص ۱۷۹، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۳۹۲.

۲- (۲) در برخی نقل ها ولادت امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام را در ماه رجب گفته اند.



لَدَيْهِ رُغْبٌ، أَسَأَ لُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أُوْبِقَتْهُ ذُنُوبُهُ، وَأَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ، فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ، وَمِنَ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ، يَسَأُ لُكَ التَّوْبَةَ، وَحُسْنَ الْأُوبَةِ (١) وَالتُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ، وَمِنَ النَّارِ فِكَاكَ رَقَبَتِهِ، وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ (٢)، فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ.

اللَّهُمَّ وَأَسَأَ لُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ، وَوَسَائِلِكَ الْمُتْنِفَةِ، أَنْ تَتَّعَمَدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَسَائِعَةٍ، وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ، وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ، إِلَى نُزُولِ الْحَافِرَةِ وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ، وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ.

١٠/٨: دُعَاءُ آخِرُ لِكُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ رَجَبٍ

١١٠٤. الإقبال - فيما رواه من كتاب «معالم الدين» مروياً عن الإمام المهدي عليه السلام - : اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَنَنِ السَّابِعِ، وَالْآلَاءِ (٣) الْوَازِعِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعِ، وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعِ، وَالنِّعَمِ الْجَسِيمِ، وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمِ، وَالْأَيَادِي الْجَمِيلِ، وَالْعَطَايَا الْجَزِيلِ.

يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ بِتَمَثِيلٍ، وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَلَا يُعْلَبُ بِظَهِيرٍ.

يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ، وَاللَّهُمَّ فَأَنْطَقَ، وَابْتَدَعَ فَشَرَعَ، وَعَلَا فَارْتَفَعَ، وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ فَأَتَقَنَ، وَاحْتَجَّجَ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ، وَأَعْطَى فَأَجَزَلَ، وَمَنَحَ فَأَفْضَلَ.

ص: ٣١٤

١- (١) آبَ أَوْبًا: رَجَعَ عَنِ ذَنْبِهِ وَتَابَ (المصباح المنير: ص ٢٨ «أوب»).

٢- (٢) الرَّبْقُ: الْحَبْلُ وَالْحَلْقَةُ تَشَدُّ بِهَا الْغَنَمُ الصَّيْغَارُ لِنَلَا تَرْضَعُ، وَشَبَّهُ مَا قَلَدَتْهُ أَعْنَاقُهَا مِنَ الْأَوْزَارِ (لسان العرب: ج ١٠ ص ١١٢ «ربق»).

٣- (٣) آلاءَ الله: أي نعمه. وقيل: الآلاء: هي النعم الظاهره، والنعماء: هي النعم الباطنه (مجمع البحرين: ج ١ ص ٢٩ «آلاء»).

ای که احسان را از او می جویند و به آنچه نزد اوست، رغبت می ورزند. از تو درخواست می کنم، درخواست گنهکاری که دستاوردش گناه است و گناهانش او را هلاک کرده و عیب هایش او را به بند کشیده و به خطا خو گرفته و مصیبت های سهمگین دیده و حال از تو می خواهد که توبه کند و به نیکی باز گردد و دل از معصیت بر کند و گردنش را از آتش برهانی و از آنچه گریبانگیرش شده درگذری؛ که تو - ای مولای من - بزرگ ترین امید و تکیه گاه او هستی.

خدایا! به خواست های گران بهای از تو و وسیله های والایت از تو می خواهم که مرا در این ماه با رحمت گسترده ات و نعمت های باز دارنده ات [از حرام ها و زیان ها] و جانی قناعت کننده به روزی اش، در برگیری تا آن گاه که گام به برزخ و جایگاه اخروی و آنچه رهسپار آن می شویم، بگذاریم» (۱).

### ۱۰/۸: دعایی دیگر برای هر روز از ماه رجب

۱۱۰۴. الإقبال - به نقل از کتاب معالم الدین - (۲) امام مهدی علیه السلام فرمود: «خدایا! ای دارای احسان های فراوان و نعمت های گوناگون و رحمت گسترده و نیروی فراگیر و نعمت های سترگ و موهبت های بزرگ و بخشش های نیکو و عطایای فراوان!

ای که او را نمی توان با تمثیل وصف کرد و شبیهی برایش یافت و مغلوب کسی نمی شود! ای که آفرید و روزی داد، الهام کرد و به سخن درآورد، نو آفرید و آغازید، بالا-رفت و اوج گرفت، تقدیر کرد و نیکو کرد، صورت داد و استوار ساخت، حجت آورد و رساند، نعمت بخشید و فراوان کرد، عطا داد و بسیار داد،

ص: ۳۱۵

---

۱- (۱) مصباح المتهجد: ص ۸۰۴ ح ۸۶۷، الإقبال: ج ۳ ص ۲۱۵، المصباح، کفعمی: ص ۷۰۳، البلد الأمين: ص ۱۸۰، بحار الأنوار: ج ۹۸ ص ۳۹۳.

۲- (۲) نام صاحب معالم الدین را مختلف گفته اند: أبو طاهر محمّد بن حسن حسین نرسی (برسی) (ر. ک: الملهوف: ص ۱۷۶ و پاورقی الملهوف: ص ۱۵۹، و الذریعه: ج ۲۱ ص ۱۹۸ ش ۴۵۹۶. در الإقبال: ج ۳ ص ۲۱۱ «ابو الحسن علی بن محمّد برسی» آمده که احتمالاً تصحیف است.

يا مَنْ سَمَّا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ خَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ، وَدَنَا فِي اللَّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ (١) الْأَفْكَارِ، يَا مَنْ تَوَخَّذَ بِالْمُلْكِ، فَلَا نَدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ، وَتَفَرَّدَ بِالْكَبْرِيَاءِ وَالْآلَاءِ، فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ، يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ الْأَوْهَامِ، وَانْحَسِرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنْامِ، يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظَمَتِهِ، وَوَجَلَتِ الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ. أَسَأَ لِعَمَلِكَ بِهَذِهِ الْمَدْحِ الَّتِي لَا تَتَّبَعِي إِلَّا لَكَ، وَبِمَا وَأَيْتَ (٢) بِهِ عَلَى نَفْسِكَ لِإِدَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَا ضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ فِيهِ عَلَى نَفْسِكَ لِلدَّاعِينَ، يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَيَا أَبْصَرَ الْمُبْصِرِينَ، وَيَا أَنْظَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ! صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، وَأَنْ تَقْسِمَ لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسِمْتَ، وَأَنْ تَحْتَمَ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ مَا حَتَمْتَ، وَتَحْتَمَ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيْمَنْ خَتَمْتَ، وَأَحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي مَوْفُوراً، وَأَمْتِنِي مَسِيرُوراً وَمَغْفُوراً، وَتَوَلَّ أَنْتَ نَجَاتِي مِنْ مَسْأَلَةِ الْبِرْزَخِ، وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَنَكِيرًا، وَأَرِ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَبَشِيرًا، وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ مَصِيرًا، وَعَيْشًا قَرِيرًا، وَمُلْكًا كَبِيرًا، وَصَلِّ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (٣).

ص: ٣١٤

١- (١) الْهَجَسُ: أَي مَا يَخْطُرُ فِي الضَّمَائِرِ وَيَدُورُ فِيهَا مِنَ الْأَحَادِيثِ وَالْأَفْكَارِ (النِّهَايَةُ: ج ٥ ص ٢٤٧ «هَجَسُ»).

٢- (٢) وَأَيْتَ عَلَى نَفْسِي: أَي جَعَلْتَهُ وَعَدًّا عَلَى نَفْسِي (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج ٣ ص ١٨٩٩ «وَأَيْ»).

٣- (٣) وَقَدْ نَسَبَ هَذَا الدَّعَاءَ إِلَى الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ الْمَصَادِرِ، مِثْلَ: الْمَزَارِ الْكَبِيرِ، الْمَزَارِ لِلشَّهِيدِ الْأَوَّلِ، وَإِنْ لَمْ يَصْرَحُوا بِذَلِكَ تَصْرِيحًا وَاضِحًا. وَفِي بَعْضِ الْمَصَادِرِ الْأُخْرَى - كَمَصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ وَمَصْبَاحِ الزَّائِرِ وَالْمَصْبَاحِ لِلْكَفْعَمِيِّ وَالْبَلَدِ الْأَمِينِ - أوردوا هَذَا الدَّعَاءَ فِي الْأَدْعِيَةِ الَّتِي يَسْتَحَبُّ قِرَاءَتَهَا، مِمَّا يَظْهَرُ مِنْهُ أَنَّهُ مِنَ الْمَأْثُورِ، لِأَنَّهُمْ لَمْ يَنْسُبُوهُ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُعْصُومِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

ای که چنان در عزّت بالا رفتی که خیال دیده ها نیز به آن نرسد و چنان لطیف گشتی که از خاطر اندیشه ها نیز گذشتی! ای که در فرمان روایی، یکتا، در سیطره سلطنتش بی همتا، در کبریایی و نعمت بخشی، یگانه و در بزرگی منزلت، بی نمونه هستی! ای که نازک خیالی های اندیشه ها در بزرگی هیبتش سرگردان شده و برق نگاه مردمان از درک عظمتش باز مانده است! ای که چهره ها از هیبتش درهم کشیده می شوند و گردن ها در برابر عظمتش خم می شوند و دل ها از بیمش لرزان می گردند.

خدایا! به حقّ این ستایشی که برای جز تو روا نیست و نیز به خاطر وعده ای که به مؤمنان ندادکننده ات داده ای و استجابت دعایشان را ضمانت کرده ای، ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین بینندگان و ای دقیق ترین نگاه کنندگان و ای سریع ترین حسابرسان و ای بهترین داوران و ای رحیم ترین رحیمان! از تو می خواهم که بر محمّد، خاتم پیامبران و اهل بیت پاک برگزیده اش درود فرستی، و بهترین قسمت را در این ماه برای من قرار دهی و بهترین قضایت را برای من حتمی کنی و میان کسانی که کارشان را خاتمه می دهی، خاتمه کار مرا خوش بختی قرار دهی و تا زنده ام، با فراوانی زندگی کنم و مرا شاد و آمرزیده بمیران و رهایی ام از سؤال برزخ را عهده دار شو و منکر و نکیر را از من بران و مبشّر و بشیر را به دیده ام بنمایان و حرکت مرا به سوی رضوان و بهشت و عیشی جاویدان و ملکی بزرگ قرار بده. خداوند بر محمّد و خاندان او صبح و شام درود فرستد، ای رحیم ترین رحیمان! (۱)، (۲)

ص: ۳۱۷

- 
- ۱- (۱) الإقبال: ج ۳ ص ۲۱۱-۲۱۲، المزار الکبیر: ص ۱۴۴، المزار، شهید الأوّل: ص ۲۶۴، مصباح الزائر: ص ۱۰۹، مصباح المتّهجد: ص ۸۰۲ ح ۸۶۵، المصباح، کفعمی: ص ۶۹۹، البلد الأمين: ص ۱۷۸، بحار الأنوار: ج ۱۰۰ ص ۴۴۶ ح ۲۳.
- ۲- (۲) این دعا در برخی مصادر مانند المزار الکبیر و المزار شهید اوّل به امام علیه السلام نسبت داده شده است، هر چند به آن تصریح نشده است. در منابع دیگر، مانند: مصباح المتّهجد، مصباح الزائر و المصباح، کفعمی و البلد الأمين، این دعا را در ضمن دعاهایی آورده اند که خواندنش مستحب است، و از آن به دست می آید که مأثور است، جز این که آن را به معصومان علیهم السلام نسبت نداده اند.

١١٠٥. مصباح المتهجد: زياره رواها ابن عياش. قال ابن عياش (١): حَدَّثَنِي خَيْرٌ (٢) بِنُ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ مَوْلَاهُ - يَعْنِي أَبَا الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِ بْنِ رُوحِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - قَالَ: زُرْتُ أَيَّ الْمَشَاهِدِ كُنْتُ بِحَضْرَتِهَا فِي رَجَبٍ، تَقُولُ إِذَا دَخَلْتَ:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ، وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ، وَصَيَّرَ لِي اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ، وَعَلَى أُوصِيَاءِهِ الْحُجْبِ، اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدْنَا مَشْهَدَهُمْ، فَأَنْجِزْ لَنَا مَوْعِدَهُمْ، وَأُورِدْنَا مَوْرِدَهُمْ، غَيْرَ مُحَلِّثِينَ (٣) عَنْ وَرْدِ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ.

إِنِّي قَصَيْدَتُكُمْ وَاعْتَمَدْتُكُمْ بِمَسْأَلَتِي وَحَاجَتِي، وَهِيَ فَكَاكُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ، مَعَ شِيَعَتِكُمُ الْأَبْرَارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعَمَ عَقْبِي الدَّارِ، أَنَا سَائِلُكُمْ وَأَمْلِكُكُمْ، فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّفْوِيضُ وَعَلَيْكُمْ التَّعْوِيضُ، فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهِيضُ (٤) ، وَيُشْفَى الْمَرِيضُ، وَمَا تَزَادُ الْأَرْحَامُ (٥) وَمَا تَغِيضُ (٦).

إِنِّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ، وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ، وَعَلَى اللَّهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي

ص: ٣١٨

١- (١) في المزار الكبير: الشيخ أبو بكر بن عياش.

٢- (٢) في نسخه آخر: حسين.

٣- (٣) حَلَّاتُ الْإِبِلِ عَنِ الْمَاءِ: إِذَا طَرَدْتَهَا عَنْهُ وَمَنَعْتَهَا أَنْ تَرُدَّهُ (الصحاح: ج ١ ص ٤٥ «حلا»).

٤- (٤) هَاضَ الْعَظْمُ: أَي كَسَرَهُ فَهُوَ مَهْيِضٌ (الصحاح: ج ٣ ص ١١١٣ «هيض»).

٥- (٥) قَالَ الْعَلَّامَةُ الْمَجْلِسِيُّ قَدَسَ سِرُّهُ: وَفِي بَعْضِ النُّسخِ: «وَعِنْدَكُمْ مَا تَزَادُ الْأَرْحَامُ» وَهُوَ أَظْهَرَ. ثُمَّ الْمُرَادُ بِهِ إِذَا زَادَ مَدَّةَ الْحَمْلِ، أَوْ عَدَدَ الْأَوْلَادِ، أَوْ دَمَ الْحَيْضِ (بحار الأنوار: ج ١٠٢ ص ١٩٦).

٦- (٦) غَاضَ الشَّيْءُ: نَقَصَ. وَغِضْتُهُ: نَقَصْتُهُ، يُسْتَعْمَلُ لِأَزْمًا وَمَتَعَدِيًّا (المصباح المنير: ص ٤٥٩ «غاض»).

۱۱۰۵. مصباح‌المتهجد: زیارتی که ابن عیاش آن را از خیر (یا حسین) بن عبد‌الله از مولایش، ابو‌القاسم حسین بن روح - که خدا از او راضی باشد - روایت کرده و گفته است: در ماه رجب در هر یک از مشاهد که بودی، این گونه زیارت کن: هنگامی که داخل شدی می‌گویی: «خدا را سپاس که ما را در یکی از مشاهد اولیایش در ماه رجب حاضر کرد و از حق واجبشان آنچه را که لازم است، بر ما واجب کرد و خداوند بر محمد برگزیده و اوصیای پرده دارش درود فرستد. خدایا! همان گونه که ما را در مشاهدشان حاضر نمودی، وعده شان را نیز برایمان به انجام رسان و ما را به همان جا در آور که ایشان را وارد می‌کنی بی آن که جلوی ورود ما را به سرای ماندگاری و جاوید بگیرند، و سلام بر شما باد!

من آهنگ شما را کردم و در درخواست و حاجتم - که همان آزادی ام از آتش و بودن همراه شما و پیروان نیکتان در سرای ماندگاری است -، بر شما اعتماد کردم. و سلام بر شما به خاطر صبرتان؛ که خانه آخرت بهترین جاست. من در آنچه به شما وا نهاده شده و عهده دار جایگزینی اش هستید، به شما امیدوارم و از شما خواهانم که به وسیله شما، شکسته، ترمیم می‌شود و بیمار، شفا و تعداد فرزندان، افزایش و کاهش می‌یابد.

وَقَضَائِهَا وَإِمَاضِهَا، وَإِنجَاحِهَا وَإِبْرَاحِهَا(١)، وَبِشْؤُنِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِهَا.

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سِيْلَامٌ مُودِّعٌ، وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودِّعٌ، يَسْأَلُ اللّٰهَ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ، وَسَعِيَّهُ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ، وَأَنْ يُرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ، إِلَى جَنَابِ (٢) مُمْرِعٍ (٣) وَخَفْضٍ (٤) مُوسَّعٍ، وَدَعَا وَمَهْلٍ (٥)، إِلَى حِينِ الْأَحْيَالِ، وَخَيْرِ مَصِيرٍ وَمَحَلٍّ، فِي النَّعِيمِ الْأَزَلِ وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ، وَدَوَامِ الْأَكْلِ، وَشُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ (٦)، وَعَلٍّ وَنَهْلٍ (٧)، لَا سَأَمَ مِنْهُ وَلَا مَلَلَ، وَرَحْمَةَ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، حَيْثَى الْعِيُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ، وَالْفَمُوزِ فِي كَرَّتِكُمْ، وَالْحَشْرِ فِي زُمَرَتِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ وَصِيْلَمَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، وَهُوَ حَسْبُنَا وَنَعْمَ الْوَكِيلُ.

١٢/٨: دُعَاءُ الْيَوْمِ السَّابِعِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ

١١٠٦. مصباح المتهجد - فى أعمال يوم السابع والعشرين من رجب - رِوَايَةُ أَبِي الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِ بْنِ رُوحٍ رَحِمَهُ اللّٰهُ عَلَيْهِ، قَالَ: تُصَلِّيَ فِي هَذَا الْيَوْمِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً، تَقْرَأُ

ص: ٣٢٠

١- (١) فى المصدر: «إبراجها»، والتصويب من بحار الأنوار والمصادر الأخرى. وقال العلامة المجلسى: «وإبرامها» فى أكثر النسخ بالباء الموحّده والحاء المهمله، أى إظهارها؛ من بَرَح الأمر، إذا ظهر. ويقال: أبرحه، أى أعجبه وأكرمه وعظّمه (بحار الأنوار: ج ١٠٢ ص ١٩٦).

٢- (٢) الْجَنَابُ: الفناء والناحية (القاموس المحيط: ج ١ ص ٤٩ «جنب»).

٣- (٣) مَرَّعٍ الْوَادِي: أَخْصَبَ بِكَثْرَةِ الْكَلَاءِ. وَأَمْرَعٌ - بِالْأَلْفِ - لُغَةٌ (المصباح المنير: ص ٥٦٩ «مرع»).

٤- (٤) الْخَفْضُ: الدَّعَا وَالسَّكُونُ (النهاية: ج ٢ ص ٥٤ «خفض»).

٥- (٥) الْمَهْلُ وَالْمَهْلُ: السَّكِينَةُ وَالرَّفْقُ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٥٢ «مهل»).

٦- (٦) مَاءٌ سَلْسَلٌ: سَهْلُ الدَّخُولِ فِي الْحَلْقِ؛ لِعَذُوبَتِهِ وَصِفَائِهِ (الصحيح: ج ٥ ص ١٧٣٢ «سلل»).

٧- (٧) الْعَلُّ: الشَّرْبَةُ الثَّانِيَةُ، أَوْ الشَّرْبُ بَعْدَ الشَّرْبِ تَبَاعًا. وَالنَّهْلُ: أَوَّلُ الشَّرْبِ (القاموس المحيط: ج ٤ ص ٢٠ «علّ» و ص ٦١ «نهل»).

من به نهان شما [نیز] ایمان دارم و در برابر گفتارتان تسلیم هستم. شما را به خدا قسم می‌دهم که مرا با حاجت‌هایی روا و امضاشده و با کامیابی و پدیدار شده و به سامان آمدن همه کارهایم بازگردانید.

سلام بر شما؛ سلام فرد خداحافظی‌کننده و حاجت‌ها را به شما سپارنده؛ کسی که از خداوند می‌خواهد دوباره به نزد شما باز گردد و تلاش و آمدنش را به سوی شما قطع نکند و او را به بهترین صورت از حضورتان [به وطنش] بازگرداند، به سوی ناحیه ای آباد، با آرامشی گسترده و بی اضطراب و ناآرامی، تا زمان در رسیدن اجل و به سوی بهترین سرانجام و منزلگاه در نعمت همیشگی و زندگی همیشه نو و تازه و دوام خوردن، و نوشیدن شراب و آب گوارای [بهشتی] به یکباره، با جام‌های پی در پی، بدون ملالت و بی میلی.

و رحمت و برکات و دروهای خدا بر شما تا بازگشت دوباره به حضورتان و درک بازگشت دوباره تان و محشور شدن در جرگه تان، و سلام و رحمت و برکات و دروهای خداوند بر شما؛ که او ما را کافی و بهترین و کیل است» (۱).

#### ۱۲/۸: دعای روز بیست و هفتم رجب

۱۱۰۶. مصباح‌المتهدّج - در اعمال روز بیست و هفتم رجب، مطابق روایت ابو القاسم حسین بن روح - در این روز، دوازده رکعت نماز و در هر رکعت، سوره حمد با هر سوره دیگری که برایت میسر است می‌خوانی و تشهد و سلام می‌دهی و در میان هر دو

ص: ۳۲۱

---

۱- (۱) مصباح‌المتهدّج: ص ۸۲۱ ح ۸۸۵، المزار الکبیر: ص ۲۰۳ ح ۲، الإقبال: ج ۳ ص ۱۸۳، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۱۹۵.



فِي كُلِّ رَكَعَةٍ: فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَمَا تَيْسَّرَ مِنَ السُّورِ، وَتَشْهَدُ وَتُسَلِّمُ وَتَجْلِسُ، وَتَقُولُ بَيْنَ كُلِّ رَكَعَتَيْنِ (١):

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا» ٢، يَا عُدَّتِي فِي مُدَّتِي!  
يَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي! يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي! يَا غِيَاثِي فِي رَغْبَتِي! يَا نَجَاحِي فِي حَاجَتِي! يَا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي! يَا كَالِثِي (٢) فِي  
وَحْدَتِي! يَا انْسِي فِي وَحْشَتِي!

أَنْتَ السَّائِرُ عَوْرَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُنْعِشُ صِرْعَتِي فَلَكَ الْحَمْدُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
مُحَمَّدٍ، وَأَسْتُرَ عَوْرَتِي، وَأَمِنَ رَوْعَتِي، وَأَقْلَنِي (٣) عَثْرَتِي، وَأَصْفَحَ عَن جُرْمِي، وَتَجَاوَزَ عَن سَيِّئَاتِي فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ، وَعَدَّ الصَّدَقِ  
الَّذِي كَانُوا يُوْعَدُونَ. (٤)

فَإِذَا فَرَّغْتَ مِنَ الصَّلَاةِ وَالِدُعَاءِ قَرَأْتَ: الْحَمْدَ، وَالْإِخْلَاصَ، وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ، وَ «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ» (٥)، وَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»، وَآيَةَ  
الْكُرْسِيِّ، سَبْعَ مَرَّاتٍ.

ص: ٣٢٢

١- (١) وَفِي الْإِقْبَالِ: «أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ نُوحٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو أَحْمَدَ الْمُحْسِنُ بْنُ عَبْدِ الْحَكَمِ الشَّجَرِيُّ،  
وَكَتَبْتَهُ مِنْ أَوَّلِ كِتَابِهِ، قَالَ: نَسَخْتُ مِنْ كِتَابِ أَبِي نَصْرٍ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْهَيْثَمِ، وَذَكَرَ أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ جِهَةِ أَبِي  
الْقَاسِمِ الْحَسَنِ بْنِ رُوحِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: إِنَّ الصَّلَاةَ يَوْمَ سَبْعَةِ وَعَشْرِينَ مِنْ رَجَبِ اثْنَتَا عَشْرَةَ رَكَعَةً، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ مَا تَيْسَّرَ مِنْ  
السُّورِ، وَيَجْلِسُ وَيُسَلِّمُ، وَيَقُولُ بَيْنَ كُلِّ رَكَعَتَيْنِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ...».

٢- (٣) فِي الْمَصْدَرِ: «كَافِيٌّ» وَالصَّوَابُ مَا أُثْبِتَنَاهُ كَمَا فِي الْإِقْبَالِ.

٣- (٤) أَقَالَ اللَّهُ فَلَانًا عَثْرَتَهُ: بِمَعْنَى الصَّفْحِ عَنْهُ (لِسَانَ الْعَرَبِ: ج ١١ ص ٥٨٠ «قِيلَ»).

٤- (٥) وَقَالَ فِي الْإِقْبَالِ فِي آخِرِهِ: فَإِذَا فَرَّغْتَ مِنَ الصَّلَاةِ وَالِدُعَاءِ قَرَأْتَ الْحَمْدَ، وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ،  
وَالْمُعَوِّذَتَيْنِ، وَإِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ - سَبْعًا سَبْعًا - ثُمَّ تَقُولُ: اللَّهُمَّ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا - سَبْعَ مَرَّاتٍ -  
ثُمَّ ادْعُ بِمَا أَحْبَبْتَ.

٥- (٦) فِي الْإِقْبَالِ تَأَخَّرَ «الْمُعَوِّذَتَيْنِ» عَلَى «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ».

رکعت می نشینی و می گویی: (۱) «ستایش، ویژه خدایی است که فرزندی نگرفت و همتایی در فرمان روایی ندارد و نه از سر خواری و زبونی سرپرستی دارد، و او را چندان که باید بزرگ بدار».

ای ساز و برگ من در مدت [عمر] من! ای همراه من در سختی ام! ای ولی نعمتم! ای فریادرسم به گاه اشتیاق و روی آوردنم! ای کامیابی حاجتم! ای نگهدار من در غیابم! ای مواظب من در تنهایی! ای مونس من در بی کسی ام!

تو پوشاننده زشتی هایم هستی، پس تو را سپاس و تو در گذرنده از لغزش هایم هستی، پس تو را سپاس و تو دستگیر افتادن های منی، پس تو را سپاس. بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و زشتی ام را بپوشان و هراس را از دلم بیرون کن و از لغزشم در گذر و از جرمم روی بگردان و [مانند و] جزو بهشتیان از بدی هایم در گذر که همین را به ایشان صادقانه وعده داده ای. (۲)

هنگامی که از نماز و دعا فارغ شدی، سوره های «حمد»، «توحید»، «معوذتین (فلق و ناس)»، «کافرون»، «قدر» و نیز «آیه الکرسی» را هفت مرتبه می خوانی و

ص: ۳۲۳

۱- (۱) در الإقبال آمده است: ابو العباس احمد بن علی بن نوح - که رضوان خدا بر او باد - گفت: ابو احمد محسن بن عبد الحکم شجری برایم روایت کرد، و آن را از روی کتابش نوشتم. او گفت: من این را از کتاب ابو نصر جعفر بن محمّد بن حسن بن هیثم استنساخ کردم. و گفت: از روی کتاب ابوالقاسم حسین بن روح - که رضوان خدا بر او باد - صادر شده است که: نماز روز بیست و هفتم رجب دوازده رکعت است، و در هر رکعت، هر سوره ای که مقدر است خوانده شود، و بعد بنشیند و سلام دهد، و در میان دو رکعت بگوید: الحمد لله؛ سپاس تنها از آن خداست....

۲- (۲) الإقبال در پایان گفته است: وقتی از نماز و دعا فارغ شدی، و هر یک از سوره های: «حمد»، «قل هو الله أحد»، «قل یا ایها الکافرون»، «قل أعوذ برب الفلق»، «قل أعوذ برب الناس»، «إنا أنزلناه فی ليله القدر» و «آیه الکرسی» را هفت بار خواندی، می گویی: «اللهم الله ربی لا اشرک به شیئاً! خداوندا! خدا خدا، پروردگار من است، و من هیچ چیزی را شریک او قرار نمی دهم». این را هفت بار بگو و بعد هر چه دوست داری دعا کن.

ثُمَّ تَقُولُ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ. (١)

ثُمَّ تَقُولُ سَبْعَ مَرَّاتٍ: «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا». وَتَدْعُو بِمَا أَحْبَبْتِ.

ص: ٣٢٤

---

١- (١) ليس في الإقبال «ثم تقول... مرات».

سپس هفت مرتبه می گویی: «خدایی جز خداوند نیست و خداوند، بزرگ تر است و خدا را تسبیح می کنم و هیچ نیرو و توانی جز به خداوند نیست».(۱) و سپس هفت مرتبه می گویی: «خداوند، خداوند صاحب اختیار من است و چیزی را همتای او نمی گیرم» و هر دعایی دوست داشتی بکن.(۲)

ص: ۳۲۵

---

۱- (۱) در نقل الإقبال، این عبارت را ندارد و در ترتیب سوره ها، نیز سوره «کافرون» را پیش از «معوذتین» گفته است.

۲- (۲) مصباح المتهجد: ص ۸۱۶ ح ۸۷۸، المزار الکبیر: ص ۱۹۹، الإقبال: ج ۳ ص ۲۷۳.

١١٠٧. فتح الأبواب: دُعاءُ مولانا المهديِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ فِي الإستِخاراتِ، وَهُوَ آخِرُ مَا خَرَجَ مِنْ مُقَدَّسِ حَضْرَتِهِ أَيَّامَ الوِكالاتِ:

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ - فِي كِتَابِ جَامِعِ لَهُ -، مَا هَذَا لَفْظُهُ: اسْتِخَارَةُ الْأَسْمَاءِ الَّتِي عَلَيْهَا الْعَمَلُ، وَيَدْعُو بِهَا فِي صَلَاةِ الْحَاجَةِ وَغَيْرِهَا، ذَكَرَ أَبُو دُلْفٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْمُظَفَّرِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَنَّهَا آخِرُ مَا خَرَجَ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَقُلْتَ لَهُمَا: «إِنِّي طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» ١، وَبِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى عَصَا مُوسَى «فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ» (١)، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ إِلَيْكَ حَتَّى «قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ \* رَبِّ

ص: ٣٢٤

---

١- (٢) الأعراف: ١١٧ والشعراء: ٤٥. والإفك: صِيْرُفٌ مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ، فَاسْتَعْمَلَ ذَلِكَ فِي الْكُذْبِ (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٧٩ «أفك»).

۱۱۰۷. فتح الأبواب: دعای مولایمان امام مهدی - که درودهای خدا بر او و بر پدران پاکش باد - به هنگام استخاره، و این آخرین چیزی است که از آستان مقدّسش در روزگار حضور و کیلان بیرون آمده است:

محمّد بن علی بن محمّد در کتاب جامعش این متن را روایت کرده است: لازم است بر اساس استخاره اسم ها عمل شود و آن را در نماز حاجت و غیر آن، می خوانند، و ابو دلف محمّد بن مظفّر - که رحمت خدا بر او باد - گفته: آن آخرین چیزی است که از ناحیه مقدّسه بیرون آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. خدایا! از تو می خواهم به آن سمت که با آن، آسمان ها و زمین را قصد کردی و به آن دو فرمودی: «به رغبت یا با اکراه بیایید و آن دو گفتند:

فرمان بردارانه و با رغبت می آییم» و به آن سمت که آهنگ عصای موسی کردی و «ناگهان آن همه آنچه را بر ساخته بودند، می بلعید» و از تو درخواست می کنم به آن سمت که دل های ساحران را به سوی خود چرخاندی تا آن جا که «گفتند: به خدای جهانیان ایمان

مُوسَى وَ هَارُونَ» ١ ، أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ وَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُبْلِي بِهَا كُلَّ جَدِيدٍ، وَتُجَدِّدُ بِهَا كُلَّ بَالٍ؛ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ، وَبِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ عَلَيْكَ، إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا، وَتُهَيِّئْهُ لِي، وَتُسَهِّلْهُ عَلَيَّ، وَتَلَطَّفْ لِي فِيهِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

وَإِنْ كَانَ شَرًّا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا، وَأَنْ تَصْرِفَهُ عَنِّي بِمَا شِئْتَ، وَكَيْفَ شِئْتَ، وَحَيْثُ شِئْتَ، وَتُرِضَ بَيْنِي بِقَضَائِكَ، وَتُبَارِكَ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ شَيْءٍ آخِرْتَهُ، وَلَا تَأْخِيرَ شَيْءٍ عَجَلْتَهُ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا ذَ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

٢/٩: الإِسْتِخَارَةُ بِالسُّبْحَةِ

١١٠٨. مِنْهَاجِ الصَّلَاحِ: نَوْعٌ آخَرٌ مِنَ الإِسْتِخَارَةِ، رَوَيْتُهُ عَنِ الْوَالِدِ الْفَقِيهِ سَدِيدِ الدِّينِ يَوْسُفَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْمُطَهَّرِ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى، عَنِ السَّيِّدِ رَضِيِّ الدِّينِ مُحَمَّدِ الْآوِيِّ، عَنِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهُوَ أَنْ يَقْرَأَ «فَاتِحَةَ الْكِتَابِ» عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَأَقْلَّ مِنْهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، وَالْأَدْوَنُ مِنْهُ مَرَّةً، ثُمَّ يَقْرَأُ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» عَشْرَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ يَقْرَأُ هَذَا الدُّعَاءَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ، وَأَسْتَشِيرُكَ لِحَسَنِ ظَنِّي بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَالْمَحْذُورِ لَهُ، اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الْفُلَانِي مِمَّا قَدْ نِيَطَتْ بِالْبَرَكَةِ أَعْجَازُهُ

ص: ٣٢٨

آوردیم؛ خدای موسی و هارون»، تو خدای جهانیانی و من از تو درخواست می‌کنم با قدرتی که هر نوری را کهنه و هر کهنه ای را نو می‌کنی، و از تو درخواست می‌کنم به حقّ هر حقّی که برای توست و به هر حقّی که آن را بر خودت قرار داده‌ای، اگر این کار، خیر دین و دنیا و آخرتم را در بر دارد، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و سلامی درخور به آنان بده و زمینه این کار را برایم فراهم و آسان سازی و نرم و هموارش کنی. به رحمت، ای رحیم ترین رحیمان!

و اگر به زیان دین و دنیا و آخرتم است، بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و سلامی درخور به آنها بده و آن کار را با هر چه خواهی و به هر گونه که خواهی و هر زمان که خواهی، از من دور کن و مرا به قضایت راضی و در تقدیرت برایم برکت قرار ده تا آن که پیش افتادن چیزی را که تو عقب می‌اندازی و عقب افتادن چیزی را که تو پیش می‌اندازی، دوست نداشته باشم؛ که هیچ نیرو و توانی جز به تو نیست، ای والا! ای بزرگ! ای صاحب جلال و اکرام! (۱).

### ۲/۹: استخاره با تسبیح

۱۱۰۸. منهاج الصلاح: گونه دیگر استخاره را از پدر فقیه خود، سدید الدین یوسف بن علی بن مطهر - که خدا رحمتش کند - از سید رضی الدین محمّد آوه ای از صاحب الزمان علیه السلام نقل می‌کنم؛ و آن به این گونه است که سوره حمد را ده مرتبه و یا دست کم، سه مرتبه و کمتر از آن، یک مرتبه بخواند و سپس سوره قدر را ده مرتبه بخواند و آن گاه این دعا را سه مرتبه بخواند:

«خدایا! از تو خیر می‌خواهم به خاطر علمت به فرجام کارها و از تو مشورت می‌گیرم به خاطر گمان نیکویم به تو در بیم و امید. خدایا! اگر فلان کار در آغاز و

ص: ۳۲۹

---

۱- (۱) فتح الأبواب: ص ۲۰۵، المصباح، کفعمی: ص ۵۲۱، البلد الأمين: ص ۱۶۳، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۲۷۵ ح ۲۵.



وَبَوَادِيهِ، وَحُفَّتْ بِالْكَرَامَةِ أَيَّامُهُ وَلِيَالِيهِ، فَخَرَّ لِي فِيهِ خَيْرَةٌ تَرُدُّ شَمْسِيَهُ (١) ذُلُولًا، وَتَقَعُصُ (٢) أَيَّامُهُ سُورًا، اللَّهُمَّ إِمَّا أَمْرٌ فَأَتْتَمِرَ، أَوْ نَهْيٌ فَأَتْتَهِيَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرَةً فِي عَافِيهِ.

ثُمَّ يَقْبِضُ عَلَى قِطْعَةٍ مِنَ الشُّبْحِ، وَيُضْمِرُ حَاجَتَهُ وَيُخْرِجُ، إِنْ كَانَ عِيدًا تِلْكَ الْقِطْعَةَ زَوْجًا، فَهَوَ (افْعَلْ)، وَإِنْ كَانَ فَرْدًا (لَا تَفْعَلْ) أَوْ بِالْعَكْسِ. (٣)

١١٠٩. بحار الأنوار: أقول سَمِعْتُ وَالِدِي (ره) يَرَوِي عَنْ شَيْخِهِ الْبَهَائِيِّ نَوَّرَ اللَّهُ ضَرِيحَهُ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَمِعْنَا مُدَاكِرَةً عَنْ مَشَايخِنَا عَنْ الْقَائِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الْإِسْتِخَارَةِ بِالشُّبْحِ أَنَّهُ يَأْخُذُهَا وَيُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ يَقْبِضُ عَلَى الشُّبْحِ وَيَعُدُّ اثْنَتَيْنِ اثْنَتَيْنِ فَإِنْ بَقِيَ وَاحِدَةٌ فَهَوَ افْعَلْ وَإِنْ بَقِيَ اثْنَتَانِ فَهَوَ لَا تَفْعَلْ. (٤)

٣/٩: الْإِسْتِخَارَةُ الْمِصْرِيَّةُ

١١١٠. فتح الأبواب: رَأَيْتُ بِخَطِّي عَلَى الْمِصْبَاحِ - وَمَا أَذْكَرُ الْآمَنَ مَنِ رَوَاهُ لِي وَلَا- مِنْ أَيْنَ نَقَلْتُهُ - مَا هَذَا لَفْظُهُ: الْإِسْتِخَارَةُ الْمِصْرِيَّةُ عَنْ مَوْلَانَا الْحُجَّجِ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

ص: ٣٣٠

١- (١) الشَّمْسُ: وَهُوَ النَّفُورُ مِنَ الدَّوَابِّ الَّتِي لَا يَسْتَقِرُّ لِشُغْبِهِ وَحَدَّثَهُ (النهاية: ج ٢ ص ٥٠١ «شمس»).

٢- (٢) فِي الْمَصْدَرِ: «تَقَعُصُ»، وَمَا أَثْبَتَاهُ مِنَ الْمَصَادِرِ الْآخَرَى، وَهُوَ الْمُنَاسِبُ. قَعَضْتُ الْعُودَ: عَطَفْتُهُ كَمَا تُعْطَفُ عُرُوشُ الْكُرْمِ (الصحيح: ج ٣ ص ١١٠٣ «قعض»).

٣- (٣) وَفِي الذِّكْرِ: «مِنْهَا الْإِسْتِخَارَةُ بِالْعَدَدِ، وَلَمْ تَكُنْ هَذِهِ مَشْهُورَةً فِي الْعُصُورِ الْمَاضِيَةِ قَبْلَ زَمَانِ السَّيِّدِ الْكَبِيرِ الْعَابِدِ رَضِيَ الدِّينُ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْوَيْحَانِيِّ - الْمَجَاوِرِ بِالْمَشْهَدِ الْمُقَدَّسِ - الْغُرُوبِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَقَدْ رَوَيْنَاهَا عَنْهُ وَجَمِيعَ مَرْوِيَّاتِهِ، عَنْ عَدَّةٍ مِنْ مَشَايخِنَا، عَنِ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ الْفَاضِلِ جَمَالِ الدِّينِ بْنِ الْمُطَهَّرِ، عَنِ الْوَالِدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ السَّيِّدِ رَضِيَ الدِّينُ، عَنِ صَاحِبِ الْأَمْرِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ.

٤- (٤) بحار الأنوار: ج ٩١ ص ٢٥٠ ح ٤.

انجام به برکت گره خورده و شب‌ها و روزهایش در کرامت پیچیده شده است، برای من آن را به گونه‌ای برگزین که رام شود و به اختیارم درآید و ایامش به کامم آید. خدایا! یا فرمانم بده تا فرمان پذیرم یا باز دار تا باز ایستم. خدایا! گزینۀ با خیر و عافیت را از تو به رحمت می‌خواهم».

سپس دسته‌ای از دانه‌های تسبیح را بگیرد و حاجتش را از دل بگذراند و دانه‌های تسبیح را بشمارد، اگر عدد آنها زوج بود، به معنای «انجام بده» و اگر فرد بود، به معنای «انجام نده» است، یا عکس این حالت را فرض کند (۱). (۲).

۱۱۰۹. بحار الأنوار: از پدرم شنیدم که از استادش، شیخ بهایی - که خدا ضریحش را منور کند - نقل می‌کرد که او از استادانش شنیده که قائم علیه السلام در باره استخاره با تسبیح فرموده است: «آن را می‌گیرد و بر پیامبر و خاندانش - که درودهای خدا بر او و ایشان باد - سه بار صلوات می‌فرستد و [بخشی از] تسبیح را در دست می‌گیرد و دانه‌ها را دوتا دوتا می‌شمرد. اگر در پایان، یکی ماند، یعنی انجام بده و اگر دوتا ماند، یعنی انجام نده».

### ۳/۹: استخاره مصری

#### اشاره

۱۱۱۰. فتح الأبواب: حاشیه‌ای بر کتاب مصباح [المتهجد، اثر شیخ طوسی] به خط خودم دیدم که اکنون به یاد ندارم چه کسی آن را برایم روایت کرده و یا از کجا نقل کرده‌ام؛ ولی متنش این است: استخاره مصری از مولایمان حجت صاحب الزمان: «در دو برگه جدا می‌نویسی:

"گزیده خدا و پیامبرش برای فلان کس فرزند فلان زن"، و در یکی از آنها می‌نویسی:

"انجام بده" و در دیگری می‌نویسی: "انجام نده" و آن دو را در دو گلوله گلی می‌گذاری و در

ص: ۳۳۱

۱- (۱) در الذکری آمده است: از جمله استخاره با عدد است که در قرن‌های گذشته پیش از زمان سید بزرگوار، رضی‌الدین محمد بن محمد آوی حسینی بست نشین مشهد مقدس - که رضوان خدا بر او باد - رواج نداشت، و ما آن و همه روایاتش را از او، از جمعی از مشایخمان، از شیخ بزرگوار فاضل جمال‌الدین بن مطهر، از پدرش - که رضوان خدا بر او باد - از سید رضی‌الدین، از صاحب امر - علیه الصلاة والسلام -، روایت می‌کنیم.

۲- (۲) منهاج الصلاح: ص ۲۳۰، الذکری: ص ۲۵۳، المصباح، کفعمی: ص ۵۱۵، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۲۴۸ ح ۲.

تَكْتُبُ فِي رُقْعَتَيْنِ: «خَيْرُهُ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةٍ» وَتَكْتُبُ فِي إِحْدَاهُمَا:

(افْعَل) وَفِي الْأُخْرَى: (لَا تَفْعَل) وَتَتْرُكُ فِي بُنْدُقَتَيْنِ مِنْ طِينٍ وَتَرْمِي فِي قَدَحٍ فِيهِ مَاءٌ، ثُمَّ تَتَطَهَّرُ وَتُصَلِّي، وَتَدْعُو عَقِيْبَهُمَا:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ خِيَارَ مَنْ قَوَّضَ إِلَيْكَ أَمْرَهُ، وَأَسْلَمَ إِلَيْكَ نَفْسَهُ، وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِي أَمْرِهِ، وَاسْتَسَلَّمَ بِكَ فِيمَا نَزَلَ بِهِ مِنْ أَمْرِهِ، اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَلَا تَخِرْ عَلَيَّ، وَأَعِنِّي وَلَا تُعِنْ عَلَيَّ، وَمَكِّنِّي وَلَا تُمَكِّنْ مِنِّي، وَاهْدِنِي لِلْخَيْرِ وَلَا تُضِلَّنِي، وَأَرْضِنِي بِقَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتُعْطِي مَا تُرِيدُ.

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتِ الْخَيْرَةُ لِي فِي أَمْرِي هَذَا وَهُوَ كَذَا وَكَذَا، فَمَكِّنِّي مِنْهُ، وَأَقْدِرْ لِي عَلَيْهِ، وَأْمُرْنِي بِفَعْلِهِ، وَأَوْضِحْ لِي طَرِيقَ الْهِدَايَةِ إِلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ اللَّهُمَّ غَيْرَ ذَلِكَ، فَاصْرِفْهُ عَنِّي إِلَى الَّذِي هُوَ خَيْرٌ لِي مِنْهُ، فَهَاتِكْ تَقْدِيرُ وَلَا- أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلَا- أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ثُمَّ تَسْجُدُ وَتَقُولُ فِيهَا: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ خَيْرَهُ فِي عَافِيِهِ» مِنْهُ مَرَّةً، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ وَتَتَوَقَّعُ الْبِنَادِقَ، فَإِذَا خَرَجَتِ الرُّقْعَةُ مِنَ الْمَاءِ فَاعْمَلْ بِمُقْتَضَاهَا، إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

ظرف آبی می اندازی. سپس وضو می گیری و نماز می خوانی و این دعا را پس از نماز می خوانی:

"خدایا! من از تو خیر می خواهم، خواستن کسی که امرش را به تو واگذار کرده و خودش را به تو سپرده و در کارش به تو توکل کرده و در کاری که برایش پیش آمده، در برابر تو تسلیم گشته است. خدایا! به سود من و نه زیان من برگزین، و به نفع من و نه علیه من، یاری ده و [بقیه را] به تسلط من در آور و نه مرا به زیر تسلط دیگران ببر و مرا به خیر ره نمون کن و گم راهم مکن و مرا به قضایت راضی بدار و در تقدیرت برایم برکت قرار بده؛ که تو آنچه را بخواهی می کنی و آنچه را بخواهی می دهی.

خدایا! اگر خیر من در این امر، چنین و چنان است، مرا بر آن قدرت بده و بر آن توانایم کن و به انجامش فرمانم بده و راه رسیدن به آن را برایم روشن کن و - خدایا - اگر غیر از این است، آن را از من به سوی چیزی که برایم از آن بهتر است، بچرخان؛ که تو می توانی و من نمی توانم و تو می دانی و من نمی دانم و تو دانای به نهان هایی، ای رحیم ترین رحیمان!"

سپس به سجده می روی و در آن صد مرتبه می گویی: "از خداوند، خیر همراه عافیت می خواهم". سپس سرت را بالا می آوری و گلوله های گلی را می پایی. هر یک از برگه ها که از آب بیرون آمد، به مقتضای آن عمل کن، اگر خدای متعال خواست." (۱).

ص: ۳۳۳

پژوهشی در باره استخاره های منسوب به امام زمان (۱)

استخاره در لغت و بیشتر متون کهن حدیثی، به معنای طلب خیر و نیکی از خداوند است تا در پرتو راه نمایی و دستگیری او، از زیان های احتمالی تصمیم و عملمان بر کنار بمانیم. در این شیوه از استخاره، ما با دعا و درخواست از خداوند علیم متعال و استذکار قلبی اسمای الهی و توکل بر قدرت لایزال او، عنایت و توجه او را به خود جلب می کنیم. این کار - که می تواند با همه امور زندگی همراه شود و آنها را متمین و متبرک گرداند - از سوی احادیث متعدّد فریقین با اسنادی مقبول و در کتاب هایی مشهور و قابل اعتماد، مورد تأکید قرار گرفته است. (۲)

گونه دیگر استخاره، برای بیرون آمدن از تردید و دودلی در کارهای مهم و یا نگران کننده و به گونه ای مشورت با خداوند و بهره گیری از راه نمایی و یاری اوست که به شکل های گوناگونی مانند: گشودن قرآن، نوشتن توصیه به کار و یا ترک آن در برگه و در آوردن آن به شکل قرعه (استخاره ذات الرقاع)، و یا با تسبیح (به دست گرفتن مقدار تصادفی دانه های تسبیح و خوب و بد شمردن کار بر پایه تعداد

ص: ۳۳۴

۱- (۱) به قلم پژوهشگر ارجمند، حجّه الإسلام و المسلمین عبد الهادی مسعودی.

۲- (۲) ر. ک: المقنعه: ص ۲۱۶ (باب صلاه الاستخاره)، المحاسن: ج ۲ ص ۴۳۱ (باب الاستخاره)، الکافی: ج ۳ ص ۴۷۸ ح ۸ مکارم الأخلاق: ج ۲ ص ۱۰۲ (فی صلاه الاستخاره)، وسائل الشیعه: ج ۵ ص ۲۰۴ (أبواب صلاه الاستخاره وما یناسبها)، صحیح البخاری: ج ۵ ص ۲۳۴۵ ح ۶۰۱۹ (باب الدعاء عند الاستخاره)، سنن أبی داوود: ج ۲ ص ۸۹ (باب فی الاستخاره)، مسند ابن حنبل: ج ۵ ص ۱۱۱ ح ۱۴۷۱۳، المعجم الکبیر: ج ۱ ص ۱۹۶ ح ۱۴۷۷ و....

باقی مانده دانه ها) انجام می گیرد و برخی از شیوه های آن بویژه ذات الرقاع و نیز آنچه با دعا و راز و نیاز همراه است، مشهور و احادیث دال بر آن، مستند هستند.

سید ابن طاووس، محدث بزرگ قرن هفتم هجری، به این احادیث به دیده قبول نگریسته و شیوه های مطرح شده برای استخاره را در کتاب مشهورش فتح الأبواب، گرد آورده و دسته بندی کرده است.<sup>(۱)</sup>

علّامه مجلسی نیز مشابه او عمل کرده و نظر کلی خویش را چنین بیان کرده است:

الأصل في الاستخاره الذي يدلّ عليه أكثر الأخبار المعتبره، هو أن لا يكون الإنسان مستبداً برأيه، متعمداً على نظره وعقله، بل يتوسّل برّبّه تعالی و يتوكّل عليه في جميع أمورهِ، و يقرّ عنده بجهله بمصالحه، و يفوّض جميع ذلك إليه، و يطلب منه أن يأتي بما هو خير له في أخراه و أولاه، كما هو شأن العبد الجاهل العاجز مع مولاه العالم القادر، فيدعو بأحد الوجوه المتقدمه مع الصلاه أو بدونها، بل بما يخطر بباله من الدعاء إن لم يحضره شيء من ذلك، للأخبار العامه، ثم يأخذ فيما يريد ثم يرضى بكلّ ما يترتب على فعله من نفع أو ضرر. و بعد ذلك الاستخاره من الله سبحانه ثم العمل بما يقع في قلبه و يغلب على ظنه أنه أصلح له، و بعده الاستخاره بالاستشاره بالمؤمنين، و بعده الاستخاره بالرقاع أو البنادق أو القرعه بالسبحه و الحصى أو التفؤل بالقرآن الكريم، و الظاهر جواز جميع ذلك كما اختاره أكثر أصحابنا.<sup>(۲)</sup>

معنای اصلی استخاره - که بیشتر روایات معتبر بر آن دلالت می کنند -، آن است

ص: ۳۳۵

---

۱- (۱) افزون بر کتاب فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین رب الأرباب فی الاستخارات - که در قرن هفتم تدوین شده -، می توان به مفاتیح الغیب، اثر مستقل علّامه مجلسی در باره استخاره و نیز بحار الأنوار او (ج ۹۱ ص ۲۲۲-۲۸۸)، مفتاح الفرج، نوشته محمدحسین خاتون آبادی (م ۱۱۵۱ ق) و کتاب های متعدّد دیگری اشاره کرد که در کتاب الذریعه (ج ۲ ص ۲۰) گزارش شده اند. در دوره معاصر نیز می توان به کتاب استخاره و تفأل، اثر ابوالفضل طریقه دار و پژوهشی در باره استخاره از مرتضی حسینی اصفهانی اشاره نمود.

۲- (۲) بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۲۸۷.

که انسان، خودرأیی نورزد و بر رأی و عقل خویش اعتماد مطلق نکند؛ بلکه به خدای متعالش توسل کند و در همه کارهایش بر او توکل نماید و نزد او به ناآگاهی از مصلحت های خویش اقرار کند و همه این امور را به خدا بسپارد و از او بخواهد که خیر دنیا و آخرتش را برایش پیش آورد؛ به گونه همان رابطه ای که میان بنده نادان ناتوان و مولای دانای توانا برقرار است. پس مطابق یکی از شیوه های روایت شده و همراه نماز یا بدون آن، دعا می خواند و یا هر دعایی که به ذهنش رسید، که روایات عامه بر این مطلب دلالت دارد. آن گاه آنچه را می خواهد انجام می دهد و پس از استخاره و طلب خیر از خداوند، به حاصل آن، چه سود و چه زیان، راضی می شود. شیوه دیگر، طلب خیر از خداوند و سپس آنچه را در دلش می افتد و بیشتر گمان می برد که به مصلحتش است، عمل می کند. پس از این، استخاره به وسیله مشورت با مؤمنان است و پس از این، استخاره ذات الرقاع (استخاره با ورقه) یا با گلوله های گلی و نیز قرعه کشی با دانه تسیح و ریگ و یا تفأل به قرآن است و ظاهر این است که همه این شیوه ها مجازند و این، نظر بیشتر عالمان شیعه است.

گفتنی است شیوه های کمتر مشهور و بی سند و یا دارای اسناد ضعیف نیز می توانند در زمره قرعه و یا دیگر عناوین کلی جای بگیرند و در پی تجربه های متعدد و همراهی معنویت فرد استخاره کننده، اعتبار نسبی یابند، آن گونه که بسیاری از عالمان موثق و مشهور عمل کرده اند. (۱) این شیوه ها پس از اندیشه و مشورت فرد مردد، راه کاری برای خروج از حالت سخت دودلی و بی تصمیمی است و به فراخور خود، از نیازمندان، کارگشایی می کنند و در جایگاه تعیین شده خویش، کارایی دارند.

در میان شیوه های گوناگون، چند استخاره به امام زمان علیه السلام منسوب شده اند که در

ص: ۳۳۶

---

۱- (۱) برای آگاهی از این عالمان و استخاره های شگفت ایشان، ر. ک: استخاره و تفأل.

## ۱- حدیث اول

ابن طاووس این استخاره را در زمره توقیعات صادر شده در دوره غیبت صغرا دانسته؛ ولی چون فاصله زمانی ابن طاووس با نایبان خاص امام زمان علیه السلام در روزگار غیبت صغرا حدود سه قرن است، باید دید این انتساب چه سازوکاری داشته است.

متن گزارش ابن طاووس در کتاب حاضر آمده است. (۱) این استخاره، به معنای دعا و طلب خیر از خداوند است و شکل و مضمون آن، مطابق با بسیاری از استخاره های توصیه شده در احادیث است، هر چند با استخاره های متداول امروزی تفاوت دارد. از این رو، متن حدیث، پذیرفتنی است.

## سند گزارش ابن طاووس

به دلیل نامعین بودن منبع گزارش ابن طاووس و مؤلف آن، محمد بن علی بن محمد، و نیز تضعیف صریح رجال شناسان شیعه نسبت به راوی اول این گزارش، ابو دلف محمد بن مظفر، (۲) سند حدیث، ضعیف محسوب می شود و تنها با پذیرش قاعده تسامح در ادله سنن و یا از طریق تعاضد مضمونی می توان حدیث را مقبول شمرد. افزون بر این، ابو دلف، این متن را آخرین چیزی می داند که از سوی ناحیه مقدسه وارد شده است، و این، در تنافی با نقل مشهور است که آخرین توقیع را اعلام خبر وفات نایب چهارم، جناب سمری می داند.

گفتنی است کفعمی نیز این دعا را با تعبیر «مروی عن القائم علیه السلام» گزارش کرده (۳).

ص: ۳۳۷

---

۱- (۱) ر. ک: ص ۳۲۸ ح ۱۱۰۸.

۲- (۲) ر. ک: قاموس الرجال: ج ۹ ص ۵۹۰ ش ۷۲۸۶.

۳- (۳) المصباح، کفعمی: ص ۵۲۱، البلد الامین: ص ۱۶۳.



و منبع آن را در کتاب المصباح خود، فتح الأبواب دانسته است؛ ولی در کتاب دیگرش (البلد الأمين) منبعی برای آن ذکر نکرده است، هرچند به نظر می رسد در آن جا نیز از فتح الأبواب نقل کرده باشد.

## ۲- استخاره مصری

ابن طاووس، استخاره ای دیگر در فتح الأبواب نقل و آن را به امام زمان علیه السلام منسوب نموده است. متن این استخاره در کتاب آمده؛<sup>(۱)</sup> اما تعبیر ابن طاووس، از مرسل و بی اعتبار بودن طریق و سند این نقل حکایت دارد. تعبیر او چنین است:

رَأَيْتُ بِحَطِّي عَلَى الْمِصْبَاحِ مَا أَذْكَرُ الْآنَ مَنْ رَوَاهُ لِي وَلَا مِنْ أَيْنَ نَقَلْتُهُ.

حاشیه ای به خطّ خودم در کتاب مصباح [المتّهجد، اثر شیخ طوسی] دیدم که اکنون به یاد نمی آورم که چه کسی آن را برایم روایت کرده و یا از کجا نقل کرده ام.

گفتنی است که ابن طاووس، این استخاره را نسبت به ذات الرقاع، مرجوح دانسته و احتمال داده است که آن برای معذوران از استخاره به ذات الرقاع باشد.<sup>(۲)</sup>

همچنین ابن طاووس، درست پیش از این روایت (در ص ۲۶۴) استخاره ای را با دعایی بسیار مشابه همین استخاره از قول امیر مومنان علیه السلام نقل می کند و این نکته، انتساب استخاره به حجت علیه السلام را تضعیف می کند.<sup>(۳)</sup>

یاد آور می شویم که مطابق با نقل طبرسی از توقیع حمیری در الاحتجاج، امام زمان علیه السلام چگونگی استخاره را به آنچه امامان پیشین ارائه داده اند، ارجاع داده است و

ص: ۳۳۸

۱- (۱) ر. ک: ص ۳۲۶ ح ۱۱۰۷ (فتح الابواب: ص ۲۶۵).

۲- (۲) فتح الأبواب: ص ۲۶۵.

۳- (۳) فتح الأبواب: ص ۲۶۴: وجدت بخطّ علی بن یحیی الحافظ - ولنا منه إجازة بكلّ ما يرويه - استخاره مولانا امیر المؤمنین علیه السلام؛ به خطّ علی بن یحیی حافظ - که به ما اجازه روایت هر روایتی را که کرده داده -، استخاره مولایمان امیر مؤمنان علیه السلام را یافتیم.

آن را به شیوه استخاره به رِقَاع همراه با نماز دانسته است. این روایت در صورت صحّت سند، می تواند نقل ها و دیگر استخاره های منسوب به قائم علیه السلام را بی اعتبار کند؛ اما طریق طبرسی به حمیری، مرسل است. متن گزارش چنین است:

عن محمد بن عبد الله بن جعفر الحميري أنه كتب إلى الحجّه عليه السلام:

وَسَأَلَ عَنِ الرَّجُلِ يَعْزُضُ لَهُ الْحَاجَةُ مِمَّا لَا يَدْرِي أَنْ يَفْعَلَهَا أَمْ لَا، فَيَأْخُذُ خَاتَمِينَ فَيَكْتُبُ فِي أَحَدِهِمَا: «نَعَمْ افْعَلْ» وَفِي الْآخَرِ: «لَا تَفْعَلْ» فَيَسْتَخِيرُ اللَّهَ مَرَارًا، ثُمَّ يَرَى فِيهِمَا، فَيَخْرِجُ أَحَدَهُمَا فَيَعْمَلُ بِمَا يَخْرِجُ، فَهَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ أَمْ لَا؟ وَالْعَامِلُ بِهِ وَالتَّارِكُ لَهُ أَهْوَى مِثْلُ الْإِسْتِخَارَةِ أَمْ هُوَ سِوَى ذَلِكَ؟

فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الَّذِي سَنَّهُ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَذِهِ الْإِسْتِخَارَةِ بِالرِّقَاعِ وَالصَّلَاةِ. (۱)

سؤال: کسی که برایش کاری پیش آید و نداند چه کند و دو مهر بر می دارد، در یکی «بله انجام بده» و در دیگری «انجام نده» می نویسد و چندین بار از خدا طلب خیر می کند و سپس به آن دو می نگرد و یکی را بیرون می کشد و به هر چه که آمد، عمل می کند، آیا این کار، جایز است یا نه، و آیا عمل کننده و یا عمل نکننده به آنچه بیرون آمده، مانند کسی است که استخاره کرده است یا مانند آن نیست؟

جواب: سنتی که عالم علیه السلام در این موقعیت ها بنا نهاده است، استخاره با برگه ها [ی شش گانه] و نماز استخاره است.

گفتنی است استخاره ذات الرقاع، بهترین نوع استخاره است که گونه های متفاوتی دارد و ما معتبرترین آنها را از الکافی همراه بیان علامه مجلسی در پانوشت می آوریم. (۲)

ص: ۳۳۹

۱- (۱) ر. ک: ج ۴ ص ۱۹۶ ح ۶۹۰.

۲- (۲) ثقة الاسلام کلینی گوید: غَيْرُ وَاحِدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ هِرَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَمْرًا فَخُذْ سِتَّ رِقَاعٍ فَكْتُبْ فِي ثَلَاثٍ مِنْهَا: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ افْعَلْهُ وَفِي ثَلَاثٍ مِنْهَا: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خَيْرَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ لَا تَفْعَلْ ثُمَّ ضَعَهَا تَحْتَ مُصَلَّاكَ ثُمَّ صَلِّ رَكَعَتَيْنِ فَإِذَا فَرَعْتَ فَاسْجُدْ



این استخاره که در آن از تسبیح و عدد استفاده می شود و دعایی نیز دارد، مربوط به دوره غیبت کبراست و علامه حلی آن را در کتاب منهاج الصلاح - که تلخیص وی از مصباح المتهدجد شیخ طوسی است - نقل کرده و طریق خود را به آن، این گونه نقل کرده است:

نَوْعٌ آخَرٌ مِنَ الْإِسْتِخَارَةِ، رَوَيْتُهُ عَنْ وَالِدِي الْفَقِيهِ سَدِيدِ الدِّينِ يَوْسُفَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْمُطَهَّرِ - رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى -، عَنِ السَّيِّدِ رَضِيِّ الدِّينِ مُحَمَّدِ الْآوِيِّ، عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

گونه دیگر استخاره را از پدر فقیهم، سدید الدین یوسف بن علی بن مطهر - که خدا رحمتش کند - از سید رضی الدین محمد آوه ای حسینی از صاحب الامر علیه السلام نقل می کنم. (۱)

او سپس متن حدیث را می آورد که در کتاب آمده است.

شهید اول نیز این استخاره را به نقل از علامه حلی و با همان طریق آورده؛ اما تصریح کرده است که این شیوه استخاره از زمان سید رضی الدین آوه ای مرسوم شده و پیشینه ای ندارد. (۲) گفتنی است شهید اول نقل ابن طاووس را که در پی می آید نیز گزارش کرده است.

سید ابن طاووس نیز که با این سید آوه ای هم عصر است و او را برادر خود خوانده، همین استخاره را از او نقل کرده؛ اما آن را به صادق علیه السلام نسبت داده که به احتمال فراوان، امام جعفر صادق علیه السلام است، اگرچه به احتمالی بعید، عنوانی کلی برای امام زمان علیه السلام باشد. متن گزارش، مشابه متن منقول علامه و آغاز آن چنین است:

فَوَجَدْتُ بِخَطِّ أَحِيَّ الصَّالِحِ الرَّضِيِّ الْقَاضِيِ الْآوِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ

ص: ۳۴۱

۱- (۱) ر. ک: ص ۳۲۹ ح ۱۱۰۸.

۲- (۲) الذکری: ص ۲۵۳.

الْحُسَيْنِي ضَاعَفَ اللَّهُ سَعَادَتَهُ وَ شَرَّفَ خَاتِمَتَهُ مَا هَذَا لَفْظُهُ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ....

به خط برادر شایسته ام، قاضی محمد بن محمد حسینی آوی - خداوند سعادتش را دوچندان کند و پایان کارش را شرافت بخشد - مطلبی را از امام صادق علیه السلام یافتیم که چنین بود:....

و آن گاه متن مشابه را با تفاوت هایی در بخش انتهایی آورده است. (۱)

یادآور می شویم، رابط سید ابن طاووس در انتساب برخی ادعیه به امام زمان علیه السلام، همین سید آوه ای است. بنا بر این، اگر سید آوه ای، این استخاره را به امام زمان علیه السلام نسبت می داد، قاعدتاً ابن طاووس نیز همان گونه نقل می کرد، در حالی که ابن طاووس در کتاب دیگرش الأمان، این استخاره و دعای مربوط به آن را بدون ذکر سند نقل کرده؛ اما باز آن را به امام صادق علیه السلام نسبت داده است. (۲)

می توان گفت: اصل این استخاره و دعای مربوط بدان، از متون منسوب به امام صادق علیه السلام بوده است که در دسترس سید آوه ای بوده؛ ولی چون او، شخصی مقدّس و مورد احترام معاصرانش بوده و ملاقات هایی با امام زمان علیه السلام داشته و برخی دعاها را نیز از ایشان نقل کرده است، چنین گمان رفته که این استخاره را نیز از امام زمان علیه السلام نقل کرده است. با این حال، به دلیل وجود این دو نقل، «استخاره با تسبیح» به امام صادق علیه السلام و امام زمان علیه السلام نسبت داده شده است چنان که صاحب جواهر در بیان انواع استخاره ها می نویسد:

و تاره بالسبحه كما روى عن الصادق وصاحب الزمان وعليهما العمل في زماننا هذا من العلماء وغيرهم. (۳)

و گاه با تسبیح است، چنانچه از امام صادق علیه السلام و امام زمان علیه السلام نقل شده و در این زمان، برخی از علما و دیگران، به آن عمل می کنند.

ص: ۳۴۲

۱- (۱) فتح الأبواب: ص ۲۷۲، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۲۴۷ ح ۱، وسائل الشیعه: ج ۵ ص ۲۱۹ ح ۲.

۲- (۲) الأمان من اخطار الأسفار و الأزمان: ص ۹۸.

۳- (۳) جواهر الکلام: ج ۱۲ ص ۱۶۳.

احتمال دیگر آن که این استخاره از امام صادق علیه السلام صادر شده، ولی در دسترس عموم شیعیان نبوده و امام زمان علیه السلام آن را برای سید آوه ای نقل کرده است.

در هر صورت، این حدیث نیز مشکل محتوایی ندارد؛ ولی سندش، مرسل و ضعیف است.

#### ۴- استخاره با تسبیح

علامه مجلسی نیز استخاره ای منسوب به امام زمان علیه السلام را به نقل از پیشینیان خود نقل کرده که بسیار شبیه رسم متداول امروزی در استخاره با تسبیح است. او این شیوه را در باب «الاستخاره بالسبحه والحصا» گزارش کرده و در کتاب، موجود است: (۱)

این حدیث نیز در چارچوب آموزه های دینی مانند قرعه و نگاه مشورتی به استخاره می گنجد؛ اما سند معتبری ندارد؛ زیرا ابتدای سند، مشتمل بر بزرگانی چون مجلسی پدر و شیخ بهایی است، اما ادامه سند مشخص نیست و حدیث مرفوعه به شمار می رود.

#### نتیجه گیری

روایات منسوب به حضرت حجت علیه السلام در باره استخاره از صحت سندی مصطلح برخوردار نیستند، اما هیچ یک مشکل محتوایی ندارند و مضمون آنها با سایر روایات در باره استخاره، همگون است. از این رو، با توجه به تجربه های متعدد و استخاره های کارگشا و نیز قداست معنوی فرد استخاره گیرنده و توکل به خدای متعال، می توانیم این شیوه را برای طلب خیر از خداوند و بیرون آمدن از شک و دودلی و بی تصمیمی به کار ببندیم، هرچند باید از انتساب قطعی آنها به امام زمان علیه السلام پرهیزیم.

ص: ۳۴۳

١/١٠: دُعَاءُ «اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ»

١١١١. جمال الأسبوع: صَلَاةُ الْحُجَّهِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَكَعَتَيْنِ، تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ إِلَى «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ثُمَّ تَقُولُ مِنْهُ مَرَّةً: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ثُمَّ تُتِمُّ قِرَاءَةَ الْفَاتِحَةِ، وَتَقْرَأُ بَعْدَهَا الْإِخْلَاصَ مَرَّةً وَاحِدَةً، (١) وَتَدْعُو عَقِيْبَهَا فَتَقُولُ:

اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ (٢)، وَبِرَحِ الْخَفَاءِ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءِ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمَنَعَتْ (٣) السَّمَاءُ، وَإِلَيْكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكَى، وَعَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الَّذِينَ أَمَرْنَا بِطَاعَتِهِمْ، وَعَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ، وَأَظْهِرْ إِعْزَاؤَهُ. يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اكَفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، انصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، احفَظَانِي فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ - ثَلَاثٌ

ص: ٣٤٤

١- (١) من الواجب التذكير بهذه الملاحظة و هي أن كيفية هذه الصلاة جاءت في موضعين آخرين.

٢- (٢) ذكر هذا الدعاء مع مقدمه أخرى. ر. ك: ص ٢٩٤ (الفصل الثامن/دعاء «اللهم عظم البلاء»).

٣- (٣) في المصدر «بما وسعت» والصحيح ما اثبتناه.

۱۱۱۱. جمال الأسبوع: نماز حجت قائم آل محمد علیه السلام دو رکعت است که در هر رکعت، سوره حمد را می خوانی تا «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» برسی، آن را صد مرتبه می گویی و سپس سوره حمد را تا پایان قرائت می کنی و پس از آن سوره توحید را یک مرتبه می خوانی (۱) و پس از نماز می گویی: «خدایا! بلا بزرگ شده (۲) و نهان، آشکار شده و پرده کنار رفته و زمین تنگ گشته و آسمان، [از باریدن] بخل ورزیده است (۳) و ای خدای من! شکوه ها و دردها را نزد تو می آورند و تکیه گاه در سختی و راحتی تویی.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ کسانی که ما را به اطاعتشان فرمان دادی؛ خدایا! در گشایش امرشان به دست قائم ایشان تعجیل بفرما و عزتت را آشکار بنما. ای محمد! ای علی! ای علی! ای محمد! مرا کفایت کنید که شما کفایت کننده من هستید. ای محمد! ای علی! ای علی! ای محمد! مرا یاری کنید که شما یاوران من هستید.

ای محمد! ای علی! ای علی! ای محمد! مرا حفظ کنید که شما نگهبانان من هستید. ای

ص: ۳۴۵

- 
- ۱- (۱) دستور این نماز در دو جای دیگر آمده است. ر. ک: ص ۲۴۹ ح ۱۰۸۸ و ص ۳۰۱ ح ۱۰۹۸
- ۲- (۲) گزارشی دیگر از این دعا وجود دارد که در آن با مقدمه ای دیگر آمده است. ر. ک: ص ۲۹۰ (فصل هشتم/دعای «خدایا بلا فرونی گرفت»).
- ۳- (۳) در متن عربی، واژه «السماء» بدون فعل مناسب آن آمده است و به نظر می رسد فعل «منعت» جا افتاده باشد که در این صورت، با متن مشهور همین دعا شبیه می شود که به عنوان اولین دعا از امام مهدی علیه السلام آمده است.



مَرَاتٍ - الْغَوْثُ الْغَوْثُ الْغَوْثُ، أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ.

راجع: ص ٢٩٠ ح ١٠٩٦.

٢/١٠: دُعَاءُ «يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ»

١١١٢. دلائل الإمامة: حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ بْنِ مُوسَى التُّلُعْكَرِيُّ، قَالَ:

حَدَّثَنِي أَبُو الْحُسَيْنِ بْنُ أَبِي الْبَغَلِ الْكَاتِبُ... [عَنْ صَاحِبِ الْأَمْرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ] فَقَالَ: تَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ، وَتَقُولُ:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ، وَلَمْ يَهْتِكِ السَّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْمَنْ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا  
وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى، يَا غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى، يَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنَّعْمِ قَبْلَ  
اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّاهُ - عَشْرَ مَرَاتٍ - يَا سَيِّدَاهُ - عَشْرَ مَرَاتٍ - يَا مَوْلَاهُ - عَشْرَ مَرَاتٍ - يَا غَايَتَاهُ - عَشْرَ مَرَاتٍ يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ - عَشْرَ  
مَرَاتٍ - أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا مَا كَشَفْتَ كَرْبِي، وَنَفْسَتَ هَمِّي، وَفَرَجْتَ عَنِّي،  
وَأَصْلَحْتَ حَالِي.

وَتَدْعُو بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا شِئْتِ، وَتَسْأَلُ حَاجَتَكَ. ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَرْضِ، وَتَقُولُ مِثْلَهُ مَرَّةً فِي سُجُودِكَ: «يَا مُحَمَّدُ يَا  
عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ، وَانصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ».

وَتَضَعُ خَدَّكَ الْأَيْسَرَ عَلَى الْأَرْضِ، وَتَقُولُ مِثْلَهُ مَرَّةً: «أَدْرِكْنِي» وَتُكْرَرْهَا كَثِيرًا،

ص: ٣٤٦

مولای من! ای صاحب الزمان به فریاد برس، به فریاد برس! به فریاد برس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب! امان، امان، امان! (۱).

ر. ک: ص ۲۹۱ ح ۱۰۹۶.

### ۲/۱۰: دعای «ای که زیبا را آشکار می کنی»

۱۱۱۲. دلایل الإمامه - با سندش به نقل از ابو الحسین بن ابو بعل کاتب - صاحب الأمر علیه السلام فرمود: «دو رکعت نماز می خوانی و می گویی: "ای که [کار] زیبا را آشکار می کنی و [کار] زشت را می پوشانی! ای که [مجرم را زود] به جرم و جنایت بازخواست نمی کنی و پرده را نمی دری! ای که متنی بزرگ بر ما داری! ای بخشنده باگذشت! ای نیکو درگذرنده! ای که آمرزش گسترده و دستانت به رحمت گشوده است! ای نهایت هر راز گویی! ای غایت هر گله گزاری! ای یاور هر یاری خواه! ای آغازگر نعمت دهی پیش از استحقاق آن!"

آن گاه هر یک از این نام ها را ده بار صدا می زنی: "یا ربّاه"، "یا سیداه"، "یا مولاه"، "یا غایتاه"، "یا منتهی رغبتاه" و پس از آن می گویی: "از تو می خواهم که به حقّ این نام ها و به حقّ محمّد و خاندان پاکش، دشواری ام را بزدایی و اندوهم را ببری و گره از کارم بگشایی و حالم را به سامان آوری."

و پس از اینها، هر دعایی می خواهی بکن و حاجتت را بخواه و سپس گونه راستت را بر زمین می نهی و در سجده ات صد مرتبه می گویی: "ای محمّد! ای علی! ای علی! ای محمّد! مرا کفایت کنید که شما کفایت کنندگان من هستید و مرا یاری دهید که شما یاری دهندگان من هستید."

و گونه چپت را بر زمین می نهی و صد مرتبه می گویی: "مرا دریاب" و آن را فراوان تکرار می کنی، و می گویی: "فریادرس، فریادرس!" تا نفست بیرد، و سرت را

ص: ۳۴۷

وَتَقُولُ: «الْغَوْثَ الْغَوْثَ» حَتَّى يَنْقَطِعَ نَفْسُكَ، وَتَرْفَعِ رَأْسَكَ، فَإِنَّ اللَّهَ بِكْرَمِهِ يَقْضِي حَاجَتَكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (تَعَالَى).

٣/١٠: دُعَاءُ أَبِي الْوَفَاءِ

١١١٣. بحار الأنوار نقلا- عن قيس المصباح: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الصَّدُوقُ أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ النَّجَاشِيِّ الصَّيْرَفِيُّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الْكُوفِيِّ بِبَغْدَادَ فِي آخِرِ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ سِنَةَ اثْنَتَيْنِ وَارْبَعِينَ وَارْبَعِمِائَةٍ، وَكَانَ شَيْخًا بَهِيًّا ثَقَّةً صَدُوقَ اللِّسَانِ عِنْدَ الْمُوَافِقِ وَالْمُخَالِفِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَارْضَاهُ قَال: أَخْبَرَنِي الْحَسَنُ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ التَّمِيمِيِّ قِرَاءَةً عَلَيْهِ قَالَ: حَكَى لِي أَبُو الْوَفَاءِ الشَّيرَازِيُّ وَكَانَ صِدِّيقًا لِي أَنَّهُ قَبِضَ عَلَيْهِ أَبُو عَلِيٍّ الْيَاسُ صِدِّاحِبُ كِرْمَانَ قَالَ: فَقَيْدَنِي وَكَانَ الْمُؤَكَّلُونَ بِي يَقُولُونَ إِنَّهُ قَدْ هَمَّ فِيكَ بِمَكْرُوهِ فَقَلِقْتُ لِدَلِكْ وَجَعَلْتُ أَنَا جِي اللَّهُ تَعَالَى بِالْأَنْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَام.

فَلَمَّا كَانَتْ لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ وَفَرَعْتُ مِنْ صِدِّمَاتِي نِمْتُ فَرَأَيْتُ النَّبِيَّ ص فِي نَوْمِي وَهُوَ يَقُولُ لَا تَتَوَسَّلْ بِي وَلَا بِابْنِي لِشَيْءٍ مِنْ أَعْرَاضِ الدُّنْيَا إِلَّا لِمَا تَبْتَغِيهِ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَرِضْوَانِهِ وَأَمَّا أَبُو الْحَسَنِ أَخِي فَإِنَّهُ يَنْتَقِمُ لَكَ مِمَّنْ ظَلَمَكَ

قَالَ: فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ يَنْتَقِمُ لِي مِمَّنْ ظَلَمَنِي وَقَدْ لُبَّبَ فِي حَبْلِ فَلَمْ يَنْتَقِمْ عَلَيَّ حَقِّي فَلَمْ يَتَكَلَّمْ قَالَ: فَنَظَرَ إِلَيَّ كَالْمُنْتَعَجِبِ وَقَالَ: ذَلِكَ عَهْدُ عَهْدَتِهِ إِلَيْهِ وَأَمْرٌ أَمَرْتُهُ بِهِ فَلَمْ يَجْزْ لَهُ إِلَّا الْقِيَامُ بِهِ وَقَدْ أَدَّى الْحَقَّ فِيهِ إِلَّا أَنَّ الْوَيْلَ لِمَنْ تَعَرَّضَ لَوْلِيِّ اللَّهِ وَأَمَّا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَلِلنَّجَاهِ مِنَ السَّلَاطِينِ وَنَفَثِ الشَّيَاطِينِ

ص: ٣٤٨

بالا می آوری که خداوند به کرمش، حاجتت را برآورده می کند، إن شاء الله تعالی!». (۱)

### ۳/۱۰: دعای ابو الوفا

۱۱۱۳. بحار الأنوار - به نقل از قبس المصباح - شیخ راستگو ابوالحسن احمد بن علی بن احمد نجاشی صیرفی، مشهور به «ابن کوفی» که شیخی مورد اعتماد و راستگو در نزد موافقان و مخالفان بود - و خداوند از وی راضی باد و او را راضی کند - در پایان ماه ربیع الأول سال ۴۴۲ ق در بغداد به ما خبر داد که: حسن بن محمد بن جعفر تمیمی - که خبر بر او قرائت شده بود - به من خبر داد و گفت: دوستم ابوالوفای شیرازی برایم نقل کرد: ابو علی الیاس متولی کرمان مرا دستگیر کرد و به غل و زنجیر کشید. مأمورانی که بر من گمارده شده بودند، به من گفتند که الیاس، قصد سوئی به تو دارد، و من از این جهت، نگران شدم، و با توسل به ائمه علیهم السلام، شروع کردم با خداوند راز و نیاز کردن. شب جمعه فرا رسید، و من در آن شب پس از نماز خوابیدم. پیامبر صلی الله علیه و آله را خواب دیدم که می فرمود: «برای خواسته های دنیوی به من و فرزندانم حسن و حسین متوسل شو؛ مگر در کارهایی که در پی طاعت خدای متعال و خشنودی او باشد؛ اما برادرم ابوالحسن [علی] انتقامت را از کسی که به توستم کرده می گیرد».

گفتم: ای پیامبر خدا! چه طور ایشان از کسانی که به من ظلم کرده اند، حقم را می گیرند، در حالی که دستان خودشان با ریسمانی بسته شد و انتقام نگرفت، و حقم غصب شد، ولی حرفی نزد؟

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نگاهی متعجبانه به من کرد و فرمود: «آن پیمانی بود که من با او بسته بودم و قراری بود که من به او دستور داده بودم، و بر او جز اقدام به آن، کار دیگری روا نبود، و او هم حق آن را ادا کرد؛ اما وای بر کسی که متعرض دوستان او شود! اما علی بن الحسین برای نجات از حاکمان و وسوسه شیطان هاست. محمد بن علی و جعفر بن

ص: ۳۴۹

---

۱- (۱) دلائل الإمامة: ص ۵۵۱ ح ۵۲۵، فرج المهموم: ص ۲۴۵، بحار الأنوار: ج ۹۱ ص ۳۴۹ ح ۱۱. نیز، برای دیدن همه حدیث، ر. ک: همین دانش نامه: ج ۵ ص ۱۰۲ (بخش ششم/فصل سوم/ابو الحسین بن ابو بغل).

وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ فَلِلْآخِرَةِ وَ مَا تَبَتَّغِيهِ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

وَأَمَّا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ فَالْتَمَسَ بِهِ الْعَافِيَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى فَاطْلَبَ بِهِ السَّلَامَةَ فِي الْبَرَارِيِّ وَ الْبِحَارِ وَ أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ فَاسْتَنْزَلَ بِهِ الرِّزْقَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَمَّا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ فَلِلنَّوْافِلِ وَ بَرِّ الْإِخْوَانِ وَ مَا تَبَتَّغِيهِ مِنْ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فَلِلْآخِرَةِ

وَ أَمَّا صَاحِبُ الزَّمَانِ فَإِذَا بَلَغَ مِنْكَ السَّيْفُ الدَّبْحَ فَاسْتَعِنَ بِهِ فَإِنَّهُ يُعِينُكَ وَ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى حَلْقِهِ

قَالَ: فَنَادَيْتُ فِي نَوْمِي يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَدْرِكْنِي فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي.

قَالَ أَبُو الْوَفَاءِ: فَانْتَبَهْتُ مِنْ نَوْمِي وَ الْمُؤَكَّلُونَ يَأْخُذُونَ قِيُودِي.

١١١٤. الدعوات للراوندي: وَ حَدَّثَ أَبُو الْوَفَاءِ الشَّيرَازِيُّ قَالَ: كُنْتُ مَأْسُورًا [بِكِرْمَانَ فِي يَدِ ابْنِ الْيَاسِ مُقَيَّدًا مَغْلُورًا] (١) فَوَقَفْتُ عَلَى أَنَّهُمْ هَمُّوا بِقَتْلِي فَاسْتَشْفَعْتُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِمَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَحَمَلْتَنِي عَيْنِي فَرَأَيْتُ [فِي الْمَنَامِ] رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ هُوَ يَقُولُ لَا تَتَوَسَّلْ بِي [وَ لَا بِابْنَتِي] وَ لَا بِابْنِي فِي شَيْءٍ مِنْ عُرُوضِ الدُّنْيَا بَلْ لِلْآخِرَةِ وَ لِمَا

تُؤَمِّلُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ تَعَالَى فِيهَا. وَ أَمَّا أَخِي أَبُو الْحَسَنِ فَإِنَّهُ يَنْتَقِمُ لَكَ مِمَّنْ ظَلَمَكَ.

ص: ٣٥٠

محمد برای آخرت و هر چه در طلب اطاعت خدای عز و جل هستی، هستند.

با توسل به موسی بن جعفر، از خداوند عز و جل عافیت بخواه. و با علی بن موسی، سلامت در بیابان ها و دریاها را طلب کن. با محمد بن علی، نزول روزی از سوی خداوند متعال را درخواست کن. علی بن محمد برای انجام دادن نافلة ها و نیکی کردن به برادران و رفتن دنبال اطاعت خدای عز و جل است. حسن بن علی برای آخرت است.

اما صاحب الزمان، برای وقتی است که شمشیر به بریدن [سر] تو برسد (و دستش را بر گلویش گذاشت)، از او کمک بخواه که تو را کمک می کند».

من در خواب فریاد زدم: ای مولا! ای صاحب الزمان! مرا دریاب که طاقتم طاق شده است.

ابوالوفا گفت: از خواب بیدار شدم در حالی که مأموران، بندهای دست و پایم را باز می کردند. (۱)

۱۱۱۴. الدعوات، راوندی - به نقل از ابوالوفا شیرازی - : در کرمان به دست پسر الیاس، اسیر و در غل و زنجیر بودم، و آگاه شدم که آنان عزم کشتن مرا دارند. از مولایمان ابو محمد علی بن حسین زین العابدین علیه السلام درخواست شفاعت کردم. چشمانم را خواب ربود و در خواب، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که می فرمود: «به من و به دو پسرم برای خواسته های دنیایی متوسل مشو؛ بلکه برای آخرت و به آنچه از فضل خدای متعال آرزو داری متوسل شو؛ اما برادرم ابوالحسن، انتقام تو را از کسی که به تو ستم کرده می گیرد».

گفتم: ای پیامبر خدا! آیا به فاطمه علیها السلام ستم نشد، و او صبر کرد، و ارث تو غضب شد، و او صبر کرد. پس چگونه انتقام مرا از ظالم به من می گیرد؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آن پیمانی بود که من با او بسته بودم، و دستوری بود که من به او داده بودم، و بر او جز اقدام به آن، روا نبود، و او هم حق آن را ادا کرد. اکنون، وای بر کسی که متعرض دوستان او شود! اما علی بن الحسین، برای نجات از دست حاکمان و رهایی از

ص: ۳۵۱

---

۱- (۱) بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۳۲ ح ۲۲ و ج ۱۰۲ ص ۲۵۰ (به نقل از کتاب العتیق الغروی).

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَيْسَ ظَلَمْتَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَصَبَرَ وَغَضِبَ عَلَيَّ إِرْثَكَ فَصَبَرَ فَكَيْفَ يَنْتَقِمُ [إِلَى] مِمَّنْ ظَلَمَنِي فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: ذَاكَ عَهْدٌ عَهْدُهُ إِلَيْهِ وَ أَمْرٌ أَمْرُهُ بِهِ وَ لَمْ يُجْزَلْهُ إِلَّا الْقِيَامَ بِهِ وَ قَدْ أَدَّى الْحَقُّ فِيهِ وَ الْإِيمَانُ فَالْوَيْلُ لِمَنْ يَتَعَرَّضُ لِمَوَالِيهِ وَ أَمَّا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَلِلنَّجَاهِ مِنَ السَّلَاطِينِ وَ مِنَ مَعْرَةِ الشَّيَاطِينِ وَ أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ فَلِلْآخِرَةِ - وَ أَمَّا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ فَالْتِمَسْ بِهِ الْعَافِيَةَ وَ أَمَّا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى فَلِلنَّجَاهِ مِنَ الْأَسْفَارِ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ فَاسْتَنْزِلْ بِهِ الرِّزْقَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَمَّا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ فَلِقِضَاءِ النَّوَافِلِ وَ بَرِّ الْإِخْوَانِ وَ أَمَّا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ فَلِلْآخِرَةِ

وَ أَمَّا الْحُجْبَةُ فَإِذَا بَلَغَ مِنْكَ السَّيْفُ الْمَدْبِيحَ - وَ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْحَلْقِ - فَاسْتَعِثْ بِهِ فَإِنَّهُ يُغِيثُكَ وَ هُوَ غِيَاثٌ وَ كَهْفٌ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِهِ.

فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَنَا مُسْتَعِثٌ بِكَ فَإِذَا أَنَا بِشَخْصٍ قَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ تَحْتَهُ فَرَسٌ وَ بِيَدِهِ حَرْبَةٌ مِنْ نُورٍ فَقُلْتُ: يَا مَوْلَايَ اكْفِنِي شَرَّ مَنْ يُؤْذِنِي فَقَالَ:

قَدْ كَفَيْتُكَ [فَإِنِّي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيكَ وَ قَدْ اسْتَجَابَ دَعْوَتِي] فَاصْبَحْتُ فَاسْتَدْعَانِي [ابْنُ] إِيَّاسَ [وَ حَلَّ قَيْدِي وَ خَلَعَ عَلَيَّ] وَ قَالَ: بِمَنْ اسْتَعِثْتَ فَقُلْتُ:

[اسْتَعِثْتُ] بِمَنْ هُوَ غِيَاثُ الْمُسْتَعِثِينَ [حَتَّى سَأَلَ رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ].

راجع: ص ٣٤٨ (القسم التاسع/الفصل الأول/زيارت آل يس)

و ص ٤٠٢ (زيارت دوم)

و ص ٤٠٦ (زيارت سوم).

ص: ٣٥٢

آزار شیطان هاست، و محمّد بن علی و جعفر بن محمّد برای آخرت هستند. با توسّل به موسی بن جعفر، تن درستی را طلب کن. علی بن موسی، برای نجات از خطرهای سفر در دریا و بیابان است. با توسّل به محمّد بن علی، فرود آمدن روزی از سوی خدای متعال را درخواست بکن. علی بن محمّد برای انجام دادن نوافل و نیکی کردن به برادران است و حسن بن علی برای آخرت است.

آمّا حجت، برای وقتی است که شمشیر به بریدن [گلوی] تو برسد (و اشاره به گلو کرد)، از او کمک بخواه که کمکت می کند، و او برای کسی که از او فریادرسی بخواهد، فریادرس و پناهگاه است».

گفتم: ای مولای من! ای صاحب زمان! من از تو فریادرسی می خواهم؛ که ناگهان در برابر شخصی قرار گرفتم که از آسمان فرود آمد و در زیر او فرشی و در دستش جنگ افزار از نور بود. گفتم: ای مولای من! مرا از شرّ کسانی که آزارم می دهند، کفایت کن.

فرمود: «کفایت کردم. من در باره تو از خداوند عز و جل درخواستی کردم و خداوند، خواست مرا اجابت کرد».

صبح که شد، پسر الیاس مرا خواست و غل و زنجیرم را باز کرد و آزادم نمود و گفت: از چه کسی فریادخواهی کردی؟

گفتم: از کسی فریادرسی کردم که فریادرس نیازمندان است، تا جایی که او از پروردگارش [برای من] درخواست کرد. ستایش برای خداوند پروردگار جهانیان است. (۱)

ر. ک: ص ۳۶۹ (بخش نهم/فصل اوّل/زیارت آل یس)

و ص ۴۰۳ (زیارت دوم)

و ص ۴۰۵ (زیارت سوم).

ص: ۳۵۳





سخنی در باره توسل به امام زمان به وسیله عریضه(۱)

بر پایه آموزه های دینی، انسان می تواند به دو گونه مستقیم، یا با واسطه، با خدای خویش ارتباط برقرار کند. آدمی می تواند به گاه دعا و راز و نیاز، درخواست های خود را بی هیچ واسطه ای با آفریدگار خویش در میان بگذارد و می تواند از اولیای مقرب در گاه الهی بخواهد که حاجت های او را از خدا بطلبند و برای روا شدنشان، پادرمیانی و شفاعت کنند. در شیوه دوم، فرد حاجتمند، به دیدار ولی زنده و یا زیارت ولی از دنیا رفته می رود و خواسته خود را در رو در رو در میان می نهد. قرآن کریم به این شیوه، تصریح نموده و فرموده است:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنْهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا. ۲»

هیچ پیامبری را نفرستادیم جز آن که دیگران به امر خدا باید مطیع فرمان او شوند. و اگر هنگامی که مرتکب گناه شدند، نزد تو آمده و از خدا آمرزش خواسته بودند و پیامبر برایشان آمرزش می خواست، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

این آیه برای ما شیعیان، بر اوصیا و جانشینان راستین پیامبر صلی الله علیه و آله نیز قابل تطبیق است و اساساً آنها از مصادیق «وسیله» در آیه زیر به شمار می آیند:

ص: ۳۵۵

۱- (۱) به قلم پژوهشگر ارجمند، حجه الاسلام و المسلمین عبد الهادی مسعودی.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.»<sup>۱</sup>

ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا بترسید و به او تقرب جوید و در راهش جهاد کنید.

باشد که رستگار گردید.

ما روح امامان را زنده و آنان را از علم غیب خدادادی، برخوردار می دانیم، و از این رو، تفاوتی نمی کند که این درخواست را در حال حیاتشان و رو در رو و با زبان خود و یا از طریق نمایان و وکیلانشان با آنها در میان بنهیم و یا آن را در نامه بنویسیم و در گلی بیچیم و با توسل و دعا، مانند مادر موسی علیه السلام به آب روان بسپاریم و یا پس از رحلت ایشان در مرقد و مزارشان بگذاریم. امامان علیهم السلام ناظر بر اعمال و احوال ما هستند و از ما باخبر و در پی حل بسیاری از مشکلات ما هستند. آنها با علم لدنی و با قدرت خدادادی، می توانند از خواسته ما آگاه شوند و اگر صلاح دیدند، پی جوی آن شوند و روا شدنش را از خداوند بخواهند. بر این پایه، می توان توسل را به این شکل دید که خواسته ها را به جای گفتن و بر زبان آوردن، در نامه ای نگاشت و آن را در جوار قبر امام علیه السلام نهاد، یا به سوی آسمان فرستاد و یا به آب و چاه سپرد؛ امری که به دلیل اشتغال بر عرض حاجت و نگارش آن به «عریضه نویسی»، مشهور شده است هر چند چیزی جز گونه ای از توسل نیست.

## جواز شرعی

همان گونه که امکان عریضه نویسی را پذیرفتیم، می توان پذیرفت که دستور العمل خاصی برای آن از سوی راه نمایان دین و دنیای ما صادر شده و این شیوه را ساماندهی کرده باشد؛ امری که در میراث حدیثی ما، به چشم می آید.<sup>(۱)</sup>

ص: ۳۵۶

۱- (۲) برای نمونه، در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است: «مَنْ قَلَّ عَلَيْهِ رِزْقُهُ أَوْ ضَاقَتْ عَلَيْهِ مَعِيشَتُهُ أَوْ كَانَتْ لَهُ حَاجَةٌ مُهِمَّةٌ مِنْ أَمْرِ دَارِيهِ فَلْيَكْتُبْ فِي رُقْعَةٍ بَيْضَاءَ وَيَطْرَحَهَا فِي الْمَاءِ الْجَارِي عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَيَكُونُ الْأَسْمَاءُ فِي سَطْرِ وَاحِدٍ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَلِكِ الْحَقِّ [الْجَلِيلِ] الْمُبِينِ مِنَ الْعَبْدِ الدَّلِيلِ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ سَلَامٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرَ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْقَائِمِ سَيِّدِنَا وَ مَوْلَانَا - صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - رَبِّ إِنِّي مَسْنِي الضُّرِّ وَ الْخَوْفُ فَكَاشِفْ ضُرِّي وَ آمِنْ خَوْفِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ نَبِيٍّ وَ وَصِيٍّ وَ صِدِّيقٍ وَ شَهِيدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اشْفَعُوا لِي يَا سَادَاتِي بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ لَشَأْنَا مِنَ الشَّانِ فَصَدِّقْ مَسْنِي الضُّرِّ يَا سَادَاتِي وَ اللَّهُ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَافْعَلْ بِي يَا رَبِّ كَذَا وَ كَذَا؛ هر کس روزی اش کم شد یا زندگی بر او سخت گرفت یا حاجت مهمی در امور دنیایی یا آخرتی خود داشت، متن زیر را در برگه ای سپید بنویسد و آن را هنگام طلوع آفتاب در آب جاری بیندازد و اسمای الهی در یک سطر باشد: به نام خداوند بخشنده مهربان. فرمانروای حق آشکارا! از بنده ذلیل به مولای جلیل، سلام بر محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حسن و فاطمه و علی و محمد و علی و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و قائم، سرور و مولا ایمان دروهای خدا بر همه آنان. خدای من! تنگی و هراس به من

رسیده است، تنگی ام را بگشای و از هراس، ایمنم بدار. به حقّ محمّد و خاندان محمّد، و از تو می خواهم به [حق] هر پیامبر، وصی، صدیق و شهیدی که بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستی، ای مهربان ترین مهربانان! ای سروران من! مرا با منزلتی که نزد خداوند دارید، شفاعت کنید که شما نزد خداوند، شأنی بزرگ دارید. ای سروران من! به من سختی و تنگی رسیده است، و خداوند، مهربان ترین مهربانان است. پس ای خدای من، برایم چنین و چنان کن» (المصباح، کفعمی: ص ۵۳۰، البلد الأمين: ص ۱۵۷. نیز، ر. ک: المصباح، کفعمی: ص ۵۳۲، بحار الأنوار: ج ۹۴: ص ۲۳-۳۰ به نقل از: المصباح و مختصر المصباح، شیخ طوسی، مصباح الزائر: ص ۵۳۶، بحار الأنوار: ج ۱۰۲: ص ۲۳۱ و ص ۲۳۶-۲۴۵ ح ۴-۷، به نقل از کتاب العتیق الغروی).

این احادیث اسناد معتبری ندارند و بیشتر آنها در منابع متأخر و نه کهن و متقدم حدیث، یافت شده اند، اما از محتوایی مقبول برخوردارند و مضمون عمده آنها، دعوت به توحید و توجه به یگانه مؤثر حقیقی عالم وجود، و فراز آوردن صفات رحمانیت و اسمای نقش آفرین او در هستی هستند. (۱) همچنین در بسیاری از آنها، به نقش بزرگ امامان، از جمله، امام حی و حاضر، مهدی علیه السلام در برآورده شدن حاجات اشاره شده است. (۲) دو نکته ای که با آموزه های اصیل شیعی، هماهنگ اند و افزون بر این، از سوی بسیاری از بزرگان راستین و مورد اعتماد، مورد تجربه قرار

ص: ۳۵۷

---

۱- (۱) ر. ک: مکارم الأخلاق: ج ۲ ص ۲۶۰ و ۱۳۹، المحاسن: ج ۲ ص ۹۸ ح ۱۲۵۸، بحار الأنوار: ج ۹۵، ص ۲۸ و ۴۵۱.

۲- (۲) همان جا.

گرفته و طریقی آزموده شده برای رفع گرفتاری و حل مشکلات آنها بوده است. اگر چه این مضمون مقبول، نمی تواند شیوه مطرح شده در آنها را نیز مقبولیت بخشد، اما با توجه به تسامح در ادله سنن می توان آن را مردود ندانست.

گفتنی است که در هیچ یک از این دستور العمل ها چه آنها که به امامان منسوب اند و چه آنها که تنها از شهرت عملی برخوردارند، به ساختن چاه و جایی برای انداختن و ریختن این عریضه ها اشاره نشده و جای مشخصی تعیین نشده است و جز عنوان های کلی: مزار امام (۱)، آب جاری، چاه عمیق، برکه (۲)، دریا (۳) و آسمان (۴) به چشم نمی آید. از این رو، ساختن جایی و یا حفر چاهی برای این منظور و قداست بخشی به آن، منصوص نیست، و هر چند منع شرعی نیز ندارد و می توان

ص: ۳۵۸

۱- (۱) ۱. وَ تَطْرَحُهَا عَلَى قَبْرِ مَنْ قُبِرِ الْأَنْثَمَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْ فَشَدَّهَا وَ اخْتَمَهَا وَ اعْجَنَ طِينًا نَظِيفًا وَ اجْعَلَهَا فِيهِ وَ اطْرَحَهَا فِي نَهْرٍ أَوْ بئرٍ عَمِيقَةٍ أَوْ غَدِيرٍ مَاءٍ فَإِنَّهَا تَصِلُ إِلَى صَاحِبِ الْأَمْرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَتَوَلَّى قَضَاءَ حَاجَتِكَ بِنَفْسِهِ. (المصباح، كفعمی: ص ۵۳۱، البلد الأمين: ص ۱۵۷، بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۲۹). ۲. رُفِعَهُ تَكْتَبُ وَ يُوَجَّهُ بِهَا إِلَى مَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۳۶ ح ۴ به نقل از كتاب العتيق الغروي). ۳. وَ اَكْتُبَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ رُفِعَهُ وَ أَنْفِذَهَا إِلَى مَشْهَدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - وَ ارْفَعْهَا عِنْدَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۳۶ ح ۴ به نقل از كتاب العتيق الغروي).

۲- (۲) ۴. وَ اطْرَحُهَا فِي نَهْرِ جَارٍ أَوْ بئرٍ عَمِيقَةٍ أَوْ غَدِيرٍ مَاءٍ (بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۲۹). ۵. تَرْمِي فِي بئرٍ عَمِيقَةٍ أَوْ نَهْرٍ أَوْ عَيْنٍ مَاءٍ عَمِيقَةٍ (المصباح، كفعمی: ص ۵۳۳). ۶. ثُمَّ اِرْمِهَا فِي النَّهْرِ أَوْ الْبئرِ أَوْ الْغَدِيرِ تُقْضَى حَاجَتُكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى (المصباح، كفعمی: ص ۵۳۲). ۷. وَ تَطْرَحُهَا فِي مَاءٍ جَارٍ أَوْ بئرٍ فَإِنَّهُ تَعَالَى يَفْرُجُ عَنْكَ (بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۳۶ ح ۳ به نقل از البلد الأمين، المصباح، كفعمی: ص ۵۳۰). ۸. وَ يَطْرَحُهَا فِي الْمَاءِ الْجَارِي (المصباح، كفعمی: ص ۵۳۰). ۹. وَ تَطْرَحُهَا فِي نَهْرِ جَارٍ أَوْ بئرٍ مَاءٍ (بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۲۹).

۳- (۳) ۱۰. ثُمَّ تَأْخُذُ الرُّقْعَةَ فَتَرْمِي بِهَا فِي بَحْرِ أَوْ فِي نَهْرٍ (بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۴۴ ح ۶ به نقل از كتاب العتيق الغروي). ۱۱. وَ اطْوِ الْوَرْقَةَ وَ اعْمِدْ إِلَى وَسِيطِ الْبَحْرِ... وَ اِرْمِ بِهَا فِي الْبَحْرِ (بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۴۴ ح ۷ به نقل از كتاب العتيق الغروي). ۱۲. مَا يُكْتَبُ أَيْضًا عَلَى كَاغِدٍ وَ يُرْسَلُ فِي الْمَاءِ (البلد الأمين: ص ۱۵۷).

۴- (۴) ۱۳. وَ يَدُكُ بِالرُّقْعَةِ مَرْفُوعَةً نَحْوَ السَّمَاءِ (بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۲۴۱ به نقل از كتاب العتيق الغروي).

برای تسهیل کار، آن را روا شمرد، ولی قداست خاصی ندارد و از این نظر، مانند دیگر چاه ها و آب هاست، خواه حفر چاه در جایی معمولی باشد و خواه در جایی مقدّس.

آری، حکم اوّلی حفر چاه و تخصیص جا بدین منظور، حرمت نیست؛ اما بسته به شرایط زمانی و مکانی ویژه و به دلیل انطباق عناوین ثانوی بر آن، می تواند حکم آن تغییر کند.

در پایان، به دو نمونه از توسّیل به امام عصر علیه السلام به وسیله عریضه که عالم بزرگوار، محدّث نوری نقل کرده و یک نمونه، توسط آیه الله شیخ لطف الله صافی نقل شده است، اشاره می گردد:

۱. عریضه سید محمد عاملی: عابد صالح باتقوا سید محمد عاملی، فرزند سید عباس،<sup>(۱)</sup> در روستای جبشیت<sup>(۲)</sup> منطقه جبل عامل لبنان زندگی می کرد. چون ستم فراوانی بر او رفت، از وطنش گریخت.<sup>(۳)</sup> هیچ اندوخته ای نداشت، ولی انسان آبروداری بود و به کسی اظهار فقر نمی کرد. او مدّت زمانی از این جا به آن جا رفت و در خواب و بیداری، شگفتی هایی را دید تا آن که به نجف اشرف رسید و در یکی از حجره های فوقانی صحن مقدّس سکنا گزید و با همان شدّت فقرش زیست و پس از پنج سال که از روستایش بیرون آمده بود، در گذشت و جز انسان های اندکی، از فقر و ناداری اش آگاه نشدند.

او گاه به نزد من می آمد و برخی کتاب های دعا را از من عاریه می گرفت و دعایی نبود که برای گشایش رزقش نخوانده باشد؛ اما گاه چنان نادار بود که جز چند

ص: ۳۵۹

---

۱- (۱) محدّث نوری در باره وی گفته است: پدر او سید عباس، تا زمان تألیف کتاب زنده بوده است. او از عموزادگان عالم دانشمند کامل، و سید برجسته مؤید، یگانه دوران، و نامور روزگاران، سید صدر الدین عاملی است که در اصفهان ساکن شد، و شاگرد علامه طباطبایی بحر العلوم بود.

۲- (۲) در جنّه المأوی، «جبشیت» آمده است و در نجم الثاقب «جب شیث».

۳- (۳) در نجم الثاقب آمده: چون می خواستند او را وارد نظام عسکریه کنند (به سربازی بفرستند)، از وطن فرار کرد.

خرمای کوچک، چیز دیگری برای خوردن نمی یافت.

او روزگاری، هر روز به عریضه نویسی به امام زمان علیه السلام می پرداخت و آن را پیش از طلوع آفتاب، به آب [دریاچه نجف] می انداخت و در نیتش آن را به یکی از نایبان امام زمان علیه السلام می سپرد و سی و هشت یا نه روز چنین کرد. او می گوید: به گاه بازگشت [در آخرین روز] ملول و افسرده و سر به پایین افکنده می آمدم که دیدم مرد عربی از پی من می آید. بر من سلام داد و من به حداقل پاسخ اکتفا کردم و از شدت افسردگی، به او توجهی نکردم؛ ولی او در همان حال من، مقداری از مسیر را با من همراهی کرد و سپس به لهجه مردمان روستای من پرسید: «سید محمد! حاجت چیست؟ سی و هشت یا نه روز است که پیش از طلوع آفتاب به فلان جا می روی و عریضه به آب می اندازی و گمان می کنی که امامت از حاجت آگاه نیست؟».

من شگفت زده شدم؛ زیرا نه کسی را از این کارم آگاه کرده بودم و نه کسی مرا دیده و نه حتی کسی از جبل عامل و روستایمان در نجف بود که من او را شناسم، بویژه آن که لباس ویژه عراقیان را پوشیده بود که در لبنان، رایج نبود. از این رو، به خاطر آمد که به آرزوی دور و درازم رسیده و به نعمت بزرگ تشرّف دیدار، نایل آمده ام و او حجت بر زمینیان، امام زمان علیه السلام است.

من پیش ترها شنیده بودم که دست امام زمان علیه السلام، نرم و لطیف ترین دست است. با خود گفتم: با او دست می دهم، اگر دستش همان گونه بود که شنیده بودم، حق خدمت را به انجام می رسانم. دستم را دراز کردم و او نیز دست مبارکش را دراز کرد و با هم دست دادیم. دستش همان گونه بود، و به رستگاری و کامیابی خود یقین کردم. سرم را بلند کردم و صورتم را به سوی او چرخاندم تا دست مبارکش را ببوسم؛ اما کسی را ندیدم. (۱)

۲. عریضه شیخ الإسلام نائینی: عالم فاضل صالح ورع تقی، میرزا محمدحسین

ص: ۳۶۰

---

۱- (۱) جنّه المأوی (چاپ شده در بحار الأنوار: ج ۵۳): ص ۲۴۸ حکایت ۲۰، نجم الثاقب: ص ۲۷۳ حکایت ۷.



نائینی، ملقب به «شیخ الإسلامی»<sup>(۱)</sup> به ما خبر داد که برادری پدری به نام میرزا محمدسعید دارم که حال مشغول تحصیل علوم دینی است. در تقریباً سنه هزار و دویست و هشتاد و پنج [هجری]، دردی در پایش ظاهر شد و پشت قدم ورم کرد به نحوی که آن را معوج کرد و از راه رفتن، عاجز شد. میرزا احمد طیب، پسر حاجی میرزا عبد الوهاب نائینی را برای او آوردند، معالجه کرد و کجی پشت پا برطرف شد و ورم رفت و ماده، متفرق شد. چند روزی نگذشت که ماده، در بین زانو و ساق ظاهر شد و پس از چند روز دیگر، ماده در همان پا در ران پیدا شد و ماده ای در میان کتف تا آن که هر یک از آنها زخم شد و وجع (درد) شدیدی داشت. معالجه کردند و منفجر شد و از آنها چرک می آمد. قریب یک سال یا زیاده بر آن گذشت بر این حال که مشغول معالجه این قروح بود به انواع معالجات و هیچ یک از آنها ملتئم نشد؛ بلکه هر روز بر جراحت افزوده می شد و در این مدت طویله، قادر نبود بر گذاشتن پا بر زمین و او را از جانبی به جانبی به دوش می کشیدند و از جهت طول مرض، مزاجش ضعیف شد و از کثرت خون و چرک که از آن قروح بیرون رفته بود، از او جز پوست و استخوان، چیزی باقی نمانده بود. کار بر والد سخت شد و به هر نوع معالجه که اقدام می نمود، جز زیادی جراحت و ضعف حال و قوا و مزاج، اثری نداشت و کار آن زخم ها بدان جا رسید - که آن دو که یکی در ما بین زانو و ساق و دیگری در ران همان پا بود - اگر دست بر روی یکی از آنها می گذاشتند، چرک خون از دیگری جاری می شد و در آن ایام، وبای شدیدی در نایین ظاهر شده بود و ما از خوف وبا در قریه ای از قرای آن پناه برده بودیم. پس مطلع شدیم که جراح حاذقی

ص: ۳۶۱

---

۱- (۱) محمدحسین بن شیخ عبد الرحیم، ملقب به شیخ الإسلام نائینی نجفی در سال ۱۲۷۳ ق در شهر نایین زاده شد، و در سال ۱۳۵۵ ق در نجف از دنیا رفت. او عالمی جلیل القدر، اصولی، فقیه، حکیم، عارف، ادیب زبان فارسی شناس، عبادت پیشه و مدرّس بود. آثاری نیز به تحریر در آورده است (أعیان الشیعه: ج ۶ ص ۵۴).

- که او را آقا یوسف می گفتند -، در قریهٔ نزدیک قریهٔ ما منزل دارد. پس والد، کسی نزد او فرستاد و برای معالجه حاضر کرد و چون برادر مریض را بر او عرضه داشتند، ساعتی ساکت شد تا آن که والد از نزد او بیرون رفت و من در نزد او ماندم با یکی از خالوهای من که او را حاجی میرزا عبد الوهّاب می گویند. پس مدّتی با او نجوا کرد و من از فحای آن کلمات دانستم که به او خیر یأس می دهد و از من مخفی می کند که مبادا به والده بگویم، پس مضطرب شوم و به جَزَع افتد. پس والد برگشت.

آن جراح گفت که: من فلان مبلغ، اوّل می گیرم آن گاه شروع می کنم در معالجه و غرض او از این سخن، این بود که امتناع والد از دادن آن مبلغ پیش از اقدام در معالجه، وسیله باشد برای او از برای رفتن پیش از اقدام در معالجه. پس والد، از دادن آنچه خواست پیش از معالجه، امتناع نمود. پس او فرصت را غنیمت شمرد و به قریهٔ خود مراجعت نمود و والده دانستند که این عمل جراح، به جهت یأس او بود از معالجه با آن حذاقت و استادی که داشت. پس، از او مأیوس شدند و مرا خالوی دیگر بود که او را میرزا ابو طالب می گفتند در غایت تقوا و صلاح و در بلد، شهرتی داشت که رقعہ های استغاثه به سوی امام عصر خود حضرت حجّت علیه السلام که او می نویسد برای مردم سریع الإجابہ و زود تأثیر می کند و مردم در شداید و بلاها بسیار به او مراجعه می کردند. پس والده ام از او خواهش کرد که برای شفای فرزندش رقعہ استغاثه بنویسد. در روز جمعه نوشت و والده، آن را گرفته و برادرم را برداشت و به نزد چاهی رفت که نزدیک قریهٔ ما بود. پس برادرم آن رقعہ را در چاه انداخت و او معلّق بود در بالای چاه در دست والده و در این حال برای او و والد، رقتی پیدا شد. پس هر دو سخت بگریستند و این در ساعت آخر روز جمعه بود.

پس چند روز نگذشت که من در خواب دیدم که سه سوار بر اسب به هیئت و شمایل که در واقعهٔ اسماعیل هرقلی وارد شده، از صحرا رو به خانهٔ ما می آیند. پس

در آن حال، واقعه اسماعیل به خاطر آمد و در آن روزها بر آن واقف شده بودم و تفصیل آن در نظرم بود. پس ملتفت شدم که آن سوار مقدم حضرت حجّت علیه السلام است و این که آن جناب برای شفای برادر مریض من آمده و برادر مریض در فراش خود در فضای خانه بر پشت خوابیده یا تکیه داده چنانچه در غالب ایام چنین بود. پس حضرت حجّت - عجل الله تعالی فرجه - نزدیک آمدند و در دست مبارک، نیزه داشت. پس آن نیزه را در موضعی از بدن او گذاشت و گویا در کتف او بود. به او فرمود: «برخیز که خالویت از سفر آمده» و چنین فهمیدم در آن حال که مراد آن جناب از این کلام، بشارت است به قدوم خالوی دیگری که داشتم نامش حاجی میرزا علی اکبر که به سفر تجارت رفته بود و سفرش طول کشیده بود و ما بر او خایف بودیم به جهت طول سفر و انقلاب روزگار از قحط و غلای شدید. چون حضرت، نیزه را بر کتف او گذاشت و آن سخن را فرمود، برادرم از جای خواب خود برخاست و به شتاب به سوی در خانه رفت به جهت استقبال خالوی مذکور.

پس، از خواب بیدار شدم دیدم فجر، طالع و هوا روشن شده، کسی به جهت نماز صبح از خواب برنخاسته. پس از جای خود برخاستم و به سرعت نزد برادرم رفتم.

پیش از آن که جامه بر تن کنم، او را از خواب بیدار کردم و به او گفتم که: حضرت حجّت علیه السلام تو را شفا داده؛ برخیز! و دست او را گرفتم و به پا داشتم. پس مادرم از خواب برخاست و بر من صیحه زد که چرا او را بیدار کردم؛ چون به جهت شدت وجع، غالب شب بیدار بود و اندک خواب در آن حال غنیمت بود. گفتم: حضرت حجّت علیه السلام او را شفا داده! چون او را به پا داشتم، شروع کرد به راه رفتن در فضای حجره و در آن شب چنان بود که قدرت نداشت بر گذاشتن قدمش بر زمین و قریب یک سال یا زیاده چنین بر او گذشته بود و از مکانی، به مکانی او را حمل می کردند.

پس این حکایت در آن قریه منتشر شد و همه خویشان و آشنایان که بودند، جمع شدند که او را ببینند؛ چه به عقل، باور نداشتند و من خواب را نقل می کردم و

بسیار فرحناک بودم از این که من مبادرت کردم به بشارت شفا در حالتی که او در خواب بود و چرک و خون در آن روز منقطع شد و زخم‌ها ملتئم شد. پیش از گذشتن هفته و چند روز بعد از آن، خالو با غنیمت و سلامت وارد شد و در این تاریخ - که هزار و سیصد و سه [هجری] است -، تمام اشخاصی که نام ایشان در این حکایت برده شده در حیات اند جز والده و جراح مذکور که داعی حق را لَبیک گفتند، والحمد لله. (۱)

۳. آیه الله محمّد جواد صافی گلپایگانی: یکی از مراجع تقلید معاصر، فقیه عالی قدر، آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی، جریان عریضه نویسی پدر بزرگوارشان آیه الله محمّد جواد صافی گلپایگانی را چنین گزارش کرده است: «زمانی ایشان (پدرم) مبتلا به صداع و درد سر شدیدی شده بودند که مدّتی ادامه داشته و معالجات، به هیچ وجه در تخفیف و تسکین آن، سودمند نمی شده و حتّی چون در آن وقت، با عدم وسایل نقلیه، انتقال دادن ایشان به تهران برای معالجه، خیلی اشکال داشته، توسّیط نامه نیز از بعضی اطباء معروف و استاد دستور گرفته و داروهایی فرستاده بودند که هیچ یک مؤثر واقع نشده بود. بالآخره در موقعی که درد، ایشان را به شدّت رنج می داده است، همسر ایشان - که از بانوان فاضله و نمونه و دختر مرحوم آیه الله آخوند محمّدعلی، معاصر و هم دوره و هم حجره مرحوم آیه الله میرزای شیرازی بوده، و شرح حال و فضایل و کمالات و عبادات و برنامه های دعایی و عبادتی و زیارت عاشورای آن بانوی متعبّد و ملتزم به آداب اسلامی، با انجام دادن تمام مشاغل و وظایف خانه داری، بسیار جالب است - به ایشان پیشنهاد می نماید که با عریضه و رقعه استغاثه به حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - متوسّل شوند. ایشان در اثر شدّت درد، اظهار عجز و ناتوانی می نمایند؛ ولی

ص: ۳۶۴

همسرشان اصرار می کند و کاغذ و قلم می آورد، و به هر نحو بوده، عریضه را می نویسند و سپس زیر بغل ایشان را می گیرند و به زحمت، ایشان را تا سر چاهی که در مسجد مقابل بوده و در آن موقع در آن عریضه می انداختند، می آورند و ایشان شخصاً عریضه را در چاه می اندازند. به طوری که نقل می کردند، عریضه را در چاه انداختند و به منزل - که چند قدم فاصله نبود - برگشته بودند. هنوز وارد حیاط منزل یا اتاق (تردید از بنده است) نشده بودند که درد، آرام گرفت و صیداع آن چنانی، مرتفع شد و تا زنده بودند، به درد سر مبتلا نشدند. (۱)

ص: ۳۶۵

---

۱- (۱) صافی نامه و فیض ایزدی: پاورقی ص ۱۴. گفتنی است معظم له، این ماجرا را حضوراً برای مؤلف این دانش نامه (محمد محمدی ری شهری) نیز بیان فرموده است.



بخش نهم: زیارت ها

اشاره

ص: ۳۶۷

أ - زياره آل يس بروايه الاحتجاج

١١١٥. الاحتجاج: عن مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ أَنَّهُ قَالَ: خَرَجَ التَّوْقِيعُ مِنَ النَّاحِيَةِ الْمُقَدَّسَةِ حَرَسِيهَا اللَّهُ تَعَالَى - بَعْدَ الْمَسَائِلِ -: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لا - لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقِلُونَ، ولا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَهُ بِالْعَهِّ فَمَا تُغْنِي النُّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لا يُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

إذا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْنَا، فَقولوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (سَيَلَامٌ عَلَى الْإِيَّاسِيِّينَ) (١)، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي (٢) آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَّانَ (٣)

ص: ٣٤٨

١- (١) الصافات: ١٣٠، وهو مبنى على قراءه نافع وابن عامر ويعقوب وزيد، وفي قراءه عاصم «إل يس».

٢- (٢) الربانتي: العالم الراسخ في العلم والدين، أو الذي يطلب بعلمه وجه الله، وقيل: العالم العامل المعلم، وقيل: الربانتي: العالی الدرجه في العلم (لسان العرب: ج ١ ص ٤٠٤ «رب»).

٣- (٣) الديان: القهار، وقيل: الحاكم والقاضي، وهو فعال من دان الناس: أى قهرهم على الطاعه (لسان العرب: ج ١٣ ص ١٦٧ «دين»).



اشاره

۱۱۱۵. الاحتجاج - به نقل از محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری -: این توفیق از ناحیه مقدسه - که خداوند متعال حفظش کند - پس از درخواست های مکرر رسید:

«بسم الله الرحمن الرحيم. نه فرمان خدا را در می یابید و نه از اولیایش می پذیرید.

این، حکمتی رساست؛ اما هشدارها به گروهی که ایمان نمی آورند، کارگر نمی افتد.

سلام بر ما و بر بندگان شایسته اش.

هنگامی که خواستید با ما به خداوند و به خود ما روی بیاورید، همان را که خداوند متعال فرموده است: «سلام بر آل یاسین»، (۱) شما هم بگویید. سلام بر تو ای دعوتگر به خدا و عالم والای دانا به آیات او! سلام بر تو ای درگاه خدا و حاکم کننده دینش! سلام بر تو ای جانشین خدا و یاور حقش! سلام بر تو ای حجت خدا و ره نمون کننده به خواسته او! سلام بر تو ای تلاوتگر و مترجم کتاب خدا! سلام بر

ص: ۳۶۹

---

۱- (۱) «آل یس» مطابق قرائت قاریان متعددی مانند: نافع، ابن عامر، یعقوب و زید است؛ ولی قرائت رایج کنونی «إل یس» و مطابق قرائت عاصم است.

دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ، وَالغُوثُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَاً غَيْرَ مَكْذُوبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَصَلِّيَ وَتَقْنُتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرَكُعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمِيْدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ.

أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ، أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَيْبَ إِلَّاهُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ، وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ، أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنَّ رَجَعْتُمْ حَقًّا لَا شَكَّ فِيهَا، يَوْمَ «لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا» ١، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقًّا، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقًّا، وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ (١) وَالْبَعْثَ حَقًّا، وَأَنَّ الصُّرَاطَ وَالْمِرْصَادَ (٢) حَقًّا،

ص: ٣٧٠

١- (٢) نشر الميت: أي عاش بعد الموت (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٧٨٤ «نشر»).

٢- (٣) المرصاد: عن الصادق عليه السلام: هي قنطرة على الصراط لا يجوزها عبد بمظلمه (مجمع البحرين: ج ٢ ص ٧٠٤ «رصد»).

تو در لحظه لحظه شبت و پاره پاره روزت! سلام بر تو ای باقی نهاده خداوند در زمینش! سلام بر تو ای پیمان گرفته و استوار شده خداوند [از بندگانش]! سلام بر تو ای وعده ضمانت شده خدا! سلام بر تو ای پرچم برافراشته، دانش ریزان، فریادرس، رحمت گسترده و وعده بی دروغ. سلام بر تو هنگامی که بر می خیزی.

سلام بر تو هنگامی که می نشینی. سلام بر تو هنگامی که قرائت و تبیین می کنی.

سلام بر تو هنگامی که نماز و قنوت می خوانی. سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجود می کنی. سلام بر تو هنگامی که لا اله الا الله و الله اکبر می گویی. سلام بر تو هنگامی که حمد و استغفار می کنی. سلام بر تو هنگامی که صبح و شام می کنی.

سلام بر تو در شب که می پوشاند و در روز که جلوه می نماید. سلام بر تو ای امام امین! سلام بر تو ای پیشرو به او امید بسته شده! سلام بر تو؛ سلامی فراگیر.

تو را - ای مولای من - گواه می گیرم که من به یگانگی و بی همتایی خداوند و عبودیت و رسالت محمد صلی الله علیه و آله گواهی می دهم و جز محمد و خاندانش، حیبی نمی شناسم. گواهی می دهم که امیر مؤمنان، حجت خداوند است و حسن، حجت اوست و حسین، حجت اوست و علی بن الحسین، حجت اوست و محمد بن علی، حجت اوست و جعفر بن محمد، حجت اوست و موسی بن جعفر، حجت اوست و علی بن موسی، حجت اوست و محمد بن علی، حجت اوست و علی بن محمد، حجت اوست و حسن بن علی، حجت اوست و گواهی می دهم که تو حجت خدایی. شما اول و آخر هستید و رجعت شما حقیقت دارد و شکی در آن نیست، روزی که «کسی که از پیش ایمان نیآورده یا در ایمان خویش کار نیکی نکرده باشد، ایمانش را سودی نبخشد» و [گواهی می دهم که] مرگ حق است و ناکر و نکیر [دو فرشته سؤال کننده در برزخ] حق است و گواهی می دهم که زندگی پس از مرگ و برانگیخته شدن، حق است و صراط (راه گذر از دوزخ) و مرصاد (پل صراط)، حق است و وزن کردن و حساب نمودن، حق است و بهشت، حق است و دوزخ، حق است و

وَالْمِيزَانَ وَالْحِسَابَ حَقًّا، وَالْجَنَّةَ حَقًّا، وَالنَّارَ حَقًّا، وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقًّا، يَا مَوْلَايَ شَقِيَّ مَنْ خَالَفَكَمَ وَسَيَّئِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ، وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ، بَرِيءٌ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضَيْتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا سَخَطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَانْفَسِي مُؤْمِنَةً بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِأَيُّمِهِ الْمُؤْمِنِينَ (١)، وَيُكْمُ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَأَخْرُكُمْ، وَنُصِرْتِي مُعَدَّةً لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةً لَكُمْ، آمِينَ آمِينَ.

الدُّعَاءُ عَقِيبَ هَذَا الْقَوْلِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ، وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ، وَصِدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ، وَفِكْرِي نُورَ الثَّبَاتِ، وَعِزْمِي نُورَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ، وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ، وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصْرِي نُورَ الصِّيَاءِ، وَسَمْعِي نُورَ وَعْيِ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُؤَالَاهِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ، فَتَسَعَّنِي (٢) رَحْمَتِكَ، يَا وَلِيَّيَ يَا حَمِيدُ.

اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ، وَالدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمَ بِقِسْطِكَ، وَالشَّائِرَ بِأَمْرِكَ، وَوَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ (٣) الْكَافِرِينَ، وَمُجْلِيَ الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرَ الْحَقِّ، وَالسَّاطِعِ (٤) بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ، الْمُرْتَقِبِ

ص: ٣٧٢

١- (١) لم ترد عبارته «وبأيئمه المؤمنين» في بحار الأنوار.

٢- (٢) في بحار الأنوار: «فَتَعَشَّنِي».

٣- (٣) البوار: الهلاك (النهاية: ج ١ ص ١٦١ «بور»).

٤- (٤) في بحار الأنوار: «الناطق» بدل «الساطع».

وعدۀ [به بهشت] و تهدید [به دوزخ]، حق است.

ای مولای من! هر که با شما مخالفت کرد، بدبخت شد و هر کس از شما اطاعت کرد، خوش بخت شد. پس بر آنچه تو را بر آن گواه گرفتم، برایم [نزد خدا] گواه باش؛ که من، دوستدار تو هستم و از دشمنت بیزارم. حق، آن است که شما به آن خشنودید و باطل، آن است که شما از آن ناخشنودید و معروف، آن است که شما به آن فرمان می دهید و منکر، آن است که شما از آن باز می دارید. جانم به خدای یگانه بی همتا ایمان دارد و نیز به فرستاده اش و امیر مؤمنان و ائمه مؤمنان و به شما ای مولایم! به اول و آخرتان. و یاری ام برای شما آماده و دوستی ام برای شما خالص و ناب است. دعایم را اجابت کن، اجابت کن!«.

### دعای پس از این زیارت

«بسم الله الرحمن الرحيم. خدایا! از تو می خواهم که بر محمد، پیامبر رحمت و کلمه نورت درود فرستی و دلم را از نور یقین و سینه ام را از نور ایمان و اندیشه ام را از نور ثبات و عزمم را از نور علم و نیرویم را از نور عمل و زبانم را از نور راستی و دینم را از نور بصیرت های از نزد خودت و دیده ام را از نور درخشش [خودت] و گوشم را از نور حکمت نگاه دارنده و دوستی ام را از دوستی محمد و خاندانش - که بر ایشان درود - آکنده کن تا تو را در حالی دیدار کنم که به عهد و پیمانانت وفا کرده باشم و رحمت مرا در بر بگیری، ای سرپرست! ای ستوده!

خدایا! درود فرست بر حجّت در زمینت و جانشینت در سرزمین هایت و دعوتگر به سوی راهت و قیام کننده به عدالتت و برانگیخته به فرمانت، سرپرست مؤمنان، هلاک کننده کافران، از میان برنده تاریکی، روشن کننده حقیقت، پرتوافشان [یا سخنران به] راستی و حکمت، کلمه کاملت در زمینت، بیمناک مراقب، ولی خیرخواه، کشتی رهایی، پرچم هدایت و نور دیدگان مردم و بهترین کسی که جامه

الْخَائِفِ، وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَيْفِيهِ النَّجَاهِ، وَعَلَمِ الْهُدَى، وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَمُجَلِّي الْعَمَى، الَّذِي يَمَلَأُ  
الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيائِكَ، الَّذِينَ فَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبَتْ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَتْهُمْ تَطْهِيرًا.

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانصُرْ بِهِ [لدينيك، وانصُرْ بِهِ] (١) أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ.

اللَّهُمَّ اعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ  
وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَّلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعِدَلَ، وَأَيِّدْهُ بِالنُّصْرِ، وَانصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ  
خَاذِلِيهِ، وَاقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ، وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كَانُوا فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بَرَّهَا  
وَبَحْرَهَا، وَامْلَأْ بِهَا الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ  
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ص: ٣٧٤

١- (١) سقط ما بين المعقوفين من المصدر وأثبتناه من بحار الأنوار.

و ردا [ای حکومت] می پوشد و از بین برنده ناینایی، کسی که زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد؛ که تو بر هر کاری توانایی.

خدایا! بر ولایت و فرزند اولیایت، کسانی که اطاعتشان را لازم و حقشان را واجب کردی و آلودگی را از آنان زدودی و پاک و پاکیزه شان ساختی، درود فرست.

خدایا! یاری اش کن و دینت را با او یاری ده و اولیایت را و اولیای او و پیروان و یاورانش را به وسیله او یاری ده و ما را از آنان قرار ده.

خدایا! او را از شرّ هر متجاوز طغیانگر و از شرّ همه آفریده هایت در پناه خود بگیر، و او را از پیش رو و پشت سرش و راست و چپش حفظ و حراست کن و از این که بدی ای به او برسد، مانع شو و پیامبر و خاندان پیامبرت را در او محافظت کن و عدالت را با او پدیدار بنما و او را با نصرت استوار بدار و یاورانش را یاری ده و واگذارند گانش را و بگذار و سرکشان کافر را با او درهم کوب و کافران و منافقان و همه کژروان را با دستان او به هلاکت برسان، در هر کجا که باشند، در شرق و غرب زمین یا در دریا و خشکی، و زمین را با او از عدالت آکنده کن و دین پیامبرت را با او آشکار ساز. خدایا! مرا از یاران، یاوران، دنباله زوان و پیروان او قرار بده و آنچه را خاندان محمّد - که درود بر ایشان باد - امید دارند و دشمنشان از آن بیم دارند، به من بنمایان. ای خدای حق! دعایم را اجابت کن، ای صاحب جلال و اکرام! ای رحیم ترین رحیمان» (۱).

ص: ۳۷۵

١١١٦. المزار الكبير: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُ الْفَقِيهُ الْعَالِمُ أَبُو مُحَمَّدٍ عَرَبِيُّ بْنُ مُسَافِرِ الْعِبَادِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قِرَاءَةً عَلَيْهِ بِدَارِهِ بِالْحِلَّةِ السِّيفِيَّةِ (٢) فِي شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ سَنَةِ ثَلَاثٍ وَسَبْعِينَ وَخَمْسِمِائَةٍ، وَحَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْعَفِيفُ أَبُو الْبَقَاءِ هَبَةُ اللَّهِ بْنُ نَمَاءِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قِرَاءَةً عَلَيْهِ أَيْضاً بِالْحِلَّةِ السِّيفِيَّةِ، قَالَا جَمِيعاً: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَمِينُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ بْنِ طَحَالٍ الْمَقْدَادِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ، بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الطَّرِزِ (٣) الْكَبِيرِ الَّذِي عِنْدَ رَأْسِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ سَنَةِ تِسْعٍ وَثَلَاثِينَ وَخَمْسِمِائَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُ السَّيِّدُ الْمُفِيدُ أَبُو عَلِيِّ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِالْمَشْهَدِ الْمَذْكُورِ، فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ، سَنَةِ تِسْعٍ وَخَمْسِمِائَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا السَّيِّدُ السَّعِيدُ الْوَالِدُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْنَانَ الْبَزَّازِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْقُمِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ زَنْجَوِيهِ الْقُمِّيُّ،

ص: ٣٧٦

١- (١) أورد مؤلف كتاب «المزار الكبير» في باب التوجه للإمام المهدي عليه السلام: قال أبو علي الحسن بن أشناس: وأخبرنا أبو محمّد عبد الله بن محمّد الدعلجى، قال: أخبرنا أبو الحسين حمزه بن محمّد بن الحسن بن شبيب، قال: عرّفنا أبو عبد الله أحمد بن إبراهيم، قال: شكوت إلى أبي جعفر محمّد بن عثمان شوقى إلى رؤيه مولانا عليه السلام فقال لى: مع الشوق تشتهى أن تراه، فقلت له: نعم، فقال لى: شكر الله لك شوقك وأراك وجهك فى يسر وعافيه، لا تلتمس يا أبا عبد الله أن تراه، فإن أيام الغيبه تشتاق إليه، ولا- تسأل الاجتماع معه، إنها عزائم الله والتسليم لها أولى، ولكن توجه إليه بالزياره. فأما كيف يعمل وما أملاه عند محمّد بن عليّ فانسخوه من عنده، وهو التوجه إلى الصاحب بالزياره بعد صلاه اثنتى عشره ركعه. تقرأ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» فى جميعها ركعتين ركعتين، ثم تصلى على محمّد وآله وتقول قول الله جل اسمه: «سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ» ذلك هو الفضل المبين من عند الله والله ذو الفضل العظيم، إمامه من يهديه صراطه المستقيم، وقد آتاكم الله خلافته يا آل ياسين، وذكرنا فى الزياره وصلى الله على سيدنا محمّد النبى وآله الطاهرين (المزار الكبير: ص ٥٨٥).

٢- (٢) الحِلَّة: مدينة كبرى بين الكوفه وبغداد، وصارت أفخر بلاد العراق وأحسنها مدّه حياه سيف الدوله صدقه بن منصور الأسدى (معجم البلدان: ج ٢ ص ٢٩٤).

٣- (٣) الطَّرِز: بيت إلى الطول، فارسى. وقيل: هو البيت الصَّيْفِيُّ (لسان العرب: ج ٥ ص ٣٦٨ «طرز»).



۱۱۱۶. المزار الکبیر - به سند متصلش از ابو جعفر محمّد بن عبد الله حمیری - از سوی ناحیه مقدّسه (۲) - که خداوند حفظش کند - پس از درخواست ها و نماز و توجّه، متنی آمد که ابتدایش این است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. نه امر خدا را در می یابید و نه از اولیایش می پذیرید؛ حکمتی رسا که در افراد بی ایمان کارگر نمی شود، و سلام بر ما و بندگان شایسته خدا.

هنگامی که خواستید به وسیله ما به خداوند متعال و ما توجّه کنید، همان را

ص: ۳۷۷

۱- (۱) مؤلف المزار الکبیر در باب توجّه به امام مهدی علیه السلام آورده است: «ابو علی حسن بن اشناس گفت: ابو محمّد عبد الله بن محمّد دعلجی برای ما نقل کرد و گفت: ابوالحسن حمزه بن محمّد بن حسن بن شیب، برای ما روایت کرد و گفت: ابو عبد الله احمد بن ابراهیم برای ما تعریف کرده و گفت: به ابو جعفر محمّد بن عثمان از اشتیاقم به دیدار مولایمان علیه السلام شکوه کردم. او به من گفت: «با اشتیاق علاقه مند دیدار ایشان هستی؟». به او گفتم: آری. گفت: «خداوند سپاس گزار اشتیاق تو باشد. در چهره ات عافیت و آسایش می بینم. ای ابو عبد الله! دنبال دیدن ایشان نباش؛ چرا که تو در دوران غیبت، شوق دیدار داری، و نخواه که با او در یک جا باشی؛ چه این که غیبت، حکم قطعی خداوند است، و تسلیم بودن در برابر آن، بهتر است. اما [در عین حال] دنبال توجّه به او با زیارت او باش، اما این که چگونه باید عمل شود؟ آنچه پیش محمّد بن علی املا و دیکته کرد، آن را از پیش خود او بنویسید، و آن توجّه به صاحب زمان علیه السلام با زیارت کردن است، پس از خواندن دوازده رکعت نماز دو رکعتی که در آن "قل هو الله احد" را در هر رکعت نماز می خوانی، بعد بر محمّد و خاندان محمّد صلوات می فرستی، و قول خداوند - جلّ اسمہ - را می خوانی: «سلام علی آل یاسین». این همان فضل آشکار از جانب خداوند است، و خداوند، فضل بزرگ دارد. امام، کسی است که به راه راست هدایت می کند. ای آل یاسین! خداوند خلافت او و ذکر ما را در زیارت، به شما داده است. صلوات خداوند بر سرور ما محمّد پیامبر و خاندان پاکش».

۲- (۲) سید ابن طاووس در مصباح الزائر، این را زیارت دوم صاحب الزمان علیه السلام قرار داده و آن را معروف به «ندبه» دانسته و نوشته است: «آن از سوی ناحیه مقدّسه برای ابو جعفر محمّد بن عبد الله حمیری - که خدایش بیامرزد - آمده و فرمان داده که در سرداب مقدّس خوانده شود».

قال: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ أَشْنَسٍ:

أَخْبَرَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الشَّيْبَانِيُّ، أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ أَخْبَرَهُ وَأَجَازَ لَهُ جَمِيعَ مَا رَوَاهُ، أَنَّهُ خَرَجَ إِلَيْهِ مِنَ النَّاحِيَةِ (١) - حَرَسَهَا اللَّهُ - بَعْدَ الْمَسَائِلِ وَالصَّلَاةِ وَالتَّوَجُّهِ، أَوْلَهُ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لا - لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقِلُونَ، وَلا مِنْ أَوْلِيائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِالْعَهَةِ (٢) عَنْ قَوْمٍ لا يُؤْمِنُونَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

فَإِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَإِلَيْنَا، فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى (٣): (سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ) ٤، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ، وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، لِمَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ.

التَّوَجُّهُ:

قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ يَا آلَ يَاسِينَ خِلَافَتَهُ، وَعَلِمَ مَجَارِي أَمْرِهِ، فِيمَا قَضَاهُ وَدَبَّرَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ، وَكَشَفَ لَكُمْ الْغِطَاءَ، وَأَنْتُمْ خَزَنَتُهُ وَشُهَدَاؤُهُ، وَعُلَمَاؤُهُ وَأَمَنَّاؤُهُ، وَسَاسَةُ الْعِبَادِ وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ، وَقُضَاءُ الْأَحْكَامِ، وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ (٤). وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَازِحَ الْعَطَاءِ بِكُمْ إِنْفَادُهُ مَحْتَمًا مَقْرُونًا، فَمَا شَيْءٌ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ وَإِلَيْهِ السَّبِيلُ، حِيَارُهُ لَوْلِيكُمْ نِعْمَةً، وَإِنْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ سَخَطُهُ، فَلَا نَجَاةَ وَلا مَفْرَعَ إِلَّا أَنْتُمْ، وَلا - مَيْذَبَ عَنْكُمْ، يَا أَعْيُنَ اللَّهِ النَّاطِرَةَ، وَحَمَلَةَ مَعْرِفَتِهِ، وَمَسَاكِينَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَيِّمَائِهِ، وَأَنْتَ - يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَبَقِيَّتَهُ - كَمَالُ نِعْمَتِهِ،

ص: ٣٧٨

١- (١) أورد السيد ابن طاووس في مصباح الزائر صدر هذه الزيارة هكذا: زياره ثانيه لمولانا صاحب الزمان - صلوات الله عليه - وهي المعروفه بالنديه، خرجت من الناحيه المحفوفه بالقدس إلى أبي جعفر محمد بن عبد الله الحميري - رحمه الله -، وأمر أن تتلى في السرداب المقدس وهي: بسم الله الرحمن الرحيم، لا لأمر الله تعقلون....

٢- (٢) زاد في البحار: فما تغني الآيات والنذر.

٣- (٣) ليس في مصباح الزائر: فإذا أردتم التوجه بنا إلى الله تعالى وإلينا، فقولوا كما قال الله تعالى. وليس في بحار الأنوار: فقولوا كما قال الله تعالى.

٤- (٤) زاد في مصباح الزائر: وسلاله النبيين، وصفوه المرسلين، وعتره خيره رب العالمين.

بگویید که خداوند متعال فرموده است: [\(۱\)](#) «سلام بر آل یاسین». [\(۲\)](#) این همان فضل آشکار است و خداوند، دارای فضل و بخششی بزرگ برای کسی است که او را به راه راست هدایت می کند.

## توجه

ای آل یاسین! خداوند، جانشینی اش، آگاهی از مجراهای کارش در قضا و تدبیرش و نیز اراده اش در ملکوتش را به شما داد و پرده را برایتان کنار زد و شما گنجوران، گواهان، عالمان، امانتداران، سیاستمدار امور بندگان، پایه های هر سرزمین، قاضیان احکام و دروازه های ایمان [\(۳\)](#) هستید.

و از تقدیر او در بخشیدن عطایا به شما آن است که امضای نهایی و حتمی کردن آن را به شما سپرده است و هیچ چیزی از آن نیست جز آن که شما سبب و راه آن هستید. گزیده خدا برای دوستدار شما نعمت بخشی و انتقامش از دشمنان، ناخشنودی و خشم است. هیچ نجات و پناهی جز شما وجود ندارد و راهی جز شما نیست. ای چشم های بینای خداوند و حاملان معرفتش و جایگاه های توحیدش در زمین و آسمانش! و تو - ای حجت و باقی نهاده خداوند - کمال نعمت خدایی؛ وارث پیامبران و خلفایی - تا هر جا که از روزگاران به آن برسیم - تو صاحب رجعت و بازگشتی که خدایمان آن را وعده داده و حکومت حق و گشایش کار ما و یاری خدا برای ما و عزت ما در آن است.

ص: ۳۷۹

- 
- ۱- (۱) در مصباح الزائر این فراز نیست: «اگر به ما و از طریق ما به خداوند متعال روی آورید، همان گونه که خداوند متعال فرموده است، بگویید». در بحار الأنوار، این فراز نیست: «پس همان گونه که خداوند متعال گفته، بگویید».
- ۲- (۲) «آل یاسین» مطابق قرائت قاریان متعددی مانند: نافع، ابن عامر، یعقوب و زید است؛ ولی قرائت رایج کنونی «إل یاسین» و مطابق قرائت عاصم است.
- ۳- (۳) در مصباح الزائر افزوده است: «و نسل پیامبران، برگزیده فرستادگان و خاندان برگزیده خدای جهانیان».

ووارث أنبيائه وخلفائه ما بلغناه من دهرنا، وصاحب الرجعه لوعد ربنا التي فيها ذوله الحق وفرجنا، ونصر الله لنا وعزنا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ، وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعَدَاً غَيْرَ مَكْذُوبٍ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمَرَأَى وَالْمَسْمَعِ الَّذِي بَعَيْنِ اللَّهِ مَوَاقِفُهُ، وَيَدِ اللَّهِ عَهْدُهُ، وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ سُلْطَانُهُ. أَنْتَ الْحَكِيمُ الَّذِي لَا تُعْجَلُهُ الْعَصْبِيَّةُ [الْمَعْصِيَّةُ]، وَالكَرِيمُ الَّذِي لَا تُبْخَلُّهُ الْحَفِيظَةُ، وَالْعَالِمُ الَّذِي لَا تُجْهَلُهُ الْحَمِيَّةُ، مُجَاهِدٌ تَكَ فِي اللَّهِ ذَاتَ مَشِيئِهِ اللَّهُ، وَمُقَارَعَتِكَ فِي اللَّهِ ذَاتَ انْتِقَامِ اللَّهِ، وَصَبْرِكَ فِي اللَّهِ ذُو أَنَاهِ اللَّهِ، وَشُكْرِكَ لِلَّهِ ذُو مَزِيدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَحْفُوظًا بِاللَّهِ، اللَّهُ نُورُ أَمَامِهِ وَوَرَائِهِ، وَيَمِينِهِ وَشِمَالِهِ، وَفَوْقَهُ وَتَحْتَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَخْزُونًا فِي قُدْرَةِ اللَّهِ، اللَّهُ نُورٌ سَمِعِهِ وَبَصِيرَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، وَيَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَنَهَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقْنُتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَعُودُ وَتُسَبِّحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمَجِّدُ وَتَمْدَحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمَسِي وَتُصْبِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ وَرُعَاتِنَا، وَقَادَتَنَا وَأَيْمَّتَنَا، وَسَادَتَنَا وَمَوَالِينَا، السَّلَامُ

سلام بر تو ای پرچم برافراشته، دانش ریزان، فریادرس، رحمت گسترده و وعده بی دروغ!

سلام بر تو ای کسی که همه چیز در جلوی چشم و گوش اوست (۱) و پیمان هایش پیش روی خدا و عهدش به دست خداوند، و حکومتش به قدرت خدا، گره خورده است! تو فرزانه ای هستی که عصیّت، او را به عجله نمی اندازد، و بزرگواری هستی که ناراحتی او را از بخشش باز نمی دارد، و دانایی هستی که حمیت، او را سبک سر نمی سازد. جهادت به خاطر و خواست خدا، نبردت برای او و در راستای انتقام الهی و صبرت برای همو و برخاسته از مهلت دهی خدا [به ستمکاران] و سپاس گزاری ات از خدا برای فزون بخشی و رحمت خداست.

سلام بر تو ای حفظ شده به دست خدا! ای که خداوند، نور پیش رو و پشت و راست و چپ و بالا و پایینش است! سلام بر تو ای نهفته در [آستین] قدرت خداوند! ای که خداوند، نور دیده و گوش اوست! سلام بر تو ای وعده تضمینی خدا! ای پیمان بر گرفته و استوار شده خدا! سلام بر تو ای دعوتگر به سوی خدا و عالم والا و دانا به آیات او! سلام بر تو ای درگاه خدا و حاکم کننده دینش!

سلام بر تو ای جانشین خدا و یاور حقش! سلام بر تو حجت خدا و رهنمون کننده به خواستش! سلام بر تو تلاوتگر و مترجم کتاب خدا! سلام بر تو در لحظه لحظه شب و روزت! سلام بر تو ای باقی نهاده خدا در زمینش! سلام بر تو هنگامی که بر می خیزی.

سلام بر تو هنگامی که می نشینی. سلام بر تو هنگامی که قرائت و تبیین می کنی. سلام بر تو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت می گیری. سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجده می کنی. سلام بر تو هنگامی که استعاذه و تسبیح می کنی. سلام بر تو هنگامی که "لا اله الا الله" و "الله اکبر" می گویی. سلام بر تو هنگامی که حمد و استغفار می کنی. سلام بر تو هنگامی که [خدا را] بزرگ می داری و می ستایی. سلام بر تو هنگامی که صبح و شام می کنی. سلام بر تو هنگامی که شب می پوشاند و روز جلوه می کند. سلام بر تو در آخرت و دنیا.

ص: ۳۸۱

---

۱- (۱) برای آگاهی از دلیل این ترجمه، ر. ک: الخرائج والجرائح: ج ۲ ص ۹۳۱.

عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا، وَأَنْتُمْ جَاهُنَا أَوْقَاتَ صَلَوَاتِنَا، وَعِصْمَتُنَا لِدُعَائِنَا وَصَلَاتِنَا، وَصِيَامِنَا وَاسْتِغْفَارِنَا، وَسَائِرِ أَعْمَالِنَا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ، اشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ مَوْسَى بْنَ جَعْفَرَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مَوْسَى حُجَّتَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ دُعَاءَ وَهُدَاةَ رُشْدِكُمْ.

أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَخَاتِمَتُهُ، وَأَنْ رَجَعْتُمْ حَقًّا لَا شَكَّ فِيهَا، يَوْمَ «لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا» ١، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقًّا، وَأَنَّ مُنْكَرًا وَنَكِيرًا حَقًّا، وَأَنَّ النَّشْرَ حَقًّا، وَالْبَعْثَ حَقًّا، وَأَنَّ الصُّرَاطَ حَقًّا، وَالْمِرْصَادَ حَقًّا، وَأَنَّ الْمِيزَانَ حَقًّا، وَالْحِسَابَ حَقًّا، وَأَنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقًّا، وَالْجَزَاءَ بِهِمَا لِلْوَعْدِ وَالْوَعِيدِ حَقًّا، وَأَنَّكُمْ لِلشَّفَاعَةِ حَقًّا لَا تُرَدُّونَ، وَلَا تَسْبِقُونَ بِمَشِيئَةِ اللَّهِ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ. وَلِلَّهِ الرَّحْمَةُ وَالْكَلِمَةُ الْعَلِيَا، وَبِيَدِهِ الْحُسْنَى، وَحُجَّتُهُ اللَّهُ النَّعْمَى، خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِعِبَادَتِهِ، أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ، فَشَقِيٌّ وَسَعِيدٌ، قَدْ شَقِيَ مَنْ خَالَفَكُمْ، وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ.

وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ، فَاشْهَدْ بِمَا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ، تَخْزِنُهُ وَتَحْفَظُهُ لِي عِنْدَكَ، أَمُوتْ عَلَيْهِ وَأُنْشِرْ عَلَيْهِ، وَأَقِفْ بِهِ وَلِيًّا لَكَ، بَرِيئًا مِنْ عَدُوِّكَ، مَاقِتًا لِمَنْ أَبْغَضَكَ، وَادًّا لِمَنْ

سلام بر شما ای حجت‌ها و مراقبان گمارده شده خدا بر ما! زمامداران و پیشوایان ما؛ سیاستمداران و سرپرستان ما. سلام بر شما که نور ما و به گاه نمازهای ما آبروی ما و به هنگام دعا و نماز و روزه و استغفار و دیگر اعمالمان، نگاهدار ما هستید.

سلام بر تو ای امام به او امید بسته شده! سلام بر تو با سلامی فراگیر. تو را - ای مولای من - گواه می‌گیرم که من به یگانگی و بی‌همتایی خداوند و عبودیت و رسالت محمد صلی الله علیه و آله گواهی می‌دهم و جز محمد و خاندانش، حبیبی نمی‌شناسم. و گواهی می‌دهم که امیر مؤمنان، حجت‌خداوند است و حسن، حجت‌اوست و حسین، حجت‌اوست و علی بن الحسین، حجت‌اوست و محمد بن علی، حجت‌اوست و جعفر بن محمد، حجت‌اوست و موسی بن جعفر، حجت‌اوست و علی بن موسی، حجت‌اوست و محمد بن علی، حجت‌اوست و علی بن محمد، حجت‌اوست و حسن بن علی، حجت‌اوست. گواهی می‌دهم که تو حجت‌خدایی، و پیامبران، دعوتگران خدایند و هدایتگران [به] رشد شما.

شما اول و آخر و پایان آنان هستید و رجعت شما حقیقت دارد و شکی در آن نیست، روزی که «کسی که از پیش ایمان نیاورده یا در ایمان خویش کار نیکی نکرده باشد، ایمانش را سودی نبخشد» و [گواهی می‌دهم که] مرگ، حق است و ناکر و نکیر [دو فرشته سؤال کننده در برزخ]، حقند و گواهی می‌دهم که زندگی پس از مرگ و برانگیخته شدن، حق است و صراط (راه گذر از دوزخ) و مرصاد (پل صراط)، حق است و وزن کردن و حساب نمودن، حق است و بهشت، حق است و دوزخ حق است و جزا دادن به آن دو به خاطر وعده و تهدید به آن دو، حق است.

شما حق شفاعت دارید بی آن که رد شود و بر خواست خدا پیشی نمی‌جوئید، و به فرمان او عمل می‌کنید و رحمت و بالاترین کلمه از آن خداوند است و نیکی به دست اوست و حجت، منت نهاده خداست. جن و انس را برای عبادتش آفرید و از بندگانش، بندگی خود را می‌خواهد و شقی و سعید شدن بندگانش به مخالفت با شما و اطاعت از شماست.

و تو - ای مولای من - بر آنچه برایت گواهی دادم، گواه باش. آن را برایم نزد خودت نگه دار و حفظ کن. بر آن می‌میرم و محشور می‌شوم و با آن در موقف قیامت می‌ایستم در حالی که دوستدار تو و بیزار از دشمنان هستم. از دشمنان شما نفرت و به دوست

أَحَبَّكُمْ، فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمُوهُ، وَالبَاطِلُ مَا أَسْخَطْتُمُوهُ، وَالمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، وَالقَضَاءُ المَثْبُتُ مَا اسْتَأْثَرْتُمْ بِهِ مَشِيئَتِكُمْ، وَالمَمْحُورُ مَا لَمْ اسْتَأْثَرْتُمْ بِهِ سُنَّتِكُمْ.

فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَمُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، الحَسَنُ حُجَّتُهُ، الحُسَيْنُ حُجَّتُهُ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ، جَعْفَرٌ حُجَّتُهُ، موسى حُجَّتُهُ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ، عَلِيُّ حُجَّتُهُ، الحَسَنُ حُجَّتُهُ، وَأَنْتَ حُجَّتُهُ، وَأَنْتُمْ حُجَّتُهُ وَبِرَاهِينِهِ.

أَنَا يَا مَوْلَايَ مُسْتَبِشِرٌ بِالبَيْعَةِ الَّتِي أَخَذَ اللّٰهُ عَلَيَّ شَرْطَهُ، قِتَالًا فِي سَبِيلِهِ، اشْتَرَى بِهِ أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ، فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللّٰهِ [وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ] وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ، أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَيَّدَةٌ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ، وَبِرَاءَتِي مِنْ أَعْدَائِكُمْ - أَهْلِ الحَزْدِ (١) وَالجِدَالِ - ثَابِتَةٌ لِثَارِكِكُمْ، أَنَا وَلِيُّ وَحِيدٌ، وَاللّٰهُ إِلَهُ الحَقِّ يَجْعَلُنِي كَذَلِكَ، آمِينَ آمِينَ، مَنْ لِي إِلا أَنْتَ فِيمَا دِنْتُ، وَاعْتَصَيْتُ بِكَ فِيهِ، تَحْرُسُنِي فِيمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ، يَا وَقَايَةَ اللّٰهِ وَسِتْرَهُ وَبَرَكَتَهُ، أَغْنِنِي، أَدْرِكْنِي، صِلْ لِي بِكَ وَلَا تَقْطَعْنِي.

اللّٰهُمَّ إِلَيْكَ بِهِمْ تَوَشَّلِي وَتَقَرَّبِي، اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصِلْ لِي بِهِمْ وَلَا تَقْطَعْنِي، اللّٰهُمَّ بِحُجَّتِكَ اعْصِمْنِي، وَسَلَامُكَ عَلَيَّ آلِ يَاسِينَ، مَوْلَايَ أَنْتَ الجَاهُ عِنْدَ اللّٰهِ رَبِّكَ وَرَبِّي.

الدُّعَاءُ بِعَقِبِ القَوْلِ:

اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ مِنْ كُلِّكَ، فَاسْتَقَرَّ فِيكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى

ص: ٣٨٤

١- (١) حَزْدٌ: غَضَبٌ وَحِقْدٌ (مجمع البحرين: ج ١ ص ٣٨٣ «حرد»).



شما محبت دارم. حق، آن است که شما پسندیدید و باطل، آن است که شما ناپسند داشتید و معروف، آن است که شما به آن امر کردید و منکر، آن است که شما از آن نهی کردید و قضای ثابت شونده، آن است که خواست شما به آن اختصاص یابد و قضای محوشدنی، آن است که خواست شما به آن اختصاص نیابد.

خدایی جز خدای یگانه بی همتا نیست و محمّد، بنده و پیامبر اوست. علی، امیر مؤمنان، حجت اوست، حسن، حجت اوست. حسین حجت اوست، علی [بن الحسین]، حجت اوست، محمّد [بن علی]، حجت اوست، جعفر [بن محمّد]، حجت اوست، موسی [بن جعفر]، حجت اوست، علی [بن موسی]، حجت اوست، محمّد [بن علی]، حجت اوست، علی [بن محمّد]، حجت اوست، حسن [بن علی]، حجت اوست، و تو حجت اویی، و شما حجت ها و برهان های او هستید.

ای مولای من! من به بیعتی که خداوند از من گرفته تا بر پایه آن در راهش بجنگم و او در عوض، جان های مؤمنان را بخرد، شادمانم و جانم به خداوند یکتای بی همتا و پیامبرش و امیر مؤمنان ایمان دارد و به شما - ای مولای من - از اول تا آخرتان نیز ایمان دارم و یاری ام برایتان آماده و دوستی ام برایتان خالص و بیزاری ام از دشمنانتان و کینه توزان ستیزه جو، استوار است و در پی انتقام خونتان هستم. من دوستداری یگانه ام و خداوند، خدای حق، مرا این گونه قرار می دهد. آمین! آمین! جز تو چه کسی را دارم در [ادای] آنچه به گردن دارم و به خود تو برای آن درآویختم. مرا در آنچه با آن به تو تقرب جسته ام حفظ می کنی، ای حفاظت و پوشش و برکت الهی! به فریادم برس و مرا دریاب! مرا به خود بچسبان و از من مبر!

خدایا! با ایشان به تو توسّل و تقرب می جویم. خداوند! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به ایشان پیوند ده و از ایشان مگسل. خدایا! مرا به خاطر حجتت حفظ کن. سلام تو بر آل یاسین. مولای من! تو آبروی [من] نزد خداوندی، خدای تو و خدای من!

### دعای پس از این زیارت

خدایا! از تو درخواست می کنم به آن سمت که از تمامت آفریدی و در تو جای گرفت

شَيْءٍ أَبَدًا، أَيَا كَيِّنُونَ أَيَا مُكَوِّنُونَ، أَيَا مُتَعَالٍ أَيَا مُتَقَدِّسٍ، أَيَا مُتَرَحِّمٍ أَيَا مُتَرَائِفٍ، أَيَا مُتَّحِنِينَ.

أَسَأْ لُبِّكَ كَمَا خَلَقْتَهُ غَضًّا أَنْ تُصَيِّمِي عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ، وَكَلِمَةِ نَوْرِكَ، وَوَالِدِ هُدَاةِ رَحْمَتِكَ، وَامْلَأْ قَلْبِي نَوْرَ الْيَقِينِ، وَصِيْدِرِي نَوْرَ الْإِيمَانِ، وَفِكْرِي نَوْرَ الثَّبَاتِ، وَعَزْمِي نَوْرَ التَّوْفِيقِ، وَذِكَائِي نَوْرَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِي نَوْرَ الْعَمَلِ، وَلِسَانِي نَوْرَ الصُّدُقِ، وَدِينِي نَوْرَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصْرِي نَوْرَ الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي نَوْرَ وَعْيِ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي نَوْرَ الْمُوَالَاهِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَنَفْسِي نَوْرَ قُوَّةِ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ.

حَتَّى الْفَاكِ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ، فَلْتَسِعْنِي رَحْمَتُكَ يَا وَلِيُّيَ يَا حَمِيدُ، بِمَرَاكَ وَمَسْمَعِكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ دُعَائِي، فَوَفِّئْنِي مُنْجَزَاتِ إِجَابَتِي، أَعْتَصِمُ بِكَ، مَعَكَ مَعَكَ سَمِعِي وَرِضَايَ.

ص: ٣٨٦

و هیچ گاه از تو، به سوی چیزی بیرون نمی آید. ای وجود محض! ای وجود دهنده! ای والا! ای منزّه از هر ناشایستگی! ای ترحم کننده! ای آرامش دهنده! ای مهربان! از تو می خواهم همان گونه که او را تازه و شاداب آفریدی، بر محمد، پیامبر رحمت و کلمه نورت و پدر راه نمایان رحمت، درود فرستی و دلم را از نور یقین، و سینه ام را از نور ایمان، و اندیشه ام را از نور ثبات، و عزمم را از نور توفیق، و تیزهوشی ام را از نور علم، و نیرویم را از نور عمل، و زبانم را از نور صدق، و دینم را از نور بصیرتی از جانب خودت، و دیده ام را از نور روشنی، و گوشم را از نور دربرگیرنده حکمت، و محبتم را از نور دوستی محمد و خاندانش، و جانم را از قوت بیزاری از دشمنان خاندان محمد، پر کن تا تو را در حالی دیدار کنم که به عهد و پیمانت وفا کرده باشم و رحمت مرا فرا بگیرد. ای سرپرست! ای ستوده! ای حجت خدا! دعایم را می بینی و می شنوی. پس آنچه را به اجابتشان می رساند برایم کامل کن. به تو چنگ زده ام.

گوشم و نیز رضایتم با توست، با تو». (۱)

ص: ۳۸۷

---

۱- (۱) المزار الکبیر: ص ۵۶۶، مصباح الزائر: ص ۴۳۰، بحار الأنوار: ج ۹۴ ص ۳۶ ح ۲۳ (به نقل از: خطّ شیخ محمد بن علی جبعی).

شیوهٔ عالمان سلف، بر آن بوده است که در نقل ادعیه و زیارات، سختگیری سندی نمی کرده اند و به تسامح در ادلهٔ سنن قائل بوده اند. این شیوه، با سختگیری در گزارش احادیث فقهی - حقوقی، کاملاً متفاوت بوده است.

از این رو مشاهده می شود مرحوم شیخ طوسی، احادیث فقهی موجود در کتاب تهذیب الأحکام را با دقت در اسناد گزارش می کند؛ ولی در کتاب مصباح المتهدجد، شیوهٔ معمول ایشان، گزارش متون ادعیه و زیارت، بدون ذکر اسناد است.

بنا بر این، پیگیری اسناد منضبط و دقیق فقهی در متون ادعیه و زیارات، گاه پژوهشگر را دچار مشکل می کند؛ چون این شیوه نزد پیشینیان، متعارف و معمول نبوده است.

در تأیید این شیوه می گوئیم: مناجات، دعا و زیارت، گونه ای ابراز احساس و عاطفه نسبت به معبود یا بندگان خالص و برگزیدهٔ اوست. از این رو، مضامین و مفاهیم عارفانه و عاشقانه، در آنها نمود خاص دارد. در ارزیابی و سنجش دعا، «مضمون و محتوا» مورد توجه است نه بحث و دقت در سند و طریق، از این رو، حتی فراتر از قاعدهٔ تسامح در ادلهٔ سنن نیز می توان مناجات، دعا و زیارت را پذیرا

شد، همان گونه که برخی از جانب خود، دعا و زیارت انشا می کرده اند.<sup>(۱)</sup>

روشن است که مناجات، دعا و زیارت مأثور، جایگاهی ویژه در فرهنگ اسلامی و شیعی دارد و اقبال بدانها بیش از ادعیه غیر مأثور بوده است؛ زیرا به اهل بیت علیهم السلام منسوب بوده است و تغییر و تبدیل آن به هیچ وجه روا نبوده است، همان گونه که امام صادق علیه السلام تغییر عبارت «یا مقلب القلوب» در دعای غریق را به «یا مقلب القلوب و الأبصار» ناصحیح برشمردند.<sup>(۲)</sup> ولی سخن آن است که در خصوص این گروه، سختگیری سندی همانند روایات فقهی، انجام نمی گرفته است. خلاصه آن که پیگیری دقت و انضباط موجود در اسناد فقهی، در دیگر متون و از جمله زیارات، ضروری نیست. اکنون با آگاهی از این شیوه، به بررسی مصادر و اسناد زیارت آل یس می پردازیم.

زیارت آل یس، اظهار ارادتی عاشقانه به امام عصر علیه السلام است که از ناحیه مقدسه (نهاد و کالت) صادر شده است. مصدر اصلی این حدیث، کتاب الاحتجاج طبرسی (م حدود ۵۶۰ ق)<sup>(۳)</sup> و المزار الکبیر ابن مشهدی (ق ۶ ق)<sup>(۴)</sup> است.

ص: ۳۸۹

۱- (۱) سید ابن طاووس در الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان (ص ۲۰) می گوید: «و نحن ما نذكر في الإنشاء من الدعاء إلّاما نجده غير رويه و لا- كلفه بل إفاضه علينا من مالک الأشياء هو ربّي و حسبي كما قال جلّ جلاله «ذَلِكُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي» (یوسف: آیه ۳۷)؛ دعاهایی که ما خود انشا کرده ایم چنان است که در بیان آنها هیچ فکر و مشقّتی تحمّل نکرده ایم؛ بلکه خداوند تعالی - که همه چیز از آن اوست و تنها پروردگار من است و زمام کارهایم به دست قدرت اوست - به من افاضه فرموده و بر زبانم جاری ساخته است؛ همچنان که خداوند (از قول یوسف علیه السلام) فرمود: «این دانش را خدای به من آموخته است.» همچنین ر. ک: مهج الدعوات: ص ۴۰۰: «و من ألفاظ دعوات جرت في خاطري في الخلوات...»؛ از جمله الفاظی که در خلوت ها به خاطر من گذشته است...»؛ ص ۳۶۱: «ذكر دعاء ورد علي خاطري؛ از جمله دعاهایی که به خاطر من رسیده است.»

۲- (۲) ر. ک: ج ۵ ص ۴۱۳ ح ۱۰۰۴ (دعای غریق).

۳- (۳) ر. ک: ح ۱۱۱۵ (زیارت آل یس به روایت الاحتجاج).

۴- (۴) ر. ک: ح ۱۱۱۶ (زیارت آل یس به روایت المزار الکبیر).

ظاهراً زیارت آل یس، از ذخایر موجود در نهاد و کالت محسوب می شده که توسط نایبان خاص و یا افراد مجاز زیر مجموعه آنان در اختیار مشتاقان قرار گرفته و در گزارش های موجود، ورود یافته است:

۱. کهن ترین گزارش از این زیارت، به نقل از محمد بن عثمان عمری، نایب دوم امام عصر علیه السلام است. ابو عبد الله، احمد بن ابراهیم می گوید: شوق و علاقه خود را به دیدار امام عصر علیه السلام بر ابو جعفر محمد بن عثمان گفتم. او ضمن ارج نهادن به اشتیاق من گفت: «در پی دیدار نباش و با زیارت، به او توجه کن. برای یافتن زیارت نیز نزد محمد بن علی برو و زیارت را از او استنساخ کن و...» (۱) ابن مشهدی سند این گزارش را در ادامه گزارش حسین بن روح و پس از دعای ندبه، ذکر کرده است.

۲. گزارش مشهور، زیارت آل یس به نقل از محمد بن عبد الله حمیری است.

محمد بن عبد الله حمیری با نایب سوم امام عصر علیه السلام، حسین بن روح، ارتباط داشت و مکاتبات و توقیعات فراوانی برای او صادر شده است؛ ولی در باره درخواست او از حسین بن روح برای دیدار با امام، گزارشی در دست نیست. به عبارت دیگر، سبب صدور زیارت آل یس برای حمیری بر ما روشن نیست.

این زیارت در کتاب الاحتجاج (۲) و با تفاوتی نسبتاً فراوان در کتاب المزار الکبیر (۳) نقل شده است. سید ابن طاووس نیز این زیارت را با تفاوتی آشکار به نقل از حمیری، گزارش و اضافه کرده است:

زیاره ثانیه لمولانا صاحب الزمان - صلوات الله علیه - و هی المعروفه بالندبه خرجت من الناحیه المحفوفه بالقدس إلی أبی جعفر محمد بن عبد الله الحمیری؛ و

ص: ۳۹۰

۱- (۱) ر. ک: المزار الکبیر: ص ۵۸۵.

۲- (۲) ر. ک: ح ۱۱۱۵.

۳- (۳) ر. ک: ح ۱۱۱۶.

أمر أن تتلى في السرداب المقدس و هي....

این را زیارت دوم صاحب الزمان علیه السلام قرار داده و آن را معروف به «ندبه» دانسته و نوشته است: آن از سوی ناحیه مقدسه برای ابو جعفر محمد بن عبد الله حمیری - که خدایش پیامرزد - آمده و فرمان داده که در سرداب مقدس خوانده شود. (۱)

نام گذاری زیارت آل یس به ندبه و دستور به خواندن آن در سرداب مقدس، تنها در مصباح الزائر آمده است و در مصادر دیگر وجود ندارد.

نتیجه آن که کهن ترین گزارش ها از زیارت آل یس، مربوط به سده ششم هجری است و مصادر موجود قبل از این دوره، این زیارت را گزارش نکرده اند.

### اسناد زیارت آل یس

مجموعه گزارش های زیارت آل یس، از منظر سندی، این گونه تحلیل می شود:

۱. گزارش طبرسی در کتاب الاحتجاج از زیارت آل یس، به گونه مرسل است و نیاز به بررسی اسناد ندارد.

۲. ابن مشهدی در کتاب المزار الکبیر، چندین سند برای زیارت آل یس نقل کرده است. جمع بندی اسناد موجود در این کتاب، سرانجام، ما را به پنج یا شش طریق برای زیارت آل یس ره نمون می کند. (۲)

ص: ۳۹۱

۱- (۱) مصباح الزائر، ص ۴۳۰. این گزارش، تفاوت هایی با گزارش های دیگر دارد. گفتنی است که این زیارت، با دعای ندبه مشهور تفاوت دارد و نام گذاری مصباح الزائر نباید این ذهنیت را به وجود آورد که آنها یکسان اند.

۲- (۲) او از طریق دو نفر از اساتید خود، ابو محمد عربی بن مسافر عبادی و ابو البقاء هبه الله بن نما، بدین گونه زیارت آل یس را گزارش کرده است: از ابو عبد الله الحسین بن احمد بن محمد بن علی بن طحال مقدادی، از ابو علی حسن بن محمد طوسی، از پدرش، از محمد بن اسماعیل، از محمد بن شناس بزاز، از ابو حسین محمد بن احمد بن یحیی قمی، از محمد بن علی بن زنجویه قمی، از ابو جعفر محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری. افزون بر این دو طریق، ابو علی حسن بن شناس گفته است: «أخبرنا ابو المفصل محمد بن عبد الله الشیبانی: أن أبا جعفر محمد بن عبد الله بن جعفر الحمیری أخبره...». أبو علی الحسن بن شناس همچنین گفته است: «أخبرنا أبو محمد عبد الله بن محمد الدعلجی، عن أبي الحسين حمزه بن محمد بن الحسن بن شبيب، عن أبي عبد الله أحمد بن ابراهیم عن أبي جعفر محمد بن عثمان العمري» (ر. ک: ص ۳۷۶ ح ۱۱۱۶).

۳. به نظر می‌رسد اسامی راویان موجود در المزار الکبیر در برخی از طبقات، دچار تصحیف شده باشد. مثلاً «محمّد بن اسماعیل، عن محمد بن اشناس ظاهراً تحریف شده» «حسن بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن اشناس» است که استاد شیخ طوسی است، در حالی که محمد بن اسماعیل و محمد بن اشناس در میان راویان و در این طبقه وجود ندارند.

افزون بر محمد بن اسماعیل و محمد بن اشناس، ابو الحسن محمد بن احمد بن یحیی قمی نیز ناشناخته است که می‌تواند تصحیف شده محمد بن احمد بن علی بن الحسن بن شاذان قمی باشد که در این طبقه، موجود است.

۴. با توجه به تصحیفات پدید آمده در اسناد کتاب المزار الکبیر، ارزیابی دقیق افراد واقع در اسناد، بسیار مشکل است؛ چون برخی از نام‌ها، مجهول یا مهمل هستند. از این رو، سند موجود در کتاب المزار الکبیر، از اعتبار لازم برخوردار نیست؛ ولی اگر تصحیف ذکر شده متن پیشین پذیرفته شود، برخی از افراد واقع در سند، معلوم خواهند شد و این گزارش، شایسته اعتبار شمرده می‌شود.

۵. ابن مهدی در ابتدای کتاب المزار الکبیر در اعتبار منقولات خود نوشته است:

فإني جمعت في كتابي هذا... مما اتصلت به من ثقات الرواة الى السادات. (۱)

من در این کتابم، گردآوری کردم... آنچه را که به آن رسیدم از راویان مورد اعتماد تا بزرگان.

برخی با استناد به این سخن ادعا کرده‌اند که این توثیق عام است و تمام افراد واقع در کتاب را شامل می‌شود. از این رو، همانند کتاب تفسیر القمّی و کامل الزیارات خواهد بود. (۲) آیه الله خوئی این نظر را صواب ندانسته و نوشته است: توثیقات عام از جانب نویسندگان کهن مقبول است؛ ولی از جانب نویسندگان متأخر - که فاصله

ص: ۳۹۲

---

۱- (۱) المزار الکبیر: ص ۲۷.

۲- (۲) ر. ک: خاتمه مستدرک الوسائل: ج ۱ ص ۳۶۰، مستدرکات علم رجال الحدیث: ج ۱ ص ۶۲.



زمانی با راویان دارند -، مورد قبول نیست. (۱) مطابق با نظر ایشان، توثیق ابن مشهدی تنها نسبت به اساتید خود پذیرفته خواهد بود و در بقیه موارد، اعتباری ندارد؛ زیرا ابن مشهدی با آنان معاصر نبوده است تا توثیق حسی نسبت بدان افراد داشته باشد.

۶. در هر طریق از پنج طریق موجود در اسناد زیارت آل یس، برخی از افراد، توثیق شده اند و برخی ممدوح هستند. در هر طریق، حداقل یک نفر ضعیف یا مجهول نیز وجود دارد که باعث کاهش اعتبار سند می گردد. در دو طریق، محمد بن علی بن زنجویه قمی قرار دارد که مجهول است. در دو طریق دیگر، ابوالمفضل محمد بن عبد الله شیبانی قرار دارد که تضعیف شده است. (۲) در طریق پنجم نیز حمزه بن محمد بن حسن بن شیب قرار دارد که مجهول است.

با توجه به نکات بالا، اعتبار لازم اسنادی احراز نمی شود و ضرورتی به بحث در باره بقیه افراد سند، وجود ندارد.

۷. برخی ابوالمفضل شیبانی را تنها در سال های پایانی عمر او ضعیف شمرده اند؛ زیرا شیخ طوسی در توصیف او گفته است:

كثير الروايه حسن الحفظ غير انه ضعفه جماعه من أصحابنا. (۳)

پُر حدیث و نیک حافظه بوده است؛ اما جمعی از اصحاب ما او را تضعیف کرده اند.

نجاشی در باره او گفته است:

كان في أول أمره ثباً ثم خلط و رأيت جل أصحابنا يغمزونه و يضعفونه... رأيت هذا الشيخ و سمعت منه كثيراً ثم توقفت عن الروايه عنه إلا بواسطة بيني و بينه. (۴)

ص: ۳۹۳

---

۱- (۱) معجم رجال الحديث: ج ۱ ص ۵۱.

۲- (۲) ر. ك: رجال النجاشي: ج ۲ ص ۳۲۲ ش ۱۰۶۰ که در آن آمده است: رأيت جل أصحابنا يغمزونه؛ دیده ام که همه اصحاب از او بدگویی می کنند.

۳- (۳) الفهرست، طوسی: ص ۲۱۶ ش ۶۱۰.

۴- (۴) رجال النجاشي: ج ۲ ص ۳۲۲ ش ۱۰۶۰.

در ابتدای کارش دقیق بود، اما بعداً مطالب را خلط می کرد. دیده ام که همه اصحاب ما از او بدگویی می کنند و تضعیفش می کنند... من این شیخ را دیدم و از وی روایات زیادی را شنیدم، و بعداً، در نقل روایت او متوقف شدم، جز از طریق واسطه ای که میان من و او بود.

از سخن نجاشی معلوم می شود که او در دوره اول عمر خود، دقیق و منضبط بوده است و در سال های پایانی عمر خویش به سبب پیری و یا علل دیگر، دقت و انضباط خود را از دست داده است.

از این رو نجاشی، احادیث دوره اول عمر او را با واسطه نقل می کند؛ ولی احادیث دوره پایانی عمر او را گزارش نمی کند. لذا با فرض آن که زیارت آل یس در غیر از سال های پایانی او نقل شده باشد، مقبول خواهد بود.

### جمع بندی مباحث سندی

در جمع بندی مطالب پیشین باید گفت:

۱. با معیار تسامح در ادله سنن، زیارت آل یس، مقبول است و شایستگی قرائت دارد.
۲. اگر توثیق عام ابن مشهدی، نویسنده کتاب المزار الکبیر را نسبت به تمامی راویان موجود در کتاب بپذیریم، تمام متون موجود در آن، از جمله زیارت آل یس، معتبر خواهد بود.
۳. بیشتر افراد واقع در سند، ممدوح هستند و تنها یک یا دو نفر در هر طریق، تضعیف شده یا مجهول هستند.
۴. با فرض پذیرش وثاقت ابوالمفضل شیبانی در سال های اولیه عمر او و پذیرش گزارش زیارت آل یس در آن سال ها، این طریق، حسن خواهد بود. چون تمام افراد آن، ثقه یا ممدوح هستند.

۵. در صورت عدم پذیرش هر یک از مبانی پیشین، اسناد زیارت آل یس از اعتبار لازم برای استناد برخوردار نیست.

### در باره متن زیارت آل یس

زیارت آل یس، اظهار ارادت عارفانه و عاشقانه به ساحت مقدس امام عصر علیه السلام است که یک شیعه معتقد، با برشمردن ویژگی های امام (بوئزه امام عصر علیه السلام)، ایشان را مخاطب قرار می دهد و با ذکر برخی حالات عبادی و غیر عبادی قائم علیه السلام، سلامی عاشقانه به ایشان می گوید. آن گاه به شمارش معارف لازم شیعی از شهادتین تا شهادت بر امامان علیه السلام و بیان عقاید شیعی می پردازد و به گونه ای نسبتاً کامل، ایمان خویش را بر ایشان عرضه می دارد و موضوعاتی همچون: توحید، نبوت، امامت، رجعت، معاد، بهشت و دوزخ، حساب و کتاب، صراط و میزان را به عنوان ارکان ایمان مطرح می کند و سرانجام، ولایت خود نسبت به امامان و برائت خویش از دشمنان ایشان را به روشنی باز می گوید.

عرضه مجموعه عقاید و باورهای شیعی به امامان شیعه، توسط عالمان و راویان دیگر نیز انجام شده است؛ از جمله می توان به حدیث عرض ایمان جناب عبد العظیم حسنی علیه السلام به امام هادی علیه السلام اشاره کرد.<sup>(۱)</sup>

از این منظر، زیارت آل یس، افزون بر اظهار ارادت، گزارشی از معارف اصلی شیعی و عرض آن به محضر امام عصر علیه السلام است که پیشینه ای متقن در روایات دارد و مطابق با هندسه معارف اسلامی و شیعی است.<sup>(۲)</sup>

تنها نکته قابل بحث در زیارت آل یس، یکی از فرازهای اولیه آن است که می گوید:

ص: ۳۹۵

---

۱- (۱) ر. ک: کمال الدین: ص ۳۷۹ ح ۱، الأمالی، طوسی: ص ۴۱۹ ح ۵۵۷، التوحید: ص ۸۱ ح ۳۷.

۲- (۲) این گزارش بر اساس نقل کتاب الاحتجاج است که با گزارش کتاب المزار الکبیر و مصباح الزائر نیز سازگار است. این دو کتاب، اضافاتی نیز دارند که در این گزارش، مورد توجه نیست.

إِذَا أَرَدْتُمْ التَّوَجَّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْنَا، فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ»، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبِّيَّيَ آيَاتِهِ... (۱)

هنگامی که خواستید با ما به خداوند و به خود ما روی بیاورید، همان را بگویید که خداوند متعال فرموده است: سلام بر آل یاسین. سلام بر تو ای دعوتگر به خدا و عالم والای دانا به آیات او!....

ظاهراً مراد از کلام الهی، قرآن کریم است. در حالی که عبارت «سلام علی آل یاسین» به صورت ذکر شده در قرآن وجود ندارد. بدین ترتیب، این عبارت به آیه «سَلَامٌ عَلَى إِلْيَاسِينَ»<sup>۲</sup> ناظر است، در حالی که قرائت مشهور و رسمی از این آیه با عبارت موجود در روایت، ناسازگار جلوه می کند.

در باره عبارت یاد شده، نکاتی قابل ذکر است:

۱. در گزارش سید ابن طاووس در مصباح الزائر، عبارت «فقولوا كما قال الله تعالى»؛ وجود ندارد؛ بلکه دستور به گفتن سلام علی آل یس را مطرح کرده و نوشته است:

حِكْمَةٌ بِالْغَةِ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ (سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ)، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ. (۲)

حکمتی رسا که در افراد بی ایمان کارگر نمی شود، و سلام بر ما و بندگان شایسته خدا (سلام بر آل یاسین). این همان فضل آشکار است.

۲. مصادر تفسیری سنی و شیعی، قرائت «سلام علی آل یس» را به عنوان قرائت غیر مشهور یاد کرده و آن را به «آل محمد صلی الله علیه و آله» تفسیر کرده اند.

فخر رازی در تفسیر خود آورده است:

قرأ نافع و ابن عامر و يعقوب، آل ياسين على إضافة آل إلى لفظ ياسين و الباقون

ص: ۳۹۶

۱- (۱) ر. ک: ح ۱۱۱۵.

۲- (۳) مصباح الزائر: ص ۴۳۰.

بکسر الألف و جزم اللام موصوله بیاسین أما القراءه الأولى ففيها وجوه: الأول: و هو الأقرب أنا ذكرنا أنه الياس بن ياسين فكان الياس آل ياسين. الثاني: آل ياسين، آل محمد صلى الله عليه و آله و الثالث: أن ياسين اسم القرآن، كأنه قيل: سلام الله على من آمن بكتاب الله الذي هو ياسين. (۱)

نافع و ابن عامر و يعقوب «آل ياسين» را به گونه ای که آل به ياسين اضافه شده باشد، قرائت کرده اند؛ ولی دیگران به کسر الف و جزم لام وصل به ياسين خوانده اند. قرائت اولی دارای چند احتمال است: اول که از همه نزدیک تر است، ما ذکر کردیم که الياس پسر ياسين بوده، پس الياس آل يس بوده. دوم، آل ياسين، آل محمّد است. سوم، ياسين اسم قرآن است و گویا گفته شده: سلام بر کسی که به کتاب الهی، ایمان آورده، که همان ياسين است.

آلوسی نیز در کتاب روح المعانی، قرائت «سلام على آل ياسين» را از نافع و ابن عامر و يعقوب و زيد بن علي نقل می کند و در تأیید آن می نویسد:

و كتب في المصحف العثماني منفصلاً ففيه نوع تأييده لهذه القرائه... و قيل ياسين فيها اسم لمحمّد صلى الله عليه و آله فأل ياسين آله - عليه الصلاة و السلام - . أخرج ابن أبي حاتم و الطبراني و ابن مردويه عن ابن عباس انه قال في «سلام على آل ياسين»: نحن آل محمد آل ياسين و هو ظاهر في جعل ياسين إسماً له صلى الله عليه و آله. (۲)

در مصحف عثمانی به صورت جداگانه و خارج متنی نوشته که در آن، نوعی تأیید بر این قرائت است... گفته شده که در ياسين نام محمد صلى الله عليه و آله هست. پس آل ياسين، آل محمد - عليه الصلاة و السلام - است. ابن ابی حاتم، طبرانی و ابن مردويه از ابن عباس نقل کرده اند که او در باره «سلام على آل ياسين» گفته است: «ما آل محمد، آل ياسين هستیم». و این نشان می دهد که ياسين، نام محمد صلى الله عليه و آله قرار داده شده است.

ص: ۳۹۷

۱- (۱) تفسیر الکبیر، فخر رازی: ج ۲۶ ص ۱۶۲.

۲- (۲) روح المعانی: ج ۲۳ ص ۱۴۲.

شیخ طوسی در کتاب تبیان،<sup>(۱)</sup> قرائت نافع و ابن عامر و یعقوب را نقل کرده و آن را به معنای آل محمد صلی الله علیه و آله دانسته است. طبرسی در مجمع البیان نیز قول ابن عباس در تفسیر آل یاسین را نقل کرده است.<sup>(۲)</sup>

دیگر مفسران شیعه و سنی هم این قرائت را نقل و به «آل محمد» معنا کرده و یا آن را یکی از احتمالات برشمرده اند.<sup>(۳)</sup>

۳. در حدیثی به نقل از اهل بیت علیهم السلام نیز با اشاره به این آیه، «یاسین» به عنوان نام پیامبر صلی الله علیه و آله و «آل یاسین» به اهل بیت علیهم السلام تفسیر شده است.<sup>(۴)</sup> تفسیر برهان، پنج حدیث از این مجموعه آورده است.<sup>(۵)</sup>

گفتنی است که بعضی از این احادیث، مرسل اند و برخی مسند. تنها یکی از اسناد شیخ صدوق را با اغماض می توان معتبر شمرد.

البته اطلاق «یس» به عنوان نام خاص پیامبر صلی الله علیه و آله<sup>(۶)</sup> و «آل یس» به عنوان اهل بیت علیهم السلام - بدون نظر به آیه سوره صافات - در احادیث و متون دیگر نیز تکرار شده و امری پذیرفته است.<sup>(۷)</sup>

احتمال دیگر در توجیه این عبارت، آن است که آن را به حدیث قدسی ای اشاره بدانیم که قول خداوند است؛ ولی قرآن نیست. بنا بر این «قولوا كما قال الله تعالى سلام

ص: ۳۹۸

۱- (۱) التبیان فی تفسیر القرآن: ج ۸ ص ۵۲۳.

۲- (۲) مجمع البیان: ج ۸ ص ۷۱۲.

۳- (۳) تفسیر ابو الفتوح رازی: ج ۱۶ ص ۲۳۴، تفسیر غریب القرآن: ص ۵۸۷، کنز الدقائق: ج ۱۱ ص ۱۷۷، تفسیر السمرقندی: ج ۳ ص ۱۴۴، تفسیر الثعلبی: ج ۸ ص ۱۶۹، شواهد التنزیل: ج ۲ ص ۱۶۸، البحر المحیط: ج ۷ ص ۳۵۸، فتح القدیر: ج ۴ ص ۳۵۹.

۴- (۴) عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج ۱ ص ۲۳۷، تحف العقول: ص ۴۳۳، تأویل الآیات الظاهره: ج ۲ ص ۴۹۸، الاحتجاج: ج ۱ ص ۵۹۷، دعائم الإسلام: ج ۱ ص ۳۰.

۵- (۵) البرهان: ج ۴ ص ۶۲۴-۶۲۷.

۶- (۶) ر. ک: الکافی: ج ۶ ص ۲۰.

۷- (۷) بحار الأنوار: ج ۲۳ ص ۱۶۷-۱۷۲، باب «إن آل یس، آل محمد صلی الله علیه و آله».

علی آل یس» اشاره به حدیث قدسی خواهد بود.

۴. سیاق آیات، نشانگر آن است که مراد از إلی یاسین، حضرت الیاس علیه السلام یکی از پیامبران پیشین است و پیامبر گرامی اسلام مورد نظر نیست. بنا بر این، «سلام علی الیاسین» نمی تواند به ظاهر به آل یس قرائت یا معنا شود. سوره صافات، آیه ۷۲ تا ۱۳۰، به پیامبرانی چون: نوح، ابراهیم، موسی، هارون و الیاس و برخورد ناروای مردم با آنان اشاره کرده و پس از داستان نوح علیه السلام این گونه آورده است:

«وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ \* سَلَامٌ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ \* إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ. ۱»

و در میان آیندگان [آوازه نیک] او را بر جای گذاشتیم، درود بر نوح در میان جهانیان! ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. به راستی او از بندگان مؤمن ما بود».

و پس از بیان ماجرای ابراهیم علیه السلام این گونه فرموده است:

«وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ \* سَلَامٌ عَلَى إِبْرَاهِيمَ \* كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ. ۲»

و در [میان] آیندگان برای او [آوازه نیک] به جای گذاشتیم. درود بر ابراهیم! نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم. در حقیقت، او از بندگان باایمان ما بود».

و پس از داستان موسی علیه السلام و هارون فرموده است:

«وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ \* سَلَامٌ عَلَى مُوسَى وَ هَارُونَ \* إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ. ۳»

و برای آن دو در [میان] آیندگان [نام نیک] به جای گذاشتیم. درود بر موسی و هارون! ما نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم؛ زیرا آن دو از بندگان باایمان ما

آن گاه در ذکر ماجرای الیاس و قوم او سخن گفته است:

«وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ اللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ فَكَذَّبُوهُ فَأَنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ \* وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ \* سَلَامٌ عَلَى إِلْيَاسِينَ \* إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ \* إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۱۰»

و به راستی الیاس از فرستادگان [ما] بود \* به قوم خود گفت: «آیا پروا نمی دارید؟ \* آیا "بعل" را می پرستید و بهترین آفرینندگان را و می گذارید؟! \* [یعنی:] خدا را که پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست؟!». \* پس او را دروغگو شمردند، و قطعاً آنها [در آتش] احضار خواهند شد \* مگر بندگان پاک دین خدا \* و برای او در [میان] آیندگان [آوازه نیک] به جای گذاشتیم. \* درود بر الیاس! \* ما نیکوکاران را این گونه پاداش می دهیم؛ \* زیرا او از بندگان باایمان ما بود».

در ادامه به لوط و یونس هم اشاره می کند.

از این رو، ظاهر آیات سوره صافات، به الیاس اشاره دارد و قرائت آل یس به معنای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در این موضع، صحیح نمی نماید.

۵. می توان تفسیر ال یاسین به آل یاسین و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را تفسیر باطنی یا تأویلی قرآن شمرد که از ظاهر لفظ عبور کرده و معارف غیر قابل دستیابی را برای ما بیان کرده است.

۶. احتمال دیگر آن است که در زیارت آل یاسین، تنها با اشاره به سلام علی ال یس، در صدد بیان نحوه سخن گفتن و سلام دادن بر اهل بیت علیهم السلام است؛ زیرا در جایی که خدای متعال بر بندگان صالح خود این گونه سلام می دهد، مردمان نیز می باید به این شیوه آموزشی عمل کنند و همانند زیارت آل یس با اهل بیت علیهم السلام



سخن گویند و بر آنان سلام دهند.

بنا بر این، آل یس در این جا به معنای آل یس دانسته نشده و قرائت غیر مشهور نیز تأیید نشده است.

۷. نتیجه آن که با توجه به مجموعه مطالب پیشین، قرائت زیارت آل یاسین خطاب به امام مهدی علیه السلام با توجه به سند و متن موجود، رجاء مطلوب و شایسته است و عرض ایمان بر اهل بیت علیهم السلام تلقی می شود. در میان گزارش های موجود از زیارت آل یاسین، گزارش سید ابن طاووس در کتاب مصباح الزائر، از دقت بیشتری برخوردار است؛ به سبب آن که از اشکالات مطرح شده در گزارش های دیگر، مبرا است.

ص: ۴۰۱

١١١٧. المزار الكبير: استغاثته إلى صاحب الزمان عليه السلام: من حيث تكون تُصلى ركعتين بالحمد وسوره، وقم مُستقبل القبله تحت السماء وقل:

سَلامُ اللَّهِ الكامِلُ التَّيَّامُ الشَّامِلُ العامُّ، وَصِيْلَمَواتُهُ وَبَرَكاتُهُ القائِمَةُ التَّامَةُ، عَلَي حُجَّهِ اللَّهِ وَوَلِيَّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَي خَلْقِهِ وَعِبادِهِ، سَلالَةِ النُّبُوِّهِ وَبَقِيَّهِ العِترَةِ وَالصَّفْوَةِ، صاحِبِ الزَّمانِ، وَمُظهِرِ الإِيمانِ، وَمُعَلِّمِ أَحكامِ القُرْآنِ، مُطَهِّرِ الأَرْضِ، وَناشِرِ العَدْلِ فِي الطَّوْلِ وَالعَرَضِ، الحُجَّهِ القائِمِ المَهديِّ، وَالإمامِ المُنْتَظَرِ المُرْتَضَى، الطَّاهِرِ ابْنِ الأئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ، الوَصِيِّ ابْنِ الأوصِياءِ المَرْضِيَّةِ، الهادِي المَهديِّ ابْنِ الأئِمَّةِ المَعصومِينَ.

السَّلامُ عَلَيكَ يا وارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَالْمُسْتَوْدَعِ حُكْمِ الوَصِيَّةِ، السَّلامُ عَلَيكَ يا مُعزِّ المُؤمِنِينَ المُسْتَضْعَفِينَ، السَّلامُ عَلَيكَ يا مُيَدِّلَ الكافِرِينَ المُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ، السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ يا صاحِبِ الزَّمانِ يا بَنَ رَسولِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيكَ يا بَنَ أميرِ المُؤمِنِينَ وَابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهراءِ سَيِّدَةَ العالَمِينَ، السَّلامُ عَلَيكَ يا بَنَ الحُجَّجِ عَلَي الخَلْقِ أَجمَعِينَ، السَّلامُ عَلَيكَ يا مَولايَ سَلامَ مُخْلِصٍ لَكَ فِي الوِلاءِ.

أشْهَدُ أَنَّكَ الإمامُ المَهديُّ قَولاً- وَفِعْلاً- وَأَنَّكَ الَّذِي تَمَلَأُ الأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَسَيَهَّلَ مَخْرَجَكَ، وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصارَكَ وَأَعوانَكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ ما وَعَدَكَ وَهُوَ أَصْدَقُ القائِلِينَ: «وَأُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَي الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمُ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الوارِثِينَ» ١.

۱۱۱۷. المزار الکبیر: استغاثه به صاحب الزمان علیه السلام: هر جا هستی، دو رکعت نماز با حمد و سوره می خوانی و برمی خیزی و رو به قبله و زیر آسمان می ایستی و می گویی: «سلام تمام و کمال و فراگیر و همه سویه خداوند و درودها و برکات استوار و کاملش بر حجت خدا و ولی او در زمین و سرزمین های خدا! جانشین او میان آفریده ها و بندگانش، از نسل نبوت و باقی مانده عترت برگزیده؛ صاحب زمان و پدیدار کننده ایمان و آشکار کننده احکام قرآن؛ پاک کننده زمین و گستراننده عدالت در طول و عرض [زمین]؛ حجت قائم، مهدی و امام پسندیده ای که چشم به راهش هستند؛ پاک و فرزند امامان پاک؛ وصی و فرزند وصیان پسندیده؛ راه نمای ره یافته؛ فرزند امامان معصوم.

سلام بر تو ای وارث علم پیامبران و امانتدار حکم وصیان! سلام بر تو ای عزت بخش مؤمنان مستضعف! سلام بر تو ای خوار کننده کافران متکبر ستمکار! سلام بر تو ای مولای من، صاحب الزمان، فرزند پیامبر خدا! سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان و فرزند فاطمه زهرا، سرور زنان جهان! سلام بر تو ای فرزند حجت ها [ای خدا] بر همه مردم! سلام بر تو ای مولای من؛ سلام دوست خالص تو!

گواهی می دهم تو امامی ره یافته در گفتار و کرداری، و تو کسی هستی که زمین را از عدل و داد پر می کنی. خداوند در فرجت تعجیل کند و خروجت را آسان سازد و زمانت را نزدیک کند و یاران و یاورانت را فراوان نماید و وعده اش را به تو به انجام رساند؛ که او راستگوترین گوینده است: «و می خواهیم بر مستضعفان زمین، منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان [زمین] قرار دهیم».

ای مولای من! ای صاحب الزمان! ای فرزند پیامبر خدا! حاجتم این و آن است.

يا مولاى يا صاحب الزمان يابن رسول الله، حاجتى كذا وكذا فاشفع لى فى نجاجها،(١) فقد توجهت إليك بحاجتى لعلمى أن لك عند الله شفاعه مقبوله ومقاماً محموداً، فبحق من اختصكم لأمره، وارتضاكم لسره، وبالشأن الذى بينكم وبينه، سل الله تعالى فى نجح طلبتى، وإجابته دعوتى، وكشف كرتى.

٣/١: الزيارة الثالثة

١١١٨. المزار الكبير - فى زياره مولانا الخلف الصالح صاحب الزمان عليه وعلى آباءه السلام - : زيارة اخرى له عليه السلام:

إذا وصيت إلى حرمه صلى الله عليه وآله وسلم بسير من رأى، فاغتسل والبس أطهر ثيابك، وقف على باب حرمه عليه السلام قبل أن تنزل السرداب، وزر بهذه الزيارة وقل:

السلام عليك يا خليفة الله وخليفه آباءه المهديين، السلام عليك يا وصي الأوصياء الماضين، السلام عليك يا حافظ أسرار رب العالمين، السلام عليك يا بقیة الله من الصفوة المنتخبين، السلام عليك يابن الأنوار الزاهرة، السلام عليك يابن الأعلام الباهرة، السلام عليك يابن العترة الطاهرة، السلام عليك يا معدن العلوم النبويه، السلام عليك يا باب الله الذى لا يؤتى إلامنه، السلام عليك يا سبيل الله الذى من سلك غيره هلك، السلام عليك يا ناظر شجره طوبى وسدره المنتهى(٢)، السلام عليك يا نور الله الذى لا يطفأ، السلام عليك يا حجة الله التى لا تخفى،

ص: ٤٠٤

١- (١) ليس فى مصباح الزائر والبلد الأمين ذيله من «فقد توجهت...».

٢- (٢) سدره المنتهى: شجره فى أقصى الجنة إليها ينتهى علم الأولين والآخرين (النهايه: ج ٢ ص ٣٥٣ «سدر»).

پس برآورده شدنشان را برایم شفاعت کن که با حاجتم به سوی تو روی آورده‌ام؛ زیرا می‌دانم که تو شفاعتی پذیرفته و جایگاهی ستوده نزد خداوند داری.

پس به حق کسی که شما را ویژه کار خودش قرار داد و شما را برای نگهداری رازش پسندید و به منزلتی که میان شما و اوست، برآورده شدن حاجتم و اجابت دعایم و برطرف شدن سختی ام را از خداوند متعال بخواه» (۱).

### ۳/۱: زیارت سوم

#### اشاره

۱۱۱۸. المزار الکبیر - در ذکر زیارت مولایمان جانشین شایسته، صاحب الزمان - بر او و پدرانش سلام -: زیارتی دیگر برای وی: چون به حرم او - که خداوند بر او و خاندانش درود و سلام بفرستد - در سامرا رسیدی، غسل کن و پاکیزه ترین لباس را بپوش و بر در حرمش و پیش از رفتن به زیرزمین بایست و با این زیارت، ایشان را زیارت کن:

«سلام بر تو ای جانشین خدا و جانشین پدران ره یافته اش! سلام بر تو ای وصی اوصیای گذشته! سلام بر تو ای حافظ رازهای خدای جهانیان! سلام بر تو ای باقی مانده از برگزیدگان انتخاب شده! سلام بر تو ای فرزند نورهای پرتوافشان! سلام بر تو ای فرزند نشانه های درخشان! سلام بر تو ای فرزند عترت پاک! سلام بر تو ای معدن دانش های نبوی! سلام بر تو ای درگاه خدا که جز از آن وارد نمی شوند! سلام بر تو ای راه خدا که هر که غیر آن را پیمود، هلاک شد! سلام بر تو ای نگرنده به درخت طوبی و سدره منتهی! (۲) سلام بر تو ای نور خاموش نشدنی خداوند! سلام

ص: ۴۰۵

---

۱- (۱) المزار الکبیر: ص ۶۷۰، مصباح الزائر: ص ۴۳۵، البلد الامین: ص ۱۵۸ (در این دو کتاب، بخش پایان نیامده است)، بحار الأنوار: ج ۱۰۱ ص ۳۷۳ ح ۱۶.

۲- (۲) سدره المنتهی: آخرین درخت سدر. مقصود، درخت سدر خاصّی است که در بالاترین جای بهشت، قرار دارد و منشأ همه علوم گذشتگان و آیندگان است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى مَنْ فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ مَن عَرَفَكَ بِمَا عَرَّفَكَ بِهِ اللَّهُ، وَنَعَتَكَ بِبَعْضِ نَعَوَتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا وَفَوْقَهَا.

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ، وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ، وَأَوْلِيَاءُكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، وَأَعْدَاءُكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ، وَأَنَّكَ خَازِنُ كُلِّ عِلْمٍ، وَفَاتِقُ كُلِّ رَتَقٍ، وَمُحَقِّقُ كُلِّ حَقٍّ، وَمُبْطِلُ كُلِّ بَاطِلٍ، رَضِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ إِمَامًا وَهَادِيًا، وَوَلِيًّا وَمُرْشِدًا، لَا أَبْتَغِي بِكَ بَدَلًا، وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ وَلِيًّا.

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ الَّذِي لَا عَيْبَ فِيهِ، وَأَنَّ وَعَدَ اللَّهُ فِيكَ حَقًّا، لَا أُرْتَابُ لِطَوْلِ الْغَيْبِهِ وَبُعْدِ الْأَمَدِ، وَلَا أَتَحَيَّرُ مَعَ مَنْ جَهِلَكَ وَجَهِلَ بِكَ، مُنْتَظَرٌ مُتَوَقَّعٌ لِأَيَّامِكَ (١)، وَأَنْتَ الشَّافِعُ الَّذِي لَا تُنَازَعُ، وَالْوَلِيُّ الَّذِي لَا تُدَافَعُ، ذَخَرَكَ اللَّهُ لِنُصْرِهِ الدِّينِ وَإِعْزَازِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْإِنْتِقَامِ مِنَ الْجَاحِدِينَ الْمَارِقِينَ (٢).

أَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبِلُ الْأَعْمَالَ، وَتُرَكِّي الْأَفْعَالَ، وَتُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ، فَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ، وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ، وَصُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ، وَتُضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ، وَمُحِيَتِ سَيِّئَاتُهُ، وَمَنْ عَدَلَ عَنِ وِلَايَتِكَ وَجَهِلَ مَعْرِفَتَكَ وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ، كَبِهَ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِهِ فِي النَّارِ، وَلَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا، وَلَمْ يُقِمَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا.

أَشْهَدُ اللَّهُ وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ بِهَذَا، ظَاهِرُهُ كِبَاطِنُهُ، وَسِرُّهُ كَعَلَانِيَتِهِ، وَأَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَى ذَلِكِ، وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ وَمِيثَاقِي لَدَيْكَ، إِذْ أَنْتَ نِظَامُ الدِّينِ، وَيَعْسُوبُ (٣) الْمُتَّقِينَ، وَعِزُّ الْمُؤَحِّدِينَ، وَبِذَلِكَ أَمَرَنِي رَبُّ الْعَالَمِينَ.

فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ وَتَمَادَتِ الْأَعْمَارُ، لَمْ أَزِدْ فِيكَ إِلَّا يَقِينًا، وَلَكَ إِلَّا حُبًّا،

ص: ٤٠٦

١- (١) في المصباح للكفعمي والبلد الأمين: «لإيابك» بدل «لأيامك».

٢- (٢) مارق: أي خارج عن الدين (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٦٨٩ «مرق»).

٣- (٣) اليعسوب: السيد والرئيس والمقدم، وأصله: فحل النحل (النهاية: ج ٣ ص ٢٣٤ «عسب»).

بر تو ای حجت پنهان نماندنی خدا! سلام بر تو ای حجت خدا بر هر که در زمین و آسمان است! سلام بر تو؛ سلام کسی که تو را از دریچه معرفت خدا شناخته و برخی از صفات شایسته تو را برشمرده است و تو از آنها بالاتری.

گواهی می دهم که تو حجت گذشتگان و باقی ماندگان هستی. حزب تو چیره، دوستانت پیروز و دشمنانت زیانکارند و تو گنجور هر دانش و باز کننده هر [گره] بسته شده ای. احقاقگر هر حق و باطل کننده هر باطلی. ای مولای من! به امامت و هدایت تو و ولی و راه نما بودنت خوشنودم و در پی جایگزین نیستم و جز تو کسی را ولی [خود] نمی گیرم.

گواهی می دهم تو حق ثابت بی عیبی و وعده خدا در باره ات راست است و از درازی غیبت و طول مدت، به تردید نمی افتم و همراه کسانی که تو را نشناختند و بی خبر ماندند، سرگردان نمی شوم؛ بلکه چشم به راه و منتظر روزگار [یا بازگشت] تو هستم و تو شفیع بی منازع [آخرت] و ولی بی مخالف [دنیا] هستی که خداوند تو را برای یاری دین و عزت بخشی به مؤمنان و انتقام از منکران از دین بیرون رفته، ذخیره کرده است.

گواهی می دهم که [تنها] با ولایت تو اعمال پذیرفته و کارها پاک و نیکی ها دو چندان می شود. پس هر کس [در روز قیامت] ولایت تو را آورد و به امامت تو اعتراف کرد، اعمالش پذیرفته و گفتارش تصدیق و نیکی هایش دو چندان و زشتی هایش محو می شود، و هر کس از ولایت تو کناره گرفت و تو را نشناخت و دیگری را جایگزین تو کرد، خدا او را به رو در آتش می اندازد و عملی را از او نمی پذیرد و روز قیامت ترازویی برایش برپا نمی کند.

خدا و تو را - ای مولایم - بر این [ادعا] گواه می گیرم، ظاهر و باطن آن یکسان است و نهان و آشکارش همسان، و تو هم شاهد باش که آن عهد و پیمانم نزد توست؛ زیرا تو رشته به سامان آورنده دین، سرور پروا پیشگان و عزت یکتا پرستان هستی و خدای جهانیان مرا به آن امر کرده است. پس اگر روزگار طولانی و عمرها به درازا بکشد، جز یقین و محبتم به تو افزون نمی شود و جز به تو اتکا و اعتماد نمی کنم و جز ظهور تو را

وَعَلَيْكَ الْإِلاَمْتُكَلاَ وَمُعْتَمِدًا، وَلِظُهُورِكَ الْإِلاَمْتُوقَعًا وَمُنْتَهَرًا، وَلِجِهَادِي بَيْنَ يَدَيْكَ مُتَرَقِّبًا، فَأَبْدُلْ نَفْسِي وَمَالِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَجَمِيعَ مَا حَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ، وَالتَّصَرُّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ.

يا مولاى، فَإِن أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ وَأَعْلَامَكَ الْبَاهِرَةَ، فَهَا أَنَا ذَا عَبْدُكَ، مُتَصَرِّفٌ بَيْنَ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ، أَرْجُو بِهِ الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَالْفَوْزَ لَدَيْكَ.

مولاى! فَإِن أَدْرَكَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ بِكَ وَبِأَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَيِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ، وَرَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ، لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي، وَأَشْفِي مِنْ أَعْدَائِكَ فُؤَادِي.

مولاى! وَقَفْتُ فِي زِيَارَتِكَ مَوْقِفَ الْخَاطِئِينَ النَّادِمِينَ الْخَائِفِينَ مِنْ عِقَابِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَقَدِ اتَّكَلْتُ عَلَى شَفَاعَتِكَ، وَرَجَوْتُ بِمُؤَالَاتِكَ وَشَفَاعَتِكَ مَحَوِّ ذُنُوبِي، وَسَتَرَ عُيُوبِي، وَمَغْفِرَةَ زَلَّتِي، فَكُنْ لَوْلِيَّكَ يَا مولاى عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِي، وَأَسْأَلِ اللَّهَ غُفْرَانَ زَلَّتِي، فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِكَ، وَتَمَسَّكَ بِوَلَاتِيكَ، وَتَبَرَّأَ مِنْ أَعْدَائِكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْجِزْ لَوْلِيَّكَ مَا وَعَدْتَهُ، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ كَلِمَتَهُ، وَأَعْلِ دَعْوَتَهُ، وَأَنْصِرْهُ عَلَى عِدُوِّهِ وَعِدُوِّكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَظْهِرْ كَلِمَتَكَ التَّامَّةَ، وَمُعَيَّبِكَ فِي أَرْضِكَ، الْخَائِفَ الْمُتَرَقِّبَ، اللَّهُمَّ أَنْصِرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، اللَّهُمَّ وَأَعِزِّ بِهِ الدِّينَ بَعْدَ الْخُمُولِ، وَأَطْلِعْ بِهِ الْحَقَّ بَعْدَ الْأُفُولِ، وَأَجْلِ بِهِ الظُّلْمَةَ، وَاكشِفْ بِهِ الغُمَّةَ، اللَّهُمَّ وَآمِنْ بِهِ الْبِلَادَ، وَاهْدِ بِهِ الْعِبَادَ، اللَّهُمَّ املأ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَجورًا، إِنَّكَ سَمِيعٌ مُجِيبٌ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، ائْذَنْ لَوْلِيَّكَ فِي الدُّخُولِ إِلَى حَرَمِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ



منتظر و چشم به راه نخواهم بود و جز جهاد کردن پیش روی تو را نخواهم پایید تا جان و مال و زن و فرزند و همه نعمت‌هایی را که خداوند به من داده است، پیش روی تو فدا کنم و در پی اجرای امر و نهی تو باشم. ای مولای من! اگر روزگارِ پرتوافشان و نشان‌های درخشانت را درک کردم، بنده تو خواهم بود و مجری امر و نهایت و با آن، شهادت پیش رویت و رستگاری نزد تو را امید می‌برم.

مولای من! اگر مرگ مرا پیش از ظهورت دریابد، با تو و پدران پاکت به خدای متعال متوسل می‌شوم و از او می‌خواهم که بر محمد و خاندان محمد، درود فرستد و مرا در روزگار ظهورت، به دنیا باز گرداند تا با اطاعت کردن از تو، به مقصودم رسم و دلم را [با انتقام] از دشمنانت خنک کنم.

مولای من! در زیارت تو، در جایگاه خطاکاران پشیمان و بیمناک از کیفر خدای جهانیان ایستاده‌ام و به شفاعت تو اعتماد کرده‌ام و با ولایت و دوستی و شفاعتت، محو شدن گناهانم و پوشاندن عیب‌هایم و آمرزش لغزش‌هایم را امید می‌برم. پس ای مولای من! دوستدارت را به آرزویش برسان و آمرزش لغزش‌هایش را از خداوند بخواه؛ که به رشته تو آویخته و به ولایت تو چنگ زده و از دشمنان تو بیزاری جسته است.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آنچه را به ولایت و عده داده‌ای، به انجام رسان. خدایا! کلمه او را آشکار کن و دعوت او را برافراز و او را [در غلبه] بر دشمنش و دشمنت یاری ده، ای خدای جهانیان!

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و کلمه کاملت و پنهان کرده در زمینت و بیمناک منتظر را آشکار کن. خدایا! او را یاری پیروزمندانه بده و فتحی آسان برایش پیش بیاور. خدایا! دین را به دست او پس از گم‌نامی، عزیز بدار و حق را پس از افول، به دست او به اوج آور و تاریکی را روشن کن و اندوه را برطرف ساز. خدایا! به دست او، سرزمین‌ها را امن و بندگان را هدایت کن. خدایا! زمین را به دست او از عدل و داد پر کن، همان‌گونه که از ظلم و ستم پر شده است؛ که تو شنوا و پاسخ‌دهنده‌ای.

سلام بر تو ای ولی خدا! به دوستدارت اجازه ورود به حرمت را بده. درودها و

وَعَلَىٰ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَهُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

الْقَوْلُ عِنْدَ نُزُولِ السَّرْدَابِ:

[السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ، وَالْعَالِمِ الَّذِي عَلَّمَهُ لَا يَبِيدُ، السَّلَامُ عَلَى مُحِبِّي الْمُؤْمِنِينَ وَمُبِيرِ الْكَافِرِينَ] (١)، السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَمِ وَجَامِعِ الْكَلِمِ، السَّلَامُ عَلَى خَلْفِ السَّلَفِ وَصَاحِبِ الشَّرَفِ، السَّلَامُ عَلَى حُجَّهِ الْمَعْبُودِ وَكَلِمَةِ الْمَحْمُودِ، السَّلَامُ عَلَى مُعِزِّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُيَدِّلِ الْأَعْدَاءِ. السَّلَامُ عَلَى وَاثِرِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتِمِ الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الْمُتَنْظَرِ وَالْغَائِبِ الْمُشْتَهَرِ، السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ وَالْقَمَرِ الزَّاهِرِ وَالنُّورِ الْبَاهِرِ، السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ الظَّلَامِ وَيَدْرِ التَّمَامِ، السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْآيَاتِمِ وَفِطْرَةِ الْأَنَامِ (٢)، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الصَّمْصَامِ (٣) وَقَلَاقِ الْهَامِ (٤). السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الدِّينِ الْمَأْثُورِ وَالْكِتَابِ الْمَسْطُورِ.

السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ وَحُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ، الْمُتَّهَى إِلَيْهِ مَيَوَارِثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَمَدِيهِ مَوْجُودَةٌ آثَارُ الْأَصْفِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَيُوتَمَنِ عَلَى السَّرِّ وَالْوَلِيِّ لِلْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ بِهِ الْأُمَمَ، أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعِيدًا، وَيُمْكِّنَ لَهُ وَيُنْجِزَ بِهِ وَعَدَ الْمُؤْمِنِينَ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأَيْمَةَ مِنْ آبَائِكَ أُنِّمْتِي وَمَوَالِيَّ، فِي حَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ، أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي،

ص: ٤١٠

١- (١) فِي مَصَادِرٍ أُخْرَى بَدَأَتْ هَذِهِ الزِّيَارَةَ بِهَذِهِ الْفَقْرَةِ حَتَّى أَنْ الشَّهِيدَ الْأَوَّلَ فِي كِتَابِهِ الْمَزَارِ هَذِهِ الْفَقْرَةَ فِي بَعْضِ أَقْسَامِ كِتَابِهِ وَمِنْ جَمَلَتِهَا هَذِهِ الزِّيَارَةُ طَبَقًا لِكِتَابِ الْمَزَارِ الْكَبِيرِ. فَمِنْ الْمَحْتَمَلِ أَنْ تَكُونَ هَذِهِ الْفَقْرَةُ مَوْجُودَةً فِي النُّسخِ الْأُولَى لِكِتَابِ الْمَزَارِ الْكَبِيرِ وَلِأَسْبَابِ مَا فَقدت.

٢- (٢) فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ وَ...: «السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ وَنَضْرَهُ الْأَيَّامِ».

٣- (٣) الصَّمْصَامُ: السَّيْفُ الْقَاطِعُ (النَّهْيَةُ: ج ٣ ص ٥٢ «صمصم»).

٤- (٤) الْهَامُ: جَمْعُ هَامَةٍ: الرَّأْسُ (النَّهْيَةُ: ج ٥ ص ٢٨٤ «هوم»).

رحمت و برکات خدا بر تو و بر پدران پاکت!».

### زیارت هنگام وارد شدن به سرداب

«سلام بر حقّ نوین و دانایی که دانشش زوال نمی یابد. سلام بر زنده کننده مؤمنان و هلاک کننده کافران. سلام بر مهدی ائمت ها و گردآورنده همه کلمه ها. سلام بر جانشین نیکو و باشوکت گذشتگان. سلام بر حجّت خدای پرستیده شده و کلمه ستوده. سلام بر عزّت بخش اولیا و خوار کننده دشمنان. سلام بر وارث پیامبران و خاتم وصیّان. سلام بر امام چشم انتظارش و غایب مشهور شده. سلام بر شمشیر از نیام کشیده، ماه فروزان و نور درخشان. سلام بر خورشید تاریکی و ماه شب چهارده. سلام بر بهار یتیمان و سرنوشت مردمان. (۱) سلام بر صاحب شمشیر بُزان و شکافنده سرها. سلام بر صاحب دین بر جای مانده و کتاب نگاشته شده.

سلام بر باقی نهاده خدا در سرزمین هایش و حجّتش میان بندگانش. او که میراث پیامبران به او می انجامد و آثار برگزیدگان الهی، نزد او می ماند. سلام بر امانتدار راز الهی و ولیّ امر. سلام بر مهدی ای که خدای عز و جل به ائمت ها وعده داده است که زمین را به دست او یک جا زیر پرچم عدل و داد درآورد و در اختیار او نهد و وعده اش را به مؤمنان با او به انجام برساند. گواهی می دهم که تو و پدران امامت، امامان و صاحب اختیاران من هستید، چه در زندگی این دنیا و چه روزی که گواهان برمی خیزند. ای مولای من! از تو می خواهم که صلاح کارم، برآورده شدن حاجت هایم، آمرزش گناهانم و دستگیری ام را در دین و دنیا و آخرتم، از خداوند - تبارک و تعالی - بخواهی و این را افزون بر من، برای برادران و خواهران ایمانی ام نیز بطلبی؛ که او آمرزنده و مهربان است، و خداوند بر سرورمان محمّد، پیامبر خدا و

ص: ۴۱۱

---

۱- (۱) در بحار الأنوار به جای «سلام بر بهار یتیمان و سرنوشت مردمان»، آمده است: «سلام بر بهار مردم و شادابی روزگار».

وَعُفْرَانِ ذُنُوبِي، وَالْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، لِي وَلِكَافَةِ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ إِنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ.

٤/١: الزِّيَارَةُ الرَّابِعَةُ

١١١٩. المزار الكبير - في زيارته العسكريين -: ثُمَّ تَخْرُجُ وَوَجْهُكَ إِلَى الْقَبْرَيْنِ عَلَى أَعْقَابِهِمْ، وَتَأْتِي سِرْدَابَ الْغَيْبِ فَتَقِفُ بَيْنَ الْبَابَيْنِ مَسِئَةً كَأَنَّكَ جَانِبَ الْبَابِ بِيَدِكَ، ثُمَّ تَنْحَنُجُ كَالْمُسْتَأْذِنِ، وَسَمٌّ وَانزِلْ وَعَلَيْكَ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ، وَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ فِي عَرَصِهِ (١) السَّرْدَابِ، وَقُلْ:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَعَرَفْنَا أَوْلِيَاءَهُ وَأَعْدَاءَهُ، وَوَفَّقَنَا لَزِيَارِهِ أُمَّتِنَا، وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ النَّاصِبِينَ، وَلَا مِنَ الْغُلَاةِ الْمُفَوِّضِينَ (٢)، وَلَا مِنَ الْمُرْتَابِينَ الْمُقْصِرِينَ (٣).

السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ اللَّهِ وَابْنِ أَوْلِيَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى الْمِدْخَرِ لِكِرَامِهِ (أَوْلِيَائِهِ) اللَّهُ وَبَوَارِ أَعْدَائِهِ، السَّلَامُ عَلَى التَّوْرِ الَّذِي أَرَادَ أَهْلَ الْكُفْرِ إِطْفَاءَهُ، فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ بِكُرْهِهِمْ، وَأَمَدَّهُ بِالْحَيَاةِ حَتَّى يُظْهَرَ عَلَى يَدِهِ الْحَقُّ بِرَغْمِهِمْ.

أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكَ صَغِيرًا، وَأَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ كَبِيرًا، وَأَنَّكَ حَتَّى لَا تَمُوتَ حَتَّى تُبْطَلَ الْجِبْتُ (٤) وَالطَّاغُوتُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى خُدَامِهِ وَأَعْوَانِهِ عَلَى غَيْبَتِهِ وَنَأْيِهِ، وَاسْتُرْهُ سِتْرًا عَزِيزًا، وَاجْعَلْ لَهُ

ص: ٤١٢

١- (١) العَرَصَةُ: كُلُّ مَوْضِعٍ وَاسِعٍ لِابْنَاءِ فِيهِ (النهاية: ج ٣ ص ٢٠٨ «عرص»).

٢- (٢) الْمُفَوِّضَةُ: قَوْمٌ قَالُوا: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفَوَّضَ إِلَيْهِ خَلْقَ الدُّنْيَا، فَهُوَ الْخَلْقُ لِمَا فِيهَا، وَقِيلَ: فَوْضٌ ذَلِكَ إِلَى عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٤٢٢ «فوض»).

٣- (٣) الْمُقْصِرَةُ: الَّذِينَ يَقْصِرُونَ عَنْ مَعْرِفَةِ الْأَتَمَّةِ وَعَنْ مَعْرِفَةِ مَا فَوْضَ إِلَيْهِمْ مِنْ رُوحِهِ.

٤- (٤) الْجِبْتُ: الصَّنَمُ وَالْكَاهِنُ وَالسَّاحِرُ وَكُلُّ مَا يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ تَعَالَى (القاموس المحيط: ج ١ ص ١٤٥ «جبت»).

## ۴/۱: زیارت چهارم

۱۱۱۹. المزار الکبیر - در زیارت دو امام [هادی و حسن] عسکری - سپس در حالی که رویت به قبرهای این دو امام است، عقب عقب بیرون می آیی و به سرداب غیبت می روی و میان دو در، در حالی که کنار در را با دست گرفته ای، می ایستی و سرفه ای می زنی مانند کسی که اجازه ورود می گیرد، و بسم الله بگو و با وقار و آرامش پایین برو و میان سرداب دو رکعت نماز می خوانی و [سپس] می گویی: «خدا بزرگ تر است، خدا بزرگ تر است. خدایی جز خداوند نیست و خدا بزرگ تر است و ستایش، ویژه خداست و ستایش، ویژه خدایی است که ما را به این، ره نمود و دوستان و دشمنانش را به ما شناساند و ما را به زیارت امامان موقّق کرد و ما را از مخالفان به دشمنی برخاسته و نیز از غالیان [که همه کارها را در اختیار امامان می دانند] (۲) و همچنین از تردیدکنندگان کوتاه اندیش در حق ایشان قرار نداد. (۳) سلام بر ولی خدا و فرزند اولیای او. سلام بر ذخیره [ی الهی] برای بزرگداشت اولیای خدا و هلاک کردن دشمنانش. سلام بر نوری که کافران خاموشی اش را می خواستند؛ اما خداوند، جز این نخواست که نورش را با وجود ناپسند داشتن آنها، به کمال رساند و زندگی او را چندان دراز گرداند که علی رغم خواست آنان، حق را به دست وی پدیدار کند.

گواهی می دهم که تو را در خردسالی برگزید و دانش هایش را در بزرگ سالی برایت کامل کرد و تو نخواهی مرد تا آن که بت ها و طاغوت ها را از میان ببری.

ص: ۴۱۳

- 
- ۱- (۱) المزار الکبیر: ص ۵۸۶ ح ۴ و ۵، المزار، شهید اول: ص ۲۰۳، المصباح، کفعمی: ص ۶۵۷، البلد الامین: ص ۲۸۴، مصباح الزائر: ص ۴۳۷ (با عبارت مشابه. در این کتاب، بخش پایانی حدیث نیامده است)، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۹۸.
  - ۲- (۲) مفوضه، گروهی گم راه هستند که قائل اند خداوند عز و جل محمد علیه السلام را آفرید و بعد آفرینش و خلق دنیا را به او تفویض فرمود. پس او خود خلایق را آفرید، و می گویند: پاره ای از ایشان اعتقاد دارند که خداوند متعال، آفرینش موجودات را به امیر مؤمنان علیه السلام بلکه دیگر ائمه علیهم السلام تفویض فرموده است.
  - ۳- (۳) مقصّره، اهل تفریط اند که حق اهل بیت را چنان که باید نمی شناسند.

مَعْقِلًا حَرِيزًا (١)، وَاشْدُدِ اللَّهُمَّ وَطَأْتِكَ عَلَى مُعَانِدِيهِ، وَاحْرُسْ مَوَالِيَهُ وَزَائِرِيهِ.

اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا، فَاجْعَلْ سِيْلَاحِي دُونَ نُصْرَتِهِ مَشْهُودًا (٢)، وَإِنْ حَالَ بَيْنِي وَبَيْنَ لِقَائِهِ الْمَيُوتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ حَتْمًا، وَأَقْدَرْتَ بِهِ عَلَى خَلْقَتِكَ رَغْمًا، فَأَحِينِي عِنْدَ ظُهُورِهِ خَارِجًا مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتَرِّرًا بِكَفْنِي، حَتَّى اجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي الصَّفِّ الَّذِي أَثْنَيْتَ عَلَيْهِمْ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتَ: «كَأَنَّهُمْ بُيُوتٌ مَرْصُوصٌ» ٣.

اللَّهُمَّ طَالَ الْإِنْتِظَارُ، وَشَمَتَ بِنَا الْفُجَارُ، وَصَيَّبَ عَلَيْنَا الْإِنْتِصَارُ، اللَّهُمَّ أَرِنَا وَجْهَ وَوَلِيِّكَ الْمَيْمُونَ فِي حَيَاتِنَا وَبَعْدَ الْمَنُونِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُ لِمَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيْ صَاحِبِ هَذِهِ الثَّبَعَةِ، الْعَوْتُ الْعَوْتُ الْعَوْتُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، قَطَعْتَ فِي وُصْلَتِكَ الْخُلَانَ، وَهَجَرْتَ لِي زِيَارَتِكَ الْأَوْطَانَ، وَأَخْفَيْتُ أَمْرِي عَنْ أَهْلِ الْبُلْدَانِ، لِتَكُونَ شَفِيعًا لِي عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّي، وَإِلَى آبَائِكَ وَمَوَالِيٍّ فِي حُسْنِ التَّوْفِيقِ لِي، وَإِسْبَاغِ النُّعْمَةِ عَلَيَّ، وَسَوْقِ الْإِحْسَانِ إِلَيَّ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أَصْحَابِ الْحَقِّ وَقَادَةِ الْخَلْقِ، وَاسْتَجِبْ مِنِّي مَا دَعَوْتُكَ، وَأَعْطِنِي مَا لَمْ أَنْطِقْ بِهِ فِي دُعَائِي مِنْ صَلاَحِ دِينِي وَدُنْيَايَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

ثُمَّ ادْخُلِ الصُّفَّةَ (٣) فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، وَقُلْ:

اللَّهُمَّ عَبْدُكَ الرَّائِي فِي فِنَاءِ وَوَلِيِّكَ الْمَزُورِ، الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَبِيدِ

ص: ٤١٤

١- (١) الْحِرْزُ: الْمَوْضِعُ الْحَصِينُ، وَيُقَالُ: حِرْزُ حَرِيزٍ (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: ج ١ ص ٣٨٦ «حِرْز»).

٢- (٢) وَفِي مَصْبَاحِ الزَّائِرِ: «مَشْهُورًا» بَدَلُ «مَشْهُودًا».

٣- (٣) الصُّفَّةُ مِنَ الْبِنْيَانِ: شَبْهُ الْبُهْوِ [أَيِ الْبَيْتِ الْمَقْدَمِ أَمَامَ الْبَيْتِ] الْوَاسِعِ الطَّوِيلِ (تَاجُ الْعُرُوسِ: ج ١٢ ص ٣٢٥ «صَفْف»).

خدایا! بر او و خدمت گزاران و یاورانش در طول غیبت و دوری اش، درود فرست و او را پوششی نفوذناپذیر و پناهگاهی نگاه دارنده عطا کن. خدایا! سختگیری ات را بر دشمنان او تشدید کن و دوستداران و زیارت کنندگان او را پاسداری کن.

خدایا! همان گونه که دلم را به ذکر او آباد کردی، شمشیرم را برای یاری وی از نیام برکشیده قرار ده و اگر مرگ میان من و دیدار او جدایی انداخت - مرگی که آن را بر بندگان حتمی کرده و علی رغم میل آفریدگانت، آن را بر ایشان چیره ساخته ای -، مرا به هنگام ظهور ایشان، با همان کفنم از قبرم بیرون بیاور تا پیش رویش در همان صفی بجنگم که آن را در کتابت ستوده ای و فرموده ای: «گویی مانند بنیانی استوار و به هم پیوسته اند».

خدایا! انتظار به درازا کشید و نابه کاران، ما را شماتت می کنند و داد ستاندن بر ما دشوار شده است. خدایا! روی خجسته ولایت را در زندگی مان و پس از مرگمان به ما نشان بده.

خدایا! من به بازگشت پیش روی صاحب این بارگاه باور دارم. به فریادمان برس، به فریادمان برس، به فریادمان برس، ای صاحب الزمان! برای پیوند با تو، از دوستان بریدم و برای زیارت تو، از وطن هجرت کردم و کارم را از مردم سرزمین ها پنهان داشتم تا نزد خدایت و خدایم، پیش پدرانت و اختیارداران من، برای نیکو بودن توفیقم و ریزش نعمت بر من و سوق دادن احسان به سویم، شفیع من باشی. خدایا! بر محمد و خاندان محمد، یاران حق و زمامداران خلق، درود فرست و آنچه را از تو خواستم، اجابت فرما و آنچه را در دعایم بر زبان نیاوردم و به صلاح دین و دنیایم است، به من عطا کن؛ که تو ستوده و بزرگی، و خداوند بر محمد و خاندان پاکش درود فرستد».

سپس به ایوان برو و دو رکعت نماز بخوان [و آن گاه بگو]: «خدایا! بنده زیارت کننده ات در آستان ولی زیارت شونده ات - که اطاعتش را بر بنده و آزاد واجب کرده ای و اولیایت را به دست او از آتش نجات داده ای -، قرار دارد. خدایا! آن را زیارتی پذیرفته که دعایی مستجاب به همراه دارد، از کسی که تصدیق کننده بدون تردید ولایت است، قرار بده.

خدایا! آن را آخرین تجدید پیمان و زیارت او قرار مده و جای پای در مرقد او و زیارت پدر و جدش برابم باقی بگذار.

وَالْأَحْرَارِ، وَأَنْقَذْتَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ مُسْتَجَابٍ مِنْ مُصَيِّدٍ بِوَلِيِّكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَلَا بَزِيَارَتِهِ، وَلَا تَقْطَعْ أَثْرَى مِنْ مَشْهَدِهِ وَزِيَارَتِهِ أَبِيهِ وَجَدَّهُ.

اللَّهُمَّ أَخْلِفْ عَلَيَّ نَفَقَتِي، وَانْفَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، لِي وَلِإِخْوَانِي وَأَبَوَيَّ وَجَمِيعِ عِتْرَتِي، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ أَيُّهَا الْإِمَامُ الَّذِي يَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، وَيَهْلِكُكَ عَلَى يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ الْمُكَذِّبُونَ، يَا مَوْلَايَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، جِئْتُكَ زَائِرًا لَكَ وَلِأَبِيكَ وَجَدِّكَ، مُتَيْقِنًا الْفَوْزَ بِكُمْ، مُعْتَقِدًا إِمَامَتَكُمْ.

اللَّهُمَّ اكْتُبْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَالزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عِلِّيِّينَ (١)، وَبَلِّغْنِي بِلَاغِ الصَّالِحِينَ، وَانْفَعْنِي بِحُبِّهِمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

٥/١: الزِّيَارَةُ الْخَامِسَةُ

١١٢٠. جمال الأسبوع (٢): يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَهُوَ يَوْمٌ صَاحِبِ الزَّمَانِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - وَبِاسْمِهِ، وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ عَجَلُ اللَّهِ فَرَجَهُ، أَقُولُ مُتَمَثِّلًا وَأُشِيرُ إِلَيْهِمْ

ص: ٤١٦

١- (١) العليون: تعنى المنزله الرفيعه، وتطلق على المكان السامى الذى يحضره المقربون عند الله عز و جل فى الجنه.  
٢- (٢) وذكر السيد هذه الزياره فى الفصل الثالث من كتابه (جمال الاسبوع: ص ٣٥) ويقول فى بيان مكان هذه الزياره: «الفصل الثالث: فى تعيين أسماء النبى والأئمه عليهم السلام بأيام الأسبوع، وزيارات لهم فى كل يوم من أيام الأسبوع المشار إليه كما وقفنا عليه... يوم الجمعة، وهو يوم صاحب الزمان - صلوات الله عليه - وباسمه، وهو اليوم الذى يظهر فيه...». كما نلاحظ فإن السيد لا يذكر أى مصدر أو قائل لهذا النص، ويبدو أنه من ابتكاراته، خصوصاً أنه فى الأقسام السابقه لهذا الفصل متى ما وجدت زياده أو دعاء ولها سند وقائل معصوم يذكره: وإن كان قد نقل من كتاب فيصريح به. ولذا يتبين أن هذا النص لا مصدر له. وبالتأكيد فإن السيد وقبل أن يبدأ زيارات الأسبوع ينقل روايه من كتاب «الخصال» للصدوق «و «الخرائج والجرائح»: بأن الإمام الهادى عليه السلام سَمَى يوم الجمعة بيوم القائم عليه السلام.



خدایا! هزینه ام را جایگزین کن و از آنچه روزی ام کرده ای در دنیا و آخرت به من سود برسان و افزون بر من برای برادرانم و پدر و مادرم و همهٔ خاندانم نیز سود داشته باشد. ای امامی که مؤمنان با او پیروز می شوند و به دست او کافران تکذیب کننده هلاک می شوند! تو را به خدا می سپارم، ای مولای من! ای محمد بن حسن بن علی! من به زیارت تو، پدرت و جدت آمدم در حالی که به رستگاری با شما یقین، و امامت شما را باور دارم.

خدایا! این گواهی و زیارت را برای من در علین(۱) بنویس و مرا به جایگاه صالحان برسان و از محبت ایشان، سودم ببخش، ای خدای جهانیان!»، (۲).

## ۵/۱: زیارت پنجم

۱۱۲۰. جمال الأسبوع: (۳) روز جمعه، متعلق و به نام صاحب الزمان - که دروهای خدا بر او باد - است و آن روزی است که در آن ظهور خواهد کرد. خداوند در فرجش تعجیل فرماید! با خطاب و اشاره به اهل بیت - که دروهای خدا بر ایشان باد - به این شعر تمثّل می کنم:

ص: ۴۱۷

---

۱- (۱) علین: طبقهٔ بالاین بهشت و یا جایی در آسمان هفتم که ارواح مؤمنان را بدان جا می برند (ر. ک: لغت نامهٔ دهخدا: ذیل «علین»).

۲- (۲) المزار الکبیر: ص ۶۵۷، مصباح الزائر: ص ۴۴۴، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۱۰۲.

۳- (۳) سید، این زیارت را در فصل سوم کتاب آورده که برای روشن شدن جایگاه این زیارت می گوید: «فصل سوم: در تعیین روزهای هفته به نام های پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، و زیارت آنان در هر روز از روزهای هفته است، آن گونه که به آن اشاره شده و ما از آن اطلاع یافتیم... روز جمعه، روز صاحب الزمان علیه السلام و به نام ایشان است؛ همان روزی است که ایشان در آن ظهور می کنند...». همان گونه که مشاهده می کنید، سید برای این نقل خود هیچ منبع و مصدر و قائلی نقل نمی کند و به نظر می رسد از ابتکارات خود ایشان است، خصوصاً که در بخش های قبلی این فصل، هر جا زیارت یا مطلبی دارای سند و قائل معصوم بوده، آن را آورده یا اگر از کتابی نقل کرده بدان تصریح کرده است. بنا بر این معلوم می شود این متن از شخص ایشان صادر شده و منبع دیگری ندارد. البته ایشان قبل از آغاز زیارت ایام هفته، روایتی از الخصال صدوق و الخرائج و الجرائح نقل می کند که در ضمن آن، امام هادی علیه السلام روز جمعه را روز قائم علیه السلام نامیده است.

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِم:

مُحِبُّكُمْ وَإِنْ قُبِضَتْ حَيَاتِي وَزَائِرُكُمْ وَإِنْ عَقَرْتُ (١) رِكَابِي

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّهَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَوْرَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ،  
وَيُفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَيِّدُ الْخَائِفُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ فِينَهُ النَّجَاهِ،  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَّلَ اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ، أَنَا مَوْلَاكَ، عَارِفٌ بِأَوْلَاكَ وَأُخْرَاكَ،  
أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِكَ وَبِآلِ بَيْتِكَ، وَأَنْتَ ظُهُورُ ظُهُورِكَ وَظُهُورُ الْحَقِّ عَلَى يَدَيْكَ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ  
يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُتَنْظِرِينَ لَكَ. وَالتَّابِعِينَ وَالتَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى أَعْدَائِكَ، وَالمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَائِكَ.

يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ، هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ، وَهُوَ يَوْمُكَ الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ، وَالْفَرَجُ فِيهِ  
لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ، وَقَتْلُ الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ، وَأَنَا يَا مَوْلَايَ فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ، وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ،  
وَمَا مَوْرٌ بِالضِّيَافَةِ وَالْإِجَارَةِ، فَأَضِيفْنِي وَأَجْرِنِي، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

يقول سيّدنا رضيّ الدين ركن الإسلام أبو القاسم عليّ بن موسى بن جعفر بن محمّد بن محمّد الطاووس: أنا أتمثّل بعد هذه  
الزيارة وأقول بالإشارة:

ص: ٤١٨

١- (١) عَقَرْتُ به: إذا قتلت مركوبه وجعلته راجلاً (النهاية: ج ٣ ص ٢٧١ «عقر»).

دوستدار شمایم، حتی اگر جانم گرفته شود،

زائر شمایم، حتی اگر مرکبم کشته شود.

سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش! سلام بر تو ای دیده خدا در مردمش! سلام بر تو ای نور خدایی که راه یافتگان به آن راه می جویند و گره از کار مؤمنان به دست او گشوده می شود! سلام بر تو ای پیراسته بیمناک! سلام بر تو ای ولی خیرخواه! سلام بر تو ای کشتی نجات! سلام بر تو ای چشمه حیات! سلام بر تو. خداوند بر تو و اهل بیت پاک و پاکیزه ات درود فرستد.

سلام بر تو. خداوند در یاری و آشکار کردن کارت که به تو وعده داده تعجیل فرماید. سلام بر تو ای مولای من! دوستدار تو و آگاه به اولین و آخرین شما هستم.

با تو و اهل بیت به خداوند تقرب می جویم و ظهور تو و ظهور حق را به دستانت تو انتظار می کشم و از خداوند می خواهم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستد و مرا از منتظران، دنباله زوان و یاران تو در برابر دشمنانت، و شهیدان پیش رویت در جرگه اولیایت قرار دهد.

ای مولای من! ای صاحب الزمان! دروذهای خدا بر تو و اهل بیت. امروز جمعه است و آن روزی است که ظهور تو را در آن توقع دارند و گشایش کار مؤمنان به دست تو و کشتن کافران، با شمشیر تو در آن رخ می دهد، و من - ای مولای من - در آن، مهمان و پناهنده تو هستم و تو - ای مولای من -، کریمی از فرزندان کریمان هستی و به مهمانداری و پناه دادن فرمان داری. پس مرا مهمان کن و پناهم بده.

دروذهای خدا بر تو و بر اهل بیت پاکت.

سرورمان، رضی الدین، سید ابن طاووس، رکن اسلام می گوید: من پس از این زیارت، به این شعر تمثیل می کنم و به اشاره می گویم:

ص: ۴۱۹

نَزِيلُكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتَ رِكَابِي وَضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ.

٦/١: الزِّيَارَةُ السَّادِسَةُ

١١٢١. مصباح الزائر: الفصل السابع عشر: فِي زِيَارَةِ مَوْلَانَا صَاحِبِ الْأَمْرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَمَا يَلْحَقُ بِذَلِكَ.

إِذَا أَرَدْتَ زِيَارَتَهُ صَيِّمًا اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَيِّئًا فَلَئِنْ ذَلِكُ بَعْدَ زِيَارَةِ الْعَسْكَرِيِّينَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، فَإِذَا فَرَّغْتَ مِنَ الْعَمَلِ هُنَاكَ، وَبَلَغْتَ مِنْ زِيَارَتِهِمَا هُنَاكَ، فَامْضِ إِلَى السَّرْدَابِ الْمُقَدَّسِ وَقِفْ عَلَى بَابِهِ وَقُلْ:

إِلَهِي إِنِّي قَدِ وَقَفْتُ عَلَى بَابِ بَيْتِ مَنْ بِيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَيِّمًا لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ مِنَ الدُّخُولِ إِلَى بُيُوتِهِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ» ١.

اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُ فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رُسُلَكَ وَخُلَفَاءَكَ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَكَانِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَيُرْذَوْنَ سَلَامِي عَلَيَّ، وَأَنْتَ حَاجِبٌ عَنِّي سَمِعِي كَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ، فَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلًا، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَيِّمًا لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا، وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ فِي الدُّخُولِ فِي سَاعَتِي هَذِهِ إِلَى بَيْتِهِ، وَأَسْتَأْذِنُ مَلَائِكَتَكَ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْقِطْعَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمُطِيعَةِ السَّامِعَةِ.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُؤَكَّلُونَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ الْمُبَارَكِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

ص: ٤٢٠

فرود آمده بر تو هستم، هر جا و هر سو که رکاب درکشم،

و مهمان تو هستم در هر سرزمینی که باشم. (۱)

### ۶/۱: زیارت ششم

۱۱۲۱. مصباح الزائر: فصل هفدهم: زیارت مولایمان صاحب الأمر - که درودهای خدا بر او باد - و ملحقات آن:

هنگامی که خواستی او - که درودها و سلام خدا بر او باد - را زیارت کنی، آن را پس از زیارت دو امام [هادی و حسن] عسکری قرار بده و چون اعمال آن جا را به پایان بردی و آن دو را در آن جا زیارت کردی، به سرداب مقدّس برو و بر درگاهش بایست و بگو:

«خدای من! بر درگاه خانه ای از خانه های پیامبرت محمّد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد - ایستاده ام که مردم را از ورود بدون اجازه به خانه هایش منع کردی و گفتی: «ای مؤمنان! به خانه های پیامبر درنیایید جز آن که به شما اجازه داده شود». خدایا! من حرمت پیامبرت را در غیابش به همان گونه حضورش باور دارم و می دانم که فرستادگان و جانشینان، زنده اند و نزد تو روزی می خورند. جایگاهم را می بینند و سخنم را می شنوند و سلام مرا پاسخ می دهند و تو گوش مرا از شنیدن سخنشان در حجاب نهاده ای و دریچه فهم مرا به لذت مناجاتشان گشوده ای. من ابتدا از تو اجازه می خواهم - ای خدای من - و سپس از فرستاده ات - که درودهایت بر او و خاندانش - اجازه می خواهم و نیز از خلیفه ات؛ امامی که اطاعتش بر من واجب شده است. برای ورود در این لحظه به خانه اش اجازه می خواهم و از فرشتگان گمارده شده ات به این بقعه مبارک که گوش به فرمان و مطیع تو هستند نیز اجازه ورود می خواهم.

ص: ۴۲۱

وَبَرَكَاتُهُ. يَا ذَنْ لِّلّهِ وَإِذَنْ رَسُولِهِ وَإِذَنْ خُلَفَائِهِ وَإِذَنْ هَذَا الْإِمَامِ وَإِذَنْكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ، أَدْخُلْ هَذَا الْبَيْتَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، فَكُونُوا مَلَائِكَةَ اللَّهِ أَعْوَانِي، وَكُونُوا أَنْصَارِي حَتَّى أَدْخُلَ هَذَا الْبَيْتَ، وَأَدْعُو اللَّهَ بِفُنُونِ الدَّعَوَاتِ، وَأَعْتَرِفَ لِلَّهِ بِالْعُبُودِيَّةِ، وَلِهَذَا الْإِمَامِ وَأَبَائِهِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - بِالطَّاعَةِ.

ثُمَّ تَنْزِلُ مُقَدِّمًا رِجْلَكَ الْيُمْنَى وَتَقُولُ:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ. وَكَبَّرَ اللَّهُ وَاحْمَدُهُ وَسَبَّحَهُ وَهَلَّلَهُ، فَإِذَا اسْتَقَرَّرْتَ فِيهِ فَكَيْفَ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةَ وَقُلْ:

سَلَامٌ لِلَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَتَحِيَّاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ، عَلَى مَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ، صَاحِبِ الضِّيَاءِ وَالنُّورِ، وَالذِّينِ الْمَأْثُورِ، وَاللَّوَاءِ الْمَشْهُورِ، وَالْكِتَابِ الْمَنْشُورِ، وَصَاحِبِ الدُّهُورِ وَالْعُصُورِ، وَخَلْفِ الْحَسَنِ، الْإِمَامِ الْمُؤْتَمَنِ، وَالْقَائِمِ الْمُعْتَمَدِ، وَالْمَنْصُورِ الْمُؤَيَّدِ، وَالْكَهْفِ وَالْعَضُدِ، عِمَادِ الْإِسْلَامِ، وَرُكْنِ الْأَنْبَاءِ، وَمِفْتَاحِ الْكَلَامِ، وَوَلِيِّ الْأَحْكَامِ، وَشَمْسِ الظَّلَامِ، وَيَدْرِ التَّمَامِ، وَنُصْرَةِ الْأَيَّامِ، وَصَاحِبِ الصَّمْصَامِ، وَقَلَاقِ الْهَامِ، وَالْبَحْرِ الْقَمَقَامِ (١)، وَالسَّيِّدِ الْهُمَامِ (٢)، وَحُجَّهِ الْخِصَامِ، وَبَابِ الْمَقَامِ لِيَوْمِ الْقِيَامِ.

وَالسَّلَامُ عَلَى مُفَرِّجِ الْكُرْبَاتِ، وَخَوَاطِصِ الْغَمْرَاتِ، وَمُنْفَسِ الْحَسِيرَاتِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَصَاحِبِ فَرْضِهِ، وَحُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَعَيْبِهِ عَلَيْهِ، وَمَوْضِعِ صِدْقِهِ، وَالْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَمَدِيهِ مَوْجُودُ آثَارِ الْأَوْصِيَاءِ، وَحُجَّهِ اللَّهِ وَابْنِ رَسُولِهِ، وَالْقَيْمِ مَقَامَهُ، وَوَلِيِّ أَمْرِ اللَّهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

ص: ٤٢٢

١- (١) الْقَمَقَامُ: السَّيِّدُ، رُومِيٌّ مَعْرَبٌ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج ٣ ص ١٥١٤ «قَمَقَم»).

٢- (٢) الْهُمَامُ: أَيْ الْعَظِيمُ الْهُمَمَةُ (النِّهَايَةُ: ج ٥ ص ٢٧٥ «هَمَم»).

سلام و رحمت و برکات خدا بر شما ای فرشتگان گمارده شده در این مزار شریف و مبارک! با اجازه خدا و اجازه پیامبرش و اجازه جانشینانش و اذن این امام و اذن شما - که درودهای خدا بر همه شما باد - وارد این خانه می شوم در حالی که با یاری گرفتن از خدا و پیامبرش محمد، و خاندان پاکش، به خدا تقرب می جویم.

پس ای فرشتگان خدا! یاوران من و امدادگران من باشید تا به این خانه درآیم و خدا را به گونه های مختلف بخوانم و به عبودیت در برابر خداوند و اطاعت از این امام و پدرانیش - که درودهای خدا بر ایشان باد - اعتراف کنم.

سپس پای راست را پیش می گذاری و فرود می آیی و می گویی: «به نام خدا، به یاری خدا، در راه خدا و بر دین پیامبر خدا، گواهی می دهم که خدایی جز خدای یکتای بی همتا نیست و گواهی می دهم که محمد، بنده و پیامبر اوست»، و «اللّه اکبر و الحمد لله و سبحان الله ولا اله الا الله» بگو و چون در سرداب مستقر شدی، رو به قبله بایست و بگو:

«سلام و برکات و درودها و صلوات خدا بر مولایم صاحب الزمان، صاحب نور و روشنی و دین بر جای مانده و پرچم مشهور و کتاب نشر یافته و صاحب عصرها و زمان ها و جانشین حسن [عسکری]، امام امانتدار و قائم مورد اعتماد و یاری شده استوار گشته و پناه و بازو، پایه اسلام و ستون مردم، گشاینده سخن و ولی احکام و خورشید تاریکی و ماه شب چهارده و سرسبزی روزگار و صاحب شمشیر بُرّان و شکافنده سرها و دریای جود و سیرور بلندهمت و حجت در مخاصمه و دروازه جایگاه روز رستاخیز.

و سلام بر گشاینده [گره] سختی ها و غوطه ور در دشواری ها و زداینده اندوه ها و باقی نهاده خدا در زمینش و صاحب واجباتش و حجتش بر خلقش و گنجینه علمش و جایگاه صدقش. او که میراث پیامبران، سرانجام به وی رسیده و آثار اوصیا نزدش موجود است و حجت خدا و فرزند پیامبرش و عهده دار رسالت او و ولی امر خداست. رحمت و برکات خدا بر او باد!

اللَّهُمَّ كَمَا انتَجَبْتَهُ لِعِلْمِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ لِحُكْمِكَ، وَخَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُ بِكَرَامَتِكَ، وَغَشِيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُ بِنِعْمَتِكَ، وَغَدَيْتَهُ بِحِكْمَتِكَ، وَاخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاجْتَبَيْتَهُ لِبَاسِكَ، وَارْتَضَيْتَهُ لِقُدْسِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَدَيَانِ الدِّينِ بِعَدْلِكَ، وَفَصَلَ الْقَضَايَا بَيْنَ عِبَادِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ، وَتَفْرَجَ بِهِ عَنِ الْأَمَمِ، وَتُنِيرَ بِعَدْلِهِ الظُّلْمَ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الظُّلْمِ، وَتَقْمَعَ بِهِ حَرَّ الْكُفْرِ وَآثَارِهِ، وَتُطَهِّرَ بِهِ بِلَادَكَ، وَتَشْفِيَ بِهِ صُدُورَ عِبَادِكَ، وَتَجْمَعَ بِهِ الْمَمَالِكَ كُلَّهَا، قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا، عَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا، شَرْقَهَا وَغَرْبَهَا، سَهْلَهَا وَجَبَلَهَا، صَبَاها(١) وَدُبُورَهَا، شِمَالَهَا وَجَنُوبَهَا، بَرَّهَا وَبَحْرَهَا، حُزُونَها(٢) وَوُجُورَهَا، يَمَلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلِئْتَ ظُلْمًا وَجُورًا، وَتُمْكِنَ لَهُ فِيهَا، وَتُنْجِزَ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى لَا يُشْرِكَ بِكَ شَيْئًا، وَحَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَحَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُظَهِّرُ بِهَا حُجَّتَهُ، وَتُوضِحُ بِهَا بَهْجَتَهُ، وَتَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتَهُ، وَتُوَيِّدُ بِهَا سُلْطَانَهُ، وَتُعَظِّمُ بِهَا بُرْهَانَهُ، وَتُشَرِّفُ بِهَا مَكَانَهُ، وَتُعَلِّي بِهَا بُنْيَانَهُ، وَتُعِزُّ بِهَا نَصْرَهُ، وَتَرْفَعُ بِهَا قَدْرَهُ، وَتُسَمِّي بِهَا ذِكْرَهُ، وَتُظَهِّرُ بِهَا كَلِمَتَهُ، وَتُكَثِّرُ بِهَا نُصْرَتَهُ، وَتُعِزُّ بِهَا دَعْوَتَهُ، وَتَزِيدُهُ بِهَا إِكْرَامًا، وَتَجْعَلُهُ لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا، وَتُبَلِّغُهُ فِي هَذَا الْمَكَانِ، مِثْلَ هَذَا الْأَوَانِ، وَفِي كُلِّ مَكَانٍ وَأَوَانٍ، مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا، لَا يَبْلَى جَدِيدُهُ، وَلَا يَفْنَى عَدِيدُهُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلْفَ السَّلَفِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الشَّرْفِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الْمَعْبُودِ،

ص: ٤٢٤

١- (١) الصُّبَا: رِيحٌ تَهْبُ مِنْ مَطْلَعِ الشَّمْسِ، وَقِيلَ: الَّتِي تَجِيءُ مِنْ ظَهْرِكَ إِذَا اسْتَقْبَلْتَ الْقِبْلَةَ، وَالذُّبُورُ: عَكْسُهَا (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج ٢ ص ١٠٠٨ «صبا»).

٢- (٢) الْحَزْنُ: مَا غَلِظَ مِنَ الْأَرْضِ، وَهُوَ خِلَافُ السَّهْلِ، وَالْجَمْعُ حُزُونٌ (المصباح المنير: ص ١٣٤ «حزن»).



خدایا! همان گونه که او را برای علمت برگزیدی و برای حکومت انتخاب کردی و به معرفت ویژه داشتی و با کرامت فرا گرفتی و با رحمت فرو پوشاندی و با نعمت پروراندی و با حکمت تغذیه کردی و برای خودت برگزیدی و برای نبردت [با ظالمان] انتخابش نمودی و برای آستان مقدّست، پسندیدی و او را راه نمای هر یک از مردمانت که خواستی و حکمران دینت به عدالت و داور نهایی میان بندگان قرار دادی و به او وعده دادی که همه را به دست او متحد کنی و گره از کار امت ها بگشایی و تاریکی ها را با عدالتش نورافشان کنی و آتش ستم را خاموش کنی و گرمی [بازار] کفر و آثار آن را در هم بکوبی و سرزمین هایت را به دست او پاک و دل بندگان را خنک کنی و همه کشورها، نزدیک و دور، نیرومند و ناتوان، در شرق و غرب، کوه و دشت، و نیز بادهای وزنده از شرق و غرب و شمال و جنوب، خشکی و دریا و حتی سرزمین های ناهموار و دشوار را [تحت امر او] یک پارچه کنی تا آنها را از عدل و داد پر کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد و او را بر آن چیره کنی و وعده ات را به مؤمنان، با دست او به انجام رسانی تا آن که کسی برایت شریک نگیرد و حقی نماند جز آن که پدیدار شود و عدلی نماند جز آن که پرتو افشاند تا آن جا که هیچ چیزی از حقیقت را به هراس از کسی پنهان ندارد. [به همین گونه] بر او درودی بفرست که حجّتش را با آن پدیدار کنی و شادی اش را آشکار نمایی و درجه اش را بالا-بری و فرمان روایی اش را استوار کنی و برهانش را بزرگ بداری و جایگاهش را شوکت دهی و بنایش را برافرازی و برای پیروزی، یاری اش دهی و قدر و منزلتش را رفعت بخشی و یادش را به اوج ببری و کلمه اش را چیره کنی و یاری اش را فراوان کنی و دعوتش را شکست ناپذیر بنمایی و تکریمش را افزون کنی و او را پیشوای پروا پیشگان قرار دهی و سلام و درود ما را از این مکان و مانند این زمان و در هر مکان و زمان، به او برسان بی آن که از تازگی بیفتد و یا شمارش آن به پایان رسد.

سلام بر تو ای باقی نهاده خدا در زمین و شهرهایش و حجّت او بر بندگان!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَلِمَةَ الْمَحْمُودِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَمْسَ الشُّمُوسِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَهْدِيَّ الْأَرْضِ، وَعَيْنَ الْفَرَضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ وَالْعَالِي الشَّانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ الْأَوْصِيَاءِ، وَابْنَ (خَاتِم) (١) الْأَنْبِيَاءِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعَزَّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُيَذَلَّ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْفَرِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُنْتَظَرُ وَالْحَقُّ الْمُسْتَهْرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْوَلِيُّ الْمُجْتَبَى وَالْحَقُّ الْمُسْتَهَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعِيدُونِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُبِيدُ لِأَهْلِ الْفُسُوقِ وَالطُّغْيَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْهَادِمُ لِثِنْيَانِ الشُّرْكِ وَالنَّفَاقِ، وَالْحَاصِدُ فُرُوعِ الْعَيِّ وَالشَّقَاقِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمِيدُخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَامِسَ آثَارِ الزَّرْبِغِ وَالْأَهْوَاءِ، وَقَاطِعِ حَبَائِلِ الْكُذْبِ وَالْفِتَنِ وَالْإِفْتِرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ الدَّوْلَةِ الشَّرِيفَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَامِعَ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَارَ اللَّهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحْيِيَ مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاصِمَ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَجَهَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَهْلِكُ وَلَا يُبْلَى إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْفَتْحِ وَنَاشِئَ رَأْيِهِ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُؤَلِّفَ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَالِبَ ثَارِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالثَّائِرَ بِعَدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اعْتَدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنْتَظَرُ الْمُجَابُ إِذَا دَعَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ الْخَلَائِفِ، الْبُرِّ التَّقِيَّ الْبَاقِي لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدُونِ.

ص: ٤٢٤

سلام بر تو ای جانشین شایسته پیشینیان! سلام بر تو ای شرافتمند! سلام بر تو ای حجت خدای پرستیده شده! سلام بر تو ای کلمه ستوده! سلام بر تو ای خورشید خورشیدها! سلام بر تو ای مهدی زمین و فریضه ناب! سلام بر تو ای مولای من، ای صاحب روزگار و عالی مقام! سلام بر تو ای خاتم وصیان و فرزند خاتم پیامبران!

سلام بر تو ای عزیز کننده اولیا و خوار کننده دشمنان! سلام بر تو ای امام یگانه! سلام بر تو ای امام به انتظارش نشسته و حق آشکار شده! سلام بر تو ای امام، سرپرست انتخاب شده و حق خواسته شده! سلام بر تو ای امام به او امید بسته شده برای زدودن ستم و تجاوز! سلام بر تو ای امام هلاک کننده فاسقان و سرکشان! سلام بر تو ای امام منهدم کننده بنای شرک و نفاق و از بیخ برکننده شاخه های گم راهی و دودستگی!

سلام بر تو ای ذخیره شده برای تجدید فریضه ها و سنت ها! سلام بر تو ای پاک کننده آثار انحراف و هواپرستی و قطع کننده رشته های دروغ و فتنه و افترا! سلام بر تو که برای زنده کردن حکومت شریف [اسلام] به او امید بسته اند! سلام بر تو ای گردآورنده همه کلمه ها بر تقوا! سلام بر تو ای درگاه خدا! سلام بر تو ای که خون خواهش خداست!

سلام بر تو ای زنده کننده نشانه های دین و دینداران! سلام بر تو ای در هم کوبنده شوکت متجاوزان! سلام بر تو ای وجه خدا که تا روز قیامت، نه از میان می رود و نه کهنه می شود! سلام بر تو ای رشته پیوند میان زمین و آسمان! سلام بر تو ای پیروزمند و برافرازنده پرچم هدایت! سلام بر تو ای الفت دهنده پراکنندگی نیکی ها و خشنودی ها! سلام بر تو ای خون خواه پیامبران و فرزندان آنها و خون خواه ریخته شده در کربلا! سلام بر تو ای که بر ضد تجاوزکار یاری می شود! سلام بر تو ای که به انتظارش نشسته اند و چون بخواند پاسخش گویند! سلام بر تو ای بازمانده جانشین ها، نیکوکار پروا پیشه باقی مانده برای زدودن ستم و تجاوز!

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، وَابْنَ السِّيَادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالْقَادَةَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَصْفِيَاءِ الْمُهَيَّذِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرِهِ الْخَيْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَادَةِ الْبَشَرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْغَطَارِفِ (١) الْأَكْرَمِينَ وَالْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبِرِّهِ الْمُنْتَجِبِينَ، وَالْخَضَارِمِ (٢) الْأَنْجَبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحُجَجِ الْمُنِيرَةِ، وَالشُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشُّهُبِ الثَّقِيهِ (٣)، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ قَوَاعِدِ الْعِلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَعَادِنِ الْجِلْمِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْكَوَاكِبِ الزَّاهِرَةِ، وَالنُّجُومِ الْبَاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشُّمُوسِ الطَّالِعَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَقْمَارِ السَّاطِعَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ وَالْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشُّوَاهِدِ الْمَشْهُودَةِ وَالْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الصُّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَالنَّبَأِ الْعَظِيمِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْآيَاتِ الْبَيِّنَاتِ وَالِدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبِرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ وَالنَّعَمِ السَّابِغَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ طِهَ وَالْمُحْكَمَاتِ، وَيَاسِينَ وَالذَّارِيَاتِ وَالطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ دَنَا فَتَدَلَّى، فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، وَأَقْتَرَبَ مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ

ص: ٤٢٨

١- (١) الْغَطْرِيفِ: السَّيِّدِ، وَالْجَمْعُ: الْغَطَارِيفُ (النَّهْيَةُ: ج ٣ ص ٣٧٢ «غَطْرِيفُ»).

٢- (٢) الْخَضْرَمِ - بِالْكَسْرِ -: الْجَوَادُ الْكَثِيرُ الْعَطِيَّةِ، مَشَبَّهُ بِالْبَحْرِ الْخَضْرَمِ، وَهُوَ الْكَثِيرُ الْمَاءِ، وَالْجَمْعُ: خَضَارِمٌ وَخَضَارِمَةٌ (لِسَانُ الْعَرَبِ: ج ١٢ ص ١٨٤ «خَضْرَمٌ»).

٣- (٣) الثَّقَابُ: الْمَضْيَعُ (النَّهْيَةُ: ج ١ ص ٢١٦ «ثَقَابٌ»).

سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی! سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی! سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا! سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبرا و فرزند سروران مقرب و زمامداران متقی! سلام بر تو ای فرزند نجیبان گرامی! سلام بر تو ای فرزند برگزیدگان پیراسته! سلام بر تو ای فرزند راه نمایان ره یافته! سلام بر تو ای فرزند برگزیده برگزیدگان! سلام بر تو ای فرزند سروران آدمیان! سلام بر تو ای فرزند مهتران بزرگوار و پاکان پاکیزه! سلام بر تو ای فرزند نیکان برگزیده و بخشنندگان نژاده! سلام بر تو ای فرزند حجت های نورافشان و چراغ های پرتوافشان! سلام بر تو ای فرزند شهاب های درخشان! سلام بر تو ای فرزند پایه های دانش! سلام بر تو ای فرزند کان های بردباری.

سلام بر تو ای فرزند ستارگان فروزان و درخشان! سلام بر تو ای فرزند خورشیدهای برآمده! سلام بر تو ای فرزند ماه های نورافشان! سلام بر تو ای فرزند راه های روشن و نشان های هویدا! سلام بر تو ای فرزند سنت های مشهور! سلام بر تو ای فرزند نشانه های بر جا مانده! سلام بر تو ای فرزند شواهد دیدنی و معجزه های در دسترس! سلام بر تو ای فرزند راه راست و خبر سترگ! سلام بر تو ای فرزند آیه های روشن و دلیل های آشکار! سلام بر تو ای فرزند برهان های واضح!

سلام بر تو ای فرزند حجت های رسا و نعمت های سرشار! سلام بر تو ای فرزند طه، محکمات، یاسین، ذاریات، طور و عادیات! سلام بر تو ای فرزند کسی که [به خدا] نزدیک و نزدیک تر شد تا آن که به اندازه قاب میان دو کمان یا کمتر با خدای والای برتر فاصله داشت!

کاش می دانستم در کدامین سو و ناحیه جا گرفته ای؟ آیا در وادی طوبی هستی؟ بر من سخت است که مردم را بینم و تو دیده نشوی و هیچ آوا و نجوایی از تو شنیده نشود. بر من ناگوار است که مردم، دیده شوند و تو دیده نشوی. بر من دشوار است که دشمنان، گرداگرد تو را بگیرند. جانم فدای تو که از دیده ها پنهانی؛ اما میان مایی! جانم فدای تو که جدایی؛ اما از ما دور نیستی! و ما می گوئیم: ستایش، ویژه خدای جهانیان است و خداوند بر محمد و خاندانش، همه آنان درود فرستد».

شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِعَمِكَ النَّوَى؟ أَوْ أَنْتَ بِوَادِي طُوى؟ عَزِيْزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا- تُرى، وَلَا- يُسْمَعُ لَكَ حَسِيْسٌ وَلَا نَجْوَى، عَزِيْزٌ عَلَيَّ أَنْ يُرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرى، عَزِيْزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيْطَ بِكَ الْأَعْدَاءُ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ مَا غَابَ عَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا، وَنَحْنُ نَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَصَلَّى اللهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِيْنَ.

ثُمَّ تَرَفَّعَ يَدَيْكَ وَتَقُولُ:

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَاشِفُ الْكَرْبِ وَالْبَلْوَى، وَإِلَيْكَ نَشْكُو غَيْبَهُ إِمَامِنَا وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّنَا، اللَّهُمَّ فَاغْلِبْهُ بِالْأَرْضِ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مُلِئْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا.

اللَّهُمَّ صِدِّقٌ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَرِنَا سَيِّدَنَا وَصَاحِبَنَا وَإِمَامَنَا وَمَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، وَمَلْجَأَ أَهْلِ عَصْرِنَا، وَمَنْجَى أَهْلِ دَهْرِنَا، ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ، وَاضِحَ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ، مُنْقِذًا مِنَ الْجَهَالَةِ، وَأَظْهَرَ مَعَالِمَهُ، وَتَبَّتْ قَوَاعِدُهُ، وَأَعَزَّ نَصْرَهُ، وَأَطْلَ عُمُرَهُ، وَابْسُطْ جَاهَهُ، وَأَحْيِ أَمْرَهُ، وَأَظْهِرْ نُوْرَهُ، وَقَرِّبْ بُعْدَهُ، وَأَنْجِزْ وَعْدَهُ، وَأَوْفِ عَهْدَهُ، وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ، وَدَوِّمِ مُلْكِهِ، وَعَلِّوْ ارْتِقَائِهِ وَارْتِفَاعِهِ، وَأَنْرِ مَشَاهِدَهُ، وَتَبَّتْ قَوَاعِدَهُ، وَعَظَّمْ بُرْهَانَهُ وَأَمِدَّ سُلْطَانَهُ، وَأَعْلِ مَكَانَهُ، وَقَوِّ أَرْكَانَهُ، وَأَرِنَا وَجْهَهُ، وَأَوْضِحْ بَهْجَتَهُ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَأَظْهِرْ كَلِمَتَهُ، وَأَعَزِّ دَعْوَتَهُ، وَأَعْطِهِ سُؤْلَهُ، وَبَلِّغْهُ يَا رَبِّ مَأْمُولَهُ، وَشَرِّفْ مَقَامَهُ، وَعَظِّمْ إِكْرَامَهُ.

وَأَعَزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَحْيِ بِهِ سِنِينَ الْمُرْسَلِينَ، وَأَذِلَّ بِهِ الْمُنَافِقِينَ، وَأَهْلِكَ بِهَ الْجَبَّارِينَ، وَآكِفِهِ بَعِي الْحَاسِدِينَ، وَأَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ، وَازْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَأَيِّدْهُ بِجُنُودِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (1)، وَسَلِّطْهُ عَلَيَّ أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ،

ص: ٤٣٠

١- (١) مُسَوِّمِينَ: أَي مَعْلَمِينَ أَنفُسَهُمْ أَوْ خِيْلَهُمْ بِعَلَامِهِ يُعْرَفُونَ بِهَا (مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ: ج ٢ ص ٩١١ «سوم»).

سپس دستانت را بالا می‌بری و می‌گویی: «خدایا! تو زدايندهٔ سختی و بلايي و غيبت وليّ مان و فرزند دختر پیامبرمان را به تو شکوه می‌بريم. خدایا! زمین را به دست او از عدل و داد پر کن، همان گونه که از ظلم و ستم، پر شده است.

خدایا! بر محمّد و خاندانش درود فرست و سیرور و صاحبمان، اماممان و مولایمان، صاحب الزمان، او را که پناهگاه اهل روزگارمان و نجات بخش مردم زمانه مان است، به ما بنمایان، در حالی که آشکارا سخن می‌گویند و راه می‌نمایند و راه نمای میان گم‌راهی و رهایی بخش از جهالت است.

[خدایا!] نشانه‌هایش را آشکار کن و پایه‌هایش را استوار بدار و نصرتی پیروزمندانه به او عطا و عمرش را طولانی کن و مقام و منزلتش را بگستران و امرش را زنده بدار و نورش را پایدار کن و دوری‌اش را نزدیک بگردان و وعده‌ات را به او به انجام برسان و عهده‌ی را که با او بسته‌ای، ادا کن و زمین را با طول بقایش و استمرار فرمان‌روایی‌اش و اوج گرفتن ترقی و صعودش، زینت بخش و جایگاه‌های حضورش را نورانی و پایه‌هایش را استوار و برهانش را بزرگ و فرمان‌روایی‌اش را طولانی کن و جایگاهش را فراز آر و ستون‌هایش را تقویت کن و رویش را به ما بنما و شادی‌اش را روشن بدار و درجه‌اش را رفعت بخش و کلمه‌اش را چیره بدار و دعوتش را شکست‌ناپذیر قرار ده و خواسته‌اش را به او عطا کن و - ای خدای من - او را به آرزویش برسان و جایگاهش را با شوکت و گرمی داشتش را با شکوه تر کن و مؤمنان را به دست او عزیز و سنت‌های فرستادگان الهی را زنده بدار و منافقان را به دست او خوار و جنابان را هلاک بگردان و ستم‌حسودان را از او کفایت کن و او را از گزند مکاران، در پناه خود بگیر و خواست ستمکاران را از او باز دار و او را با لشکری از فرشتگان نشاندار، تأیید بفرما و بر همهٔ دشمنان دینت چیره‌اش کن و هر زورگوی لجبازی را با او درهم کوب و هر آتش‌برافروخته‌ای را با شمشیر او خاموش بگردان و حکمش را در هر جا نافذ و جاری کن و فرمان‌روایی‌اش را بر هر مُلک و سیطره‌ای مسلط کن و بندگان بت‌ها را با او قلع و قمع کن و اهل قرآن و

وَأَقْصِمَ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَأَخْمَدَ بِسَيِّفِهِ كُلَّ نَارٍ وَقِيدٍ، وَأَنْفَذَ حُكْمَهُ فِي كُلِّ مَكَانٍ، وَأَقِمَ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ، وَأَقْمَعَ بِهِ عَبْدَةَ الْأَوْثَانِ، وَشَرَّفَ بِهِ أَهْلَ الْقُرْآنِ وَالْإِيمَانِ، وَأَظْهَرَهُ عَلَى كُلِّ الْأَدْيَانِ، وَآكَبَتْ مِنْ عَادَاهُ، وَأَذَلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَاسْتَأْصَلَ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ، وَأَنْكَرَ صِدْقَهُ، وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ، وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ.

اللَّهُمَّ نَوَّرْ نُورَ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَاكشِفْ بِهِ كُلَّ غُمَّةٍ، وَقَدِّمْ أَمَامَهُ الرُّعْبَ، وَتَبَّتْ بِهِ الْقَلْبَ، وَأَقِمْ بِهِ نُصْرَةَ الْحَرْبِ، وَاجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُؤَمَّلَ، وَالْوَصِيَّ الْمُفْضَلَ، وَالْإِمَامَ الْمُنْتَظَرَ، وَالْعَدْلَ الْمُخْتَبَرَ، وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا، وَأَعِنُّهُ عَلَى مَا وَلَّيْتَهُ وَاسْتَخْلَفْتَهُ وَاسْتَرْعَيْتَهُ، حَتَّى يُجْرِيَ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَيَهْدِيَ بِحَقِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ. وَاحْرُسْهُ اللَّهُمَّ بِعَيْتِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَاكْفِهِ بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَأَعِزَّهُ بِعِزِّكَ الَّذِي لَا يُضَامُ.

وَاجْعَلْنِي يَا إِلَهِي مِنْ عِيدِهِ وَمِدَدِهِ، وَأَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَرْكَانِهِ، وَأَشْيَاعِهِ وَأَتْبَاعِهِ، وَأَذِقْنِي طَعْمَ فَرَحَتِهِ، وَأَلْبَسْنِي ثَوْبَ بَهْجَتِهِ، وَأَحْضِرْنِي مَعَهُ لِبَيْعَتِهِ، وَتَأْكِيدِ عَقْدِهِ، بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ، عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَوَفَّقْنِي يَا رَبِّ لِلْقِيَامِ بِطَاعَتِهِ، وَالْمَثْوَى فِي خِدْمَتِهِ، وَالْمَكْثِ فِي دَوْلَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، فَإِنِ تَوَفَّقْتَنِي اللَّهُمَّ قَبْلَ ذَلِكَ، فَاجْعَلْنِي يَا رَبِّ فِي مَنْ يَكْرُ فِي رَجَعَتِهِ، وَيَمْلِكُ فِي دَوْلَتِهِ، وَيَتِمَكَّنُ فِي أَيْامِهِ، وَيَسْتَظِلُّ تَحْتَ أَعْلَامِهِ، وَيُحَشِّرُ فِي زَمْرَتِهِ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْتِهِ، بِفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ وَامْتِنَانِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، وَالْمَنْ الْقَدِيمِ، وَالْإِحْسَانِ الْكَرِيمِ.

ثُمَّ صَلِّ فِي مَكَانِكَ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكَعَةً وَقْرَأْ فِيهَا مَا شِئْتَ، وَاهْدِهَا لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِذَا سَلَّمْتَ فِي كُلِّ رَكَعَتَيْنِ فَسَبِّحْ تَسْبِيحَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَقُلْ:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ، حِينَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ،



ایمان را به دست او گرامی بدار و او را بر همهٔ دین ها غلبه بده و هر که را با او دشمنی می کند، خوار نما و هر که را با او مخالفت می کند، ذلیل کن و هر که حقش را به جای نمی آورد و راستی او را انکار می کند و امرش را خوار می شمرد و در پی فراموشاندن یاد او و تلاش برای خاموش کردن نور اوست، از بیخ و بُن برکن.

خدایا! هر تاریکی ای را با نورش متور کن و هر اندوهی را با او برطرف ساز و جلوتر از او، هراس را [به دل دشمنانش] بیفکن و دل [دوستانش] را با او استوار بدار و پیروزی در جنگ را با او برپا دار و او را قیام کننده ای که به وی امید بسته اند و وصی برتری داده شده و امامی که چشم به راهش هستند و عدل آزموده قرار بده و زمین را با او از عدل و داد پُر کن، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است و او را در آنچه به عهده اش نهاده ای و جانشینش ساخته ای و به او سپرده ای، یاری ده تا حکمش بر هر حکمی جاری و نافذ باشد و با حقش هر گم راهی را هدایت کند. خدایا! او را با چشمت که نمی خوابد، مواظبت کن و او را در حمایت خود بگیر؛ حمایتی که آهنگ [ضربه زدن] به آن نیز نمی شود و او را با عزت خود عزت بخش؛ که هیچ چیز بر آن چیره نمی گردد.

خدای من! مرا از شمار یاوران و یاران و کمک کاران و پایه ها و پیروان و دنباله رُوان او قرار ده و مزهٔ شادی اش را به من بچشان و جامهٔ سُوروش را به من بپوشان و مرا همراهش حاضر کن تا با او نزد کعبه و میان رکن [حجر الأسود] و مقام [ابراهیم] بیعت و پیمانش را محکم کنم. ای خدای من! مرا به قیام برای اطاعتش و استقرار در خدمتش و درنگ در دولتش و دوری از نافرمانی اش موقت بدار و اگر - ای خدا - مرا پیش از اینها، قبض روح کردی - ای خدای من -، مرا در میان کسانی قرار بده که در بازگشت او باز می گردند و در حکومتش، صاحب مُلک و در روزگارش قدرتمند می شوند و زیر سایهٔ او به سر می بَرند و در جرگهٔ او محشور می شوند و چشمانشان به دیدار او روشن می گردند. به فضل و احسان و کرم و منتت، ای صاحب بخشش بزرگ و منت دیرین و نیکی بزرگوارانه!

سپس در جای دوازده رکعت نماز بگزار و در آن هر چه خواستی بخوان و آنها را به امام زمان علیه السلام هدیه کن و در پایان هر دو رکعت که سلام دادی، تسبیحات فاطمه زهرا علیها السلام را بگو و سپس بگو:

«خدایا! تو سلامی و سلام از توست و به تو باز می گردد. خدای ما! ما را با سلامی

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرَّكْعَاتِ هَدَيْتَهُ مِنِّي إِلَى وِلِيِّكَ وَابْنِ وِلِيِّكَ، وَابْنَ أَوْلِيَاءِكَ، الْإِمَامِ ابْنِ الْأَيْمَنِ، الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْحُجَّهِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُ إِيَّاهَا وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمْلِي، وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ، صَلِّ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ.

فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الصَّلَاةِ فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ، وَهُوَ دُعَاءٌ مَشْهُورٌ يُدْعَى بِهِ فِي غَيْبِهِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهُوَ (١):

اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.

اللَّهُمَّ لَا تُمَتِّنِي مِيتَةً جَاهِلِيَّةً، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي. اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي بِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وُلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلِّ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى وَالِيَتُ وُلَاةَ أَمْرِكَ: أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَالْحَسَنَ، وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيًّا، وَمُحَمَّدًا، وَجَعْفَرًا، وَمُوسَى، وَعَلِيًّا، وَمُحَمَّدًا، وَعَلِيًّا، وَالْحَسَنَ، وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ، صَلِّ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، اللَّهُمَّ فَتَبَّتَنِي عَلَى دِينِكَ، وَاسْتَعْمَلَنِي بِطَاعَتِكَ، وَلَيْتَ قَلْبِي لَوْلِيٍّ أَمْرِكَ، وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَتَبَّتَنِي عَلَى طَاعِهِ وَلِيٍّ أَمْرِكَ، الَّذِي سَتَرْتَهُ عَن خَلْقِكَ، وَيَا ذَنبَكَ غَابَ عَن بَرِّيَّتِكَ، وَأَمْرَكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ الْمَعْلَمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلِّ لِمَوَاتِكَ فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ، وَكَشْفِ سِتْرِهِ، وَصَبْرِنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ،

ص: ٤٣٤

١- (١) جاء هذا الدعاء من هنا وحتى آخره، بسند متصل عن أبي عمرو العمري، نائب الإمام المهدي عليه السلام، في مصباح المتهجد للشيخ الطوسي، وقد جئنا به تحت عنوان «دعاء المعرفة» [من الفصل السابع: الدعاء للإمام المهدي في كل حال].

از جانب خودت بنواز. خدایا! این رکعات، هدیه من به ولایت و فرزند ولایت، امام، فرزند امامان، جانشین شایسته، حجت صاحب الزمان باشد. بر محمد و خاندان محمد درود فرست و آن را به ایشان برسان و برترین آرزویم و امیدم به تو و پیامبرت - که دروهای خدا بر او و بر همه خاندانش باد - را به من عطا کن».

هنگامی که از نماز فارغ شدی، این دعا را بخوان که دعایی مشهور است و در روزگار غیبت قائم علیه السلام خوانده می شود: (۱)

«خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر تو خود را به من نشناسانی، فرستاده ات را نخواهم شناخت. خدایا! فرستاده ات را به من بشناسان که اگر فرستاده ات را به من نشناسانی، حجت را نخواهم شناخت. خدایا! حجت را به من بشناسان که اگر حجت را به من نشناسانی، از دینم گم راه می شوم.

خدایا! مرا به مرگ جاهلی نمیران و قلبم را پس از آن که هدایت نمودی، از راه به در مبر. خدایا! همان گونه که مرا به ولایت کسانی هدایت نمودی که اطاعتشان را از میان والیان امر پس از پیامبرت - که دروهایت بر او و خاندانش باد - واجب نموده بودی تا آن که والیان امرت: امیر مؤمنان، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و حجت قائم، مهدی - که دروهایت بر همه آنان باد - را ولی خود گرفتم، پس مرا بر دینت پایدار بدار و به اطاعتت بگمار و دلم را برای ولی امرت نرم بگردان و مرا از آنچه مردمانت را به آن آزمودی، معاف بدار و بر اطاعت از ولایت - که از مردمت پوشیده اش داشتی - استوار بدار که به اذن تو از دیده مردمت غایب شده و امرت را انتظار می کشد و تو، به علم خود می دانی که چه هنگام اذن به آشکار کردن کار و رازش به صلاح اوست. پس مرا بر این امر شکبیا کن تا جلو افتادن آنچه را تو به تأخیر می اندازی و به تأخیر افتادن آنچه را تو به جلو می اندازی،

ص: ۴۳۵

---

۱- (۱) از این جا تا آخر این دعا با سند متصل از ابو عمرو و عمری، نائب امام زمان در مصباح المتهدجد شیخ طوسی آمده است که ما آن را در ذیل عنوان «دعای معرفت». (از فصل هفتم) آورده ایم (ر. ک: ص ۳۶۱ ح ۱۰۹۱).

ولا كَشَفَ ما سَتَرْتَ، ولا البَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ، ولا انازَعَكَ في تَدْيِيرِكَ، ولا أَقُولُ: لِمَ، وكيف؟ ولا ما بالِ وَلِيِّ الأَمْرِ لا يَظْهَرُ، وَقَدِ امْتَلأتِ الأَرْضُ مِنَ الجَوْرِ؟ وَأفَوِّضُ امورى كُلِّها إِلَيْكَ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسأُ لُبِّكَ أَنْ تُرِينِي وَلِيَّ أَمْرِكَ ظاهِراً نَافِئاً الأَمْرَ، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لِمَكَ السُّلْطَانَ وَالقُدْرَةَ وَالبُرْهَانَ، وَالْحُجَّةَ وَالْمَشِيئَةَ، وَالْحَوْلَ وَالقُوَّةَ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَبِجَمِيعِ المُؤْمِنِينَ، حَتَّى نَنظُرَ إِلى وَلِيِّ أَمْرِكَ صِلَواتِكَ عَلَيْهِ وآلِهِ ظاهِرَ المَقالَةِ، واضِحَ الدَّلالةِ، هادِياً مِنَ الضَّلالَةِ، شافِياً مِنَ الجِهالَةِ، أبرز يا رَبِّ مَشاهِدَهُ، وَتَبَّتْ قَواِئِدُهُ، وَاجعَلنا مِمَّنْ تَقَرُّ عَينُهُ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَأَقمنا بِحِدْمَتِهِ، وَتَوَفَّنا عَلى مِلَّتِهِ، وَاحشُرنا في زُمرَتِهِ.

اللَّهُمَّ أَعِدْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ ما خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحفَظْهُ مِنْ بَينِ يَدَيِهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحفَظْ فِيهِ رَسولَكَ وَوَصِيَّ رَسولِكَ عَلَيْهِ وآلِهِ السَّلامِ، وَمُيَدَّ عُمُرِهِ وَزِدْ في أَجَلِهِ، وَأَعِنَهُ عَلى ما وَليْتَهُ وَاسْتَرَغَيْتَهُ، وَزِدْ في كَرامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الهادِي المَهْدِيُّ، وَالقائِمُ المَهْتَدِيُّ، وَالطَّاهِرُ التَّقِيُّ، الزَّكِيُّ النَّقِيُّ، الرَضِيُّ المَرْضِيُّ، الصَّابِرُ الشُّكُورُ المُجْتَهِدُ.

اللَّهُمَّ ولا- تَسَلِّبنا اليقينَ لِطولِ الأَميدِ في غَيبَتِهِ، وَانقِطاعِ خَبَرِهِ عَنّا، ولا- تُنَسِّبنا ذِكرَهُ وَانْتَظارَهُ وَالإيمانَ بِهِ، وَقُوَّةَ اليقينِ في ظُهورِهِ، وَالدُّعاءَ لَهُ، وَالصَّلاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لا تُقنَطنا غَيبَتُهُ مِنْ قِيامِهِ، وَيَكُونُ يَقِيننا في ذَلِكَ كَيَقِيننا في قِيامِ رَسولِكَ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وآلِهِ، وما جاء بِهِ مِنْ وَحِيكَ وَتَنزِيلِكَ، فَقَوِّ قلوبنا عَلى الإِيمانِ بِهِ حَتَّى تَسَلِّكَ بنا عَلى يَدَيهِ مِنْهاجِ الهُدَى، وَالْمَحَجَّةِ (1) العُظمى، وَالطَّرِيقَةَ الوُسطى، وَقَوِّنا عَلى طاعَتِهِ،

ص: ٤٣٦

١- (١) المَحَجَّةُ: جادَهُ الطَّرِيقِ (المصباح المنير: ص ١٢١ «حجج»).

دوست نداشته باشم و آنچه را پوشیده داشته ای، نگشایم و آنچه را تو پنهان نموده ای، نکاوم و در تدبیرت با تو نستیزم و نگویم: چرا؟ و چگونه؟ و یا چرا ولی امر ظهور نمی کند، با آن که زمین از ستم پر شده است؟! و همه این امور را به تو می سپارم.

خدایا! از تو می خواهم که ولی امرت را به من بنمایی در حالی که ظهور کرده و امرش نافذ است، و می دانم که سیطره و قدرت، از آن توست و نیز برهان و دلیل و خواست و توانایی و قوت. پس این را برای من و همه مؤمنان به انجام رسان تا به ولایت - که درودهایت بر او باد - بنگریم در حالی که سخنش آشکار و هدایت نمودنش علنی و راه نمای میان گم راهی و شفا دهنده نابخردی است. ای خدای من! جایگاه های حضورش را بنما و پایه ها [ی حکومتش] را پابرجا کن و ما را از کسانی قرار بده که چشمشان به دیدارش روشن می شود و ما را به خدمت او بگمار و بر دین او بمیران و در جرگه او محشورمان بفرما.

خدایا! او را از گزند هر چه خلق کرده ای و ساخته ای و آفریده ای و پدید آورده ای و صورت داده ای در پناه خود بگیر و از جلو و پشت و راست و چپ و بالا- و پایین او را حفظ فرما به حفظ خودت؛ که هر کس را با آن حفظ می کنی، تباه نمی شود و پیامبر و وصی پیامبرت - که بر آنان سلام - را با [حفظ] او محافظت فرما.

خدایا! عمرش را طولانی کن و بر مهلتش بیفزای و وی را در آنچه به او سپرده ای، و به عهده اش نهاده ای، یاری اش کن و در بزرگداشت او بیفزای که او ره نمای ره یافته، قیام کننده آشنا به راه، پاک پروا پیشه، پاکیزه ناب، خشنود پسندیده و شکیبای سپاس گزار کوشاست.

خدایا! در اثر به درازا کشیدن غیبتش و بی خبر ماندن ما از او، یقین ما را مگیر و ذکر و انتظارش و نیز ایمان ما به او و استواری یقین ما را به ظهورش و دعا و صلوات برای او را از یاد ما مبر، تا طول غیبتش ما را از قیام او ناامید نکند و یقین ما در این باره مانند یقین ما به قیام پیامبرت - که درودهایت بر او و خاندانش باد - و آنچه از وحی و آیات نازل شده آورده است، باشد.

وَتَبَتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا، وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا، حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ، لَا شَاكِينَ وَلَا نَاكِثِينَ (١) وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكَذِّبِينَ.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَأَخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّمْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَاسْتَنْقِذْ بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ، وَانْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ، وَأَقْتُلْ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَالْكَافِرَةَ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّالِّينَ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَيَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ، وَأَبِرْ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّيَّابِينَ وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَيَّارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا.

طَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ، وَجِدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ، وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ، وَغَيِّرْ مِنْ سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَيِّحِحًا لَا عَوَجَ فِيهِ وَلَا بَدْعَ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ، فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَارْتَضَيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْعُيُوبِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ، وَنَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ.

اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِينَ وَعَلَى شِعْبَتِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ، وَبَلِّغْهُمْ مِنْ أَيَّامِهِمْ مَا يَأْمَلُونَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَيْتْنَا، وَغَيَّبَهُ إِمَامِنَا، وَشَدَّه الزَّمَانِ عَلَيْنَا، وَوَقَّعَ الْفِتْنَ

ص: ٤٣٨

١- (١) النكث: نقض العهد (النهاية: ج ٥ ص ١١٤ «نكث»).

خدایا! دل هایمان را بر ایمان به او تقویت کن تا ما را به دست او به راه هدایت و شاه راه روشن آن و طریقهٔ میانه [و اصلی] ببرد. ما را بر اطاعت از او نیرومند و بر پیروی اش استوار بدار و ما را در زمرهٔ حزب و یاران و یاوران و رضایتمندان به کار او در آور و این را در زندگی و هنگام مرگمان از ما مگیر تا آن گاه که جانمان را می گیری، بر همین حال باشیم بی آن که شک داشته و یا پیمان شکسته و یا تردید کرده و به تکذیب برخاسته باشیم.

خدایا! در فرجش تعجیل بفرما و او را با نصرت، استوار بدار و یارانش را یاری ده و وانهادندگانش را وا بنه و آنان را که به دشمنی با او و تکذیبش برخاسته اند، هلاک کن و حق را به دست او آشکار کن و ستم را بمیران و بندگان مؤمنت را به دست او از خواری برهان و سرزمین هایت را با او آباد کن و زورگویان کافر را به دست او بکش و سران گم راهی را به دست او خرد کن و جتّاران و کافران را به دست او خوار گردان و منافقان و پیمان شکنان و همهٔ مخالفان و کژروان را در شرق و غرب زمین و در خشکی و دریا و کوه و دشت به دست او هلاک کن تا آن که هیچ یک از آنان را بر جای نگذاری و اثری از ایشان باقی نماند. سرزمین هایت را از ایشان پاک کن و سینه های بندگان را با هلاکت آنان شفا بده و آنچه را از دینت محو شده، با او احیا کن و آنچه را از حکمت، دگرگون شده و آنچه را از سنتت تغییر یافته، به دست او اصلاح کن تا دینت به وسیله و دست او، نو و تازه و درست شود، بی هیچ کژی و بدعتی در آن، تا آن که آتش کافران را با عدالتش، خاموش کنی؛ که او بنده ای است که برای خود برگرفته ای و برای یاری دینت پسندیده ای و او را با آگاهی ات برگزیده ای و از گناهان، محفوظش داشته ای و از عیب ها پاکش نموده ای و بر غیب ها، آگاهی کرده ای و به او نعمت داده ای و از آلودگی، پاک و از پلیدی ها پاکیزه اش کرده ای.

خدایا! بر او و بر پدران وی - امامان پاک - و بر پیروان برگزیده اش درود فرست و به آرزوهایشان برسان و این را از ما خالص و بی شک و شبهه و خودنمایی و ریاکاری قرار بده تا جز تو را نخواهیم و جز روی تو را نجویم.

خدایا! از نبودن پیامبران، غیبت ولّیمان، سختگیری روزگار بر ما، روی آوردن فتنه ها

بِنَا، وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ، وَكَثُرَ عَدُوْنَا، وَقِيلَ عَدَدِنَا، اللَّهُمَّ فَافْرَجْ ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَنَصْرِ مِنْكَ تُعِزُّهُ، وَإِمَامِ عَدْلِ تَظْهِرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسَأُ لَكَ أَنْ تَأْذَنَ لِرُؤْيَيْكَ فِي إِظْهَارِ عَيْدِكَ فِي عِبَادِكَ، وَقَتْلِ أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتَّى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دِعَامَهُ إِلَّا قَصَمْتَهَا (١)، وَلَا بَقِيَّةَ إِلَّا أَفْنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا أَوْهَنْتَهَا، وَلَا زُكْنَ إِلَّا هَيْدَمْتَهُ، وَلَا حَيْدًا إِلَّا فَلَطْتَهُ، وَلَا سَيْلًا إِلَّا أَكَلْتَهُ (٢)، وَلَا رَايَةَ إِلَّا نَكَسْتَهَا، وَلَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشًا إِلَّا خَذَلْتَهُ، وَارْمِهِمْ يَا رَبِّ بِحَجَرِكَ الدَّمَغِ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَبَأْسِكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، وَعَيْذُكَ وَأَعْدَاءُكَ وَوَيْتِكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَيَلُوا تَكَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِيَدِ وَيْتِكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ.

اللَّهُمَّ اكْفِ وَيْتِكَ وَحُجَّتَيْكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَيْدُوهُ، وَكَيْدَ مَنْ أَرَادَهُ، وَامْكَرِ بَيْنَ مَكْرٍ بِهِ، وَاجْعَلْ دَائِرَةَ السُّوءِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، وَقَطِّعْ عَنْهُ مَا ذَنَّبَهُمْ، وَأَرْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ، وَزَلِّزْ أَقْدَامَهُمْ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبَغْتَةً، وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَأَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ، وَالْعَنْهُمْ فِي بِلَادِكَ، وَأَسْكِنْهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَأَصْلِحْ نَارًا، وَاحْشُ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا، وَأَصْلِحْ حَرَّ نَارِكَ، فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَأَضَلُّوا عِبَادَكَ، وَأَخْرَبُوا بِلَادَكَ.

اللَّهُمَّ وَأَحْيِ بِوَيْتِكَ الْقُرْآنَ، وَأَرِنَا نُورَهُ سِرْمَدًا (٣) لَا لَيْلَ فِيهِ، وَأَحْيِ بِهِ الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَاشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعْرَةَ (٤)، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ، وَأَقِمْ بِهِ

ص: ٤٤٠

- ١- (١) قَصَمْتَهَا: أَي حَطَمْتَهَا وَهَشَمْتَهَا، وَذَلِكَ عِبَارَةٌ عَنِ الْهَلَاكِ (انظر: مجمع البحرين: ج ٣ ص ١٤٨٦ «قصم»).
- ٢- (٢) كَلِيلٌ وَكَالٌ: أَي غَيْرُ قَاطِعٍ (المصباح المنير: ص ٥٣٨ «كلل»).
- ٣- (٣) السِّرْمَدُ: الدَّائِمُ (مفردات ألفاظ القرآن: ص ٤٠٨ «سرمد»).
- ٤- (٤) وَغَرَ صَدْرُهُ: امْتَلَأَ غِيظًا (المصباح المنير: ص ٦٦٦ «وغر»).



به سوی ما، پشت به پشت هم دادن دشمنان و فراوانی آنها و اندک بودن ما به تو شکوه می بریم. خدایا! اینها را از ما با فتحی سریع از سوی خودت و یاری ای شکست ناپذیر از جانب خودت و امام عدلی که آشکارش می کنی، بگشای، ای خدای حق! اجابت کن.

خدایا! ما از تو می خواهیم که به ولایت اجازه دهی تا عدالتت را میان بندگان پدیدار کنی و دشمنانت را در سرزمین هایت بگشود تا - ای خدای من - هیچ پایه ای از ستم را و نگهداری جز آن که آن را درهم شکنی و بازمانده ای از آن را و انهی جز آن که به باد فنایش بسپاری و نیز هیچ قدرتی جز آن که سستش کنی و ستونی جز آن که منهدمش کنی و تیزی ای جز آن که کندش کنی و سلاحی جز آن که ناکارش کنی و پرچمی جز آن که سرنگونش کنی و جسوری جز آن که از پایش درآوری و لشکری جز آن که از هم بیاشی، و - ای خدای من - با سنگ سرشکنت آنان را بکوب و با شمشیر بُرانت آنان را بزن و با عذابت که آن را از تبهکاران باز نمی گردانی، آنان را عذاب کن و دشمنانت و دشمنان ولایت و دشمنان پیامبرت - که دروهای تو بر او و خاندانش باد - را با دست ولایت و دستان بندگان با ایمانت، عذاب ده.

خدایا! ولی و حجتت را در زمین، از بیم دشمنانش کفایت کن و با هر کس که با او حيله می کند، حيله کن و هر که با او مکر می کند، مکر کن و پیشامدهای بد را بر سر هر کس که قصد بدی با او دارد، بریز و آنها را از بیخ و بن برکن و دل هایشان را از او بترسان و پاهایشان را بلرزان و آنان را آشکار یا ناگهانی بگیر و عذابت را بر آنها تشدید کن و آنان را میان بندگان رسوا کن و در سرزمین هایت لعنت کن و در پایین ترین درجه دوزخ جایشان ده و سخت ترین کیفرت را بر آنان مسلط کن و به درون آتش ببر و گورهای مردگانشان را از آتش پر کن و داغی آتش را به آنها برسان؛ که ایشان نماز را تباه و شهوت ها را پیروی و بندگان را گم راه و شهرهایت را خراب کردند.

خدایا! قرآن را به وسیله ولایت زنده کن و نور او را جاوید و بی تاریکی را برایمان بنمایان و دل های مرده را با او زنده بدار و سینه های پر غیظ [مؤمنان] را با او شفا بده و خواسته های متفرق را با او به گرد حق، جمع کن و حدود اجرا نشده و احکام و نهاده

الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَيْدٌ إِلَّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّبِهِ سُلْطَانِهِ، وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ.

وَأَنْتَ يَا رَبُّ الَّذِي تَكْشِفُ الضُّرَّ، وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ، وَتُنَجِّي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، فَمَا كَشَفِ الضُّرَّ عَنْ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ.

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ حُصَيْمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ وَالْغَيْظِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِدْنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ فَائِزًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

١١٢٢. المزار الكبير: إذا أردت زيارة أحد من الأئمة عليهم السلام فقف عليه وقل:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَافِعَ السَّمَاوَاتِ الْمَبِيتَاتِ، وَيَا سَاطِحَ الْأَرْضِينَ الْمَدْحُوتِ (١)... السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الْمُتَزَّهِ عَنِ الْمَآثِمِ، الْمُطَهَّرِ مِنَ الْمَظَالِمِ، الْجَبْرِ الْعَالِمِ الَّذِي لَمْ تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، الْعَالِمِ بِالْأَحْكَامِ، الْمُغَيَّبِ وَلَعْدُهُ عَنْ عُيُونِ الْأَنَامِ، يَدْرِ الظَّلَامِ، التَّقِيَّ النَّقِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ، أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ الْعَالِمِ الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ وَالْحَاضِرِ فِي الْأَمْصَارِ، وَالْغَائِبِ عَنِ الْعُيُونِ وَالْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ، بَقِيَّةِ الْأَخْيَارِ، الْوَارِثِ ذَا الْفَقَارِ، الَّذِي يَظْهَرُ فِي بَيْتِ اللَّهِ ذِي الْأَسْتَارِ، وَيُنَادِي بِشِعَارِ: يَا ثَارَاتِ الْحُسَيْنِ، أَنَا الطَّالِبُ بِالْأَوْتَارِ، أَنَا

ص: ٤٤٢

شده ات را با او برپا کن تا حقی نماند جز آن که پدیدار شود و عدالتی جز آن که بشکفتد و - ای خدای من - ما را از یاوران و تقویت کنندگان سیطره او، فرمان پذیران امر او، رضایتمندان به کار او، تسلیم شدگان در برابر حکم او قرار بده و از کسانی که نیازی به تقیه کردن از مردمت نداشته باشند.

تو - ای خدای من -، کسی هستی که سختی را می گشایی و درمانده را چون دعایت کند، پاسخ می دهی و از دشواری های سهمگین، رهایی می دهی. پس سختی ولایت را بزدای و او را جانشین خود در زمینت قرار بده، همان گونه که برایش ضمانت کرده ای.

خدایا! مرا از رودررویان خاندان محمّد قرار مده و مرا از دشمنان خاندان محمّد قرار مده و مرا از خشم گیرندگان و دل ناخوشان بر خاندان محمّد قرار مده؛ که من از آن به تو پناه می برم. پس پناهم بده و از آن به فریادرسی تو نیازمندم. پس به فریادم برس.

خدایا! بر محمّد و خاندان محمّد درود فرست و مرا به وسیله ایشان در دنیا و آخرت رستگار و جزو مقربان [در گاهت] قرار بده. دعایم را اجابت کن، ای خدای جهانیان! (۱)

۱۱۲۲. المزار الکبیر: هنگامی که خواستی هر یک از امامان را زیارت کنی، بر سر مزارش بایست و بگو: «از تو می خواهم ای خدا! ای برافرازنده آسمان های بنا شده و ای گستراننده زمین های گسترده شده... سلام بر امام پیراسته از گناهان، پاکیزه از ستم ها، دانای فرزانه ای که در راه خدا از سرزنش کسی نمی هراسد، عالم به احکام که فرزندش از چشم مردمان غایب است، ماه کامل میان تاریکی، پرواپیشه، بی آمیغ (بدون آمیختگی)، پاک و پاکیزه، ابو محمّد حسن بن علی عسکری علیه السلام.

سلام بر امام عالم غایب از دیده ها و حاضر در شهرها، غایب از چشم ها و حاضر در اندیشه ها، باقی مانده نیکان، وارث [شمشیر] ذوالفقار. او که در خانه پرده دار خدا [کعبه] ظهور می کند و شعار خوانخواهی حسین را سر می دهد و می گوید: من ستاننده خون های ریخته شده ام. من درهم کوبنده هر گردنکش هستم. من حجت خدا بر هر ناسپاس

ص: ۴۴۳

قاصم كل جبار، أنا حججه الله على كل كفور ختار<sup>(١)</sup>، القائم المنتظر ابن الحسن عليه وآله أفضل السلام.

اللهم عجل فرجه، وسهل مخرجه، وأوسع منهجه، واجعلنا من أنصاره وأعوانه، الذابين عنه، المجاهدين في سبيله، والمستشهادين بين يديه.

اللهم صل على محمد وآل محمد وتقبل منا الأعمال، وبلغنا برحمتك الآمال وأفسح الآجال، اللهم إنا نسألك الرضا والعفو عما مضى، والتوفيق لما تحب وترضى.

ص: ٤٤٤

---

١- (١) الختار: العذر، وختار للمبالغة (النهاية: ج ٢ ص ٩ «ختار»).

خیانت پیشه هستم. بر قائم منتظر، فرزند حسن و خاندانش برترین سلام.

خدایا! در فرجش تعجیل کن و خروجش را آسان بفرما و راهش را گشاده بنما و ما را از یاران و یاورانش، از مدافعانش، از مجاهدان در راهش و شهیدان پیش رویش قرار بده.

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و اعمال ما را بپذیر و به رحمتت ما را به آرزوهایمان برسان و عمرمان را طولانی کن. خدایا! ما رضایت و گذشت تو را از گذشته و توفیق به انجام دادن آنچه را دوست می داری و به آن خشنودی، از تو می خواهیم» (۱).

ص: ۴۴۵

---

۱- (۱) المزار الکبیر: ص ۱۰۲-۱۰۷، بحار الأنوار: ج ۱۰۲ ص ۱۹۱-۱۹۳ (به نقل از سید ابن طاووس).

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

